

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۵۰

مکتبہ فضائی

نظام جامع تهذیبی حوزه‌های علمیه

به سفارش و نظارت:

مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه

تهیه و تنظیم: کاظم علی‌محمدی و مهدی محمدی صیفار

صفحه آرایشی: فرهود مقدم

چاپ: داخلی

نوبت چاپ: چاپ اول، پاییز ۱۳۹۸

* تمامی حقوق برای معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه محفوظ است *



نشانی: قم، جمکران، خیابان انتظار، مجتمع دارالولایة،
معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه

www.tahzib-howzeh.ir

نظام جامع تهذیبی حوزه های علمیه

معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه
مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی

ویراست دوم
پاییز ۱۳۹۸

مقام معظم رهبری دامپذله:

آنچه که طلبه‌ها را بالا می‌برد، تزکیه می‌کند و معراج طلبه می‌شود، عرفان نظری نیست؛ اگرچه عرفان نظری هم ممکن است کمک‌هایی بکند. باید این عرفان عملی را، این حالت سلوک را، توی طلبه‌ها انداخت. ما همت کنیم، طلبه را اهل نماز شب کنیم؛ این خیلی کمک می‌کند. برنامه‌ریزی کنید که از میان پنجاه هزار طلبه حوزه قم حالا با حذف یک عده خیلی پایین‌ترها و یک عده خیلی پیرترها- اقلأسی هزارتاشان، هرشب نماز شب بخوانند. اگر این شد به نظر من حوزه از جهت اخلاقی راه می‌افتد. بنابراین لازم است نظام جامع در همه این زمینه‌ها تهیه شود.^۱ یک دنیایی در آینده در انتظار بشریت است که ولو حالا قطعی نیست اما قابل حدس است. ما به عنوان روحانیون شیعه به عنوان روحانیون اسلام و مبلغین اسلام، باید خودمان را برای آن آماده کنیم. این بدون چشم‌انداز و برنامه‌راهبردی نمی‌شود. همچنین در ذیل آن یا تا قبل از آن، نظام جامع، هم در آموزش هم در پرورش، هم در تبلیغ و هم در رشته‌های دیگری که شما هستید باید تنظیم شود.^۲

۱. بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای عالی حوزه‌های علمیه، ۱۳۸۹/۰۸/۰۴.

۲. همان.

فهرست مطالب

پیش‌گفتار..... ۹

فصل اول: کلیات

- ۱-۱ بیان مسأله..... ۱۲
- ۱-۲ اهداف پژوهش..... ۱۲
- الف. هدف اصلی:..... ۱۲
- ب. اهداف فرعی:..... ۱۲
- ۱-۳ ضرورت پژوهش..... ۱۳
- ۱-۴ پرسش‌های پژوهش..... ۱۳
- ۱-۵ نوع و روش تحقیق..... ۱۴
- ۱-۶ پیشینه طراحی نظام‌نامه تهذیبی و تربیتی..... ۱۴
- الف) تربیت عام..... ۱۴
- ب) تربیت تخصصی..... ۱۴
- ج) تربیت نظام‌مند..... ۱۴
- ۱-۷ مفاهیم اساسی پژوهش..... ۱۷
- ۱-۷-۱ نظام..... ۱۷
- ۱-۷-۲ نظام‌نامه..... ۱۸
- ۱-۷-۳ تهذیب..... ۱۸
- ۱-۷-۴ تربیت..... ۱۸
- ۱-۷-۵ تربیت اسلامی..... ۱۹
- ۱-۷-۶ حوزه علمیه..... ۱۹
- ۱-۷-۷ نظام‌نامه تهذیبی حوزه..... ۱۹
- ۱-۷-۸ مبانی..... ۱۹
- ۱-۷-۹ مبانی تربیت..... ۱۹
- ۱-۷-۱۰ اصول تربیت..... ۲۰
- ۱-۷-۱۱ روش‌های تربیت..... ۲۰

فصل دوم: مبانی، اصول و روش های تربیتی در مکتب اهل بیت علیهم السلام

- ۲-۱ مبانی تربیت اسلامی..... ۲۲
- ۲-۱-۱ تعریف مبانی..... ۲۲
- ۲-۱-۲ انواع مبانی..... ۲۲
- ۲-۱-۲-۱ مبانی معرفت شناختی..... ۲۳
- مبنای ۱: امکان و وقوع شناخت یقینی و مطلق..... ۲۳
- مبنای ۲: امکان انتقال شناخت (تعلیم)..... ۲۴
- مبنای ۳: شناخت یا حضوری است یا حصولی..... ۲۴
- مبنای ۴: ابزارهای شناخت و معرفت دینی..... ۲۵
- ۲-۱-۲-۲ مبانی هستی شناختی..... ۲۵
- ۲-۱-۲-۳ مبانی الهیاتی..... ۲۶
- مبنای ۱: خداوند مبدأ و منشأ جهان هستی و مالک، مدبّر و ربّ حقیقی است..... ۲۶
- مبنای ۲: خداوند وجود کامل مطلق است..... ۲۷
- مبنای ۳: تنها خداوند شایسته پرستش است..... ۲۷
- مبنای ۴: خداوند همه امور عالم هستی را مقدر کرده است..... ۲۷
- مبنای ۵: مجموعه اجزای عالم هستی، نظام واحدی را تشکیل می دهند..... ۲۸
- مبنای ۶: در نظام هستی، علت و معلول حاکم است..... ۲۸
- مبنای ۷: جهان در حال شدن و دگرگونی است..... ۲۸
- مبنای ۸: نظام هستی، برترین نظام ممکن می باشد که با حکمت الهی ایجاد شده است..... ۲۸
- مبنای ۹: نظام احسن بر اساس عدالت برقرار است..... ۲۹
- مبنای ۱۰: خداوند موجودات را به سوی کمال هدایت می کند..... ۲۹
- مبنای ۱۱: هستی دارای غایت و هدف واحد است..... ۲۹
- ۲-۱-۲-۴ مبانی انسان شناختی..... ۳۰
- مبنای ۱: انسان موجود مرکب از روح و بدن است..... ۳۰
- مبنای ۲: انسان ها دارای سرشتی مشترک به نام فطرت هستند..... ۳۰
- مبنای ۳: انسان دارای کرامت تکوینی و اکتسابی است..... ۳۰
- مبنای ۴: انسان موجودی آزاد و مختار است..... ۳۱
- مبنای ۵: انسان موجودی هدف مند است..... ۳۱
- مبنای ۶: انسان همواره در پی دستیابی به کمال است..... ۳۲

- مبنای ۷: کمال نهایی انسان، قرب به خداوند متعال است. ۳۲.....
- مبنای ۸: انسان برای دست یابی به کمال حقیقی، نیازمند وحی است. ۳۲.....
- مبنای ۹: انسان دارای استعداد‌های طبیعی متنوع و قابل رشد و تعالی مداوم است. ۳۲.....
- مبنای ۱۰: انسان موجودی اجتماعی است. ۳۲.....
- مبنای ۱۱: انسان موجودی ملکف و دارای مسئولیت است. ۳۳.....
- مبنای ۱۲: زندگی دنیوی انسان، مقدمه‌ای برای زندگی اخروی است. ۳۳.....
- مبنای ۱۳: انسان در توانایی، بینش و گرایش کاستی‌هایی دارد. ۳۳.....
- ۲-۱-۲-۵ مبانی ارزش‌شناختی..... ۳۴.....
- مبنای ۱: ارزش به ذاتی و غیرری تقسیم می‌شود. ۳۴.....
- مبنای ۲: اصول ارزشی ثابت و مطلق هستند و ارزش سایر امور، متغیر و وابسته. ۳۴.....
- مبنای ۳: حد نصاب ارزش، ایمان به اصول دین است. ۳۵.....
- مبنای ۴: عقل، تجربه و وحی، راه‌های تشخیص ارزش‌ها هستند. ۳۵.....
- مبنای ۵: عدالت، اساسی‌ترین ارزش اجتماعی است. ۳۵.....
- مبنای ۶: رأفت و احسان متمم عدالت است. ۳۵.....
- ۲-۲ اصول تربیت اسلامی..... ۳۶.....
- ۲-۲-۱ ویژگی‌های حاکم بر اصول تربیتی..... ۳۶.....
- مروری بر ویژگی‌های عمومی تربیت اسلامی..... ۳۷.....
- ۲-۲-۲ اصل هم‌گرایی..... ۳۷.....
- ۲-۲-۳ اصل انطباق با اسلام..... ۳۹.....
- ۲-۲-۴ اصل جامع‌نگری..... ۳۹.....
- ۲-۲-۵ اصل تناسب و اعتدال..... ۴۰.....
- ۲-۲-۶ اصل تدریج..... ۴۲.....
- ۲-۲-۷ اصل پویایی و استمرار..... ۴۲.....
- ۲-۲-۸ اصل اولویت..... ۴۳.....
- ۲-۲-۹ اصل تدبیر و مدیریت..... ۴۴.....
- ۲-۲-۱۰ اصل توحیدمحوری..... ۴۵.....
- ۲-۲-۱۱ اصل فطرت‌محوری..... ۴۵.....
- ۲-۲-۱۲ اصل کرامت‌انسانی..... ۴۶.....
- ۲-۲-۱۳ اصل هدف‌محوری..... ۴۷.....

- ۴۷.....۲-۲-۱۴ اصل آزادی و اختیار انسان.
- ۴۸.....۲-۲-۱۵ اصل مسئولیت محوری.
- ۴۹.....۲-۲-۱۶ اصل تفاوت‌های فردی و اجتماعی.
- ۵۱.....۲-۲-۱۷ اصل حقیقت محوری.
- ۵۱.....۲-۲-۱۸ اصل ارزش محوری.
- ۵۲.....۲-۳ روش‌های تربیت.
- ۵۲.....۲-۳-۱ ارتباط روش‌ها با اصول.
- ۵۳.....نکته‌هایی درباره روش تربیت.
- ۵۵.....۲-۳-۲ دسته‌بندی روش‌های تربیت.
- ۵۵.....۲-۳-۲-۱ روش‌های بینشی (شناختی).
- ۵۵.....۲-۳-۲-۱-۱ تفکر (تأمل، تعقل و تدبیر).
- ۵۶.....۲-۳-۲-۱-۲ روش حکمت یا برهان.
- ۵۷.....۲-۳-۲-۱-۳ روش مشاهده.
- ۵۹.....۲-۳-۲-۱-۴ روش پرسش و پاسخ.
- ۶۰.....۲-۳-۲-۱-۵ روش قصه‌گویی.
- ۶۱.....۲-۳-۲-۱-۶ یادآوری نعمت‌ها.
- ۶۱.....۲-۳-۲-۱-۷ عبرت‌آموزی.
- ۶۱.....۲-۳-۲-۱-۸ نقل داستان، تاریخ و سرگذشت‌ها.
- ۶۲.....۲-۳-۲-۱-۹ ارائه الگو.
- ۶۲.....۲-۳-۲-۱-۱۰ روش مقایسه.
- ۶۲.....۲-۳-۲-۱-۱۱ روش‌های منفعل.
- ۶۳.....۲-۳-۲-۱-۱۲ سایر روش‌ها.
- ۶۳.....۲-۳-۲-۲ روش‌های گرایشی.
- ۶۴.....۲-۳-۲-۲-۱ روش‌های ایجاد، تقویت و هدایت انگیزه‌های مثبت (ترغیب).
- ۶۶.....۲-۳-۲-۲-۲ روش‌های مهار و تضعیف گرایش‌های منفی.
- ۶۹.....۲-۳-۲-۲-۳ روش‌های مشترک.
- ۷۱.....۲-۳-۲-۴ روش‌های رفتاری.
- ۷۱.....۲-۳-۲-۴-۱ سختی کشیدن، جدیت و تلاش.

- ۷۲.....۲-۴-۲-۳-۲ تلقین به نفس.....
- ۷۲.....۳-۴-۲-۳-۲ تمرین و تکرار.....
- ۷۳.....۴-۴-۲-۳-۲ زمینه سازی.....
- ۷۳.....۵-۴-۲-۳-۲ تکلیف به قدر وسع.....
- ۷۳.....۶-۴-۲-۳-۲ مرحله ای کردن تکالیف.....
- ۷۴.....۷-۴-۲-۳-۲ روش تربیت عملی.....

فصل سوم: اهداف تربیت در حوزه های علمیه و ترسیم سیمای آرمانی طلبه

- ۷۶.....۳-۱ اهداف تربیت در حوزه های علمیه.....
- ۷۷.....۳-۱-۱ ویژگی های خاص اهداف تربیتی.....
- ۷۷.....۳-۱-۲ تقسیم بندی اهداف تربیتی.....
- ۷۷.....۱. اهداف نهایی و غیر نهایی.....
- ۷۷.....۲. اهداف ساحتی و فراساحتی.....
- ۷۷.....الف) اهداف فراساحتی.....
- ۷۷.....۱. هدف غایی تربیت.....
- ۸۰.....۲. اهداف میانی تربیت.....
- ۸۰.....ب) اهداف ساحتی.....
- ۸۰.....۱. هدف نهایی.....
- ۸۰.....۲. اهداف غیر نهایی (میانی و جزئی).....
- ۸۱.....۳-۱-۳ ساحت های تربیت و مسائل آن.....
- ۸۱.....۳-۱-۳-۱ ساحت تربیت عبادی.....
- ۸۲.....مفهوم شناسی.....
- ۸۳.....هدف نهایی.....
- ۸۳.....اهداف میانی، اصول و روش های تربیت عبادی.....
- ۸۳.....هدف میانی ۱: معرفت عبادی (بعد شناختی).....
- ۸۴.....اصل ۱: لزوم آشنایی با چیستی و چگونگی عبادات.....
- ۸۵.....اصل ۲: لزوم آشنایی با ضرورت، فلسفه و اسرار عبادات.....
- ۸۵.....اصل ۳: لزوم آشنایی با شرایط صحت و مقبولیت عبادات.....
- ۸۵.....اصل ۴: لزوم شناخت عوامل و موانع کمال بخش عبادات.....

- اصل ۵: لزوم شناخت جایگاه قرآن و ادعیه و ایجاد و تقویت انس با آن‌ها. ۸۶.....
- هدف میانی ۲: محبت عبادی (بعد انگیزشی و عاطفی). ۸۶.....
- اصل ۱: لزوم ایجاد، تثبیت و افزایش محبت نسبت به خداوند. ۸۸.....
- اصل ۲: لزوم ایجاد، تثبیت و افزایش محبت نسبت به عبادت. ۸۹.....
- اصل ۳: لزوم ایجاد، تثبیت و افزایش محبت نسبت به عابدان راستین. ۹۰.....
- اصل ۴: لزوم پیراسته‌سازی متربی از افراط و تفریط در محبت (به معبود، عبادات و عابدان). ۹۱.....
- هدف میانی ۳: التزام رفتاری عبادی (بعد رفتاری و عملی). ۹۱.....
- ۳-۱-۳-۳-۳ تربیت اخلاقی. ۹۳.....
- مفهوم‌شناسی اخلاق. ۹۴.....
- تربیت اخلاقی. ۹۵.....
- واژگان مشابه (تزکیه و ادب). ۹۵.....
- مقایسه اخلاق و آداب. ۹۶.....
- اهمیت آداب اسلامی. ۹۷.....
- هدف نهایی تربیت اخلاقی. ۹۹.....
- اهداف میانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی. ۹۹.....
- هدف میانی ۱: شناخت رذایل و فضایل نفسانی. ۱۰۰.....
- هدف میانی ۲: اصلاح و تنظیم روابط و رفتارهای متربی با خود، خدا و دیگران. ۱۰۰.....
- الف) رابطه با خدا (اخلاق بندگی). ۱۰۰.....
- ب) رابطه با خود (اخلاق فردی). ۱۰۱.....
- ج) رابطه با دیگران (اخلاق اجتماعی). ۱۰۲.....
۱. لزوم آشنایی با ضرورت زندگی اجتماعی. ۱۰۳.....
۲. لزوم آشنایی با فرصت‌ها و تهدیدهای زندگی اجتماعی. ۱۰۳.....
۳. لزوم آشنایی با حقوق و وظایف زندگی جمعی. ۱۰۴.....
- هدف میانی ۳: نقش آفرینی تربیتی و اخلاقی در جامعه. ۱۰۶.....
- هدف میانی ۴: گسترش شعائر دینی در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی. ۱۰۶.....
- ۳-۱-۳-۳-۳ ساحت تربیت خانوادگی. ۱۰۶.....
- مفهوم‌شناسی. ۱۰۶.....
- خانواده. ۱۰۶.....
- تربیت خانوادگی. ۱۰۷.....

۱۰۸	هدف نهایی
۱۰۸	اهداف میانی، اصول و روش های تربیت خانوادگی
۱۰۸	هدف میانی ۱: برقراری ارتباط مؤثر خویشاوندی
۱۰۸	هدف میانی ۲: تشکیل موفقیت آمیز خانواده
۱۰۹	هدف میانی ۳: تحکیم خانواده
۱۰۹	هدف میانی ۴: تربیت صحیح فرزندان
۱۰۹	هدف میانی ۵: تعالی خانواده (حاکمیت روابط اخلاقی پایدار بین زوجین)
۱۱۱	هدف میانی ۶: آگاهی بخشی و مصونیت بخشی خانواده نسبت به آسیب ها
۱۱۲	۳-۲ ترسیم سیمای طلبه مطلوب
۱۱۲	بهره های بحث
۱۱۳	۳-۲-۱ پیشینه موضوع
۱۱۵	۳-۲-۲ دارایی های طلبه مطلوب
۱۱۶	۳-۲-۳ جامعیت
۱۱۸	۳-۲-۴ مطلوبیت الگوهای متفاوت
۱۲۰	۳-۲-۵ تمرکز در مقام تربیت
۱۲۱	۳-۲-۶ مقدمات ترسیم چهره طلبه مطلوب
۱۲۱	۳-۲-۶-۱ نظر به چهره های مطلوب
۱۲۳	۳-۲-۶-۲ شاخصه های طلبه مطلوب از دیدگاه مقام معظم رهبری <small>علیه السلام</small>
۱۲۳	الف. شاخصه های اخلاقی و تربیتی
۱۲۶	ب. شاخصه های اجتماعی
۱۳۰	۳-۲-۶-۳ چهره مطلوب طلبه
۱۳۰	۱. صورت تفصیلی
۱۳۴	۲. صورت منسجم و مختصر
۱۳۴	۳-۲-۶-۴ نصاب طلبگی
۱۳۸	الف. تفقه
۱۳۹	ب. ترکیه و حیات دینی
۱۴۲	ج. کارآمدی صنفی
۱۴۳	۳-۲-۶-۵ بهره های بحث

فصل چهارم: عوامل و موانع مؤثر بر تهذیب و تربیت در حوزه‌های علمیه

۱۴۶.....	اهمیت و ضرورت بحث.....
۱۴۶.....	تعریف عوامل و موانع تربیت.....
۱۴۷.....	۴-۱ عوامل و موانع درونی.....
۱۴۷.....	۴-۱-۱ عوامل و موانع بینشی.....
۱۴۷.....	۴-۱-۱-۱ عوامل بینشی.....
۱۴۷.....	الف. شناخت جامع و درست دین.....
۱۴۷.....	ب. بصیرت و آگاهی به زمان.....
۱۴۹.....	۴-۱-۱-۲ موانع بینشی.....
۱۴۹.....	الف. افکار و وسوسه‌های شیطانی.....
۱۴۹.....	ب. غفلت و فراموشی.....
۱۵۰.....	۴-۱-۲ عوامل و موانع گرایشی.....
۱۵۰.....	۴-۱-۲-۱ عوامل گرایشی.....
۱۵۰.....	الف. امید.....
۱۵۱.....	ب. بلندهمتی.....
۱۵۲.....	ج. اخلاص و پاک‌سازی نیت.....
۱۵۴.....	۴-۱-۲-۲ موانع گرایشی.....
۱۵۴.....	الف. هوای نفس و حب نفس.....
۱۵۵.....	ب. ضعف انگیزه طلبگی.....
۱۵۹.....	ج. ضعف اراده، سستی و تنبلی و کم‌همتی.....
۱۵۹.....	د. حب دنیا.....
۱۶۰.....	۴-۱-۳ عوامل و موانع توانشی-رفتاری.....
۱۶۰.....	۴-۱-۳-۱ عوامل توانشی-رفتاری.....
۱۶۰.....	الف. ایمان.....
۱۶۱.....	ب. تقوا.....
۱۶۲.....	ج. صبر و استقامت.....
۱۶۳.....	د. شکر و رضا.....
۱۶۶.....	هـ. توکل.....

- و. مناعت طبع..... ۱۶۹
- ز. عمل به دانسته‌ها..... ۱۷۰
- ح. تکریم استاد..... ۱۷۱
- ط. تعظیم علم..... ۱۷۳
- ی. ورزش و فعالیت بدنی..... ۱۷۴
- ک. تفریح سالم و پاک..... ۱۷۷
- ۲-۳-۱-۴ موانع توانشی - رفتاری..... ۱۷۹
- الف. شرک و ریا..... ۱۷۹
- ب. گناه..... ۱۸۰
- ج. اهمال‌کاری و تسویف..... ۱۸۲
- ۲-۴ عوامل و موانع بیرونی..... ۱۸۳
- ۱-۲-۴ عوامل و موانع معنوی..... ۱۸۳
- ۱-۲-۴ عوامل معنوی..... ۱۸۳
- الف. خداوند متعال..... ۱۸۴
- ب. انبیا، اوصیا و اولیای الهی و کتب آسمانی..... ۱۸۴
- ج. زیارت، توجه و توسل به ساحت مقدس اهل بیت علیهم‌السلام..... ۱۸۵
- د. توفیق الهی..... ۱۸۷
- هـ. توبه و استغفار..... ۱۸۷
- ۲-۲-۱-۴ موانع معنوی..... ۱۸۸
- الف. بی‌توفیقی..... ۱۸۹
- ب. شیطان..... ۱۸۹
- ۲-۲-۴ عوامل و موانع انسانی..... ۱۹۲
- ۱-۲-۲-۴ عوامل انسانی..... ۱۹۲
- الف. مدیر مدرسه..... ۱۹۲
- ب. استاد..... ۱۹۵
- ج. استاد و درس اخلاق..... ۲۰۳
- د. استاد مشاور..... ۲۰۶
- هـ. هم‌حجره، هم‌مباحثه و دوست..... ۲۰۸
- و. کارکنان و کارگزاران مدرسه..... ۲۱۲

- ز. ظرفیت خانواده طلاب..... ۲۱۷
- ح. ظرفیت های بخش ها و واحدهای فرهنگی و تربیتی در مدرسه..... ۲۱۹
- ۴-۲-۲-۲ موانع انسانی..... ۲۲۰
- الف. مدیر مدرسه..... ۲۲۰
- ب. استاد..... ۲۲۳
- ج. استاد اخلاق..... ۲۲۵
- د. استاد مشاور..... ۲۲۶
- هـ. دوست..... ۲۲۸
- ز. چالش های خانوادگی..... ۲۳۱
- ۴-۲-۳ عوامل و موانع غیر انسانی (طبیعی)..... ۲۳۳
- ۴-۲-۳-۱ عوامل طبیعی..... ۲۳۳
- ۴-۲-۳-۱-۱ فضای مدرسه علمیه..... ۲۳۳
- ۴-۲-۳-۱-۲ ظرفیت تعطیلات حوزه و اوقات فراغت طلاب..... ۲۴۴
- ۴-۲-۳-۱-۳ ظرفیت های تربیتی ایام خاص..... ۲۴۶
- ۴-۲-۳-۱-۴ عوامل اقتصادی..... ۲۵۰
- ۴-۲-۳-۱-۵ عوامل اجتماعی- فرهنگی..... ۲۵۱
- ۴-۲-۳-۲ موانع طبیعی..... ۲۵۳
- ۴-۲-۳-۲-۱ فضای مدرسه علمیه..... ۲۵۳
- ۴-۲-۳-۲-۲ ساختار و قوانین..... ۲۵۴
- ۴-۲-۳-۲-۳ نظام های مختلف حوزه..... ۲۵۴
- ۴-۲-۳-۲-۴ توسعه بی رویه مدارس علمیه..... ۲۵۷
- ۴-۲-۳-۲-۵ حجره یا خوابگاه؟..... ۲۵۷
- ۴-۲-۳-۲-۶ موانع اقتصادی..... ۲۵۹
- ۴-۲-۳-۲-۷ موانع اجتماعی- فرهنگی..... ۲۶۱

فصل پنجم: برنامه جامع تربیتی سطح یک حوزه های علمیه

- برنامه جامع تهذیبی و تربیتی برای پایه های شش گانه..... ۲۶۸
- منطق انتخاب و جانمایی موضوعات..... ۲۶۹
- ویژگی های برنامه..... ۲۷۰

۲۷۰.....	محورهای سه‌گانه.....
۲۷۰.....	محور نخست: تعمیق باورها.....
۲۷۱.....	محور دوم و سوم: تربیت آراستگی و پیراستگی.....
۲۷۱.....	گام‌های اجرایی برنامه.....
۲۷۱.....	گام اول: تبیین و توجیه برنامه.....
۲۷۱.....	۱. مطالعه دقیق و آشنایی با برنامه.....
۲۷۱.....	۲. توجیه برنامه در سطح اساتید و کادر مدرسه.....
۲۷۲.....	۳. توجیه برنامه در سطح طلاب مدرسه.....
۲۷۲.....	گام دوم: اجرای برنامه.....
۲۷۲.....	گام سوم: ارزیابی و بازخوردگیری.....
۲۷۲.....	ارکان اجرایی برنامه جامع.....
۲۷۳.....	۱. مدیر.....
۲۷۳.....	۲. استاد.....
۲۷۴.....	راهکارهای ترغیب اساتید به نقش‌آفرینی تربیتی.....
۲۷۵.....	الف. برنامه‌های عمومی.....
۲۷۵.....	فهرست برنامه‌های عمومی.....
۲۷۶.....	۱. تبیین نکات اخلاقی از قرآن و عترت.....
۲۷۶.....	۲. درس اخلاق عمومی.....
۲۷۷.....	۳. نشست صمیمی مدیر و اساتید با طلاب.....
۲۷۸.....	۴. ارتباط مدیر با خانواده‌ها.....
۲۷۸.....	۵. دیدار با علما.....
۲۷۹.....	۶. نماز جماعت.....
۲۸۰.....	۷. سحرخیزی.....
۲۸۱.....	۸. تلاوت نور.....
۲۸۱.....	۹. بصیرت‌افزایی و حفظ روحیه انقلابی.....
۲۸۲.....	۱۰. ورزش و نشاط.....
۲۸۴.....	۱۱. مناسبت‌ها و مراسم ملی و مذهبی.....
۲۸۵.....	ب. برنامه‌های اختصاصی.....
۳۰۸.....	فهرست منابع.....

پیش‌گفتار

بررسی سیر تربیتی و اخلاقی حوزه‌های علمیه در طول سابقه بیش از هزار ساله آن، گویای این واقعیت است که تربیت‌مداری و اهتمام اساتید و طلاب به امر تهذیب نفس و خودسازی، اساس و زیربنای تمامی اهداف و برنامه‌های علمی آنان بوده است. گرچه در گذشته، فرایند نظام‌مندی در این امر وجود نداشته است ولی به واسطه هدایت و راهنمایی اساتید و مربیان صاحب نفس و مهذب و در یک رابطه استاد و شاگردی که چهره به چهره، در مدرسه‌ای کوچک و محدود، بر جزئیات امور طلاب اشراف داشتند، تا حدود زیادی امر تهذیب حوزه‌ها پیش می‌رفت.

اما در حال حاضر با توجه به گسترش روزافزون مدارس علمیه، فراوانی طلاب و کمبود اساتید مهذب از یک سو و بروز و ظهور آسیب‌ها و مشکلات اخلاقی و تربیتی فراوانی که در جامعه و به تبع آن تا حدودی در میان طلاب شاهد هستیم، دیگر نمی‌توان به همان شکل سنتی گذشته امر خطیر تهذیب را در حوزه پیش برد و ضروری است که به شکل منسجم‌تر و نظام‌مندتری به امر تربیت طلاب اهتمام ورزید. بنابراین و با توجه به تأکیدهای مکرر مقام معظم رهبری «ام‌ظله» مبنی بر لزوم تدوین نظام جامع پرورشی و اخلاقی حوزه^۱ و نیز مصوبه جلسه شماره ۷۳ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۶ شورای عالی حوزه‌های علمیه (دامت برکاتهم)^۲ و موافقت و

۱. فرمایش ایشان در صفحه نخست آورده شده است.

۲. متن مصوبه چنین است: «کلیات طرح پیشنهادی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه در خصوص نظام جامع تهذیبی حوزه‌های علمیه که در راستای پیگیری مطالبات مقام معظم رهبری تدوین شده است، با تأکید بر ارائه برنامه و راهکار عملی برای مهذب و متخلق شدن طلاب به شرح پیوست مورد تصویب قرار گرفت».

ابلاغیه طرح تفصیلی پیشنهادی نظام‌نامه تهذیبی در مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۸ از سوی مدیر محترم وقت حوزه‌های علمیه، حضرت آیت‌الله حسینی بوشهری، مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی معاونت تهذیب و تربیت اقدام به تدوین نظام جامع تهذیبی و تربیتی حوزه‌های علمیه نمود. برای انجام مطالعات و بررسی‌های مورد نیاز در این پژوهش از دوروش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد و در مجموع بیش از ۶۰ مدرسه از ده استان کشور^۱ بررسی و از ظرفیت کارشناسی و دیدگاه‌های تربیتی و تهذیبی بیش از ۱۹۰ نفر (۶۸ مدیر، ۵۲ معاون تهذیب، ۴۰ استاد مدرسه و ۲۷ نفر) از کارشناسان مباحث اخلاقی و تربیتی و بزرگان حوزه^۲، جدای از ظرفیت کارشناسی درون معاونت تهذیب و تربیت، کمک گرفته شد.

همچنین، این نظام‌نامه به صورت مأموریت‌محور و براساس سند چشم‌انداز، رسالت‌ها، مأموریت‌ها و اهداف معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه تنظیم شده است. با توجه به آنچه بیان شد، نظام جامع تهذیبی و تربیتی حوزه در پنج فصل به شرح ذیل تدوین شد:

فصل اول به کلیات پژوهش اشاره دارد و مشتمل بر بیان مسأله، مفهوم‌شناسی، اهداف، ضرورت و پرسش‌ها و پیشینه پژوهش است.

در فصل دوم، مبانی، اصول و روش‌های تربیتی در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام مورد بحث قرار گرفته است. مبانی تربیت در چهار سطح مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی (الهیاتی)، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی و نیز اصول و روش‌های تربیت مورد کنکاش قرار گرفته است. فصل سوم در دو بخش تنظیم شده است؛ بخش نخست به اهداف تربیت در حوزه‌های علمیه اختصاص دارد و این اهداف در دو ساحت تربیت اخلاقی-عبادی و مهارت‌های زندگی پیگیری شده است. در بخش دوم به ترسیم سیمای آرمانی طلبه اشاره دارد و مباحثی چون دارایی‌های طلبه مطلوب، شاخصه‌های طلبه مطلوب از نگاه رهبری، چهره مطلوب

۱. با بهره‌گیری از ظرفیت کارشناسی استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، ایلام، تهران، خراسان رضوی، قم، قزوین، لرستان، مرکزی، همدان و یزد.

۲. فهرست اسامی و متن یا فایل صوتی مصاحبه با این بزرگواران در مدیریت مطالعات تربیتی و فرهنگی معاونت تهذیب محفوظ است.

طلبه و نصاب طلبگی مطرح شده است.

فصل چهارم به عوامل و موانع مؤثر تربیت اخلاقی در حوزه‌های علمیه پرداخته است؛ در این فصل، عوامل و موانع تربیتی به دو بخش درونی و بیرونی تقسیم شده است؛ در بخش عوامل و موانع درونی، به عوامل و موانع بینشی، گرایشی و رفتاری اشاره شده است. عوامل و موانع بیرونی نیز به عوامل و موانع الهی و معنوی، انسانی و غیرانسانی (طبیعی) تقسیم و توضیحاتی درباره هر یک ارائه شده است.

فصل پایانی نیز به تبیین برنامه جامع تربیتی حوزه‌های علمیه برای طلاب سطح یک اختصاص یافته است.

در پایان از بذل توجه و عنایت اعضای محترم شورای عالی حوزه‌های علمیه (دامت توفیقاتهم) و مدیریت محترم حوزه‌های علمیه که زمینه انجام پژوهش حاضر را فراهم نمودند و نیز از همه مدیران، معاونان تهذیب و تربیت، اساتید مدارس علمیه و کارشناسان بزرگواری که ما را در مراحل مختلف اجرا و تدوین این پژوهش یاری کردند، صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می‌کنیم و برای ایشان توفیق، سربلندی و شادکامی آرزو مندیم.

از همه مدیران، اساتید، بزرگان و کارشناسان اخلاقی و تربیتی حوزه خواشمندیم که ما را از پیشنهادهای و انتقادات اصلاحی و تکمیلی خود بهره‌مند سازند. به امید آنکه گامی هر چند کوچک برای جلب رضایت مولایمان حضرت ولی عصر علیه السلام برداشته باشیم.

معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه

مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی تهذیبی



فصل اول:

کلیات



۱-۱ بیان مسأله

بی‌شک مسأله تہذیب و تربیت انسان و به تعبیر قرآنی تزکیه، اصلی‌ترین و مهم‌ترین هدف انبیا و اولیای الهی علیہم‌السلام بوده است و همه‌ی ادیان الهی و حتی مکاتب بشری در مقام ترسیم سیمای انسان مطلوب و دستیابی به آن، دارای مبانی، اصول، اهداف، راهبردها و روش‌هایی می‌باشند که مجموعه این امور، نظام تربیتی آن‌ها را تشکیل می‌دهد، گرچه در مقام تبیین این موضوعات، به این صراحت و روشنی نتوان چنین نظامی را مشاهده کرد.

در میان آثار و نوشته‌های علمی اندیشمندان مسلمان، گرچه در باب اخلاق و تربیت، کتاب‌های مستقل زیادی نوشته شده و مطالب فراوانی به چشم می‌خورد؛ ولی کم‌تر اثری در این زمینه می‌توان یافت که به صورت منسجم و با رویکردی نظام‌مند به امر «اخلاق و تربیت اسلامی» نگریسته باشد. فقدان رویکرد منسجم و نظام‌مند در این عرصه و پراکندگی و گاه تعارض میان آثار تولید شده، باعث شده تا هم‌چنان دستیابی به یک مجموعه متقن و قابل اطمینان در باب نظام اخلاقی و تربیتی اسلام میسر نباشد.

بررسی سیر تربیتی و اخلاقی حوزه‌های علمیه نیز، نشان می‌دهد که تربیت‌مداری و اهتمام اساتید و طلاب به امر تہذیب نفس و خودسازی، اساس و زیربنای تمامی اهداف و برنامه‌های علمی آنان بوده است. گرچه در این جا نیز فرایند نظام‌مندی در زمینه تہذیب و تربیت طلاب وجود نداشته است، ولی به واسطه هدایت و راهنمایی اساتید و مربیان صاحب نفس و مہذب و در یک رابطه استاد و شاگردی که چهره به چهره در مدرسه‌ای کوچک و محدود، بر جزئیات امور طلاب اشرف داشتند، تا حدود زیادی امر تہذیب حوزه‌ها پیش می‌رفت؛ اما در حال حاضر با توجه به توسعه مدارس علمیه، فراوانی طلاب و کمبود اساتید مہذب از یک سو و بروز و ظهور برخی آسیب‌ها و مشکلات اخلاقی و تربیتی در میان طلاب و حوزویان،

دیگر نمی‌توان به همان شکل سنتی گذشته، برنامه‌های تهذیبی و تربیتی حوزه را پیش برد و ضروری است که به شکل منسجم‌تر و نظام‌مندتری به این امر اهتمام ورزید. از این رو، تدوین نظام‌نامه تهذیبی حوزه‌های علمیه در دستور کار مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت قرار گرفت.

چنانچه پیش‌تر نیز بیان شد، این نظام‌نامه به صورت مأموریت‌محور و عملیاتی تنظیم شده و با توجه به اهداف و مأموریت‌های تهذیبی معاونت تهذیب، مباحث آن به دو ساحت «تربیت اخلاقی - عبادی» و «تربیت خانوادگی» طلاب و حوزویان محدود گشته است.

۱-۲ اهداف پژوهش

الف. هدف اصلی: تهیه نقشه راه جامع فعالیت‌های تهذیبی و تربیتی حوزه‌های علمیه.

ب. اهداف فرعی:

- تعیین مبانی، اصول، اهداف و روش‌های تربیت در حوزه‌های علمیه؛
- بررسی و تعیین ویژگی‌های تهذیبی و تربیتی طلبه مطلوب (ترسیم سیمای آرمانی طلبه)؛
- شناسایی و معرفی عوامل و موانع مؤثر تهذیبی در حوزه‌های علمیه؛
- ارائه راهکارهای عملی برای مهذب و متخلّق شدن حوزویان و ترویج و توسعه تهذیب در حوزه‌ها؛
- ارائه برنامه جامع تهذیبی و تربیتی برای سطح یک حوزه‌های علمیه (از ترم اول تا پایان ترم دوازدهم).

۱-۳ ضرورت پژوهش

با توجه به اهمیت موضوع تربیت و تهذیب در حوزه‌ها و اینکه باید روح حاکم بر تمامی برنامه‌ها و خون جاری در همه بخش‌های حوزه باشد، به نظر می‌رسد در حاشیه بودن تربیت اخلاقی - عبادی و نگاه غیرنظام‌مند و فردی به این عرصه، از کاستی‌ها و چالش‌های اساسی این عرصه می‌باشد. پژوهش حاضر میکوشد با نگاهی موشکافانه به وضعیت اخلاقی فعلی حوزه و آسیب‌های اخلاقی و تربیتی موجود و با رویکردی نظام‌مند و با استفاده از تجارب مفید گذشته و حال و یافته‌های جدید در عرصه تربیت به این وضع، سامان بخشد و با تدوین

نظام جامع تهذیبی و تربیتی به این مطالبه اصلی و جدی مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید علیهم‌السلام و سایر بزرگان و اساتید حوزه در رابطه با نظام رفتاری حوزه جامه عمل بپوشاند و زمینه‌های مناسبی جهت پیش‌گیری و رفع آسیب‌ها و ایجاد وحدت رویه در سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی برنامه‌های تهذیبی حوزه‌های علمیه فراهم نماید (ان شاء الله تعالی). بنابراین و نظر به اینکه تاکنون چنین پژوهشی در حوزه انجام نشده است، انجام پژوهش حاضر ضروری می‌نماید.

۱-۴ پرسش‌های پژوهش

- با توجه به آنچه که بیان شد، در این جا به دنبال یافتن پاسخ‌های روشن به پرسش‌های زیر هستیم:
- مبانی، اصول، اهداف و روش‌های تربیت در حوزه‌های علمیه کدام‌اند؟
 - ویژگی‌های تهذیبی و تربیتی طلبه مطلوب چیست؟
 - مهم‌ترین عوامل و موانع مؤثر تهذیبی و تربیتی در حوزه‌های علمیه کدامند؟
 - مهم‌ترین روش‌ها و راهکارهای عملی برای مهذب و متخلّق شدن طلاب و ترویج و گسترش تهذیب در حوزه‌های علمیه چیست؟
 - چگونه می‌توان برنامه جامع تهذیبی و تربیتی برای سطح یک حوزه‌های علمیه ارائه نمود؟

۱-۵ نوع و روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های بنیادی-توسعه‌ای با رویکرد نظام‌سازانه دینی و به روش کیفی است که به شیوه توصیفی و تحلیلی انجام می‌یابد. جمع‌آوری داده‌های این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و دیجیتالی و نیز انجام مصاحبه‌های ساختاریافته با مدیران، اساتید و کارشناسان اخلاقی و تربیتی حوزوی است.

در واقع پژوهش حاضر در دو سطح و با استفاده از دوروش اسنادی (کتابخانه‌ای) و میدانی انجام شده است؛ فصل دوم و سوم با بهره‌گیری از روش اسنادی، فصل چهارم با استفاده از روش میدانی و فصل پنجم با تلفیقی از دوروش یاد شده تدوین شده است.

۶-۱ پیشینه طراحی نظام‌نامه تهذیبی و تربیتی

پژوهش‌ها و آثاری که در زمینه اخلاق و تربیت انتشار یافته و در دسترس عموم قرار گرفته‌اند، در سه گروه ذیل قابل گزارش هستند:^۱

الف) تربیت عام

در این‌گونه از کتاب‌ها و پژوهش‌ها، نویسندگان تلاش کرده است تا به بررسی مؤلفه‌هایی چون مبانی تربیت، اصول و روش‌های تربیت، بایدها و نبایدهای مربی و متربی، عوامل و موانع تربیت و... به صورت نظری بپردازند. از افراد شاخص در رویکرد اسلامی می‌توان از شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، مرحوم علی صفایی حائری، آیت‌الله علی‌رضا اعرافی، دکتر خسرو باقری و... نام برد.

به تناسب نیازی که تنظیم این نظام تهذیبی به این سنخ مباحث داشت، پژوهش‌های تولید شده در این زمینه مطالعه و در بخش‌های مختلف نظام‌نامه از آن‌ها استفاده شد.

ب) تربیت تخصصی

این سنخ از پژوهش‌ها، نگاهی موضوعی و تخصصی به امر تربیت دارند؛ مثل تربیت اخلاقی، تربیت عبادی، تربیتی معنوی، تربیت اجتماعی، تربیت جنسی، تربیت اقتصادی، تربیت فرهنگی هنری و...

ج) تربیت نظام‌مند

تربیت نظام‌مند به تربیتی گفته می‌شود که در آن برای مخاطبان خاص، با اقتضائات و ویژگی‌های خاص و با هدف تربیت عمومی و اختصاصی مخاطبان خود طراحی می‌شود. این سنخ از پژوهش‌های تربیتی، چون برای استفاده در یک سازمان خاص طراحی می‌شوند، اغلب عملیاتی، سیاست‌محور و تا حدودی جامع‌نگر هستند و اقتضائات بیرونی در تنظیم آن‌ها بسیار اثرگذارند. این سنخ آثار بسیار محدودند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- شاید بتوان گفت مهم‌ترین پژوهشی که در زمینه تدوین نظام‌نامه تربیتی صورت گرفته،

۱. این دسته‌بندی از نظام تربیتی بسیجیان (۱۳۹۱)، ص ۳۶ و ۳۷ اقتباس و الگوبرداری شده است.

نظام‌نامه تربیتی جامعه المصطفی ﷺ العالمیه می‌باشد؛ این پژوهش که از سوی معاونت فرهنگی تربیتی جامعه انجام و منتشر شده، دارای یک مقدمه، شش فصل و یک پیوست می‌باشد. مهم‌ترین مباحثی که در این شش فصل به آن پرداخته شده، عبارت است از: مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، عوامل و موانع و ساحت‌های تربیت اسلامی. با وجود تلاش‌های چندین ساله برای تدوین این نظام‌نامه، لکن در مرحله عملیاتی سازی مباحث نظام‌نامه، هنوز اقدام عملی قابل توجهی گزارش نشده است. ضمن اینکه مخاطبان اصلی این نظام‌نامه طلاب خارجی، اعم از برادر و خواهر و با ملیت‌های مختلف از سراسر دنیا هستند و بیش‌تر با این نگاه و رویکرد تدوین شده است. ضمن این که نظام آموزشی و تحصیلی جامعه، با نظام تحصیلی فعلی حوزه‌های علمیه کشور متفاوت است.

۲- همچنین می‌توان به «طرح تربیتی سفیران هدایت»، اشاره نمود. در این طرح که از سوی شورای علمی و برنامه‌ریزی مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ برای طلاب مدارس سفیران هدایت سراسر کشور آماده شده، پس از بیان مقدمه، تعریف تربیت و اهداف، اصول و سیاست‌های کلان تربیتی، به ترسیم اهداف تفصیلی در حوزه تعمیق باورها (شامل ایمان به خدا، ایمان به غیب، ولایت معصومین ﷺ، خودشناسی، اخلاص، توکل و تعبدمداری در حوزه‌های مربوطه)، حوزه رفتارهای اساسی (شامل تقوا، اهتمام به نماز، انس با قرآن، دعا و مناجات و ذکر، توسل، شکر، التزام عملی به نظام و ولایت فقیه، امر به معروف و نهی از منکر، کرامت‌طلبگی، صداقت، عدم کتمان حقیقت، پرهیز از حسد، رعایت اخلاق اسلامی با خانواده و نظم و انضباط) و حوزه رفتارهای ارزشی (شامل دلسوزی، مردمی زیستن، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌خواهی، قانون‌پذیری، صبر و استقامت، پرهیز از حرص و طمع و بخل، قدرشناسی از زحمات دیگران، مراعات حقوق شخصی، بهداشت فردی، فراهم کردن زمینه‌های لازم جهت رشد استعدادها و هنری و حفظ محیط زیست) پرداخته است. در ادامه با اشاره فهرست‌وار به عوامل مؤثر در تربیت، راهکارهای اهداف تفصیلی در سه حوزه یاد شده بیان شده است. در پایان نیز با آوردن جدول‌هایی، این اهداف و راهکارها برای ده نیم‌سال تحصیلی توزیع شده است.

این طرح با وجود مزایا و نوآوری‌هایی که در سبک ارائه دارد، کاستی‌های جدی دارد؛ اول اینکه فاقد مباحث مقدماتی، پیشینه پژوهش، روش تحقیق و... است. دوم این که بسیار مختصر و مجمل است و در بیش تر موارد فقط به ذکر فهرست وار مطالب بسنده کرده است. سوم این که سیر منطقی تدوین یک نظام نامه و حتی یک طرح پژوهشی را ندارد. چهارم این که برای دوره‌های کوتاه مدت طلاب سفیران هدایت طراحی شده و با این وضعیت قابلیت اجرا در دوره‌های بلندمدت حوزه را ندارد.

البته لازم به ذکر است که در مرحله عملیاتی سازی نظام نامه حاضر و برنامه جامع تهذیبی و تربیتی سطح یک حوزه از یافته‌ها، تجارب و ظرفیت نظام نامه تربیتی سفیران هدایت، با رفع کاستی‌ها و تکمیل و ارتقای برنامه‌های آن، به خوبی بهره گرفته است.

۳- از دیگر طرح‌های تربیتی حوزوی، می‌توان «برنامه جامع تربیتی- آموزشی مدرسه نمونه علمیه بنیان مرصوص» شهرری را نام برد. این برنامه قصد دارد دوره ده ساله سطح را در هفت سال به پایان برساند و هدف کلان از برنامه خود را تربیت طلبه مهذب، مسلط در علوم وحیانی و فعال و مؤثر در نظام اسلامی تعیین کرده است. در طرح هدف از عنوان مهذب، تخلق به اخلاق الهی و کنترل رذائل اصلی اخلاقی در نظر گرفته شده و درس اخلاق نظری، انس با قرآن کریم و انس با اهل بیت علیهم‌السلام و تقویت روحیه هنری برای تسهیل دستیابی به این هدف در برنامه گنجانده شده است. در رابطه با هر یک از اهداف یاد شده نیز سیاست‌ها، راهبردها و تأمین‌کننده‌هایی بیان شده است.

این طرح از سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ به صورت آزمایشی در مدرسه علمیه شهرری در حال اجرا است. در ارزیابی این طرح باید گفت که اولاً هنوز خروجی خاصی نداشته و ثانیاً اهداف آموزشی و مهارتی در آن بسیار پررنگ‌تر از اهداف تربیتی و تهذیبی دیده شده و حتی برنامه‌ریزی برای دستیابی به اهداف تهذیبی، بیش تر بر مباحث نظری و شناختی تکیه شده و ظاهراً مسأله عبودیت و روحیه بندگی جندان مورد اهتمام قرار نگرفته است.

۴- همچنین می‌توان به گزارش پژوهش «طراحی الگوی مدرسه علمیه مطلوب» شورای مدیریت حوزه علمیه خراسان (۱۳۸۸) اشاره نمود. چنانچه از عنوان این پژوهش نیز

پیداست، بیش‌تر بر طراحی یک مدرسه مطلوب تأکید دارد، لکن در بخش چهارم با عنوان برنامه‌های تربیتی مدرسه مطلوب مطالب مفیدی بیان شده و در نظام‌نامه حاضرگاهی از طرح‌ها، برنامه‌ها و ایده‌های مطرح شده در آن استفاده شده است.

۵- از میان نظام‌نامه‌های نهادهای غیرحوزوی، می‌توان به منشور تربیتی نسل جوان اشاره نمود که از سوی دبیرخانه شورای عالی جوانان تدوین شده و به مثابه میثاق ملی و آرمانی و چارچوب نظری، سیاست‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران را در خصوص رشد و اعتلای فرهنگی و تربیتی نسل جوان ترسیم نموده و مشتمل بر ۹۸ اصل تربیتی^۱ است که سیمای کامل نسل جوان را در ابعاد گوناگون حیات فردی و اجتماعی به تصویر کشیده است. این منشور پس از تصویب در شورای عالی جوانان (تابستان ۱۳۷۴)، توسط رئیس جمهور وقت به عنوان راهنمای عملی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی برای اجرا به دستگاه‌ها ابلاغ شده است.

۶- یکی دیگر از نظام‌نامه‌های موجود، سند ملی آموزش و پرورش می‌باشد که علاوه بر بعد آموزشی و تعلیمی آن که محور اصلی سند است، بعد تربیتی آن نیز پررنگ است. این اثر شامل چند محور اساسی است:

الف. فلسفه تربیت: که چهارچوب نظری راهنمای ساماندهی و هدایت انواع تربیت در جمهوری اسلامی است؛

ب. فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی: «مجموعه‌ای از گزاره‌های مدلل و مدون می‌باشد که تبیین چیرستی، چرایی و چگونگی تربیت را برپایه‌ی فلسفه‌ی تربیتی، بر عهده می‌گیرد تا به هدایت، جهت‌دهی و اصلاح مداوم این بخش مهم از جریان تربیت با توجه و التزام به چنین مجموعه‌ای بپردازد»؛

ج. رهنامه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی: «ساماندهی نظام تربیت رسمی و

۱. این اصول در ۱۴ بخش دسته‌بندی شده‌اند و به ترتیب عبارتند از: «ایمان و معرفت، اخلاق و معنویت، تعلیم و تربیت، تدبیر و سیاست، فرهنگ و تمدن، خانواده و ازدواج، روابط و مناسبات انسانی، تلاش و سازندگی، تعاون و تعهد اجتماعی، علوم و فنون، خلاقیت و ابتکار، هنر و ادب، سیروسیاحت، ورزش و تربیت بدنی». متناسب با هر عرصه، اصول تربیتی ارائه شده است. بعد از تبیین هراصل، روش‌های جزئی برای مربی تعریف شده است تا بتواند براساس آن‌ها، اصول ۹۸گانه فوق را اجرا نماید.

عمومی در جامعه اسلامی ایران، علاوه بر تکیه بر فلسفه تربیت و فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، نیازمند تدوین الگوی نظری جامعی است که لوازم و دلالت‌های این دو مجموعه را در عرصه عمل مشخص کند. این الگوی نظری جامع، که از آن با عنوان «رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» یاد می‌شود، خصوصیات وضعیت مطلوب این نظام را با بیان تعریف و قلمرو، رسالت، اهداف، کارکردها، رهیافت، رویکردهای اصلی، ساختار و روابط این نظام و همچنین با بیان تعریف، وظایف، رویکردها، اصول و روابط هر یک از زیرنظام‌های اصلی آنرا، ترسیم می‌نماید.»

۷- نیز می‌توان به نظام تربیتی بسیجیان اشاره نمود که در سال ۱۳۹۱ توسط مؤسسه فرهنگی سبل السلام و با هدف رفع نیاز سازمان بسیج مستضعفین به مبانی نظری و ابعاد عملی حوزه تربیت تدوین گردیده است.

بنابراین و با توجه به ضعف‌ها و کاستی‌های کارهای انجام شده و نظر به اینکه بسیاری از این پژوهش‌ها حتی پژوهش‌های حوزوی با رویکرد تدوین نظام جامع تهذیبی برای طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور تدارک دیده نشده‌اند، ضروری است پژوهش جدیدی با رویکرد جدید انجام شود که بتواند نیازمندی‌های تهذیبی حوزه‌های علمیه کشور را با نگاه به ضعف‌ها، نیازها و آسیب‌های شناسایی شده، پوشش دهد و کاستی‌های نظام‌نامه‌های یاد شده را نیز نداشته باشد. با این وجود، در این پژوهش سعی بر این است که راه رفته آنان دوباره تکرار نشود و تا جایی که ممکن است از دست‌آوردهای علمی و پژوهشی موجود نهایت استفاده بشود.

۱-۷ مفاهیم اساسی پژوهش

۱-۷-۱ نظام

واژه نظام در لغت به معنای «واسطه نظم و آراستگی»، «هر چیزی که امری بدان قائم باشد و پایه آن بود» و نیز «قوام و آراستگی و نظم و ترتیب» می باشد^۱ و در اصطلاح علم مدیریت، عبارت است از: «مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته که به علت وابستگی حاکم بر اجزای خود، کلیت جدیدی را احراز می‌نماید و ضمن پیروی از نظم خاص، در جهت تحقق هدف معینی که دلیل وجودی آن است، فعالیت می‌کند. مانند نظام بدن انسان، نظام آموزشی کشور و...»^۲.

۱-۷-۲ نظام‌نامه

مجموعه‌ای است از عناصر و اجزاء به هم پیوسته و نظام‌مند که شامل مبانی، اهداف، اصول، سیاست‌ها و راهکارهایی است که به منظور ایده‌آل‌سازی و متعالی نمودن وضع موجود تدوین یافته است.^۳

۱-۷-۳ تهذیب

تهذیب در لغت به معنای پاکیزه کردن، اصلاح کردن، خالص کردن و شتاب کردن است^۴ و مُهذَّب کسی است که پیراسته از عیوب اخلاقی و آراسته به اوصاف نیکو باشد. مراد از تهذیب در این پژوهش عبارت است از: ایجاد زمینه‌ها، رفع موانع و استفاده از عوامل و شیوه‌های مؤثر جهت پرورش و شکوفایی استعدادهای اخلاقی و تربیتی حوزویان.

۱-۷-۴ تربیت

تربیت^۵ عبارت است از: «رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه نظام.

۲. جزوه کلیات و ساختار نظام‌نامه، دفتر مطالعات راهبردی شورای عالی حوزه‌های علمیه، ص ۵، به نقل از: زاهدی، تجزیه و طراحی سیستم‌ها، ص ۷.

۳. همان، ص ۷.

۴. فراهیدی، العین، ذیل واژه «هذَّب».

۵. کلمه تربیت در لغت‌نامه "المنجد" به معنای نشو و نما دادن، زیاد کردن، برکشیدن و مرغوب ساختن، آمده و معادل کلمه انگلیسی Educaion به معنای پرورش و رشد جسمی و غیر جسمی است که در فارسی به پرورش ترجمه شده است. راغب اصفهانی نیز در «مفردات» این واژه را از ریشه «ربو» به معنای زیادت و فزونی، رشد و برآمدن، ذکر کرده و کاربردهای گوناگون از این ریشه را به همین معنا دانسته است.

کمال مطلق [قرب الهی] شکوفا شود^۲.

به بیانی دیگر، «تربیت به معنای فراهم آوردن زمینه فکری برای به فعلیت رساندن قوا و استعداد‌های نهفته آدمی و تعدیل غرائز در جهت رساندن انسان به هدف نهایی خود- که مقام قرب خداوند و خلیفه الهی است- می‌باشد»^۳.

۵-۷-۱- تربیت اسلامی

تربیت اسلامی یعنی: «پرورش همه جنبه‌های فکری، عاطفی، جسمی و اجتماعی شخصیت انسان و ساماندهی رفتارهای او بر اساس مبانی و دستوره‌های اسلامی برای تحقق هدف‌های اسلام در زمینه‌های گوناگون زندگی»^۴.

به عبارت دیگر، تربیت اسلامی عبارت است: «از شکوفایی استعداد‌های خدادادی در انسان به منظور ایجاد اعتدال در زندگی و با قصد رسیدن به اهداف و کمال مطلوب مورد نظر خداوندی»^۵.

۶-۷-۱- حوزه علمیه

«حوزه علمیه نهادی است آموزشی، تهذیبی، پژوهشی، تبلیغی و مدیریتی که در راستای حاکمیت قرآن و رسالت نبی مکرم اسلام ﷺ و اهل بیت ﷺ با هدف تعلیم، تبیین، تبلیغ و صیانت از فرهنگ و معارف دینی در جهت هدایت جامعه و اعتلای کلمه توحید فعالیت می‌کند»^۶.

۱. مصطفی دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، ص ۲۴.

۲. امروزه مقصود بسیاری از اندیشمندان مسلمان از واژه تربیت، آن‌گاه که آن را در برابر تعلیم قرار می‌دهند و درباره انسان به کار می‌گیرند، «پرورش روحی و معنوی» است. قرآن کریم برای اشاره به پرورش معنوی و اخلاقی از واژه «تزکیه» استفاده کرده است؛ چنان‌که با اشاره به اهداف بعثت می‌فرماید: «تَزَكِيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ؛ تا پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد». این واژه اغلب بار ارزشی مثبت دارد و درباره آن نوع پرورش که اراده شخصی پرورش یابنده در آن مؤثر است، به کار می‌رود. تعبیر «تزکیه نفس» هم به معنای «پاک کردن» نفس از رذایل، و هم «پاک شمردن» آن (خودستایی) به کار می‌رود. از این رو، قرآن کریم از یک‌سو تزکیه نفس را مایه رستگاری آدمی دانسته: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ هر کسی نفس خود را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد» (شمس، آیه ۹) و از سوی دیگر، این چنین از آن نهی کرده است: «فَلَا تَزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ؛ پس خودتان را پاک م‌شمارید.» (نجم، آیه ۲۲). (گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۲۶-۲۷).

۳. اسماعیلی یزدی، فرهنگ تربیت، ص ۴۰.

۴. گروه نویسندگان، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، ص ۲۸.

۵. افخمی اردکانی، تبیین روش‌های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، ص ۱۴.

۶. پیش‌نویس سند چشم‌انداز حوزه علمیه، تهیه و تنظیم دفتر برنامه‌ریزی و نظارت مرکز مدیریت و شورای عالی حوزه‌های علمیه، دی

ماه ۱۳۸۷، ص ۶.

۱-۷-۷ نظام‌نامه تهذیبی حوزه

نظام‌نامه تهذیبی حوزه، مجموعه‌ای است از عناصر و اجزای به هم پیوسته و نظام‌مند تهذیبی اعم از مبانی، اهداف، اصول، سیاست‌ها، عوامل، موانع، روش‌ها و راهکارهای تهذیبی که با هدف اصلاح وضعیت موجود، بهبود فرایند تهذیب و تربیت و نیز ارتقای وضعیت اخلاقی و تربیتی طلاب و دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه تدوین می‌شود.

۱-۷-۸ مبانی

مبانی «زیرساخت اعتقادی، فلسفی و نوع شناخت هر مکتبی از مبدأ هستی، جهان و انسان است. بنابراین اهداف، خط‌مشی و شیوه‌های عملی در هر زمینه باید بر اساس آن مبانی بنیان نهاده شود و در واقع امتیاز هر مکتبی به مبانی آن بستگی دارد.»^۱

۱-۷-۹ مبانی تربیت

مبانی تربیت، گزاره‌هایی توصیفی‌اند که جهت‌گیری کلی تربیت را مشخص کرده و در تعیین اصول و روش‌های تربیت، ایفای نقش می‌کنند.^۲

مبانی آموزش و پرورش را می‌توان به طور کلی به دو دسته تقسیم کرد: مبانی علمی و مبانی فلسفی؛ مبانی علمی آموزش و پرورش با توجه به جنبه‌های زیستی، اجتماعی و روانی مورد تربیت مشخص می‌شوند. مبانی فلسفی آموزش و پرورش، از ملاحظات اخلاقی و فلسفی مربوط به طبیعت آدمی و هدف‌ها و غایات تربیت افراد استنتاج می‌شوند.^۳ در مورد دین و آموزه‌های دینی، صاحب‌نظران تربیت، مبانی دینی را در ذیل مبانی فلسفی قرار داده‌اند.

۱-۷-۱۰ اصول تربیت

اصول تربیت، گزاره‌های تجویزی برآمده از مبانی و اهداف بوده که راهنمای فرایند تربیت از مبدأ تا هدف در عرصه عمل است. این اصول ناظر به باید‌ها و نبایدهای عملیات تربیت (تعیین اهداف

۱. رهبر و رحیمیان، اخلاق و تربیت اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۷.

۲. رک: داودی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، نشریه تربیت اخلاقی، ۱۳۹۰، ص ۷۷.

۳. شکوهی، تعلیم و تربیت و مراحل آن، ۱۳۷۶، ص ۵۶ و ۵۷.

میانی، ساحت‌ها و مراحل، شرایط به کارگیری عوامل و جلوگیری از موانع، و روش‌ها) می‌باشد.^۱

۱۱-۷-۱ روش‌های تربیت

روش‌های تربیت اسلامی، که با عناوین کلی بیان می‌شوند، ناظر به انواعی از فعالیت‌های اختیاری در حوزه تربیت اسلامی هستند که می‌توانند ما را - هرچند در شرایطی - به اهداف مطلوب در این حوزه برسانند. این روش‌ها که همه با مؤلفه‌های تربیت اسلامی به نوعی ارتباط دارند و از تأثیر این فعالیت‌ها بر تربیت انتزاع می‌شوند، خود دارای مراتب طولی هستند و برخی از آنها برای اهداف مختلف به کار می‌روند. از سوی دیگر، برای رسیدن به یک هدف نیز ممکن است روش‌های متنوع و احیاناً متزاحم وجود داشته باشد.^۲

به بیان دیگر، روش‌های تربیتی، مکانیزم‌ها و فعالیت‌های ایجاد تغییر رفتار و خصوصیات شخصیتی در مرتبه هستند که در فرآیند تربیت به کار می‌روند تا مرتبه به هدف نهایی تربیت (قرب الهی) برسد. روش‌ها نوعی فعالیت و عمل در سایه اصول می‌باشند.^۳

۱. زک: گروه نویسندگان، همان، ص ۲۹۷.

۲. گروه نویسندگان، زینظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۴۵۰.

۳. نظام‌نامه تربیتی جامعه المصطفی العالمیه، (چاپ محدود و داخلی)، ۱۳۸۸، ص ۹۵.



فصل دوم:

مبانی، اصول و روش‌های تربیتی

در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام



۲-۱ مبانی تربیت اسلامی

۲-۱-۱ تعریف مبانی

در هر علم با پیش فرض هایی رو به رو هستیم که یا بدیهی اند یا در علمی دیگر به اثبات می‌رسند. یکی از اصلی ترین این پیش فرض ها «محال بودن اجتماع نقیضین» است که بدون پذیرش آن، هیچ گزاره ای در هیچ دانشی به اثبات نخواهد رسید... هر یک از دانش های بشری، افزون بر این پیش فرض بدیهی، مبتنی بر پیش فرض های بسیاری است که اگر بدیهی نباشد باید در علوم دیگر اثبات شوند. این پیش فرض ها را مبانی می نامند؛ زیرا زیربنای بنیان های دیگر به شمار می روند. بنابراین، می توان مبانی تربیت اسلامی را چنین تعریف کرد: «گزاره های خبری که یا بدیهی اند یا از دانش هایی دیگر وام گرفته می شوند و برای تعیین اهداف، اصول، ساحت ها، مراحل، عوامل، موانع و روش های تربیت اسلامی به کار می آیند»^۱.

مبانی تربیت، گزاره هایی توصیفی اند که جهت گیری کلی تربیت را مشخص کرده و در تعیین اصول و روش های تربیت، ایفای نقش می کنند.^۲

«مبانی زیرساخت اعتقادی، فلسفی و نوع شناخت هر مکتبی از مبدأ هستی، جهان و انسان است. بنابراین اهداف، خط مشی و شیوه های عملی در هر زمینه باید بر اساس آن مبانی بنیان نهاده شود و در واقع امتیاز هر مکتبی به مبانی آن بستگی دارد.»^۳

۲-۱-۲ انواع مبانی

با توجه به تعریف، برای تعیین دانش هایی که باید گزاره های مبنا را از آنها اخذ کنیم، باید با توجه به انواع مباحثی که در تربیت مطرح است، مهم ترین پیش نیازهای ورود به این مباحث را بررسی کنیم. توجه به نکات زیر می تواند در این خصوص راه گشا باشد:

۱. گروه نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۶۵.

۲. رک: داودی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، نشریه تربیت اخلاقی، ۱۳۹۰، ص ۷۷.

۳. رهبر و رحیمیان، اخلاق و تربیت اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۷.

۱. موضوع تربیت اسلامی، انسان است و هدف عام آن، دادن آگاهی‌های لازم و فراهم کردن زمینه مناسب برای رشد و شکوفایی استعدادهای انسان به منظور کمال‌یابی و بسترسازی جهت وصول به کمال نهایی است. به این جهت، شناخت انسان و قابلیت‌های او از جهات مختلف بدنی، روحی، فردی و اجتماعی و توجه به دیدگاه اسلام درباره آنها، از پیش‌نیازهای مباحث تربیت اسلامی است (مبانی انسان‌شناختی).

۲. برخی مباحث معرفت‌شناسی، به طور عام، همچون امکان‌شناخت یقینی و مطلق و نیز برخی مباحث معرفت‌شناسی دینی مانند اعتبار انواع معرفت‌های دینی برای تعیین مؤلفه‌های تربیت، در گرو موضوع ما در این مباحث است. همچنین بدون توجه به این مباحث، نمی‌دانیم در تعارض میان داده‌هایی که با روش‌های مختلف درباره مؤلفه‌های تربیت اسلامی به دست می‌آیند، جانب کدام روش یا داده معرفتی را ترجیح دهیم. به این ترتیب، مناسب است بخشی از مبانی تربیت اسلامی را به مبانی معرفت‌شناختی اختصاص دهیم.

۳. هدف‌گذاری در تربیت نیازمند معیار است و اهداف مختلف تعلیم و تربیت نباید با هدف نهایی انسان منافات داشته باشند. چنان‌که اصول نیز باید ناظر به ارزش‌های قابل قبول تعیین شوند و گزینش روش‌ها و انتخاب عوامل نیز نباید با معیارهای ارزشی پذیرفته شده در تعارض باشند. بنابراین باید موضع خود را درباره منشأ ارزش و ملاک ارزش‌گذاری به دقت تعیین کنیم. در نتیجه بسیاری از مباحث ارزش‌شناسی که می‌توان آنها را مبانی ارزش‌شناختی نامید، پیش‌نیاز تربیت هستند.

۴. از آنجا که انسان با سایر موجودات جهان در تعامل و ارتباط است، نگرش ما به تربیت انسان و مؤلفه‌های آن، از نگرش ما به کل هستی و ویژگی‌های عمومی آن منبعث می‌شود که در هستی‌شناسی [یا الهیات بمعنی الأعم] مورد بحث قرار می‌گیرد (مبانی هستی‌شناختی).

۵. با توجه به این که هدف نهایی انسان از دیدگاه اسلام، قرب به خداوند است و هدف عام و اهداف میانی تربیت باید در راستای این هدف نهایی باشند، مباحث خداشناسی پیش‌نیازی دیگر برای تربیت اسلامی به شمار می‌روند. بنابراین بخشی از گزاره‌های مبنایی از دانش الهیات بمعنی الأخص گرفته می‌شوند که آنها را مبانی الهیاتی می‌نامیم.

در اینجا تنها به نمونه‌هایی از نیازمندی تربیت اسلامی به برخی از گزاره‌های مبانی یاد شده اشاره خواهد شد و تفصیل بحث باید در جای خود به دقت بیان شود.

۱-۲-۲-۱ مبانی معرفت‌شناختی

معرفت‌شناسی به طور مطلق، دانشی است که درباره تعریف معرفت، انواع معرفت، راه‌ها و ابزارهای کسب معرفت، معیار صدق معرفت، معیار توجیه و اعتبار انواع معرفت‌ها بحث می‌کند. علاوه بر آن، گاهی در این دانش برخی مسائل در حوزه دین و معرفت‌های دینی به طور خاص مطرح می‌شوند. بنابراین مقصود ما از مبانی معرفت‌شناختی در اینجا، گزاره‌هایی از معرفت‌شناسی مطلق و معرفت‌شناسی دینی است و البته تنها آن دسته از گزاره‌ها مبنای تربیت اسلامی خواهند بود که از آنها بتوان در تعیین مؤلفه‌های آن استفاده کرد.

مبنای ۱: امکان و وقوع شناخت یقینی و مطلق

بر اساس آموزه‌های قرآنی، خداوند متعال این قدرت را به انسان داده است که بتواند جهان هستی را بشناسد. دعوت قرآن به شناخت پدیده‌های آفاقی و انفسی و به تفکر، تدبیر، نظر، علم و ... دلالت بر امکان شناخت انسان دارد. درباره امکان دست‌یابی به شناخت، بیش از هفتصد آیه از قرآن کریم به شناخت، انگیزه‌ها، و انواع، ابزارها و نیز منابع آن پرداخته‌اند. این شمار از آیه‌های قرآنی، هم نشانگر اهمیت بالای دانش و معرفت در قرآن و هم گویای امکان تحقق شناخت از منظر آن است. قرآن در بیش از ۲۷ آیه شریفه، با استفاده از عبارت «اعلموا» دعوت صریح به فراگیری علم نموده است. هم‌چنین با توبیخ کاهلان در تحصیل شناخت، تکریم علم و عالمان و نکوهش تقلید، انسان را به کسب علم و معرفت دعوت می‌کند.

از سوی دیگر، امکان و وقوع شناخت یقینی، علاوه بر آن که به لحاظ عقلی مورد قبول فیلسوفان و معرفت‌شناسان مسلمان است، مورد تأیید اسلام نیز هست. قرآن کریم در موارد متعدد، انسان‌ها را به تحصیل یقین فرا خوانده (... لعلکم بقاء ربکم توقنون؛ باشد که به ملاقات پروردگارتان یقین کنید) و از کسانی که به معرفت‌هایی خاص همچون قیامت، یقین دارند (... و بالآخرة هم یوقنون؛ و به آخرت یقین دارند) تمجید کرده است. دعوت به یقین از

سوئی مؤید امکان شناخت یقینی است و از سوی دیگر، نشانه آن است که همه معرفت‌های ما بالفعل یقینی نیستند و تحصیل یقین در مواردی لازم است. همچنین، برخلاف دیدگاه نسبی‌گرایان که معتقدند: «همه معرفت‌های ما تنها نسبت به فرد یا جامعه خاص یا نسبت به شرایط عینی خاص، مانند زمان یا مکانی خاص معتبرند، نه نسبت به همه و در همه شرایط و بنابراین معرفت مطلق وجود ندارد»، در جای خود ثابت شده است که اصل وجود معرفت مطلق قابل انکار نیست و بسیاری از شناخت‌های ما مطلق هستند و بدون هیچ قید و شرطی معتبرند.

مبنای ۲: امکان انتقال شناخت (تعلیم)

ادراک امری درونی و شخصی است و هیچ کس نمی‌تواند به جای دیگری علم و معرفت پیدا کند. اما انسان‌ها در بهره‌گیری از ابزارها و راه‌های معرفت، مشابه یکدیگرند و می‌توانند به همدیگر کمک کنند تا به معرفت‌های مشابه دست یابند. یاری دادن دیگران برای دست‌یابی به معرفتی مشابه را تعلیم می‌نامیم... وجود زبان، خود دلیلی روشن بر امکان تعلیم و تفاهم میان انسان‌هاست.

مبنای ۳: شناخت یا حضوری است یا حصولی

برخی معرفت‌ها حضوری و برخی حصولی هستند؛ بدین معنا که علم یا بدون واسطه به خود معلوم تعلق می‌گیرد و وجود آن مستقیماً برای عالم منکشف می‌شود یا آنکه عالم با واسطه چیزی که نمایانگر معلوم است و اصطلاحاً صورت یا مفهوم ذهنی نامیده می‌شود از معلوم آگاه می‌گردد. قسم اول را علم حضوری و قسم دوم را علم حصولی می‌گویند. علم ما به خود، حالات روانی و احساسات و عواطف خویش؛ علم به افکار، اندیشه‌ها، تخیلات و صورت‌های موجود در ذهن و علم به آفریدگار خویش که به شکل فطری و غیراکتسابی در همه انسان‌ها نهفته است، علم حضوری هستند. در مقابل، علم ما به هرآنچه که با چشم و گوش و سایر ابزارها و حواس ظاهری درک می‌کنیم و همه علوم عقلی، نقلی و تجربی که قابل تعلیم و تعلم هستند، نمونه‌هایی از علوم حصولی هستند.

تعمیق معرفت‌های حضوری و یافت‌های درونی از طریق توجه دادن و نیز از طریق تربیت و استکمال افراد، از اهداف تربیت اسلامی در مراحل مختلف است. همچنین هدف نهایی تربیت اسلامی (قرب به خدا)، علم حضوری کامل به فقر و جودی و عین ربط بودن همه چیز نسبت به خداوند متعال است.

توجه به علم حضوری، در خودشناسی و آگاهی از ظرفیت‌های وجودی و فطری و به طور کلی در تربیت معنوی اهمیت دارد.

مبنای ۴: ابزارهای شناخت و معرفت دینی

معرفت دینی را نیز همچون معرفت‌های دیگر بشری، می‌توان به دو نوع حضوری و حصولی تقسیم کرد. در بخش معرفت حضوری، می‌توان با اندکی مسامحه، راه یا ابزار کلی معرفت را «شهود» نامید. در حوزه معرفت دینی، یافتن بی‌واسطه رابطه وجودی خود با خدای متعال و تجربه حالات مختلف درونی‌ای که در اثر توجه به این رابطه حاصل می‌شوند، همچون خوف و خشیت، رضا و تسلیم، توکل، صبر و محبت، اخبات، ذلت و عبودیت که گاه «تجربه دینی» نامیده می‌شوند، با معرفت حضوری و شهودی اتفاق می‌افتند. نیزوحی (القای پیام ویژه رسالت به پیامبران علیهم‌السلام)، الهام (القای پیام مخفی به کسی) و تحدیث (سخن گفتن فرشتگان با معصومان علیهم‌السلام) یا با برخی اولیای خدا، می‌توانند از راه‌های القای برخی معارف و علوم دینی، به افرادی خاص باشند. معارفی که از این راه‌ها در درون دریافت‌کنندگان پیام ایجاد می‌شود از نوع علم حضوری و شهودی است؛ یعنی شخصی که چنین پیام‌هایی را دریافت می‌کند، بدون واسطه از وجودشان در درون خود آگاه می‌شوند و آنها را می‌یابند. البته معرفتی که از این راه به امور دیگر پدید می‌آید، نسبت به آن امور، از نوع حصولی است. همچنین ابزارهای حس و عقل نیز برای کسب بسیاری از معرفت‌های دینی به کار می‌روند. انسان با تعقل می‌تواند بسیاری از واقعیت‌های هستی را با ادراک مفاهیم کلی و استدلال درک کند و با روش استدلال برهانی به یقین برسد. هم‌چنین این توانایی را دارد که پدیده‌ها را با فرضیه‌سازی و آزمون و تجربه، تبیین کرده و پیش‌بینی کند یا با استفاده از ابزارها، روش‌ها و

برنامه‌های مشخصی در مقام مداخله در امور طبیعی و اجتماعی برآید. به وسیله تعقل است که می‌توان از عالم نمادین و آیات آفاقی و انفسی که سراسر نمود واقعیت هستند، رمزگشایی کرد و در مقام درک حقایق و ارزش‌ها (بایدها و نبایدهای مربوط به عمل اختیاری انسان)، صلاح و فساد، حق و باطل، درست و نادرست و خوب و بد را از هم تشخیص داد و در مقام عمل، به لوازم درک و فهم خویش ملتزم ماند.

۲-۱-۲-۲ مبانی هستی‌شناختی

مبانی هستی‌شناختی تربیت، بخشی از مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی-تبیینی درباره حقیقت وجود و احکام کلی آن است که در مباحث جهان‌بینی اسلامی یا حوزه وجودشناسی فلسفه اسلامی به طور مدلل و مبرهن مطرح شده یا مفروض قرار گرفته‌اند.

بنابر تعریف مبانی، مقصود از «مبانی هستی‌شناختی تربیت» در اینجا، گزاره‌هایی از دانش هستی‌شناسی [الهیات بمعنی الأعم] است که برای تعیین اهداف، اصول، ساحت‌ها، مراحل، عوامل، موانع و روش‌های تربیت اسلامی به کار می‌آیند.

وجود و احکام آن، اصالت وجود، تقسیم موجود به واجب و ممکن، و تقسیم ماهیت به جوهر و عرض، وجود تأثیر و تأثر میان موجودات، نیاز به علت داشتن ممکن، ضرورت و سنخیت علی و معلولی، مراتب داشتن موجودات، تقسیم موجودات به مادی و فرامادی، تدریجی بودن عالم ماده و موجودات متعلق به عالم ماده و وجود تراحم در عالم ماده از مباحثی است که در این بخش از آنها بحث می‌شود. لکن با توجه به فلسفی و نظری بودن بسیاری از این مطالب و جهت اجتناب از اطاله کلام از بیان توضیح آنها خودداری می‌شود.

۲-۱-۲-۳ مبانی الهیاتی

مقصود از مبانی الهیاتی، گزاره‌هایی است خبری، مربوط به مهم‌ترین اعتقادات در دین اسلام که از آنها در استنتاج مؤلفه‌های تربیت اسلامی استفاده می‌شود. این گزاره‌ها در علم کلام با روش عقلی و نقلی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند و بخشی از آنها که با روش عقلی در فلسفه بررسی می‌شوند، ذیل مباحث الهیات بالمعنی الاخص قرار می‌گیرند.

مبانی الهیاتی نیز، همچون سایر مبانی تربیت اسلامی به صورت اصل موضوع پذیرفته می‌شوند و در اینجا تنها درباره مفاد آنها توضیح کوتاهی ارائه می‌شود.

مبنای ۱: خداوند مبدأ و منشأ جهان هستی و مالک، مدبّر و ربّ حقیقی است.

خداوند مبدأ و منشأ جهان هستی و مالک، مدبّر و ربّ حقیقی همه موجودات عالم است. توضیح آنکه موجودات یا ممکن‌الوجود هستند یا واجب‌الوجود؛ یعنی وجود و بودن برای موجودها می‌تواند هم باشد و هم نباشد (ممکن‌الوجود)؛ ولی بودن برای یک موجود، همیشه بوده و واجب است. منشأ هستی موجودات ممکن، خداوند (واجب‌الوجود) است که حقیقت و ذات هستی می‌باشد و از هر ویژگی و کمالی، بالاترین مرتبه‌اش را دارد و از هرگونه عیب و نقص و فقر و نیاز، پیراسته است. تمام موجودات -مادی و غیرمادی- هستی خود را از او می‌گیرند و در وجود و ادامه حیات به او نیازمندند. ربوبیت حق براساس مفاد قرآن کریم به ویژگی خالقیت و مالکیت خداوند اطلاق می‌شود؛ بنابراین انسان مملوک و مخلوق و تحت تربیت و ربوبیت تکوینی و تشریحی خداوند قرار دارد. ربوبیت تکوینی به معنای خلق و هدایت همه جهان و آدم است و ربوبیت تشریحی به معنای ارسال رسل و انزال کتب، استمرار نبوت خاصه در امامت و ولایت فقیه برای هدایت آدمیان است.

تنها خداوند، مالک حقیقی همه چیز است و بر همه آنها تسلط دارد. همه چیز در عالم هستی به طور تکوینی تحت ربوبیت الهی است و با اراده او انجام می‌شود و فرشتگانی که واسطه تدبیر عالم هستند، در نهایت تحت تدبیر خداوند کار می‌کنند. تنها مربی، حضرت حق تعالی است و هرگونه فعل تربیتی از سوی مربی (و به طریق اولی خود مربی) باید مأذون از او باشد. ربوبیت تشریحی نسبت به موجودات مختار نیز، تنها به خداوند تعلق دارد و هیچ کس بدون اذن الهی، حق ندارد قانون وضع یا به دیگران امر و نهی کند. مربی در این فرایند، فقط نقش متذکر و رساننده را دارد.

همچنین، تمام فرآیند تربیت، اهداف، مراحل، روش‌ها و... به عنوان نوعی تصرف در ملک خداوندی است و باید براساس رضایت الهی و در راستای آن باشد. بدین ترتیب، مشروعیت

تربیت وابسته به اذن الهی است.

از این مبنا می‌توان نتیجه گرفت که پرورش روحیه توحید در استعانت و توحید در توکل از اهداف تربیت اسلامی است.

مبنای ۲: خداوند وجود کامل مطلق است.

خداوند کمال بی‌نهایت است و هیچ موجودی هم‌رتبه او نیست. تنها خداوند متعال، آفریننده سایر موجودات است. بنابراین هیچ موجودی در وجود خود از خداوند بی‌نیاز نیست.

مبنای ۳: تنها خداوند شایسته پرستش است.

از نتایج توحید در ربوبیت تکوینی و تشریحی، توحید در الوهیت است؛ بدین معنا که هیچ کس جز خداوند متعال سزاوار پرستش نیست؛ زیرا وقتی پذیرفتیم که تنها خداوند است که عملاً اداره و تدبیر کل جهان را در دست دارد و تنها اوست که مستقلاً دارای حق قانون‌گذاری و صدور امر و نهی است، باید بپذیریم که تنها او این شایستگی را دارد که انسان خود را بی‌پون و چرا در اختیار او قرار دهد و کاملاً مطیع و فرمان بردارش باشد.

بر اساس این مبنا، توحید در عبودیت از اهداف تربیت اسلامی است و نظام تربیت اسلامی باید انسان را به بندگی خداوند سوق دهد و از بندگی هر موجود دیگرها کند.

مبنای ۴: خداوند همه امور عالم هستی را مقدر کرده است.

منظور از تقدیر الهی در قرآن کریم این است که خداوند برای هر پدیده‌ای اندازه و حدود کمی و کیفی و زمانی و مکانی خاصی قرار داده است که تحت تأثیر علل و عوامل تدریجی تحقق می‌یابد. منظور از قضای الهی در معنای مورد بحث نیز آن است که پس از فراهم شدن مقدمات و اسباب و شرایط یک پدیده، آن را به مرحله نهایی و حتمی می‌رساند. طبق این تفسیر، مرحله تقدیر، قبل از مرحله قضا و دارای مراتب تدریجی و نیز مشروط به فراهم شدن اسباب و شرایط است و در نتیجه با تغییر بعضی از اسباب و شرایط تغییر می‌یابد، ولی مرحله قضا، دفعی و نیز حتمی و غیر قابل تغییر است... بنابراین، مقصود از قضا و قدر عام الهی نسبت به همه موجودات آن است که سرنوشت مشروط و حتمی هر موجود، یعنی همه مراحل

وجود او با علم و اراده الهی تحقق می‌یابد.

البته باید دانست که اعتقاد به قضا و قدر الهی، مستلزم جبرانگاری نیست و نباید با آن اشتباه شود. خدای متعال انسان را مختار آفریده و نسبت به افعال اختیاری‌اش مسئول است. اراده الهی در طول اختیار انسان قرار دارد. پس تنها مؤثر نهایی در امر تربیت خداوند است و نه مربی و تأثیر خود انسان و مربی در مراحل بعدی (در طول اراده الهی) است. برای این اساس، مربی باید به‌گونه‌ای پرورش یابد که علاوه بر اعتقاد به قضا و قدر، به جبرانگاری بی‌مسئولیتی نینجامد. نیز تربیت اسلامی باید موجب تقویت روحیه زهد گردد، به گونه‌ای که مربی با ایمان به این که سرنوشت او با تدبیر نیکوی الهی تعیین می‌شود، اولاً برگزیده و نعمت‌های از دست رفته اندوهگین نشود، ثانیاً نسبت به آینده و نعمت‌های در اختیار، سرمست و مغرور نگردد.

مبنای ۵: مجموعه اجزای عالم هستی، نظام واحدی را تشکیل می‌دهند.

کل عالم هستی یک نظام به هم پیوسته است و همه شاخه‌های هستی با ارتباط وجودی با خدای متعال، به یک ریشه متصل‌اند. از این مبنا استفاده می‌شود که تعلیم و تربیت باید نگاهی کل‌نگر و تعاملی به همه اجزای هستی داشته باشد.

مبنای ۶: در نظام هستی، علت و معلول حاکم است.

بر اساس نظام علت و معلول، جهان در کل، معلول فعل الهی است و حق تعالی علت‌العلل است. بین پدیده‌ها و اجزای جهان، رابطه علی برقرار است و همه از فیض الهی و قضا و قدر او و از مسیر اسباب و علل وجود می‌یابند. در نظام تدبیر جهان، هیچ‌کس و هیچ‌چیز به طور مستقل در تدبیر و اراده الهی دخالتی ندارد؛ ولی برخی موجودات محسوس (علل و عوامل طبیعی و انسانی) یا نامحسوس (فرشتگان، شیاطین و اجنه) بنا بر اذن خداوند و در چهارچوب اراده او، می‌توانند در تدبیر دخالت کنند.

مبنای ۷: جهان در حال شدن و دگرگونی است.

جهان و البته انسان نیز، همواره در حال شدن و تغییر هستند. تمام اجزای جهان مادی، در سطوح و مراتب مختلف وجود، در ذات خود در حرکت بوده و سیر تکاملی دارند (حرکت جوهری). این شدن و حرکت، به سوی یک مقصد و هدف نهایی صورت می‌گیرد و آن خداوند متعال است.

مبنای ۸: نظام هستی، برترین نظام ممکن می‌باشد که با حکمت الهی ایجاد شده است.

جهان هستی که نظام احسن است، بر اساس اراده، حکمت و سنن الهی اداره می‌شود. خواست او بر همه جهان تسلط دارد (قضا) و هستی بر اساس محدوده‌ای حرکت می‌کند که او معین کرده است (قدر). جهان طبیعت و همه واقعیت‌های آن (یعنی دنیا)، امور محدود، پایان‌پذیر و فناشدنی هستند. توضیح آنکه هدف خداوند از افعال خود، ایجاد کمال در هستی است و موجودات مادی، همه کمالاتی را که می‌توانند داشته باشند، بالقوه دارند که برای دسترسی به آن‌ها با موجودات دیگر، دچار تزاخم می‌شوند؛ چراکه عالم ماده، عالم تزاخم است. بنا بر وصف حکمت الهی، عالم ماده نیز به گونه‌ای آفریده شده که در مجموع، بیش‌ترین و برترین کمال از آن قابل حصول باشد و نظامی که به این ترتیب حاصل می‌شود، دارای اهدافی متناسب با کمال الهی است و حکیمانه نامیده می‌شود و از آنجا که خداوند کامل مطلق است، تحقق نظامی از موجودات، کامل‌تر از آنچه او ایجاد می‌کند ممکن نیست. بنابراین مقصود از احسن بودن نظام هستی، بدین معنا است که مجموع این نظام در کل وجودش، کامل‌ترین نظامی است که امکان تحقق دارد و این سخن، هیچ منافاتی با لزوم تلاش برای تکامل بیش‌تر و رفع کاستی‌ها و نقایص و وصول خود و دیگران به اهداف متعالی - که خود بخشی از همین نظام است - ندارد.

مبنای ۹: نظام احسن بر اساس عدالت برقرار است.

نظام احسن بر اساس عدالت برقرار است و خداوند موجودات را به شایسته‌ترین وجه آفریده است و هم‌چنین خداوند بنا بر عدالت خویش به افراد مختلف، استعدادها، توانایی‌ها و ظرفیت‌های مختلف داده است که بیش از توانایی‌شان از آنها چیزی نخواست تا بتوانند به

کمال خود راه یابند. خداوند در مقام قضاوت، متناسب با عمل آنها داوری می کند و در مقام پاداش و کیفر، آنها را به نتیجه ای که متناسب با عمل اختیاری خودشان است، می رساند. با توجه به این مبنا، نظام تربیت اسلامی باید هماهنگ با عدالت حاکم بر نظام خلقت، اصل تناسب و اعتدال را رعایت کند؛ یعنی در همه مراحل، برنامه ها را مطابق با قابلیت و توان انواع مخاطبان در یادگیری و تربیت پذیری تنظیم کند و تکالیف، انتظارات و ارزیابی از آنها را بر همین اساس انجام دهد. نیز روش های تربیت مانند تشویق و تنبیه، باید عادلانه و متناسب با فهم و توان مخاطب به کار گرفته شود.

مبنای ۱۰: خداوند موجودات را به سوی کمال هدایت می کند.

خداوند همه موجودات را به طور تکوینی به بهترین مسیر هدایت می کند و براساس مبنای نظام احسن، آنها را چنان اداره می کند که در مجموع، بیش ترین خیر و کمال از آنها حاصل شود. فراهم کردن زمینه های عملی حرکت موجودات به سمت مقصد مطلوب از آفرینش آنها هدایت تکوینی نامیده می شود. در نتیجه، جهت حرکت عمومی پدیده های جهان در مجموع رو به رشد، کمال و تعالی است.

خداوند موجودات مختار مانند انسان را، علاوه بر هدایت تکوینی عمومی، به صورت تشریحی نیز هدایت می کند (با وسایل درونی مانند عقل و سایر قوای ادراکی و وسایل بیرونی مانند ارسال رسل و انزال کتب و وضع قانون و شریعت).

از این مبنا می توان نتیجه گرفت که برای تحقق اهداف تربیت اسلامی، پیروی از تعالیم و راهنمایی های دین الهی حق لازم است و اصول و روش های تربیت اسلامی نه تنها نباید خارج از چارچوب قانون و شریعت الهی مطرح گردند که همه این اصول و روش ها باید در راستای تحقق و گسترش این قوانین باشند.

مبنای ۱۱: هستی دارای غایت و هدف واحد است.

کل هستی در نهایت دارای غایت و هدف واحد است و این هدف، حق و حکیمانه است. بنابراین هدف نهایی و هدف تربیت انسان نیز می تواند واحد، حکیمانه و معقول باشد.

راهنمایی به سوی این هدف از طریق هدایت عام (غریزه، حس، عقل، الهام و فطرت)، و هدایت خاص (ارسال رُسل و انزال کُتُب) صورت می‌پذیرد. بنابراین همه موجودات و از جمله انسان در مسیری معین و مشخص در حال هدایت، تربیت، حرکت و شدن برای رسیدن به غایت نهایی است.

۴-۲-۱- مبانی انسان‌شناختی

شناخت انسان، ابعاد و ویژگی‌های او، از پیش‌نیازهای اصلی تربیت است. هرچه شناخت ما از انسان عمیق‌تر و دقیق‌تر باشد، برنامه‌ریزی برای تربیت او دارای اتقان بیش‌تری خواهد بود. تقسیم‌های متفاوتی از مبانی انسان‌شناسی صورت گرفته است؛ ولی در این جا گزاره‌هایی درباره ابعاد، ویژگی‌ها، استعدادها و توانایی‌ها و محدودیت‌های انسان به صورت خلاصه ارائه می‌شود.

مبنای ۱: انسان موجود مرکب از روح و بدن است.

بنابر آموزه‌های اسلامی، انسان موجودی مرکب از جسم (مادی) و روح (غیرمادی یا مجرد) به عنوان دو حیثیت درهم‌تنیده و باهم مرتبط است که تأثیرهای متقابل دارند. بنابراین، در تبیین اهداف، اصول، ساحت‌ها، عوامل، موانع و روش‌های تربیت باید هر دو بعد وجود انسان را در نظر گرفت.

علاوه بر این، بخش اصیل وجود انسان، روح، است و انسانیت او در گرو آن بوده و کمال و جاودانگی انسان به کمال و بقای روح بستگی دارد. بنابراین هدف اصلی در تربیت، باید پرورش و استکمال روح باشد و پرورش بدن، وسیله‌ای برای تکامل روح به شمار می‌رود.

مبنای ۲: انسان‌ها دارای سرشتی مشترک به نام فطرت هستند.

همه انسان‌ها سرشتی مشترک به نام فطرت الهی دارند؛ بدین معنا که نوعی معرفت و گرایش ذاتی به مبدأ عالم هستی دارند. فطرت انسان که شامل شناخت‌ها و گرایش‌ها است، همواره در انتظار تحقق و بروز خارجی و شکوفایی می‌باشد. انسان با اراده، آزادی و اختیار می‌تواند آن را به فعلیت برساند؛ یعنی تثبیت کند، توسعه دهد یا به فراموشی بسپارد؛ ولی فطرت هیچ‌گاه از بین نمی‌رود.

شهید مطهری می‌گوید: «اگر انسان دارای يك سلسله فطریات باشد، قطعاً تربیت او باید با در نظر گرفتن همان فطریات صورت گیرد»^۱.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که برای شکوفایی استعدادهای فطری، نیازمند برطرف کردن موانع آنها و هدایت صحیح‌شان برای رسیدن به کمال هستیم. بر مبنای فطرت، روش‌های تدبیر، موعظه، پرسش و پاسخ، امر به معروف و نهی از منکر، برای تربیت اخلاقی اتخاذ می‌شود.

مبنای ۳: انسان دارای کرامت تکوینی و اکتسابی است.

در میان موجودات جهان، انسان جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند انسان را بر بسیاری از مخلوق‌های خویش، امتیاز و برتری داده و او را خلیفه خود بر روی زمین قرار داده است. هم‌چنین خداوند آدمی را از بهره‌های درونی ویژه‌ای نظیر عقل و اراده برخوردار ساخته و او را به سبب این بهره‌وری‌ها گرامی و بزرگ داشته است و به علت این کرامت تکوینی، مسجود فرشتگان قرار گرفته است.

از سوی دیگر، تنها با ایمان و عمل صالح (تقوا) است که سبب پیدایش کرامت اکتسابی است و هر که بهره بیشتری از آن داشته باشد، نزد خدا گرامی‌تر است. بنابراین در تربیت لازم است اولاً به کرامت انسان توجه شود و مورد تحقیر قرار نگیرد و ثانیاً برتری او، امکان خلیفه شدن و تلاش هرچه بیشتر در این جهت لحاظ گردد.

مبنای ۴: انسان موجودی آزاد و مختار است.

با توجه به قضا و قدر الهی و امکان صیوریت در جهت هدایت و گمراهی و کفران و شکر، به طور کلی، دو نوع رفتار را می‌توان برای انسان در نظر گرفت: رفتار غیرارادی و رفتار ارادی. انتخاب‌گری در رفتارهای ارادی، یعنی احساس آزادی عمل و توانایی‌گزینه‌ش یک راه از میان دو یا چند راه همراه با سنجش و تصمیم‌گیری که می‌تواند به فعل یا ترک یک عملی بینجامد. قرآن بر آزادی انسان و انتخاب‌گری او تأکید و تصریح دارد؛ ولی بدین معنا نیست که او آزاد مطلق (رها از

۱. مطهری، فطرت، ص ۱۴.

هرگونه قانون و تکلیف) است؛ چرا که آزادی به معنای نفی کامل تأثیر علل و عوامل بیرونی و درونی و نفی قانون علیت بر اعمال آدمی و آثار آن نبوده، بلکه آزادی مبنای اختیار و اساس هرگونه تکلیف و مسئولیت‌پذیری انسان است تا براساس آن، پاداش و عقاب معنا یابد. تنها با پذیرش این مبناست که می‌توان امکان تعلیم و تربیت اختیاری را اثبات کرد. همچنین، با توجه به این مبنا، در فرایند تربیت اسلامی، باید به ایجاد و تثبیت این باور همت گماشت که اراده در مجموعه علل و اسباب فعل اختیاری، عنصری اساسی است. اگر متربی چنین باوری نداشته باشد و خود را مقهور عوامل بیرونی بداند، کوششی از درون برای بهبود وضعیت خویش نخواهد داشت و تلاش مرییان بی‌ثمر یا کم‌اثر خواهد شد.

مبنای ۵: انسان موجودی هدف‌مند است.

از آن‌جا که جهان هستی، هدف‌مند است؛ انسان نیز به عنوان جزئی از هستی، دارای هدف نهایی و درهماهنگی با آن است. هدف نهایی انسان، رسیدن به کمال و سعادت است. قرآن، هدف و کمال انسان را در آگاهی کامل و علم شهودی و حضوری او به خدای متعال می‌داند که همان قرب حقیقی نسبت به پروردگار است و با تلاش و تهذیب نفس به دست می‌آید. هدف نهایی قرب به خدا، برای انسان امیدآفرین و تلاش‌برانگیز بوده و موجب می‌شود برای رسیدن به کمال خویش، نفس خود را از زشتی‌ها بپیراید.

رسیدن به سعادت (به عنوان غایت آفرینش انسان) با توجه به نیروی اراده و اختیار، مستلزم حرکت تدریجی و تعالی‌جویانه از مراتب پایین است. این حرکت، نیازمند تلاش مستمر برای تغییر توأم با ایمان و عمل صالح است. کسب فضایل اخلاقی و عمل به آنها، موجب اشتداد و شکوفایی وجود آدمی شده و رساننده او به غایت است.

مبنای ۶: انسان همواره در پی دستیابی به کمال است.

از آنجا که انسان دارای حب ذات است و خود را دوست دارد، کمالات خود را نیز دوست دارد و به دلیل آنکه معمولاً این کمالات در او بالفعل نیستند، خواهان دستیابی به آنهاست. از سوی دیگر، این کمال‌طلبی انسان بی‌نهایت است و به هیچ مرتبه‌ای از کمال خرسند

نمی‌گردد و همواره کمالی بالاتر از آن را می‌جوید.

مبنای ۷: کمال نهایی انسان، قرب به خداوند متعال است.

با توجه به مبانی پیشین، اینکه انسان به صورت فطری هر کمالی را به صورت نامحدود می‌خواهد، ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که کمال نهایی انسان، تقرب به خداوندی است که سرچشمه پایان‌ناپذیر همه کمالات است و در اثر قرب به او چنان بهجت و سعادت برای آدمی فراهم می‌شود که با هیچ لذت و موقعیت دیگری قابل قیاس نیست.

مبنای ۸: انسان برای دست‌یابی به کمال حقیقی، نیازمند وحی است.

انسان با دانش و عقل خود نمی‌تواند به کمال حقیقی خویش دست یابد. از سوی دیگر، خداوند حکیم با آفرینش انسان، هدفی در نظر داشته و او را به حال خود رها نکرده است؛ بنابراین انسان به راه و معرفت دیگری نیاز دارد که نقایص دانش و عقل او را برطرف کند. خدای متعال از طریق وحی (معرفت ویژه) به بعضی از بندگان خاص خود، راه‌های رسیدن به کمال حقیقی را نشان داد تا انسان با اختیار خود، هم از دانش عقل و هم از وحی بهره‌بردار؛ چراکه در صورت نبودن معرفت ویژه، مردم می‌توانستند نارسایی ابزارهای عمومی معرفت را سبب گمراهی خود دانسته و برای بی‌ایمانی‌شان دلیلی فراهم سازند.

مبنای ۹: انسان دارای استعدادهای طبیعی متنوع و قابل رشد و تعالی مداوم است.

حرکت انسان به سمت غایت، مستلزم داشتن استعدادها و توانایی‌ها و به فعلیت رساندن آنها است. اگرچه حرکت نفس بر اساس آزادی ذاتی انسان، متوجه جهتی متعین و از پیش تعریف شده نیست و ادبار و اقبال‌های فراوانی دارد؛ ولی خود انسان با اراده‌اش می‌تواند آنها را در جهت خیر و رسیدن به کمال به فعلیت برساند. اما افزون بر عقل درون، عقل بیرونی (یعنی پیامبران و راهنمایان الهی) یاری رساننده انسان در انتخاب گزینه‌های خیر و شر است.

مبنای ۱۰: انسان موجودی اجتماعی است.

انسان موجودی اجتماعی و به اصطلاح «مدنی بالطبع» است و در بستر اجتماع ساخته و پرداخته می‌شود؛ بنابراین، این دو تأثیرهای متقابل زیادی دارند؛ چراکه در بستر زندگی اجتماعی و هم‌گرایی است که انسان‌ها زمینه بروز رفتارهای اجتماعی و خودشکوفایی را پیدا می‌کنند. در گیرودار رفتارهای جمعی و برخوردهای دو سویه، فرصت‌های تازه‌گزینش و آزمایش برای آدمیان فراهم می‌شود و بسیاری از قابلیت‌های آنان امکان بروز و شکوفایی می‌یابد. براساس این مبنا، ساحت تربیت جمعی یا اجتماعی یکی از ساحت‌های اصلی تربیت اسلامی است. همچنین، هنگامی که میان منافع فرد و جامعه تزاخمی روی می‌دهد، باید منافع جامعه را مقدم داشت.

مبنای ۱۱: انسان موجودی ملکف و دارای مسئولیت است.

آدمی با توجه به آزادی و قدرت انتخابش برای حرکت در مسیرهای مختلف زندگی، تکلیف دارد به طور آزادانه و آگاهانه در جهت حق و کمال بکوشد؛ بنابراین نسبت به انجام وظایف فردی و اجتماعی مسئولیت داشته و باید پاسخ‌گویی انتخابش باشد. الزام به تکالیف فردی و اجتماعی (در رابطه با خدا، خود، خلق و خلقت) متناسب با توانایی و رعایت شرایط عمومی تکلیف (عقل، بلوغ، علم، قدرت و اختیار) از سوی خداوند و در جهت خیر و کمال بندگان صورت می‌پذیرد. عقل نیز علاوه بر پذیرش این تکالیف، امتثال آنها و اطاعت از مولای حقیقی را بر بنده لازم شمرده و نافرمانی را مستوجب عقاب می‌داند.

در بینش توحیدی، انسان فقط در برابر خداوند مسئولیت دارد؛ ولی در مواردی، انجام برخی وظایف در قبال افراد مشخصی را، ملازم یا مساوی با رعایت حقوق آنها می‌داند که از آن به «حق الناس» تعبیر می‌شود و رعایت این حقوق حتی بر «حقوق خداوند» نیز مقدم دانسته شده است. بنابراین انسان هم به دلیل انسان بودن و هم به دلیل این‌که موجودی اجتماعی است در قبال خداوند و جامعه مسئول است. شکرگزاری در برابر نعمت‌ها و اطاعت از فرامین و نیز مسئولیت خانوادگی و زیردستان، از جمله مسئولیت‌های انسان است.

مبنای ۱۲: زندگی دنیوی انسان، مقدمه‌ای برای زندگی اخروی است.

در بینش اسلامی، انسان با مرگ فنا نمی‌پذیرد، بلکه روح او هم چنان باقی مانده و همه اعمال انسان تأثیری پایدار بر آن دارد. زندگی انسان در پیش و پس از مرگ، رابطه متقابل و تأثیرگذار با یکدیگر دارند. زندگی دنیایی، مقدمه زندگی آخرتی است، بلکه دومی در گرو چگونه زیستن در اولی می‌باشد. بر همین اساس، قرآن تأکید دارد که انسان در روز قیامت، اعمال خیر و شر خویش را می‌یابد.

مبنای ۱۳: انسان در توانایی، بینش و گرایش کاستی‌هایی دارد.

انسان با همه این ویژگی‌ها، توانایی‌ها و برخورداری‌ها، دارای کاستی‌ها و محدودیت‌های نیز هست، از جمله:

- انسان در معرض انواع خطرهای تهدیدهای بیرونی و درونی قرار دارد؛
 - انسان در این دنیا فناپذیر است؛
 - انسان محدودیت اختیار دارد و سنت‌های الهی بر زندگی او حاکم می‌باشد؛
 - انسان ضعیف، حریص، ستم‌کار، ناسپاس، نادان، شتاب‌زده، فراموش‌کار، دارای قساوت قلب، قفل‌زدگی قلب، عدم تفقه قلب، مهر خوردن و ختم قلب، إعراض از ذکر، تکذیب‌گری و انکار آیات الهی و آرزوهای طولانی و... است.
- البته بسیاری از کاستی‌های یاد شده را می‌توان به تدریج بر طرف ساخت و گاهی برای رفع کاستی‌ها نیازمند یاری دیگران هستیم.

۲-۱-۲-۵ مبانی ارزش‌شناختی

ارزش در معنای عمومی، تقریباً هم‌معنای مطلوبیت است و ارزش‌مند، یعنی مطلوب. ارزش، کیفیت یک شیء است که آن شیء را مطلوب، خواستنی، پذیرفتنی و مفید می‌گرداند. در اخلاق، آنچه آرمان زندگی است و نیز فضایل اخلاقی یا کارهایی که برای دستیابی به این آرمان مؤثر است، ارزش‌مند دانسته می‌شوند. ارزش به متعلق دستورها، سلیقه‌ها و قراردادهای و نیز به اهداف، افعال، اشیاء و اشخاص قابل اطلاق است.

اهداف از اموری هستند که به ارزش متصف می‌شوند؛ زیرا اهداف از جمله امور مطلوب به شمار می‌روند. در واقع، هدف به مقصد مطلوب گفته می‌شود. ارزش گاه به اموری اطلاق می‌شود که صرفاً به لحاظ دستور، سلیقه یا قرارداد مطلوب هستند و مطلوبیت آن امری واقعی و عینی نیست و گاه برای اهداف، افعال، اشیاء یا اشخاصی به کار می‌رود که واقعا شایستگی آن را دارند که مطلوب باشند و وابسته به طرز تلقی خاص فرد یا افراد نیست.

مبنای ۱: ارزش به ذاتی و غیر تقسیم می‌شود.

برخی ارزش‌ها، ذاتی، ناوابسته و غایی‌اند و برخی غیر، وابسته و ابزاری. برای مثال، کارهایی که با اختیار خود انجام می‌دهیم، برای رسیدن به هدفی است و در واقع، مطلوب بودن این کارها به جهت مطلوب بودن اهداف است. اما آنچه هدف نهایی ما از انجام دادن کار است، خود به خود مطلوب است، نه به جهت مطلوب بودن چیزی دیگر. همچنین، از میان همه اموری که موصوف ارزش واقعی قرار می‌گیرند، تنها هدف نهایی (قرب به خداوند) ارزش ذاتی دارد و ارزش آن منشأ ارزش سایر امور است. به این ترتیب، در مباحث تربیتی نیز مقصود از هدف، هدف شایسته است، نه هدف مورد نظر اشخاص و باید ابتدا آنچه شایسته است هدف نهایی قرار گیرد، تعیین شود و سایر اهداف تربیت اسلامی در راستای آن هدف نهایی معین گردند.

مبنای ۲: اصول ارزشی ثابت و مطلق هستند و ارزش سایر امور، متغیر و وابسته.

بعضی از ارزش‌ها به طور مطلق، همیشه و در همه جا با ارزش هستند (ارزش مطلق) و برخی تنها در شرایط و موقعیت‌های خاص مطلوب واقع می‌شوند (ارزش نسبی). با توجه به ذاتی و ناوابسته بودن ارزش هدف نهایی (قرب به خداوند)، همه اموری که حقیقتاً موجب تقرب به خداوند می‌شوند بدون استثنا ارزش‌مند خواهند بود؛ مانند توحید (از جمله توحید در عبودیت)، رضا، توکل، محبت، خوف و رجاء که مستلزم دست‌یابی به همه فضایل حقیقی انسانی است، دارای ارزش ثابت و مطلق است. همچنین، ارزش غیر دارای مراتب است؛ از

میان اموری که به ارزش گیری متصف می شوند، هر چیزی که در نیل به هدف نهایی تأثیر فزون تری داشته باشد، ارزش مندتر خواهد بود و هر مقدار که از تأثیر در این هدف کاسته شود، ارزش گیری نیز دچار کاستی می شود. به این ترتیب، ارزش گیری دارای شدت و ضعف و مراتب مختلف است.

مبنای ۳: حد نصاب ارزش، ایمان به اصول دین است.

با توجه به مباحث پیشین، می توان نشان داد که اساسا رسیدن به هدف نهایی تنها با ایمان به پروردگار و باور قلبی به این که با بازگشت همه به سوی او به پاداش و کیفر رفتارهای خود دست می یابیم و نیز ایمان به کسانی که راه صحیح زندگی و رسیدن به هدف مطلوب را از طرف خدای متعال نشان می دهند، امکان پذیر است.

مبنای ۴: عقل، تجربه و وحی، راه های تشخیص ارزش ها هستند.

به جز تشخیص ارزش ذاتی که از راه عقل میسر است، تشخیص ارزش گیری و نیز تشخیص ارزش برتر، تنها در مواردی کلی از راه عقل میسر است؛ یعنی در مواردی که عنوان موضوع و موصوف ارزش، نشان دهنده تأثیر مثبت در نیل به کمال حقیقی است؛ مانند ارزش عبادت خداوند، اخلاص در کارها برای او، عدالت و تربیت دیگران در مسیر کمال. اما در برخی از عناوین، تشخیص تأثیر در کمال، وابسته به تجربیات عملی است. برای مثال، علوم تجربی می توانند روش های مؤثر در تعلیم و تربیت را تا حدودی معین کنند. البته تشخیص ارزش مندی این روش ها، منوط به این است که بدانیم در مجموع، تأثیری منفی در کمال حقیقی انسان ندارند.

گاهی عقل و تجربه توان تعیین مصداق ارزش را ندارند که در چنین شرایطی، تنها راه تشخیص ارزش مندی کارها، رجوع به وحی الهی و متون دینی است؛ زیرا هدایت تشریحی خداوند، راه های حقیقی به سوی کمال را به انسان نشان می دهد. نتیجه این مبنا برای تعلیم و تربیت اسلامی آن است که سیاست ها، برنامه ها و نحوه به کارگیری عوامل و روش ها باید با ارزش های اصیل دینی، که در متون دینی اسلام آمده است، منطبق باشند.

مبنای ۵: عدالت، اساسی‌ترین ارزش اجتماعی است.

عدالت در آموزه‌های اسلامی، اساسی‌ترین ارزش اجتماعی محسوب می‌گردد که دارای ارزش مطلق و ثابت است؛ زیرا ملایمت و تناسب اعمال عادلانه با استواری و سعادت انسان و جامعه، همواره ثابت است. معیار عدالت، رعایت حق و حقوق افراد است. در عدالت، هر کس متناسب با وسع و تلاش خود، باید از حق و پاداش یا جزای مناسب برخوردار گردد.

مبنای ۶: رأفت و احسان متمم عدالت است.

رأفت و احسان به معنای فراتر رفتن از محاسبه دقیق و عادلانه در عدالت است. به هر حال، تکمیل و روند تکوین و تعالی فرد و جامعه در گرو برقراری عدالت و گاهی احسان کردن است. چنان‌که در رابطه بین خدا و انسان نیز، رحمت و لطف و اسعه الهی مبنای رشد آدمی است.

۲-۲ اصول تربیت اسلامی

اصول با مبانی و اهداف تربیت مرتبط است؛ اصول گزاره‌های هنجاری و ناظر به «بایدها» است که از مبانی (گزاره‌های ناظر به «هست‌ها») گرفته می‌شود و راهنمای عمل جهت رسیدن به اهداف تربیت است.^۱ اصول تربیت به کارگزاران تربیتی کمک می‌کند تا تمام مؤلفه‌های جریان تربیت را به نحو شایسته جهت تحقق غایت تربیت ساماندهی کنند. در تعریف اصول تربیت آمده است: «اصول تربیت اسلامی، گزاره‌هایی تجویزی و کلی، خطاب به دست‌اندرکاران تربیت هستند که با اتکا بر مبانی تربیت اسلامی، رابطه ضرورت بالقیاس میان انواع فعالیت‌های مربوط به حوزه تعلیم و تربیت را با اهداف تربیت اسلامی بیان می‌کنند و راهنمای عملیات مزبور هستند.»^۲

۲-۲-۱ ویژگی‌های حاکم بر اصول تربیتی

ویژگی‌های حاکم بر اصول تربیتی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. اصل، امری ابداعی و اختراعی نیست، بلکه با توجه به مبانی خود قابل دست‌یابی است

۱. رک: باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۸؛ شریعتمداری، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۱۱.

۲. رک: گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۲۹۷.

- و یا از رهگذر دریافت عنصر مشترک روش های مختلف قابل احراز و کشف است؛
۲. اصل، مفهومی کلی است و ملاک و معیار واقع می شود؛ بنابراین نمی تواند امری جزئی و دارای یک مصداق معین باشد؛
۳. اصل، صرفاً یک پدیده مفهومی است؛ تفاوت ماهوی اصل با دیگر عناصر نظام تربیتی، یعنی مبنا، هدف و روش، در بعد مفهومی آن است؛ به این معنا که، اصل از ارتباط میان دیگر مفاهیم زاییده می شود در حالی که مفاهیم مبنا، هدف و روش دارای منشأ انتزاع عینی هستند؛
۴. اصل ماهیتی هنجاری (ارزشی) دارد؛ نظریه این که اصل، قاعده و معیار عمل و ناظر بر آن است، نمی تواند رویکردی توصیفی نسبت به واقعیات تحت عنوان خود داشته باشد، بلکه، برخلاف مبنا که جنبه توصیفی از واقعیات دارد، درصدد ارائه واقعیاتی مطابق مدلول خود و هنجاری متناسب با خاستگاه خود است. به طور کلی، اصول تربیت متضمن ارزش گذاری متناسب با مبنای پذیرفته شده در تربیت و اهداف مورد نظر آن است؛
۵. اصل بر روش حاکم است و ضابطه مفهومی و رابطه ای برای استفاده از روش هاست؛ بدین معنا که اصل راهنمایی نظری برای گزینش روش های خاص متناسب با اهداف و طرد دیگر روش هاست.^۱

مروری بر ویژگی های عمومی تربیت اسلامی

برخی از ویژگی های عمومی تربیت اسلامی که از مبانی اخذ شده اند و راهنمای تعیین اهداف، اصول، ساحت ها، مراحل، عوامل، موانع و روش های تربیت اسلامی به طور کلی هستند در هشت مورد زیر خلاصه شده اند:

هدف نهایی تربیت از دیدگاه اسلام، تقرب به خداوند است؛

راه رسیدن به این هدف نهایی در دین اسلام به بهترین و کامل ترین وجه بیان شده است؛

ساحت های تربیت، همه ابعاد و ساحت های مختلف وجود انسان را در بر می گیرند و هر

۱. رک: شهاب الدین مشایخی، اصول تربیت از دیدگاه اسلام، مجله حوزه و دانشگاه، سال ۱۳۸۱، شماره ۳۲.

یک به نسبت خود، در وصول به هدف نهایی نقش دارند؛ تربیت در ابعاد و ساحت‌های مختلف انسان، از طریق فراهم کردن عوامل، رفع موانع و به کارگیری روش‌های مناسب امکان‌پذیر است؛

تربیت، امری تدریجی است که با توجه به پیش‌نیازهای آن قابل تحقق است؛ عوامل و موانع تربیت از زمان انعقاد نطفه انسان تا پایان زندگی او در این جهان، به طور مداوم می‌توانند در ابعاد و ساحت‌های وجود انسان تأثیر بگذارند و هر یک زمینه را برای تأثیرپذیری‌های بعدی نیز فراهم کنند؛

تربیت در ساحت‌های گوناگون و نیز به کارگیری عوامل و رفع موانع و استفاده از روش‌های مختلف، در عمل با محدودیت‌ها و تزاخم‌هایی مواجه می‌شوند؛

تربیت فرایندی است هدفمند که دست‌یابی به اهداف آن، جز با طراحی، برنامه‌ریزی، هدایت و رهبری این فرایند از طریق سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات و ارزیابی و نظارت بر آن ممکن نیست.^۱

اینک به عام‌ترین اصول تربیت اسلامی اشاره می‌شود که حاصل ویژگی‌های هشت‌گانه یاد شده است. همچنین، به برخی از مهمترین اصول سطوح پایین‌تر که ذیل این اصول عام و در طبقات بعدی قرار می‌گیرند و از مصادیق این اصول عام به شمار می‌روند، نیز اشاره می‌شود. از آنجا که آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان دین علیهم‌السلام بهترین دلیل و راهنمای ما برای تأیید این اصول و تأکید بر آنهاست، ذیل اصول هشت‌گانه، برخی از شواهد قرآنی و روایی نیز بیان خواهد شد.

۲-۲-۲ اصل هم‌گرایی

با توجه به مبانی الهیاتی، تمام جهان هستی از یک مبدأ سرچشمه می‌گیرد و دارای نظامی واحد و غایت و هدفی واحد است و مقصود اصلی از آفرینش هستی تحقق «انسان کامل» باشد و با توجه به مبانی انسان‌شناختی، انسان کمال‌جو و به دنبال کمال بی‌نهایت است و

۱. تلخیص از: گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۲۹۸ و ۲۹۹.

مجموعه همه فعالیت ها و اعمال اختیاری انسان از دیدگاه اسلام باید جهتی واحد به سمت خداوند متعال (قرب الهی) باشد،^۱ از این رواز دیدگاه اسلام، تربیت باید همواره به سمت این هدف نهایی سوق داده شود و با وجود برخورداری از اهداف میانی و خاص، باید دارای تنها یک هدف عام، در راستای قرب الهی باشد.

وحدت هدف نهایی و به تبع آن، وحدت هدف عام، مقتضی هم‌گرایی کامل در تعلیم و تربیت اسلامی است و به موجب آن، تشکیل نظام واحد تعلیم و تربیت اسلامی در جهت هدف عام یک ضرورت است. بنابراین اصل، نهادها و مؤسسات تعلیم و تربیت، نباید مجموعه‌هایی گسسته و بی‌ارتباط با یکدیگر باشند؛ بلکه کل نظام تعلیم و تربیت اسلامی، باید از یک مرکز واحد فرماندهی شود و میان اجزای آن اتحاد کامل برقرار باشد. مراکز تصمیم‌گیری متعدد برای بخش‌های مختلف تعلیم و تربیت رسمی با تفکیک مقاطع و رشته‌های مختلف، از آموزش و پرورش رسمی تا آموزش عالی و مراکز حوزوی و نیز مراکز متنوع و متعدد آموزش‌های غیررسمی و فعالیت‌های مختلف فرهنگی، هنری و تبلیغی باید با وجود اهداف بی‌واسطه و برنامه‌های متنوعی که دارند و محتوای ویژه‌ای که انتقال می‌دهند، بر اساس تنها هدف عام تعلیم و تربیت اسلامی، جهت‌دهی شوند و اهداف، برنامه‌ها و محتوا، برای هر مرکز یا مؤسسه‌ای که در تعلیم و تربیت نقشی دارد، باید به صورتی تنظیم شود که با هدف عام تعلیم و تربیت اسلامی سازگار و بر آن منطبق باشد.

به علاوه، هیچ هدفی ناسازگار با تقرب به خداوند پذیرفتنی نیست و همه عوامل متنوع در این مراکز باید با همین هدف هم‌گرا باشند. همچنین استفاده از روش‌های متنوع در تعلیم و تربیت، مشروط به سازگاری و هم‌گرایی آنها با هدف عام تعلیم و تربیت اسلامی است و استفاده از روش‌هایی که با هدف عام ناسازگارند، با این توجیه که برای برخی اهداف آموزشی

۱. قرآن کریم می‌فرماید: وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (انعام، آیه ۱۵۳)؛ و این که این راه مستقیم من است. پس از این راه پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه خدا پراکنده می‌سازند. خداوند به شما چنین سفارش می‌کند، باشد که تقوا پیشه سازید. و نیز می‌فرماید: قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (یوسف، آیه ۱۰۸)؛ بگو این راه من است که من و پیروان راستین من با بصیرت به سوی خدا دعوت می‌کنیم و خدا منزّه است و من از مشرکان نیستم.

یا تربیتی مفید و مؤثر هستند، مجاز نیست.

از این اصل همچنین می‌توان نتیجه گرفت که میان اصول تعلیم و تربیت اسلامی، تزاخم واقعی وجود ندارد و تزاخم‌های ظاهری در مقایسه با هدف نهایی برطرف می‌شود.

از اصل مزبور، اصول فرعی زیر نتیجه می‌شوند:

- هم‌گرایی اهداف میانی و خاص نسبت به هدف عام؛
- هم‌گرایی همه عوامل درونی و بیرونی نسبت به هدف عام؛
- رفع موانع هم‌گرایی با هدف عام؛
- هم‌گرایی روش‌ها با هدف عام؛
- هم‌گرایی ریزبرنامه‌ها نسبت به برنامه جامع.^۱

۳-۲-۲ اصل انطباق با اسلام

دین اسلام تنها دین معتبر برای هدایت بشر به سعادت و کمال ابدی تا پایان زندگی او در این جهان است و معارف و احکام آن از طریق کتاب آسمانی قرآن، با تبیین رسول گرامی اسلام ﷺ و ائمه طاهرين ﷺ و سپس به وسیله فقها به دست ما رسیده است و هدایت عملی جامعه را نیز در زمان غیبت امام عصر ﷺ ولی فقیه برعهده دارد و هرگونه فعالیت تربیتی به منظور تصرف در ملک خداوند، متوقف بر اذن و رضایت الهی است.

براین اساس، اصل انطباق با اسلام بیان‌کننده لزوم تطابق و هم‌سویی فرایند تربیت با دین مبین اسلام، قرآن کریم و احکام قطعی شرع و کمک به تحقق و گسترش آموزه‌های اسلام ناب و نیز لزوم انطباق و هم‌سویی همه عوامل و روش‌های تربیت با قوانین و احکام حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه است.

از این اصل، اصول فرعی زیر را می‌توان نتیجه گرفت:

انطباق سیاست‌ها، برنامه‌ها، روش‌ها و محتوای تعلیم و تربیت با آموزه‌ها، ارزش‌ها و احکام اسلام؛ هم‌سویی عوامل تعلیم و تربیت مانند سازمان‌ها و نهادها و ابزار و وسایل با اسلام؛

۱. تلخیص و ویرایش از گروه نویسندگان، زیر نظر آیت الله مصباح بزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۰۰ و ۳۰۱.

انطباق الگوها و نمادها با اهداف اسلامی و برگرفتن آنها از زندگی پیشوایان اسلام.^۱

۲-۲-۴ اصل جامع‌نگری

در مبانی انسان‌شناختی گذشت که انسان دارای دو بعد اصلی روح و بدن است و روح انسان نیز از ساحت‌های مختلف بینش، گرایش و توانایی تشکیل شده است. ابعاد و ساحت‌ها، استعدادها و ظرفیت‌های گوناگون انسان در یکدیگر تأثیر می‌گذارند و در مجموع، هویت واحد هر انسانی را می‌توان برآیند فعلیت یافتن مجموع این ویژگی‌ها در او دانست.

از سوی دیگر، حکمت الهی مقتضی آن است که هیچ بعد و ساحتی و هیچ نیرو و استعدادی در وجود انسان عبث و بیهوده نباشد و وجود همه آنها برای وصول او به هدفی که نهایتاً برای آن آفریده شده است مفید و مؤثر باشند. به این ترتیب، همه ابعاد و ساحت‌های انسان و نیز همه انواع استعدادها قابل شکوفایی در انسان به نحوی در وصول به هدف عام تربیت اسلامی نقش دارند. در این صورت، می‌توان اصل جامع‌نگری را به بیان زیر، از اصول تربیت اسلامی به شمار آورد:

در تعلیم و تربیت اسلامی، باید به همه ابعاد و ساحت‌ها، نیازها و استعدادهای وجود انسان توجه شود و پرداختن به تربیت برخی ابعاد و ساحت‌ها یا برخی نیازها و استعدادهای، نباید موجب گردد که سایر ابعاد به فراموشی سپرده شود.

۱. تلخیص از: همان، ص ۳۰۲ و ۳۰۳.

از این اصل، اصول فرعی زیر را می‌توان نتیجه گرفت:

- توجه هم زمان به ساحت‌های گوناگون تربیت (توجه هم‌زمان به ظاهر و باطن^۱؛ توجه هم زمان به نیازهای مادی و معنوی، دنیوی و اخروی^۲)؛
 - توجه هم زمان به کمیت و کیفیت تربیت؛
 - توجه به رابطه تربیت در ساحت‌ها، مراحل و موضوعات مختلف و تأثیرات آنها بر یکدیگر؛
 - توجه به پیامدهای گوناگون مطلوب و نامطلوب عوامل، موانع و روش‌ها.
- اصل جامع‌نگری با فروع آن، باید در تعیین اهداف میانی و خاص تربیت و در هر مرحله از مراحل آن و در تعیین اولویت‌ها، روش‌ها، تعیین شرایط و وظایف نهادها و افراد، عوامل و موانع در اختیار و ارزیابی از پیشرفت برنامه‌ها مورد توجه قرار گیرد.^۳

۵-۲-۲ اصل تناسب و اعتدال

مبانی هستی‌شناختی در باب علیت تأکید دارند که میان علت و معلول سنخیتی برقرار است و از همین رو، شناخت علل خاص هر پدیده برای پیش‌بینی یا فراهم کردن شرایط تحقق آن، لازم است. البته ممکن است انواعی از علل بتوانند زمینه ساز تحقق یک معلول باشند یا نوعی علت، زمینه ساز تحقق امور گوناگون باشد. این تناسب و سنخیت میان انواعی از عوامل و موانع با اهداف تربیت اسلامی وجود دارد. روش‌های تربیت نیز، هر یک نتایج و پیامدهای خاص خود را دارند و با اهدافی معین هم‌سنخ و متناسب اند.

بر اساس همین اصل، برای دستیابی به حد مطلوبی از نتایج، باید در به‌کارگیری علل و

۱. علی علیه السلام: زینُ الإیمان طهارَةُ السَّرَائِرِ وَ حُسْنُ الْعَمَلِ فِي الظَّاهِرِ (غرالحکم، ح ۵۵۰۴)؛ زیور، ایمان، پاکیزگی درون و عمل زیبا در ظاهر است. / طوبی لِمَنْ صَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ وَ حَسُنَتْ عِلَانِيَتُهُ وَ عَزَلَ عَنِ النَّاسِ شَرُّهُ (همان، ح ۵۹۶۳)؛ خوشا به حال آن کس که درونش شایسته و برونش نیکوست و شرش از مردم به دور. / وَ اعْلَمَ أَنَّ لِكُلِّ ظَاهِرٍ بَاطِنًا عَلِيٍّ مِثْلَالِهِ، فَمَا طَابَ ظَاهِرُهُ طَابَ بَاطِنُهُ، وَ مَا خَبِثَ ظَاهِرُهُ خَبِثَ بَاطِنُهُ... (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳)؛ و بدان که هر ظاهری باطنی شبیه خود دارد. پس آنچه ظاهرش پاکیزه است و آنچه ظاهرش پلید است باطنی پلید دارد. / عِنْدَ فَسَادِ الْعِلَانِيَةِ تَفْسُدُ السَّرِيرَةُ (غرالحکم، ح ۶۲۲۷)؛ با تباها شدن [اعمال] آشکار، نهان نیز تباها می‌شود. / عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: فَسَادُ الظَّاهِرِ مِّنْ فَسَادِ البَاطِنِ، وَ مَنِ اصْلَحَ سَرِيرَتَهُ اصْلَحَ اللهُ عِلَانِيَتَهُ... (بحارالأنوار، ج ۷۰، ص ۳۹۵، ح ۱)؛ ظاهر نادرست از باطن نادرست است و کسی که نهان خود را درست کند، خداوند آشکار او را درست می‌کند.

۲. امام باقر علیه السلام: لَيْسَ مِمَّا تَرَكَ دُنْيَاةً لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَا (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۷۶)؛ از ما نیست کسی که دنیاپیش را برای آخرتش رها کند و نه کسی که آخرتش را برای دنیا رها کند.

۳. تلخیص از گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۰۳ - ۳۰۶.

عوامل و روش های دست یابی به نتیجه، از افراط و تفریط پرهیز نمود و حد اعتدال را که با حد مطلوب از نتایج تناسب دارد رعایت کرد.

به این ترتیب، اصل تناسب و اعتدال، این مهم را گوشزد می کند که در تربیت اسلامی، باید برنامه ها، انتخاب عوامل، روش ها، فعالیت ها، مسئولیت ها و ارزیابی ها با اهداف، ساحت ها، مراحل، محتوا، موضوع و عوامل و موانع خارج از اختیار (از جمله، ظرفیت و استعداد متریبان، حالات مختلف آنها، نیازها و موقعیت اجتماعی آنها، نیازهای جامعه و بازخورد ارزیابی ها)، تناسب داشته باشند و باید در موارد مزبور، حد اعتدال را رعایت کرد و از افراط و تفریط پرهیز نمود.

از این اصل، اصول فرعی فراوانی را می توان نتیجه گرفت که به برخی از آنها اشاره می شود:

- تناسب مراحل تربیت در برنامه ها با ملاک های تعیین مراحل^۱؛
- تناسب و اعتدال در پرداختن به ساحت های مختلف تربیت و ظرفیت ها و استعدادهای گوناگون، برای پرهیز از پرورش انسان نامتناسب و ناموزون^۲؛
- تناسب و توازن زمان بندی، محتوا و روش ها، با اهداف، شرایط، فرصت ها، پیشینه و استعداد مخاطبان^۳؛
- تناسب انتخاب مربی با محتوا^۴؛

۱. این ملاک ها عم از مراحل رشد، پیش نیازهای منطقی و اولویت های ساختاری و محتوایی است.

۲. قرآن کریم: وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا... (بقره آیه ۱۴۳)؛ و این گونه شما را امتی میانه و معتدل قرار دادیم. / علی علیه السلام: خَيْرُ الْأَعْمَالِ اعتدالُ الرَّجَاءِ وَالْخَوْفِ (غورالحکم، ح ۵۰۵۵)؛ برترین اعمال برابر داشتن امید و ترس است. / الکاظم علیه السلام: ... وَ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا (الکافی، ج ۶، ص ۵۴)؛ و بهترین کارها، میانه آنهاست.

۳. الرسول صلی الله علیه و آله: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرًا أَنْ نَكَلِمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۴۰)؛ ما گروه پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه خرد آنها سخن بگوییم و قال صلی الله علیه و آله: لَا تُؤْتُوا الْحِكْمَةَ غَيْرَ أَهْلِهَا فَتُظَلِمُوهَا وَلَا تَمْنَعُوهَا أَهْلَهَا فَتُظَلِمُوهُمْ (بحار الأنوار، ج ۲، ص ۷۸)؛ حکمت را به نااهل ندهید که اگر چنین کنید به حکمت ظلم کرده اید، و آن را از اهلهش باز ندارید که در این صورت، به اهل حکمت ظلم نموده اید. / عن أمير المؤمنين علیه السلام: فِي الْحِكْمِ الْمَنْشُوتِ إِلَيْهِ: أَوْلَى الْأَشْيَاءِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا الْأَحْدَاثُ الْأَشْيَاءُ الَّتِي إِذَا صَارُوا رِجَالًا احْتِاجُوا إِلَيْهَا (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۳)؛ مقدم ترین چیزهایی که جوانان باید آنها را بیاموزند، چیزهایی است که در بزرگی به آنها نیازمند می شوند.

۴. قرآن کریم: ... فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نحل، آیه ۴۳)؛ پس اگر نمی دانید از دانایان بپرسید. / عن الباقر علیه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»: عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ مِمَّنْ يَأْخُذُهُ (البرقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۰). از امام باقر علیه السلام درباره سخن خداوند متعال که «باید انسان به غذای خود بنگرد» سؤال شد، حضرت فرمودند: یعنی بنگرد علم خود را از چه کسی می گیرد.

- تناسب ویژگی‌های مربی با ویژگی‌های الگوی مطلوب؛^۱
- تناسب وظایف مرتبی با ظرفیت و استعداد آنها و با اهداف، شرایط، امکانات و محدودیت‌ها، پرهیز از سهل‌انگاری و سخت‌گیری در تکلیف، اجرای عدالت در ارزیابی‌ها، پاداش‌ها و تنبیهات، مسامحه و چشم‌پوشی از خطاها به تناسب ظرفیت و موقعیت مرتبی؛^۲
- ایجاد زمینه رشد و تعالی همگانی؛^۳
- ایجاد فرصت‌های خاص با توجه به تفاوت‌های فردی و شرایط اجتماعی، به تناسب استعدادها، نیازها و امکانات؛
- پویایی و انعطاف‌پذیری برنامه‌ها و روش‌ها به تناسب شرایط، امکانات و نیازها.^۴

۶-۲-۲ اصل تدریج

عالم ماده، عالمی زمان‌مند و تدریجی است و براساس مبانی انسان‌شناختی تغییرات و تحولات ابعاد مختلف روح و بدن انسان نیز به تدریج صورت می‌گیرند. به این ترتیب، طبیعی است که آگاهی‌بخشی، انتقال مهارت و شکوفاسازی استعدادها، یکباره و ناگهان حاصل نمی‌شود

۱. قرآن کریم: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ كَبُرَ مُقْتَلًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَعْمَلُونَ (صف، آیه ۲-۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا چیزی می‌گویید که عمل نمی‌کنید. این که چیزی بگویید که عمل نمی‌کنید نزد خداوند بسیار مبغوض است. / عن أمير المؤمنين (عليه السلام): كَيْفَ يَصِلُخْ غَيْرُهُ مِنْ لَا يَصِلُخْ نَفْسُهُ: (غزوالحکم، ح ۶۹۹۵) کسی که خود را اصلاح نمی‌کند، چگونه دیگران را اصلاح می‌کند؟

۲. قرآن کریم: ... لا تَكْتَلِفْ نَفْسًا إِلَّا وُشْعَهَا (بقره، آیه ۲۳۳)؛ هیچ کس جز به اندازه‌ی توانش تکلیف نمی‌شود. / عن أمير المؤمنين (عليه السلام) في وصيته للخسن (عليه السلام): وَ اقْتَصِدْ يَا بَنِيَّ فِي مَعِيشَتِكَ وَ اقْتَصِدْ فِي عِبَادَتِكَ وَ عَلَيْكَ فِيهَا بِالْأَمْرِ الدَّائِمِ الَّذِي تُطِيقُهُ (بحارالأنوار، ج ۶۸، ص ۲۱۴)؛ فرزندانم! در امر معاش خود راه میانه را برگزین و در عبادت نیز میانه رو باش و در آن به گونه‌ای عمل کن که همواره بتوانی عمل کنی؛ وقال (عليه السلام): إِنَّ لِقُلُوبٍ إِقْبَالَ وَ إِدْبَارًا فَإِذَا اقْتَبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النِّوَابِلِ وَ إِذَا ادْبَارَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَايِضِ (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۲)؛ دل‌ها گاه روی می‌آورند [و رغبت دارند] و گاه پشت می‌کنند [و بی‌رغبت هستند]. پس آن گاه که روی می‌آورند آنها را بر کارهای مستحب وادار کنید و آن گاه که پشت می‌کنید بر امور واجب اکتفا کنید.

۳. قرآن کریم: وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِنَاسٍ يَهْتَدُونَ... (سبأ، آیه ۲۸) و ما تورا جز بشارت دهنده و هشدار دهنده برای همه‌ی جهانیان نفرستادیم. / وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِنَاسٍ يَهْتَدُونَ... (سبأ، آیه ۲۸) و ما تورا جز بشارت دهنده و هشدار دهنده برای همه‌ی مردم نفرستادیم. / عن أمير المؤمنين (عليه السلام): طَبِيبٌ دَوَّازٌ طَبِيبُهُ قَدِ احْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحَمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ مِنْ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبٍ عُمَى وَ آذَانٍ صُمٍّ وَ أَلْسِنَةٍ بُكْمٍ مُتَتَبِعٍ بَدَوَانَهُ مَوَاضِعَ الْعَقْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸)؛ [پیامبرگرامی اسلام (ص)] طبیبی است سیار که با طب خویش همواره به گردش می‌پردازد، مرهم‌هایش را به خوبی آماده ساخته، ابزارش را برای داغ کردن محل زخم‌ها گذاخته است تا آنها را در آنجا که مورد نیاز است از قلب‌های نابینا، گوش‌های کور و زبان‌های گنگ قرار دهد. با داروی خود در جست‌وجوی بیماران فراموش شده و سرگردان است.

۴. تلخیص و اقتباس از: گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۰۶ - ۳۱۱.

و تربیت، فرایندی تدریجی است که در بستر زمان و طی مراحل خاص و با پشت سرگذاردن پیش نیازها و مقدمات خود، تحقق می یابد. خداوند متعال نیز در تعیین تکلیف بندگان، بر اساس این اصل، دستورات خود را به تدریج فرو فرستاده و به تدریج دین را تکمیل کرده است.

۷-۲-۲ اصل پویایی و استمرار

این اصل بیانگر آن است که فرایند تعلیم و تربیت باید از زمان انعقاد نطفه تا پایان زندگی، به طور مستمر ادامه یابد. از این اصل، اصول فرعی زیر را می توان نتیجه گرفت:

- توجه به پیشینه تربیتی افراد از جهت پیش نیازها؛^۱
- توجه به تأثیر تربیت فعلی افراد در مراحل بعدی تربیت آنها (روایات درباره تأثیر وراثت، نوع و حلال یا حرام بودن تغذیه، دعا، یادگیری و ادب آموزی در کودکی، در مراحل بعدی تربیت فراوان است)؛
- تلاش دائمی برای حفظ و ارتقای سطح بینش ها، مهارت ها و شکوفایی استعدادها در جهت هدف نهایی؛^۲
- نظارت دائمی بر روند مستمر تعلیم و تربیت؛
- ارزیابی دائمی از کارها و ارائه بازخورد به برنامه ریزان؛
- بازنگری در برنامه ها با توجه به هدف ثابت و شرایط متغیر.^۳

۸-۲-۲ اصل اولویت

وجود تزاخم در جهان ماده، از مبانی هستی شناختی است که نشان می دهد فعالیت های مختلف ما، از جمله در حوزه تعلیم و تربیت، همواره با انواعی از فعالیت های دیگر اصطکاک می یابد و انسان همواره ناگزیر از انتخاب میان اموری است که با هم قابل جمع نیستند. این

۱. عن أمير المؤمنين عليه السلام: أُنْجَبُونَ أَنْ يُكَدَّبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟ حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ أَمْسِكُوا عَمَّا يَنْكُرُونَ (بحار الأنوار، ج ۲، ص ۷۷)؛ آیا دوست دارید خدا و رسولش را تکذیب کنند؟! برای مردم حدیثی را بگویند که بفهمند و از نقل حدیثی که مورد انکار آنها واقع می شود، خودداری کنید؛ عن الصادق عليه السلام: إِنْ حَدِيثَنَا صَعِبَ مُسْتَعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا صُدُورٌ مُنِيرَةٌ أَوْ قَلُوبٌ سَلِيمَةٌ أَوْ أَخْلَاقٌ حَسَنَةٌ... (الكافی، ج ۱، ص ۴۰۱)؛ حدیث ما - اهل بیت - دشوار و دشواریاب است که جز سینه های روشن یا دل های سلیم یا خلق های نیکو آن را بر نمی تابند.

۲. عن رسول الله صلى الله عليه وآله: ... وَلَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ عَاقِلًا حَتَّى يَجْتَمِعَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ: ... وَلَا يَسْأَمُ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طَوْلَ عُمَرَةَ... (الصدوق، الخصال، ص ۴۳۳، ح ۱۷)؛ مؤمن عاقل نیست مگرده ویژگی داشته باشد... از جست و جوی دانش در طول زندگی خود ملول و خسته نشود....

۳. تلخیص و اقتباس از: گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۱۲ و ۳۱۳.

تزام، بنابراین انسان شناختی میان انواع نیازها و خواسته‌های انسان و حتی میان توجه به این نیازها و خواسته‌ها نیز وجود دارد. به این ترتیب، انسان باید میان انواعی از دانش‌ها، مهارت‌ها و استعدادها قابل شکوفایی، گزینش کند. همچنین با تزامی که میان عوامل و موانع مختلف و نیز میان روش‌های مختلف تربیتی به وجود می‌آید و محدودیت‌ها و ضعف‌هایی که انسان در به کارگیری عوامل و روش‌ها با آنها مواجه می‌شود، در عمل ناگزیر است از میان آنها گزینش کند. طبعاً این گزینش‌ها در صورتی معقول خواهند بود که با توجه به اهداف و براساس معیارهای تعیین اولویت، صورت گیرند.

از اصل اولویت، با توجه به مبانی دیگر، اصول فرعی زیراستنتاج می‌شود:

- اولویت دادن به نیازهای اساسی متربی^۱؛
- اولویت دادن به نیازهای انسانی، متعالی و اخروی متعلم و متربی^۲؛
- اولویت دادن به دانش‌ها، مهارت‌ها و ویژگی‌های ضروری و نافع‌تر برای حال و آینده فرد و جامعه^۳؛
- اولویت دادن به نیازهای عمومی و مشترک نسبت به نیازهای شخصی و خاص؛
- اولویت دادن به تأمین پیش نیازها؛
- اولویت دادن به تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان که از قابلیت بیش‌تری برای اثرپذیری

۱. عن أمير المؤمنين عليه السلام: ... أَلَا وَإِنَّ مَنَ النَّعْمِ سَعَةَ الْمَالِ، وَأَفْضَلُ مَن سَعَةِ الْمَالِ صِحَّةُ الْبَدَنِ وَأَفْضَلُ مَن صِحَّةُ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۳۳۷)؛ وسعت مال از نعمت هاست و برتر از آن، سلامتی بدن است و برتر از سلامتی بدن، تقوای دل است.

۲. عن أمير المؤمنين عليه السلام في قول الله عزَّ وجلَّ « وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا... » (فصص، آیه ۷۷): لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَفُؤُوكَ وَفِرَاعَكَ وَسَبَابَكَ وَنَشَابَكَ أَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَةَ: (بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۷۷) درباره ی این گفته خداوند عزوجل « و در آنچه خدا به تو عطا کرده است، خانه آخرت را بجوی و بهره ات را از دنیا فراموش نکن»، فرمود: سلامتی، قوت، فراغت، جوانی و نشاط خود را فراموش نکن که با آنها می‌توانی در پی آخرت باشی.

۳. عن أمير المؤمنين عليه السلام: العِلْمُ أَكْثَرُ مَن أَنْ يُخَاطَبَ بِهِ، فَخُذُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَحْسَنَهُ (غررالحکم، ح ۱۸۱۹)؛ دانش بیش از آن است که فرا جنگ آید، پس از هردانشی برترین آن را برگزید؛ مَن اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهَيْمِ ضَيَّعَ أَهْمَهُ (۵۹)؛ کسی که به غیر مهم مشغول شود، امر مهم‌تر را تباہ می‌کند. / عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أَدْبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَعَلَى قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ (کنز العمال، ح ۴۵۴۰۹)؛ فرزندانان را بر سه ویژگی تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیت او و خواندن قرآن.

برخوردارند؛^۱ اولویت دادن همه نهادها و سازمان‌های مؤثر، به امر تربیت.^۲

۹-۲-۲ اصل تدبیر و مدیریت^۳

تربیت اسلامی فرایندی پیچیده و هدفمند است که دست‌یابی به اهداف آن، جز با هدایت و رهبری این فرایند از طریق سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات و ارزیابی و نظارت بر آن ممکن نیست. از آنجا که امور مزبور، مهمترین وظایف عمومی مدیران دانسته شده است، می‌توان اصل تدبیر و مدیریت را نیز یکی از اصول کلی در تعلیم و تربیت اسلامی دانست و به این صورت نتیجه گرفت: فرایند تربیت باید در سطوح مختلف عالی، میانی و عملیاتی، مدیریت شود. برنامه‌ریزی (اعم از برنامه‌ریزی اساسی و اجرایی): با توجه به تدریجی بودن تعلیم و تربیت، عوامل و موانع مختلف، مراحل، تفاوت‌های فردی، گروهی و موقعیت‌های اجتماعی افراد، شرایط غیراختیاری و محدودیت امکانات شامل: تعیین موقعیت و شرایط موجود در مقایسه با هدف عام تربیت اسلامی؛ تعیین اهداف میانی و خاص تربیت؛ تعیین روش‌های قابل استفاده برای رسیدن به اهداف؛ تعیین اولویت‌های تربیت؛ بازنگری در برنامه‌های قبلی با توجه به بازخورد ارزیابی‌ها؛ تصمیم‌گیری، طراحی و تدوین برنامه جدید و برنامه‌های فرعی، همراه با بودجه‌بندی، تعیین نحوه پی‌گیری پیشرفت کارها و زمان‌بندی برای اجرای برنامه‌های اجرایی؛

سازمان‌دهی، شامل: تشکیل سازمان‌ها و واحدهای تابعه، تقسیم و تعیین وظایف سازمان‌ها، واحدها و اشخاص با توجه به انواع تربیت، تنوع عوامل و موانع، ساحت‌ها و مراحل تربیت؛ ایجاد هماهنگی میان سازمان‌ها، واحدها و اشخاص در جهت تأمین اهداف تعیین شده برای تربیت؛

۱. عن أمير المؤمنين عليه السلام في وصيته لابنه الحسن عليه السلام: ... وإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَتَسَوَّ قَلْبُكَ وَتَشْتَغَلَ لُبُّكَ... (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ همانا دل جوان مانند زمین کشت نشده است. آنچه در آن افکنده شود، می‌پذیرد. از این رو پیش از آن که دلت سخت گردد و خردت سرگرم شود، به ترتیب توهمت گماشتم.

۲. تلخیص از: گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۱۵-۳۱۹.

۳. در اینجا مدیریت به معنای عام در نظر گرفته شده است و به اداره سازمان‌ها و نهادهای رسمی محدود نمی‌شود؛ بلکه چنانچه یک فرد، کار تعلیم و تربیت فردی دیگر را از جهتی خاص بر عهده گیرد، ناگزیر است برای دست‌یابی به هدف خاص خود، همه وظایف مدیر را انجام دهد و بنابراین، اصل تدبیر و مدیریت شامل او نیز می‌شود.

بسیج منابع انسانی و امکانات لازم، شامل: توجه به شرایط لازم؛ توجه به منابع انسانی و امکانات موجود؛ اصلاح شرایط و رفع موانع؛ ایجاد شرایط مناسب (تربیت مدیران متعهد و کارآمد برای تعلیم و تربیت اسلامی در سطوح مختلف مدیریت؛ تربیت معلمان و مربیان متعهد و کارآمد با لحاظ ساحت‌ها، رشته‌های تخصصی و مراحل مختلف تربیت اسلامی؛ جذب، گزینش و به کارگیری عوامل انسانی متناسب با اهداف؛ فراهم کردن عوامل محیطی، ابزار و ادوات و تجهیزات، متناسب با اهداف).

هدایت و رهبری، شامل: ایجاد رابطه‌ی نزدیک و مؤثر با عوامل انسانی؛ ایجاد انگیزه در عوامل انسانی و تحریک آنها به فعالیت؛ برقراری ارتباطات مؤثر درون سازمانی و بیرون سازمانی؛ کنترل (نظارت بر فعالیت‌های عوامل انسانی و ارزیابی آنها) شامل: تعیین معیار برای ارزیابی؛ ارزیابی کارکردها بر اساس معیار تعیین شده؛ تشخیص انحرافات و تحلیل علل آنها؛ انجام اقدامات اصلاحی؛ ارائه بازخورد ارزیابی‌ها برای بازنگری در برنامه‌ها.

لازم به ذکر است که اصول یاد شده باید هم‌زمان مورد ملاحظه قرار گیرند. طبیعی است که با تعیین اهداف خاص تربیت اسلامی و با ضمیمه کردن جزئیات بیش‌تر درباره ساحت‌ها، مراحل، انواع عوامل و موانع و روش‌های تربیت اسلامی، به گزاره‌های تجویزی جزئی‌تری می‌توان دست یافت که مناسب است در دانش تربیت اسلامی، به تفصیل درباره آنها سخن گفته شود.^۱ علاوه بر اصول یاد شده، اصول دیگری نیز قابل ذکر است که در تربیت اسلامی باید مورد توجه و اهتمام متولیان تربیت قرار بگیرند. این اصول نیز دارای ویژگی جامع و فراگیر است و سیطره و نفوذ آنها در تمام ابعاد نظام تربیتی اسلام، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دارد.

۱۰-۲- اصل توحید محوری

توجه به این‌که خداوند مبدأ و منشأ هر چیزی است و همه چیز تحت مالکیت و تدبیر اوست و او تنها شایسته پرستش است، به این امر رهنمون می‌شود که در روش‌ها، اهداف، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها، باید به سمت یک چیز حرکت کرد و آن خداوند متعال به

۱. تلخیص از همان، ص ۳۱۹-۳۲۱.

عنوان موجود کامل مطلق است. از این رو، مربی باید بکوشد در تربیت به گونه‌ای عمل کند که متربیان را به اعتقاد، گرایش و اطاعت از خداوند متعال، جهت‌دهی کند. این امر در پرتو عمل به آموزه‌های اسلام ممکن است. بنابراین لازم است محتوا، ساختار و روند تربیت با آموزه‌ها و دستورهای تربیتی اسلام، هم‌گرایی و هم‌خوانی بیابد.

علامه طباطبائی رحمته‌الله معتقد است: «روح توحید در اخلاق کریمه‌ای که دین اسلام دعوت به آن کرده، ساری و جاری است و روح اخلاق نیز در اعمالی که افراد مجتمع، مکلف به انجام آن هستند، منتشر است. پس همه اجزای دین اسلام، اگر خوب تجزیه و تحلیل شود به توحید برمی‌گردد و توحید اگر به حال ترکیب درآید به صورت اخلاق و اعمال درمی‌آید. اگر توحید از مقام عالی اعتقادی فرود آید، اخلاق و اعمال می‌شود و اگر اخلاق و اعمال از درجه نازل خود بالاتر روند، توحید خواهند بود.»^۱

۱۱-۲-۲ اصل فطرت محوری

وجود انسان سرشار از ویژگی‌های ذاتی است که خداوند در نهاد او قرار داده و او را از سایر موجودات متمایز کرده است. خداگرایی، خردورزی، حقیقت‌جویی، زیباگرایی، عدالت‌طلبی، کمال‌گرایی و سایر ویژگی‌ها از جمله استعداد‌های فطری انسان هستند. از طرف دیگر، تربیت باید به گونه‌ای سامان یابد که بتواند این استعداد‌های فطری را که در زمین وجود انسان کاشته شده‌اند، شکوفا سازد. اگر انسان دارای یک سلسله فطریات باشد، قطعاً تربیت باید با در نظر گرفتن همان فطریات صورت گیرد. چون تربیت، یعنی رشد و پرورش دادن و این براساس قبول کردن یک سلسله استعدادها و به تعبیر امروزی‌ها، یک سلسله ویژگی‌های انسان است. انسان را دو جور می‌توان ساخت: یکی ساختن، آن چنان‌که اشیا را می‌سازند؛ یعنی سازنده فقط منظور خود را در نظر می‌گیرد و فرد را به شکلی درمی‌آورد که آن منظور را تأمین کند؛ حال با ناقص کردن یا کامل نمودن آن. دیگر، تربیت، یعنی پرورش دادن استعداد‌های واقعی انسان. او اگر استعداد عقلانی و فکری دارد و چون و چرا در مسائل دارد، این را باید پرورش داد، نه این‌که این‌ها را کشت.^۲

عدم توجه به فطرت، موجب فراموش شدن ویژگی‌های آن می‌شود و در این صورت، تربیت

۱. طباطبائی، مجموعه رسائل، ص ۳۳۴.

۲. مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۸.

کارساز نخواهد شد. براساس فرمایش امام علی علیه السلام یادآوری ویژگی‌های فطری، وظیفه‌ای است که انسان‌های بزرگ الهی برعهده دارند. حضرت فرمود:

فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ؛^۱

خداوند پیامبران خود را برانگیخت و پیاپی میان مردم فرستاد، تا بشر را به ادای پیمان فطرت (در عالم ذر) وادارند. رهیابی م. تربیان به اخلاق مندی، حق طلبی، عدالت محوری، زیبایی خواهی، کرامت جویی و کمال طلبی از لوازم فطرت محوری است و وظیفه مریبان است که این ویژگی‌ها را در مرتبی پرورش دهند. تربیتی که به دور از اخلاق اسلامی باشد، حق و باطل در آن مشخص نشود و انسان‌های بی تفاوت پدید آید، بدون این‌که به زیبایی‌های ظاهری (نظم، مرتب بودن و...) و باطنی توجه کند، پی‌گیر رفتار عادلانه با دیگران نباشد و به کرامت و شرافت فردی، دینی و اجتماعی خود اهمیت ندهد، این نوع تربیت فطرت محور نخواهد بود.

۱۲-۲-۲ اصل کرامت انسانی

در قرآن کریم، شرافت و کرامت انسان را به راحتی می‌توان از تشریح جریان خلقت حضرت آدم علیه السلام و فرمان سجده ملائکه در مقابل ایشان^۲ و اعطای مقام جانشینی خدا در روی زمین^۳ دریافت. خداوند متعال در سوره مبارکه اسراء، درباره کرامت انسان در جهان خلقت می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛^۴

و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم. از شرافت و کرامتی که خداوند متعال برای مخلوق خویش قائل شده است، چنین برمی‌آید که این امر، باید به عنوان يك اصل در جریان تربیت برای رسیدن به رشد نهایی و کمال تربیت مورد توجه و دقت قرار گیرد. روشن است که جانشین و نماینده باید از میان دیگران،

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۲. وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا. (بقره، آیه ۳۴)

۳. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً. (بقره، آیه ۳۰)

۴. اسراء، ۷۰.

به بالاترین درجه احترام و ارزش از سوی اعطا کننده منصب جانشینی دست یافته باشد تا این که به آن منصب گماشته شود.^۱ در تدوین اهداف واسطه ای تربیت، کرامت و شرافت انسانی باید رعایت شود و هیچ هدف یا نقطه ای را نمی توان تعیین کرد که با کرامت و شأن انسان که اشرف مخلوقات و جانشین خداوند در روی زمین است، تنافی داشته باشد. علاوه بر آن، در تدوین محتوای تربیت، روش تربیت، استخدام ابزار تربیت و ارزش یابی میزان رسیدن به اهداف، نیز این اصل باید مورد توجه باشد.

براین اساس، در جریان تربیت، نه تنها باید کرامت ذاتی (خدادادی) همه افراد مرتبط با تربیت (اعم از مربیان، متریبان و اولیای ایشان) حفظ گردد؛ به گونه ای که با هیچ یک برخلاف ارزش های انسانی و اسلامی به صورت تحقیرآمیز برخورد صورت نگیرد و همه افراد با احساس ارزش مندی و عزت نفس، زمینه پاس داشت کرامت خود و دیگران را فراهم آورند؛ زیرا آنان که برای خود ارزش و احترامی قائل نیستند، برای دیگران نیز چنین اند. هم چنین لازم است تربیتی اتخاذ شود که افراد بکوشند علاوه بر حفظ کرامت خدادادی، با ایمان و انجام عمل صالح در صدد ارتقای اختیاری کرامت خود برآیند.^۲ متربی باید بیاموزد که دست یازیدن به کارهای پست، به منزله آلوده کردن گوهر انسانیت است و پیروی کردن از هواهای نفسانی، به منزله برده ساختن و زبون کردن عقل و روح ملکوتی است.

۱۳-۲-۲ اصل هدف محوری

با توجه به این مبانی که «هستی دارای غایت و هدف واحد است» و «انسان موجودی هدف مند است» و «آفرینش انسان هدف مند و درهماهنگی کامل با غایت هستی است»، باید مربیان و متریبان همواره هوشیار باشند که در طول تربیت، اهداف را فراموش نکرده و در جهت همان هدف واحد که سعادت و قرب به خدا است، حرکت کنند یا اهدافی که برای تربیت تعریف می کنند، در طول هدف واحد قرار گیرد. هم چنین تربیت هایی که در آن ها قرب به خدا در نظر گرفته نمی شود، از آن ها دوری کنند.

۱. عبادی، اصول تربیت در اسلام (با تکیه بر قرآن کریم)، فصلنامه مصباح، شماره ۳۶.

۲. رک: فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران: گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش، ص ۱۱۹.

امروزه با توجه به عرفان‌های نوظهوری و دروغینی که مثل قارچ‌های سمی سردرآورده‌اند و مدعی رساندن انسان به سعادت و آرامش هستند و اغلب موارد، توصیه‌های غیرشرعی به پیروان ناآگاه خود دارند، اهمیت در نظر داشتن قرب به خدا بیش‌تر نمایان می‌شود. نقش مربیان در این جهت بسیار چشم‌گیر و برجسته است که متریبان را از ماهیت و پیامدهای ناخوشایند و گمراه‌کننده عرفان‌های نوظهور آشنا سازند.

۱۴-۲-۲ اصل آزادی و اختیار انسان

آزادی و اختیار انسان، موهبتی الهی و وجه تمایز او با موجودات است که نه تنها در امر تربیت باید پاس داشته شود، بلکه هم‌چون معیاری برای ارتقا و تعالی مرتبه وجودی او نیز در نظر گرفته شود. خداوند متعال، یافتن و حرکت کردن در راه راست بر عهده خود افراد گذاشته است. هدایت الهی با اکراه و اجبار انجام صورت نمی‌پذیرد، بلکه باید از درون بجوشد.^۱ خدایی که برای بشر، پیامبر و کتاب فرستاده است، در نهایت از خود انسان‌ها می‌خواهد که خودشان را در مسیر حق، مدیریت و هدایت کنند. پیام الهی از جانب خداوند دریافت می‌شود؛ ولی تا خود فرد نخواهد، آن پیام‌ها مؤثر واقع نمی‌شود. در تعلیم و تربیت هم از این قاعده باید پیروی کرد.^۲ بدون این‌که اجباری باشد، مربی می‌تواند بسترهای لازم را برای آزادی آگاهانه در کسب فضایل و صفت‌های اخلاقی و انسانی فراهم سازد تا مربی با اقتناعی که از طرف مربی صورت می‌گیرد، با اراده و انتخاب و آزادی خود، به سمت کسب فضایل سوق یابد. روشن کردن چراغ عقل در طی مسیر تاحدی یاری‌رسان است؛ زیرا وقتی انسان در موقعیت‌های مختلف (هم‌چون دوراهی تصمیم‌گیری و رفتار اخلاقی) قرار می‌گیرد، باید بتواند با عقل خویش، یکی از راه‌ها را که به اخلاق الهی و صفت‌های انسانی نزدیک‌تر و درست‌تر است، انتخاب کند.

آزادی جنبه‌های سلبی و ایجابی دارد. علاوه بر جنبه سلبی آزادی، یعنی رفع موانع و محدودیت‌ها در جهت زمینه‌سازی برای رشد همه‌جانبه، باید جنبه ایجابی آن، یعنی فراهم

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْنَا أَنْفُسِكُمْ...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خودتان بپردازید. (مانده، ۱۰۵)

۲. رک: ملکی، اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری، بخش اول، فصلنامه مصباح، ش ۵۰.

آوردن امکانات و فرصت های مناسب برای شکوفایی اختیار و افزایش قدرت انتخاب و عمل آزادانه مربی نیز مورد نظر قرار گیرد. اما آن چه به نظر می رسد امروزه اهمیت بیش تری داشته باشد، این است که مربی بتواند توانایی انتخاب گری و انتخاب احسن در متربیان را پرورش دهد. بنابراین برنامه های تربیتی باید سرشار از فرصت های انجام فعالیت، گزینش، ترجیح، اولویت بندی و تمرین انتخاب گری باشد تا فردیت افراد و استقلال آنان از بین نرود. در عین حال، چه بسا در مراحل نخست رشد و با توجه به عدم آمادگی متربیان برای انتخاب آگاهانه و آزادانه، لازم باشد تا آزادی ایشان به طور موقت محدود گردد.^۱

۱۵-۲-۲ اصل مسئولیت محوری

بنابراین که انسان موجودی آزاد و صاحب اختیار است و هم چنین تکالیفی از سوی خداوند بر عهده وی گذاشته شده است، می تواند با آزادی و اختیار خود به تکالیف عمل بکند یا نکند؛ ولی در هر صورت، انسان (مربی یا مربی) در برابر تکالیفی که با اختیار خود برمی گزیند، مسئول است. مبنای «مسئولیت محوری» به ایجاد احساس مسئولیت مربی و مربی، نسبت به خدا، خود، دیگران و محیط اشاره دارد. مربی باید به گونه ای تربیت شود که در اطاعت و بندگی نسبت به خداوند، شکرگزاری نسبت به نعمت های مادی و معنوی، رسیدگی درست به نیازهای فردی و اجتماعی، رغبت کرده و پاسخگو باشد و از فرصت های زندگی و توان مندی های شخصیتی خود به خوبی استفاده کند. مربی نیز باید بداند که مربی امانتی در دست او است و نسبت به او مسئولیت دارد. تربیت تدریجی او با توجه به هدف نهایی از مسئولیت های سنگین وی است؛ یعنی مربی باید بکوشد وظایف مربی را نسبت به خود، خدا، دیگران و طبیعت بازگو کرده و احساس مسئولیت را در او تقویت کند.

علاوه بر مسئولیت های فردی طلبه، وجود انواع مسئولیت های اجتماعی او ایجاب می کند که به سوی جمع گرایی و دیگرخواهی جهت داده شود و ویژگی های همکاری، هم یاری، ایثار، فداکاری، از خودگذشتگی و خیرخواهی نسبت به دیگران و عدالت خواهی تقویت، و با

۱. رک: فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران: گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش، ص ۱۱۹.

خوی خودخواهی و بی‌تفاوتی نسبت به مصالح اجتماعی به سختی مبارزه گردد. هم‌چنین روحیه سلحشوری، ستم‌ستیزی، مبارزه و جهاد با جباران و مفسدان و حمایت از مظلومان و محرومان، در متربیان پرورش داده شود تا عناصری شایسته و کارآمد برای ساختن جامعه‌ای ایده‌آل به بار آیند و بتوانند نقش خود را در تحقق هدف الهی ایفاء کنند.^۱

۱۶-۲- اصل تفاوت‌های فردی و اجتماعی

هر انسان، هرچند شباهت‌هایی با دیگران دارد، دارای ویژگی‌های جسمی، روانی و توانایی‌های خاص ذهنی، هوشی و ادراکی متمایز با دیگران است. این تفاوت‌های فردی، بسیار دامنه‌دار و گسترده است و در اخلاق، رفتار و استعداد افراد در ساحت‌های گوناگون زندگی کاملاً مشهود است. توجه به این تفاوت‌ها در امر تربیت از اهمیتی ویژه برخوردار است و رعایت آن به این معناست که باید:

متربیان استعدادیابی شوند و ویژگی‌های هوشی، عاطفی و ادراکی هرکدام از آنان بازشناسی شود؛ متربیان با توجه به خصوصیت‌های ذهنی، هوشی و روانی طبقه‌بندی شوند و برای هر طبقه، به فراخور استعدادهای و خصوصیت‌ها، هدف و برنامه ویژه تهیه شود؛

متربیان تحت تربیت یک مربی، محدود و محدود شوند، تا بتواند به وضعیت آموزشی و پرورشی آنان با توجه به تفاوت‌هایشان رسیدگی کند.

از سوی دیگر، رعایت تفاوت‌های فردی توسط متربیان، مستلزم این است که آنان به فنون، هنرها و روش‌های گوناگون تدریس و تربیت تسلط داشته باشند تا در برخورد با متربیان متفاوت، از شیوه‌ها و فنون متناسب با هرکدام استفاده کنند و با هر فرد، با توجه به سطح فکری و روانی او مواجه شوند و با زبان خاص او سخن گویند.

در شیوه و سیره پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام در رویارویی با مردم، احوال و سطح درک و فهم آنان، این اصل تربیتی کاملاً رعایت می‌شده است. به همین سبب، آن بزرگواران گاه از خطابه و موعظه، گاه از مجادله و گاه از قیاس و برهان استفاده می‌کردند. هم‌چنین به پرسش یکسان

۱. رک: مصباح یزدی، مبانی و اصول تعلیم و تربیت، <http://mesbahyazdi.ir>.

افراد گوناگون، پاسخ‌های متفاوت می‌دادند.

عبدالله بن سلیمان می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره امام پرسیدم، که آیا به امام هم اختیاراتی داده شده، چنان‌که به سلیمان بن داوود داده شده بود؟ فرمود: آری، و دلیلش این است که مردی از امام مسأله‌ای پرسید، آن حضرت جوابش گفت. سپس دیگری همان مسأله را پرسید و او جوابی برخلاف جواب اول گفت. باز دیگری همان مسأله را پرسید و او جوابی برخلاف آن دو جواب گفت... من عرض کردم: اصلحك الله، امام که این جواب را می‌گوید، آن‌ها را می‌شناسد (که هر یک را مطابق فهم و استعدادش پاسخ می‌گوید)؟ سپس به من فرمود: آری، امام، زمانی که مردی را ببیند، او را و رنگش را می‌شناسد... از این جهت است که به مردم آن‌گونه (هرکس را مطابق با فهم و استعدادش) پاسخ می‌دهد.^۱

اهتمام به رعایت ظرفیت وجودی افراد و تفاوت آنان در تربیت دینی، همان نکته‌ای است که در روایات بر آن تأکید شده است و به تصریح و تلویح خواسته شده است که از ارائه معرفت سنگین و غیر قابل هضم به اشخاص کم ظرفیت و کم تحمل خودداری شود.

اما بنا بر اصل تفاوت‌های اجتماعی، افراد بر حسب موقعیت و جایگاهشان در جامعه و اجتماع، باید برنامه و اهداف تربیتی مخصوص داشته باشند و از آنان انتظارات تربیتی متفاوت داشت.

در برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری تربیتی، باید بین افراد دارای شئون و موقعیت اجتماعی و افراد دیگر تفاوت گذاشته؛ همان‌گونه که اهل بیت علیهم‌السلام آن را مورد نظر قرار می‌دادند و فرزندان‌شان را که در آینده به مقام‌های عالی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌رسیدند، به آن شیوه تربیت می‌کردند.^۲ در روایتی امام صادق علیه‌السلام از پدر بزرگوارشان نقل می‌کند که:

امام باقر علیه‌السلام فرمود: ما (اهل بیت) فرزندانمان را در پنج سالگی به نماز گزاردن وادار می‌کنیم، و شما فرزندانتان را در هفت سالگی به نماز وادارید. هم چنین ما فرزندانمان را در هفت سالگی - تا جایی که طاقت روزه دارند، تا نصف روز باشد یا بیشتر یا کمتر- به روزه گرفتن وامی‌داریم؛ ولی شما فرزندانتان را در نه سالگی و به اندازه توانشان به روزه‌داری وادار کنید، و چون تشنگی بر آنان غلبه کرد، روزه خود را افطار کنند.^۳

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۸، ح ۳.

۲. رک: زهره کاشانی، اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

۳. همان، ج ۳، ص ۴۰۹، ح ۱.

بنابر مبنای «اجتماعی بودن انسان»، متریبان باید به گونه‌ای تربیت شوند که:

۱. آگاهی‌های لازم را نسبت به زندگی جمعی، شرایط، مزایا، معایب، جایگاه و نقش خود در آن و چگونگی تعالی فردی و اجتماعی را دریابند؛
۲. مهارت‌هایی نظیر اظهار وجود، مهارت نه گفتن منطقی، داشتن مشارکت فعال، مدیریت جریان زندگی اجتماعی و ترکیب میان خوددوستی و دگردوستی و توان رهبری گروه را بیابند؛
۳. با حضور و مشارکت در عرصه‌های مختلف زندگی جمعی و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی در مدرسه علمیه، نظیر مدیریت داخلی مدرسه، مسئولیت آشپزخانه، مسئولیت نظافت و امثال آن، به تدریج خود را برای زندگی جمعی و الزام‌های آن آشنا سازند؛
۴. متریبان باید به گونه‌ای پرورش یابند که افزون بر التزام به هنجارهای مربوط به رفتارها و روابط اجتماعی، آمادگی لازم برای ایثار و فداکاری را کسب کنند.

۱۷-۲-۲ اصل حقیقت‌محوری

با توجه به این‌که برای انسان امکان شناخت با انواع مختلف آن وجود دارد و می‌تواند از منابع و ابزارهای شناخت، جهت دست‌یابی به معرفت یقینی و حقیقت بهره‌برد، موجب مسئولیت‌هایی برای مربی و متربی می‌شود:

- مربی باید به ترغیب و تشویق متربی برای کسب معرفت و حقیقت پردازد؛
- مربی وی را در بهره‌گیری از ظرفیت‌های شناختی خود یاری رساند و هم‌چنین به کاستی‌های شناختی متربی توجه کرده و راهنمایی‌های لازم را برای اصلاح و ارتقای شناخت وی ارائه دهد؛
- لازم است مربی روش تفکر درست و نقادانه را برای کشف واقع به متربی یاد دهد و در این راستا برای کشف واقعیت، اجازه ارتباط با واقعیت و تجربه و آزمایش به او داده شود؛
- مربی باید در تربیت از معرفت‌های یقینی و معتبر بهره‌گیرد و از ورود به معرفت‌های تردیدآمیز بپرهیزد؛
- در فرایند تربیت، باید از همه منابع و ابزارهای معتبر معرفتی مناسب در کشف حقیقت بهره گرفته شود و نواقص ابزارهای معرفتی حس، عقل، تجربه بیان گردد؛
- در استفاده از منابع و ابزارهای شناخت، به عقل و حس منحصر نشود، بلکه از منابع وحی، نقل و مراجع معرفتی و خبرگان علمی نیز استفاده گردد؛

- مرتبی به این حقیقت رهنمون گردد که همه منابع شناخت در جای خود لازم هستند؛ ولی منبع وحی و نقل معتبر از منابع یقینی به شمار می‌رود که می‌توان به حقیقت رهنمون گردد؛
- مرتبی باید بیاموزد که همواره در کسب شناخت و رشد معنوی و تکامل، به شناخت‌های یقینی بپردازد و فریب مدعیان عرفان‌ها یا معنویت‌گرایی‌های دروغین را نخورد؛
- مرتبی باید بیاموزد که معیار درستی و نادرستی عرفان‌ها، معنویت‌ها و عبادت‌ها، با معیار قرآن و عترت سنجیده می‌شود و هرآن‌چه با آن‌ها مطابقت ندارد، دروغین است و باید از پیروی پرهیزد؛
- مرتبی باید فرا بگیرد که شهود رحمانی با شهود شیطانی فرق دارد؛
- مرتبی باید به مرتبی بیاموزد که تلاش برای رسیدن به کمال و سعادت، در گروه توجه به امور شرعی و انجام آن‌ها است و در واقع، سعادت دنیوی و اخروی از کانال انجام ظواهر شرعی می‌گذرد، نه ترک آن‌ها.

۱۸-۲-۲ اصل ارزش محوری

- رسیدن به سعادت و کمال، مطلوب هر انسانی است و با لحاظ هدف نهایی و مطلوب غایی، هر چیزی ارزش مند می‌شود. توحید، عدالت، احسان و رأفت، نیت خوب و اخلاص از جمله ارزش‌هایی هستند که با لحاظ مطلوب غایی، برای آدمی مطلوب و پسندیده می‌شوند؛ بنابراین:
- مرتبی باید به ارزش‌های الهی در فرایند تربیت التزام داشته باشد و نقش این ارزش‌ها را در زندگی علمی و ایمانی مرتبی برجسته سازد؛
 - مرتبی باید جهت‌گیری‌های ارزشی مرتبی را واکاوی و واریسی کرده و در جهت ارزش‌های متعالی سوق دهد؛
 - از آن‌جا که ارزش و دانش از یکدیگر جدا و منفک نمی‌باشد، در جریان تربیت، مرتبی باید به اشراق و دخالت ارزش‌ها توجه کند و به سمت تقویت ایمان و اصلاح انگیزه رفتار به عنوان حد نصاب ملاک ارزشیابی توجه کند؛
 - مرتبی باید به گونه‌ای تربیت شود که بداند همه ابعاد زندگی و رفتارهای او ارزش بردارند؛
 - مرتبی باید یاد بگیرد که در رشد معنوی، هیچ‌گاه از مدار توحید دور نشود؛

- مرتبی باید بیاموزد که داشتن حسن فعلی (کار خوب) و فاعلی (نیت خوب) رفتار در رشد معنوی و کمال تأثیرگذار است و داشتن یکی از آن دو کافی نمی‌باشد؛
- مرتبی افزون بر این که باید ارزش‌های الهی را در درون خود شکوفا سازد، هم‌چنین در عملی‌سازی ارزش‌های الهی اجتماعی بکوشد.

۳-۲ روش‌های تربیت

روش در لغت به معنای طرز، قاعده و قانون، راه، هنجار، شیوه، گونه، رسم و آیین آمده است.^۱ روش‌های تربیتی، مکانیزم‌ها و فعالیت‌های ایجاد تغییر رفتار و خصوصیات شخصیتی در مرتبی هستند که در فرآیند تربیت به کار می‌روند تا مرتبی به هدف نهایی تربیت (قرب الهی) برسد. روش‌ها نوعی فعالیت و عمل در سایه اصول می‌باشند.^۲

در واقع، روش‌های تربیتی، اصلی‌ترین و حیاتی‌ترین بخش تربیت هستند که از یک منظر، می‌توان آن‌ها را چهارراه نظام تربیتی به حساب آورد؛ به این معنا که روش‌ها از سویی به اهداف و اصول و مبانی و از سوی دیگر با ساحت‌ها، عوامل و مراحل ارتباط دارند.

روش‌های تربیت اسلامی که با عناوین کلی بیان می‌شوند، ناظر به انواعی از فعالیت‌های اختیاری در حوزه تربیت اسلامی هستند که می‌توانند ما را هرچند در شرایطی - به اهداف مطلوب در این حوزه برسانند. این روش‌ها که همه با مؤلفه‌های تربیت اسلامی به نوعی ارتباط دارند و از تأثیر این فعالیت‌ها بر تربیت انتزاع می‌شوند، خود دارای مراتب طولی هستند و برخی از آنها برای اهداف مختلف به کار می‌روند.^۳

۳-۱-۲ ارتباط روش‌ها با اصول

هم‌چنان که اصول به مبانی تکیه دارند، روش‌ها نیز به اصول تکیه دارند؛ البته اصول و روش‌ها از یک سنخ می‌باشند، زیرا هر دو دستورالعمل بوده و به ما می‌گویند که برای رسیدن به مقصود مورد نظر چه باید بکنیم، اما تفاوت در این است که اصول، دستورالعمل‌های

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه «روش».

۲. نظام‌نامه تربیتی جامعه المصطفی‌العالمیه، (چاپ محدود و داخلی)، ۱۳۸۸، ص ۹۵.

۳. گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۴۵۰.

کلی و روش ها دستورات العمل های جزئی می باشند و روش ها در مقایسه با اصول از نوعی تعیین و تشخیص بیش تری و کامل تر برخوردارند.^۱

نکته هایی درباره روش تربیت^۲

الف) روش ها می توانند ما را به هدف تعلیم و تربیت برسانند:

روش ها، راه وصول به اهداف اند. البته ممکن است یک روش خاص، همواره نتواند ما را به هدف مورد نظر برساند؛ اما اساساً در روش چنین قابلیتی فرض می شود که دست کم در شرایطی بتواند ما را به اهداف مطلوب برساند. برای مثال، تشویق می تواند در برخی شرایط، در تربیت فرد، تأثیر مثبت داشته باشد و در برخی شرایط دیگر، ممکن است تأثیر منفی آن غالب باشد؛ اما آن را از آن جهت که قابلیت تأثیر مثبت دارد، یکی از روش های تعلیم و تربیت به شمار می آورند.

ب) برای رسیدن به یک هدف، می توان از روش های گوناگون استفاده کرد:

روش های گوناگون می توانند با هدفی واحد سنخیت داشته باشند. بنابراین، تنوع روش ها، همواره معلول تنوع اهداف نیست؛ بلکه برای رسیدن به یک هدف نیز، ممکن است روش های مختلف وجود داشته باشد. شناسایی این روش ها به برنامه ریزان و مجریان کمک می کند که در شرایط مختلف، بهترین و مناسب ترین روش ها را انتخاب کنند.

ج) یک روش می تواند برای رسیدن به اهداف گوناگون به کار رود:

بنا بر همان اصل سنخیت، روش واحد نیز می تواند با اهداف متنوع سنخیت داشته باشد. این امر گویای این حقیقت است که هر روش لزوماً منحصر به هدفی خاص نیست و ممکن است از روش واحدی برای دستیابی به چند هدف استفاده گردد.

د) روش ها با عناوینی کلی و انتزاعی بیان می شوند:

با توجه به این که روش ها می توانند در موارد مختلف به کار آیند، عناوین بیان کننده روش ها

۱. همان، ص ۹۶.

۲. رک: گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۴۴۵-۵۱۱.

مفاهیمی کلی هستند. هم‌چنین از آن‌جا که روش‌ها ناظر به رابطه فعالیت‌ها با اهداف‌اند، باید گفت این عناوین از تأثیرنوعی فعالیت در تعلیم و تربیت انتزاع می‌شوند و نشان‌دهنده ماهیت یک کار، صرف نظر از تأثیر آن در تعلیم و تربیت نیستند. برای مثال، سخنرانی از آن جهت که بیان شفاهی مطالب به صورت یک سویه برای آموزش به دیگران است، یکی از روش‌های تعلیم به شمار می‌رود.

ه) روش‌ها ناظر به انواع فعالیت‌های اختیاری در حوزه تعلیم و تربیت هستند:

روش‌ها علاوه بر این‌که ناظر به فعالیت‌هایی در حوزه تعلیم و تربیت‌اند، به زمینه‌سازی، برنامه‌ریزی، ارزیابی و سایر عملیات مدیریتی در حوزه تعلیم و تربیت نیز اطلاق می‌شوند. روشن است که این فعالیت‌ها باید اختیاری باشند؛ زیرا روش‌ها فعالیت‌هایی هستند که متصدیان تعلیم و تربیت، با انتخاب آن‌ها و تحقق بخشیدن به آن‌ها (مثل روش‌های تدریس و آموزش، روش‌های تربیت در ساحت‌های مختلف شخصی، الهی، فرهنگی-اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و طبیعی و...) به اهداف مطلوب دست می‌یابند.

و) روش‌ها دارای مراتب طولی هستند:

با توجه به این‌که روش‌ها با عناوینی کلی بیان می‌شوند، می‌توان برای آن‌ها مراتبی را در نظر گرفت، به گونه‌ای که از جهت درجه کلی بودن با یکدیگر متفاوت باشند. به عبارت دیگر، برخی از روش‌ها مصداق روش‌های دیگر محسوب شوند. در این صورت، روش‌ها خود دارای مراتب طولی خواهند بود. برای مثال، چنان‌چه هدف، ترغیب مخاطب به یادگیری و تحریک انگیزه‌های مثبت او باشد، می‌توان با تزیین کلام که نوعی جذاب‌سازی ظاهری است، به این هدف دست یافت. پس جذاب‌سازی ظاهری و تزیین کلام، هر دو از روش‌های تربیتی هستند؛ اما تزیین کلام، خود نوعی از جذاب‌سازی ظاهری است و در طول آن قرار می‌گیرد.

ز) به کارگیری روش‌ها ممکن است با یکدیگر تراحم داشته باشند:

با توجه به این‌که روش‌ها انواعی از فعالیت‌های اختیاری هستند و افعال اختیاری انسان‌گاه با یکدیگر در تراحم‌اند، ممکن است روش‌ها در عمل با یکدیگر تراحم پیدا کنند. در این گونه

موارد، چاره‌ای جزانتخاب میان روش‌های ممکن (و البته انتخاب روش برتر) نیست.

ح) روش‌ها علاوه بر فعالیت‌ها و اهداف، با سایر مؤلفه‌های تعلیم و تربیت ارتباط دارند:

چنان که دیدیم، روش‌ها بر برخی مبانی مانند سنخیت علت و معلول، استوارند. از سوی دیگر، در حوزه تعلیم و تربیت، روش‌ها ناظر بر انواع فعالیت‌های اختیاری هستند و از رابطه‌ای که این فعالیت‌ها با اهداف تعیین شده در تعلیم و تربیت دارند، انتزاع می‌شوند. به این ترتیب، روش‌ها با انواع فعالیت‌های اختیاری در این حوزه و نیز با انواع اهداف تعلیم و تربیت ارتباط دارند. از آن‌جا که این اهداف، شامل همه اهداف میانی نیز می‌شوند و برخی اهداف میانی، براساس مراحل و ساحت‌ها تعیین می‌گردند، روش‌ها با مراحل و ساحت‌های تعلیم و تربیت نیز ارتباط می‌یابند.

برای مثال، ممکن است یک روش برای وصول به اهداف تربیتی در ساحتی خاص یا در مرحله‌ای خاص مناسب باشد. از آن‌جا که فعالیت‌های اختیاری در حوزه تعلیم و تربیت، با به کارگیری سازمان‌دهی عوامل و رفع یا کنترل موانع مختلف صورت می‌گیرد، روش‌ها با عوامل و موانع تعلیم و تربیت نیز ارتباط خواهند داشت. هم‌چنین با توجه به این‌که به کارگیری روش‌ها خود، نوعی از عملیات مربوط به حوزه تعلیم و تربیت است، اصول تعلیم و تربیت، بر به کارگیری روش‌ها نیز حاکم هستند و به این ترتیب، روش‌ها با اصول نیز ارتباط می‌یابند. پس می‌توان گفت روش‌ها با سایر مؤلفه‌های تعلیم و تربیت ارتباط دارند.

۲-۳-۲ دسته‌بندی روش‌های تربیت

روش‌های تربیت می‌تواند از مبانی، اصول، عوامل و موانع و هم‌چنین از اهداف تربیت تأثیر پذیرد. با این تأثیرپذیری، روش‌های متنوع به وجود می‌آید که با هر یک از عوامل گفته شده، ارتباط می‌یابد. شیوه‌های متفاوتی در تقسیم‌بندی روش‌های تربیت به کار گرفته شده است. در این نظام‌نامه، روش‌های تربیت به سه دسته بینشی (شناختی)، گرایشی و رفتاری تقسیم شده و در هر بخش، نمونه‌هایی به اختصار بیان شده است.

۱-۲-۳-۲ روش‌های بینشی (شناختی)

منظور آن است که تلقی و برداشت آدمی از امور تغییر یابد. این تغییر از لوازم قطعی تغییر در گرایش‌ها و رفتارهای فرد است.

علامه طباطبائی رحمته‌الله، مفهوم شناخت و علم را بی‌نیاز از تعریف و بدیهی یا ضروری می‌داند و آنچه در توصیف و شرح شناخت آمده را مناسب شناخت و ویژگی‌ها و تشخیص مصادیق آن می‌خواند، اما در یک تعریف شرح الاسمی می‌توان گفت: شناخت عبارت است از آگاهی به واقعیت و کشف حقیقت.^۲

نخستین گام در تربیت ایجاد بصیرت و شناخت و استفاده از منطق صحیح و استدلال‌ات حساب شده و به تعبیر دیگر دست انداختن درون فکر و اندیشه متربی و به حرکت در آوردن آن و بیدار ساختن عقل خفته وی است، از این رو نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با خواندن آیات الهی در صدد بالا بردن بینش و شناخت مردم بودند. چنانچه خداوند، در قرآن کریم می‌فرماید:

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ^۳؛

به درستی که خداوند، بر مؤمنان منت نهاد، نعمت بزرگی بخشید، هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد به چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.

خداوند در آیه فوق، آموزش حکمت را روش نجات از گمراهی‌ها^۴ معرفی کرده است.

۱-۱-۲-۳-۲ تفکر (تأمل، تعقل و تدبر)

تفکر و تدبر از ویژگی‌های خاص انسان و وجه تمایز او با سایر موجودات است. در روایات مختلف، مردم به تفکر و تأمل، به ویژه در مسائل اخلاقی و اعمال و رفتار دعوت شده‌اند.

۱. طباطبائی، سید محمد حسین، «بداية الحكمة»، ص ۱۳۸.

۲. جوادی آملی، عبدالله، «شناخت شناسی در قرآن»، ص ۱۲۶.

۳. آل عمران ۳، آیه ۱۶۴.

۴. علی علیه‌السلام: إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ وَ نُوْرُ الْبَصَارِ مِنَ الْعَمَى وَ قُوَّةُ الْبَدَانِ مِنَ الضَّعْفِ؛ به راستی که دانش، مایه حیات دل‌ها، روشن کننده دیدگان کور و نیروبخش بدن‌های ناتوان است. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۶۶)

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

عَلَيْكَ بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ زُشْدٌ مِنَ الضَّلَالِ وَ مُصْلِحُ الْأَعْمَالِ؛^۱

تورا به تفکر سفارش می کنم که از گمراهی به هدایت رهنمون می شود و اعمال را اصلاح می کند.

۲-۱-۲-۲-۳-۲ روش حکمت یا برهان

حکمت در لغت، به معنای منع و بازدارندگی آمده است^۲ از آنجا که علم، دانش، منطق و استدلال، مانع از فساد و انحراف است، به آن حکمت گفته شده است.^۳ در اصطلاح، حکمت به معنای علم و دانش و منطق و استدلال است به طور کلی، فهم دین را حکمت می گویند.^۴ مرحوم علامه طباطبائی رحمته الله در این باره می فرماید: «مراد از حکمت حجتی است که حق را نتیجه دهد، آن هم طوری نتیجه دهد که هیچ شک و وهن و ابهامی در آن نماند».^۵ در تفسیرالمیزان، حکمت به معنای نوعی احکام و اتقان و یا نوعی از امر محکم و متقن است، آن چنان که هیچ رخنه و یا سستی در آن نباشد، این کلمه بیشتر در معلومات عقلی و حق و صادق استعمال می شود و معنایش در این موارد، این است که بطلان کذب به هیچ وجه در آن معنا راه ندارد.^۶

بیدار ساختن عقل های خفته به وسیله حکمت و استدلال از روش های مؤثر تربیتی است که در آیات و روایات به آن تصریح شده است. خداوند می فرماید:

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ؛^۷

با حکمت به راه پروردگارت دعوت نما.

نیز می فرماید:

۱. تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۵۷.

۲. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، «المفردات فی غریب القرآن»، ص ۲۴۸.

۳. طباطبائی، المیزان، ج ۱۲، ص ۵۳۴.

۴. «قال الصادق علیه السلام: إِنَّ الْحِكْمَةَ الْمَعْرِفَةُ وَ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ، فَمَنْ فَهِمَ مِنْكُمْ فَهُوَ حَكِيمٌ؛ همانا حکمت عبارت است از شناخت و فهم دین؛ پس هر یک از شما که در دین فقیه و فهیم باشد، حکیم است.» (مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار»، ج ۱، ص ۲۱۵)

۵. طباطبائی، المیزان، ج ۱۲، ص ۵۳۴.

۶. همان، ج ۲، ص ۳۹.

۷. نحل، آیه ۱۶، ۱۲۵.

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ؛

او، کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

گفتار حکمت‌آمیز گمشده مؤمن است پس حکمت را بگیر هرچند از اهل نفاق صادر شود.^۲

مطالعه^۳ و استاد^۴، تجربه و استفاده از تجارب دیگران^۵، مشورت با خردمندان^۶ و نقد و انتقاد سازنده^۷ از راه‌های افزایش حکمت و عملیاتی‌سازی آن می‌باشند.

۳-۱-۲-۳-۲ روش مشاهده

به رابطه ما با جهان که به وسیله حواس پنجگانه به وجود می‌آید و ما به کمک آن حواس تجربیات خود را می‌اندوزیم، مشاهده می‌گویند. اسلام برنامه جامع زندگی بشر را ارائه کرده است در این میان از روش مشاهده دقیق غافل نشده است؛ زیرا بسیاری از اطلاعات و آگاهی‌های ما از جهان طبیعت و پدیده‌های آن، با کمک حواس و به ویژه حس بینایی و شنوایی فراهم می‌شود^۸ از این رو، استدلال و برهان علمی و منطقی ممکن است یقین بیاورد، اما آرامش خاطر نمی‌آورد؛ زیرا استدلال، عقل انسان را راضی می‌کند و چه بسا در اعماق دل

۱. جمعه ۶۳، آیه ۲.

۲. قال علی علیه السلام: الْجُحْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَخُذِ الْجُحْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ الْيَفَاقِ. (نهج البلاغه، ص ۴۸)

۳. حکمت، اشاره به حالت و ملکه‌ای است که از تعلیمات کتاب حاصل می‌شود و با داشتن آن انسان می‌تواند هر کار را بجای خود انجام دهد. (مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، ج ۱، ص ۵۱۳)

۴. قال علی علیه السلام: الْحَكِيمُ يَسْفِي السَّائِلَ وَيَجُودُ بِالْفَضَائِلِ (تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۵۹)؛ حکیم، عطش پرسنده را فرو می‌نشانند و فضیلت نثار می‌کند. (در واقع حکیم، حکمت را آموزش می‌دهد).

۵. قال علی علیه السلام: كَفَى بِاللَّجَّارِِبِ مُؤَدِّبًا (تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۴۴۴)؛ تجربه‌ها بهترین آموزگارند. / وقال علیه السلام: لَا تُعَدِّ مَنْ عَلِيَ أَمْرٍ حَتَّى تَخْبِرَهُ (همان، ص ۴۸۲)؛ تا کاری را نیازموده‌ای به آن اقدام مکن.

۶. قال علی علیه السلام: مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَاوَرَكَ مَا فِي عُقُولِهَا (مجلسی، بحار، ج ۷۲، ص ۱۰۴)؛ کسی که با بزرگان و صاحب‌نظران مشورت کند، در حقیقت او با عقل و درایت آنها مشارکت نموده است.

۷. علی علیه السلام: أَلْعَاقِلُ مَنْ اتَّهَمَ رَأْيَهُ وَلَمْ يَثْبُقْ بِكُلِّ مَا تَسْأَلُ لَهُ نَفْسُهُ (تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۵۵)؛ خردمند کسی است که نظر خود را متهم کند و به آنچه که نفسش وسوسه می‌کند، اعتماد نداشته باشد. / وقال علیه السلام: نَبْصَرُكَ عَيْبُكَ فَقَدْ نَصَحَكَ (همان، ص ۳۸۱)؛ کسی که عیب تو را به خود نشان بدهد، مسلماً او دلسوز و خیرخواه تو است. / و ایضا قال علیه السلام: طُوبَى لِمَنْ سَعَلَ عَيْبَهُ عَنْ غُيُوبِ النَّاسِ (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۹۹)؛ خوشا به حال کسی که پرداختن به عیب خویش وی را از عیب دیگران، باز دارد!

۸. بهشتی، محمد، «مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه قرآن»، ص ۳۲۱ و ۳۲۲.

و عواطف او نفوذ نکنند، همان گونه حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند درخواست کرد شیوه زنده شدن مردگان را با حواس ظاهری درک کند. آنجا که می فرماید:

وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِنَّ لِيَظْمِنَنَّ قَلْبِي؛

و به خاطر بیباور هنگامی را که ابراهیم گفت: خدایا! به من نشان بده، چگونه مردگان را زنده می کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده ای؟! عرض کرد: آری، ولی می خواهم قلبم آرامش یابد.

به هر حال، آنچه عقل را آرام و عطش جان را سیراب می کند، شهود عینی است و این موضوع مهمی است که در سیره اهل بیت علیهم السلام نیز به چشم می خورد. امام صادق علیه السلام برای بیان علت عدم قیام و معرفی شیعه واقعی از این شیوه استفاده کرده است. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام مأمون رقی نقل کرده است:

در محضر امام صادق علیه السلام بودم، سهل بن حسن از شیعیان خراسان وارد شد و سلام کرد و نشست، عرض کرد: ای فرزند رسول خدا... چرا بر این حق خود سکوت کرده و قیام نمی کنید و حال آنکه هزاران نفر از شیعیان آماده شمشیر زدن در رکاب شما هستند؟ امام علیه السلام فرمود: ای خراسانی! لحظه ای درنگ کن پس امر فرمود: تنور را روشن کنند، هنگامی که آتش شعله ور شد به سهل فرمود: داخل تنور شو. سهل گفت: ای پسر رسول خدا مرا از این کار معاف بدار، در این هنگام هارون مکی وارد شد... امام به او فرمود: کفش های خود را بر زمین بگذار و داخل تنور شو، او بدون هیچ درنگی وارد تنور شد و در میان شعله های آتش نشست. امام رو به خراسانی کرد و از حوادث خراسان برای او گفت، انگار که در آن جا حاضر بوده است سپس فرمود: داخل تنور را نگاه کن. مأمون رقی می گوید: من هم جلو رفتم و داخل تنور را مشاهده کردم، هارون مکی در میان آتش نشسته بود و برخاست و از تنور خارج شد. امام به سهل فرمود: در خراسان چند نفر مانند او می شناسی؟ عرض کرد: به خدا قسم احدی را نمی شناسم. امام حرف او را تایید نمود و فرمود: در زمانی که ما حتی پنج نفر از این گونه یاران نداریم، چگونه قیام کنیم؟^۲

۱. بقره ۲، آیه ۲۶۰.

۲. إِذْ دَخَلَ سَهْلُ بْنُ الْحَسَنِ الْخُرَاسَانِيَّ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ جَلَسَ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَكُمْ الرَّأْفَةُ وَالرَّحْمَةُ وَأَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ الْإِمَامَةِ، مَا الَّذِي يَمْتَعِكُ أَنْ يَكُونَ لَكَ حَقٌّ تَعُدُّ عَنْهُ وَأَنْتَ تَجِدُ مِنْ شِيعَتِكَ مِائَةَ أَلْفٍ يَضْرِبُونَ بَيْنَ يَدَيْكَ بِالسَّيْفِ، فَقَالَ لَهُ الْجَلِيسُ يَا خُرَاسَانِيَّ رَغَى اللَّهُ حَقَّكَ، ثُمَّ قَالَ يَا حَنِيفَةَ الشَّجَرِيَّ التَّنُورُ فَسَجَرْتَهُ، حَتَّى صَارَ كَالْجُمْرَةِ وَابْتَضَّ غُلُوهُ، ثُمَّ قَالَ يَا خُرَاسَانِيَّ قُمْ فَاجْلِسْ فِي التَّنُورِ، فَقَالَ الْخُرَاسَانِيَّ يَا سَيِّدِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَا تَعْدُبْنِي بِالنَّارِ أَقْلُنِي أَقَالَكَ اللَّهُ قَالَ قَدْ أَقَلْتُكَ، فَبَيْنَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ هَارُونُ الْمَكِّيَّ وَنَعْلَهُ فِي سَبَابَتَيْهِ فَقَالَ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلَيْسَ التَّنَعُلُ مِنْ يَدِكَ وَالْجَلِيسُ فِي التَّنُورِ، قَالَ فَأَلْفَى التَّنَعُلَ مِنْ سَبَابَتَيْهِ ثُمَّ جَلَسَ فِي التَّنُورِ وَأَقْبَلَ الْإِمَامَ يُحَدِّثُ الْخُرَاسَانِيَّ حَدِيثَ خُرَاسَانَ، حَتَّى كَانَتْهُ شَاهِدٌ لَهَا، ثُمَّ قَالَ قُمْ يَا خُرَاسَانِيَّ وَانظُرْ مَا فِي التَّنُورِ، قَالَ فَفُحِّمْتُ إِلَيْهِ فَرَأَيْتُهُ مُتَرَبِّعًا، فَخَرَجَ إِلَيْنَا وَسَلَّمَ عَلَيْنَا فَقَالَ لَهُ الْإِمَامُ كَمْ تَجِدُ بِخُرَاسَانَ مِثْلَ هَذَا، فَقَالَ وَاللَّهِ وَلَا وَاحِدًا فَقَالَ، لَا وَ

به قول علامه طباطبایی رحمته الله، قرآن کریم با الفاظی از قبیل «الم تر...» و «افلا یرون...» به حواس پنجگانه انسان اشاره می‌کند.^۱ اثر آگاهی حسی بر انسان، بیش از انواع دیگر علم و آگاهی است.^۲ سیر در ارض^۳، استفاده از محیط طبیعی^۴، ایجاد صحنه عبرت‌آموز یا استفاده از ابزارها^۵ و دیدار علماً^۶ از روش‌های اجرای مشاهده و عملیاتی‌سازی این روش می‌باشند.

۴-۱-۲-۳-۲ روش پرسش و پاسخ

در وجود هرانسانی شوق به دانستن و خردمندی وجود دارد و همین شوق و اشتیاق او را به سمت پرسش و پاسخ فرا می‌خواند، «او به لحاظ توان پی‌بردن به راز مجهولات، همواره با پاسخ به حس کنجکاوی خود، احساس هویت انسانی می‌کند و با تلاش برای یافتن و پی بردن به علوم جدید، روح حقیقت‌جوی خویش را سیراب و در این راه به طور عجیبی احساس شادی و لذت می‌کند. برخی از انسان‌ها برای پاسخ به این نیاز ژرف و عمیق خود در طول تاریخ، مشکلات طاقت‌فرسایی را به جان خریده و انواع لذت‌های مادی را در این مسیر،

۱. الله و لا و احداً فقال: أما إننا لا نخرج في زمان لا نجد فيه خمسة معاضدين. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۴).
 ۲. طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۵۰۹.

۳. علامه در بیان این مطلب، داستان رجعت حضرت موسی علیه السلام از میقات را مثال می‌زند و می‌فرماید: ایشان با وجود علم به گوساله پرست شدن قوم خود از جانب حق تعالی و علم به اینکه خبر خداوند صادق است، خشمگین نشد ولی پس از آنکه به میان قوم خود بازگشت و انحراف آنان را با چشم خود دید، الواح را به زمین انداخت و با برادر خویش تندی کرد. (همان، ج ۲، ص ۵۷۴)

۴. فسیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین (آل عمران ۳، آیه ۱۳۷)؛ پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان آیات خدا چگونه بود؟ (و نیز: نمل ۲۷، آیه ۶۹؛ عنکبوت ۲۹، آیه ۲۰؛ حج ۲۲، آیه ۴۶)

۵. قل انظروا ما ذا فی السماوات و الأرض... (یونس، آیه ۱۰۱)؛ بگو بنگرید که در آسمان و زمین چه چیزهایی است... وقال الکاظم علیه السلام: ما من منی یراه عینک إلا و فیهِ مؤعظة (مجلسی، بحار، ج ۶۸، ص ۳۲۴)؛ چیزی نیست که چشمانت آن را ننگرد، مگر آن که در آن بند و اندرزی است.

۶. إن رسول الله صلی الله علیه و آله نزل بأرض قریظ فقال لأصحابه انثوا بحظب فقالوا یا رسول الله نحن بأرض قریظ فما بها من حظب قال فلیأت کُل إنسان بما قدر علیه فجاءوا به حتى رموا بین یدیه بعضه علی بعضی فقال رسول الله هکذا تجتمع الذنوب ثم قال إناکم و المحقرات من الذنوب. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷، ص ۳۴۶)؛ روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در بیابانی خشک و بی آب و علف، توقف کردند و به اصحاب فرمودند: بروید هیزم بیاورید. اصحاب گفتند: یا رسول الله، در این بیابان هیزم پیدا نمی‌شود. پیامبر فرمودند: هرکس به اندازه‌ای که می‌تواند، هر چند اندک، هیزم جمع آوری کند، اصحاب در بیابان به دنبال هیزم گشتند و هرکس مقداری هیزم آورد. هیزم‌ها را روی هم انباشتند و به صورت پشته‌ای در آمد. پیامبر فرمودند: گناهان نیز این گونه جمع می‌شوند.

۷. قال علی علیه السلام: انظر الی العالم، أحب الی الله من اعتکاف سنه فی البیت الخرام (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۰۵)؛ نگاه کردن به عالم و دانشمند نزد خداوند، از یک سال اعتکاف در کعبه برتر است.

قربانی کرده اند همه اختراعات، اکتشافات و پیشرفت های علمی بشر، مرهون همین حس کنجکاوی است.^۱ خداوند سبحان از این روش در بسیاری از موارد استفاده کرده و با مطرح کردن سؤالات انسان ها، به پاسخ گویی آنان اقدام نموده است و در برخی موارد، خود سؤالاتی را طرح نموده است، تا بدین وسیله روح کنجکاوی آدمی را فعال سازد.^۲ امام صادق علیه السلام می فرماید: برای دانش، قفلی است که کلید آن، پرسش است.^۳

نیز می فرماید:

مردم، تنها به این دلیل هلاک می شوند که سؤال نمی کنند.^۴

پاسخ به پرسش مخاطب^۵، پاسخ دادن به پرسش های مقدر^۶، ایجاد پرسش در مخاطب^۷،

۱. نبوی، شیوه برگزاری جلسات پرسش و پاسخ، ص ۴.

۲. یکی از روش های نسبتاً زیاد در لسان قرآن و روایات، روش به کارگیری پرسش و پاسخ است. این روش به دلیل اینکه ذهن مخاطب را به تحریک و حرکت و او را درگیر با مسأله می کند، دارای اثربخشی فوق العاده نیز می باشد. (برنج کار و همکاران، کاربری روش پرسش و پاسخ در تبیین عقاید، ص ۵).

۳. قال الصادق علیه السلام: ان هذا العلم علیه قفل و مفتاحه المسأله. (کلبینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰)

۴. قال الصادق علیه السلام: انما یهلك الناس لانهم لا یسألون. (همان)

۵. یَسْئَلُكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلٌّ قِتَالٍ فِيهِ كَبِيرٌ (بقره، آیه ۲۱۷)؛ از تو، در باره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می کنند بگو: جنگ در آن، گناهی بزرگ است.

۶. گاهی اوقات مخاطب پرسش صریحی ندارد و یا اگر دارد آن را مطرح نمی کند، ولی در واقع پرسش مقدری وجود دارد که لازم است به آن پاسخ داده شود و این سؤال ممکن است با بیان قبلی متکلم به وجود آمده باشد و یا ارتباطی با آن نداشته باشد؛ پرسشی که با توجه به بیان متکلم ایجاد شده است: گاهی ممکن است بیانی که در یک مسأله به کار برده است احتمال پیدایش سؤالی در ذهن مخاطب را داشته باشد که در اینجا تبیین گرموظف است به آن سؤال احتمالی پاسخ بدهد و فضای تبیین را کاملاً روشن کند. در غیر این صورت علاوه بر اینکه تبیین اولیه ناقص باقی می ماند، شبهه و اشکالی نیز در ذهن مخاطب حک خواهد شد. در قرآن کریم آنجا که خداوند از استغفار برای مشرکان ولو اگر خویشاوندان باشند، نهی می کند و می فرماید: «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ (توبه، آیه ۱۱۳)؛ برای پیامبر و مؤمنان، شایسته نبود که برای مشرکان (از خداوند) طلب آمرزش کنند، هر چند از نزدیکانشان باشند.» این سؤال مقدر در ذهن مخاطب شکل می گیرد که چگونه ابراهیم علیه السلام به تصریح قرآن برای پدر مشرک خویش قول استغفار داد و گفت: «قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا (مریم، آیه ۴۷)؛ ابراهیم گفت: سلام بر تو! من بزودی از پروردگارم برایت تقاضای عفو می کنم چرا که او همواره نسبت به من مهربان بوده است!» خداوند به این سؤال مقدر پاسخ می دهد و می فرماید: «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِتَاءَةً... (توبه، آیه ۱۱۴)؛ و استغفار ابراهیم برای پدرش [عمویش آرزو]، فقط به سبب وعده ای بود که به او داده بود تا وی را بسوی ایمان جذب کند.»

۷. قُلْ مَنْ يُزِفُّكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ (سبأ، آیه ۲۴)؛ بگو: چه کسی شما را از آسمان ها و زمین روزی می دهد؟ بگو: الله!

طرح پرسش به شیوه استفهام انکاری^۱، جهت‌دهی به پرسش مخاطب^۲ و برگزاری مسابقه از شیوه‌های اجرایی این روش می‌باشند.

۵-۱-۲-۳-۲ روش قصه‌گویی

در بیان اهمیت تأثیر ادبیات داستانی و نقل روایات از حوادث و اتفاقات بشری در طول تاریخ از دیرزمان تا کنون، همین بس که حتی کتاب‌های آسمانی نیز بسیاری از آموزه‌های الهی و دینی را از طریق قصه و داستان به پیروان خود انتقال داده‌اند و آن را راهی برای خردورزی قرار داده‌اند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

لقد كان في قصصهم عبرة لاولى الالباب^۳؛

به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان، عبرتی است.

حضرت علی علیه السلام، در خصوص آثار و فواید مرور زندگی گذشتگان می‌فرماید:

فرزندم! من هر چند عمر پیشینیان را يك جا نداشته‌ام، ولی در اعمال آن‌ها نظر افکندم، در اخبارشان اندیشه نمودم، در آثارشان به سیر و سیاحت پرداختم، آن چنان که گویی همچون یکی از آن‌ها شدم، بلکه گویی من به خاطر آن چه از تجربیات تاریخ آنان دریافته‌ام، با اولین و آخرین آن‌ها عمر کرده‌ام.^۴

امام خمینی مد ظله العالی نیز، با اذعان به اهمیت و تأثیر قصص قرآنی در تربیت انسان، آرزو داشتند فرصتی پیش آید تا درباره قصص قرآن، کتاب مستقلی تألیف کنند:

در این کتاب شریف، قضایا به طوری شیرین اتفاق افتاده که تکرار آن انسان را کسل نکند؛ بلکه در هر دفعه که اصل مطلب را تکرار می‌کند، خصوصیات و لواحق در آن مذکور است که در دیگران نیست؛ بلکه در هر دفعه یک نکته مهم عرفانی یا اخلاقی را مورد نظر قرار داده و قضیه را در اطراف آن چرخ می‌دهد، بیان این مطلب استقصای کامل قصص قرآنی را لازم دارد که در این مختصر

۱. وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (اعراف، آیه ۱۴۷)؛ و کسانی که آیات و دیدار رستاخیز را تکذیب و انکار کنند، اعمالشان نابود می‌گردد. آیا جز آنچه را عمل می‌کردند پاداش داده می‌شوند؟.

۲. يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أُنْفِقُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ... (بقره آیه ۲۱۵)؛ از تو سؤال می‌کنند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر خیر و نیکی و سرمایه سودمند مادی و معنوی که انفاق می‌کنید، برای پدر و مادر و نزدیکان و... بکنید.

۳. یوسف، آیه ۱۱۱.

۴. «أَنْتَ بَنِيَّ وَإِنِّي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عَمْرُوتَ عُمَرُ مِنْ كَانَ قَبْلِي - فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَفَكَرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَسِرُّتَ فِي آثَارِهِمْ - حَتَّى عُدْتُ كَأَخْدِهِمْ - بَلْ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ - قَدْ عَمَرْتُ مَعَ أَوْلِيهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ...» (مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار»، ج ۷۴، ص ۲۲۱)

نگنجد و در آرزوی این ضعیف بی مایه ثبت است که با توفیق الهی کتابی در خصوص قصص قرآنیه و حل رموز و کیفیت تعلیم و تربیت آن ها به قدر میسور فراهم آورم.^۱

استفاده از قصه در قرآن کریم، سیره اهل بیت علیهم السلام و عرف جامعه، همگی نشان از تأثیر به سزای این روش در مسائل مختلف از جمله تربیت دینی است.

۲-۳-۲-۱-۶ یادآوری نعمت ها

اینکه به مرتبگی این شناخت داده شود که در همه حال به یاد نعمت های بی پایان خداوند متعال باشد. یادآوری نعمت ها هم در حیات فردی و هم در حیات جمعی معنا پیدا می کند.

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى * وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى ... وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ؛^۲

آیا تو را یتیم نیافت پس جای و پناه داد؟* و تو را ناآگاه (از معارف دینی) یافت پس (به وسیله وحی) هدایت نمود... و نعمت پروردگارت را (که به توارزانی داشته) بازگو کن.

۲-۳-۲-۱-۷ عبرت آموزی

اینکه انسان از رفتارهای خوب و بد گذشتگان و دیگران پند بگیرد و سعی نماید گناهان و خطاهای آن ها را تکرار نکند و کردار نیکشان را دنبال کند.

وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ؛^۳

و هر یک از سرگذشت های پیامبران را که بر تو حکایت می کنیم چیزی است که دلت را بدان استوار می گردانیم و در اینها حقیقت برای تو آمده و برای مؤمنان اندرز و تذکری است.

۲-۳-۲-۱-۸ نقل داستان، تاریخ و سرگذشت ها

قصه و داستان، تجسم عینی زندگی يك امت و تجربه عملی يك ملت است. تاریخ آینه ملت هاست و هر چه با تاریخ و سرگذشت پیشینیان آشنا باشیم، گویا به اندازه عمر آن مردم زندگی کرده ایم.

۱. امام خمینی، روح الله، «آداب الصلوة»، ص ۱۸۸.

۲. ضحی، آیات ۶-۱۱.

۳. هود، آیه ۱۲۰.

حضرت علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید:
فرزندم! من در سرگذشت گذشتگان چنان مطالعه کرده‌ام و به آن‌ها آگاهم، که گویا با آنان زیسته‌ام
و به اندازه آن‌ها عمر کرده‌ام.

بخش مهمی از کتاب انسان ساز قرآن، به ذکر تاریخ گذشتگان پرداخته است؛ چراکه تاریخ
آزمایشگاه مسائل گوناگون زندگی بشر است، و آن چه را که انسان در ذهن خود با دلایل عقلی
ترسیم می‌کند در صفحه‌های تاریخ به صورت عینی باز می‌یابد.

قرآن با بیان قصه‌ها، به صورت غیرمستقیم انسان‌ها را تربیت می‌کند و رفتارهای خوب و بد
آنان را هم چون آینه در برابر چشمانشان قرار می‌دهد تا با مطالعه آن‌ها، بیندیشند و عبرت گیرند.

فَأَقْصِبِ الْفَقْصِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ^۱

پس این داستان‌ها را بازگو کن، باشد که بیندیشند.

۹-۱-۲-۳-۲ ارائه الگو

یکی از ویژگی‌های انسان فضیلت‌خواهی و کمال‌گرایی اوست. از این رو هرگاه فضیلت
و کمالی را در الگوهای مانند شخصیت‌های دینی، سیاسی و اجتماعی می‌بیند، در پی
الگوبرداری از آنان در زندگی فردی و اجتماعی خویش برمی‌آید. نکته اصلی برای مربیان این
است که به متریبان در تشخیص فضیلت‌ها و کمال‌ها و مصادیق آن، جهت دهند و به آنها
یاری رسانند تا در دام بت‌ها و الگوهای نامناسب گرفتار نشوند و به سوی الگوهای مناسب
و شایسته رو آورند. خداوند متعال در قرآن کریم روش الگویی را مورد توجه قرار داده و الگوهای
پسندیده مانند پیامبران علیهم السلام و آسیه و مریم علیهم السلام و ناپسند مانند همسران حضرت نوح و لوط
را معرفی می‌کند. از جمله آیه شریفه زیر که می‌فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ^۲

در وجود رسول خدا برای شما اسوه نیکویی هست.

۱. اعراف، آیه ۱۷۶.

۲. احزاب، آیه ۲۱.

۱۰-۱-۲-۳-۲ روش مقایسه

یکی از مؤثرترین روش‌هایی که قرآن کریم از آن برای تربیت انسان استفاده کرده است، روش مقایسه است. خداند در قرآن کریم می‌فرماید:

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ^۱

آیا چنین کسی با ارزش است؟ یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند!

خداوند در آیه شریفه فوق، انسان مشرک و گمراه کننده را با انسان بیدار دل و نورانی که با خوف و رجاء خدا را می‌خواند، مقایسه کرده است و همچنین در ادامه آیه نیز، افراد اهل درک فهم و نادان را مورد مقایسه قرار داده است.

۱۱-۱-۲-۳-۲ روش‌های منفعل

روش‌های منفعل به روش‌هایی گفته می‌شود که شخص فعالیت خاصی ندارد؛ بلکه استاد یا کتاب، وظیفه اصلی را انجام می‌دهند و شخص باید از آنها تبعیت کند و اثرپذیرد. این روش‌ها بیشتر در زمینه مطالعه و تحصیل علم به کار می‌روند و در ارتقای بینش متریبان نقش مؤثری دارند.

روش‌های منفعل عبارتند از:

الف. خواندن و مطالعه کردن: قطعاً خواندن و مطالعه کردن در ابعاد مختلف زندگی، نقش مؤثری دارد. به خاطر همین اثربخش بودن خواندن و مطالعه کردن است که خداوند متعال پیامبرش را به آن دعوت می‌کند و در جایی دیگر مؤمنین را به خواندن قرآن فرا می‌خواند.^۲

ب. یادداشت برداری: یادداشت برداری، یکی از کلیدهای اصلی یادگیری و ارتقای بینش است که در منابع دینی نیز به آن تأکید و سفارش شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

۱. زمر، آیه ۱۰.

۲. اَفْرَأُ بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (علق، آیه ۱)؛ بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید. / فَاَفْرَأُ مَا تَبَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ... (مزل، آیه ۲۰)؛ آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید.

دانش را با نوشتن بند نهید (نگه دارید).^۱

ج. حفظ: یکی از روش‌های تربیتی منفعلانه، هدایت متریبان به حفظ و به خاطر سپردن دانسته‌ها و چیزهایی است که باید نسبت به یادگیری و عمل به آنها اهتمام داشته باشند. تأکیدی که در روایات نسبت به حفظ قرآن کریم^۲ و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام^۳ شده، ناظر به همین نکته باشد.

۱۲-۱-۲-۳ سایر روش‌ها

روش‌های تربیتی چهره به چهره، مشاوره، موعظه، سخنرانی، درس اخلاق، نشست علمی و همایش، کارورزی، بازی، مسابقه، اردو و... از دیگر روش‌هایی هستند که می‌توانند حیثیت بینشی داشته باشند و می‌توان از آنها برای دستیابی به اهداف تربیتی کمک گرفت، لکن در اینجا برای رعایت اختصار و عدم اطاله سخن از تبیین بحث صرف نظر می‌کنیم.

۲-۳-۲-۲ روش‌های گرایشی

منظور از روش‌های گرایشی، روش‌هایی هستند که در تمایل قلبی و احساسات و عواطف انسان اثر می‌گذرانند. این روش‌ها براساس این‌که برای ایجاد، تقویت و هدایت گرایش‌های مثبت کارایی دارند یا برای مهار و تضعیف گرایش‌های منفی، یا مشترک میان این دو هستند، به سه دسته کلی تقسیم کرده‌ایم:

۱. قَتِدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۱۲۴)

۲. «قال رسول الله ﷺ: إِنَّ أَكْرَمَ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ حَمَلَةُ الْقُرْآنِ يُخْرَجُونَ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا يُخْرَجُ الْأَنْبِيَاءُ وَيَخْشَرُونَ مِنْ قُبُورِهِمْ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَيَمْرُونَ عَلَى الصِّرَاطِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَيَأْخُذُونَ ثَوَابَ الْأَنْبِيَاءِ. فَطُوبَى لِطَالِبِ الْعِلْمِ وَحَامِلِ الْقُرْآنِ مِمَّا لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْكِرَامَةِ وَالشَّرَفِ (حكیمی، الحیة، ج ۲، ص ۲۳۱)؛ گرامی‌ترین بندگان بعد از انبیا، علما، سپس حافظان قرآن هستند. مانند انبیا از دنیا می‌روند؛ همراه انبیا از قبرهایشان خارج می‌شوند به همراه انبیا از صراط می‌گذرند و ثواب انبیا را می‌برند. پس خوشا به حال پوینده راه علم و حافظ قرآن، به سبب آن کرامت و شرافتی که نزد خدا دارند.

۳. قال رسول الله ﷺ: مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أُزْبِعِينَ خَدِيثًا يَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ، حَسْرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا (شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۸۲)؛ هر کس از امت من چهل حدیث به خاطر خداوند عزوجل و آخرت حفظ کند، خداوند در روز رستاخیز او را با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان محشور فرماید و چه نیکو همدمانی هستند اینان.

۱-۲-۲-۳-۲ روش‌های ایجاد، تقویت و هدایت انگیزه‌های مثبت (ترغیب)

توجه به خداوند (احساس حضور در پیشگاه الهی)

توجه به این واقعیت که هرکاری را انسان انجام می‌دهد در پیشگاه خداوند است و اصولاً تمام عالم هستی، محضر خدا است و چیزی از اعمال و حتی نیت آدمی از او پنهان نیست، می‌تواند روی برنامه زندگی انسان آثار زیادی بگذارد. خداوند می‌فرماید:

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى!

آیا او ندانست که خداوند (همه اعمالش را) می‌بیند؟!

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

هرکس قلب خود را با یاد پیوسته الهی آباد کند، اعمال او در پنهان و آشکار نیکو می‌شود.^۲

موعظه

مفهوم موعظه، عبارت است از: ترساندن و نرم کردن قلب و ارشاد و امر نمودن به اطاعت و توصیه‌ها.^۳ انسان به دلیل ویژگی خاص وجودی‌اش و به دلیل ویژگی خاص این دنیا، همیشه در معرض غفلت است. غفلت منشأ گمراهی و فساد انسان هستند؛ زیرا انسان غافل در راهی سیر می‌کند که نهایتش جز سرگردانی نیست و نقش موعظه در چنین وضعیتی غفلت‌زدایی است.^۴ قرآن کریم خود را موعظه می‌داند که شفا و دارویی برای بیماری دل‌ها، هدایت و رحمتی برای مؤمنان است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ؛

ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است و درمانی برای دل‌های شما و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان!

۱. علق، آیه ۱۲.

۲. مَنْ عَمَرَ قَلْبَهُ بِدَوَامِ الذِّكْرِ حَسَنَتْ أَعْمَالُهُ فِي السِّرِّ وَالْجَهْرِ. (تمیمی آمدی، غرالحکم، ص ۱۸۹)

۳. مصطفوی، التحقیق فی کلمات قرآن کریم، ج ۱۳، ص ۱۴۹.

۴. علی علیه‌السلام الْمَوْعِظُ صِفَالُ النَّفْسِ وَ جِلَاءُ الْقُلُوبِ (تمیمی آمدی، غرالحکم، ص ۲۲۴)؛ اندرزه‌ها صیقل بخش جان‌ها و جلا دهنده دل‌ها است.

۵. یونس، آیه ۵۷.

همچنین شکل اجرای موعظ نیز در کیفیت و کمیت اثربخشی آن، نقش مهمی دارد. روش‌هایی مثل: «بیان زیبا و حسن^۱، بیان نرم^۲ و جلب اعتماد (به وسیله صداقت، اخلاص، عامل بودن و دلسوزی واعظ)^۳»، که در برخی از کتاب‌ها به عنوان روش مستقل آمده، در واقع زیرمجموعه روش موعظه هستند.

محبت

محبت اکسیر اثربخشی است برای تغییر بسیاری از صفات و حالات انسان و باعث می‌شود انسان ضمن این که سخنان محبوبش را عمل می‌کند، خودش را در ظاهر و باطن به شکل او در آورد؛ چرا که مهر و محبت طبع سرکش آدمی را رام و قلب او را آماده پذیرش حقیقت می‌سازد. خداوند در قرآن کریم خطاب به حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید:

وَالْقِيَتِ عَلَيكَ مَحَبَّةً مِّنِي وَلَتَصْنَعَنَّ عَلَيَّ عَيْنِي^۴؛

من محبتی از خودم بر تو افکنم، تا در برابر دیدگان من ساخته شوی.

امام صادق علیه السلام در اهمیت روش محبت به استفاده آن توسط خداوند در تربیت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اشاره کرده و می‌فرماید:

خداوند سبحان پیامبر خود را با محبت الهی تادیب و تربیت کرده است.^۵

میان محبت و اطاعت رابطه معیت وجود دارد؛ با ظهور محبت، اطاعت و همرنگی پیدا می‌شود و محب به محبوب تأسی می‌کند.^۶ انسان به هر چه محبت پیدا کند، بدو متمایل می‌شود و

۱. اُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ (نحل، آیه ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما.

۲. قُقُولًا لَهُ قُقُولًا لِنَبَاتِنَا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (طه، آیه ۴۴)؛ اما بنرمی با او سخن بگویند شاید متذکر شود، یا از خدا بترسد!

۳. ان العالم اذا لم يعمل بعلمه زلت موعظته عن القلوب كما يزل المطر عن الصفا. (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۶)؛ اگر عالم و دانشمند به علم خود عمل نکند، موعظه و اندرز او از دل‌ها می‌لغزد، آن چنان که باران از روی سنگ صفا-که صاف و لغزنده است-بلغزد. / وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (شعراء، آیه ۱۰۹)؛ و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست.

۴. طه، آیه ۳۹.

۵. «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَدَبَ نَبِيِّهِ عَلَى مَحَبَّتِهِ» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۵)

۶. گاهی بزرگانی را می‌بینیم که ارادتمندان آنان حتی در راه رفتن و لباس پوشیدن و برخوردها و ژست سخن از آنان تقلید می‌کنند. این تقلید اختیاری نیست، خودبه خود و طبیعی است. نیروی محبت و ارادت است که در تمام ارکان هستی محب اثر می‌گذارد و در همه حال او را همرنگ محبوب می‌سازد. این است که هرانسانی باید برای اصلاح خویش دنبال اهل حقیقتی بگردد و به او عشق بورزد، تا به راستی بتواند خویش را اصلاح کند. (مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۲۶۸)

رنگ، بو، حال و هوای او را می گیرد و همسانی صورت می پذیرد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:
هر که چیزی را دوست بدارد، به یاد آن حریص می شود.^۱

بنابراین روشن محبت کارسازترین روش در اصلاح آدمی و متصف کردن متربی به صفات
نیکی انسانی است و در تربیت دینی و ایمانی بیشترین نقش به محبت اختصاص می یابد.

تشویق

تشویق می تواند از طریق تحسین و تبشیر صورت گیرد. تحسین، تشویق گفتاری است و تبشیر
به معنای بشارت دادن به عطایایی است که پس از به دوش گرفتن تکالیف به فرد ارزانی
خواهد شد.^۲ پیامبران در مقام مربی از این شیوه بسیار بهره گرفته اند.

پاداش مضاعف

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛^۳

تا خدا در مقابل بهترین اعمال ایشان جزا و ثواب کامل عطا فرماید و از فضل و احسان خویش بر
آن ها بیفزاید، و خدا هر که را خواهد، روزی بی حد و حساب بخشد.

۲-۲-۲-۲-۲ روش های مهار و تضعیف گرایش های منفی

توبه

توبه به معنای بازگشت است. البته صرفا به معنای بازگشت بنده از گناهش نیست، بلکه
خداوند نیز در مقام تربیت انسان، بازگشت دارد. از آیات قرآن استفاده می شود که خداوند دو
توبه (بازگشت) دارد: توبه اول، توبه هدایت و توفیق است و خداوند به بنده خویش که لغزیده
و به او پشت کرده، بازگشت می کند و او را نسبت به زشتی کار خویش آگاه می کند و به سمت
استغفار هدایتش می کند.

تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا؛^۴

۱. من احب شینا لهج بذكره. (تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۶۵)

۲. باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳. نور، آیه ۳۸.

۴. توبه، آیه ۱۱۸.

خداوند راه توبه را برایشان هموار کرد تا توبه کنند.

هنگامی که بنده در اثر توبه اول خدا به استغفار روی آورد، توبه دوم خدا آشکار می‌شود و آن توبه قبول است که با مغفرت همراه می‌شود.

غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ؛^۱

خداوند پوشاننده گناه و قبول کننده توبه است.

به مقتضای روش توبه، باید برخورد مربی با فرد خطاکار، نمودار رحمت باشد. این روش ایجاب می‌کند که مربی، خود به استقبال خطاکار برود و به او که پشت کرده، رو کند. مربی نباید به محض دیدن خطا در فرد، او را از خویش براند.^۲

جلوگیری از ارتباط با افراد ناسالم

یکی از مواردی که افراد را به سوی رفتارهای ناشایست می‌کشاند، ارتباط با افراد ناسالم است. این ارتباط هرچقدر بیش‌تر باشد، احتمال تأثیرگذاری نیز بیش‌تر می‌شود. به همین سبب، پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، پیروان خود را از ارتباط با افراد ناسالم یا ورود به محیط‌های ناسالم باز می‌داشتند و از افراد پست و کارهای ناشایست آنان بی‌زاری می‌جستند.

يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا؛^۳

ای وای، کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم.

عفو و گذشت

امام علی علیه‌السلام فرمود:

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْفُو عَنِ الزَّلَّةِ وَلَا يَسْتُرُ الْعَوْرَةَ؛^۴

بدترین مردم کسی است که خطای دیگران را نبخشد و عیب را نپوشاند.

۱. غافر، آیه ۳.

۲. رک: باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۸.

۳. فرقان، آیه ۲۸.

۴. تصنیف غررالحکم ودررالكلم، ص ۲۴۵، ح ۵۰۱۶.

تغافل

تغافل به این معنا است که از امری به واقع مطلع شویم و به روی خود نیاوریم.

من أشرف أفعال الكرم تغافله عما يعلم؛^۱

از شریف‌ترین کارهای انسان بزرگوار این است که نسبت به چیزهایی که [از دیگران] می‌داند تغافل نماید. نصف العاقل احتمال و نصفه تغافل؛^۲ نیمی از عقل تحمل است و نیمه دیگر آن تغافل.

صَلاَحُ حَالِ التَّعَايُشِ وَالتَّعَاشِرِ مِئَةٌ مِکْيَالٍ ثُلَاثُهُ فِطْنَةٌ وَثُلُثُهُ تَغَاْفُلٌ؛^۳

مصلحت همزیستی سالم و معاشرت با مردم در پیمان‌ه‌ای است که دو سوم آن هوشیاری و یک سوم آن تغافل باشد.

حسن ظن

حسن ظن نسبت به رفتار متربی و محمل مناسب پیدا کردن برای رفتارهای سؤال برانگیزوی از روش‌های دیگر تربیتی است.

ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يُقَلِّبُكَ عَنْهُ...؛^۴

کار برادرت را به بهترین وجه تأویل کن تا آن‌گاه که از او رفتاری آید که باورت را دگرگون کند.

آن‌گاه که راه‌های توجیه مربی سد شد و برای او یقین حاصل آمد که متربی خطا کرده است، زمان تغافل فرامی‌رسد. در این هنگام، عزت متربی باید با تغافل از خطای او حفظ شود.^۵

بیم دادن (انذار)

انذار در مقابل تبشیر و مقصود از آن بیم دادن و ترسانیدن متربی از عواقب گناهان و اعمال زشت است. متربی نیز به منظور دفع ضرر، رفتار مطلوب را انجام داده و رفتار نامطلوب را ترک می‌کند.^۶ این واژه و مشتقات آن بیش از ۱۲۴ بار در قرآن کریم به کار رفته است و خداوند نیز

۱. غررالحکم، ص ۶۷۵، شماره ۷۲.

۲. همان، ص ۷۲۰، شماره ۱۹.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۶۴.

۴. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۲.

۵. رک: باقری، پیشین، ۲۰۱-۲۰۳.

۶. الانذار اخبار فیه تخویف کما ان التبشیر اخبار فیه سرور. (مفردات راغب، ذیل واژه نذر)

خود را منذر معرفی کرده است:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ، إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ.^۱

قرآن کریم رسالت پیامبر اکرم ﷺ را در بعضی موارد تنها در روش انذار خلاصه می‌کند؛ مانند «ان انت الا نذیر»^۲ و «قل انما الایات عندالله وانما انا نذیر مبین»^۳. در واقع، آن چه بیش از هر چیزی انسان را به حرکت وادار می‌کند و از گناه و معصیت پرهیز می‌دهد، انذار است و روشن است که انذار در شروع کار تأثیر عمیق‌تری در بیدار کردن جان‌های خفته دارد.

تنبیه

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرموده است:

مَنْ لَمْ يُصْلِحْهُ حُسْنُ الْمُدَارَاةِ، أَصْلَحَهُ سُوءُ الْمُكَافَاةِ؛^۴

آن کس که خوبی مدارا او را اصلاح نکند، بدی مجازات اصلاحش می‌کند.

روش تنبیه را می‌توان به دو نوع تنبیه سلبی و تنبیه ایجابی تقسیم کرد. در تنبیه سلبی، متریبی در برابر کار ناشایست خود، از چیزی محروم یا به ازای آن، جریمه می‌شود. در تنبیه ایجابی یا از محرک‌های آزار دهنده استفاده می‌شود یا وی به فعالیت‌های ناخوشایند وادار می‌شود. بیان خطا، ملامت و سرزنش (مانند تعریض و کنایه زدن) و نیز قهر، اخراج، تبعید، کیفر دادن و تعزیر، از جمله روش‌های استفاده از محرک‌های آزارنده‌اند و تمرین ایجابی، تمرین مشروط، جبران کردن، تسلیم هدایت شده و ایجاد محدودیت جسمانی از روش‌های وادار کردن به فعالیت‌های آزار دهنده هستند.^۵

۱. دخان، آیه ۳.

۲. فاطر، آیه ۲۳.

۳. عنکبوت، آیه ۵۰.

۴. تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح ۸۲۰۲.

۵. رک: گروهی از نویسندگان، زیرنظر مصباح بزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۴۹۱-۴۹۲.

۲-۳-۲-۲-۳ روش های مشترک

موعظه

قرآن کریم، یکی از روش های مؤثر در تربیت انسان ها را موعظه می داند و در بسیاری از آیات به آن سفارش می کند.^۱ «موعظه» از «وعظ» به معنای پند و اندرز، تذکر و یادآوری سخنی که با خیر و خوبی همراه باشد و موجب رقت و نرمی دل شود و نیز به معنای واداشتن به کاری آمده است که با بیم دادن همراه باشد؛ به عبارت دیگر، هرگونه اندرزی که در مخاطب اثر بگذارد و او را از بدی ها بترساند یا قلب او را متوجه نیکی ها گرداند، وعظ و موعظه نامیده می شود.^۲

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

المواعظُ صقائلُ النفوس و جلاءُ القلوب؛^۳

موعظه، صیقل دهنده نفس ها و روشنی بخش دل ها است.

ان فی کل شیء موعظة و عبرة لذوی اللب و الاعتبار؛^۴

به درستی که در هر چیزی موعظه و عبرتی است برای صاحبان خرد.

عاقبت اندیشی

آن چه فرد را به انجام عمل مطلوب می انگیزد و از مبادرت به خطا مصون می دارد، همان حب ذات است. هنگامی که فرد ببیند پیامد عمل او زیان خود وی را در پی دارد یا آن که به سود خود او است، زمینه مناسب برای یافتن انگیزه درونی نسبت به ترک یا انجام عمل را یافته است.^۵ عاقبت اندیشی به دو صورت ممکن است: (۱) اندیشیدن درباره جهان آخرت و انعکاس نتایج اعمال در آن و (۲) اندیشیدن به نتایج اعمال در این دنیا. عاقبت اندیشی به دو معنای فوق، به حال متربی سودمند بوده و موجب می شود که رفتارهایش را سنجیده و با در نظر داشتن عاقبت نتایج آن ها انجام دهد.

۱. اذع إلى سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة؛ مردم را با موعظه حسنه به راه خدایت دعوت کن. (نحل، آیه ۱۲۵)

۲. دفتر تبلیغات اسلامی، فرهنگ نامه علوم قرآن، جلد ۱، ص ۴۶۳۸.

۳. تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح ۳۷۳.

۴. تصنیف غررالحکم، ص ۴۷۲، شماره ۱۰۷۷۰.

۵. رک: باقری، همان، ص ۱۵۱.

عن الصادق علیه السلام: ... وَالنَّظْرُ فِي الْعَوَاقِبِ تَلْقِيحُ الْقُلُوبِ؛^۱

عاقبت‌اندیشی مایه باروری دل‌هاست.

تغییر موقعیت

موقعیت‌ها و شرایط گوناگون وضعی، زمانی، مکانی و اجتماعی تاثیرات مختلفی بر انسان به جا می‌گذارند. یکی از روش‌های تربیتی برای اصلاح رفتارهای ظاهری و حالات مطلوب باطنی، آن است که ارتباط فرد با موقعیت پیرامون او دچار تغییر شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

أَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ وَهُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ فَإِنَّهُ سَيَذْهَبُ عَنْهُ رِجْزُ الشَّيْطَانِ وَإِنْ كَانَ جَالِسًا فَلْيَقُمْ.^۲

به کارگیری گسترده این روش در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام نشان‌گر اهمیت چشم‌گیر آن در برنامه‌های تربیتی اسلام است. کوچ و هجرت، سیاحت و سفر، حضور در اماکن متبرکه و مشاهد مشرفه یا تغییرهای مکانی و زمانی از انواع تغییر موقعیت هستند.

روش مواجهه

هنگامی که متربی با پیامد منفی یا نتیجه مثبت عمل خود مواجهه شود، نسبت به ترک یا انجام عمل انگیزه درونی بیش‌تری پیدا می‌کند. در آیات مختلف قرآن به این روش تربیتی اشاره شده است:

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ مِمَّا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛^۳

فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است. خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند؛ شاید (به سوی حق) بازگردند!

مهر و قهر (جاذبه و دافعه)

اظهار محبت، مایه تحکیم پیوند تربیتی است و حفظ این پیوند، لازمه و زمینه تأثیرگذاری مربی و متربی است؛ از این رو در آموزه‌های دینی نسبت به بیان آن تأکید شده است. امام

صادق علیه السلام فرمود:

۱. شیخ طوسی، الأمالی، ص ۳۰۱، ح ۵۹۵.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۷۲.

۳. روم، آیه ۴۱.

إِذَا أَحَبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ فَإِنَّهُ أَتْبَتُ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنَكُمَا؛^۱

هرگاه محبت کسی را در دل داشتی، او را از این محبت باخبر کند که این آگاهی، دوستی و مودت شما را استوارتر خواهد کرد.

البته در بسیاری از موارد روش بیان مهر و محبت به تنهایی کافی نیست و لازم است در کنار آن از روش قهر و دافعه نیز بهره جست. در واقع، بیان قهر نیز هم چون مهر قدرت مند است؛ زیرا قهر، منع مهر است و اگر مهر نافذ باشد، منع آن نیز نافذ و برانگیزنده خواهد بود. به زبان آوردن قهر و ابراز بی‌مهری، ترس از حرمان را در مخاطب دامن می‌زند و همین ترس، عامل بازدارنده نیرومندی است که تخطی را مهار می‌زند.^۲ چنانکه در موردی که همسر نافرمانی می‌کند، قرآن کریم اول از مرد می‌خواهد که او را موعظه کند و اگر نتیجه بخش نبود هنگام خواب از او جدا بخوابد و با او قهر کند:

وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ...؛^۳

زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید، (نخست) پندشان دهید؛ (بعد) در خواب‌گاه از ایشان دوری گزینید....

۲-۳-۲-۴ روش‌های رفتاری

۲-۳-۲-۴-۱ سختی کشیدن، جدیت و تلاش

تحمیل بر نفس

تحمیل در جایی مورد می‌یابد که کراهت وجود داشته باشد. هنگامی که علی‌رغم گریزو کراهت باطن، اعضا و جوارح به انجام عملی وادار گردند، روش تحمیل به نفس مورد استفاده قرار گرفته است. طبق این روش، باطن رمیده و بی‌رغبت را می‌توان با حرکات اندام به بند کشید و آن را رام و راغب گرداند.^۴ روش تحمیل بر نفس از آن جا که مستلزم وادار نمودن خود به انجام یا ترک رفتارهای غیرملائم با امیال نفسانی است، از اهمیت والایی در منابع اسلامی

۱. کلینی، اصول کافی، باب اخبار الرجل اخاه بحبه.

۲. رک: باقری، همان، ص ۲۳۱-۲۳۴.

۳. نساء، آیه ۳۴.

۴. باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، ص ۷۰.

برخوردار است. ^۱ علی علیه السلام می‌فرمایند:

إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ.^۲

اگر بردبار نیستی پس خود را بردبار بنما، زیرا که کم است کسی که شبیه سازد خود را بقومی مگر این که نزدیک باشد که جزو ایشان گردد.

رفق و مدارا

برخورد ملایم همراه با گذشت و سعه صدر از صفات ضروری و قطعی یک مربی لایق است. تندروی و اعمال فشار و سخت‌گیری‌های بی‌جا و اجرای برنامه‌های فوق‌طیقت فرد یا گروه تحت تربیت و عدم رعایت موقعیت‌ها و مراتب و حالات اشخاص، خسارت‌های سنگینی را متوجه احساسات پاک آنان کرده و کانون عشق و علاقه آن‌ها را نسبت به معنویت و اخلاق، از اساس ویران می‌سازد.^۳ توجه به میزان آگاهی، توان جسمی، درجه ایمان و انگیزه فرد و رعایت رفق و مدارا بر اساس آن‌ها در تربیت بیش‌تر مؤثر خواهد بود. خداوند متعال به پیامبرش صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

فِيمَا رَحِمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ هُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛^۴

پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرم خوش‌شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند.

علی علیه السلام نیز در سفارش به کمیل می‌فرماید:

يَا كَمِيلُ! لِارْحَمَةِ فِي فَرَضٍ وَلَا شِدَّةَ فِي نَافِلَةٍ؛^۵

یا کمیل! نه تخفیفی در واجبات است و نه سخت‌گیری در امور مستحب.

۲-۴-۲-۳-۲ تلقین به نفس

تلقین به نفس به این معنا است که از طریق به زبان آوردن قولی معین، تغییر به مقتضای

۱. حسین‌خانی، روش تربیتی تحمیل بر نفس در منابع اسلامی، ص ۲۰.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۴۰۵.

۳. موسوی کاشمیری، روش‌های تربیت: رفق و مدارا، نشریه پیام زن، ش ۲۷۹، ۱۳۹۴.

۴. آل‌عمران، آیه ۱۵۹.

۵. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۴.

آن در درون انسان پدید آید (تلقین زبانی) یا با آشکار ساختن عملی در اعضا و جوارح، سایه و طنین آن عمل را به درون بیفکنیم (تلقین عملی). در تلقین فعلی، مقصود آن است که صورت یک فعل مطلوب را به نحو تظاهر بر اعضا و جوارح خویش آشکار سازیم؛ در حالی که آن فعل و آثار آن در درون ما ریشه نداونده است؛ مثل دستور به پرهیز از تبختر و تکبر در راه رفتن،^۱ که خداوند متعال می‌فرماید:

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا^۲

و بندگان خدا کسانی هستند که بر روی زمین با تواضع راه می‌روند.

۳-۴-۲-۳-۲ تمرین و تکرار

این روش اشاره به این مطلب دارد که مربی باید متربی خود را به رفتار پسندیده و انجام اعمال صالح عادت دهد و با اجرای برنامه‌های مستمر همراه با تمرین و تکرار، رفتارهای شایسته را در سبک زندگی فردی و اجتماعی وی به صورت ملکه درآورد.

۴-۴-۲-۳-۲ زمینه‌سازی

حالات و اعمال آدمی در بستر شرایط و موقعیت‌ها می‌روید و از آن‌ها ارتزاق می‌کند. انتخاب و تنظیم مناسب زمینه‌ها و شرایط، به مثابه عامل «تسهیل کننده» ای است که امکان شکل‌گیری‌ها و شکل‌دهی‌های مطلوب را بالا می‌برد. طبق این روش، باید از پیش شرایطی را که تسهیل کننده حالات و رفتارهای مطلوب یا نامطلوب هستند، به نحو مقتضی دگرگون گردد. پس زمینه‌سازی دو وجه دارد: یکی ناظر به فراهم آوردن شرایط اولیه‌ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را بالا می‌برد و دیگری ناظر به جلوگیری از شرایط اولیه‌ای که احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب را افزایش می‌دهد.^۳

۱. رک: باقری، همان، ص ۹۳-۹۶.

۲. فرقان، آیه ۶۳.

۳. باقری، همان، ص ۱۳۵-۱۳۶.

۵-۴-۲-۳-۲ تکلیف به قدر وسع

افراد ظرفیت‌های مختلفی دارند، هم از حیث فهم و هم از حیث عمل. این روش بیان‌گران است که مربی در مواجهه با متربی، باید چیزی بگوید که در طاقت فهم او باشد و چیزی بخواهد که در طاقت عمل او باشد.^۱

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا... رَبَّنَا... وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ...^۲

خدا هیچ کس را جز به اندازه طاقتش مکلف نمی‌کند... خدایا... چیزی را که توان انجامش را نداریم بر ما تحمیل نفرما...

رسول مکرم اسلام ﷺ نیز فرمودند:

كَلِّمُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ دَعُوا مَا يَنْكُرُونَ أْتَرِيدُونَ أَنْ يَكْذِبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟^۳

براین اساس، در نظام تربیتی اسلام، مربی باید به توان و کشش متربی خود نظر بدوزد و بر پایه آن با او سخن بگوید و از او تکلیف بخواهد.

۶-۴-۲-۳-۲ مرحله‌ای کردن تکالیف

بسیاری از احکام و تکالیف خداوند متعال بر بندگان در چند مرحله و در طول زمان ابلاغ شده و تکلیف‌نهایی به تدریج نمایان شده است؛ مثل احکام نماز و تحریم ربا و شرب خمر که در چندین مرحله صورت گرفته است. با توجه به اصل تدریج و در این روش، باور بر این است که بسیاری از آموزه‌های اخلاقی و تربیتی باید در طول زمان از سوی مربی به متربی منتقل شود.

۷-۴-۲-۳-۲ روش تربیت عملی

این روش نیز همانند روش ارائه الگو، بر یادگیری متربی از طریق مشاهده رفتار دیگران تأکید دارد با این تفاوت که در اینجا به جای الگو قرار دادن دیگران، مربی الگو واقع می‌شود و این خود اوست که باید الگوی عملی و رفتاری برای متربیان خود باشد. خدای متعال می‌فرماید:

۱. همان، ۱۵۱.

۲. بقره، آیه ۲۸۶.

۳. قمی، سفینة البحار، ج ۶، ص ۳۵۷.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ^۱؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی را می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟* در نزد خدا بسیار مبعوض است که چیزی را بگویید که به جا نمی‌آورید.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّتِّكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِحْتِمَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْحَيْرَفَانَ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ^۲؛

مردم را به غیر از زبان خود [و با رفتارهایتان به سوی خدا] دعوت کنید، تا پرهیزکاری و کوشش در عبادت و نماز و خیر را از شما ببینند، زیرا این‌ها خود دعوت کننده است.

بنابراین، عمل و رفتار مربی بیش از هر کس دیگر مورد توجه متربی است و در تعلیم و تربیت او می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. از این رهگذر، برخی از آموزه‌ها بدون اینکه به زبان استاد و مربی جاری شود به صورت یادگیری عملی در جان و دل متربی می‌نشیند.

از سوی دیگر، اگر متربی بین گفتار و کردار مربی دوگانگی ببیند، ممکن است نسبت به همه گفته‌ها و آموزش‌های مربی بی‌اعتماد گردد و دچار سردرگمی شود.

۱. صف، آیه ۲-۳.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۷۶.



فصل سوم:

اهداف تربیت در حوزه‌های علمیه و ترسیم سیمای آرمانی طلبه



۱-۳ اهداف تربیت در حوزه‌های علمیه

هر رفتار اختیاری، هدف و مقصدی را دنبال می‌کند و جریان تربیت نیز به عنوان رفتار اختیاری هدف‌مند، جهت دهنده و تعیین کننده مقصد و مقصود می‌باشد. اهداف از یک سو بر مبنای تربیتی و از سوی دیگر بر نظام ارزشی مبتنی هستند.

لازم به ذکر است که اهداف از یک نگاه، به اهداف ساختی و فراساختی تقسیم می‌شود که نخست به اهداف کلی و فراساختی پرداخته خواهد شد.

هدف، قصد و غایت، واژه‌هایی مترادف و دربردارنده مفهوم «نهایت و سرانجام کاری» است. البته با این تفاوت که گاه نهایت، امری عینی و خارجی است؛ مانند هدف در تیراندازی که به آن هدف تیراندازی می‌گویند و گاه، امری ذهنی یا وجدانی است؛ مانند هدف یک دانش‌آموز برای پیمودن مقطع خاص تحصیلی که به آن قصد، غرض، انگیزه و شوق گفته می‌شود.^۱ اساساً هیچ فعالیت آگاهانه‌ای از جمله تربیت بدون هدف نیست؛ چراکه فاعل تا نداند به سوی چه هدفی در حرکت است، اصلاً نمی‌تواند قصد و غرض درستی داشته باشد. پیش‌بینی هدف در تربیت، نتایج و آثاری را به دنبال دارد که عبارت است از:

- شناخت گزاره‌های تجویزی و اصول؛
- شناخت روش‌ها و تهیه ابزار و وسایل مناسب برای برطرف کردن موانع؛
- هماهنگی میان فعالیت‌های دست‌اندرکاران گوناگون امور تربیتی؛
- هم‌سوایی و هم‌گرایی مربی و متربی؛
- ایجاد انگیزه و تحرک بیش‌تر برای رسیدن به مقصود؛
- آگاهانه بودن جریان تربیت؛
- دستیابی به شاخصی برای سنجش میزان موفقیت فعالیت تربیتی و غیره.^۲

۱. ر. ک: اعرافی، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲)، ص ۳.

۲. همان، ص ۶ و ۷.

۳-۱-۱ ویژگی‌های خاص اهداف تربیتی

۱. ارزشی بودن: هدف به مفهوم عام و فلسفی، در افعال ناپسند و نادرست از نظر اخلاقی هم وجود دارد؛ اما ویژگی هدف تربیتی آن است که بر پایه معیارهای عقلانی، منطقی و ارزشی انتخاب شده باشد.

۲. تفصیلی بودن: هدف تربیتی در اصطلاح به اهدافی اطلاق می‌شود که به تفصیل و به روشنی در ذهن مریبان حضور داشته و حتی بیان شده باشد، نه هدف‌های اجمالی و مبهمی که افراد به صورت ارتکازی نسبت به آن‌ها آگاهی دارند.

۳. مرتبط و منسجم بودن: بین اهداف تربیتی باید ارتباط منطقی، ترتیب و انسجام وجود داشته باشد و در هجوم اهداف، جایگاه و نسبت هر هدف کلی یا جزئی با اهداف کلی یا جزئی دیگر معین باشد. هدف‌های از هم گسیخته و بیگانه، نمی‌توانند اهداف قابل قبولی برای تربیت باشند؛ زیرا ممکن است رسیدن به یکی، مانع وصول دیگری باشد یا آن را خنثی نماید.

۳-۱-۲ تقسیم‌بندی اهداف تربیتی

اهداف از یک نگاه، به اهداف نهایی و غیرنهایی (میانی و جزئی) و به یک اعتبار دیگر به اهداف ساحتی و فراساحتی تقسیم می‌شود:

۱. اهداف نهایی و غیرنهایی

در یک تقسیم، هدف به نهایی و غیرنهایی (میانی و جزئی) قابل تقسیم است. هدف نهایی، آخرین مطلوب و مقصود است و هدف‌های غیرنهایی، واسطه‌ای برای رسیدن به هدفی بالاتر و والاترند. در نتیجه، ارزش هدف نهایی، ذاتی و ارزش اهداف غیرنهایی، غیری است. در واقع، تفاوت هدف نهایی با اهداف غیرنهایی، در اجمال و تفصیل آن‌ها می‌باشد و اهداف غیرنهایی، تفصیل و بسط داده شده همان هدف نهایی به اجزاء مختلف است.

۲. اهداف ساحتی و فراساحتی

الف) اهداف فراساحتی

اهداف فراساحتی اهدافی هستند که به ساحت و بعدی خاص اختصاص نداشته و در همه ابعاد باید مورد توجه قرار گیرند.

۱. هدف غایی تربیت

پیش از پرداختن به اهداف تربیت در حوزه‌های علمیه، لازم است تبیین کوتاهی از ماهیت و هویت طلبگی ارائه شود تا بتوان اهداف متناظر با این هویت را ترسیم نمود.

طلبگی پاسخی است به دعوت خداوند متعال به تفقه در دین در آیات قرآن به ویژه آیه شریفه «نفر» (توبه، آیه ۱۲۲) و نیز روایات فراوانی که انسان را به کسب علم و دانش دعوت می‌کند. در واقع، طلبه از نظر رسالت و مأموریت، ادامه دهنده راه نورانی پیامبران و اولیای الهی علیهم‌السلام است؛ یعنی همان وظایفی را که ایشان بر عهده داشته‌اند و فعالیت‌ها و خدماتی را که در جامعه انجام می‌داده‌اند، طلبه، در وضعیت کنونی، بردوش گرفته است. آنچه که از آیه شریفه «نفر» برداشت می‌شود، بیان‌گر این است که هویت طلبه از مناسبت وی با سه واژه «لیتفقها»، «لینذروا» و «لعلهم یحذرون» قابل تبیین است؛ یعنی فهم عمیق و صحیح دین از منابع دینی، بازگشت به میان مردم، ابلاغ پیام دین و انذار آن‌ها و تلاش برای تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های دینی در جامعه اسلامی. از این رو، هویت طلبگی را می‌توان دارای سه رکن و بُعد علمی (فهم دین)، بعد اخلاقی (طهارت و تقوا) و بعد تبلیغی دانست.

البته شاید فهم دورکن علمی و تبلیغی از آیه نفر سهل‌تراز رکن اخلاقی باشد؛ چرا که به این دورکن تصریح شده، ولی رکن اخلاقی را باید از مناسبت این دورکن با هم استنتاج نمود. در واقع باید گفت کسی که خود انذار نشده و اهل خوف و خشیت از پروردگار متعال نباشد، هرگز نمی‌تواند مُنذر دیگران باشد. کسی که خودش ایمان نداشته و ملتزم به رفتار مؤمنانه نباشد، توصیه وی به ایمان و ارزش‌های ایمانی مورد تردید قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر، اگر طالب علم مهتذب نباشد در فهم، استنتاج و استنباط از دین و گزاره‌های دینی قطعا دچار مشکل،

کج فهمی و لغزش خواهد شد و چه بسا افراد و حتی جامعه اسلامی را به سمت گمراهی و سقوط بکشاند؛ چرا که عموم مردم طلبه و روحانی را نماینده و نمایاننده دین می‌دانند و خطا و لغزش او را به پای دین می‌نویسند.

بی‌شک بردوش کشیدن چنین بار سنگینی نیاز به آن دارد که طلبه ابتدا خود را از رذائل و هواهای نفسانی پاک کرده، آنگاه پا در مسیر تعالی بگذارد. طلبه و عالمی که از فرهنگ متعالی اسلام و کمال انسان سخن می‌گوید باید در مقام عمل نیز پیشگام بوده، عمل وی سندی بر صدق مدعاهایش و نشانه‌ای برای جلب اعتماد و اطمینان مخاطبان باشد. اگر مردم میان رفتار و گفتار وی فاصله‌ای احساس کنند، اثری از کلام او نخواهند گرفت؛ زیرا این امر را به نوعی نشانه نفاق و شاهد بی‌اعتقادی به سخنان خویش می‌یابند.

پس اخلاق و تهذیب نفس به عنوان مقدمه بدیهی، طبیعی و لازم رسالت طلبگی مطرح است. البته باید گفت جایگاه و اهمیت اخلاق و ویژگی‌های اخلاقی عالمان دین در آیات دیگر^۱ و نیز متون روایی به طور چشم‌گیری مورد بحث قرار گرفته که روایت شریف نبوی ﷺ «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»^۲ شاهدهی روشن بر این مدعاست.

تأکید بر تقدم تزکیه بر تعلیم و خطر پیمودن مسیر علم بی‌توجه به سلوک معنوی، در اندیشه و سخن امام خمینی ﷺ در اخلاق روحانیت موج می‌زند.^۳ به توصیه امام ﷺ تهذیب باید از همان اوان جوانی و ورود به عرصه طلبگی مد نظر طلاب و نیز مربیان اخلاق در حوزه‌ها باشد که بیش‌ترین بهره از نیرو و صفای روح جوان انتظار می‌رود.^۴ ایشان بر اصلاح نفس پیش از

۱. از جمله آیه شریفه «انما یخشی الله من عباده العلماء». (فاطر، آیه ۲۸)

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰ و طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۸.

۳. این اصطلاحات هرچه زیادتر شود، اگر با تهذیب و تقوی همراه نباشد، به ضرر دنیا و آخرت جامعه مسلمین تمام می‌شود. تنها دانستن این اصطلاحات اثری ندارد. علم توحید هم اگر با صفای نفس توأم نباشد، وبال خواهد بود. چه بسا افرادی که عالم به علم توحید بودند و طوایفی را منحرف کردند. چه بسا افرادی که همین اطلاعات شما را به نحو بهتری دارا بودند، لیکن چون انحراف داشتند و اصلاح نشده بودند، وقتی وارد جامعه گردیدند، بسیاری را گمراه و منحرف ساختند. این اصطلاحات خشک، اگر بدون تقوی و تهذیب نفس باشد، هرچه بیشتر در ذهن انباشته گردد، کبر و نخوت در دایره نفس بیشتر توسعه می‌یابد. (امام خمینی ﷺ، جهاد اکبر، ص ۱۹).

۴. شما وقتی وارد حوزه می‌شوید، پیش از هر کار، باید در صدد اصلاح خود باشید و مادامی که در حوزه به سر می‌برید، ضمن تحصیل، باید نفس خود را تهذیب کنید تا آن‌گاه که از حوزه بیرون رفتید و در شهر و یا محلی، رهبری ملتی را بر عهده گرفتید، مردم از اعمال و کردار شما، از فضایل اخلاقی شما استفاده کنند، پند گیرند، اصلاح شوند. بکوشید پیش از آن که وارد جامعه گردید، خود را اصلاح کنید.

پرداختن به اصلاح جامعه تأکید کرده و فرموده‌اند تا انسان تهذیب نفس نداشته باشد کلامش در مردم تأثیر ندارد. بنابراین گفتار و کردار روحانی باید یکی باشد.^۱ به توصیه امام ثُمَّ تَنْتَهَتْ تنها عالم مهذب می‌تواند در اصلاح جامعه مؤثر باشد و عالم غیرمهذب موجب انحراف امت می‌گردد.^۲ توصیه همیشگی مقام معظم رهبری رَبِّرِي به مدیران و مسئولان حوزه و طلاب جوان و روحانیون همان سفارش‌های حضرت امام ثُمَّ تَنْتَهَتْ بوده و ایشان از هر مناسبتی استفاده کرده و حوزه و روحانیت را به اخلاق و معنویت دعوت کرده‌اند.^۳

مهدب سازید. اگر اکنون که فارغ‌البدن می‌باشید، در مقام اصلاح و تهذیب نفس برنیاید، آن روز که اجتماع به شما روی آورد، دیگر نمی‌توانید خود را اصلاح نمایید.... در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق، برنامه تنظیم کنید؛ استاد اخلاق برای خود معین نمایید؛ جلسه وعظ و خطابه، پند و نصیحت تشکیل دهید. خودرو نمی‌توان مهذب شد. اگر حوزه‌ها همین‌طور از داشتن مربی اخلاق و جلسات پند و اندرز خالی باشد، محکوم به فنا خواهد بود. (همان، ۲۱).

۱. تا اصلاح نکنید نفوس خودتان را، از خودتان شروع نکنید و خودتان را تهذیب نکنید، شما نمی‌توانید دیگران را تهذیب کنید. آدمی که خودش آدم صحیحی نیست، نمی‌تواند دیگران را تصحیح کند؛ هرچه هم بگوید فایده ندارد. (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۲۰)

۲. اگر به اصول کافی و کتاب وسائل، به ابواب مربوط به وظایف علما مراجعه کنید، می‌بینید تکالیف سنگین و مسئولیت‌های خطیری برای اهل علم بیان شده است. در روایت است که وقتی جان به حلقوم می‌رسد، برای عالم دیگر جای توبه نیست، و در آن حال توبه وی پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا خداوند از کسانی تا آخرین ذیابقی زندگی توبه می‌پذیرد که جاهل باشند و در روایت دیگر آمده است که هفتاد گناه از جاهل آمرزیده می‌شود، پیش از آن‌که یک گناه از عالم مورد آموزش قرار گیرد؛ زیرا گناه عالم برای اسلام و جامعه اسلامی خیلی ضرر دارد. عوام و جاهل اگر معصیتی مرتکب شود، فقط خود را بدبخت کرده، بر خویشتن ضرر وارد ساخته است؛ لیکن اگر عالمی منحرف شود و به عمل زشتی دست زند، عالمی را منحرف کرده، بر اسلام و علمای اسلام زیان وارد ساخته است. این‌که در روایت آمده که اهل جهنم از بوی تعفن عالمی که به علم خود عمل نکرده، متأذی می‌شوند، برای همین است که در دنیا بین عالم و جاهل در نفع و ضرر به اسلام و جامعه اسلامی فرق بسیار وجود دارد. اگر عالمی منحرف شد، ممکن است امتی را منحرف ساخته، به عفوئت بکشد و اگر عالمی مهذب باشد، اخلاق و آداب اسلامی را رعایت نماید، جامعه را مهذب و هدایت می‌کند» (همان، ص ۱۴ و ۱۵).

۳. من توصیه به خشوع و ذکر و تقوا و سعی برای تقرب الی الله را برای طلاب واجب‌تر می‌دانم تا توصیه به علم، که مایه اصلی کارشان علم است. اگر علم باشد، تقوا نباشد، این علم می‌شود بی‌فایده، گاهی هم مضر. عالمانی داشتیم - چه علم دینی، چه علم غیردینی - که نه فقط از این علم بهره‌ای نبردند و بهره‌ای نرساندند، بلکه وزر و وبال شد. این روح معنویت در کالبد علم و عالم لازم است. (بیانات رهبری در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰)

مسأله دیگر در نظام رفتاری و اخلاقی حوزه‌ها، فیض بردن از معنویات است، تهذیب است؛ این خیلی مهم است. جوان امروز حوزه بیش از گذشته به مسأله‌ی تهذیب نیازمند است. کسانی که رشته‌های رفتارشناسی عمومی را مطالعه می‌کنند و کار می‌کنند، این را تأیید می‌کنند. امروز در همه‌ی دنیا این‌جور است که وضع نظام مادی و فشار مادی و مادیت، جوان‌ها را بی‌حوصله می‌کند؛ جوان‌ها را افسرده می‌کند. در یک چنین وضعی، دستگیر جوان‌ها، توجه به معنویت و اخلاق است. علت اینکه می‌بینید عرفان‌های کاذب رشد پیدا می‌کند و یک عده‌ای طرفشان می‌روند، همین است؛ نیاز هست. جوان ما در حوزه‌ی علمیه - جوان طلبه؛ چه دختر، چه پسر- نیازمند تهذیب است. (بیانات رهبری در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹)

چنان‌که این اهمیت و اهتمام در مصوبه اعضای محترم شورای عالی نیز «با تأکید بر قرار گرفتن تهذیب و اخلاق در رأس همه فعالیت‌های حوزوی»^۱ به خوبی و درستی نشان داده شده است. از این رو باید گفت مهم‌ترین، اساسی‌ترین و جدی‌ترین هدف تربیتی حوزه‌های علمیه مسأله تهذیب نفس و اخلاق می‌باشد و بقیه امور در درجه بعدی اهمیت قرار دارند. حال اگر بخواهیم مفهوم تهذیب نفس در حوزه را با توجه به رسالتی که بردوش معاونت تهذیب و تربیت گذاشته شده است، اندکی بسط بدهیم عبارت خواهد بود از:

«حاکمیت روح عبودیت و تقوا در شؤون مختلف زندگی طلاب».

۲. اهداف میانی تربیت

گفته شد که اهداف فراساحتی به ساحت خاصی متعلق نبوده، بلکه همه ساحت‌ها را فرامی‌گیرند. بنابراین می‌توان برای تربیت، اهداف میانی فراساحتی نیز ترسیم کرد. برخی از مهم‌ترین اهداف میانی فراساحتی عبارتند از: عمل صالح، اخلاص، توکل، جلب رضای الهی، شکرگزاری، عدالت‌ورزی، مسئولیت‌پذیری، همت و تلاش.

ب) اهداف ساحتی

اهداف ساحتی برگرفته از هدف نهایی تربیت هستند و در راستای آن تعریف می‌شوند. منظور از اهداف ساحتی، اهدافی است که به ساحت تربیتی خاصی اختصاص دارند. این اهداف نیز به نهایی و غیرنهایی (میانی و جزئی) قابل تقسیم‌اند.

۱. هدف نهایی

هر ساحت خاص تربیتی، می‌تواند دارای هدف کلی و نهایی باشد که در آن ساحت خاص مطلوب می‌باشد.

۲. اهداف غیرنهایی (میانی و جزئی)

اهداف غیرنهایی ساحتی نیز برگرفته از هدف نهایی ساحت خاص بوده و واسطه برای رسیدن به آن هستند. در هر ساحت خاص تربیتی، اهداف میانی و جزئی متعددی می‌توان

۱. بخشی از مصوبه شورای عالی حوزه‌های علمیه، جلسه شماره ۳۷، مورخه ۱۱/۱۰/۱۳۹۳.

ترسیم کرد. در واقع، هدف نهایی ساحت خاص به اهداف خُردتری تقسیم می‌شود تا بتوان براساس آن‌ها، برنامه عملیاتی طرح‌ریزی کرد.

اما اهداف جزئی و عملیاتی تربیت در هر یک از ساحت‌ها، متناظر به ساحت خاص است. اهداف تربیتی را از یک منظر براساس ابعاد بینشی، گرایشی و رفتاری و از سوی دیگر براساس ارتباطات سه‌گانه انسان (الهی، فردی، اجتماعی) می‌توان به ۹ گروه تقسیم کرد. به بخشی از این اهداف در ذیل اشاره شده است:

الف) رابطه با خدا (اخلاق بندگی)

- بینشی
- گرایشی
- رفتاری

ب) رابطه با خود (اخلاق فردی)

- بینشی
- گرایشی
- رفتاری

ج) رابطه با دیگران (اخلاق اجتماعی)

- بینشی
- گرایشی
- رفتاری

تفصیل هر یک از این اهداف در ادامه و در مبحث تربیت اخلاقی بیان خواهد شد.

۳-۱-۳ ساحت‌های تربیت و مسائل آن

تبیین و توصیف روند تربیت در هر ساحت، ناگزیر مبتنی بر بیان مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، عوامل و موانع و مراحل آن ساحت است؛ اما با توجه به محدودیت نظام‌نامه حاضر به امر تهذیب و تربیت و نظریه اهداف و مأموریت‌های معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های

علمیه، تنها به ساحت‌های تربیت اخلاقی، عبادی و خانوادگی اشاره می‌گردد.

۱-۳-۳ ساحت تربیت عبادی

نگاهی به مفاد آیه‌ی کریمه‌ی قرآنی «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱ بیانگر این حقیقت است که عبودیت و سرسپردگی به استان قدس الوهیت، از جمله اصلی‌ترین فلسفه‌های آفرینش جنیان و آدمیان است. از این رو، پیامبران و اولیای الهی علیهم‌السلام در تلاش‌های تربیتی خود می‌کوشند که این دو گروه از مخلوقات را به ساحت اطاعت و بندگی خدای متعال رهنمون باشند. راه‌یابی به ساحت عبودیت در گرو پیدایش معرفت و محبت به خدای متعال و رسیدن به قله‌ی توحید در الوهیت است. هرم روانی آدمیان، برخوردار از سه سطح معرفت، محبت و قدرت است. اگر مریبان در تلاش‌های تربیتی خود بتوانند ستون‌های معرفت و محبت خدای متعال را در ذهن و دل متریبان خود افراشته کنند، متریبان به طور طبیعی به اطاعت و بندگی کشانده شده و از آن لذت خواهند برد.

گذشته از معرفت و محبت الله، متریبان، نیازمند شناخت چستی و چگونگی نوع مناسب و عباداتی هستند که در ادبیات دینی از آن به شریعت یاد می‌شود. بر این اساس، تربیت عبادی نیازمند تدارک گونه‌ای از معرفت و محبت است که به دیگر ساحت‌های تربیتی مربوط می‌شود؛ اما بیان و تفسیر چستی و چگونگی عبادت، ایجاد میل و گرایش به انجام آن‌ها و آموزش و تمرین برانجام صحیح و به موقع وظایف عبادی و نیز کمک به تربی برای رسیدن به نوعی انقلاب و تربیت شدگی روانی که ما به آن خداشیفتگی نام داده‌ایم، مربوط به ساحت تربیت عبادی است. با این توصیف، در این نظام‌نامه، تربیت عبادی اساساً مربوط به شناسایی و ایجاد عادت و دلبستگی نسبت به انجام مناسب دینی است به همان‌گونه که در دین، توصیف و تبیین شده است (توقیفی بودن)؛ اما شکل‌گیری این عادت در صورتی به تربیت عبادی به معنای کامل آن میانجامد که متربی، تمامی سکون و حرکت خود را با نیت قرب جویی و خدامداری انجام دهد.

مفهوم‌شناسی

عبادت در فارسی به معنای «ستایش یا پرستش کردن خدا با انجام اعمالی مانند نماز، دعا و مناجات است»^۱ و در عربی از ماده «عَبَدَ» مشتق شده و به معنای «اظهار تذلل»^۲، «اطاعت»^۳، «انقیاد و خضوع»^۴ است؛ اما در اصطلاح فقهی عبارت است از: «انجام عملی به قصد امتثال فرمان الهی»^۵.

با بررسی واژه عبادت، چند معنای کاربردی در متون دینی برای آن می‌توان برشمرد:

۱. انجام اعمالی که قصد قربت و امتثال فرمان الهی، شرط صحت آن است. کیفیت این اعمال توقیفی است و باید از طرف شارع تعیین شود؛ مانند نماز، روزه، حج و... (معنای اول)
۲. انجام اعمالی که قصد قربت و امتثال فرمان الهی، شرط صحت آن محسوب نمی‌شود و بدون آن هم مقبول خداوند است (مانند تدفین)؛ اما اگر انسان آن را با قصد الهی انجام دهد، به پاداش بیش‌تری می‌رسد و قصد قربت، شرط کمال عمل محسوب می‌شود. (معنای دوم)
۳. در کاربردی دیگر، واژه عبادت به معنای انجام مطلق کارها (اعم از مأموریه و غیر آن) به قصد قربت به خدای متعال است. (معنای سوم)

شایان ذکر است در نوشتار حاضر، «تربیت عبادی» به هر سه معنا مدنظر است. به این معنا که در سه مرحله‌ی صعودی به سمت کمال پیش می‌رود. در گام اول، منظور از تربیت عبادی عبارت است از آموزش عبادات (به معنای اول) و کیفیت آن‌ها و تلاش برای ایجاد روحیه پرستش و نیایش در مرتبه‌ی به نحوی که به انجام مناسب و تکالیف عبادی متعهد شود و در گام بعدی و با فرض تحقق این مهارت، متربیان می‌توانند با یک صعود رفتاری، تمامی حرکت‌ها و سکون‌ها را نیز با قصد قربت الهی، عبادی کنند. در این معنا عبادت به گستره تمامی کارهای کوچک و بزرگی است که قصد خدا در آن لحاظ شده است.

۱. انواری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۴۹۶۳.

۲. راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۴۲.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۷۲.

۴. فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۸۱.

۵. مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۳۶۶.

در گام سوم، تربیت عبادی به این معناست که والدین و مربیان می‌کوشند، فرزندان و متریبان خود را در باروری و شکوفاشدگی معرفت و محبت الله امداد رسانی کنند و زمینه‌های خوگیری، میل، استمرار، نشاط و شور بندگی را در تمامی مناسک دینی و رفتارهای خُرد و کلان آنان، با صبغه‌ی خداگرایانه و قرب‌جویانه شکل دهند.

هدف نهایی

هدف نهایی از تربیت عبادی طلاب عبارت است از: معرفت‌افزایی و محبت‌افزایی نسبت به معبود، عبادت و عابدان راستین و التزام رفتاری نسبت به انجام عبادات و مناسک (ایجاد شوق و روحیه تعبد آگاهانه در مرتبی) و به بیان دیگر امداد رسانی به طلاب برای حُسن انجام مناسک دینی و واجبات الهی تا رسیدن به عبودیت و قرب الهی می‌باشد.

اهداف میانی، اصول و روش‌های تربیت عبادی

در ادامه، هریک از اهداف میانی تربیت عبادی همراه با اصول مربوط به هریک، بیان شده است:

هدف میانی ۱: معرفت عبادی (بعد شناختی)

بر پایه تعریف مشهور اسلام‌شناسان درباره مفهوم دین، دین شامل سه بخش عقاید، اخلاق و احکام است. ساحت تربیت عبادی، از میان سه بخش فوق، متمرکز بر تربیت مرتبی برای انجام درست و کامل متعلق احکام، یعنی عبادات و معاملات است.

بنا به استفاد از برخی روایات^۱، دامنه فقه اسلامی یا احکام الهی، شامل تمامی رخدادهای خرد و کلان زندگی آدمی است که به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم در سعادت و شقاوت وی دخالت دارند. بنابراین در نخستین گام تربیت عبادی، مربیان باید متریبان خود را برخوردار از دانش و آگاهی‌هایی کنند که بتوانند به روشنی و بی‌هیچ تردیدی، به امتثال و فرمان‌بری اوامر و نواهی خدای متعال پردازند. این آگاهی‌بخشی، مستلزم آشناسازی متریبان با حوزه

۱. لکل واقعة حکماً معیناً من عنده تعالی (استرآبادی، الحاشیة علی أصول الکافی، ص ۱۴۵)؛ عن حماد عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «سمعتہ یقول: ما من شیء الا و فیه کتابٌ او سنّةٌ حماد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: چیزی وجود ندارد که در مورد آن آیه‌ای از قرآن یا حدیثی نیامده باشد.» (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ح ۴، ص ۱۳۴)

فقه اسلامی است. بنابراین، نخستین هدف شناختی تربیت عبادی در صورتی تأمین می‌شود که مرتبی آگاهی‌های لازم در مورد فقه را در اختیار داشته باشد. این دسترسی به دو صورت اجتهاد یا تقلید قابل تحقق است.

در این جا لازم است متریبان به شناخت‌هایی مجهز شوند که شرط لازم عمل عبادی است؛ شناخت لزوم بندگی و پرستش، چیستی و چگونگی عبادات، فلسفه و اسرار عبادات، عوامل و موانع صحت عبادات (مانند توقیفی بودن عبادات)، عوامل و موانع کمال بخش عبادات (مانند اخلاص، حلاوت و نشاط)، برخی از معرفت‌هایی است که متریبان پیش از عمل، باید از آن‌ها برخوردار باشند. در تربیت عبادی، مهم‌ترین و حساس‌ترین پیش‌نیاز معرفتی، پیراسته بودن عبادات از شائبه‌ی ریا و شرک است. پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ در فرموده‌ای خاطر نشان کردند که انسان مؤمن باید بیش و پیش از هر چیزی نگران شائبه ریا و شرک در اعمال عبادی خود باشند؛ چراکه حضور یا دخالت این آسیب‌ها، به گونه‌ای است که اولای خدای متعال تمام عبادات ریازده را به بنده بازمی‌گرداند^۱ و ثانیاً عبادات شرک آمیز به گونه‌ای رمزآلود و اسرارآمیز رابطه میان خدا و بنده را نابود می‌کند؛ از این رو، در روایت نبوی ﷺ شرک از راه رفتن مورچه‌ای سیاه در شبی تاریک بر سنگی سیاه، نهان‌تر و پوشیده‌تر است.^۲ دست‌یابی به این هدف شناختی در تربیت عبادی، در چهارچوب اصول و روش‌های زیرانجام شدنی است:

اصل ۱: لزوم آشنایی با چیستی و چگونگی عبادات

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- عدم قیاس و استحسان در کیفیات عبادات و توجه به توقیفی بودن آن‌ها؛^۳

۱. قال رسول الله ﷺ لا يقبل الله عملا فيه مقدار ذرة من رياء؛ خداوند عملی را که ذره‌ای از ریا در آن باشد، قبول نمی‌کند. (فیض کاشانی،

محجة البيضاء، ج ۶، ص ۱۴۱)

۲. قال الامام الصادق عليه السلام في قول النبي ﷺ: إِنَّ الشِّرْكَ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ عَلَى صَفَاةِ سَوْدَاءَ فِي لَيْلَةِ ظُلْمَاءَ كَانَ الْمُؤْمِنُونَ يَسْتَبُونَ مَا يَعْجِدُ الْمُشْرِكُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...؛ همانا شرک نامحسوس‌تر از راه رفتن مورچه در یک شب تاریک بر روی تخته سنگی سیاه است. (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۹۳)

۳. أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. (توبه، آیه ۱۹)

- آگاه‌سازی مرتبی به اقسام و احکام واجبات (نفسی، غیری، تعبدی، توصلی، عینی کفایی، تعیینی و تخییری، مطلق و مشروط و...) با برگزاری کلاس؛
- آگاه‌سازی مرتبی به فروع دین؛^۱
- آگاه‌سازی مرتبی به محرمات الهی (گناهان کبیره و صغیره)؛
- آگاه‌سازی مرتبی به احکام عبادات و معاملات؛
- تشویق مرتب‌یان به خواندن و یادگیری رساله عملیه، تحریرالوسیله و عروه الوثقی؛
- پرهیز دادن مرتبی از سؤال وسواس‌گونه در مورد شرایط و جزئیات عبادات؛
- راه‌اندازی کارگاه‌های آموزش عبادات؛
- بهره‌گیری از سیره تربیت عبادی معصومان علیهم‌السلام.

اصل ۲: لزوم آشنایی با ضرورت، فلسفه و اسرار عبادات

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- آگاه‌سازی مرتبی از این‌که اسلام منهای عبادت، مثل اسم بدون مسما است؛
- ترغیب مرتبی به آشنایی با فلسفه آفرینش و کتاب‌های فلسفه احکام، مانند علل الشرایع؛
- آشناسازی مرتبی با کتاب‌های اسرار نماز، اسرار حج و...؛
- آگاه‌سازی مرتبی به نیازی به ارتباط با خداوند متعال و نیایش و گفت‌وگو با آن حقیقت هستی؛
- آگاه‌سازی مرتبی از این‌که سود تمام عبادات به وی بازمی‌گردد؛
- برانگیختن حس کنجکاو مرتبی در مورد چرایی و فلسفه احکام؛
- پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات ذهنی مرتبی در مورد فلسفه احکام؛
- آشناسازی مرتبی با ملاکات و مناسبات احکام عبادی و معاملی؛
- آشناسازی مرتبی با مؤیدهای علمی فلسفه احکام و فواید عبادات (نگاه کارکردی به دین) و البته پرهیز دادن مرتبی از منحصر کردن فلسفه احکام در توجیهاات و دستاوردهای علمی؛

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: حَدِيثٌ فِي خَلَالٍ وَ حَرَامٍ تَأْخُذُهُ مِنْ صَادِقٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا مِنْ ذَهَبٍ أَوْ فَضَّةٍ. (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۴)

- پرهیز دادن مرتبی از منوط کردن انجام عبادات به دانستن فلسفه آن؛
- پرهیز دادن مرتبی از نسبت دادن اسرار استنباطی غیرروشمند به احکام الله؛
- پرهیز مرتبی از افراط و فرورفتن در فهم اسرار احکام تا ورود به مرز اسرار الله.

اصل ۳: لزوم آشنایی با شرایط صحت و مقبولیت عبادات

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- آشناسازی مرتبی با شرایط صحت و قبولی عبادات؛
- آموزش مقایسه‌ای عبادات صحیح و باطل به صورت عملی؛
- در اختیار قرار دادن مواد آموزشی مربوط به شرایط صحت عبادات (کتاب، سی دی، جزوه) و برگزاری مسابقه در مورد آن؛
- بهره‌گیری از آموزش گروهی و تیمی در آموزش صحت و بطلان عبادات؛

اصل ۴: لزوم شناخت عوامل و موانع کمال بخش عبادات

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- بهره‌گیری از روش تربیت الگویی با بهره‌گیری از سیره عبادی معصومان علیهم‌السلام، عالمان ربانی و قله‌های تهذیب؛
- پرهیز دادن (تحدیر) مرتبی از ریا و شرک در عبادت؛^۱
- ایجاد مهارت تمرکز و حضور قلب در عبادات؛
- آگاه‌سازی مرتبی از آیات و روایات مربوط به حضور قلب و اخلاص؛
- ترغیب مرتبی به «در محضر خدا بودن» و این‌که در معرض نگاه شاهدان اعمال و معصومان علیهم‌السلام است؛
- تشویق مرتبی به تفکر در جایگاه خود در پیشگاه خدا، قبل از شروع عبادات؛
- ترغیب مرتبی به پوشیدن لباس مناسب و استفاده از عطر و فضای با نشاط جهت تسهیل

۱. قال رسول الله ﷺ: يقول الله سبحانه اني اغنى الشركاء فمن عمل عملا ثم اشرك فيه غيري فانا منه بريء و هو لذى اشرك به دوني؛ خداوند سبحان می‌فرماید: من بی‌نیازترین شریکانم. هرکس عملی به جا آورد و غیر مرا در آن شریک کند، من از او بیزارم و این عمل از آن کسی است که شریک قرار داده، نه از آن من. (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۰۱۷)

ارتباط با خداوند؛

- آگاه‌سازی متربی از نقش انگیزه‌بخش حضور در عبادات جمعی؛
- ایجاد فراغت برای قبل و بعد عبادت؛
- آگاه‌سازی متربی به اهمیت انجام بهنگام عبادات (تسریع در انجام عبادات)؛
- آگاه‌سازی متربی به این‌که خداوند مشتاق گفت‌وگوی با بندگان است؛
- آگاه‌سازی متربی از نقش لقمه حرام در سلب توفیق و لذت از عبادت؛
- پرهیز دادن متربی از عبادت بردگان و تاجران؛
- پرهیز متربی از مجالست با غافلان و دنیاپرستان و تارکان عبادت.

اصل ۵: لزوم شناخت جایگاه قرآن و ادعیه و ایجاد و تقویت انس با آن‌ها

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- معرفت‌افزایی در مورد قرآن در کلاس‌های قرآن و آشنایی با پیام‌های تربیتی قصه‌های قرآن؛
- تأکید ویژه بر قرائت هر شب یک صفحه قرآن همراه با ترجمه بعد از نماز جماعت مغرب و عشاء؛
- برنامه‌ریزی برای حفظ قرآن به صورت ملایم؛
- برگزاری کارگاه آشنایی با مفاتیح الجنان و سایر کتب ادعیه؛
- برگزاری کارگاه آشنایی با صحیفه سجاده؛

هدف میانی ۲: محبت عبادی (بعد انگیزشی و عاطفی)

تربیت عبادی در دومین هدف، مربیان را بر آن می‌دارد که در مربیان خود، گرایش و محبت به انجام عبادات را ایجاد نموده و به دنبال آن استمرار و پایداری در عبادات را در آنان تثبیت کند. بر اساس گفته‌ی علامه‌ی شهید مرتضی مطهری ره، تربیت در هر ساحت از جمله در ساحت تربیت عبادی، نیازمند تجهیز متربی به دو بال معرفت و محبت است. ایشان آدمیان را در حرکت به سمت اهداف برگزیده به ماشینی تشبیه می‌کند که نیازمند به چراغ و موتور محرکه است. چراغ به منزله‌ی معرفت و نیروی محرکه به منزله‌ی انرژی روانی است که

متربیان در پرداختن به عبادات از داشتن آن ناچارند.^۱

البته تراز تحولی متربیان، مریبان را بر آن می‌دارد که در فرایند سوق دادن آنان به عبادات، از روش‌ها و شدت و ضعف تشویق و تنبیهی که دارند به صورت همگون و هماهنگ با این تراز تحولی بهره‌گیری کنند. ایجاد محبت به عبادات که پیش‌نیاز دوم بعد از معرفت در عبادات است از کانال‌های گوناگون معرفتی و انگیزشی قابل تأمین است. برای نمونه، بهره‌گیری از آشناسازی متربی با آثار و برکات دنیوی و اخروی عبادات، سکوی پرش بودن عبادات برای حرکت متربی به سمت کمال و فلاح، استفاده از شیوه‌هایی که متربی را به جای نمازگزار بودن، عاشق نماز نماید،^۲ برخی از این راهکارها است. مریبان می‌توانند با بهره‌گیری از روش‌های تصعید گرایش‌ها و عواطف دینی^۳، بهره‌گیری از تربیت الگویی با استفاده از سیره معصومان علیهم‌السلام در اهتمام و التزام به عبادات،^۴ بازخوانی و مرور سیره علوی و سجادی و در یک کلام، ایجاد قالب ذهنی و دریافت انگیزشی از عبادات، همانند آن‌چه علامه‌ی طباطبایی در قالب «کیش‌مهر» مطرح کردند و بالاخره، استفاده از مکانیزم روان‌شناختی بازگرداندن برکات عبادات به تأمین خود دوستی (حب ذات) قابل دستیابی است. قرآن کریم، در آخرین آیات سوره مبارکه فجر،^۵ پایان خط بندگی و عبادت را باریابی به بارگاه قدس ربوبی، همراه با فتح قله‌ی رضامندی و محبوب‌شدگی می‌داند. فتح این قله، در حقیقت بارورشدگی و شکوفایی همان گرایش «حب ذاتی» است که انسان‌ها از آن بهره‌مندند. ناگفته نماند که اقدامات تربیتی این هدف‌گرایشی، نیازمند رعایت تراز تحولی از یک سو و اصل

۱. مطهری، جاذبه و دافعه علی علیه‌السلام، ص ۴۲-۴۶.

۲. با استناد به فرموده سیدالشهدا علیه‌السلام در شام تاسوعا: فهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي قَدْ كُنْتُ أَحِبُّ الصَّلَاةَ لَهُ وَتِلَاوَةَ كِتَابِهِ وَكَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَالِاسْتِغْفَارِ؛ چه آن که خداوند، خود می‌داند که من همواره دوست داشته دارم که نماز بخوانم و تلاوت کتاب خدا و دعا و استغفار فراوان کنم. (شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۱)

۳. قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: حُبُّ الْعَالَمِ مِنَ الدُّنْيَا كَمِ ثَلَاثِ طَلِيبٍ وَالنِّسَاءِ وَجَعَلْتُ قِرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛ سه چیز از دنیای شما برای من دوست داشتنی است: بوی خوش و زنان و نور چشم من در نماز است. (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۴۱)

۴. قال الحسين علیه‌السلام: مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا أَعْبَدُ مِنْ فَاطِمَةَ علیها‌السلام كَأَنَّ تَقَوْمٌ حَتَّى تَتَوَرَّمَ قَدَمَاهَا؛ در دنیا عابدتر از فاطمه علیها‌السلام نبود؛ او همواره به عبادت می‌ایستاد تا جایی که قدم‌هایش ورم می‌کرد. (علامه مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۷۶)

۵. يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَأَدْخُلِي جَنَّتِي (فجر، آیه ۲۷-۳۰)

انگیزه بخشی با تکیه بر تشکیک (مرتبه بندی) در مراتب کسب موفقیت و رسیدن به کمال عبادی از سوی دیگر، دست یافتنی است.

پاشیدن و نشاندن بذر محبت الهی در قلب متربی، از دیگر راه‌های ایجاد محبت عبادی است؛ از این رو، اگر مریبان بتوانند ذهن و دل متربیان خود را از عشق و شوق به خدا و کمال مندی سرشار کنند، تحمل و آمادگی متربیان برای پذیرش دشواری‌های عبادات و تکالیف هموارتر خواهد بود؛ چراکه:

در بیابان گربه شوق کعبه خواهی زد قدم سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور
پیدایش این حالت، مستلزم آن است که متربی چنان در عشق الهی واله شده باشد که همیشه و همه جا خود را در حال نماز ببیند و به تعبیر قرآن کریم:
والذین هم علی صلاتهم دائمون^۱.

دست یابی به این هدف گرایشی، در گرو به کارگیری اصول و روش‌های زیرین است که امام سجاد علیه السلام در مناجات محبین صحیفه سجادیه عرضه می‌دارد:

أَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَ حُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَ حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُؤْتِي إِلَى قُرْبِكَ وَ أَنْ تُجْعَلَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ سِوَاكَ وَ أَنْ تُجْعَلَ حُبِّي إِلَيْكَ قَائِداً إِلَى رِضْوَانِكَ وَ شَوْقِي إِلَيْكَ ذَائِداً عَنْ عِصْيَانِكَ^۲؛

از تو درخواست می‌کنم دوستی خودت را و دوستی آنان که تو را دوست دارند و دوستی هرکاری که مرا به قرب تو می‌رساند و اینکه خودت را نزد من محبوب‌تر از دیگران قرار دهی و محبتم به وجودت را راهبر به سوی خرسندی ات گردانی و اشتیاقم به خودت را بازدارنده از نافرمانی ات سازی.

۱. معارج، آیه ۲۳.

۲. مفاتیح الجنان و صحیفه سجادیه، مناجات محبین.

اصل ۱: لزوم ایجاد، تثبیت و افزایش محبت نسبت به خداوند

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- بهره‌گیری از روش حبّ عبودی^۱؛
- بهره‌گیری از روش فعال‌سازی میل فطری شکر در برابر منعم؛
- یادآوری نعمت‌های الهی و مسئولیت انسان در برابر آن‌ها؛
- آگاه‌سازی متربی از این‌که مُحب خدا، محبوب خدا می‌شود؛^۲
- آگاه‌سازی متربی از نشانه‌های محب حقیقی خداوند، مانند تهجد؛ تحمل دشواری عبادات،^۳ مانند روزه در تابستان، ذکر و...^۴؛
- بیان آیات و روایات محبت به خدا؛
- استفاده از انداز و تبشیر با هدف ایجاد محبت؛
- ترغیب متربی به خواندن دعاها و مناجات‌های شورانگیز (مانند مناجات شعبانیه، خمسه عشر، عرفه و کمیل)؛
- یادآوری و اعتراف به گناهان در پیشگاه الهی و استغفار از آن‌ها؛

۱. حبّ عبودی، یعنی محبتی که از روی عبودیت فرد و ناشی از شناخت توحیدی نسبت به خداوند است؛ محبتی که همه نقایص و تمایلات انسان را پاسخ می‌دهد. علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید: مهم‌ترین شیوه تربیتی اخلاقی در نظر قرآن، شیوه حب عبودی است. چون بنای اسلام بر محبت عبودی است. یعنی ترجیح دادن جانب خدا بر جانب بنده؛ رضای خدا را بر رضای خود ترجیح دادن؛ از حق خود به خاطر حق خدا گذشتن و از خشم خود به خاطر خشم خدا صرف نظر کردن. (طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۵۴۲)؛ برای آگاهی بیش‌تر: کبیری و معلمی، مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی ره، فصلنامه معرفت اخلاقی، ۱۳۸۸، شماره ۱، ص ۹۰-۶۷.

۲. بخشی از حدیث معراج: فَإِذَا أَحْبَبْتَنِي أَحْبَبْتُهُ؛ پس وقتی که به من عشق ورزید، من نیز به او عشق می‌ورزم. (علامه مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۲۸)

۳. قال امیرالمؤمنین علیه السلام: الْقَلْبُ الْمُحِبُّ لِلَّهِ يُحِبُّ كَثِيرًا النَّصَبَ لِلَّهِ، وَالْقَلْبُ اللَّاهِي عَنِ اللَّهِ يُحِبُّ الرَّاحَةَ فَلَا تَقْلُنْ يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ تُدْرِكُ رَفْعَةَ الْبِرِّ بِغَيْرِ مَسْئَةٍ فَإِنَّ الْحَقَّ تَقْبِيلٌ مُؤْتٍ دِلَّ خَدَّادِوَسْتٍ، رَنَجٍ وَسَخْتِي دِرَّاهِ خَدَّادِ رَابِسَارِ دَوْسْتِ مِي دَارِدُ وَدَلَّ بِي خَبِرَازِ خَدَّادِ، رَاحَتِ طَلَبِ اسْتِ؛ پس، ای پسر آدم! گمان مبر که بی رنج و سختی به مقام رفیع نیکوکاری دست یابی؛ زیرا که حق سنگین و تلخ است. (ورام، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، ج ۲، ص ۸۷)

۴. يَا ابْنَ عَمْرٍَا! كَذَّبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي فَإِذَا حَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبِّ خَلْوَةٍ حَبِيبَةٍ؟؛ ای موسی! کسی که می‌گوید من خدا را دوست دارم، اما شب - هنگامی که تاریکی همه جا را فرا می‌گیرد - به خواب می‌رود و به یاد من نیست، دروغ می‌گوید. آیا می‌شود برای کسی زمینه خلوت با محبوبش فراهم شود و خودداری نکند؟ (شیخ صدوق، الأمالی، ص ۲۵۷)

- مهیا کردن فرصت تجربه خلوت با خدا و چشیدن حداقل‌های لذت‌های معنوی؛
- ترغیب متربی به مثبت‌نگری و زیبانگری؛^۱
- آگاه‌سازی متربی به این‌که هرگاه خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، حلاوت عبادت را به او می‌چشاند؛
- تذکر متربی به این‌که خداوند رحمان و رحیم همواره ما را به ویژه در هنگام عبادت می‌بیند؛^۲
- پرهیز دادن متربی از حب دنیا به عنوان عامل دوری از محبت خدا؛^۳
- تشویق متربی به حب فی الله و بغض فی الله.^۴

اصل ۲: لزوم ایجاد، تثبیت و افزایش محبت نسبت به عبادت

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- بیان حالات آرامش و عشق عابدان راستین در حین عبادت، همانند پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام؛
- ترغیب متربی به روی‌آوری به عبادات هنگام اقبال قلبی و پرهیزوی از عبادت در حال کسالت روحی و ادبار قلبی؛^۵
- ایجاد حال عبادت با بیان نقش عبادت در کمال انسان؛^۶
- بسترسازی برای تجربه لذت در عبادات؛
- لزوم همسوسازی حب الله و حب ذات در عبادات متربی یا تصعید حب ذات به حب الله؛
- فراهم آوردن فضای بانشاط و لذت بخش برای متربی؛
- زمینه‌سازی برای عبادت‌های جمعی؛

۱. بخشی از فرمایش حضرت زینب رضی‌الله‌عنها: ما رایت الا حمیلا؛ من به جز زیبایی، چیزی ندیدم. (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶)

۲. أَلَمْ يَعْلَمْ بَانَ اللَّهِ بَرِي. (علق، آیه ۱۴)؛ إِمَامُ جَوَادٍ رضی‌الله‌عنه: إِعْلَمُ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُومَنِي عَيْنِ اللَّهِ، فَأَنْظُرُ كَيْفَ تَكُونُ؛ بدان که از دید خداوند پنهان نیستی، پس بنگر چگونه‌ای. (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۵۵)

۳. رَوَى عَنِ الصَّادِقِ رضی‌الله‌عنه قَالَ: وَ اللَّهُ مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَ وَآلِي غَيْرِنَا وَ مَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى؛ امام صادق رضی‌الله‌عنه فرمودند: به خداوند سوگند کسی که دنیا و غیر ما اهل بیت را دوست بدارد (غیر ما را به امامت برگزیند)، خداوند را دوست ندارد و هر کس حق ما را بشناسد و ما را دوست بدارد، پس به راستی که خداوند تبارک و تعالی را دوست داشته است. (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۲۹)

۴. از امیرالمؤمنین رضی‌الله‌عنه روایت است که خداوند در شب معراج به رسول اکرم صلی‌الله‌عنه فرمود: يَا مُحَمَّدُ وَجِبْتِ مَحَبَّتِي لِمُتَخَاتِبِينَ... ای محمد! محبت من به کسی اختصاص دارد که در راه من دوستی بورزد... (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۱)

۵. قَالَ النَّبِيُّ صلی‌الله‌عنه: إِنْ لِقُلُوبِ إِبْنَالَا وَ إِذْبَارَا فَإِذَا أَقْبَلْتُمْ فَتَنْفَلُوا وَإِذَا أَدْبَرْتُمْ فَعَلَيْكُمْ بِالْفَرِيضَةِ. (کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۵۴)

۶. قَالَ الْإِمَامُ عَلِيٌّ رضی‌الله‌عنه: الْعِبَادَةُ قُوَّةٌ عِبَادَتِ، رَسْتِغَارِي اسْت. (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۹۸، ج ۳۹۳۲)

- ذکر آثار و برکات عبادات (بیان فواید دنیوی و اخروی عبادات)؛
 - توجه دادن به مقدمه بودن عبادات برای قرب به معبود و عدم غفلت از روح عبادات؛^۱
 - ترغیب متربی به داشتن اخلاص در عبادات و حضور قلب در نماز؛
 - تبیین رابطه عزت و عبادت؛^۲
 - ترغیب متربی به اختصاص زمان ویژه به عبادات؛^۳
 - ترغیب متربی به انجام حج برای دست‌یابی به روحیه تعبد بی‌چون و چرا؛
 - تشویق متربی به زیارت مشاهده شریفه و انجام عبادات در آن‌جا برای تجربه لذت در عبادت.^۴
- اصل ۳: لزوم ایجاد، تثبیت و افزایش محبت نسبت به عابدان راستین

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- لزوم رعایت تراز تحولی و تفاوت‌های فردی در ارائه الگوی تهذیبی به متربیان؛
- شناسایی و معرفی عبادت عالمان ربانی؛
- ترغیب متربی به مطالعه سیره تربیتی انبیاء و معصومان علیهم‌السلام؛
- ترغیب متربی به دیدار با عالمان ربانی؛
- تشویق متربی به الگوبرداری از علمای ربانی؛
- آگاه‌سازی متربی از شدت محبت معصومان علیهم‌السلام و لحظه‌شماری آنان برای اوقات عبادت؛
- تشویق متربی به شرکت در نماز جماعت علمای ربانی؛
- تشویق متربی به مصاحبت، مجالست و انس با علمای ربانی.

۱. علامه طباطبایی می‌نویسد: روح و مغز عبادت، عبودیت درونی است و افعال عبادی قالب‌های تحقق خارجی آن عبودیت است (طباطبایی، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱، ص ۵۰۷).

۲. اذا طلبت العزة فاطلبه في الطاعة؛ اگر خواهان عزت هستی، پس آن را در اطاعت جستجو کن. (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۰۴۵۶)؛ کفی بی‌عزا ان اکون لک عبدا؛ خدایا مرا این عزت بس که بنده تو باشم. (فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۰۹)

۳. قال الحسين عليه السلام: سألت أبا عبد الله عن مدخل رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: كان دُخُولُهُ فِي نَفْسِهِ مَأْذُوناً فِي ذَلِكَ، فَإِذَا أَوَى إِلَى مَنْزِلِهِ جَزْأً دُخُولُهُ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ: جُزْءٌ لِلَّهِ، وَ جُزْءٌ لِأَهْلِهِ، وَ جُزْءٌ لِنَفْسِهِ؛ امام حسین عليه السلام فرمود: درباره وضعیت داخلی رسول خدا از پدرم سؤال کردم؛ در پاسخ فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله به اختیار خود به منزل می‌رفت و در خانه، وقت خود را به سه بخش تقسیم می‌کرد: بخشی از آن را به نیایش و عبادت اختصاص می‌داد، قسمتی را برای اهل خانه‌اش در نظر می‌گرفت و بخشی را هم به خود اختصاص می‌داد. (علامه طباطبایی، سنن النبى، ص ۷۱)

۴. فِي بُيُوتِ أَوْلَادِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ...؛ [آن چراغ] در خانه‌هایی است که خدای رخصت داده است که بالا برده و بزرگ داشته شوند... (نور، آیه ۳۶)

اصل ۴: لزوم پیراسته‌سازی متربی از افراط و تفریط در محبت (به معبود، عبادات و عابدان)

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- برطرف کردن تکبر، سوءظن به خدا، یأس و اغترار؛
- پیش‌گیری از برگشت، سرخوردگی و عبادت‌گریزی؛
- پرهیز از افراط و تفریط در عبادت و کسالت و دل‌زدگی از آن؛
- اصلاح این باور ناقص که تنها محبت خدا کافی است.

هدف میانی ۳: التزام رفتاری عبادی (بعد رفتاری و عملی)

سومین و آخرین مرحله در تربیت عبادی، رسیدن به التزام رفتاری یا اطاعت یا بندگی در برابر خداوند است. چنان‌که در آغاز این ساحت تربیتی گفته شد، رسیدن به مقام عبودیت و سرساییدگی در برابر مشیت و ربوبیت تشریعی الهی، یکی از رازهای آفرینش جنیان و آدمیان است. متربیان با گذار از دو پله معرفت و محبت الهی، آمادگی ورود به مرحله اطاعت را پیدا می‌کنند؛ اما اطاعت و بندگی خداوند نیازمند تثبیت، تعدیل و افزایش است. سنجش میزان اطاعت و التزام بندگان به دلیل اتکال آن به رفتارهای بیرونی و قابل مشاهده، سنجش سطح دین‌مداری را ساده‌تر و هموارتر می‌کند. به فرموده حضرت صدیقه کبری علیها السلام، کسانی می‌توانند بهترین و برترین مصالح را در زندگی خود فرود آورند که توانسته باشند طاعت و عبادت خود را پیراسته و مخلصانه کنند. رسیدن به این هدف در گرو به کارگیری روش‌هایی همانند انذار و تبشیر، پاداش و کیفر است. تثبیت رفتارهای عبادی، نیازمند بهره‌گیری از اصول روان‌شناسی شخصیت، همانند خوگیری یا خاموش‌سازی است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به عنوان صاحب شریعت اسلامی، اخلاص، اتقان و تداوم در عبادات را از پیش‌نیازهای تربیت عبادی می‌داند. هنگام عبور از قبرستانی، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه می‌شوند که میت را بی‌مهابا و سهل‌انگارانه در قبر می‌نهند، توقف کرده و می‌فرمایند: «خداوند دوست دارد که بندگان هنگام انجام هر کاری آن را متقن نمایند.»^۱ مریبان باید به هوش باشند که پایداری و دوام در

۱. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنْ أَلَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ. (بيهقي، شعب الإيمان، ح ۴۹۱۳)

عبادات، سر از اضطراب در عمل و سرخوردگی از آن در نیاورد. در این جا، مریبان باید بکوشند متریبان خود را به اوج التزام رفتاری که همان حقیقت و گوهر عبودیت است، برسانند. از نشانگان این دست‌یافتگی، عبودیت بی‌چون و چرا و تسلیم بودن محض در برابر اوامرو نواهی الهی است. بر پایه اصول و مبانی فراساحتی تربیت، گذشته از آموزش و الگودهی، متریبان در تربیت عبادی به ویژه در این هدف رفتاری، نیازمند بسترهایی همانند تکرار، تمرین و ممارست در عبادت‌اند. آموزه‌های اسلامی در دامنه روایات، مریبان را از دو آسیب یا خطر در تربیت‌شدگی عبادی باخبر می‌کند. کوچک‌انگاری برخی از معصیت‌ها و نیز بزرگ‌انگاری عبادات از طرف متریبان، دو آسیب تربیتی است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در فرموده‌ای مریبان را هشدار می‌دهند که «أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَنْ اسْتَهَانَ صَاحِبَهُ»^۱ و «... رَجُلٌ اسْتَكْتَرَّ عَمَلَهُ»^۲ و نیز مفاد دعای هشتم صحیفه سجادیه به روشنی بر این نکته دلالت دارد.^۳

التزام‌آفرینی رفتاری از نگاه کارشناسان تربیتی و روان‌شناسان شخصیت، نیازمند بسترسازی برای لذت بردن متریبی از عبادات و درک سودمندی آن‌ها در کمال و تعالی وی است. شاید از این رو است که ورود به قلمرو عبادت و عبودیت و دست‌یابی به مقام شایستگی مخاطب اوامرو نواهی خداوند بودن، رسیدن به پایان ۱۵ سالگی در پسران و ۹ سالگی در دختران است. آشنایی با فقه تربیتی یا تربیت فقهی از جمله پیش‌نیازهای دیگر در سومین هدف در تربیت عبادی است. آگاهی از ظرافت‌ها، حساسیت‌ها و رعایت تراز تحول شناختی، عاطفی و رفتاری از دیگر عواملی است که مریبان را در بهینه‌سازی تربیت عبادی یاری می‌دهد. آشناسازی متریبان با سیره علوی و سجادی صلوات الله علیه و تشویق متریبان به عملی‌سازی این

۱. سخت‌ترین گناه، آن که گناهکار آن را کوچک بشمارد. (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۸)

۲. الامام الباقر علیه السلام: ثَلَاثٌ قَاصِمَاتُ الظَّهْرِ: رَجُلٌ اسْتَكْتَرَّ عَمَلَهُ وَ نَسِيَ ذُنُوبَهُ وَأَعْجَبَ بِرَأْيِهِ؛ سه چیز کم‌رشدکن است: مردی که کار خود را زیاد شمارد و گناهانش را زیاد برد و به رأی خود مغرور باشد. (محمدری شهری، میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۴۵۶، ح ۱۱۸۴۴)

۳. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحُرْصِ، وَ سُورَةِ الْعُضْبِ، وَ غَلْبَةِ الْخَسِدِ، وَ ضَعْفِ الضُّبْرِ، وَ قَلْبَةِ الْقَنَاعَةِ، وَ شِكَاسَةِ الْخُلُقِ، وَ الْخِجَابِ النَّهْوَةِ، وَ مَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ وَ مُتَابَعَةِ الْهَوَى، وَ مُخَالَفَةِ الْهُدَى، وَ سِنَةِ الْعُقْلَةِ، وَ تَعَاطَى الْكُلْفَةِ، وَ إِثَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ، وَ الْإِضْرَارِ عَلَى الْمَأْتَمِّ، وَ اسْتِضْغَارِ الْمُعْصِيَةِ، وَ اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ؛ خدایا، به تو پناه می‌برم از طغیان حرص و قلت قناعت و کجی خلق و افراط در شهوات و عصبیت شدید و پیروی هوا و مخالفت با هدایت و سستی غفلت و رواداشتن تکلف‌ها و انتخاب باطل در مقابل حقواصرار بر گناهان و کوچک شمردن گناه و بزرگ شمردن طاعت. (صحیفه سجادیه، دعای هشتم)

فرموده سترگ علوی که فرمود: «بدانید که شما توانایی انجام چنین کاری را ندارید؛ اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاک‌دامنی و راستی مریاری دهید.»^۱ دست‌یابی به دو قله سلبی و ایجابی تربیت عبادی را هموار می‌کند.

نکته پایانی این‌که بنا بر دو فراز پایانی سوره حمد، تعدیل و تثبیت تربیت عبادی، باید از دو افراط و تفریط یهودیان و مسیحیان به دور باشند. یهودیان به دلیل بدعت آفرینی مغضوب و مسیحیان به دلیل حذف عبادات از جمله گمراهان تلقی شده‌اند. از این رو مسلمانان در تربیت عبادی، نیازمند التزام و تعبد تشریحی یا مرزبندی شده‌اند که «العُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنَّهَا الرُّبُوبِيَّةُ»^۲. دست‌یابی به این هدف در گرو به کارگیری اصول و روش‌های زیراست:

- مداومت بر عمل و انجام فرائض؛^۳
- فریضه‌سازی عبادت؛^۴
- صبر و بصیرت مایه استمرار عبادت؛^۵
- تسلیم در برابر همه اوامر و نواهی الهی؛
- دست‌یابی به اخلاص و پیراسته‌سازی فعالیت‌ها با نیت قرب و خداگرایی؛
- لزوم رعایت اصل تدریج در انگیزه‌بخشی؛

۱. إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَجْهِ وَاجْتِهَادٍ وَعَفَّةٍ وَسَدَادٍ. (نهج البلاغه، نامه ۴۵)

۲. قال الصادق (ع): العبودية جوهرة كنهها الربوبية، فما فقد من (في) العبودية وجد في الربوبية وما خفي عن الربوبية أصيب في العبودية؛ بندگی حقیقی جوهرة‌ای است که اساس و ذات آن ربوبیت است؛ پس آن‌چه از مقام عبودیت کم و ناپیدا شد، در مقام ربوبیت پیدا و هویدا گردد؛ و هر مقداری که از مراتب و صفات ربوبیت مخفی و پوشیده گشت، در مراحل عبودیت جلوه‌گر و آشکار شود. (مصباح الشریعة، ترجمه مصطفوی، ص ۴۵۳)

۳. قال رسول الله (ص): المداومة على العمل في اتباع الآثار والسنة وإن قل، أرضى الله وأنفع عنده في العاقبة من الاجتهاد في البدع واتباع الأهواء؛ پیامبر خدا فرمود: مداومت بر عمل بر اساس آثار و سنت، هر چند اندک، نزد خدا پسندیده‌تر و خوش‌فرجام‌تر است از سخت‌کوشی در عبادت بر اساس بدعت و هوس. (محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۹، ص ۴۰۶، ح ۱۴۲۹۳)؛ الامام علی (ع) - فی وصیته لابنه الحسین (ع) - یا بنی اوصیک... بالعمل فی النشاط و الکسل؛... تورا سفارش می‌کنم به... کار کردن (و عبادت) در حال سرزندگی و کسالت. (همان، ح ۱۴۲۹۹)

۴. امام صادق (ع): إياك أن تفرض على نفسك فريضة فتفارقها إني عسى هلالا؛ مبدا عملی را بر خود لازم گردانی و تا دوازده ماه از آن دست برداری. (همان، ص ۴۰۶۲، ح ۱۴۳۰۳)

۵. قَالَ رَبِّ التَّيَجُّنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ... [يوسف] گفت پروردگارا زندان برای من دوست‌داشتنی‌تر است از آنچه مرا به آن می‌خوانند. (یوسف، آیه ۳۳).

- دست‌یابی به قلبی توحید در الوهیت، هنگام انجام عبادات؛
- دقت و تلاش مریبان برای پیگیری روش‌های تربیتی در ساحت عبادت که به شادابی، نشاط و لذت از عبادات بیانجامد؛
- پرورش مهارت تحمل سختی و تکلف عبادات؛^۱
- پرورش متربی تا رسیدن به قله دل‌دادگی و عشق و لذت بردن از دشواری‌های عبادت؛
- ایجاد فرصت برای فراغت در عبادات؛
- تشویق به استمرار و ثبات قدم در انجام عبادات و مناسک؛^۲
- تشویق متربی به انجام بهنگام عبادات؛
- ترغیب متربی برای اهتمام به نماز اول وقت و به جماعت؛
- اهتمام نسبت به انجام مستحبات و ترک مکروهات؛
- پیراسته‌سازی متربی از افراط و تفریط در انجام عبادات و مناسک.

۳-۱-۳-۲ تربیت اخلاقی

اخلاق و تربیت اخلاقی از محورهای اصلی مورد توجه در هدایت‌های قرآنی است. از این رو در قرآن کریم، آیات اخلاقی به مراتب بیش‌تر از آیات احکام است و معمولاً قصص قرآنی نیز، صبغه اخلاقی دارند. براین اساس، در نظام تربیت اسلامی، تربیت اخلاقی از مهم‌ترین، حساس‌ترین و زیربنایی‌ترین ساحت‌های تربیتی به شمار می‌رود. پیامبر اعظم ﷺ اخلاق را مهم‌ترین هدف رسالت آسمانی خویش می‌داند.^۳

۱. قال الحسين عليه السلام: ما كان في الدنيا أعبدُ من فاطمة عليها السلام كانت تقوم حتى تتورم قدمها؛ در دنیا عابدتر از فاطمه عليها السلام نبود؛ او همواره به عبادت می‌ایستاد تا جایی که قدم‌هایش ورم می‌کرد. (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۷۶)

۲. قال الباقر عليه السلام: ما من شيء أحب إلى الله عزوجل من عمل يداوم عليه وان قل؛ هیچ چیز نزد خداوند عزوجل محبوب‌تر از کاری نیست که بر آن مداومت شود، هر چند اندک باشد. (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۹، ص ۴۰۶، ح ۱۴۲۹۷)؛ الامام علی عليه السلام: قلیل تدوم عليه، أرحى من كثير مملول منه؛ کار (خیر) اندک که بر آن مداومت ورزی، از کار بسیار که از آن خسته شوی، امیدوار کننده‌تر است. (همان، ح ۱۴۳۰۸)

۳. قال رسول الله ﷺ: إنما بُعثت لأقوم مكارم الخلاق. (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۵۱، ح ۳۶۴۷۲) این فرموده‌ی نبوی ﷺ بیانگر دو نکته اصلی است: نکته نخست این‌که اصلی‌ترین هدف بعثت، تتمیم مکارم اخلاقی است و نکته دوم این‌که تلاش‌های تربیتی نبوی، تنها جنبه تکمیلی و تتمیمی دارد.

تلاش‌های تربیتی در این ساحت، نیازمند انسان‌شناسی، شناخت ظرفیت‌ها و هدف آفرینش است. تربیت اخلاقی از نگاه دانشمندان مسلمان، گوهر و محور اصلی تنظیم رفتارها و روابط انسان در همه عرصه‌هاست. از نگاه آنان، تربیت اخلاقی به شکل‌گیری شخصیت یا طبیعت ثانوی آدمیان بازمی‌گردد. پیام این رویکرد آن است که دستاورد تربیت اخلاقی، همانند طبیعت اولیه، می‌تواند امری پایدار و ماندگار باشد. شیوه‌های درونی‌سازی و بیرون‌ریزی (تحلیله و تخلیه) پایه‌های اساسی تربیت اخلاقی است.

همچنین، در فرایند تربیت اخلاقی، دست‌کم از چند دانش دیگر باید یاری جست: کلام اسلامی، عرفان اسلامی، فقه الاخلاق، فقه التریبه، علم النفس فلسفی، علوم تربیتی و روان‌شناسی شخصیت.

مفهوم‌شناسی اخلاق

واژه اخلاق جمع «خُلُق» است. از نظر لغت دو واژه «خَلَق» و «خُلِق» از یک ریشه‌اند، با این تفاوت که خَلَق بر «صفات ظاهری، شکل و هیأت مجسم» و خُلِق بر «صفات و ویژگی‌های درونی» اطلاق می‌شود.^۱

امام علی علیه السلام فرموده‌اند:

خوش خَلْقی، ویژگی نفس و خوش خَلْقی، ویژگی بدن آدمی است.^۲

برپایه این فرموده، واژه «خُلُق» تنها بر شاکله روان آدمی اطلاق شده و در برابر، از ساختار بدنی و ویژگی‌های آفرینشی آن از واژه «خَلَق» استفاده می‌شود.

بنا بر نظر اندیشمندانی نظیر مسکویه رازی و ملامهدی نراقی می‌توان گفت:

اخلاق در اصطلاح، به معنای ملکات یا صفات نفسانی است که باعث انجام کارهایی بدون نیاز به تفکر و اندیشه در انسان می‌شود.^۳

در این تعریف، اخلاق همان «صفات و ملکات نفسانی» است و افعال اخلاقی در حقیقت «آثار ملکات و ظهور و بروز صفات درونی» به‌شمار می‌روند.^۴

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۲۹۷.

۲. قال الامام علی علیه السلام: حُسْنُ الخُلُقِ لِلنَّفْسِ وَ حُسْنُ الخَلْقِ لِلبَدَنِ. (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح ۵۳۵۳)

۳. مسکویه رازی، تهذیب الاخلاق، ص ۱۱؛ ملامهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۶.

۴. از دیدگاه بعضی از فیلسوفان و اخلاق پژوهان، موضوع اخلاق اعم از ملکات و صفات نفسانی است و «همه کارهای ارزشی انسان را

با آنکه اخلاق در نظر دانشمندان به ملکات اخلاقی اختصاص دارد؛ اما در علم اخلاق معمولاً علاوه بر فضایل و رذایل، به رفتارهای اخلاقی اعم از پسندیده و ناپسند پرداخته شده است. به این ترتیب علم اخلاق دانشی است که از صفات و ملکات نفسانی خوب و بد، علل شکل‌گیری، رفتار اختیاری متناسب با آنها، آثار و پیامدها و در نهایت شیوه تحصیل فضایل و زدودن رذایل بحث می‌کند.^۱

تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی، اشاره به روند شکل‌دهی صفات و ملکات شخصیتی در متری دارد. در این فرایند، اختیار، آگاهی و تدریج از پیش‌نیازهای اجتناب‌ناپذیر است. تربیت اخلاقی به جای آن‌که ایجاد صفات و ملکات باشد، فراهم‌آوری امکانات و شرایط رشد و شکوفایی قابلیت‌های فطری است. از نگاه روان‌شناسی، این فرایند باید سه بعد شخصیت آدمی، یعنی ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری را مورد توجه قرار دهد.

همچنین روشن شد که تربیت اخلاقی دو قلمرو را پوشش می‌دهد؛ قلمرو اول منجر به شناسایی فضایل و رذایل نفسانی، ارزش‌ها و خاستگاه شکل‌گیری و درونی شدن این ارزش‌ها می‌شود و قلمرو دوم که به اخلاق عملی موصوف است، فرد را به منش و شخصیتی می‌رساند که وی را در اصلاح و تنظیم روابط و رفتارهایش با خود، خدا و جامعه یاری می‌دهد.

که متصف به خوب و بد می‌شوند و می‌توانند برای نفس انسانی کمالی را فراهم آورند یا موجب پیدایش رذیلت و نقصی در نفس شوند، در برمی‌گیرد». استاد آیت‌الله مصباح یزدی چنین دیدگاهی را اتخاذ کرده و اظهار داشته که «قرآن کریم و روایات نیز این سخن را تأیید می‌کنند». طبق این اصطلاح، اخلاق شامل «ملکات و حالات نفسانی و افعالی می‌شود که رنگ ارزشی داشته باشند». (رک: مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش محمد حسین اسکندری، ج ۱، ص ۲۴۱: ۲۴۰)

۱. رک: طوسی، اخلاق ناصری، ص ۴۸؛ ملامهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۶: ۲۷ و دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه، اخلاق اسلامی (جلد اول، آداب بندگی)، ص ۳ و ۴.

واژگان مشابه (تزکیه و ادب)

در راستای فهم واژه اخلاق، باید به گستره واژگان مشابه (مانند تزکیه و ادب) نیز توجه کرد:

تزکیه

تزکیه از ریشه «زک و» به معنای رشد و نمودر امور مادی و معنوی آمده است. این واژه هنگامی که در مورد تزکیه انسان و قوای نفس به کار می‌رود، دو جنبه پیدا می‌کند: ۱. تصفیه نفس از صفات ناپسند؛ ۲. آرایش نفس به خصلت‌های پسندیده اخلاقی.^۱ در مصطلح برخی از عالمان اخلاق، منظور از تزکیه یا خودسازی، پاکیزه نگه داشتن نفس برای رشد و سعادت ابدی است.^۲

ادب

اصل واژه ادب، به معنای «دعا (فراخواندن)» می‌باشد؛ زیرا ادب، ادب‌آموز را به امور پسندیده فراخوانده و از امور ناپسند باز می‌دارد.^۳

در تبیین معنای اصطلاحی ادب نیز باید گفت: ملکات اخلاقی اموری درونی هستند و در مقام عمل به اشکال مختلفی می‌توانند بروز پیدا کنند؛ اما همه آنها از لحاظ نیکویی، زیبایی و ظرافت، وضعیت یکسانی ندارند، به‌عبارت‌دیگر اخلاق پسندیده در قالب نیکو ادب گفته می‌شود. بنابراین ادب یک عمل، ظرافت‌ها و زیبایی‌های آن عمل است؛ یعنی هیأت نیکویی که شایسته است رفتار مطابق آن باشد.^۴ این خصلت‌های شایسته موجب حُسن یا کمال فعل می‌شوند.

البته این معنا از ادب تنها در افعال مشروع تحقق دارد؛ وقتی در باب آداب سخن می‌گوییم یعنی اصل عمل را توصیه می‌کنیم و یا دست‌کم روا می‌شماریم؛ بنابراین در اعمال شنیع یا ممنوع مانند می‌گساری، تجاوزگری، خیانت و دروغ، ادب معنا ندارد. همچنین روشن است که این معنا تنها در جایی است که یک عمل را بتوان به گونه‌های مختلفی - زشت و زیبا،

۱. مصطفوی، التحقیق فی کلمات قرآن کریم، ماده «زک و».

۲. مصباح یزدی، به سوی خودسازی، ص ۲۱.

۳. «وَالْأَدَبُ الَّذِي يَتَأَدَّبُ بِهِ الْأَدِيبُ مِنَ النَّاسِ، سُمِّيَ أَدَبًا لِأَنَّهُ يَأْدُبُ النَّاسَ الَّذِينَ يَتَعَلَّمُونَهِ إِلَى الْمُحَامِدِ وَبِنَهَامٍ عَنِ الْمُقَابِحِ يُأْدِبُهُمْ أَيْ يَدْعُوهُمْ، وَأَصْلُ الْأَدَبِ الدَّعَاءُ»، (زهري، تهذيب اللغة، ج ۱۴، ص ۱۴۷).

۴. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۶، ص ۲۵۶.

کامل و ناقص - انجام داد.^۱

مقایسه اخلاق و آداب

موضوع «اخلاق» براساس تعریفی که بیان شد عبارت است از: ملکات نفسانی، در حالی که «آداب» مربوط به رفتار ظاهری و جوارحی انسان و در حقیقت تجلی ملکات اخلاقی است. اخلاق، زیبایی جان و آداب، زیبایی فعل است.

«اخلاق» شامل همه ملکات نفسانی - اعم از رذیله و پست و نیز فاضله و نیک - است در حالی که «آداب» تنها ناظر به ابعاد مثبت رفتار انسانی بوده و در رفتارهای ممنوع یا مذموم، به کار نمی‌رود. بنابراین آدابی مانند ادب حسد ورزیدن، ادب تکبر و یا ادب دروغ‌گویی وجود ندارد. «آداب» ناظر به شیوه‌های صحیح و زیبای ابراز ملکات اخلاقی است، از این رو به هر نوع تجلی رفتاری مبتنی بر فضایل، ادب گفته نمی‌شود. مثلاً ملکاتی نظیر تواضع، احترام به دیگران، محبت به افراد و... می‌توانند هم به شکل معمولی و عادی و هم به شکلی زیبا و دلپسند ابراز شوند. گاهی نیز ابراز آن به صورت معمولی نوعی توهین به مخاطب محسوب شده یا موجب برداشت نادرست دیگران از رفتارهای متواضعانه یا دوستانه انسان می‌شود. شرایط مؤدبانه و غیرمؤدبانه بودن رفتارها در موقعیت‌های مختلف در علم آداب مورد بررسی قرار می‌گیرد. مثلاً تواضع در برابر کودکان به شکل کرنش و تعظیم نادرست است؛ در چنین مواردی سلام کردن به آنها بهترین شکل تواضع است؛ در حالی که سلام کردن به اساتید یا بزرگان دین، اساساً تواضع محسوب نمی‌شود یا حداقل دیگران چنین برداشتی نخواهند داشت؛ در چنین مواردی بوسیدن دست آنها می‌تواند تواضع محسوب شود. به این ترتیب، تواضع مؤدبانه، شکل خاصی از تواضع است که هم حاصل ابراز ملکه تواضع می‌باشد و هم باعث برانگیخته شدن تحسین و احترام دیگران می‌شود.

آداب، عینیت یافتن بیرونی اخلاق است و گاهی نیز مصادیق متنوع جایگزین پذیر دارد. یعنی هرگز نباید از اخلاق صرف نظر کرد و همواره باید بدان ملتزم بود. اما از برخی آداب

۱. ر-ک: دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه، اخلاق اسلامی (جلد اول، آداب بندگی)، ص ۴ و ۵.

می‌توان به شرط جایگزینی، دست برداشت.^۱ به این ترتیب گزاره‌های حاکی از رفتارهای ارزشی فرازمانی و فرامکانی، ناظر به اخلاق و گزاره‌های حاکی از رفتارهای ارزشی زمان‌مند و مکان‌مند، ناظر به آداب هستند.^۲

نکته مهم اینکه صرف متغیر بودن آداب به معنای به رسمیت شناختن هر نوع ادبی از دیدگاه اسلام نیست؛ زیرا اسلام نسبت به برخی از آداب، توصیه‌های خاصی داشته و از مسلمانان خواسته تا بر اساس آن توصیه‌ها با یکدیگر رفتار کنند. مانند توصیه به سلام در اولین مواجهه به جای رفتارهای دیگر، نیز نهی از تعظیم و به سجده افتادن در برابر دیگران.

مهم‌ترین وظیفه رفتاری هراسانی، انجام فرمان پروردگار است و مهم‌ترین فرمان‌های خدا، دستورات الزامی یعنی واجبات و محرمات هستند. بنابراین انجام واجبات و ترک محرمات اولین، مهم‌ترین و مؤثرترین اقدام در رسیدن به کمال و سعادت انسانی است و تا پایان عمر هیچ جایگزینی برای آن نمی‌توان یافت. سایر اعمال مطلوب، رفتارهای نیکویی هستند و یا به تعبیر دیگر، آداب مستحب یا آداب خوب هستند و در تراحم میان آن‌ها و سایر وظیفه‌های مهم بندگی، بی‌تردید حق تقدم با الزامات دینی و واجب و حرام الهی است.

التزام به واجب و حرام موجب تقرب به خداست (قرب فرایض) و البته در رتبه بعد از آن، نوبت به رعایت آداب مستحب و غیرالزامی می‌رسد (قرب نوافل). رعایت آداب اسلامی عمل ما را زیباتر، پسندیده‌تر، دل‌پذیرتر و ظریف‌تر می‌نماید.^۳

اهمیت آداب اسلامی

۱. آداب اسلامی نماد ظاهری اسلام

آداب اسلامی نماد ظاهری اسلام است. مسلمان بودن با هر رفتاری سازگار نیست؛ یعنی وقتی به ارزش‌های اسلامی سر تسلیم فرود می‌آوریم، دیگر هرگونه رفتار ظاهری را نمی‌توانیم

۱. این تفاوت نظیر تفاوت میان اصول و روش‌ها است. اصول و روش‌ها هر دو از مقوله باید‌ها هستند. اما اصول را همواره باید پاس داشت در حالی که روش‌ها ضمن این که همه درست‌اند قابلیت جایگزینی دارند؛ یعنی می‌توان از یکی با دیگری دست برداشت.

۲. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۲۸۱؛ فتحعلی‌خانی، محمد، آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، ج ۱، ص ۴۰.

۳. رک: دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه، اخلاق اسلامی (جلد اول، آداب بندگی)، ص ۵ - ۷.

برای خود انتخاب کنیم. آداب اسلامی آن گونه ظاهری است که با اعتقادات و ارزش‌های اسلامی سازگار است و بروز بیرونی توحید، تسلیم در برابر خدا و بندگی اوست. چگونگی رفتار ظاهری ما نمادی است از نوع تفکر و علاقه ما است. این جلوه‌های ظاهری که از ما سر می‌زند به نوعی ما را به دیگران - و حتی به خود - می‌شناساند؛ احوال درونی ما را آشکار می‌سازد و باور و پسند ما را می‌نمایاند؛ برای نمونه پیراهن مشکی شیعیان در ایام عزای اهل بیت:، عشق و علاقه عمومی آن‌ها را به خاندان پیامبر ﷺ و اعتقاد آن‌ها را به این فرهنگ بیان می‌کند. از این رو این احوال ظاهری اگر میان کسانی مشترک باشد نشان از همفکری و قربت آنان دارد و اگر در ظواهر افراد و نوع زندگی آنان تفاوتی باشد، می‌توان حدس زد که در نگاه و ارزش‌های آنان نیز احتمالاً تفاوتی وجود دارد.^۱

در مقابل، استفاده از آداب و نمادهایی که متعلق به فرهنگ باطل است، تبلیغ و تقویت آن فرهنگ و اعلام حیات و حضور آن در جامعه است. در حقیقت شخص با استفاده از این آداب، عضویت خود را در آن اندیشه و وفاداری خود را نسبت به آن اعلام می‌کند و سیاهی لشکر آن محسوب می‌شود.^۲ از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که به امت خود سفارش می‌فرمودند:

ولا تشبهوا بالیهود^۳؛

ظاهر خود را مانند قوم یهود مگردانید.

۲. نقش مؤثر آداب در رشد ارزش‌های اخلاقی

از ثمرات مهم تأدب به آداب، رشد ارزش‌های انسانی است. به طور کلی تأدب به آداب اجتماعی باعث ایجاد روابط پایدارتر، عمیق‌تر، صمیمی‌تر، شیرین‌تر و مؤثرتر میان افراد جامعه می‌گردد. مثلاً سلام سرآغاز الفت و محبت است. اگر این ادب را از میان برداریم زمینه بسیاری از پیوندهای اجتماعی برداشته خواهد شد.^۴

۱. در این باره رک: حداد عادل، غلامعلی؛ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۰.

۲. رک: عالم‌زاده نوری، محمد؛ لباس روحانیت؛ چراها و بایدها، ص ۹ تا ۲۰.

۳. شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۰.

۴. رک: شریفی، احمدحسین، همیشه بهار.

تأدب به هریک از آداب، انسان را در نظر دیگران، زیبا و آراسته می‌کند؛ گویی انسان با تأدب به هرادبی، لباسی جدید برتن می‌کند؛ امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

الآداب حلل مجددة؛

آداب، زیورهای نو-جان و تن-است.

به این ترتیب تأدب به آداب، دیگران را جذب می‌کند و بستر خوبی برای الگوسازی عملی، امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه فراهم می‌سازد.

انسان از راه تأدب به آداب پسندیده، ارزشی بالاتر پیدا می‌کند و مورد احترام قرار می‌گیرد؛ همین امر باعث می‌شود که در معرض مسئولیت‌های بزرگ‌تری قرار گیرد. در حالی که به قول امام علی علیه السلام انسان خالی از ادب و بازیگوش به ریاست نمی‌رسد؛

لَا يَرَأْسُ مَنْ خَلَا عَنِ الْأَدَبِ وَ صَبَا إِلَى اللَّعْبِ.^۲

به ریاست نمی‌رسد کسی که از ادب بی‌بهره باشد و شیفته باز می‌شود.

۳. ارتباط آداب با آرمان‌ها

بی‌شک کسی که به دنبال هدف مشخصی است نمی‌تواند نسبت به آداب زندگی بی‌اعتنا باشد. اگر هدفی در زندگی برای فردی جدی شود، به صورت طبیعی آداب متناسب با خود را بر او الزام می‌کند؛ یعنی التزامات رفتاری و انضباط خاصی را پدید می‌آورد.

آداب اسلامی، سبک زندگی و انضباط رفتاری‌ای است که در جهت آرمان عالی عبودیت قرار دارد. کسی که عبودیت و بندگی خدا را مقصد حیات خود می‌بیند، نمی‌تواند نسبت به سبک زندگی خود بی‌اعتنا باشد؛ بلکه همه‌شؤون زندگی خود از نماز و عبادت تا کسب و کار و تحصیل و تفریح و معاشرت و بهداشت و خوراک و معماری و هنر و سخن گفتن و تولید و مصرف و آراستگی ظاهری و... را در مسیر بندگی او قرار می‌دهد؛ یعنی همه‌جزئیات زندگی خود را صبغۀ الهی می‌بخشد. مسلمان نه فقط در مسجد که در خانه و بازار و کلاس درس و مدرسه و محل کار و خیابان عبد است و برای هر عملی نخست به رضای خدا می‌اندیشد.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۵.

۲. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم، ح ۵۰۹۶.

او می‌تواند هرکاری را به شیوه‌های مختلفی انجام دهد؛ اما از میان همه آن‌ها، شیوه‌ای را که بندگی در آن موج می‌زند و بیشترین هماهنگی را با دستیابی به قرب الهی داشته باشد، در زندگی فردی و اجتماعی خود برمی‌گزیند.

اسلامی بودن آداب و توحیدی بودن شیوه زندگی به این معناست که سبک زندگی بستر ساز «عبودیت الهی» در حیات انسانی باشد. به قول علامه طباطبایی رحمته الله: ادب الهی، انجام عمل بر هیأت توحید است.^۱ به این ترتیب آداب اسلامی عمدتاً آداب بندگی است؛ یعنی جلوه‌های ظاهری عبودیت، و تصویر توحید در ظواهر انسان.^۲

هدف نهایی تربیت اخلاقی

هدف نهایی تربیت اخلاقی عبارت است از: پیراسته شدن از زشتی رذایل و ضد ارزش‌های اخلاقی و آراسته شدن به زیور فضایل و ارزش‌های اخلاقی که باید هماهنگ با هدف غایی نظام تربیتی اسلام (قرب الی الله و خداگونگی) باشد.

اهداف میانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، تربیت اخلاقی دو هدف اصلی را دنبال می‌کند:

۱. شناخت مهارت‌افزای رذایل و فضایل نفسانی و ارزش‌ها و خاستگاه شکل‌گیری و درونی شدن آن‌ها در مرتبی؛
۲. اصلاح و تنظیم روابط و رفتارهای مرتبی با خود، خدا، دیگران و محیط (که البته در اینجا از اخلاق زیست محیطی بحث نخواهد شد).

هدف میانی ۱: شناخت رذایل و فضایل نفسانی

- آشنایی با آداب اسلامی؛
- آشنایی با زئی طلبگی؛
- آشنایی با حیات صنفی طلبگی؛

۱. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۲۵۸.

۲. رک: دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه، اخلاق اسلامی (جلد اول، آداب بندگی)، ص ۹، ۱۷.

- شناخت مهارت‌افزای رذایل اخلاقی و گناهان کبیره؛
 - آشنایی با اخلاق اسلامی؛
 - آشنایی با مهارت خودمهارگری (مهار غرائز و عواطف)؛
 - آشنایی با روش‌های تمرین و کسب مهارت صبر و توکل؛
 - آشنایی با روش‌های تمرین و کسب مهارت‌های خودکاو (محاسبه نفس)؛
 - شناخت جایگاه لباس روحانیت و نقش آن در رشد اخلاقی طلاب؛
 - آشنایی با روش‌های تمرین و کسب مهارت شکر و رضا؛
 - آشنایی با آسیب‌ها و رذایل اخلاقی مربوط به ارتباط انسان با خود و پیش‌گیری، مهار و رفع آن‌ها؛
 - شناخت مهارت‌افزای توقف در شبهات (ورع)؛
 - آشنایی با آسیب‌ها و رذایل اخلاقی مربوط به ارتباط انسان با خدا و پیش‌گیری، مهار و رفع آن‌ها؛
 - آشنایی با آسیب‌ها و رذایل اخلاقی مربوط به ارتباط انسان با دیگران و پیش‌گیری، مهار و رفع آن‌ها.
- هدف میانی ۲: اصلاح و تنظیم روابط و رفتارهای متربی با خود، خدا و دیگران

الف) رابطه با خدا (اخلاق بندگی)

✓ بینشی:

- شناخت خدا و شناخت رابطه خداوند با مخلوقات؛
- شناخت انبیاء و ائمه علیهم‌السلام؛
- شناخت معاد.

✓ گرایشی:

- ایمان به خدا؛
- ایمان به غیب؛
- محبت و عشق به خدا؛
- خوش‌گمان بودن به خدا؛
- امید به خدا؛

- خوف و خشیت در برابر عظمت او؛
- تسلیم در برابر احکام الهی؛
- رضایت از خدا؛
- خضوع و خشوع در برابر او؛
- شرمساری و پشیمانی از گناه؛
- احساس فقر و نیاز به خدا.

✓ رفتاری:

۱. تقوای الهی؛
 ۲. ترک محرّمات و انجام واجبات الهی (تقوا)؛
 ۳. اهتمام به انجام مستحبات و ترک مکروهات؛
 ۴. توقف در شبهات (ورع).
- بندگی محض در برابر خدا؛
 - پیروی از اولیای خدا؛
 - توجه به خدا و یاد او در همه حال؛
 - صبر بر مصیبت، معصیت و طاعت؛
 - ترجیح دادن رضایت الهی بر خواسته‌های نفسانی و رضایت دیگران؛
 - شرکت فعال در مراسم عبادی و مساجد؛
 - انس با قرآن و روایات.
- (ب) رابطه با خود (اخلاق فردی)

✓ بینشی:

- شناخت حقیقت وجود خود و کمال آن (خودشناسی)؛
- شناخت جایگاه انسان در نظام آفرینش؛
- شناخت بعد الهی و کرامت انسان؛

- شناخت غایت و هدف خلقت انسان؛
- شناخت اهمیت و فرصت استثنایی زندگی؛
- شناخت جایگاه و نقش خود با توجه به ویژگی‌های شخصی مثل جنسیت، امتیازها و کمبودها؛
- آشنایی با شیوه‌های حفظ، سلامت و نشاط و تقویت جسم و روح.

✓ گزایشی:

- توجه به خویش جهت تزکیه و رشد معنوی و الهی؛
- گزایش به کمال حقیقی خود (قرب)؛
- گزایش به کمالات برتر مثل رضایت الهی؛
- احساس عزت نفس؛
- حفظ و تقویت گزایش حقیقت‌جویی؛
- پرورش حس زیبایی‌شناسی و زیبایی‌خواهی؛
- علاقه به دین حق، انگیزه کافی برای یادگیری وظایف دینی و عمل به آن؛
- انگیزه کافی برای حفظ سلامت و تقویت تن و روان و رفع موانع آن.

✓ رفتاری:

- پرورش قوه تعقل و تفکر مثل تمرین‌های عملی حل مسأله؛
- رفتار براساس سیره و زندگی معصومان علیهم‌السلام و بزرگان؛
- رعایت اعتدال و تلاش مستمر برای خودسازی؛
- تقویت همت و اراده؛
- رعایت نظم و برنامه‌ریزی؛
- پرهیز از شتاب‌زدگی و اتخاذ تصمیمات نسنجیده؛
- رعایت و حفظ شأن خود؛
- اهتمام به سلامت و نشاط، حفظ بهداشت و تقویت تن و روان و پرهیز از سستی و تنبلی؛
- ایجاد روحیه صبر و مقاومت در برابر شداید و مشکلات و تلاش برای رفع آن‌ها؛

• پرورش احساس تعهد و مسؤولیت در برابر خدا و خلق خدا.

(ج) رابطه با دیگران (اخلاق اجتماعی)

بینشی (معرفت اجتماعی)

فرایند تربیت اجتماعی در نظام تربیتی اسلام در نخستین گام، مریبان را بر آن می‌دارد که متریبان را به ضرورت زندگی اجتماعی و برکات هم‌گرایی در زندگی جمعی آشنا کنند. توجه به حقوق و وظایف جمعی و برکات داد و ستد در بستر زندگی اجتماعی از جمله پیش‌نیازهای رساندن متریبان به بینش و معرفت اجتماعی است. این مهم در گرو فهم فرصت‌ها و چالش‌های اجتناب‌ناپذیر در زندگی اجتماعی است. فراوانی آموزه‌ها و بایدهای اسلامی در باب رفتارها و روابط اجتماعی به دست‌دهنده اولویت و اهمیت زندگی اجتماعی و دست‌یابی به معرفت آن است. هم‌چنین حضور امدادهای الهی و دریافت رحمت و عنایت خدای متعال در بستر زندگی اجتماعی در گرو فهم ضرورت و اهمیت زندگی جمعی و پایبندی به آن است. روایاتی مانند «ید الله مع الجماعة»^۱ بر این حقیقت مهم اشاره دارد.

دست‌یابی به معرفت اجتماعی در گرو به کارگیری اصول و روش‌های زیر است:

۱. لزوم آشنایی با ضرورت زندگی اجتماعی

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- آشناسازی متریبان با آیات و روایات مربوط به اهمیت زندگی جمعی؛
- آشناسازی متریبان با آیات و روایات مربوط به نفی رُهبانیت و عزلت‌گزینی؛
- آشناسازی متریبان نسبت به دشواری‌ها و آسیب‌های ناشی از زندگی انفرادی و عزلت‌گونه؛
- آشناسازی متریبان با فرایند برآورده شدن نیازهای آدمی در بستر زندگی جمعی.

۲. لزوم آشنایی با فرصت‌ها و تهدیدهای زندگی اجتماعی

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- آشناسازی متریبان با آیات و روایات مربوط به تعالی و انحطاط جوامع؛
- آشناسازی متریبان با فرصت‌های مادی و معنوی در زندگی جمعی؛
- آشناسازی متریبان با تزاخم و تنازع‌های ناشی از دست‌یابی به منافع در زندگی جمعی؛
- آشناسازی متریبان نسبت به دشواری‌ها و ناهنجاری‌های زندگی اجتماعی (چشم‌پوشی از فردگرایی در دست‌یابی به منافع و التزام به قانون‌مداری)؛
- آشناسازی متریبان با گروه‌های اجتماعی سالم و ناسالم و آسیب‌های اجتماعی؛
- آشناسازی متریبان نسبت به چگونگی بهره‌وری از امکانات برآمده از زندگی اجتماعی؛
- آشناسازی متریبان با فرصت‌های بهره‌گیری یا عبرت‌گیری از الگوهای موفق و ناموفق جامعه؛
- آشناسازی متریبان نسبت به برکات اجتماعی حضور اولیای الهی علیهم‌السلام و متقیان در رفع عذاب‌های آسمانی و جذب رحمت الهی؛^۱
- آشناسازی متریبان با فرصت‌های فعالیت‌های جمعی و پرهیزدادن آن‌ها از گوشه‌گیری و فعالیت‌های فردی؛
- آشناسازی متریبان با پیوستگی عزت و شوکت انسان با زندگی جمعی؛
- آشناسازی متریبان با فرصت‌های زندگی اجتماعی برای انجام عبادات جمعی و ایجاد مراکز عبادی؛
- آشناسازی متریبی نسبت به شکوه و تأثیر عبادات اجتماعی، همانند حج، نمازهای عید فطر و عید قربان، نمازهای جمعه و جماعات؛

۱. وَأَتَّقُوا فِتْنَةً لِّأَصْبِحَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد، بترسید و بدانید که خدا سخت‌کیفر است. (انفال، آیه ۲۵)

۲. وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَعْجِلُونَ؛ خداوند، تا تو در میان آن‌ها هستی آن‌ها را مجازات نخواهد کرد، و (نیز) تا استغفار می‌کنند خدا عذابشان نمی‌کند. (انفال، آیه ۳۳)؛ علی بن موسی الرضا علیه‌السلام به زکریا بن آدم فرمود: ای زکریا این کار را نکن و از قم مهاجرت ننما؛ زیرا خداوند به واسطه وجود تو بلا و عذاب را از خاندان تو و اهل قم دفع می‌کند چنان‌چه به وجود پدرم بلا را از اهل بغداد دور ساخته است. (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۲۷۸)

• شناساسازی متریبیان با انحرافات و بزهکاری‌های موجود در زندگی اجتماعی.

۳. لزوم آشنایی با حقوق و وظایف زندگی جمعی

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

• شناساسازی متریبیان با تضایف و درهم تنیدگی حق و وظیفه در زندگی اجتماعی (دو سویه بودن حق داری و وظیفه مندی)؛

• شناساسازی متریبیان با طبقه بندی چندگانه حقوق (حق الله و حق پیامبر ﷺ و امام ﷺ، حق الناس در طبقات گوناگون آن، حقوق حیوانات، محیط زیست، مکان‌های دینی و عمومی و...)

• شناساسازی متریبیان با انواع حقوق اجتماعی در نظام حقوقی اسلام (همانند حقوق پیامبر و امامان معصوم ﷺ، حقوق والدین، فرزندان، خویشاوندان سببی و نسبی، همسایگان، بزرگ‌ترها، معلمان، امامان جماعت، دوستان، خدمت‌رسانان، مسلمانان، اقلیت‌های دینی و...)

• شناساسازی متریبیان با طیف‌های گوناگون صاحبان حقوق (حق داران) و انواع حقوق آنان از راه شناساسازی آنان با رساله حقوق امام سجاد ﷺ؛

• شناساسازی متریبیان با حقوق متقابل مردم و حکومت؛

• شناساسازی متریبیان با الگوهای حق مدار انسانی و اسلامی؛

• شناساسازی متریبیان با حق‌گریزان و پیامدهای حق‌گریزی؛

• شناساسازی متریبیان با باورها، ارزش‌ها و آداب و سنن اجتماعی اسلام؛

• شناساسازی متریبیان با باورها، ارزش‌ها، رسوم و مظاهر اجتماعی معارض و راه‌های مقابله با آن‌ها؛

• شناساسازی متریبیان با علوم و فنون مختلف و مهارت‌های زندگی با توجه به توانمندی‌ها و علاقه فردی و نیازهای جامعه؛

• شناساسازی متریبیان با قوانین و مقررات اجتماعی و بین‌المللی.

✓ گرایش:

• گرایش به باورها و ارزش‌ها و آداب و سنن فرهنگی اجتماعی اسلامی در برابر خرافات و بدعت‌ها؛

• احساس مسئولیت در برابر رفتار و منش نادرست دیگران؛

- گرایش عمومی به مطالعه و تحقیق؛
- انگیزه کافی برای ورود به عرصه‌های تخصصی با در نظر گرفتن اولویت‌های فردی و اجتماعی؛
- علاقه به برقراری روابط سازنده با دیگران؛
- تقویت حس تعاون و همیاری و خدمت‌رسانی به دیگران؛
- احساس مودت و اخوت با مؤمنان و نفرت نسبت به دشمنان اسلام؛
- گرایش نداشتن به امور نامتناسب با شئون اجتماعی.

✓ رفتاری:

- نقش آفرینی در تعظیم شعائر دینی؛
- مشارکت فعال و سازنده در فعالیت‌های اجتماعی سالم؛
- نقش آفرینی تربیتی و اخلاقی در جامعه؛
- جانب‌داری آگاهانه و عمومی از باورها و ارزش‌ها و سنن اصیل اسلامی؛
- افتخار به مفاخر اسلامی و بزرگان دین؛
- اصلاح جامعه از طریق نظارت بر رفتار دیگران بدون تجسس نابجا؛
- ارتقای سطح دانش و فرهنگ عمومی؛
- التزام عملی به قوانین و مقررات اجتماعی اسلام؛
- تبعیت نکردن از باورها و ارزش‌ها و بدعت‌های مخالف اسلام؛
- رعایت حق و عدالت اجتماعی ستم‌ستیزی و ستم‌ناپذیری؛
- انضباط اجتماعی رعایت قوانین و مقررات و پرهیز از قانون‌گریزی؛
- احترام به دیگران بویژه والدین و حق‌داران و رعایت حقوق آن‌ها؛
- دفاع از حقوق دیگران؛
- عمل به مسئولیت‌های اجتماعی با توجه به نقش و کارکرد خود در جامعه؛
- کار خود را بر عهده دیگران نگذاشتن؛
- انتخاب شغل با لحاظ اولویت براساس ویژگی‌های ذاتی، تخصص، وظایف و علاقه فرد و

نیازها و امکانات جامعه؛

- داشتن تعهد و وجدان کاری؛
- حسن معاشرت با دیگران؛
- رعایت ادب و عفت در گفتار و رفتار؛
- امانت‌داری و وفای به عهد؛
- دلسوزی، خیرخواهی، کمک به دیگران، ایثار و فداکاری؛
- پذیرش عذر و عفو و گذشت تاجایی که مفسده نداشته باشد؛
- پرهیز از تجمل‌گرایی و مدپرستی و حرص؛
- رفتار غیورانه با پرهیز از تعصب نابجا.

هدف میانی ۳: نقش آفرینی تربیتی و اخلاقی در جامعه

- برنامه‌ریزی و مشارکت فعالانه طلاب در اردوهای جهادی.

هدف میانی ۴: گسترش شعائر دینی^۱ در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی

- شناخت مهارت‌افزای روش‌های تبلیغی مؤثر؛
- آموزش کیفیت و شیوه‌های صحیح گسترش و نهادینه کردن ارزش‌های الهی و شعائر دینی در خانواده و اجتماع به طلاب؛
- نقش آفرینی در برنامه‌ها و فعالیت‌های مساجد و هیئات مذهبی؛
- مشارکت فعالانه در فراخوان‌های عمومی ملی و مذهبی مثل راهپیمایی روز قدس؛
- حضور مستمر و مؤثر در نمازهای جمعه و جماعت؛
- تبیین آرمان‌های انقلاب اسلامی، پیروی و پشتیبانی از ولی فقیه؛
- اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر در جامعه.

۱. وَمَنْ يُعْظَمْ شُعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ و هر کس نشانه‌های خداوند را تکریم کند، از تقوای قلب‌ها است. (کهف، آیه ۲۱)

۳-۳-۱-۳ ساحت تربیت خانوادگی

مفهوم‌شناسی

خانواده

خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی کوچک در هر فرهنگ و جامعه‌ای معنای خاص خود را دارد. برپایه آموزه‌های اسلامی، خانواده به کانونی گفته می‌شود که دست‌کم یک مرد و یک زن بر اساس قوانین ازدواج کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.

تربیت خانوادگی

چنان‌چه پیش از این گفته شد، تربیت به فرایندی از اقدامات و فعالیت‌ها با هدف شکوفاسازی ظرفیت‌های متربی گفته می‌شود. از این‌رو، افزوده شدن واژه تربیت به خانواده، یعنی تمام مقتضیات و مؤلفه‌های تربیت در چارچوب خانواده و با شاخص‌های خاص آن شکوفا می‌گردد. به بیانی روشن‌تر، تربیت خانواده عبارت است از: مجموع اقدامات زمینه‌سازانه برای تشکیل، تحکیم و تعالی تعاملات و روابط دوسویه اعضای خانواده در چهار سطح روابط زن و شوهر با یکدیگر، والدین با فرزندان، فرزندان با والدین و فرزندان با یکدیگر یا تعاملات احتمالی خانواده با اعضای تأثیرگذار دیگر به ویژه جد و جده (اعضای خانواده نه فامیل).^۱ بنابراین آموزه‌های قرآنی،^۲ آرامش روانی، بقای نسل،^۳ روابط عشق‌آمیز^۴ و سازندگی اخلاقی^۵ از جمله اهداف تشکیل و تربیت خانوادگی است.

۱. در این ساحت، فقط اهل خانه اراده شده است نه فامیل.

۲. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ و از نشانه‌های او این‌که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام‌گیرید و میان‌تان دوستی و رحمت نهاد. آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعا نشانه‌هایی است. (روم، آیه ۲۱)

۳. فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ؛ پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است از خودتان برای شما جفت‌هایی قرار داد و از دام‌ها [نیز] نر و ماده [قرار داد] بدین وسیله شما را بسیار می‌گرداند چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا. (شورا، آیه ۱۱)

۴. روم، آیه ۲۱.

۵. ... أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِنَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِنَاسٍ لَهُنَّ ... آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید. (بقره، آیه ۱۸۷)

در اسلام، تنها مسیر تشکیل خانواده، ازدواج است و با نكوهش زندگی بی‌همسری، شکل‌گیری این کانون مورد تشویق قرار گرفته است. لذت، انس، آلفت، آرامش و جلوگیری از فساد از جمله برکات تشکیل خانواده است که به تشکیل جامعه سالم می‌انجامد. در اسلام تربیت خانوادگی بر تعیین حقوق و وظایف دو سویه والدین و فرزندان می‌چرخد. تأمین نیازهای جنسی، اصلی‌ترین محورگردهمایی زن و شوهر در یک خانواده است که با عرضه آموزه‌های پیرامون آراستگی زن و مرد و آداب آمیزش بهینه محقق می‌گردد. نظام خانواده و تربیت خانوادگی می‌تواند از سوی آسیب‌هایی مورد تهدید قرار گیرد. این آسیب‌ها ممکن است از سوی همسران یا فرزندان یا ناشی از عوامل برون خانواده پدید آید. گذشته از عوامل دخیل در شکل‌گیری خانواده، در اسلام به عواملی نیز اشاره شده است که می‌تواند بنیان خانواده را مستحکم و مستقر کند. محبت، مهرورزی، خوگیری، خودهی، حسن تبعل و حسن قیومیت، احترام متقابل، مدارا، هدیه، سفر خانوادگی، قناعت و غیرت برخی از این عوامل اند.

هدف نهایی

هدف غایی از تربیت خانوادگی طلاب عبارت است از: مدیریت موفقیت‌آمیز روابط خویشاوندی و تشکیل، تحکیم و تعالی روابط اعضای خانواده با یکدیگر (در چهار سطح روابط زن و شوهر با یکدیگر، والدین با فرزندان، فرزندان با والدین و فرزندان با یکدیگر).

اهداف میانی، اصول و روش‌های تربیت خانوادگی

هدف میانی ۱: برقراری ارتباط مؤثر خویشاوندی

طلبه باید از همان اوایل طلبگی در میان بستگان و آشنایان خود در عین حفظ زین طلبگی و شؤونات حوزوی، امین‌ترین، مورد اعتمادترین و مهربان‌ترین باشد و در برقراری روابط میان فردی مؤثر، بیش‌ترین توفیق را داشته باشد. این امر با موفقیت در خودسازی و کسب دانش و مهارت‌های لازم میسر خواهد بود.

اصل ۱: لزوم آشنایی با مدیریت روابط خویشاوندی

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- معرفی الگوهای موفق حوزوی در مدیریت روابط خویشاوندی مطلوب؛
- آموزش مدیریت روابط خانوادگی به طلاب.

اصل ۲: لزوم آشنایی با روش‌های تعامل سازنده میان اعضای خانواده

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- شناسایی متربی با حقوق و وظایف اعضای خانواده (والدین و فرزندان)؛
- شناسایی متربی با شیوه‌های برقراری ارتباط سازنده.

هدف میانی ۲: تشکیل موفقیت آمیز خانواده (ازدواج آگاهانه، بهنگام، آسان و پایدار)

اصل ۱: لزوم آشنایی با فرایند همسرگزینی:

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- شناسایی متربی با اهمیت و قداست ازدواج و خانواده؛
- شناسایی متربی با شرایط و زمان ازدواج (ازدواج بهنگام)؛
- شناسایی متربی با ملاک‌های همسرگزینی؛
- شناسایی متربی با شیوه‌های احراز این معیارها و تصمیم‌گیری.

اصل ۲: لزوم آشنایی با بایدها و نبایدهای دوران عقد و ارتباط با خانواده‌ها

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- بایدها و نبایدهای دوران عقد؛
- مهارت‌های ارتباط با خانواده‌ها.

هدف میانی ۳: تحکیم خانواده

اصل: لزوم آشنایی با مهارت‌های روان‌شناختی زندگی مشترک

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- آشناسازی متربی با مهارت برقراری ارتباط مؤثر؛
- آشناسازی متربی با مهارت حل تعارض؛
- آشناسازی متربی با تفاوت‌های زن و مرد؛
- آشناسازی متربی با مهارت مدیریت خشم؛
- آشناسازی متربی با مهارت مدیریت اقتصادی خانواده.

هدف میانی ۴: تربیت صحیح فرزندان

اصل: لزوم آشنایی با اهمیت فرزندآوری و فرزندپروری

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- آشناسازی متربی با زمان و شرایط فرزندآوری؛
- آشناسازی متربی با اصول و فنون و چالش‌های فرزندپروری.

هدف میانی ۵: تعالی خانواده (حاکمیت روابط اخلاقی پایدار بین زوجین)

اصل ۱: لزوم آشنایی با مهارت‌های اخلاقی و تربیتی زندگی مشترک

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- تبیین جایگاه تربیتی خانواده‌های روحانیون و تأثیرپذیری مردم از آنان؛
- آشناسازی متربی با راهکارهای ایجاد اخلاق و معنویت در خانواده؛
- آشناسازی متربی با سیره خانوادگی بزرگان دین (معصومین علیهم‌السلام و علمای ربانی).

اصل ۲: لزوم پابندی خانواده به باورها و ارزش‌های الهی

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- مشارکت دادن اعضای خانواده در برنامه‌های مذهبی عمومی مثل نماز جمعه و جماعت، هیأت‌های مذهبی، سفر به مشهد مشرفه و...؛
- راه‌اندازی سفرهای زیارتی-سیاحتی خانوادگی.

اصل ۳: لزوم ایجاد فضای معنوی در خانه و خانواده

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- تشویق به تلاوت روزانه قرآن، حدیث خوانی و ادعیه به صورت فردی و جمعی توسط اعضای خانواده؛
- برگزاری مراسم مذهبی در اعیاد و وفیات در منزل؛
- همراه کردن میهمانی‌ها با بیان آموزه‌های دینی، خواندن روایات و دعای سفره و... .

اصل ۴: لزوم حاکمیت امانت، وفای به عهد و صداقت در تنظیم روابط

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- پرهیز از دورخ هرچند به شوخی در خانه؛
- مسؤولیت دهی به اندازه توانایی و تعدیل انتظارات از یکدیگر؛
- بازگذاشتن راه توجیه و بازگشت برای فرد لغزیده؛
- تغافل از لغزش‌ها و اشتباهات یکدیگر؛
- تشویق به رازداری و تمجید از آن؛
- تغییر دادن موضوع اختلاف و منعطف کردن توجهات به موضوع غیر چالشی.

اصل ۵: لزوم رشد و ارتقاء معرفتی همسران و فرزندان طلاب

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- تدوین متون آموزشی، جزوه و بروشور؛

- برگزاری کلاس؛
- برگزاری جلسات درس اخلاق به صورت خانوادگی؛
- طراحی و برگزاری دوره‌های آموزش معارف اسلامی برای همسران طلاب؛
- برنامه‌های تربیتی آموزشی ویژه فرزندان طلاب؛
- برگزاری هیئت‌های مذهبی خانوادگی؛
- برگزاری مسابقات فرهنگی تربیتی خانواده؛
- برگزاری اردوهای فرهنگی و تربیتی خانواده.

هدف میانی ۶: آگاهی بخشی و مصونیت بخشی خانواده نسبت به آسیب‌ها

اصل: لزوم آشنایی با آسیب‌های خانواده

شیوه‌های اجرایی نمودن آن:

- شناساسازی متربی با آسیب‌های روابط همسران؛
- شناساسازی متربی با آسیب‌های مربوط به فرزندان؛
- شناساسازی متربی با راهکارهای پیشگیری از این آسیب‌ها.

۲-۳ ترسیم سیمای طلبه مطلوب^۱

این بخش در پی ترسیم سیمای آرمانی طلبه و مطلوبیت‌هایی است که طلبه با تلاش و پیگیری باید در جان خود محقق سازد. این که «طلبه مطلوب» چه ویژگی‌ها، برخورداری‌ها و دارایی‌هایی دارد؟ تیپ ایده‌آل طلبه چگونه است؟ بهترین وضعیت‌هایی که یک طلبه می‌تواند در آن قرار داشته باشد چیست و عالی‌ترین مرتبه‌ای که برای او- به عنوان یک طلبه رسالت‌مند- تصور می‌شود کجاست؟ طلبه موفق، کامل و نمونه کیست؟

طلبه مطلوب یک شخصیت جامع چند بعدی است که لایه‌های متعددی با نسبت‌های مشخص در وجود او نقش گرفته است و برای دست‌یابی به الگوی متعالی شخصیت او به

۱. بخش زیادی از مباحث این بخش، از نوشته‌های فاضل‌گرامی حجت‌الاسلام محمد عالم‌زاده نوری تلخیص و اقتباس شده است و همین‌جا از ایشان کمال تشکر را داریم.

یک نگاه سیستمی و منظومه‌ای نیاز است.

برای مشاهده سیمای طلبه موفق دو زاویه نگاه وجود دارد؛ یکی طلبه موفق در نهایت و دیگری طلبه موفق در مسیر. به بیان دیگر ایده‌آل‌های عالم طلبگی را دو گونه می‌توان بیان کرد؛ ایده‌آل‌های مقصد و ایده‌آل‌های حرکت. یا به مقصد نظر می‌کنیم و طلبه را بر قله می‌بینیم یا از دامنه تا به قله، خطی می‌نگاریم که طلبه در کوتاه‌ترین زمان و به بهترین صورت از آن عبور کند و به همه مطلوبیت‌ها برسد.

در نگاه اول طلبه موفق را پس از پایان دوره رشد و تحصیل و رسیدن به کمال سنی خود مثلاً در حدود ۴۰ سالگی تصویر می‌کنیم و همه مطلوبیت‌ها را در وجود او بالفعل می‌بینیم. این تصویر، تصویر روحانی رشیدی است که اکنون به بهترین صورت آماده ایفای نقش حوزوی و خدمت‌گزاری فرهنگی به جامعه است و برترین استانداردها را دارا است.

در نگاه دوم طلبه موفق را در میانه مسیر رصد می‌کنیم و سیمای حرکت به سمت موفقیت و خط تحول او به سوی آن آینده مطلوب را تصویر می‌کنیم؛ یعنی مطلوبیت‌ها را بالقوه در وجود او می‌بینیم و موفقیت او را در پیمودن مسیر موفقیت می‌نمایانیم. این تصویر، تصویر طلبه‌ای است که در سبیل نجات قرار گرفته و در حال کسب آمادگی‌های لازم برای ایفای رسالت طلبگی به بهترین صورت است.

این فصل از نظام‌نامه به نگاه اول اختصاص دارد و بنای ترسیم اهداف را نهاده است، اما نمی‌توان انکار کرد که در مواردی از این بنای اولیه برتافته و به حوزه نگاه دوم نیز راه یافته است.

بهره‌های بحث

توجه به سیمای طلبه نمونه، احساس تعهد ما را افزایش می‌دهد و انرژی مضاعفی می‌بخشد. شاید هیچ عامل دیگری مانند نظر دوختن به قله و مرور عظمت والای آن در انگیزش انسان نقش نداشته باشد و شوق و طراوت نیافریند.

مربی اگر به خوبی بداند که محصول نهایی چیست، شوق بیش‌تری نسبت به آن پیدا می‌کند. مربی نیز در صورتی که هدف روشن باشد بهتر برانگیخته می‌شود. اگر طرح و نقشه ما و تصویر آینده‌ای که به دست ما ساخته می‌شود معلوم نباشد مربی اعتماد نمی‌کند و

همواره اسیر دلهره است. اما روشن بینی نسبت به نقطه هدف، او را به یک بهجت فطری وا می‌دارد؛ زیرا هدف‌های این مسیر را مطالبه جان خود می‌بیند. همواره تلاشی که همراه با روشن بینی نسبت به اهداف باشد، مشتاقانه تراز تلاشی است که از روی تکلیف محض و به امید مبهم رسیدن به چیزی خوب است.

تعریف طلبه کامل، به زندگی طلبه معنا می‌بخشد و او را آینده‌نگر و آرمان‌گرا بار می‌آورد و آرزوهای او را از سطح آرزوهای روزمره به آرمان‌های متعالی ارتقا می‌بخشد.

این تلاش به طبقه‌بندی شخصیت‌های روحانی و مرتبه‌بندی الگوهای موجود نیز کمک خواهد کرد. از آن پس طلبه در انتخاب الگو برای حرکت آینده خود موفق‌تر خواهد بود و با بینش روشن خواهد توانست بهره خود را از تأسی به شخصیت‌های موجود تنظیم کند. یعنی بهتر خواهد دانست که چه کسی را الگو، پیشوا و مقتدای طلبگی خود بشناسد و به سوی او حرکت کند و از چه کسی به بهره‌های پراکنده اکتفا کند.

وقتی سیمای طلبه مطلوب به روشنی ترسیم شود، دستگاه اولویت‌ها و حساسیت‌ها نیز تغییر خواهد کرد و مسیر دغدغه‌های اصلی و فرعی متفاوت خواهد گشت. چه بسا دغدغه‌ای که زمانی در صدر نشسته بود با نظر به نقطه نهایی تنزل یابد و از ناحیه آن، مرکز ثقل حساسیت‌ها جابه‌جا گردد. این سیمای آرمانی کمیت و کیفیت فعالیت‌های طلبگی را معلوم خواهد ساخت و معیاری برای تشخیص خوب و خوب‌تر خواهد بود؛ هر پدیده یا عنصری که به تحقق آن سیمای آرمانی بیش‌تر و بهتریاری رساند، ضریب اولویت برتری کسب می‌کند و اهمیت و ارزش بیش‌تری می‌یابد؛ و هرچه که این‌گونه نباشد از طومار فعالیت‌های مجاز، حذف خواهد شد.

بنابراین، تصویر این چهره نهایی، آرزوی طلبه را مشخص می‌کند. الگوی او را نمایان می‌سازد. برنامه‌های زندگی و نظام اولویت‌های او را سامان می‌بخشد. مسیر حرکت او را معین می‌گرداند، به همه فعالیت‌های او جهت و منطق می‌دهد و نیز ارزیابی از آنان را آسان و دقیق می‌سازد.

۳-۲-۱ پیشینه موضوع

بحث از اهداف تربیت و کمالات انسان را در منابع مختلفی می‌توان سراغ گرفت. در صدر همه منابع، قرآن کریم، روایات معصومین علیهم‌السلام (از جمله صفات الشیعه، صفات المؤمن، ویژگی‌های عالمان دین، اوصاف یاران امام عصر علیه‌السلام)، حدیث جنود عقل و جهل، زیارت جامعه و... و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام قرار دارد. علاوه بر این، همه کتاب‌های اخلاقی به صورت عام در مقام تبیین اهداف تربیت هستند. بحث انسان کامل-در کتاب‌های عرفانی یا غیرآن- به بیان اهداف تربیت اختصاص دارد. در شاخه روان‌شناسی کمال نیز این موضوع با رویکرد تجربی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین شرح زندگی‌نامه بزرگان و بررسی حیات انسان‌های موفق (اصحاب ائمه اطهار علیهم‌السلام)، علمای بزرگ، مردان بزرگ تاریخ) ارتکاز ما را از مفهوم موفقیت به تفصیل می‌کشد و توجه ما را به ویژگی‌های مطلوب جلب می‌کند. البته باید توجه داشت که مقتضیات تاریخی، عصری و مکانی در ترسیم سیمای طلبه مطلوب باید مورد توجه قرار گیرد. طلبه ایده آل امروز با طلبه ۵۰۰ سال پیش قطعاً تفاوت‌هایی دارد. شرایط زندگی در عصر جدید برای اصول ثابت اخلاقی مصادیق تازه‌ای ایجاد کرده و نظام اولویت‌های تربیتی را دست‌خوش تغییراتی ساخته است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و وظیفه سنگین مبارزه با طاغوت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین‌المللی و تلاش برای بنای تمدن عظیم اسلامی که حقیقت «انتظار» در آن جلوه می‌کند طلبه امروز را با طلبه پیش از انقلاب به مراتب و سطوحی متفاوت ساخته و قطعاً می‌توان پیش‌بینی کرد که صبغه غالب و وجهه اصلی تربیت طلبه در عصرانتظار، پس از نهضت اسلامی و درگیری جهانی، با پیش از آن فاصله دارد.

با این نگاه می‌توان پیش‌بینی کرد که روزه روز برفهرست مطلوبیت‌ها افزوده و استانداردهای سخت‌گیرانه‌تری بر رفتار و برنامه طلبه حاکم می‌شود؛ یعنی شرایط نوین و پدید آمدن ضرورت‌ها، مهارت‌ها، دانش‌ها و ابزارهای جدید، طالب توجهات تازه‌ای است که اگر بنا باشد با همه جزئیات و به صورت دقیق بیان شود، جدول استانداردها و نیازهای طلاب به صورت تصاعدی گسترده خواهد شد. ناگزیر در این نوشته به خلاصه‌ترین و کوچک‌ترین

مدل باید اکتفا کرد. اما این توصیه‌های کلی به صورت یک سخت‌هسته اصلی، باید الگوی کلان موفقیت طلبه را عرضه کند و قابلیت حفظ جامعیت شخصیت طلبه را پس از سرشکن شدن به جزئیات نیز داشته باشد.

بنای این اثر ترسیم سیمای طلبه مطلوب است و در آن باید و نبایدهای مربوط به شأن صنفی طلبه بررسی شده است. ویژگی‌های طلبه مطلوب بردو قسم است: برخی از آنان به حیثیت انسانی او مرتبط است یعنی «طلبه؛ بما آنه انسان» واجد آن است و برخی به حیثیت طلبگی او مربوط است یعنی «طلبه؛ بما آنه طلبه» بدان آراسته است.

طلبه پیش از آن که طلبه باشد انسان است و بیش از آن که یک طلبه خوب باشد باید یک آدم خوب باشد. طلبه مطلوب با انسان مطلوب تفاوت دارد؛ زیرا در آن قید طلبگی نیز در نظر گرفته شده و علاوه بر همه مطلوبیت‌هایی که یک انسان مؤمن غیر طلبه باید داشته باشد، برخورداری‌های ویژه یک طلبه ایده‌آل نیز باید برای او بیان شود. به تعبیر دیگر مطلوبیت‌های شأن طلبگی متفرع بر شأن انسانیت و ایمان او است.

مطلوبیت‌های انسانی، ربطی به طلبه بودن فرد ندارد و او در همه حال -پیش از طلبگی، پس از طلبگی، ضمن طلبگی، حتی اگر طلبه نمی‌شد، یا از طلبگی انصراف می‌داد- می‌باید به آن ملتزم باشد. اما مطلوبیت‌های طلبگی ویژگی‌هایی است که فرد از آن جا که طلبه است باید به آن‌ها ملتزم گردد و اگر ملتزم نشود ممکن است آدم خوبی باشد اما طلبه خوبی نیست. بدین ترتیب این نوشتار کاملاً با هویت صنفی طلبه پیوند خورده و ویژگی‌هایی را که در تعریف طلبه اخذ شده و هویت صنفی او را تقویت می‌کند (یعنی طلبه را طلبه‌تر می‌کند!) می‌کاود.

سؤال این است که:

مطلوبیت‌های یک طلبه و برخورداری‌های ویژه‌ای که هرچه بیش‌تر داشته باشد، طلبگی او کامل‌تر خواهد شد، کدام است؟

حوزه تأثیر طلبه چگونه گسترش می‌یابد و طلبگی او چگونه پرثمرتر می‌شود؟

این نکته نیز گفتنی است که ویژگی‌های صنفی یک طلبه دو گونه است؛ یک بار در حد نصاب فراهم آمده، یعنی به مقداری است که اگر از آن کمتر می‌بود، صدق عنوان طلبه

مختلف از هم می‌شود. طلبه از میان همه نقش‌های اجتماعی طلبگی را برگزیده است. لایه دوم را دارایی‌های اساسی طلبه می‌نامیم که مرتبط با طلبگی او است و قوام صنفی او به شمار می‌رود. یعنی اموری که اگر طلبه از آن‌ها محروم باشد، عنوان طلبه بر او صادق نیست، هر چند در لایه اول انسان خوبی باشد. طلبه در این سطح با همه طلبه‌های دیگر مشترک است. پس از تأمین این لایه، طلبگی تثبیت شده و عنوان روحانی بر او صادق است.

لایه سوم دارایی‌های خاص است. این دارایی‌ها مرتبط با تخصص طلبه است. یعنی اگر طلبه از آن محروم باشد متخصص نیست و از او کارآیی ویژه‌ای انتظار نمی‌رود هر چند در لایه دوم طلبه خوبی باشد. تخصص ترکیب دانایی و توانایی است که موجب نفوذ و تأثیرگذاری اجتماعی می‌گردد. هرچه تخصص بیش‌تر باشد کارآمدی طلبه در حوزه تخصصی افزون‌تر است. تنوع این دارایی‌های خاص موجب تمایز طلاب از یک‌دیگر می‌شود. یعنی تیپ‌های تخصصی مختلفی میان طلاب پدید می‌آورد.

طلبه باید این هر سه را به صورت موازی دنبال کند. یعنی از طرفی دارایی‌های بنیادین خود را تقویت کند و انسانیت و معنویت خود را فربه سازد، از سوی دیگر طلبگی خود را تقویت کند و از سوی سوم تخصصی فراهم آورد و کارآمدی خود را افزایش بخشد.

در یک نگاه سازمانی، نظام تعلیم و تربیت حوزه نیز این هر سه را به صورت موازی باید دنبال کند. اول این که طلبه را در دارایی‌های بنیادین خود تقویت کند و انسانیت و معنویت او را فربه سازد. دوم این که حد نصاب‌های طلبگی را برای همه طلاب تحت پوشش خود بلااستثنا فراهم آورد، یعنی دارایی‌های اساسی را به همه طلاب بدهد. سوم این که با نظریه نیازهای متنوع اجتماعی، تخصص‌های مختلفی در سطح کلان حوزه پدید آورد. یعنی هر طلبه را دست کم در یک موضوع خاص مجهز سازد به گونه‌ای که از جمع همه تخصص‌ها کل نیازهای متنوع اجتماعی پوشش داده شود.

این اثر در صدد بیان دارایی‌های سطح اول نیست؛ ویژگی‌های مطلوب انسانی را در بحث انسان کامل باید دنبال کرد. در صدد بیان دارایی‌های سطح سوم هم نیست، یعنی بنای استقصای انواع تخصص‌ها و شرایط و لوازم هر یک را ندارد. این اثربیش‌تر به دارایی‌های

اساسی طلبه یعنی دارایی‌های سطح دو نظر دارد و از دو سطح دیگر تنها به قدر نیاز کاوش می‌کند. به بیان دیگر این جا سخن از طلبه مطلوب است، نه انسان مطلوب و نه مفسر مطلوب یا محقق مطلوب یا مبلغ مطلوب.

۳-۲-۳ جامعیت

شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین ارزش‌های انسانی، جامعیت و اعتدال شخصیت است. چه بسا برای اثبات این موضوع نیازی به دلیل نباشد و مانند بسیاری از بدیهیات، تصور آن به تصدیق بینجامد. توجه کنیم که انسان موجودی دارای ابعاد مختلف است، لفظ «انسان» نیز حقیقتاً برهیت ترکیبی آن اجزا اطلاق می‌گردد و اطلاق آن به برخی از اجزا قطعاً مجازی است، بنابراین رشد برخی از ابعاد شخصیت را نمی‌توان رشد انسان دانست.

از سوی دیگر ارزش‌های انسانی متعددند و اثبات یکی به معنای نفی دیگری نیست. مثلاً اگر تهذیب نفس یک ارزش است، خدمت به جامعه نیز یک ارزش است. روا نیست که تهذیب نفس منجر به دست برداشتن از خدمات اجتماعی شود یا خدمات اجتماعی تحت الشعاع اهمیت تهذیب نفس فراموش گردد؛ زیرا سیمای جامع و معتدل انسان از بین خواهد رفت. وقتی گفته می‌شود «شیر» ماده غذایی لازم و پرخالصیتی است، نباید برنامه غذایی خود را در سه نوبت صبحانه و ناهار و شام، همه‌اش شیر قرار دهیم! رژیم غذایی ما زمانی کامل است که مشتمل بر همه مواد غذایی لازم باشد. شیرماده غذایی لازمی هست اما تنها ماده غذایی لازم نیست. ابعاد شخصیتی طلبه و ارزش‌های لازم در وجود او متعددند؛ یعنی عنوان طلبه به صورت حقیقی بر کسی اطلاق می‌شود که مجموعه‌ای از این ارزش‌ها را داشته باشد و از دست دادن برخی از این ارزش‌ها صدق عنوان طلبه را مخدوش کند. بنابراین تمام آنچه که به عنوان ابعاد شخصیتی و ارزش‌ها و مطلوبیت‌های یک طلبه جامع در نظر گرفته می‌شود قید «وجوب» دارد. یک طلبه موفق به حکم مسلمانی باید در زندگی فردی، در روابط خانوادگی و در ارتباطات اجتماعی موفق باشد و به حکم طلبگی باید در همه شئون صنفی خود رشید باشد و هیچ یک را به پای دیگری فدا نکند.

به این ترتیب طلبه موفق، طلبه‌ای نیست که در کوتاه‌ترین زمان، بیش‌ترین مواد درسی را به

بالاترین کیفیت بخواند، زیرا علاوه بر دروس رسمی حوزه دانش‌ها، توانمندی‌ها، آگاهی‌ها، صفات و برخورداری‌های دیگری نیز برای طلبه لازم است که آن گونه درس خواندن ممکن است مانع از تحصیل آن‌ها شود.

بلکه طلبه موفق طلبه‌ای است که رشد جامع، هماهنگ، متناسب، متوازن و خوش‌قواره‌ای داشته و همه عناصر لازم در تعریف طلبه را دست کم به اندازه نصاب، در شخصیت خود فراهم آورده باشد. بنابراین برای کشف صورت مطلوب طلبه لازم است ابتدا حد نصاب شرایط طلبگی یعنی همه ویژگی‌هایی که نبودن آن صدق عنوان طلبه را مخدوش می‌کند کشف شود. این فهرست، شناسه طلبه در صورت حداقلی آن است. آنگاه تقویت این ویژگی‌ها موجب تقویت صدق عنوان طلبه خواهد شد و طلبه را کارآمدتر و موفق‌تر خواهد ساخت. عنوان طلبه موفق یک عنوان مشکک و دارای مراتب است؛ یعنی هر چه ویژگی‌های طلبگی در یک طلبه بیش‌تر باشد موفق‌تر خواهد بود. اگر این حد نصاب‌ها در شخصیت طلبه شکل گرفته باشد صورت‌های متعددی از ترکیب سطوح مختلف بالاتر از حد نصاب می‌توان برای طلبه فرض کرد.

تذکر: منظور از رشد جامع این نیست که طلبه ضمن این که با آیات و روایات و علوم حوزوی آشنا می‌شود بر هنر، علوم تجربی، مهندسی، دانش‌های فنی و همه انواع ورزش‌ها نیز تسلط پیدا کند؛ زیرا هیچ یک از این علوم یا مهارت‌ها در اطلاق وصف طلبه بر او دخالت ندارد. به بیان دیگر، رشد همه‌جانبه را باید ناظر به اهداف و رسالت‌های صنفی روحانیت قرار دهیم و از طلبه انتظار داشته باشیم همه شئونی را که در ایفای موفق نقش اجتماعی او مؤثر است، کسب کرده باشد.

همچنین مراد از رشد جامع، جامعیت تخصصی طلبه در علوم حوزوی نیست، یعنی نباید گمان کرد که طلبه برای رشد جامع لازم است که در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی صاحب نظر و مجتهد باشد. با گسترش دانش‌های حوزوی این صورت هم امکان وقوع ندارد و کسی که بخواهد با یک دست بیش از یک هندوانه بردارد هیچ یک را به منزل نخواهد رساند. نظام تقسیم کار و توزیع نقش اجتماعی دقیقاً به خاطر همین واقعیت شکل گرفته است.

۴-۲-۳ مطلوبیت الگوهای متفاوت

تأکید بر جامعیت و اعتدال شخصیت نباید این ذهنیت را پدید آورد که تیپ ایده‌آل طلبه تنها در یک الگوی خاص قابل تحقق است. یعنی طلبه مطلوب تنها یک صورت و یک تیپ دارد و مدل جامع طلبه تنها بر یک الگو قابل صدق است. خیر، تیپ‌های متفاوتی از طلبه‌ها را می‌توان موفق دانست. به صورتی که این تفاوت‌ها به خوبی و برتری آنان آسیبی وارد نیاورد. البته ناگزیر همه این نمونه‌های موفق و ایده‌آل در عناصری اشتراک دارند.

راز این مطلب چنین است که گرچه شرط لازم برای مطلوبیت شخصیت طلبه، اعتدال و توازن او است اما صورت و قالب این توازن ممکن است متفاوت باشد. در شخصیت کامل تناسب آن اجزا و عناصر «به طور تقریبی» حفظ می‌گردد. کلمه «به طور تقریبی» اهمیت فراوانی در این جمله دارد؛ زیرا در یک زمینه مشخص و برای رسیدن به یک هدف معین، بیش از یک طرح و برنامه می‌توان ارائه داد. مثلاً برای ساختن یک منزل مسکونی در زمینی مشخص، بر اساس سلیقه‌های مختلف، نقشه‌های متعددی می‌توان کشید. هیچ یک از این نقشه‌ها ترجیح قطعی بردیگری ندارد و همه، زیبا و کامل طراحی شده‌اند. کامل بودن نقشه‌ها در این است که:

۱. همه اجزای لازم برای یک واحد مسکونی در آن‌ها یافت شود؛

۲. نسبت میان اجزا به طور تقریبی محفوظ ماند.

وجود «حمام» در منازل مسکونی ضروری است و نبودن آن نوعی کاستی در طراحی نقشه به شمار می‌رود. مساحت آن هم به طور تقریبی روشن است. مثلاً نباید از اتاق پذیرایی و حیاط، بزرگ‌تر یا از یک متر مربع کوچک‌تر باشد. با این اطلاعات می‌توان حمام را در هر گوشه زمین پیش‌بینی کرد، به شرطی که در ترکیب کلی، تناسب با برهم نخورد. در طراحی اندام انسان، وجود همه اعضا ضروری است. نبودن هریک از اندام‌ها نوعی معلولیت است. اندازه چشم و گوش و دهان، فواصل میان اعضا و نسبت‌های کلی هم، به طور تقریبی رعایت شده است. کم و زیاد شدن این اندازه‌ها تا حدودی امکان‌پذیر است و موجب اختلاف شکل انسان‌ها می‌شود. اما اگر این اندازه‌ها و نسبت‌ها یک‌باره برهم خورد، آن‌چه به دست

می‌آید، پدیدهٔ دهشتناکی است!

شخصیت یک طلبه هم عناصری ضروری دارد که با نسبت‌های تقریباً مشخصی باید در کنار هم قرار داده شوند. نبودن هریک از آن عناصر یا برهم خوردن شدید نسبت‌ها، طرح‌نهایی را غیرقابل تحمل و ناقص می‌نماید، گرچه کم و زیاد شدن اندک اندازه‌ها و نسبت‌ها، دست ما را برای طراحی‌های مختلف و نتایج متفاوت باز می‌گذارد. به بیان دیگر تشخیص اولویت‌ها در طراحی‌های کلی برنامه-باتوجه به اهداف و انتظارات-امکان‌پذیر است. ولی این بدان معنی نیست که برای رسیدن به هدف تنها یک طرح بتوان ارائه داد و جایگاه قطعی مشخص یا اندازه واحدی برای هر فعالیت بتوان تعریف کرد.

به بیان دیگر نوعی قابلیت انعطاف و جابجایی، متناسب با سلیقه‌های مختلف وجود دارد که شرط اعمال آن پاسداری از تمام عناصر در حد نصاب و حفظ اندازه‌ها و نسبت‌های کلی است. حفظ ارزش‌های اصلی در سطح کلی و ترجیح سلیقه‌مند اندازه‌ها در سطح جزئی موجب تنوع شخصیت‌های مطلوب می‌گردد.

اختلاف یا تعارض پاره‌ای از ویژگی‌ها در شخصیت‌های حوزوی موفق که برای برخی از طلاب سرگردانی آفریده، براساس همین موضوع قابل تحلیل است. بافت کلی شخصیت یا برنامه کاری بسیاری از حوزویان موفق با یک‌دیگر متفاوت است و به همین جهت از آن‌ها تیپ‌های شخصیتی متفاوت با حساسیت‌ها و توانایی‌های دیگرگون و آثار وجودی مختلف پدید آمده است. این چگونگی اولاً قابل فهم و توجیه است، ثانیاً نباید موجب سرگردانی شود، بلکه باید به آن به چشم یک نعمت نگریست.

تبیین و توضیح آن چنین است:

الف. زمینه‌های اولیه‌ای که فراروی این بزرگان بوده، تنوع فراوانی داشته است. امکانات مالی، شرایط خانوادگی، هوش و استعداد و توانایی‌های ذاتی، تربیت محیطی و حساسیت تاریخی و... از مقدرات انسان و خارج از حوزه اختیار او است. این بهره‌های وجودی در برنامه‌ریزی تأثیر فراوانی دارد. وجه مشترک همه این بزرگان، استفاده بهینه از سرمایه‌ها و دارایی‌های خدادادی است. اما معلوم نیست بهره‌های اولیه آنان در یک سطح بوده باشد.

ب. برفرض تساوی کامل بهره‌های اولیه، سلیقه برنامه‌ریزی هریک از آنان ممکن است متفاوت باشد. دواصل جامعیت و توازن شاه‌کلید گشودن این معما است. هریک از این بزرگان براساس سلیقه و تشخیص خود برنامه‌ای تنظیم کرده و به‌خوبی به آن ملتزم بوده است. اگر فرض کنیم که این برنامه واجد شرایط جامعیت و توازن باشد، یعنی نصاب همه عناصر مورد نیاز در آن وجود داشته باشد مطلوب است. هرچند محصول نهایی این طراحی‌ها متفاوت باشد.

همین دواصل که بر برنامه‌های فعالیت‌های انسان حکومت می‌کند، در صفات شخصیتی نیز جاری است. فضایل انسانی، مراتب طولی بسیاری دارد. داشتن حد نصاب آن فضایل، لازم و کسب بیش‌تر از آن فضل است. هر انسانی برای رشد اخلاقی خود باید حد نصاب سخاوت، شجاعت، ایثار، زهد، نظم، حضور اجتماعی و... را داشته باشد. شمایل نهایی انسان‌های متخلق، حاصل ترکیب مراتب مختلف این صفات با یکدیگر است که چون خانه‌ی خالی نداشته و از حد نصاب نیز پایین‌ترین نیست، مورد اعتراض قرار نمی‌گیرد و صد در صد محترم است. اما ممکن است در ترکیب نهایی، شخصیت یکی، مطلوب‌تر از دیگران شده باشد. الگوی عمل ما طبیعتاً، کامل‌ترین و سلیقه‌مندترین ترکیب خواهد بود، چه آن ترکیب در وجود یک شخص، متمثل و مجسم شده باشد و چه آمیخته‌ای از چند شخصیت باشد. مشروط بر این که امکانات اولیه پی‌گیری آن مدل را داشته باشیم.

ج. بعضی از بزرگان در شرایط تربیتی ویژه خود، پاره‌ای از ضرورت‌ها را درک نکرده، یا درک کرده ولی مقدورشان نبوده است و این عدم‌آشنایی نه از سرتقصیر، که قصور و ناتوانی طبیعی بوده است. مثلاً ممکن است ضرورت توجه به ورزش یا تغذیه مناسب، برای آنان روشن نبوده یا امکانات مالی و محیطی اجازه اقدام کامل را نمی‌داده است. در این فرض، عجز یا جهل، عذر موجهی برای آن‌ها بوده و تکلیف را از آنان ساقط کرده است، اما ما که در شرایط بهتری قرار گرفته‌ایم نه تکلیفمان ساقط است و نه عذرمان موجه.

اما این که گفتیم «نظر به اختلاف روش بزرگان نباید موجب سرگردانی شود، بلکه باید نعمت تلقی شود.» به آن جهت است که مشاهده برنامه زندگی این بزرگان و مقایسه آن‌ها باهم بینش

ما را در تدبیر حرکت آینده بسیار بالا می‌برد. مثل مشاهده نقشه‌های مختلف ساختمان‌ها که در طراحی نقشه یک زمین بسیار ایده‌بخش است. به همین جهت مطالعه زندگی و سرگذشت بزرگان همیشه قابل توصیه است.

این تعدد الگوها باعث می‌شود که در تعریف طلبه موفق تنگ نظری نکنیم و سیمای آرمانی طلبه را به وجهی ترسیم نکنیم که بسیاری از طلاب از دایره بیرون افتند یا ناامید شوند. جامعه اسلامی برای کارکردهای متفاوت به تیپ‌های مختلف طلبه نیاز دارد. اختلاف دارایی‌های اولیه و اختلاف علایق و سلیق انسان‌ها به صورت طبیعی این تنوع نیازها را تأمین می‌کند.

۵-۲-۳ تمرکز در مقام تربیت

برخلاف وادی نظر که در آن به جامعیت و کثرت‌گرایی توصیه کردیم، مقام عمل و تربیت عینی، نیازمند تمرکز ذهنی و روانی است. بدون این تمرکز، امکان تحول شخصیت وجود ندارد و اراده‌ای شکل نمی‌گیرد. پراکنده‌کاری و تشتت خاطر مانع تحول پایدار است. تا هنگامی که انسان بر یک موضوع اهتمام نکند و مدت زمانی نسبتاً طولانی بر آن متمرکز نگردد از برکات آن بهره‌مند نمی‌گردد. با این تمرکز، شکاف عمیق میان علم و عمل تا حدودی پر خواهد شد.

بنابراین اگر بخواهیم کسی را تحول بخشیم، نباید یک فهرست بلندبالا از خوبی‌ها و بدی‌ها پیش روی او قرار دهیم و ذهن او را به همه آن فضایل و رذائل معطوف سازیم. بلکه باید هم غم و او را روی یک موضوع تمرکز بخشیم. مربی باید در زمان نسبتاً درازی برای جا انداختن یک صفت، درونی ساختن یک ویژگی یا عادی ساختن یک رفتار بر آن اهتمام کند و به صورت‌های مختلف یا در قالب‌های گوناگون بدان حساسیت نشان دهد. به تعبیر دیگر شخص باید مدت زمان قابل توجهی در حال و هوای آن موضوع اقامت کند و منزل گزیند تا از آن بهره‌برد. اگر این فرایند چند مرحله‌ای مستمر، کامل نشود اثر پایداری پدید نخواهد آمد.

پس نقطه تمرکز فعالیت‌های تربیتی موضوعی است که برای مدتی، روی آن-به امید ایجاد تحولی پایدار- تأکید و تبلیغ ویژه می‌نماییم به صورتی که تمام هم و غم و فکر و ذکر مخاطب، به آن معطوف و ذهن او بدان کاملاً مشغول گردد و در خلوت و جلوت و خواب و بیداری بدان بیندیشد.

این تمرکز نیازمند یک عملیات روانی و یک تبلیغات گسترده در زمینه مورد نظر است تا ذهن و جان شخص به کلی بدان معطوف گردد و پذیرای تحول شود. با یک بار بیل زدن چشمه‌ای نخواهد جوشید. باید این عمل آن قدر تکرار شود تا نتیجه‌ای حاصل آید. این قانون حاصل ضرب دو اصل تدریج و استمرار در تربیت و مبتنی بر نیاز تحول به عمل و زمان است.

اگر گفته شود «در صورت تأکید و تمرکز روی یک نقطه، مخاطب برنامه‌های تربیتی به شخصیتی یک بعدی و تک ساحتی تبدیل می‌شود و از جامعیت شخصیت محروم می‌ماند؛ هیأتی‌های بی‌نماز، نمازخوان‌های بی‌سواد، عالمان غیرمتمقی، متقیان غیرولایی، ولایان ناکارآمد، کارآمدان بی‌اخلاق، افراد خدوم غیرمتدین، خواص بی‌بصیرت و... نمونه‌هایی از این آسیب را می‌نمایانند. این نمونه‌ها-گرچه هرکدام دارای تم شخصیتی متفاوتی هستند- اما همگی از نظر تربیتی علیل و ناتمام به شمار می‌روند. اگر توصیه به تمرکزگرایی در تربیت را جدی بگیریم و تلاش تربیتی خودمان را به یک نقطه کانونی معطوف گردانیم، بیم پدید آمدن چنین موجودات ناقص الخلقه‌ای فراوان می‌گردد!؟»

پاسخ این است که تمرکزگرایی، قاعده تربیت است و بدون ایجاد تمرکز ذهنی و روانی امکان تحول مؤثر در جان انسان‌ها وجود ندارد. بنابراین به صرف این احتمال نمی‌توان دست از ضرورت تمرکز برداشت. اما برای ایمنی از این آسیب باید چاره‌ای اندیشید. مثلاً میان مقام نظر و عمل تفکیک کرد. ابتدا به صورت نظری، سیمای آرمانی و چهره مطلوب یک شخصیت رشد یافته را با تمام ابعاد و نسبت‌ها ترسیم کنیم و همه برخورداری‌های او را مد نظر و غایت عمل قرار دهیم، آنگاه سؤال کنیم که این منظومه ارزش‌ها چگونه در جان یک فرد پدید می‌آید؟ یعنی متربی، به خوبی بر عناصر آن صورت جامع نهایی آگاه باشد و بداند که نداشتن هریک از آن ویژگی‌ها یک کاستی اساسی در شخصیت او به شمار می‌رود اما در مقام عمل، برای درونی شدن و به ثمر نشستن هریک از آن‌ها، به صورت خاص و با برنامه‌ای متمرکز اقدام کند.

بنابراین میان جامع‌نگری نظری و تمرکزگرایی عملی یا جامع‌نگری در مقام تحقیق و تمرکزگرایی در مقام تحول و در فرایند تحقق عینی تربیت جمع شود. این تفکیک باعث

می‌شود که ما از دو آسیب متناظر ایمن گردیم؛ یعنی نه از کسانی باشیم که نیاز به تمرکز در تحول شخصیت را به خوبی دریافته‌اند و روی یک موضوع خاص بسیار متمرکز عمل می‌کنند. اما حاصل کار آنان شخصیت‌های تک بعدی و ناقص‌الخلقه می‌شود! نه از کسانی که متوجه رشد همه جانبه و لزوم جامعیت شخصیت شده‌اند اما از نیاز تربیت به تمرکز غفلت کرده و در هیچ یک از اضلاع تربیت به بهره‌وفی نرسیده‌اند.

۳-۲-۶-۳-۲-۶ مقدمات ترسیم چهره طلبه مطلوب

۳-۲-۶-۱-۳-۲-۶-۱ نظر به چهره‌های مطلوب

با بیان گذشته به دست آمد که درست‌تر آن است به جای چهره طلبه مطلوب، چهره‌های طلبه‌های مطلوب را ترسیم کنیم؛ زیرا مطلوبیت تنها یک مدل ندارد و نمی‌توان یک دستورالعمل کاملاً مشترک را برای آینده همه طلاب موفق ارائه کرد. درست آن است که دستورالعمل‌های متفاوتی متناسب با انواع نیازها و انواع استعدادها و انواع شخصیت‌ها جست‌وجو کنیم. این دستورالعمل‌های متعدد تنها در عناصر اصلی مشترک هستند. بنابراین پیش از پرداختن به عناصر اختصاصی، ابتدا عناصر مشترک همه این الگوها و دستورالعمل‌ها را بررسی می‌کنیم. آنگاه اشاره‌ای به تیپ‌های متفاوت طلبه و عناصر اختصاصی هر یک خواهیم داشت.

بهتر آن است که طلبه مطلوب را ابتدا با اصلی‌ترین و عام‌ترین ویژگی‌ها که قابل اختصار در چند کلمه باشد معرفی کنیم سپس آن عناوین را توسعه بخشیده و شاخه و فروع هر یک را بیان کنیم. هرچه این عناوین خلاصه‌تر باشد و به امهات صفات بسنده کرده باشد مطلوب‌تر است و گرنه ارائه یک باره توده‌ای از ویژگی‌های مثبت، هم مخاطب را خسته و کلافه می‌کند و هم امهات آن را در میان آوار انبوهی از مطالب متفرق، ناپیدا و مدفون می‌سازد. بدین جهت به جای منشورنگاری و توصیه‌های ازهم‌گسیخته، بهتر است که آن ویژگی‌ها را در یک نظام درختی یا هرمی قرار داده و نسبت‌ها و روابط میان کلی و جزئی، اصلی و فرعی، ریشه و شاخه و اهم و مهم را نمایان سازیم.

براین اساس کسانی که خواسته‌اند در کوتاه‌ترین و فشرده‌ترین صورت مطلوبیت‌های دنیای طلبگی را بیان کنند الگوهای متفاوتی ارائه کرده‌اند؛ خلاصه‌ترین الگوها، الگوهای یک کلمه‌ای هستند که مشهورترین آن‌ها، تأکید بر تکلیف محوری و عمل به وظیفه است. براین اساس اگر سؤال شود که طلبه مطلوب چه کسی است؟ پاسخ طلبه‌ای است که به تکلیف خود پای بند باشد و مطابق وظیفه عمل کند.

به نظر می‌رسد این ویژگی با همه ارزش و شهرت، چیزی بیش از تکرار اصل موضوع و مصادره به مطلوب در بر ندارد. سخن دقیقاً در این نکته است که یک طلبه تکلیف محور و وظیفه‌گرا، چه وظایفی بر عهده دارد؟ یعنی اگر طلبه بخواهد بر حسب وظیفه، با مهندسی شخصیت خود به یک سیمای کاملاً مطلوب برسد و در صدف خویش گه‌ری سازد آن صورت مطلوب چیست؟ بحث بر سر عمل به وظیفه نیست؛ سخن در مقام شناخت جامع وظیفه است.

عنوان خودسازی و نیز عنوان بهره‌گیری از فرصت نیز در مقام بیان برخورداری‌های طلبه مطلوب دچار همین اشکال و ابهام است. زیرا این عناوین به قدری کلی است که صورتی در ذهن تصویر نمی‌کند. باز هم سخن در این است که اگر طلبه بخواهد از عمر خود به خوبی بهره‌گیرد و خود را به بهترین صورت بسازد چه باید کند؟

پیشنهاد دیگر برای ترسیم سیمای طلبه مطلوب، عبودیت و بندگی خدای متعال است. مفهوم عبودیت مفهوم سرشار و بسیار پر ظرفیتی است. اگر بتوان در ادامه این الگو، اجزای آن را به خوبی نشان داد و اجمال آن را در ابعاد مختلف شکست چه بسا تاب بیان همه برخورداری‌های طلبه مطلوب را بتوان در آن یافت. اما این مفهوم به همین صورت کلی توقع ما را از سیمای آرمانی طلبه برآورده نمی‌کند.

نوع اساتید به کلیشه رایج علم و تقوا به عنوان دو بال پرواز طلبه استناد کرده و تمام برخورداری‌های یک طلبه آرمانی را در این دو کلمه خلاصه کرده‌اند. در این الگواز علم، صرف و نحو و فقه و اصول و... اراده می‌شود و از تقوا دروغ نگفتن و نماز شب خواندن و... این کلیشه به رغم شهرت فراوان، نه جامع است و نه گویا، هم از این رو محک قاطعی برای ارزیابی طلبه و نیز فعالیت‌های تربیتی مسوولان عرضه نمی‌کند. بله، اگر در مفهوم علم و تقوا توسعه لازم

داده شود و از این انصراف اولیه جلوگیری شود، چه بسا بسیاری از دارایی‌های طلبه مطلوب عرضه شده باشد. اما به هر حال همان مفهوم توسعه یافته باید به زبان گویا تفصیل یابد. کسانی دیگر این دو ویژگی را ناکافی دانسته و الگوی سه‌گانه تحصیل، تهذیب و ورزش را به عنوان اصلی‌ترین مطلوبیت‌های عالم طلبگی پیشنهاد کرده‌اند.

علم و تقوا و بصیرت نیز مدل سه ضلعی معروفی است که با نظر به نیازمندی‌های جامعه اسلامی و لزوم حضور آگاهانه طلبه در صحنه اجتماعی پدید آمده است.^۱ چه بسا از ترکیب این دو مدل، به یک الگوی چهارضلعی مطلوب‌تر بتوان دست یافت که در آن به ابعاد فردی (معرفتی، روحی، جسمی) و اجتماعی توأمان نظر شده است؛ تحصیل، تهذیب، ورزش و بصیرت. ناگفته نماند که در این الگوی چهارضلعی کلیدواژه بصیرت، به شناخت عمیق حوادث اجتماعی اشاره می‌کند اما از بیان عمل و اقدام اجتماعی مناسب-که یکی از ویژگی‌های اصلی طلبه مطلوب است-نارسان است.

کسانی دیگر تمام این ویژگی‌ها را بر چهار محور عقاید، اخلاق، احکام، و آداب سامان بخشیده‌اند. دیگرانی به پیروی از ادبیات قرآنی از دو کلیدواژه ایمان و عمل صالح استفاده کرده و خواسته‌اند سایر ویژگی‌ها را ذیل این دو صفت استخراج کنند. همچنین می‌توان مطابق سامان کتب اخلاقی همه برخورداری‌های طلبه مطلوب را برحسب انواع روابط او به اخلاق فردی، اجتماعی و بندگی تقسیم کرد.

۱ رک: عالم‌زاده نوری، سیمای آرمانی طلبه در نگاه مقام معظم رهبری، فصل اول، جامعیت اخلاقی، علمی و اجتماعی.

۲-۶-۳ شاخصه های طلبه مطلوب از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام

الف. شاخصه های اخلاقی و تربیتی

- خودسازی؛^۱
- اخلاص؛^۲
- تقوا؛^۳

۱. طلبه باید با دعا، با ذکر و با مناجات انس پیدا کند. طلبه باید زندگی خود را یک زندگی دینی محض بکند. طلبه باید دل خود را پاک و صاف کند، تا وقتی در مقابل انوار معرفت و توفیقات الهی قرار گرفت، تالو پیدا کند؛ برادران! بدون اینها نمی شود. ما کسانی را داشتیم که از لحاظ علمی، مراتب بالایی هم داشتند و مغزشان قوی بود؛ اما دل و روحشان ضعیف و آسیب پذیر بود. وقتی این جا آن بنیه معنوی و دینی ساخته نشود، آن جا که پای مقام و امکانات مادی به میان می آید، انسان می لرزد؛ آن جا که پای فداکاری به میان می آید، انسان می لرزد و نمی تواند جلو برود؛ آن وقت چه طور می شود یک ملت و یک مجموعه را هدایت کرد؟ باید عمل کنیم، تا بتوانیم اثر بگذاریم ... (سخنرانی در اجتماع طلاب و فضایی حوزه ی علمیه ی قم، ۱۳۷۰/۱۲/۱)

من توصیه به خشوع و ذکر و تقوا و سعی برای تقرب الی الله را برای طلاب واجب ترمی دادم تا توصیه به علم، که مایه اصلی کارشان علم است. اگر علم باشد، تقوا نباشد، این علم می شود بی فایده، گاهی هم مضر. عالمانی داشتیم - چه علم دینی، چه علم غیر دینی - که نه فقط از این علم بهره ای نبردند و بهره ای نرساندند، بلکه وزر و وبال شد. این روح معنویت در کالبد علم و عالم لازم است. (بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰)

۲. جوانان عزیز! بارها گفتیم که در درجه ی اول، روحیه ی اخلاص و روحیه ی بصیرت است. این اخلاص و بصیرت روی هم اثر می گذارند. هرچه بصیرت شما بیشتر باشد، شما را به اخلاص عمل نزدیک ترمی کند. هرچه مخلصانه تر عمل کنید، خدای متعال بصیرت شما را بیشتر می کند. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛ خدا ولی شماست. هرچه به خدا نزدیک تر شوید، بصیرت شما بیشتر خواهد شد و حقایق را بیشتر می بینید. نور که بود، انسان می تواند واقعیات و حقایق را مشاهده کند. وقتی نور نباشد، انسان واقعیات را هم نمی تواند ببیند؛ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمَاتُ» (بقره/۲۵۷) وقتی طغیان جلوی چشم انسان را بگیرد، وقتی هواهای نفس - که طاغوت حقیقی اند و در وجود خود ما بدتر از فرعونند - جلوی چشم ما را بگیرند، وقتی جاه طلبی ها و حسادت ها و دنیا طلبی ها و هواپرستی ها و شهوترانی ها جلوی چشم ما را بگیرند، واقعیات را هم نمی توانیم مشاهده کنیم. دیدید بعضی ها نتوانستند واقعیات جلوی چشم را ببینند، نتوانستند تشخیص بدهند. در فتنه ی طراحی شده ی پیچیده ی سال ۸۸ حقایق جلوی چشم مردم بود؛ نگذاشتند یک عده ای این حقایق را ببینند، بفهمند؛ ندیدند، نفهمیدند. (بیانات در جمع بسیجیان، ۱۳۸۹/۹/۴)

۳. برادران عزیز! طلاب و فضایی جوان! این بنیه در جوانی شکل می گیرد. در جوانی خودتان را بسازید؛ شما روزگارهای مهم و حساسی را در پیش خواهید داشت. این کشور و این نظام و این نهضت عظیم اسلامی در سطح عالم، به شماها احتیاج خواهد داشت؛ از لحاظ معنوی باید خودتان را بسازید. البته نقشه، نقشه آسانی است؛ اما پیمودنش اراده می خواهد. نقشه، یعنی تقوا؛ تقوا، یعنی پرهیز از گناه؛ یعنی اتیان واجبات و ترک محرّمات؛ کار را با اخلاص انجام دادن و از ریا و فریب دور بودن. برخلاف آنچه که تصور می شود، این کارها در دوران جوانی بسیار آسان تر است؛ به سن ماها که برسید، کار مشکل تر خواهد شد. بنابراین، ارزش تدین، یکی از آن ارزش هاست؛ این ارزش بایستی رعایت شود. نماز شب خواندن، نافله خواندن، دعا خواندن، ذکر گفتن، متوجه خدا بودن، زیارت رفتن، توسل کردن و به مسجد جعفریان رفتن، سازنده است؛ اینها شما را پولادین خواهد کرد. نمی شود یک حوزه ی ایده آل داشته باشیم، درحالی که این چیزها در طلبش نباشد» (بیانات در آغاز درس خارج فقه ۱۳۷۰/۰۶/۳۱)

• معنویت / استفاده از فضای معنوی حوزه؛^۱

• پرهیز از حرص و تورع از حرام؛^۲

• بی‌اعتنائی به دنیا؛^۳

• حفظ منش حوزوی؛

• رعایت زی طلبگی و روحانیت؛^۴

۱. مسأله دیگر در نظام رفتاری و اخلاقی حوزه‌ها، فیض بردن از معنویات است، تهذیب است؛ این خیلی مهم است. جوان امروز حوزه بیش از گذشته به مسأله‌ی تهذیب نیازمند است... (بیانات رهبری در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹) عزیزان من! وقتش حال است. از این فضای معنوی، مواریت و یادگارهای معنوی‌ای که در این فضا انباشته است، استفاده کنید... من از بزرگان حوزه خواهم می‌کنم، درس اخلاق و تهذیب را برای جوانان مستعد، روشن و نورانی - که در این حوزه فراوان هستند - جدی بگیرند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب و روحانیون، مدرسه فیضیه، ۱۳۷۴/۹/۱۶)

۲. ... عالمی که حرص به دنیا داشته باشد مردود است. عالمی که از محرمات اجتناب نداشته باشد، مردود است. نه این‌که عالم نباید از تمتعات زندگی بهره ببرد؛ اما مراتبی هست که انسان در آن مراتب، باید حَقاً و انصافاً از تمتعاتی چشم‌پوشد. علما هم مثل بقیه مردم، باید از تمتعات معمولی زندگی بهره ببرند؛ همان‌گونه که خداوند درباره پیغمبر فرمود: «قل انما انا بشرٌ مثلکم (فصلت، آیه ۶)». اما این دو چیز - حرص به دنیا و عدم توزع از حرام - ممنوع است. این‌که حرص به دنیا در عالم احساس شود - ولو به حسب ظاهر فعل حرامی هم نکند؛ اما همین‌طور از چپ و راست دنبال این باشد که بتواند مال دنیا را جمع کند - ضدِ قدس است. یا این‌که خدای نکرده توزع از حرام نداشته باشد و دیده شود که برایش غیبت کردن آسان است، دروغ گفتن آسان است، و خدای نکرده ارتکاب بعضی از محرمات گوناگون آسان است. پس، این نسل موظف است چه از راه علم و تداوم رشته علمی و پیشرفت علمی و چه از لحاظ حفظ اعتبار تقوایی و قدسی، آبروی اسلاف را حفظ کند. (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۱/۱۱/۲۵)

۳. مسئله تهذیب اخلاق، مسئله ساده‌زیستی، مسئله اعراض از زخارف دنیا را بایستی در حوزه‌های علمیه جدی گرفت... از اول، بنای کار طلبگی بر عسرت و بی‌اعتنائی به زخارف دنیوی بود؛ اما حالا فوراً به فکر بیفتیم که یک ماشین شخصی و یک خانه‌ی کذایی داشته باشیم! البته باید حداقل معیشتی وجود داشته باشد؛ طوری که انسان ذهنش مشغول آن چیزها نباشد و بتواند درسش را راحت بخواند و کار لازم و مورد توقع را انجام بدهد؛ اما این‌طور نباشد که طلبگی هم به چیزی مثل بقیه کارهای دیگری که بعضی می‌کنند - دنبال تجملات و دنبال زخارف و امثال اینها رفتن - تبدیل شود. این عیب خیلی بزرگی است که باید بشدت از آن جلوگیری شود. (بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱)

۴. امروز، اگر روحانیت از زین خود خارج بشود و قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سوءاستفاده بکند و اگر عملی از او سر بزنند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از این‌ها لطمه‌اش غیر قابل جبران است. از این جهت هم، امروز وضع ما روحانیون استثنایی است؛ یعنی با دوره‌ی قبل از انقلاب فرق می‌کند. البته، در دوره‌ی قبل از انقلاب هم، اگر از يك روحانی کاری سر می‌زد، ضایعه بود و به همه‌ی روحانیت سرایت می‌کرد؛ اما امروز چون نظام، نظام اسلامی است و روحانیون مظهر اسلام هستند، ضایعه فقط متوجه جمعی از روحانیون - یا حتی جمع روحانیون - نمی‌شود؛ بلکه ضایعه متوجه اسلام می‌شود و به این زودی هم قابل جبران نخواهد بود. (ماه محرم ۱۱/۰۵/۱۳۶۸)

يك چیز دیگری که در باب روحانیت شرط و لازم است که ما دقیقاً و جداً به آن توجه کنیم، مسأله‌ی حفظ قداست روحانی است. روحانیت دارای قداست است... حفظ قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زین طلبگی است... شأن طلبگی این است که انسان يك زین متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد. (بیانات رهبری در جمع روحانیون استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۷)

- جهادگری؛^۱
- شجاعت؛^۲
- حق‌گرایی؛^۳
- خویشتن‌داری در مقابل گستاخی‌ها؛^۴
- حریت در مقابل ظالمان؛^۵
- استفاده از فرصت جوانی در تهذیب نفس؛^۶

۱. يك مسئله، مسئله ارزش‌ها در حوزه است. طلاب باید ارزش‌هایی را به‌عنوان ارزش‌های ثابت و زوال‌ناپذیر همواره به‌یاد داشته باشند که از جمله آنها، ارزش علم و ارزش جهاد است. ارزش جهاد را دست کم نگیرید. طلبه‌ی جهادگر، طلبه‌ی تلاشگر، طلبه‌ی بسیجی، طلبه‌ای که آماده است تا در میدان‌های خطر حضور پیدا کند، این طلبه است که اگر با ابزار علم مجهز شد، آن وقت دنیایی در مقابل او دیگر تاب نمی‌آورد... نظام حوزه بایستی این ارزش‌ها را رشد بدهد و پیش بیاورد... (سخنرانی در اجتماع طلاب و فضایی حوزه علمیه‌ی قم، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱)؛ حضور طلاب در خدمات‌رسانی به مردم، مدرسه‌سازی، بیمارستان‌سازی، کمک به مردم هنگام حوادث و دیگر عرصه‌ها، نیروهای مردمی را نیز به صحنه می‌آورد و منشأ خدمات خواهد شد. (دیدار با طلاب حوزه‌های علمیه تهران، ۱۳۹۵/۲/۲۵)

۲. شجاعت یعنی چه؟ یعنی از دشمن نترسیم؟ بله! این مرحله‌ای از شجاعت است؛ یک شجاعت بالاتر، این است که از دوست نترسیم! بعضی‌ها از دوست، بیشتر می‌ترسند تا از دشمن! ترس به معنای رودربایستی؛ ترس از اینکه مبادا این دوست، از دست برود. ترس اینکه مبادا این حرف موجب بشود که در مورد من، این‌جور فکر کنند. شجاعت‌ترین شجاعان، آن کسی است که حقیقت، مصلحت و تکلیف را بر توقعات و رودربایستی‌ها مقدم بدارد... اگر در جامعه‌ی مجموعه‌ی روحانیت و علمای دین از این خصوصیات برخوردار باشند، دانش دین را بدانند، از پاراسایی و پرهیزگاری به‌قدر لازم برخوردار باشند، شجاعت لازم را داشته باشند، برای خدا وارد میدان بشوند و عقالانه و مدبرانه کار کنند، هرچه پیشرفت دنیایی آن جامعه بیشتر شود، معنویت او هم به همان میزان پیش خواهد رفت. (دیدار روحانیون و امام جمعه نوشهر، ۱۳۷۸/۲/۲۹)

۳. هر حرکتی که بر اساس داعیه‌ی حق باشد و تلاش و مجاهدت پشت سر آن باشد، آن پیروز خواهد شد. (بیانات در دیدار جمعی از پرستاران، ۱۳۷۶/۶/۱۹)؛ طبیعت عالم این است که حق پیروز می‌شود، به شرط این‌که اهل حق دنبال آن بایستند و مبارزه کنند و برای آن تلاش نمایند. (همان)

۴. باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مأیوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلانی یک چیز لازمی است. (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹)

۵. ما تسلیم ظلم نمی‌شویم. تسلیم زورگویی‌ها و گستاخی‌های وقیحانه‌ی آمریکا و قدرت‌های متحد آمریکا نمی‌شویم. قرآن به ما یاد داده است که حرف حق را با قدرت بزنیم و بر آن پافشاری و اصرار کنیم و نیرویمان را برای آن بسیج نماییم. (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۱۳۷۲/۶/۲۵)

۶. مسأله دیگر در نظام رفتاری و اخلاقی حوزه‌ها، فیض بردن از معنویات است، تهذیب است؛ این خیلی مهم است. جوان امروز حوزه، پیش از گذشته به مسأله‌ی تهذیب نیازمند است. کسانی که رشته‌های رفتارشناسی عمومی را مطالعه می‌کنند و کار می‌کنند، این را تأیید می‌کنند. امروز در همه دنیا این جور است که وضع نظام مادی و فشار مادی و مادیت، جوان‌ها را بی‌حوصله می‌کند؛ جوان‌ها

- حفظ روحیه جوانی؛^۱
- ایمان و امید و ابتکار؛^۲
- اتقان در عمل.^۳

را افسرده می‌کند. در یک چنین وضعی، دستگیر جوان‌ها، توجه به معنویت و اخلاق است. علت این‌که می‌بینید عرفان‌های کاذب رشد پیدا می‌کند و یک عده‌ای طرفشان می‌روند، همین است؛ نیاز هست. جوان ما در حوزه علمیه - جوان طلبه؛ چه دختر، چه پسر- نیازمند تهذیب است. (بیانات در دیدار طلاب، فضلاء و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹)

۱. طلبه باید روحیه جوانی را با همه خصوصیات جوانی حفظ کند... این جوانی، نباید به پیری تبدیل شود. اگر جوان ما ظاهراً و سناً جوان، ولی روحیتاً پیر و بی‌نشاط و بی‌حوصله و بی‌ابتکار و ناامید باشد، بسیار چیز بدی است. طلبه باید منشأ امید و شور و نشاط و تحرك باشد. اگر این‌طور شد، آن وقت طلبه، در صفوف مقدم مسائل انقلاب هم شرکت می‌کند. شرط اصلی صلاح حوزه، این است. (سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۶۹/۱۱/۰۴)

۲. من به همه جوانان و همه‌ی کسانی که در راه علم حرکت می‌کنند، مؤکداً توصیه می‌کنم که رشته علم و تحقیق و نوآوری در دانش و زنده کردن روح ابتکار و خلاقیت و آفرینش درونی و حقیقی خود را رها نکنند. فعالیت و ابتکار و نوآوری و خلاقیت، اساس پیشرفت انسان و زندگی انسانی است. (بیانات در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه، ۱۳۸۴/۲/۱۸)

جوان امروز احتیاج دارد به دین، به تقوا، به علم، به نشاط کار، به امانت، به عفت، به انجام خدمات اجتماعی و به ورزش؛ اینها خصوصیت‌های است که جوان امروز به آن احتیاج دارد. (بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۲/۲۹)

۳. در بیان معارف الهی، معارف اهل بیت، حدیثی که نقل می‌کنیم، داستانی که نقل می‌کنیم، نسبتی که به امام می‌دهیم، معرفتی که می‌خواهیم پایبند آن باشیم؛ در همه‌ی اینها ما باید اتقان را رعایت کنیم. علمای ما این همه در فقه سربیک مسأله‌ی جزئی کوچک کم اهمیت به وثاقت فلان راوی تکیه می‌کنند، اهمیت می‌دهند، بحث می‌کنند، رد و قبول می‌کنند، این راوی مورد قبول است یا نیست؛ برای این‌که بالاخره سند روایت را نتفیح کنند و در بیاورند؛ بگویند این سند، سند درستی است؛ که اگر سند درستی بود، به این روایت بشود اعتماد کرد؛ تا اگر اعتماد کردیم، یک حکم فرعی درجه‌ی سه در باب طهارت یا در باب بقیه‌ی احکام عبادی به دست بیاید. آن‌جا ما این همه اهمیت می‌دهیم؛ چطور در باب معارف و در باب دل‌بستگی‌های فکری و عاطفی، به هر حدیثی، به هر روایتی، به هر حرفی و به هر گفته‌ی اعتماد کنیم؟ این، قابل قبول نیست. اتقان در نقل، اتقان در بیان و اتقان در مستندات آنچه می‌خواهیم به عنوان خوراک فکری به مردم بدهیم، لازم است؛ این یک شرط اساسی است؛ برای این باید فکری کرد؛ کار آسانی هم نیست؛ عرض کردم این کار بسیار مشکل است؛ با یک نشست و برخاست و تذکر و تشکیک یک نهاد درست نمی‌شود؛ یک همت و اراده‌ی جدی از نخبگان روحانی و فضلاء روحانی می‌خواهد که بر این موضوع اصرار بورزند، پایبند باشند و دنبال کنند و از آنچه در مقابل به انسان بومی‌گردد، باک نکنند. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۶/۶/۱۷)

اگر اهمیت کاری که انسان سرگرم آن هست برای انسان معلوم شود، دیگر مسامحه در کار نخواهد بود؛ دل‌سردی و نومیدی در میان نخواهد بود. وقتی فهمیدیم کاری که ما داریم انجام می‌دهیم، چقدر مهم است برای حیات جامعه و حیات کشور، آن وقت خود این، نیروئی در درون ما به وجود می‌آورد که بر همه‌ی مزاحم‌های بیرونی فائق می‌شود. لذا توصیه‌ی اول ما به همه این است که آن کاری را که محول به آن هاست، با شوق، با علاقه - به هر دلیل اجتماعی و فردی که به سمت آن کار کشیده شده‌اند- قدر بدانند، ارج بپنهند، اهمیت بدهند و کار را درست انجام بدهند. مکرر این گفته‌ی پیامبر عظیم‌الشأن را عرض کردیم که فرمود: «رحم الله امرأ عمل عملاً فاتقنه»؛ رحمت خدا بر آن انسانی که کاری را به دست می‌گیرد و آن را متقن و درست و کامل انجام می‌دهد. این در مورد من، شما، یکایک افراد کارگر، معلم، پرستار و سایر مشاغل و حرفه‌ها و مسئولیت‌ها صادق است. کاری را که به عهده گرفتیم، آن را متقن و کامل انجام بدهیم. (بیانات در دیدار جمعی از معلمان و پرستاران و کارگران، ۱۳۸۸/۲/۹)

ب. شاخصه‌های اجتماعی

• آگاهی سیاسی؛^۱

• درک مسائل اجتماعی؛^۲

۱. امروز یک روحانی اگر بخواهد مفید باشد، باید بصیر باشد. اگر بصیر نباشد، در تشخیص جایگاه خود و جایگاه دشمن اشتباه خواهد کرد. اگر در تشخیص جایگاه خود و جایگاه دشمن اشتباه کرد، توپخانه را به سمت نیروی خودی آتش خواهد کرد؛ درست مثل جبهه. در جبهه آدم‌ها اینچور رو به روی هم که قرار نگرفته‌اند؛ کیلومترها فاصله است. اگر قطب‌نما همراه انسان نباشد، اگر موقعیت خود را انسان نداند، موقعیت دشمن را نداند، خمپاره‌اش را پرتاب می‌کند روی سر نیروی خودی. این اتفاقی که متأسفانه در مسائل سیاسی و روحانی و دینی و اجتماعی ما بارها اتفاق افتاده است. خودی‌های ما، خوب‌های ما، متدین‌های ما که عزیز هم بودند از نظر ما، توپخانه‌شان را روشن کردند روی امام، روی جبهه‌ی حق، روی حکومت حق. اگر ندانید دنیا دست کیست، کی علیه شما دارد توطئه می‌کند، کی به سمت شما دارد شلیک می‌کند، چه جور می‌شود به او شلیک متقابل کرد، این اشتباهات پیش می‌آید. روحانی باید بصیر باشد. این است که طلبه‌ی ما نمی‌تواند برود توی حجره و توی پستو بنشیند، بگوید من فقط می‌خواهم مطالعه کنم؛ نه، زحمت دارد البته؛ باید زحمت را قبول کند؛ باید با مسائل جهانی آشنا بشود؛ باید بدانند در کشور چه می‌گذرد؛ باید بدانند در دنیا چه می‌گذرد. (بیانات در دیدار علما و روحانیون استان یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۲)

من همیشه به دانشجویها و طلبه‌ها می‌گویم، به شما هم عرض می‌کنم، و این به همه روحانیت مربوط می‌شود: باید سیاسی باشید؛ منتها نه به معنای ورود در باندها و جناح‌های سیاسی؛ نه به معنای ملعبه و آلت دست شدن این یا آن حزب یا گروه سیاسی، یا سیاست‌بازان حرفه‌ای؛ این مطلقاً مورد نظر نیست؛ بلکه به معنای آگاهی سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی، داشتن قطب‌نمای سالم سیاسی که جهت را درست نشان بدهد. گاهی ما طلبه‌ها اشتباه می‌کنیم؛ قطب‌نمای ما درست کار نمی‌کند و جهت‌یابی سیاسی را درست نشان نمی‌دهد. این، چیزی نیست که به خودی خود و یک شبه به وجود بیاید؛ نه، این فرآولت در کار سیاست لازم دارد؛ باید با مسائل سیاسی آشنا شوید، حوادث سیاسی کشور را بدانید و حوادث سیاسی دنیا را بدانید. طلبه‌ها امروز به اینها نیاز دارند. یک گوشه‌ای نشست، سرخود را پایین انداختن، به هیچ کار کشور و جامعه کاری نداشتن و از هیچ حادثه‌ای، پیش‌آمدی، اتفاق خوب یا بدی خبر نداشتن، انسان را از جریان دور می‌کند. ما مرجع مردم هم هستیم؛ یعنی مورد مراجعه‌ی مردمیم و اگر خدای نکرده یک علامت غلط نشان بدهیم، یا یک چیزی که مطلوب دشمن است بر زبان ما جاری بشود، ببینید چقدر خسارت وارد می‌کند. بنابراین، یک وظیفه مهمی که امروز ماها داریم، ارتباط با سیاست است. کناره‌گیری از سیاست درست نیست و کار روحانی شیعه نیست. (بیانات رهبری در جمع روحانیون استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۷)

البته بُعد دیگر وحدت دین و سیاست این است که حوزه‌های علمیه بایستی از سیاست هرگز دور نمانند. طلاب باید آگاهی سیاسی پیدا کنند. مبدا جریان‌های سیاسی روز، بر ذهن طلاب در حوزه‌ی علمیه سبقت بگیرند. طلاب باید در فضای سیاسی حضور داشته باشند؛ بلکه جلوتر از زمان باشند و فکر سیاسی روشن داشته باشند؛ کما اینکه علمایی که فکر سیاسی روشن داشتند، مفید بودند. (بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱)

... مسئولان و اکابر و شخصیت‌ها و رهبران حوزه - مثل مراجع تقلید و مدّرتسان بزرگ و شورای مدیریت و امثال اینها - باید کاری کنند که در داخل حوزه‌ی علمیه، درک از مسائل جاری عالم و قدرت تحلیل و فهم این مسائل، در عالی‌ترین سطح خودش در کشور وجود داشته باشد. یعنی ما باید کاری بکنیم که حوزه‌ی علمیه قادر باشد به وسیله‌ی یکایک اغلب افرادش - نمی‌گوییم همه‌ی افراد - در فضای عمومی کشور، بینش درست سیاسی و فهم مسائل جاری را در اختیار دیگران بگذارد و مردم را هدایت کند و پیش‌برد. کج فهمیدن، ساده و سطحی فهمیدن، کُند و ناهوشمندانه فهمیدن، غافل ماندن از مسائل جاری عالم و کشور، از جمله‌ی زاینخ‌ترین چیزهایی است که ممکن است حوزه‌ی علمیه با آن روبرو بشود. (حوزه و روحانیت، ص ۷۸-۸۲)

۲. روحانیون و وظائف اجتماعی هم دارند. روحانیون بایستی در مسائل اجتماعی وارد شوند؛ منتها آن نکته‌ی اساسی این است که این

● حضور در صحنه؟^۱

ورود روحانی در مسائل اجتماعی باید ورود همراه با روحانیت باشد. نه با تحکم؛ اگر با تحکم شد، دیگر فایده‌ای ندارد. خصوصیت روحانی این است که با روحانیت، با اخلاق، با نصیحت، با ارائه‌ی راه، اطراف قضیه را آگاه کند، مشتاق کند، قانع کند، به یک کاری وادار شوند. اگر با تحکم شد، فایده‌ای ندارد. روحانی باید در مقام روحانی عمل کند. البته اگر شما رئیس جمهور شدید، در مقام رئیس جمهور یک وظیفه‌ی دیگری دارید، در مقام قاضی یک وظیفه‌ی دیگری دارید؛ اما در مقام روحانی، وظیفه این است که با زبان روحانیت و با زبان انبیاء با مردم حرف بزنید؛ با تحکم نباید باشد، با روحیه‌ی سیاسی کارانه نباید باشد» (بیانات در جمع علمای شیعه و سنی کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰).

۱. من به قشر روحانیت هم عرض می‌کنم که کناره‌گیری موجب این می‌شود که همان‌طوری که در زمان سابق از کناره‌گیری علمای مذاهب، اسباب این شد که ملت ما و بزرگان‌شان جدا شدند و هر کاری خواستند دولت کردند و دولتها را به حال خود گذاشتند و هر طور سرکشی خواستند کردند، اگر چنانچه شما از صحنه بیرون بروید، علما، دانشمندان از صحنه بیرون بروند، این اسباب این میشود که باز آن مسائل سابق پیش بیاید. امروز تکلیف است. حوادث گوناگونی برای انقلاب هست؛ طلاب باید حاضر و آماده باشند. مسئله‌ی آمریکا پیش می‌آید، اظهار نفرت از دشمنان و مستکبران پیش می‌آید، مسائل خلیج فارس پیش می‌آید، مسائل گوناگون دیگری پیش می‌آید؛ طلبه اول کسی باشد که احساس کند مسئولیتی دارد و آن مسئولیت را استفسار کند، ببیند چیست. هنگامی که مسئولیتش مشخص شد، در جای مسئولیت خودش باشد. اینها با طلبگی می‌سازد (حوزه و روحانیت، ص ۳۹۲ و ۳۹۳).

طلاب عزیز و فضلاء جوان، نباید حتی برای یک لحظه، حضور در میدان‌های گوناگون را فراموش کنند. این حضور، با درس خواندن منافات ندارد؛ بلکه مؤید درس خواندن است. همان‌طور که امام بزرگوار در پیام فراموش نشدنی خود فرمودند، فضلاء و جوان‌هایی که تفقه را در میدان‌های خودش فرا گرفتند و مُنذر قوم خود شدند و میدان جنگ را میدان آزمایش نفس و تکامل معنوی خویش قرار دادند و پیش رفتند، این میدان‌ها را رها نکنند. امروز هم خطوط و میدان‌ها و صحنه‌های نظامی و غیرنظامی و فرهنگی، محتاج حضور فعال شماست. مدرّسان معظم و محترم و اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم و سایر حوزه‌ها، طلاب را به سمت هدف‌های انقلابی و اسلامی سوق بدهند (همان، ص ۴۱۴).

اولاً حاشیه‌نشین شدن حوزه علمیه قم و هر حوزه علمیه دیگری به حذف شدن می‌انجامد. وارد جریان‌های اجتماع و سیاست و مسائل چالشی نبودن، به تدریج به حاشیه رفتن و فراموش شدن و منزوی شدن می‌انجامد. لذا روحانیت شیعه با کلیت خود، با قطع نظر از استثناهای فردی و مقطعی، همیشه در متن حوادث حضور داشته است. برای همین است که روحانیت شیعه از یک نفوذ و عمقی در جامعه برخوردار است که هیچ مجموعه‌ی روحانی دیگری در عالم - چه اسلامی و چه غیراسلامی - از این عمق و از این نفوذ برخوردار نیست. ثانیاً اگر روحانیت می‌خواست در حاشیه و در پیاده‌رو حرکت کند و منزوی شود، دین آسیب می‌دید. روحانیت سرباز دین است، خادم دین است، از خود منهای دین حیثیتی ندارد. اگر روحانیت از مسائل اساسی - که نمونه برجسته آن، انقلاب عظیم اسلامی است - کناره می‌گرفت و در مقابل آن بی‌تفاوت می‌ماند، بدون تردید دین آسیب می‌دید؛ و روحانیت هدفش حفظ دین است. ثالثاً اگر حضور در صحنه موجب تحریک دشمنی‌هاست، این دشمنی‌ها در یک جمع‌بندی نهایی مایه خیر است. آن دشمنی‌هاست که غیرت‌ها و انگیزه‌ها را تحریک می‌کند و فرصت‌هایی برای موجود زنده می‌آفریند. هر جا به مجموعه روحانیت یا به دین یک خصومت و رزی و کین و رزی‌ای انجام گرفت، در مقابل، حرکتی سازنده از سوی بیداران و آگاهان انجام گرفت... رابعاً با بی‌طرف ماندن روحانیت در مسائل چالشی اساسی، موجب نمی‌شود که دشمن روحانیت و دشمن دین هم بی‌طرف و ساکت بماند؛ «و من نام لم ینم عنه». اگر روحانیت شیعه در مقابل حوادث خصمانه‌ای که برای او پیش می‌آید، احساس مسئولیت نکند، وارد میدان نشود، ظرفیت خود را بروز ندهد، کار بزرگی را که برعهده اوست، انجام ندهد، این موجب نمی‌شود که دشمن، دشمنی خود را متوقف کند؛ بعکس، هر وقت آنها در ما احساس ضعف کردند، جلو آمدند؛ هر وقت احساس انفعال کردند، به فعالیت خودشان افزودند و پیش آمدند.... (بیانات رهبری در دیدار طلاب حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹).

- قدرت تحلیل سیاسی؛^۱
- احساس وظیفه؛^۲
- دشمن شناسی؛^۳
- پرهیز از بی تفاوتی نسبت به حکومت دینی؛
- همگامی با انقلاب؛
- پاسداری از نظام اسلامی؛^۴

۱. سوم از واجبات حوزه علمیه این است که مدیران محترم حوزه و بزرگان و اعلام حوزه باید طلاب را از لحاظ فکری و سیاسی مصونیت بدهند. طلاب را از لحاظ فکراسلامی و ظرافت هایی که در برخورد با امواج گوناگون فکری وجود دارد، باید مصونیت ببخشند. باید طوری بشود که هر طلبه ای احساس کند در مقابل هر منطقی که برای او پیش می آید- ولو برایش از قبل ناآشنا باشد- این مایه را دارد که بتواند مواجهه و مقابله کند. همچنین در زمینه های سیاسی باید قدرت تحلیل سیاسی به طلاب داده شود. این مجموعه عظیم جوان در این حوزه علمیه، مجموعه ای است که می تواند و باید بتواند حوادث سیاسی را جزء به جزء تحلیل کند؛ معنای هر حرکتی را که صفوف مختلف و جناح های مختلف در داخل و خارج می کنند، بفهمد تا بتواند آن خط مستقیم و صراط الهی را در این بین همواره در مقابل چشم داشته باشد و فریب نخورد. (بیانات در جمع طلاب و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴)

۲. باید مثل عمار هوشیار بود و فهمید که وظیفه چیست. نمی شود گفت به من ربطی ندارد. امروز هر روحانی و هر عمایه به سر، به مقتضای تلبس به این لباس، موظف است از حکومت اسلام و حاکمیت قرآن دفاع کند؛ هرکس هرطور می تواند. (سخنرانی در جمع علما و روحانیون استان لرستان، ۱۳۷۰/۰۵/۳۰)؛ حوزه باید به مجاهدت ها و گذشت هایی که طلبه ها کردند، به حضورشان در جبهه ها، به حضورشان در ارگان ها اهمیت بدهد، آنها را ارج بگذارد، برای آن ارزشی قابل بشود و سعی کند که اگر از لحاظ علمی کمبودی دارند، برایشان به یک نحو اختصاصی جبران کند. فرض کنید طلبه یی است که به خاطر نیاز انقلاب، نیاز مردم، نیاز دینی، به نقطه ی بد آب و هوای دوردستی - که به طور طبیعی کسی حاضر نیست به آن جا برود - رفته و شش ماه، یک سال، پنج سال در آن جا مانده است. حوزه باید برای این شخص ارزش قابل بشود. این خیلی با ارزش است، تا آن کسی که این زحمت را بر خودش هموار نکرده، این سرما و گرما و ناامنی و گرسنگی و مشکلات و تحقیر و خطر کردن و از زن و بچه دور ماندن و امثال اینها را تحمل نکرده و در حوزه مانده است. ارزش کدامشان بیشتر است؟ یقیناً آن کسانی که مجاهدت و تلاش کردند، بایستی برای آنها ارزش بیشتری قابل شد. این ارزش ها باید به حساب بیاید؛ نمی گوییم هم بیشتر؛ هر کدام یک ارزش است. ممکن است کسی هم در حوزه مانده و فرضاً تحقیق خیلی برجسته یی در حوزه کرده، که البته آن هم یک ارزش دیگر است. ارزش های اسلامی باید به حساب بیاید. یکی از این ارزش ها، تبلیغ در جاهای خطرناک و دوردست و در جاهای محتاج تبلیغ است. یکی از این ارزش ها، حضور در جبهه هاست. یکی از این ارزش ها، حضور در ارگان ها و از این قبیل چیزهایی که دارای اهمیت و ارزش است. (بیانات در جمع طلاب و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴)

۳. ملت ایران به همان نسبت که دشمن، روش های خود را در توطئه علیه ایران اسلامی پیچیده تر می کند، باید بر هوشیاری و آگاهی خود بیفزاید و با آمادگی معنوی، فکری، سیاسی و حفظ وحدت و اتصال و ارتباط با یکدیگر، چهره دشمن را در هر لباسی که هست، شناسایی کند. (سخنرانی رهبری در اجتماع نیروی مقاومت بسیج مردمی، ۱۳۷۶/۹/۵)؛ یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه دشمن را بداند و خود را در مقابل آن تجهیز کند. (بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱)

۴. امروز سرنوشت روحانیت و سرنوشت اسلام در این سرزمین، وابسته و گره خورده ی به سرنوشت نظام اسلامی است. نظام اسلامی اندک لطمه ای ببیند، یقیناً خسارت آن برای روحانیت و اهل دین و علمای دین از همه ی آحاد مردم بیشتر خواهد بود. البته نظام زنده است، نظام سرپاست، نظام قوی است و با اطمینان کامل عرض می کنم نظام بر همه ی چالش هایی که در مقابلش قرار دارد، فائق و

- حضور در صف مقدم؛^۱
- تدوین مقررات اسلامی و تکفل مسئولیت سیاسی؛^۲
- پرهیز از دسته‌بندی‌های سیاسی.^۳

پیروز خواهد شد. (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۳۰)

۱. طلبه‌ها باید در صفوف مقدم باشند. اگر جنگ پیش می‌آید، طلبه باید در صفوف مقدم جنگ باشد و این را ارزش قرار بدهد. این، حقیقتاً یک ارزش است. آن کسی که در حوزه‌ی علمیه مشغول درس خواندن است، به مجرد اینکه اذان حرب و جهاد بلند شد، به سمت جهاد فی سبیل الله می‌شتاید، اصلاً قیمتی برایش متصور نیست. بهترین عناصر طلبه، آن کسی است که همین روحیه را در خود داشته باشد و پیروانند، تا مشمول آن حدیث «من لم یغزو لم یحدث نفسه بغزو مات علی شعبة من التفاق» نشود. اگر هم مانعی پیش آمده و نمی‌تواند عملاً وارد میدان جنگ شود، دلش برای میدان جنگ بجوشد و روحش در آنجا باشد؛ یعنی «حدث نفسه بغزو» باشد. این، ارزش بسیار والایی است. این روحیه باید زنده بماند. (بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضالای حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹/۱۱/۴)

۲. ما امروز در باب اداره‌ی کشور به مسائلی برخورد می‌کنیم که مشکلات و معضلات دینی و فقهی ماست؛ ما پاسخ اینها را می‌خواهیم، اما کسی جوابگو نیست. باید خودمان بنشینیم، یا آقایی را بنشینیم و از او بخواهیم، یا فرضاً بگوییم در کتاب‌ها بگردند و جواب این مسئله را پیدا کنند. باید دستگاهی آماده باشد و تمام مشکلات و معضلات نظام را پیش بینی کند؛ نسبت به آنها فکر کند، راه حل ارائه کند و جواب و پاسخ آماده را برای آن آماده نماید. این، جزو وظایف حوزه‌های علمیه است؛ لذا متعلق به اسلام است و اسلام آن چیزی است که حوزه‌ی علمیه برای آن به وجود آمده است (حوزه و روحانیت، ص ۲۴۷-۲۴۹)

طلاب باید با کسب صلاحیت‌ها و آگاهی‌های لازم، در دنیای متفاوت امروز خود را برای ایفای مسئولیت‌های تعیین کننده در جامعه آماده کنند. ... اگر همه تخصص‌های مورد نیاز یک جامعه به بهترین شکل وجود داشته باشد اما جامعه، دینی نباشد، آن ملت در دنیا و آخرت دچار خسران و مشکلات واقعی خواهد بود و این مسئولیت عظیم یعنی تبدیل جامعه به جامعه‌ای دینی، بر عهده علما و روحانیت و طلاب است. (بیانات در دیدار با طلاب، مدیران و مدرسان حوزه‌های علمیه استان تهران، ۱۳۹۵/۲/۲۵)

برادران عزیز که معمم شدند، از این لحظه به طور رسمی مسئولیت‌شان مضاعف می‌شود. در نظام اسلامی همه مسئولند؛ «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛ لیکن بعضی از موقعیت‌های اجتماعی، مسئولیت‌های مضاعفی دارد؛ و لباس ما از جمله آن موقعیت‌هایی است که از چند جهت مسئولیتش مضاعف است: اولاً چون لباس علم است و عالم از دیگران مسئول‌تر است؛ بخصوص علم دین است که ادعای علم دین و بیان حقایق الهی، شغل انبیا عظام پروردگار است؛ ثانیاً چون مردم معتقدند که در ملت‌سازان به این لباس، معنویت و تقوا و ورعی هست. مردمی که در امور مادی و معنوی‌شان با احتیاط برخورد می‌کنند، به یک روحانی که می‌رسند، احساس اعتماد می‌کنند. با این لباس هر جا باشید، مردم به شما احترام و سلام می‌کنند؛ وقت نماز بشود، اگر بخواهند از بین خودشان یک نفر را به امامت بگمارند، شما را خواهند گمارد؛ اینها حاکی از اعتماد دینی مردم به این لباس است؛ این خود به طور اضافه مسئولیتی را بر دوش ما بار می‌کند. ما باید کاری کنیم که مشمول آن روایاتی نباشیم که هر کس باطن او از ظاهرش کمتر بود، «فهو ملعون». مسئولیت سوم این است که امروز در نظام سیاسی کشور، روحانیت نقش دارد - چون نظام، نظام دینی است - و این نقش در شکل‌های مختلف مشاهده می‌شود؛ از حضور در دستگاهی برای اقامه‌ی نماز جماعت یا بیان احکام دین بگیری، تا زمامداری جامعه. کارهای دینی و مسئولیت‌هایی که متوقف به معرفت دینی است؛ حتی خیلی از آنها هم که متوقف به معرفت دینی نیست، به روحانیون محول می‌شود؛ اینها مسئولیت‌های شماست. شما اگر معمم هم نبودید، البته مسئولیت داشتید. اگر کسی عالم دین باشد و معمم نباشد، البته مسئولیت دارد؛ اما اگر معمم باشد، این مسئولیت مضاعف است؛ حواستان را جمع کنید. (حوزه و روحانیت، ج ۱، ص ۳۷۷)

۳. مراقب باشید که دسته‌بندی‌ها و جناح‌بندی‌های سیاسی در حوزه نفوذ و رشد نکنند. جهت سیاسی طلاب، همان جهت سیاسی نظام و انقلاب است؛ همان جهت انقلاب را باید ان شاء الله در تبلیغات و در برخورد با مردم - قولاً و عملاً - پی بگیری. (سخنرانی در

۳-۶-۲-۳ چهره مطلوب طلبه

این بخش، مهم‌ترین فراز این نوشتار است و انبوه مقدمات پیشین، تنها آمادگی مخاطب را برای ورود به این بحث و انتظار او را برای رسیدن به آن بیش‌تر ساخته است. در این بخش ابعاد کلی و مشترک چهره مطلوب طلبه را به دو صورت ترسیم می‌کنیم؛ صورت اول استقرای تفصیلی ویژگی‌های کلی یک طلبه رشید (رشدیافته) و موفق است.

۱. صورت تفصیلی

نباید گمان شود که بیان این صورت تفصیلی مقصود نهایی نوشتار حاضر است. پیش از این نیز گفتیم که ارائه انبوهی از صفات خوب به صورت کلی و بدون بسته‌بندی در بیان سیمای طلبه مطلوب، هنری به شمار نمی‌رود و لطفی ندارد و بیش از آنکه کارآیی داشته باشد کلافه‌کننده و خستگی‌آفرین است. اما از آن جهت که مخاطب را با نمونه‌ای از این قبیل نیز آشنا کرده باشیم یک مدل تفصیلی و منشوری را هم بیان می‌کنیم. هنر آن است که پس از بیان این نمونه نظام و انسجام این صفات را بیان کنیم و اصل و فرع و ریشه و شاخه آن را مرتب سازیم. بنابراین تأکید می‌کنیم که فرازهای متعددی که در سطور آینده خواهد آمد نباید به چشم محصول نهایی این اثر تلقی شود و مخاطب پس از مطالعه آن هم چنان باید در انتظار ترسیم خط ربط آنان بماند. با حفظ این مقدمه؛

اگر بنا باشد که یک نیروی حوزوی، برای پی‌گیری مقاصد این نهضت بزرگ الهی-اسلامی، کارآمدی لازم را داشته باشد باید:

مؤمن و علاقه‌مند به خداوند متعال باشد؛ خدا را نزدیک خود احساس کند. تجربه‌های شیرینی از اوصاف جلالی و جمالی متعدد خداوند داشته باشد. دلداده و مست محبت او باشد. با او راز بگوید. از او مدد بگیرد. به او تکیه نماید و نسبت به هر چه غیر اوست استغنا

اجتماع طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۲/۱؛ نکته دوازدهم این است که در حوزه باید از درگیر شدن با مسائل جناحی بشدت پرهیز شود؛ که بحمد الله این رعایت شده، باز هم رعایت بشود. به خصوص طلاب جوان باید مواظب باشند و این مسائل خطی و جناحی و گروهی و معارضه‌ها و درگیری‌ها و غیبت‌ها و امثال این چیزها را به داخل حوزه‌ها نکشانند، که در حوزه‌ها به کلی ضایعه به بار خواهد آمد. (بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱)

پیشه کند بلکه از آن‌ها تبری بجوید. دست مهربان و نیرومند او را در همه اقدامات خود همراه خویش بدانند و نصرت الهی را بی ابهام ببینند.

به همه احکام الهی از واجب و حرام در درجه اول و پس از آن مستحب و مکروه پای بند باشد و بدون ملاحظه در اجرای آن‌ها بکوشد. تسلط کامل بر خویش داشته و در تمام رفتارهای خود انضباط شرعی را به صورت سخت‌گیرانه رعایت کند؛

با یاد پیامبران خدا، ائمه اطهار علیهم‌السلام و اولیای بزرگ الهی مانوس باشد و روح همه ایشان را همدل و همراه خویش و ناظر، دعاگو و مددکار خود بداند؛

حق‌گرا، آزاد اندیش، بلند نظر، صبور، قدردان، اهل مدارا، وسیع‌نگر، ژرف‌اندیش، متواضع و بی‌ادعا باشد؛

الگوهای متعالی داشته باشد؛ بهترین انسان‌ها را به عنوان الگوی خود برگزیند؛ الگوهای خود را بشناسد و به درستی و با جوشش و کششی درونی به ایشان تأسی نماید؛

شخصیتی امیدوار، روحیه‌ای سخت‌کوش، دقتی بالا، دلی دردمند، دلسوز و مهربان و رویه‌ای وحدت‌گرا داشته باشد و اهل وظیفه، بانشاط، آرام، متین، پرشور و انقلابی باشد؛

امید به آینده داشته باشد و احساس فایده‌مندی، باعرضگی و تاثیرگذاری کند. آرمان‌خواه، ایده‌آل‌گرا، بلندهمت و دغدغه‌مند اصلاح و تحول، متحول و تحول‌آفرین، دیگرگون و دگرگون‌ساز باشد؛ صاحب‌نگرش و آگاهی بنیادین نسبت به مسائل عصر باشد. ایران، جهان اسلام و جامعه جهانی را بشناسد. با جریان‌های سیاسی عالم و رجال برجسته سیاسی آشنا باشد؛

پراستقامت، پایدار، مستحکم و استوار باشد و روح کار و تلاش و فعالیت و انگیزه بالا در او نهادینه شده باشد؛

فهمیم، دانا، اهل فکر، مدبر و دارای منطق تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی باشد. یعنی در مقام تشخیص وظیفه بر اصول اولویت‌گذاری و وظایف و تفکیک اهم و مهم احاطه داشته باشد.

قدرت مواجهه با اختلاف آرا یا تعارض ارشادات و نیز تعدد یا تضاد الگوها را داشته باشد؛ دارای جسم سالم و قوی باشد و پرنشاط، سرزنده، پرشور، حلیم و پرحوصله باشد؛

زندگی خانوادگی موفق و فرزندان تربیت یافته و سالم داشته باشد؛

وضعیت اقتصادی متعادل و معیشت میانه‌ای برای خود تأمین کرده و نسبت به اندازه کفاف راضی و قانع باشد؛

شجاع، صریح و دارای جسارت اقدام و روحیه امر به معروف و نهی از منکر باشد؛
روحیه خدمت به مردم و تلاش برای رسیدگی به دیگران و از خود گذشتگی داشته باشد؛
دارای وجدان کاری و دقت در انجام وظایف باشد؛

این ویژگی‌ها، تا بدین جا ویژگی‌های مشترک میان طلبه و غیرطلبه است و اگر از آن‌ها در این بحث یاد شده به این جهت است که این صفات، علاوه بر تأمین کمال فردی طلبه، موجب کارآمدی او در شؤون طلبگی نیز خواهد بود. اما آنچه از این پس گفته خواهد شد به طور ویژه به شأن طلبگی او بازگشت دارد و تجهیزاتی برای انجام وظایف صنفی یا تفسیری از کارآمدی صنفی طلبگی خواهد بود؛

با جغرافیای اندیشه اسلامی آشنا باشد. فهمی منسجم، نظام‌مند و نافذ از اندیشه دینی و نیز شامه کشف انحرافات و کژی‌ها را به دست آورده و توان تشخیص سنت از بدعت را داشته باشد؛
با قرآن و روایات کاملاً آشنا و مأنوس باشد. منبع اصیل اندیشه‌ها و الهامات نظری اش کتاب خدا بوده، واجد تفکر فعال و پویای قرآنی باشد؛

با علوم اسلامی با رویکردی عمیقاً دانشی به صورت تاریخی و عصری آشنا باشد؛
رویکردی عینی، زندگی‌ساز بلکه تمدن‌گرا در فهم دین، طراحی حیات دینی و صورت‌بندی قواره‌های اجتماعی داشته باشد؛

شیفته معارف دین و فرهنگ دینی و سخت معتقد به پاسخ‌گویی، کارایی، ممتازی و بی‌بدیلی آن به عنوان تنها راه نجات‌بخش و هدایت‌آفرین باشد و آمادگی کامل برای فدا شدن در راه آرمان دین داشته باشد؛

امام خمینی رضی الله عنه را، اهداف الهی اش را، حرکت بزرگش را و امتداد و گستره امروزی اقدام و منویات او را به خوبی بشناسد. اندیشه تابناک او، شخصیت جذاب او و سیره متعالی آن دردانه عصر حاضر برای او همچون نزدیک‌ترین عزیزانش و ملموس‌ترین حوادث حیاتش،

روشن باشد و به او و کل حیات و حرکت او به چشم یک تفسیرارزشمند از قرآن و عترت بنگرد؛
 آنچنان با اهداف بلند نهضت مقدس اسلامی و اصول صحیح پی‌گیری آن‌ها انس گرفته
 باشد که شبانه روز خود را صرف رسیدن به آن نماید و مطلوبی جز آن نداشته باشد؛
 به طلبگی به عنوان یک رسالت اجتماعی مؤثر و مقدس، ایمان و اعتقاد راسخ و عشق
 کامل داشته باشد و از سربازی دین در لباس مقدس روحانیت احساس افتخار و سربلندی
 کند. نسبت به حقانیت حوزه، توانمندی‌های آن و جایگاه باشکوه آن در بین مردم ایمان واثق
 داشته و قدرت تحلیل رفتارهای مردم در قبال روحانیت را داشته باشد؛
 نسبت به مقاصد طلبگی، اصول و شیوه‌های انتخاب راه و روش‌های مناسب موقعیت خود
 کاملاً بصیرت داشته باشد و بدین جهت با یقین و استحکام و با استقلال نسبی قدم بزند؛
 آداب و زئی طلبگی را به خوبی بشناسد و با علاقه به حیات طلبگی دل بسپارد؛
 از مناعت طبع، عزت نفس و استغنای روحی برخوردار باشد و در پی‌گیری اهداف متعالی
 حوزه، خود را محتاج هیچ یک از اعتبارات امروزی اجتماعی نبیند و با عزت و بی‌ذره‌ای طمع
 در همه میدان‌های اجتماعی ظاهر شود. وارسته، آزادمنش و بی‌تعلق باشد؛
 منطق خدمت، روحیه بسیجی و حالت فداکاری در ذهن، ضمیر و زندگی او به صورتی
 حکیمانه جای گرفته باشد. احساس مسوولیت و حضور در یک صحنه مبارزه کاملاً جدی و
 سرنوشت ساز داشته باشد.

 ۱. ما مردم چیزی نمی‌دانستیم. باید اعتراف کنیم که آن مرد الهی به ما قیام‌الله را یاد داد و آن جا که لازم بود برای خدا قیام کنیم، دست
 ما را گرفت و بلندمان کرد. خدا به او این قدرت را داده بود. (سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری
 اسلامی، در ستانه‌ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۱۱/۹)
 ۲. شخصیت امام تا حد بسیار زیادی به اهمیت و عظمت آرمان‌های او مربوط می‌شد. او با همت بلندی که داشت، هدف‌های
 بسیار عظیمی را انتخاب می‌کرد. تصور این هدف‌ها، برای آدم‌های معمولی دشوار بود و می‌پنداشتند آن هدف‌های والا، دست‌نیافتنی
 هستند؛ لیکن همت بلند و ایمان و توکل و خستگی‌ناپذیری و استعداد‌های فراوان و توانایی‌های اعجاب‌انگیزی که در وجود این مرد
 بزرگ نهفته بود، به کار می‌افتاد و در سمت هدف‌های مورد نظرش پیش می‌رفت و ناگهان همه می‌دیدند که آن هدف‌ها محقق
 شده‌اند. نقطه‌ی اساسی کار او، این بود که در اراده‌ی الهی و تکلیف شرعی محو می‌شد. هیچ چیز برایش غیر از انجام تکلیف، مطرح
 نبود. واقعاً او مصداق ایمان و عمل صالح بود. ایمانش به استحکام کوه‌ها می‌مانست و عمل صالحش با خستگی‌ناپذیری باورنکردنی
 توأم بود. آن‌چنان در تداوم عمل، صبور و کوشا بود که انسان را دچار حیرت می‌کرد. به همین خاطر، هدف‌های بزرگ قابل وصول شد
 و دست یافتن به قله‌ها امکان‌پذیر گردید. «بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت نخست وزیر و هیأت وزیران، ۱۳۶۸/۳/۱۶»

- حساس و پی‌گیر مسایل سیاسی اجتماعی باشد و نسبت به مسائل اجتماعی محل، شهرستان، کشور، و جهان اسلام دغدغه‌مند باشد؛
- با منابع تحقیقات اسلامی به خوبی آشنا باشد، با قدرت و دقت بالا به تحقیقات دینی بپردازد و صلاحیت‌ها و محصولات او در زمینه‌های مربوط از اعتبار قطعی بین حوزویان برخوردار باشد و دست کم در یک گرایش علمی معین تخصص ویژه داشته باشد؛
- توان ارائه اندیشه با گویاترین و گیراترین قلم و بیان را داشته باشد. قلم او همچون تعالیم انبیا علیهم‌السلام از طرفی بصیرت‌بخش و هشداردهنده و از طرف دیگر آرامش‌بخش و طمأنینه‌آفرین باشد؛
- کشش بالایی برای ارتباطات اجتماعی داشته باشد. از تفکر، روحیه و مهارت‌های تشکیلاتی و قدرت رفتار سازمانی برخوردار بوده، فهم و قدرت مدیریت فرهنگی داشته باشد؛
- به تدریج و در طول دوران تحصیلی و تربیتی خود به طرحی بلند و واقع‌گرا برای خدمت به دین مبین اسلام و خلق خدا رسیده باشد تا به صورت منفعل و سرگردان وارد عرصه‌های خدمت نشود، و به ویژه در طرح خویش نسبت درستی با سرمایه‌عظیم این حرکت یعنی مقام معظم رهبری تعریف نموده و به واقع ولایی عمل نماید؛
- دارای توانمندی‌ها و مهارت‌های تحصیلی بالایی باشد و بدین جهت دوره تحصیلی خود را هرچه بهره‌ورانه‌تر به پایان ببرد؛
- از ذائقه سرشار هنری برخوردار باشد (هم به جهت ارضای نیاز روحی خود و هم به عنوان یک ابزار انتقال پیام دین)؛
- یأس از تربیت چنین انسان‌هایی، نهادهای تربیتی ما را از ناحیه فلسفه وجودی زیر سؤال می‌برد. در جامعه انقلابی و در دل نهضت عظیم اسلامی، تعلیم و تربیت ما نیز باید انقلابی باشد و معلمان و مربیان ما همه فرزندان واقعی امام بوده، روحیه و رویه‌ای جهادی داشته باشند.

۲. صورت منسجم و مختصر

اگر آن همه کثرت و تفصیل در طرح گذشته، مطلوب نباشد یا سرگردان کننده تلقی شود، باید روش منطقی دیگری را برای ترسیم سیمای طلبه موفق به کار گیریم که حاصل آن انسجام

و اختصار بیش‌تری داشته باشد. پیش‌تر گفتیم طلبه موفق طلبه‌ای است که رشد جامع، هماهنگ، متناسب، متوازن و خوش‌قواره‌ای داشته باشد یعنی همه عناصر لازم در تعریف طلبه را دست کم به اندازه نصاب در شخصیت خود فراهم آورده باشد. بنابراین برای کشف صورت مطلوب طلبه لازم است ابتدا حد نصاب شرایط طلبگی، یعنی همه ویژگی‌هایی که نبودن آن، صدق عنوان طلبه را مخدوش می‌کند فهرست کنیم. آنگاه با تقویت این ویژگی‌ها، تقویت صدق عنوان طلبه را انتظار داشته باشیم. اکنون این روش را پی می‌گیریم.

۴-۲-۳ نصاب طلبگی

طلبه را صرفاً از فعالیت‌های طلبگی نمی‌توان باز شناخت؛ زیرا می‌توان فرض کرد که غیر طلبه به فعالیت‌های طلبگی مشغول باشد یا طلبه به غیر کار طلبگی اشتغال داشته باشد. بنابراین باید دقیقاً مشخص کنیم که طلبه کیست و چه نشانه‌هایی دارد؟ چه ویژگی‌هایی در وجود یک شخص موجب صدق حقیقی عنوان طلبه بر او می‌گردد؟

مراد از نصاب طلبگی حداقل برخورداری‌ها و ویژگی‌هایی است که یک طلبه باید دارا باشد تا طلبه نامیده شود، به صورتی که با کم‌تر از آن، اطلاق عنوان طلبه بر او دروغ یا مجاز است. قدر متیقنی که هر طلبه با هر رویکرد و تخصصی باید داشته باشد که اگر آن را نداشته باشد طلبه به شمار نمی‌رود و اگر آن را داشته باشد به هر تخصصی وارد شود مفید و روا است.

مراد از نصاب طلبگی، به عبارتی، جوهره‌ی طلبگی است. یعنی آنچه طلبه را طلبه می‌کند و کم‌تر از آن برای طلبه روا نیست. بنابراین سؤال این است که کمترین دارایی یک طلبه که شرط لازم و کافی عنوان طلبگی به شمار می‌رود چه عنصری است؟ گزینه‌های مختلفی را بررسی می‌کنیم؛

آیا برای صدق حقیقی عنوان طلبه، لباس روحانیت کافی است؟ بی‌تردید نه! نه هر کس این لباس را دارد به حقیقت روحانی است و نه هر کسی در این لباس نیست از وصف روحانیت محروم است.

آیا تقوا و معنویت و سلوک برای صدق عنوان طلبگی کافی است و هر مؤمن متقی اهل

معنایی را می‌توان طلبه نامید؟ خیر! گرچه تقوا و معنویت شرط لازم طلبگی است، اما هرگز نمی‌توان ادعا کرد این شرط برای طلبه کافی است.

آیا تبلیغ آموزه‌های دینی برای این منظور کافی است و هرکس به کار انتقال پیام خدا مشغول باشد طلبه است؟ اگر چنین باشد کارمند رادیو معارف، نویسنده و کارگردان سریال‌های دینی، و آن راننده تاکسی که برای مسافران خود آیات و روایات را بیان می‌کند و اطلاعات دینی خود را در اختیار دیگران قرار می‌دهد نیز باید طلبه باشند. آیا چنین است؟ خیر! این کسان به نحو تخصصی به این موضوع نمی‌پردازند و هریک از اعضای صنف دیگری هستند.

آیا خدمت به دین خدا یا عزم آن برای طلبگی کافی است؟ یعنی هرکس در مسیر خدمت به دین و پاسداری از وحی قرار دارد طلبه است؟ خیر! بسیاری از اعضای اصناف دیگر نیز به دین خدا یاری می‌رسانند و به نیت انجام وظیفه الهی و واجب کفایی در جامعه اسلامی خدمت می‌کنند، در حالی که هیچ یک طلبه نیستند. دست کم در خود حوزه‌های علمیه کارمندان ادارات، نگهبانان و آشپزها که خالصانه به نظام طلبگی خدمت می‌کنند و بالمآل در مسیر اهداف امام زمان علیه السلام قرار گرفته‌اند، عنوان طلبه ندارند و از صنف طلبگی به شمار نمی‌روند.

آیا تفقه و اجتهاد به معنی آشنایی با دانش‌های حوزوی و توان استنباط گزاره‌های شرعی از قرآن و حدیث برای طلبگی لازم و کافی است؟ یعنی طلبه حقیقی کسی است که مجتهد و فقیه باشد و هرکس این توان را به دست نیآورده باشد یا دست کم در مسیر تحصیل آن نباشد حقیقتاً طلبه نیست؟ مثلاً طلبه‌ای که مقداری درس خوانده و به هر دلیل از دست‌یابی به توان فقاهت و اجتهاد محروم مانده اما به کار تبلیغ در شهر خود مشغول است حقیقتاً طلبه به شمار نمی‌رود. آیا چنین است؟ بنابراین گزینه، بیش از ۸۰ درصد طلاب علوم دینی که مجتهد نیستند اما در کسوت روحانیت به رسالت‌های این نهاد مقدس یاری می‌رسانند و افتخار می‌آفرینند باید از زمره طلاب خارج گردند و این البته فرض بعیدی است. از سوی دیگر هر مجتهدی را نیز نمی‌توان به حقیقت طلبه نامید. زیرا برای صدق حقیقی عنوان طلبگی شرایط دیگری نیز وجود دارد. اثبات این مطلب در ادامه خواهد آمد.

آیا مجموعه و پیوستاری از این صفات شرط لازم و کافی برای طلبگی به شمار می‌رود؟ با

چه میزان و چه معادله و چه سبک ترکیبی؟

کمترین وابستگی به نظام روحانیت با ثبت نام در حوزه‌های علمیه و داشتن کد تحصیلی تحقق می‌یابد؛ یعنی طلبه با تشکیل پرونده در مرکز مدیریت حوزه از حیث قانونی و اعتباری طلبه شناخته می‌شود و مشمول آنچه که به طلبه تعلق می‌گیرد می‌گردد، هر چند درس نخواند و تقوا نداشته باشد.

در نظر توده مردم نیز کسی که به صورت غالبی لباس روحانی بپوشد طلبه است. هر چند کارمند دفتریک اداره یا کاسب باشد. به همین جهت در میان مردم انتظارات خاصی از او رقم می‌خورد. اما سخن ما در اطلاق حقیقی عنوان طلبه بود نه اطلاق عرفی یا شمول قانونی. به همین جهت لازم است ویژگی‌های طلبه را به دقت بیش‌تری بررسی کنیم.

به نظر می‌رسد که از نظر جامعه‌شناختی انتساب حقیقی به این صنف -مانند همه اصناف دیگر- در صورتی است که شخص عمده زمان و توان خود را به کارکردها و رسالت‌های این صنف اختصاص دهد. هویت طلبه با دین خدا گره خورده و تعریف طلبه از مناسبت او با دین به دست می‌آید. طلبه در راه شناخت عمیق دین خدا و ابلاغ و دفاع و اجرای آن می‌کوشد و برنامه خدمت اجتماعی خود را در این رسالت متمرکز کرده است؛ یعنی برخلاف دیگر مردم که عمده زمان و توان خود را در برنامه‌های دیگری می‌گذرانند، طلبه سرمایه‌توان و زمان خود را عمدتاً به ارتباط با منابع دینی و تلاش برای فهم و تبلیغ آن یا دفاع از آن یا گسترش زندگی دینی در سطح جامعه صرف می‌کند.

قابل ذکر این که ارتباط با منابع دینی و فهم و تبلیغ و پاسداری و اجرای آن وظیفه‌ای نیست که اختصاص به طلبه داشته باشد. همه انسان‌های مؤمن نسبت به پیام خدا احساس مسئولیت دارند و برای بندگی خدای متعال در فهم آموزه‌های دینی تلاش می‌کنند، تفاوت طلبه با دیگران در این است که طلبه این مسئولیت را به عنوان رسالت صنفی خود گرفته و کل خدمات صنفی خود را در آن متمرکز کرده و زمان و توان خود را بیش‌تر به آن اختصاص داده است در حالی که سایر مردم بیش‌تر به کارها و خدمات دیگر مشغول‌اند و تنها در حاشیه، به امر دین می‌پردازند؛ یعنی مأموریت محوری طلبه در حوزه معارف دینی تعریف شده و

این‌گونه نیست که به صورت تفننی و در حاشیه به آن بپردازد. نظیر این که یک پزشک، عمده نیرو و زمان خود را به فهم و تجزیه و تحلیل و انتقال و استفاده از آموزه‌های بهداشتی درمانی اختصاص می‌دهد در حالی که نیاز توده مردم به آموزه‌های بهداشتی و پزشکی کاملاً در حاشیه فعالیت‌های روزمره تأمین می‌شود. یک مکانیک ممکن است آشپزی آموخته باشد و گاهی نیز آشپزی کند اما این مقدار برای آشپز بودن کافی نیست، زیرا مأموریت محوری او آشپزی نیست و می‌تواند به صورتی کاملاً حاشیه‌ای و تفننی به آن بپردازد، او عمده زمان و توان خود را به مکانیکی می‌گذراند نه به آشپزی و همین مسأله باعث می‌شود که در مکانیکی تخصص و مهارت بالاتری نسبت به آشپزی به دست آورد و خدمات بیش‌تری ارائه کند.

اکنون با هویت طلبه آشنا گشته‌ایم و می‌توانیم طلبه را از غیر طلبه بازشناسیم. طلبه کسی است که عمده زمان و توان خود را صرف رسالت‌های نهاد روحانیت گرداند. وابستگی چنین کسی به حوزه علمیه و صنف روحانی حقیقی است. در حالی که کسی که درس حوزه خوانده و لباس روحانی پوشیده ولی به کسب و کار، تجارت یا فعالیت اداری مشغول شده، وابستگی چنین شخصی به حوزه مجازی و به قول ادیبان به اعتبار ما کان است و وابستگی کسی که هرگز درس حوزه نخوانده، ولی لباس روحانی به تن می‌کند کاملاً دروغین است.

اکنون این فرمول را کمی توسعه و تفصیل می‌بخشیم. این فرمول معیاری کمی و ظاهری است. کسی که عمده زمان و توان خود را به کار روحانیت یعنی فهم و تبلیغ و اجرا و دفاع از دین خدا اختصاص داده باشد از نظر جامعه‌شناختی حقیقتاً متعلق به این صنف به شمار می‌رود اما مانند همه اصناف دیگر معلوم نیست در کار خود کامیاب و کارآمد باشد. مثلاً کسی که عمده نیرو و زمان خود را به رانندگی یا پزشکی می‌گذراند الزاماً معلوم نیست راننده یا پزشک موفق باشد. اکنون به معیارهای کیفی طلبگی می‌پردازیم:

برای آن که فرد در اختصاص زمان و توان خود به رسالت‌های حوزوی کامیاب باشد و احساس تعلق مستمر نیز به این نهاد داشته باشد، لازم است سه وصف تفقه، تزکیه و ایفای نقش اجتماعی را به شرح ذیل داشته باشد:

تفقه یا دین‌شناسی: طلبه باید با دین خدا به صورتی کامل، موزون و متناسب آشنا باشد.

اگر فرض کنیم طلبه شناخت متوازی از دین خدا نداشته باشد نمی‌تواند در نهاد متولی امر دین به خوبی نقش ایفا کند. یعنی در صورتی که طلبه موضوع فعالیت‌های خود را نشناخته باشد نمی‌تواند بدان خدمت کند. این تفقه یا دین‌شناسی به معنای اجتهاد نیست. بلکه با اجتهاد نسبت عموم و خصوص من وجه دارد. یعنی برخی از دین‌شناسان، مجتهد و برخی از مجتهدان دین‌شناس نیستند؛

تزکیه: طلبه باید در راستای ایفای نقش اجتماعی سنگین خود به پالایش روحی پرداخته باشد و از ایمان سرشار و اخلاق فاضله برخوردار باشد. هر چه این صفت در وجود طلبه بیش‌تر باشد در هویت صنفی خود استوارتر خواهد بود؛ زیرا تقوا و تهذیب نفس هم در فهم معارف دینی شرط لازم است، هم در تبلیغ و انتقال آموزه‌های دینی به جامعه و دفاع از اندیشه دینی بسیار نقش‌آفرین است و هم خود مصداق تحقق عینی دین به شمار می‌رود؛

ایفای نقش اجتماعی: طلبه باید دغدغه خدمت به جامعه را داشته باشد و تلاش‌های خود را معطوف به نیازهای اجتماعی - یعنی چیزی علاوه بر بهره شخصی خود - رقم زند. اگر فرض کنیم که طلبه از دین‌شناسی و تقوا برخوردار باشد و عمده زمان و توان خود را صرف این امور کند اما اثری در جامعه نداشته باشد، انتساب او به صنف روحانیت کارآمد نیست. مانند کاسبی که تنها به اندازه نیاز روزمره خود جنس به مغازه می‌آورد. یا راننده تاکسی‌ای که تنها خانواده خود را جابجا می‌کند!

برای بررسی دقیق‌ترین ویژگی‌ها در وجود طلبه لازم است تمام احتمالات ممکن از ترکیب این سه صفت را در وجود شخصی که عمده زمان و توان خود را به امر دین اختصاص داده، ترسیم کنیم و به صورت مقایسه‌ای نسبت به آنان داوری کنیم. این صور ممکن، جمعاً هشت احتمال را تشکیل می‌دهند که برترین صورت آن کسی است که هر سه صفت تفقه، تقوا و نقش اجتماعی را دارد (صورت اول) و پست‌ترین صورت آن کسی که تقوا و تفقه ندارد اما به ایفای نقش اجتماعی می‌پردازد (صورت هفتم):

ردیف	تفقه	تزکیه	ایفای نقش اجتماعی
۱	✓	✓	✓
۲	✓	✓	×
۳	×	✓	✓
۴	×	✓	×
۵	✓	×	✓
۶	✓	×	×
۷	×	×	✓
۸	×	×	×

گفتیم اگر کسی عمده زمان و توان خود را به امراقامه دین (فهم دین یعنی تحصیل یا تحقیق در معارف دینی، تبلیغ دین، اجرای دین و دفاع از دین) اختصاص دهد، اطلاق عنوان طلبه بر او دروغ یا مجاز نیست. اکنون می‌گوییم امراقامه دین به حقیقت از غیرعالم متفقه و نیز از غیر متقی صورت نخواهد گرفت. بله، ممکن است کسی به گمان خود به اقامه دین خدا مشغول باشد و عمده وقت و نیروی خود را صرف آن کند. اما بی‌شک اگر عالم یا متقی نباشد برآیند کار او به نفع دین تمام نخواهد شد بلکه نوعاً به ضرر آن خواهد بود. بنابراین صدق عنوان طلبه، به وجه مانعه‌الخلو وابسته به جمع این سه ویژگی است و هریک از این سه از دست رود، حقیقت عنوان طلبه نیز از بین خواهد رفت هرچند لباس طلبگی یا عنوان جامعه‌شناختی یا پرونده تحصیلی باقی باشد. البته این سه ویژگی نیاز به تبیین و تفسیر دقیق دارد که تلاش می‌کنیم در فرازهای بعد بدان پردازیم.

بنابراین همه اهداف تربیتی و ویژگی‌های طلبه موفق در سه عنوان تفقه، تقوا و مجاهدت (ایفای نقش اجتماعی) خلاصه می‌شود و می‌توان گفت نظام آموزشی و تربیتی حوزه باید به دنبال تربیت انسان‌هایی عالم، متقی و مجاهد باشد.

این الگو بر اساس تثلیث ساحت‌های وجودی انسان (اندیشه، انگیزه، رفتار) شکل گرفته و شبیه الگوی عقاید، اخلاق، احکام است. اما بر آن بسیار ترجیح دارد؛ زیرا کلیدواژه تفقه از

جهتی نسبت به عقاید عام‌تر است و از سوی دیگر به شأن صنفی طلبه بیش‌تر نظارت دارد، کلیدواژه جهاد نیز بسیار بیش از واژه احکام ظرفیت دارد و علاوه بر واجب و حرام فردی به روشنی شامل مسئولیت‌های صنفی و اجتماعی می‌شود. اکنون این سه وجه اصلی هویت طلبه را با تفصیل بیش‌تری مرور می‌کنیم:

الف. تفقه

از مهم‌ترین برخوردارهای طلبه، هنر فهم آموزه‌های دینی است. «تفقه» مقوم هویت روحانی و از ذاتیات شخصیت صنفی اوست و اگر حد نصاب دین‌شناسی و آگاهی از معارف اسلام در کسی نباشد، اطلاق طلبه بر او مجاز یا دروغ است!

حد نصاب دین‌شناسی یعنی درجه‌ای از دین‌شناسی که برای طلبه ضروری است و اگر طلبه آن را نداشته باشد نمی‌تواند رسالت طلبگی خود را ایفا کند، فهم موزون دین است. دین‌شناسی چندان قابل تبعیض و تجزیه نیست. دین یک واحد به هم پیوسته اما در عین حال گسترده، عمیق و دارای روابط پیچیده است. برای آشنایی با چنین پدیده‌ای باید همه اجزای آن را به صورتی متوازن شناخت.

این شناخت دو گونه است؛ دین‌شناسی تقلیدی و دین‌شناسی تحقیقی که با قدرت اجتهاد به دست آمده است. دین‌شناسی تقلیدی همین تصویر کامل و متوازن از دین است که به یاری یک استاد فن و اسلام‌شناس محقق به دست آمده است. دین‌شناس مقلد به تنهایی توان استفاده از منابع دین را ندارد و برای تجسم چهره اسلام نیاز به یاری دیگران دارد. اما محققان دین‌شناس عالمانی هستند که می‌توانند به تنهایی از منابع دین - قرآن و روایات - مطالب دین را استخراج کنند، پیام آن را دریابند و سیمای آنرا درک کنند.

شناخت چهره موزون دین هرچند به اعتماد دیگران به دست آمده باشد، بسیار ارزشمند است و حد نصاب طلبگی به شمار می‌رود^۱. یعنی دین‌شناسی تحقیقی و داشتن ملکه

۱. نظام آموزشی موجود حوزه در برآوردن این نیاز چندان کامیاب نیست؛ زیرا در سال‌های نخست، بیش‌تر تلاش می‌کند تا «توانایی‌ها» لازم در جهت فهم عمیق دین را در اختیار طلبه بگذارد. طلبه در سال اول با دین خدا آشنا نمی‌شود، صرف می‌خواند. سال دوم، نحو و منطق می‌آموزد، سال سوم بلاغت، پس از آن هم به آشنایی با فقه و اصول می‌پردازد و تا پایان دوره‌ی تحصیل، اگر به برنامه‌ی درسی

اجتهاد، ضرورت صنفی طلبه نیست. گرچه این ملکه در کارآمدی طلبه بسیار تأثیرگذار است و اگر بخواهیم سیمای طلبه موفق را ترسیم کنیم لاجرم باید اجتهاد را به عنوان یکی از شرایط اصلی بیان کنیم.

دین‌شناسی هم چهره اثباتی و هم چهره سلبی دارد؛ یعنی طلبه هم باید با آموزه‌های اصیل دین آشنا باشد و هم آموزه‌های تقلبی مشابه را بشناسد و هنر تشخیص بدعت‌ها و تحریف‌ها را داشته باشد و عقربه‌های حساسیت علمی او، نسبت به کجی‌ها، انحرافات، تأویل‌ها و استنادات ناروا واکنش نشان دهد.

بدین ترتیب، هر چه طلبه در تشخیص انحرافات دقیق‌تر باشد و قدرت حدس لوازم و فروعات مخفی گزاره‌ها را پیش از بروز آسیب، بیش‌تر داشته باشد، موفق‌تر، کارآمدتر و ارزنده‌تر است. امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

يَحْمِلُ هَذَا الدِّينَ فِي كُلِّ قَرْنٍ عُدُولٌ يَنْفُونَ عَنْهُ تَأْوِيلَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَحْرِيفَ الْغَالِيْنَ وَ اِنْتِحَالَ الْجَاهِلِيْنَ؛^۱

رادمردانی، در هر عصر بار دین را به دوش می‌کشند و تأویل اهل باطل و تحریف اهل غلو و استناد ناروای اهل جهالت را از دین نفی می‌کنند.

برای رسیدن به حد نصاب دین‌شناسی، مطالعه مستمر آیات و روایات، مطالعه آثار اندیشمندان بزرگ اسلامی و ارتباط با عالمان دین ضروری است. اما طلبه نمونه و موفق بر حداقل‌ها اکتفا نمی‌کند و پس از تحصیل حد نصاب، به مراتب برتر دین‌شناسی - یعنی ملکه اجتهاد و تسلط بر استنباط از منابع اصلی - نیز می‌پردازد. بی‌شک آشنایی با علوم مقدماتی مانند ادبیات عربی (صرف و نحو و بلاغت و لغت و ...)، منطق، اصول، رجال، درایه، نیز علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان)، همچنین مهارت‌های تحصیلی (مطالعه، مباحثه، تدریس و ...) و مهارت‌های پژوهشی (پرسش‌گری، منبع‌یابی، جمع‌آوری و تدوین محتوا و ...) برای رسیدن به ملکه اجتهاد ضروری است.

حوزه اکتفا کرده باشد چندان با متن محتوای دین (جز در دایره‌ی گزاره‌های فقهی) انس نمی‌گیرد. بنابراین طلبه به تلاش و اهتمام خود باید این مسیر دشوار را پیماید.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲ و رجال کشی، ص ۴.

ب. تزکیه و حیات دینی

می‌توان فرض کرد که برخی از هنجارها و ارزش‌ها، هم به انسانیت طلبه سود رساند و هم شأن طلبگی او را تقویت کند و او را در اقامه دین یاری رساند؛ یعنی همان توصیه‌های عام که برای همه انسان‌ها-طلبه و غیرطلبه- صادر می‌شود، این بار به لحاظ شأن طلبگی و وظیفه اقامه دین برای طلبه، پررنگ‌تر و با تاکید بیش‌تر بیان شود. بنابراین فهرست مطلوبیت‌های طلبه ممکن است بر بسیاری از مطلوبیت‌های عام انسانی نیز مشتمل باشد، از این جهت که طلبه به جهت موقعیت صنفی خود یا ابتلای بیش‌تری به آن دارد و بیش‌تر در معرض آن قرار می‌گیرد و یا این که در ایفای مؤثر نقش اجتماعی خود، سخت‌تر بدان نیازمند است.

اتفاقاً این فرض درباره تزکیه و تهذیب نفس تحقق یافته است. ارتقای معنوی و تهذیب نفس، وظیفه طلبگی طلبه محسوب نمی‌شود؛ بلکه رسالت انسانی اوست. طلبه پیش از آن که طلبه باشد یک انسان است. هر انسانی در هر صنف اجتماعی که خدمت می‌کند وظیفه تلاش برای کسب کمال روحی را برعهده دارد. این امانت، به دوش انسان با وصف انسان نهاده شده نه به دوش انسان با وصف طلبه. اما طلبه برای اقامه امر دین سخت‌تر نیازمند تزکیه و تجربه حیات دینی است. اگر طلبه، سخت‌گیرانه به ضوابط شرعی پای بند نباشد و طرح زندگی خود را بر اساس الگوی دینی نبسته باشد، هرگز ظرفیت فهم دین را نخواهد یافت و با باطن حقایق دینی ارتباط برقرار نخواهد کرد.

انه لقرآن کریم، فی کتاب مکنون، لایمسه الا المطهرون^۱.

و بی‌تردید در تبلیغ دین نیز ناکارآمد خواهد بود. هم به جهت این که فهم عمیق، مقدمه ابلاغ پیام است و هم به این جهت که سخنی کز دل برون آید نشیند لاجرم بردل، نه سخنی که تنها لقلقه زبان و تقلید طوطی وار باشد. امر دفاع فداکارانه از دین و تلاش برای اجرا و تحقق دین بسیار روشن‌تر است. چگونه می‌توان فرض کرد کسی که عمیقاً نتوانسته با حقیقت دین ارتباط برقرار کند آمادگی دفاع از معارف آن و فداکاری برای تحقق آن را داشته باشد؟

۱. واقعه، آیه ۷۷ - ۷۹.

خدای متعال خطاب به پیامبر خود ﷺ می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الْمُرْسَلُ؛ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا، نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا، أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا، إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا^۱.

ای جامه خواب به خود پیچیده! شب را-جز اندکی- برای نماز به پا خیز! نیمی از شب را یا اگر خواستی اندکی از نیمه بکاه یا اندکی بر نیمه بیفزای و قرآن را پی در پی و شمرده در نمازت بخوان که به زودی ما گفتاری گرانبار را که دریافت حقایق آن دشوار و پایداری بردستوراتش سخت است بر تو القا می‌کنیم.

یعنی لازم است ارتباط سحری ویژه خود را با خدا بیش‌تر گردانی؛ زیرا ما فرمان سنگینی بر تو می‌افکنیم و مسئولیت گرانی بردوش تو می‌نهیم.

از سوی دیگر طلبه به همان میزان که نسبت بیش‌تری با دین خدا دارد وظیفه بیش‌تری در مراعات ضوابط ایمانی دارد. بایدها و نبایدهای عام ایمانی برای طلبه شدیدتر و اکیدتر است و پای بندی به آن برای طلبه بسیار زیننده‌تر و لازم‌تر است. امام صادق علیه السلام به یکی از یاوران و شیعیان نزدیک خود فرمودند:

الْحَسَنُ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَ مِنْكَ أَحْسَنُ، لِمَكَانِكَ مِنَّا وَ الْقَبِيحُ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَ مِنْكَ أَقْبَحُ، لِمَكَانِكَ مِنَّا؛^۲

کار خوب، از هر کس خوب است، اما از تو خوب‌تر است؛ به جهت نسبتی که با ما داری. کار بد، از هر کس بد است و از تو بدتر؛ به جهت نسبتی که با ما داری.

نظیر این که در قرآن کریم برای زنان پیامبر علیهم السلام حساب ویژه‌ای در نظر گرفته شده و از آنان توقع بیش‌تری بیان شده است. زنان پیامبر علیهم السلام به جهت نسبتی که با او دارند، تکلیف بیش‌تری دارند. این نسبت و قرابت از جهتی برای آنان مزیت است و از سوی دیگر، برای آنان مسئولیت ایجاد می‌کند:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُصَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا* وَ مَن يَفْعَلْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَ أَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا

۱. هرآینه این قرآنی است ارجمند، در کتابی نهفته (لوح محفوظ) که جز پاکان بر آن دست ندارند. (مزمّل، آیه ۱-۵)

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۴۹.

*یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ؛^۱

ای زنان پیامبر! هریک از شما که گناه آشکاری انجام دهد، عذاب او دو برابر خواهد بود و این بر خدا آسان است. و هریک از شما که خدا و رسولش را پیوسته فرمان برد و عمل شایسته انجام دهد، پاداشش را دو برابر خواهیم داد و برای او روزی ارزشمندی آماده ساخته‌ایم. ای زنان پیامبر! شما مانند سایر زنان نیستید.

بدین ترتیب عالم و مبلغ دین باید به همه دستورات دینی به نحو حداکثری پای بند باشد و همه آموزه‌های دین را جدی تلقی کند. انضباط فقهی، التزام به آداب اسلامی و سلوک معنوی، برای طلبه هم ارزش فردی و هم ارزش صنفی به شمار می‌رود و بدون این ویژگی، صدق عنوان طلبه بر فرد به حقیقت صحیح نیست.

گاهی گمان می‌شود طلبه اگر بخواهد در طلبگی موفق بوده و رشد مطلوبی داشته باشد، لااقل برای مدتی باید به پاره‌ای از دستورات دینی بی‌اعتنایی کند! از جمله توجهات اجتماعی، مانند صله ارحام، عیادت مریض، امر به معروف، رسیدگی به همسایگان، مراقت با ابرار و... در برنامه برخی از طلاب جایگاه مناسبی ندارد. در حالی که انتظار می‌رود طلبه موفق، سبک عملکرد خود را، براساس الگوی زندگی گسترده دینی شکل دهد، نه این که تنها به زندگی علمی اکتفا کند. و چه بسا نظام تعلیم و تربیت امروز حوزه نیز بیش ترسیمای برنامه علمی طلبه را تداعی کند نه برنامه کامل صنفی او را!

برنامه زندگی طلبه، با برنامه زندگی یک شخصیت صرفاً علمی متفاوت است. می‌توان برای موفقیت در یک پروژه علمی از بسیاری مطلوبیت‌ها و ضرورت‌ها چشم پوشید و افتخار علمی بزرگی آفرید! اما طلبه، بیش از آن که موظف به ارائه موفق یک پروژه علمی باشد، موظف به ارائه یک الگوی زندگی دینی است و در تربیت جامع اخلاقی و معنوی دیگران، نیاز به تجربه شخصی حیات دینی دارد.

ج. کارآمدی صنفی

طلبه باید مجاهد یعنی سخت‌کوش، توانا و ایثارگر بارآمده باشد. مراد از این مجاهدت، تنها مجاهدت با نفس یا جهاد علمی نیست. از این دو ویژگی در مباحث قبلی به تفصیل سخن گفته شده و نیازی به تکرار وجود ندارد. مراد از این مجاهدت ایفای نقش اجتماعی و رسالت صنفی است. طلبه باید مانند هرکس دیگر در نظام تقسیم کار اجتماعی، کاری را برعهده گیرد و گرهی را باز کند و هرگز نباید وجود و عدم او برای جامعه مساوی باشد. طلبه باید خود را مکلف به یاری دین خدا و ارائه خدمتی بداند و برای آن خود را آماده کرده باشد. طلبه باید یک عضو مفید برای پیکره اجتماع باشد؛ و یک کارگزار امین برای اهداف امام عصر علیه السلام که با قوت و قدرت انجام وظیفه می‌کند.

این مقدار، حد نصاب شرایط طلبگی به شمار می‌رود و اگر کسی از آن شانه خالی کند به حقیقت طلبه نیست. اما طلبه موفق در میان انواع نقش‌های اجتماعی و خدمات طلبگی باید خدمتی بزرگ‌تر و جایگزین ناپذیرتر را انتخاب کند و توان خود را به مهم‌ترین اقدامی که از مثل او برمی‌آید اختصاص دهد و در این مسیر توان و مهارت خود را روز به روز نیز بیفزاید. یعنی هرچه نقش اجتماعی مؤثرتر و اقدام بزرگ‌تری را ایفا کند موفق‌تر و مطلوب‌تر خواهد بود. نظام تعلیم و تربیت حوزه باید هریک از طلاب جوان را تبدیل به نیروهایی آنچنان کارآمد و چالاک سازد که کار بزرگ تمدن‌سازی اسلامی با وجود آنان دشوار ننماید.

برای انتخاب تخصص، بصیرت تشخیص نیازهای اجتماعی، شناخت شرایط جامعه و مقتضیات روز لازم است. آگاهی از دنیای جدید، ساختار اجتماع بشری، قدرت‌های تأثیرگذار، ضعف‌ها و قوت‌های شرایط موجود، امکانات و محدودیت‌ها و ... برای هر طلبه ضروری است تا با این نگاه گسترده، نقش بیش‌تری برای خود در امر احیای دین در سراسر جهان تعیین نماید.

این موضوع، برخلاف دو صفت گذشته (تفقه و تزکیه)، نقطه تمایز طلبه امروز با طلبه ۲۰۰ سال پیش و بلکه طلبه قبل از انقلاب است. اگر طلبه این آشنایی‌ها را نداشته باشد، هرچند در تفقه و تزکیه موفق باشد، شاید رسالت خود را به محدوده یک روستا یا حداکثر شهر محدود سازد؛ و همان

کاری که در قرون گذشته توسط طلبه انجام می‌گرفت از او برآید. اما اگر این روشن بینی برای او ایجاد شده باشد، با استفاده از همه فرصت‌ها، وجود خود را وقف اهداف تمدنی و جهانی خواهد کرد و برای این منظور دانش، تجربه، ابزار و امکانات و مهارت‌های لازم را فرا خواهد گرفت. انتخاب صحیح و دقیق مأموریت (با نظریه ویژگی‌های فرد و جامعه)، آموزش و تحصیل موفق، دستیابی به مهارت‌های بالا، یافتن جایگاه مناسب برای خدمت، ایفای نقش به شیوه‌ای کارآمد و صحیح و خلاقیت در انجام وظیفه از مطلوبیت‌های این بخش است.

۵-۶-۲-۳ بهره‌های بحث

بحث از سیمای ایده‌آل طلبه بهره‌های فراوانی دارد؛ ترسیم این چهره نهایی، نقطه هدف را روشن و شفاف و دقیق می‌نمایاند و امر خطیر برنامه‌ریزی برای اقدام و حرکت را سامان می‌دهد. پاسخ سؤال «چه می‌خواهیم بشویم؟» پایه اتخاذ سیاست‌ها و روش‌های گوناگون در همه وجوه زندگی است. تبیین اهداف تربیتی را باید بسیار مهم شمرد؛ «تا ندانید هدفتان کجاست، هرگز نمی‌توانید به گزینش بهترین راه رسیدن به آن پردازید.»^۱ این اهداف، جهت‌دهنده و شاکله‌بخش برنامه‌ها، عامل انسجام آن‌ها، بازدارنده از فعالیت‌های اضافی و یکی از عوامل پویایی چاره‌اندیشی‌های تربیتی هستند. می‌توان گفت: «هدف‌های تربیتی جهت‌تجربیات، فعالیت‌ها، مطالعات و بحث‌های معلم و شاگرد را تعیین می‌کند.»^۲ اساتید و مشاوران، که همواره با پرسش‌های فراوانی در زمینه نحوه برنامه‌ریزی و چگونگی اقدام از سوی طلاب مواجه‌اند، اگر این نگرش کلان را نداشته باشند جز توصیه‌های پراکنده و گاه متضاد، توشه‌ای به طلبه نخواهند داد.

اختلاف ارشادهای این عزیزان نیز، ناشی از نوع تلقی آنان از طلبه مطلوب است. برای آن که این رهنمودهای مختلف یا پیشنهادها متعارض کم شود و اساتید و مشاوران در ارائه برنامه یا طراحی الگوهای رفتاری، هم‌آوا و هم‌سخن گردند لازم است از این نقطه آغاز کنیم. مادام که اتفاق نظری در تعریف «طلبه خوب» پدید نیامده، دستورالعمل‌های متعدد، متنوع

۱. شعبانی، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، ص ۱۹۶.

۲. شریعتمداری، جامعه و تعلیم و تربیت، ص ۱۷۷.

و ناساز، باقی خواهند ماند و تلقی خواهند شد.

عمده سیاست‌های تربیتی، معطوف به نگاه ما به «تیپ ایده‌آل» است. عمدهٔ اختلاف دیدگاه‌ها، سیاست‌ها و توصیه‌ها نیز به این بحث بازمی‌گردد. اگر مدیر یک مدرسه علمیه تنها به اخلاق فردی و دانش حوزوی طلاب حساسیت نشان می‌دهد اما مدیر مدرسه‌ای دیگر، دغدغه‌مند موضوعات فرهنگی و اجتماعی است به جهت وجود دو دیدگاه در تیپ ایده‌آل طلبه است. نقش اساسی اهداف تربیت، جلوگیری از انحراف طراحی‌ها و فعالیت‌های آموزشی و تربیتی از سمت و سوی حکیمانه و عالمانه است. ترسیم چهره ایده‌آل طلبه، شاقولی برای آسیب‌شناسی است و امکان ارزیابی دقیق، علمی و مستمر را فراهم می‌آورد و فرصتی می‌آفریند تا به گونه‌ای نوبه صدر و ساقه برنامه کاری طلبه و همه دست‌اندرکاران نظام روحانیت نظر شود و جهت و مسیر و سرعت حرکت آنان اصلاح یا ترمیم گردد. این آسیب‌شناسی، ارزیابی و اعتبارسنجی، هم در برنامه کاری یک طلبه، و هم در عملکرد اساتید، مربیان، مدیران مدارس، کارگزاران و برنامه‌ریزان حوزه در سطوح کلان جاری است. همه این‌ها را می‌توان با نظریه ویژگی‌های طلبه مطلوب محک زد و نمره داد.

نظام‌های حوزه (نظام آموزشی، نظام تبلیغی، نظام پژوهشی، نظام مدیریتی، نظام جذب و گزینش و...) نیز همه از دستاورد این تلاش بهره خواهند داشت. تدوین بهینه این نظام‌ها همواره مرهون نظریه آن وضعیت آرمانی است.

با نظریه طلبه مطلوب حتی می‌توان در استانداردهای موجود و هنجارهای جاری تجدید نظر کرد و نظام ارزش‌گذاری یا مبنای ارزیابی جدیدی تعریف کرد.

شناخت سیمای طلبه مطلوب، به شناخت سیمای حوزه مطلوب، مدرسه علمیه مطلوب، نظام آموزشی و تهذیبی مطلوب، مدیر مطلوب و مربی مطلوب هم می‌انجامد.



فصل چهارم:

عوامل و موانع مؤثر بر تهذیب و تربیت در حوزه‌های علمیه



اهمیت و ضرورت بحث

تربیت که فرایندی پیچیده و دارای ساحت‌ها و مراحل گوناگون است، خود معلول علت‌ها و تحت تأثیر شرایط گوناگونی است و در صورتی می‌توان به اهداف تعیین شده برای آن دست یافت که به همه اموری که به نحوی در این فرایند تأثیر مثبت یا منفی دارند، توجه شود. از این جهت برای برنامه‌ریزان و سایر مجریان تربیت، بسیار مهم و ضروری است که علل و موانع مختلفی را که ممکن است در دستیابی به اهداف تربیت مؤثر باشند، شناسایی کنند تا متناسب با شرایط مختلف و با توجه به پیامدهای دیگری که ممکن است این علل و موانع در برداشته باشند، تلاش نمایند مناسب‌ترین آن‌ها را برگزینند و در تربیت از آن‌ها استفاده کنند.

تعریف عوامل و موانع تربیت

عوامل و موانع تربیت، به اموری گفته می‌شود که می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم، چند جانبه یا از جهتی خاص، با قصد یا بدون قصد و اغلب به تدریج، در تحقق اهداف تربیت مؤثر باشد.^۱ به بیان دیگر، عوامل و موانع تربیت شامل مجموعه‌ای از تمامی افراد، اشیا، ابزارها، ابعاد، ساختارها، برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که بر فرآیند تربیت به صورت مثبت یا منفی اثر می‌گذارد.

این عوامل و موانع را می‌توان از منظرهای گوناگون دسته‌بندی کرد که از جمله آن‌ها، تقسیم به عوامل و موانع درونی و بیرونی است.

می‌دانیم برخی عوامل و موانع در درون خود متربی هستند و برخی از بیرون بر تربیت او اثر

۱. گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۷۸.

می‌گذارند. شناخت دسته اول از طریق درون‌نگری و نیز علوم فیزیولوژی، روان‌شناسی و مانند آن مقدور است و شناخت دسته دوم با مطالعات جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی و مانند آن‌ها. دسته اول به بینش، گرایش، توانش و رفتار خود متربی باز می‌گردد و دسته دوم به واسطه ارتباطی که وی با انسان‌های دیگر یا با خداوند و طبیعت دارد، در او تأثیر می‌گذارند. ضمن این‌که باید توجه داشت عوامل و موانع بیرونی به طور عام با واسطه عوامل درونی در متربی تأثیر می‌کنند و از این جهت، میان عوامل و موانع بیرونی و درونی نوعی ترتیب وجود دارد. هم‌چنین لازم به ذکر است که این تقسیم‌بندی ناظر به دامنه شمول عوامل و موانع می‌باشد.^۱ عوامل و موانع درونی به سه دسته بینشی، گرایشی و توانشی-رفتاری و عوامل بیرونی به سه دسته معنوی، انسانی و طبیعی تقسیم می‌شوند که نمونه‌هایی از این سه دسته را به تفکیک از نظر می‌گذرانیم:

۴-۱ عوامل و موانع درونی

۴-۱-۱ عوامل و موانع بینشی

۴-۱-۱-۱ عوامل بینشی

بینش‌ها شامل شناخت‌ها، باورها، آگاهی‌ها، نگرش‌ها، جهان‌بینی و اصول تفکر هستند. این عوامل بینشی براراده و عواطف آدمی تأثیر گذاشته و از این راه، روند تربیت انسان را تغییر می‌دهند.

برخی از این عوامل بینشی عبارتند از: شناخت‌ها و آگاهی‌های دینی، بصیرت و آگاهی به زمان، توان تشخیص حق از باطل و... در این جا برخی از عوامل توضیح داده می‌شود.

الف. شناخت جامع و درست دین

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ فِيهِ مُحْتَاجٌ إِلَى الْمَعْرِفَةِ؛

۱. تلخیص و اقتباس از همان، ص ۳۹۴ و ۳۹۵.

هیچ حرکتی نیست مگر این که انسان در آن نیازمند به شناخت است.^۱

مقام معظم رهبری رحمته‌الله‌علیه در اهمیت شناخت کامل، دقیق و درست دین برای طلاب و روحانیون می‌فرماید:

روحانی باید با اندیشه ناب اسلامی از بهترینش، مستدل‌ترینش و قوی‌ترینش مجهز باشد. ما این طور اندیشه‌ها و حرف‌ها، بسیار داریم. یک نفر مثل شهید مطهری رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، یک جامعه دانشگاهی را در مقابل خود، به قبول و اذعان و تسلیم و امی داشت. در همان دانشکده‌ای که آن بزرگوار تدریس می‌کرد، کسانی بودند که به طور صریح، ضد دین تبلیغات می‌کردند و درس می‌گفتند. آن بزرگوار نرفت با آن‌ها دعوا کند و دست به یقه شود. حرف زد، فکرداد، حقایق را گفت؛ از ذهنیت صحیح استفاده نمود و فضا را قبضه کرد.^۲

ب. بصیرت و آگاهی به زمان

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

من عرف الايام لم یغفل عن الاستعداد...^۳

کسی که به زمانه آگاه باشد، از آمادگی غافل نمی‌گردد.

امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید:

العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس...^۴

کسی که به زمان خویش آگاه باشد، امور مشتبه براو هجوم نمی‌آورند.

مقام معظم رهبری رحمته‌الله‌علیه در اهمیت بصیرت برای طلاب و روحانیون می‌فرماید:

امروز یک روحانی اگر بخواهد مفید باشد، باید بصیر باشد. اگر بصیر نباشد، در تشخیص جایگاه خود و جایگاه دشمن اشتباه خواهد کرد. اگر در تشخیص جایگاه خود و جایگاه دشمن اشتباه کرد، توپ‌خانه را به سمت نیروی خودی آتش خواهد کرد؛ درست مثل جبهه. در جبهه آدم‌ها این جور رو به روی هم که قرار نگرفته‌اند؛ کیلومترها فاصله است. اگر قطب‌نما همراه انسان نباشد، اگر موقعیت خود را انسان نداند، موقعیت دشمن را نداند، خمپاره‌اش را پرتاب میکند روی سر نیروی خودی. این اتفاقی که متأسفانه در مسائل سیاسی و روحانی و دینی و اجتماعی ما بارها

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۱.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۲/۳/۲۶.

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۳.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۷.

اتفاق افتاده است. خودی‌های ما، خوب‌های ما، متدین‌های ما که عزیزهم بودند از نظر ما، توپ‌خانه‌شان را روشن کردند روی امام، روی جبهه‌ی حق، روی حکومت حق. اگر ندانید دنیا دست کیست، کی علیه شما دارد توطئه می‌کند، کی به سمت شما دارد شلیک می‌کند، چه جور می‌شود به او شلیک متقابل کرد، این اشتباهات پیش می‌آید. روحانی باید بصیر باشد. این است که طلبه‌ی ما نمی‌تواند برود توی حجره و توی پستو بنشیند، بگوید من فقط می‌خواهم مطالعه کنم؛ نه، زحمت دارد البته؛ باید زحمت را قبول کند؛ باید با مسائل جهانی آشنا بشود؛ باید بداند در کشور چه می‌گذرد؛ باید بداند در دنیا چه می‌گذرد.^۱

سوم از واجبات حوزه علمیه این است که مدیران محترم حوزه و بزرگان و اعلام حوزه باید طلاب را از لحاظ فکری و سیاسی مصونیت بدهند. طلاب را از لحاظ فکر اسلامی و ظرافت‌هایی که در برخورد با امواج گوناگون فکری وجود دارد، باید مصونیت ببخشند. باید طوری بشود که هر طلبه‌ای احساس کند در مقابل هر منطقی که برای او پیش می‌آید- ولو برایش از قبل ناآشنا باشد- این مایه را دارد که بتواند مواجهه و مقابله کند. همچنین در زمینه‌های سیاسی باید قدرت تحلیل سیاسی به طلاب داده شود. این مجموعه عظیم جوان در این حوزه علمیه، مجموعه‌ای است که می‌تواند و باید بتواند حوادث سیاسی را جزء به جزء تحلیل کند؛ معنای هر حرکتی را که صفوف مختلف و جناح‌های مختلف در داخل و خارج می‌کنند، بفهمد تا بتواند آن خط مستقیم و صراط الهی را در این بین همواره در مقابل چشم داشته باشد و فریب نخورد.^۲

آگاهی به زمان، شامل مهم‌ترین شناخت‌ها نسبت به مسایل تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، طبیعی و مانند آن‌هاست که برای گذران درست زندگی ضروری هستند.^۳

۲-۱-۱-۴ موانع بینشی

موانع بینشی می‌تواند جهت تربیت انسان را از سیر صعودی به نزولی بکشانند. برخی از موانع بینشی عبارتند از: افکار و وسوسه‌های شیطانی، غفلت^۴ و فراموشی^۵، جهل و نادانی، ضعف‌های شناختی، ظن و گمان^۶، شک و تردید و...

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون استان یزد، ۱۲/۱۰/۱۳۸۶.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در جمع طلاب و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۴/۰۷/۱۳۷۹.

۳. گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، پاورقی ص ۳۹۷.

۴. مَنْ أَعْرَضَ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى. (طه، آیه ۱۲۴)

۵. وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. (حشر، آیه ۱۹)

۶. ان الظن لا یغنی من الحق شیئا. (یونس، آیه ۳۶): ان بعض الظن اثم. (حجرات، آیه ۱۲)

الف. افکار و وسوسه‌های شیطانی

از بررسی آیات مربوط می‌توان دریافت که شیطان از طریق هواهای نفسانی در انسان نفوذ می‌کند و کار و تلاش وی را تأیید می‌کند یا تغییر می‌دهد. کارهای زشت را در نظر انسان می‌آراید^۱ و وی را در انجام دادن آن تثبیت می‌کند و در مقابل نیز او را می‌ترساند و از کارهای خیر باز می‌دارد^۲ و مسیرش را تغییر می‌دهد. انسان وقتی تحت تأثیر وسوسه‌های شیطان، توجهش به مادیات و لذایذ دنیا جلب شد، از خدا غافل می‌شود و در دل او جایی برای خدا باقی نمی‌ماند.^۳ کسانی که دنبال شیطان می‌روند و حلقه بندگی و بردگی وی را گردن می‌نهند، کم‌کم شیطان بر آنان مسلط می‌شود^۴ و عامل این تسلط، سوء اختیار خود ایشان است. این جاست که نقش مربی برجسته می‌شود. بنابراین بر مربی است که راه‌های نفوذ شیطان و راهکارهای مقابله با آن را به مرتبی آموزش دهد تا در طی مسیر از کمین‌های شیطان رهایی یابد.

ب. غفلت و فراموشی

غفلت در اصطلاح به معنای سستی و تنبلی انسان از توجه به هدف است؛ چه هدف دنیوی و چه هدف اخروی.^۵ اولین شرط پیمودن راه تکامل، توجه مستمر به هدف و فراموش نکردن آن و سپس تلاش و جدیت است.^۶ طالب نجات، هم باید از غفلت بیرون آید و هم از سستی کناره گیرد. در طول زندگی، عوامل مختلفی در غفلت انسان تأثیر دارند که او را از آخرت و راه رستگاری دور می‌سازند. نقش برجسته مربی، آن‌جا بیش تر خود را نمایان می‌کند که بتواند در مراحل تربیت، عوامل غفلت‌زا را تشخیص، مرتبی را نسبت به آن‌ها هشدار داده و راه برون‌رفت را نشان دهد.

۱. نحل، آیه ۶۳.

۲. نساء، آیه ۱۲۰.

۳. احزاب، آیه ۳۳.

۴. نحل، آیه ۱۰۰.

۵. نراقی، جامع السعادات، ترجمه فیض، ج ۲، ص ۳۹۹.

۶. امام علی علیه السلام: إِنْ كُنْتُمْ لِلنَّجَاةِ طَالِبِينَ فَارْقُضُوا الغفلةَ وَاللَّهُوَ وَالزُّمُومَةُ الجهادَ والجِدَّةَ؛ اگر طالب نجات و رستگاری هستید، بی‌خبری و کارهای بی‌هوده را ترک کنید و پیوسته ملازم کوشش و تلاش باشید. (تمیمی آمدی، غررالحکم، ح ۲۷۴۱)

۲-۱-۴ عوامل و موانع گرایشی

گرایش در لغت به معنای «میل و خواهش، رغبت، قصد، اراده و آهنگ» می‌باشد. گرایش به معنای یک نظام از تمایلات، عقاید و انتقادات یک فرد نسبت به پدیده‌های محیط خود می‌باشد. این نظام از تمایلات در طول زمان در پی تأثیرات محیطی و کارکردهای درونی شخص در میان سازه‌های روانی، همانند باورها و ارزش‌ها شکل می‌گیرد. عواطف و گرایش‌های انسان اگر به صورت درست هدایت و کنترل شوند، نقش بسیار سازنده‌ای در پرورش و شکوفایی استعدادها و رشد انسان ایفا خواهند کرد.

۱-۲-۱-۴ عوامل گرایشی

برخی از عوامل گرایشی مؤثر بر جریان تربیت عبارتند از: امید، بلندهمتی، اخلاص، احساس شرافت، حق‌گرایی و کمال‌گرایی.

الف. امید

امید یک حالت روحی و روانی و برانگیزاننده انسان به کار و فعالیت است. به طور طبیعی، انگیزه بشر در کارهای اختیاری، امید به نفع یا ترس از زیان است. در واقع، خوف و رجا به منزله نیروی اجرایی برای حرکت بوده، عامل مستقیم تلاش‌ها و رفتارهای انسانی است. امیدی که از معرفت و شناخت نسبت به مبدأ و معاد حاصل می‌شود، اساس همه تلاش‌های مفید و پرتیرانسانی و نیز منشأ اصلاح امور در جامعه و رسیدن شخص به سعادت ابدی است؛ همان گونه که ناامیدی و قطع امید نسبت به خدا و روز قیامت منشأ فسادها و تبه‌کاری‌ها و منتهی شدن کار انسان به شقاوت ابدی است.^۲

امید به عنوان نیروی محرکه انسان، موجب تقویت انگیزه و نشاط انسان و ارتقاء روحیه تلاش، سخت‌کوشی و خستگی‌ناپذیری وی می‌شود. همان گونه که امید به لقاء پروردگار عالمیان، انگیزه اصلی انجام اعمال شایسته و اخلاص در عبادت‌های مؤمنان می‌باشد. قرآن می‌فرماید:

۱. رک: فرهنگ فارسی معین و دهخدا، ذیل واژه گرایش.

۲. داودی، محمدرضا، امید و نقش تربیتی آن در زندگی انسان، ماهنامه معرفت، شماره ۸۱.

فَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا^۱؛

هر کس امید به لقای پروردگارش (روز قیامت) دارد، باید عمل صالح بجای آورد و کسی را در عبادت پروردگارش شریک نسازد.

نیز در آیه دیگری فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ^۲؛

آنان که ایمان آورده‌اند و کسانی که هجرت نموده و در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند و خداوند آمرزنده مهربان است.

از این رو، بر متولیان و مباشرین امر تربیت طلاب در مدارس علمیه (از جمله مدیر، اساتید و مشاوران)، لازم است امید و خوش بینی نسبت به وضعیت موجود حوزه، متون درسی و آینده تحصیلی، شغلی و خانوادگی را در بین طلاب، افزایش دهند و کمک کنند تا آن‌ها با روحیه‌ای مضاعف این مسیر پرافتخار سربازی امام عصر^{علیه السلام} را بپیمایند.

ب. بلند همتی

یکی از ابزارهای مهم برای فتح قله‌های سعادت و کمال، داشتن همت بلند و اهداف متعالی است. علو همت عبارت است از سعی و کوشش در تحصیل سعادت و کمال و طلب کردن کارهای بزرگ و عالی، بدون در نظر گرفتن سود و زیان دنیا؛ به طوری که به سبب دست یافتن به منافع دنیوی شادمان نشود و از فقدان آن اندوهگین نگردد.^۳ کسی که به کم رضایت می‌دهد، خیلی زود از حرکت می‌ایستد. از ما خواسته شده است «بالاترین» را هدف بگیریم و با استمداد از خدا و عزم راسخ، «بهترین» شویم که گفته‌اند: همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند به جایی رسیده‌اند.

قرآن کریم در وصف «عباد الرحمن» می‌فرماید:

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛

کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران کن».

۱. کهف، آیه ۱۱۰.

۲. بقره، آیه ۲۱۸.

۳. نراقی، علم اخلاق اسلامی، ص ۳۲۲.

خواست و آرزوی بندگان خدا، تنها به جهنم نرفتن، نسوختن و رهایی از عذاب خدا نیست. بنده خدا، تنها به متقی شدن نیز راضی نمی‌شود. همت او آن است که پیشوا و درس‌آموز متقیان باشد و به گونه‌ای شود که چشم همه نیکان و وارستگان به او دوخته گردد. به نجات از غضب خدا و آتش دوزخ بسنده نمی‌کند.

همت بلند، انسان را به کمالات و قرب خدا نزدیک می‌کند و دون همتی، پیروی شهوات و سرانجام سقوط به بدبختی و دوری از رحمت خدا را در پی دارد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

- هر کس که آخرت همتش باشد، از خیر به نهایت آرزویش می‌رسد؛

- همت و تلاش خود را صرف آخرت کن^۱ و تمام همت و سعی خود را برای رهایی از جایگاه بدبختی و عقاب و رستگاری از محلّ بلا و عذاب بگردان؛^۲ زیرا هر که دنیا عزم او باشد، بدبختی و غم او در روز قیامت طولانی شود؛^۳

- هیچ چیز هم چون همت آدمی او را بلند نکرد و هیچ چیز مانند شهوتش او را فرود نیاورد.^۴

ج. اخلاص و پاک‌سازی نیت^۵

یکی از عوامل مهم در موفقیت علمی و اخلاقی یک طلبه، تحصیل اخلاص و پاک‌سازی نیت است. اخلاص در لغت به معنای خالص کردن، ویژه کردن، خلوص نیت داشتن، عقیده پاک داشتن، ارادت صادق داشتن، بی‌ریا و سمعه طاعت آوردن خدای را تعالی، دین بی‌ریا داشتن و... آمده است... و تحقیق آن است که در هر چیز ممکن است چیز دیگر مخلوط و مشوب شود، وقتی که آن چیز را از این غیر صافی و خالی شد آن را خالص گویند و این کار را اخلاص نامند.^۶ در مصطلح شرعی نیز نزدیک به همان معنای لغوی و عبارت است از: پاک

۱. تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۴۴.

۲. همان، غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۵۹.

۳. آفاجمال خوانساری، شرح خوانساری بر غررالحکم، ج ۲، ص ۲۲۳.

۴. همان، ج ۵، ص ۴۴۶.

۵. مَا رَفَعَ أَمْرَهُ كَهَمَّتِيهِ وَلَا وَضَعَهُ كَشَهْوَتِيهِ. (تمیمی آمدی، همان، ح ۹۷۰۷)

۶. به نظر می‌رسد می‌توان اخلاص را از عوامل گرایشی به شمار آورد؛ چرا که به قول ملاصدرا در شرح اصول کافی، محل اخلاص و شرک در قلب انسان است: الاخلاص والشرك يتواردان على القلب ومحله القلب. (ملاصدرا، شرح أصول الکافی، ج ۱، ص ۴۶۷)

۷. لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه اخلاص.

واقع مقدمه تهذیب نفس و تحصیل فضایل، آداب و معارف الهیه، می‌باشد. تا پایان عمر در مقدمه نمانید که نتیجه رها سازید. شما به منظور هدفی عالی و مقدس، که عبارت از خداشناسی و تهذیب نفس می‌باشد، این علوم را فرا می‌گیرید و باید در صدد به دست آوردن ثمره و نتیجه کار خود باشید برای رسیدن به مقصود اصلی و اساسی خود جدیت کنید.^۱

تحصیل اخلاص در نیات و اعمال از دشوارترین و پیچیده‌ترین کارهاست که به سادگی نمی‌توان به آن دست یافت و نیازمند مجاهده طولانی و مستمر با نفس و استقامت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث قدسی از خداوند متعال نقل می‌کند که:

الإِخْلَاصُ سِرٌّ مِنْ أَسْرَارِي اسْتَوْدَعْتُهُ قَلْبَ مَنْ أَحْبَبْتُ مِنْ عِبَادِي؛^۲

اخلاص سری از اسرار من است که در دل بندگان محبوب خویش به امانت گذاشته‌ام.

در ابتدای تحصیل ممکن است برخی خویش را از آلودگی به اهداف فاسد منزّه بدانند و چنین پندارند که انگیزه و غرضی غیر از خدا ندارند؛ ولی باید متوجه بود که وقتی دست آدمی از همه جا کوتاه است، می‌پندارد که هدفی جز رضای خدای متعال ندارد و صد البته این کافی نیست. بلکه چنان باید باشد که اگر روزی ریاست و شهرت و مسند و مقام هم به او روی آورد خود را نبازد و شایسته آن‌ها نشود و از این امور اعتباری به عنوان وسیله‌ای برای دست یافتن به اهداف خدایی استفاده کند.^۳ بنابراین، کسب و نگه داشتن اخلاص عمل در زندگی طلبگی بسیار دشوارتر است؛ چرا که بیش تر اعمال و رفتارهای طلبه در جامعه و زیر ذره بین نگاه مردم قرار دارد.

روزی علامه بحر العلوم رحمته الله را شاگردانش خندان و متبسم یافتند، سبب پرسیدند؟ در پاسخ فرمود: پس از بیست و پنج سال مجاهدت، اکنون که در خود نگریستم، دیدم دیگر اعمالم ریایی نیست و توانسته‌ام به قلع و قمع ریاء موفق شوم.^۴

کوتاه‌ترین راه برای کسب اخلاص و پرهیز از ریاء و سُمعه، تقویت توحید می‌باشد؛ چرا که

۱. امام خمینی، جهاد اکبر، ص ۱۰ و ۱۱.

۲. شهید ثانی، منیة المرید، ص ۱۳۳ و علامه مجلسی، همان، ج ۶۷، ص ۲۴۹.

۳. مختاری، سیمای فرزندگان، ص ۱۰۶.

۴. همان، ص ۱۰۴، به نقل از لب الالباب، ص ۵۵.

اخلاص میوه علم و معرفت است.^۱ منظور از توحید در این مقام، توحید افعالی می‌باشد؛ یعنی انسان باور کند که فاعل حقیقی خداوند متعال است و هیچ مؤثری در عالم جزا و نیست. اگر برای ما روشن شود و بفهمیم که عطا و منع، غنا و فقر، بیماری و سلامتی، عزت و ذلت، زندگی و مرگ و... همه در دست خداوند است و هر آنچه در جهان هست تحت امر اوست، دیگر دل به دیگران نمی‌بندیم و ریا و خودنمایی در مقابل دیگران برایمان لذتی نخواهد داشت.

بنابراین بر مریبان لازم است با تقویت مبانی اعتقادی و توحیدی در متریبان، زمینه کسب و حفظ اخلاص را در آنان فراهم کنند.

۲-۲-۱-۴ موانع گرایشی

شماری از موانع گرایشی تربیت عبارتند از: هوای نفس، ضعف انگیزه، ضعف اراده و کم‌همتی، خودپسندی، خودرأیی، ناامیدی از خدا، ترس بی‌جا، دنیاگرایی، طمع، شهوت و لذت‌گرایی، راحت‌طلبی، خشم و غضب بی‌جا، احساس حقارت، عادت‌های ناشایست، لجاجت و تعصب بی‌جا، شیفتگی بی‌منطق، احساس بی‌نیازی از خدا، فرومایگی، کم‌رویی، بخل، افسوس گذشته و اندوه آینده، آرزوهای دور و دراز و بیهوده، برتری‌طلبی، جاه‌طلبی و خودمحوری. تفصیل بحث پیرامون همه این موانع در این مجال میسر نیست، لکن به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. هوای نفس و حب نفس

یکی از موانع اصلی در رشد اخلاقی و معنوی انسان، پیروی از خواهش‌ها و هواهای نفسانی است.

يَدَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا الْحِسَابَ^۲.

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَهَيَّيَ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ، فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ^۳.

۱. ثمره العلم إخلاص العمل. (غرر الحکم، ص ۳۲۸، ش ۵۵)؛ إخلاص العمل من قوة اليقين وصلاح التوبة. (همان، ص ۷۰، ش ۱۳۴۸)

۲. ص، آیه ۲۶.

۳. نازعات، آیه ۴۰ و ۴۱.

درون انسان، همواره دو گرایش و کشش در ستیزند: عقل و نفس؛ اگر هوای نفس بر عقل غلبه یابد و آن را اسیر خواسته خود کند، نفس جولان‌گاهی برای انحراف از حق می‌گردد و موجب سقوط و شقاوت ابدی می‌شود، ولی اگر به عقل بها داده شود، بر خواسته نفس مسلط می‌گردد و آن را تحت مدیریت خود قرار می‌دهد. با به کارگیری عقل در تربیت، رشد تدریجی انسان شروع شده و کم‌کم شرح صدر پیدا کرده و زمام امور خویش را به دست می‌گیرد. راه ورود معارف الهی به قلب، گوش و دل باز است؛ به شرطی که با پیروی از هواهای نفسانی، مهر نخورده باشند.^۱

امام خمینی رضی الله عنه در اهمیت رهایی از هوای نفس می‌نویسند:

ای عزیز! مغرور مشو و بدان که تا انسان در قید اسارت نفس و شهوات آن است و سلسله‌های طولانی شهوت و غضب در گردن اوست به هیچ یک از مقامات معنوی و روحانی نایل نمی‌شود و سلطنت باطنیه نفس و اراده نافذ آن بروز نمی‌کند و مقام استقلال و عزت نفس که از بزرگترین مقامات کمال روحانی است در انسان پیدا نمی‌شود.^۲

نیز خطاب به فرزندشان می‌فرماید:

پسر! برای ماها که از قافله [ابرار] عقب هستیم یک نکته دلپذیر است و آن چیزی است که به نظر من شاید در ساختن انسان که در صدد خود ساختن است دخیل است؛ باید توجه کنیم که منشا خوش آمد ما از مدح و ثناها و بدآمدنمان از انتقادهای و شایع افکنی‌ها، حب نفس است که بزرگترین دام ابلیس لعین است. ماها میل داریم که دیگران ثناگوی ما باشند گرچه برای ما افعال ناشایسته و خوبی‌های خیالی را صد چندان جلوه دهند و درهای انتقاد، گرچه به حق، برای ما بسته باشد یا به صورت ثناگوی درآید.^۳

۱. أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمِهِ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ؛ پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و برگوش او و دلش مهرزده و بردیده‌اش پرده نهاده است آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد آیا پند نمی‌گیرید. (جاثیه، آیه ۲۳)

۲. امام خمینی، چهل حدیث، ج ۱، ص ۲۴۹.

۳. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۳۶۱ و ۳۶۱.

ب. ضعف انگیزه طلبگی

یکی از موانع و آسیب‌هایی که ممکن است در مسیر حرکت طلاب علوم دینی به سمت رشد و کمال علمی و معنوی بوجود آید ضعف انگیزه طلبگی می‌باشد. ضعف انگیزه نه تنها به خودی خود یک آسیب جدی به شمار می‌رود، بلکه ممکن است زمینه ساز بروز برخی آسیب‌های اخلاقی، تربیتی و تحصیلی نیز گردد. اینکه افراد هنگام ورود به حوزه‌های علمیه و نیز در ادامه مسیر پرفراز و فرود طلبگی، چه انگیزه‌هایی را دنبال می‌کنند؟ آیت الله مجتبی‌تهرانی رحمته‌الله سال ۱۳۹۱ در مراسم افتتاحیه سال تحصیلی حوزه‌های علمیه استان تهران در این رابطه می‌فرماید:

مطلب دیگری در این جا مطرح است و آن اینکه آن کسی که تازه به تحصیل و طلب علم ارزش می‌دهد چگونه با مسأله انگیزه تحصیل مواجه می‌شود. از طلبه‌هایی که وارد حوزه‌ها می‌شوند سؤال کنید که برای چه آمدی؟ و برای چه درس می‌خوانی؟ این جا است که شقوق پیدا می‌کند، یعنی انگیزه‌هایشان مختلف است. مثلاً والاترین انگیزه برای به دست آوردن علم را این مطرح می‌کنند که می‌گویند: طلب علم برای علم؛ یعنی می‌خواهم عالم بشوم. ما می‌گوییم این ارزنده است و ارزش هم دارد. یا مثلاً شخصی می‌گوید: می‌خواهم در اجتماع مرتبه رفیعی را پیدا کنم، یا می‌خواهم مرجع تقلید بشوم. می‌گوید: بهتر از این می‌خواهی؟ مقامی والاتر و مقدس‌تر از این داریم؟ و البته در جایی هم تنزل می‌کند و پایین می‌آید. در این جا عده‌ای هستند که بستگی به نظرشان دارد. بعضی نظر بلند هستند اما این‌ها نظرشان پایین است و فرض کنید، می‌گویند: می‌خواهیم حیثیتی پیدا کنیم و امور معیشتی را بگذرانیم. به تعبیر من، وسیله‌ای برای امرار معاش داشته باشیم. اخیراً هم سطح پایین آمده و می‌گویند: برای مدرک درس می‌خوانیم. الآن مدرک را که بگیری چه کار می‌خواهید بکنید؟ می‌خواهند از این راه پول در بیاورند و زندگی و معیشتشان را تأمین کنند. من از شما سؤال می‌کنم: آیا همه این اشخاص ارزش‌هایی را که برای تحصیل علم آمده دارند؟ آیا این آثار بر این تصمیمات مترتب می‌شود؟ جواب: نه!

در ادامه نیز اشاره داشتند:

در باب مسأله انگیزه برای تحصیل و تدریس، فضلا، طلاب محترم و اساتید معظّم باید مراعات این را کنند که این انگیزه برای اینکه حوزه‌های علمیه را از رکود بیرون بیاوریم کمک است. الآن بدترین رکود را داریم. تورّم در حوزه‌ها هست، اما پیشرفت نیست. چرا بترسیم؟ عده‌ای طلبه

در این جا جمع شدیم تا از این مسائل بگوییم. آیا طلبه‌ها آن طور که باید درس بخوانند درس می‌خوانند؟ استاد می‌فرمود: «این امانت در دست شما است؛ امانت الهی است، حفظش کنید و حفظش به این است که درس بخوانید.» آیا این حوزه‌ها مثل حوزه‌های علمیه سابق است و به همان نحو در تحصیل کوشش می‌کنند؟ ان شاء الله که این طور باشد. اگر کسی از من پرسد من چشمم را روی هم می‌گذارم و می‌گویم: ان شاء الله، چون می‌بینم که غیر از این است. یکی از آثار تصحیح انگیزه برای تحصیل و تدریس که اگر تنزیه شود، الهی شود و برای ترویج دین و تبلیغ دین باشد این است که کمره‌مت را می‌بندد و درس می‌خواند، چون می‌خواهد ترویج دین کند، اما آن انگیزه در شخص وجود ندارد تا به فعالیت وادارش کند.^۱

اینکه چه عواملی باعث شده حوزه‌های علمیه با پیشینه طولانی بیش از هزار ساله خود، نتواند همچون گذشته شخصیت‌ها و بزرگانی چون علامه مجلسی، علامه بحرالعلوم، مقدس اردبیلی، شیخ طوسی، میرداماد، شیخ طبرسی، محقق حلی، ملاصدرا، شیخ انصاری، سیدبن طاووس، شیخ مفید، سیدمرتضی، سیدرضی، میرزا جواد ملکی تبریزی، میرزا علی آقا قاضی طباطبایی، حاج شیخ عبدالکریم حائری، آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله بهاء‌الدینی، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله اراکی، آیت‌الله مرعشی نجفی، علامه طباطبایی، امام خمینی و آیت‌الله بهجت (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) را تربیت کند به بررسی بیشتر و دقیق‌تری نیاز دارد که در این مختصر نمی‌گنجد، اما با توجه به مطالعات انجام شده و تجارب میدانی، ضعف انگیزه طلبگی یکی از مهم‌ترین ریشه‌های این کاستی می‌باشد. آیا مسأله ضعف انگیزه، به نظام پذیرش و گزینش حوزه مربوط می‌شود و اینکه در جذب جوانان با استعداد، با انگیزه و دارای پشتکار و عشق به سربازی امام زمان علیه السلام، ناموفق بوده است؟ آیا ایراد متوجه نظام تعلیم و تربیت حوزه است که در تربیت طلاب فاضل، مهذب، بصیر و انقلابی نتوانسته به خوبی به رسالت اصلی خود عمل کند؟ به قول مرحوم آیت‌الله تهرانی: «حاصل نظام فعلی چیزی شده که تورم در حوزه‌ها هست، ولی پیشرفت نیست!». به هر حال با وجود تلاش‌های مستمر و برنامه‌ریزی‌های چشم‌گیر و قابل‌تحسین مسئولان و دست‌اندرکاران حوزه، هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی وجود دارد و همکاری همه دستگاه‌های ذی‌ربط را می‌طلبد که در قسمت ارائه راهکارهای تقویت انگیزه، به

اهمیت و نقش بخش‌های مختلف حوزه اشاره خواهد شد. در یک رویکرد زمینه‌یابی، می‌توان ریشه ضعف انگیزه صحیح طلاب را در دو دسته موانع درونی و بیرونی دنبال کرد:

موانع درونی

در بیان انگیزه‌های نادرست برخی افراد برای ورود به حوزه، به علل زیر می‌توان اشاره نمود:

- فرار از خدمت سربازی؛
 - ناکامی در ورود به دانشگاه؛
 - بی‌کاری و نداشتن شغل (طلبگی را نیز شغلی در کنار سایر مشاغل جامعه دیدن)؛
 - نذر و اصرار والدین و عدم تمایل خود فرد؛
 - باورهای نادرست یا ناقص درباره حوزه و طلبگی؛
 - با هدف رسیدن به پست و مقام‌های دنیوی؛
 - انگیزه‌های احساسی محض (به دنبال معنویت بودن، در جست‌وجوی امام زمان ع بودن، عاشق امام جماعت مسجد محله بودن، از لباس آخوندی خوشش آمدن، به خاطر دوست‌هایی که طلبه شدند و...)
 - مدرک‌گرایی و... .
- همچنین موارد ذیل را نیز می‌توان به عنوان موانع انگیزشی درونی حین تحصیل در حوزه برشمرد (این موانع و مشکلات معمولاً در طول تحصیل خود را نشان می‌دهد و به مرور زمان موجب تضعیف انگیزه و استهلاک توان افراد می‌شود):
- مشکلات روحی و روانی: مثل افسردگی، اضطراب، وسواس، کینه‌ورزی و کدورت و...؛
 - مشکلات شخصیتی: مثل خودکم‌بینی، عزت‌نفس پایین و...؛
 - ضعف در باورهای دینی؛
 - ضعف در استعداد تحصیلی یا اخلاقی؛
 - ضعف هدف‌گذاری و برنامه‌تحصیلی؛

- ترس از سختی‌ها و نامالیقات زندگی طلبگی؛
- ابهام نسبت به آینده طلبگی و...

موانع بیرونی

- فرایند طولانی نظام آموزشی حوزه؛
- نبود یا کمبود الگوهای عملی مناسب و در دسترس طلاب؛
- حضور کم‌رنگ بزرگان اخلاقی حوزه در بین طلاب؛
- حضور کم‌رنگ مدیران در مدارس (به جهت اشتغالات فراوان جانبی) و نداشتن رابطه صمیمانه با طلاب؛
- عدم نظارت دقیق و صحیح اساتید و مدیران بر مراحل رشد و ارتقای تربیت علمی و معنوی طلاب به دلیل تراکم بالای تدریس یا اشتغالات دیگر؛
- به‌کارگیری افراد غیرمتخصص و کم‌تجربه در جایگاه مسئولین و کارگزاران و کارکنان حوزه (ضعف‌های مدیریتی)؛
- تعطیلات زیاد حوزه یا تعطیلی مکرر دروس؛
- مشکلات و بیماری‌های جسمی؛
- مسائل و مشکلات ارتباطی (با دوستان، هم‌حجره‌ای‌ها، اساتید و کارگزاران مدرسه، خانواده، همسر و...)
- مشکلات معیشتی و مالی؛
- دوست و رفیق ناباب (که افکارشان با اهداف عالی طلبگی سازگاری ندارد)؛
- فقدان نشاط لازم در فضای حوزه و مدرسه؛
- نبود یا کمبود اساتید اخلاق و مشاور در مدارس شهرستان‌ها؛
- نبود یا کمبود دروس اخلاق جذاب، تأثیرگذار و مستمر؛
- اختلاف نظر و تعارض ارشادات اخلاقی و تربیتی اساتید اخلاق و مشاوران؛
- کمیت‌گرایی به جای کیفیت‌گرایی و رقابت برخی مدیران مدارس در جذب و پذیرش

طلاب بیش‌تر؛

- فقدان وحدت رویه در سیاست‌های تربیتی مدارس و اِعمال سلیقه‌های مختلف در مسایل تربیتی و اخلاقی؛
- فقدان نظام کارآمد جذب، گزینش و پذیرش و نفوذ افراد بی‌کفایت یا عناصر ناهنجار به بدنه حوزه؛
- قوانین، مقررات، دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌های ناکارآمد؛
- فضای فرهنگی حاکم بر جامعه که به تدریج ارزش‌های اخلاقی در آن کم رنگ می‌شود.^۱

ج. ضعف اراده، سستی و تنبلی و کم‌همتی

براساس آیه کریمه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۲ که به صورت قانونی کلی در قرآن آمده است، هرکس خواهان پیشرفت، تعالی و رسیدن به موفقیت و سربلندی در امور مادی و معنوی است، چاره‌ای جز کار و تلاش بی‌وقفه و مستمر ندارد؛ چراکه تن‌پروری و تنبلی، راه به سعادت ندارد^۳ و کسی که آسایش طلب است، کامیاب نخواهد شد.^۴ از این رو، طلبه‌ای که خواهان دست‌یابی به توفیقات علمی و معنوی است، باید تلاش مضاعفی از خود نشان دهد و از سستی و تنبلی دوری جسته، همت بلند دارد.

امام رضا علیه السلام درباره رابطه مستقیم تلاش و کوشش با موفقیت می‌فرماید:

مَنْ سَأَلَ اللَّهَ التَّوْفِيقَ وَلَمْ يَجْتَهِدْ فَقَدْ اسْتَهْرَأَ بِنَفْسِهِ؛^۵

کسی که خواهان موفقیت باشد، اما نکوشد، خودش را به باد تمسخر گرفته است.

۱. به منظور تقویت انگیزه طلاب، کتاب «۲۱۳ راهکار جهت تقویت و ارتقای انگیزه طلبگی» از سوی مدیریت مطالعات تربیتی و فرهنگی معاونت تهذیب تدوین و در پاییز ۱۳۹۳ منتشر شده است.

۲. و این‌که برای مردم، پاداشی جز آن‌چه خود کرده‌اند، نیست. (نجم، آیه ۳۹)

۳. امیرالمومنین علیه السلام: هِبْهَاتٍ مِنْ نَيْلِ السَّعَادَةِ الشُّكُونُ إِلَى الْهُوْنِ وَالْبَطَالَةُ؛ چه دور است میان آسایش و تن‌پروری و رسیدن به خوشبختی. (تمیمی‌آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۰۰۲۸)

۴. امیرالمومنین علیه السلام: أَفَهُ التُّجَّحُ الْكُشَلُ؛ آفت کامیابی، سستی و تنبلی است. (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۸۱)

۵. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۹۵.

د. حب دنیا

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود:

مَنْ أُرْدَادَ فِي الْعِلْمِ رُشْدًا فَلَمْ يَزِدْ فِي الدُّنْيَا زُهْدًا لَمْ يَزِدْ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بَعْدًا؛^۱

هرکس بر علم خود افزود، ولی بر زهد در دنیاش افزوده نشد، جز دوری از خدا عایدش نشده است.

علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

حب الدنيا يفسد العقل ويصم القلب عن سماع الحكمة ويوجب أليم العقاب؛^۲

حب دنیا عقل را فاسد می‌کند و گوش قلب را از شنیدن سخن حکمت کرمی‌سازد.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَالِمَ مُحِبًّا لِلدُّنْيَا فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِكُمْ فَإِنَّ كُلَّ مُحِبِّ لَشَيْءٍ يَحُوطُ مَا أَحَبَّ وَقَالَ ﷺ
أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ ﷺ لَا تَجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالدُّنْيَا فَيَصُدَّكَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي فَإِنَّ
أَوْلِيكَ قَطَاعَ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُرِيدِينَ إِنَّ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَالَوَةَ مَنَاجَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ؛^۳

فرمود: هرگاه دیدید عالم دوست دار دنیا است او را نسبت به دین خود متهم دانید، زیرا هر که چیزی را دوست دارد همان محبوب خود می‌گردد، فرمود: خدا به داود وحی کرد: میان من و خودت عالمی که فریفته دنیا است واسطه مکن تا تو را از راه دوستی من باز دارد، زیرا آنان راهنمای بندگان خواهان من هستند. کمتر چیزی که من با اینان کنم این است که شیرینی مناجات خودم را از دلشان برگزیم.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْفُقَهَاءُ أُمَّتَاءُ الرَّسُلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا دُخُولُهُمْ فِي الدُّنْيَا؟ قَالَ اتَّبَاعُ السُّلْطَانِ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَاحْذَرُوهُمْ عَلَى دِينِكُمْ؛^۴

فقها تا هنگامی که وارد دنیا نشده‌اند امین‌های پیغمبرانند. عرض شد یا رسول الله! معنی ورودشان در دنیا چیست؟ فرمود: پیروی سلطان، پس چون چنین کنند نسبت بدینتان از ایشان برحذر باشید.

امام خمینی قده در اشاره به یکی دیگر از موانع تهذیب نفس خطاب به فرزندشان می‌فرماید:

پسرم! هیچ‌گاه دنبال تحصیل دنیا اگر چه حلال او باشد مباش که حب دنیا گرچه حلالش باشد

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص: ۳۷.

۲. تمیمی آمدی، همان، ص ۶۵.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶.

۴. کلینی، همان، ص ۴۷.

راس همه خطایاست چه خود حجاب بزرگ است و انسان را ناچار به دنیای حرام می‌کشد.^۱

۳-۱-۴ عوامل و موانع توانشی-رفتاری

منظور از عوامل توانشی-رفتاری، هم قابلیت‌ها و توانایی‌هایی در فرد متربی است که منشأ رفتارهای او هستند و هم حالت‌هایی که نتیجه و حاصل رفتارهای اویند و می‌توانند در تربیت او اثری مثبت داشته باشند.^۲

۱-۳-۱-۴ عوامل توانشی-رفتاری

ایمان و عمل صالح، تقوا، صبر و استقامت، شکر و رضا، توکل و مناعت طبع، عمل به دانسته‌ها، ورزش و فعالیت بدنی، تفریح سالم، نظم، بهداشت فردی، بهداشت روانی و... را می‌توان از عوامل مهم توانشی و رفتاری دانست. در واقع اهتمام به آراسته شدن متربی به زیور فضائل انسانی و اخلاقی، راه را برای رشد معنوی و تهذیبی وی هموار می‌کند. در ادامه به برخی از این موارد با تفصیل بیش تری اشاره می‌شود.

الف. ایمان

ایمان به معنای سکون، آرامش و ضد خوف و ترس است. منظور از آن، تصدیق و اعتقاد قلبی است، آن‌گونه اعتقاد و باوری که جان آدمی را از کفر، شرک و بیماری‌های روحی در امان نگاه دارد.^۳ ایمان مهم‌ترین گام در حرکت به سوی اخلاق و ارزش‌های اخلاقی شمرده شده است. خداوند رمز فلاح و رستگاری را در ایمان معرفی کرده و می‌فرماید:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ؛^۴

قطعا مؤمنان رستگارند.

در فرهنگ اسلامی، ایمان همان گرایش عقیدتی به خداست که تا عمق دل نفوذ می‌کند و تمام رفتار، اخلاق و اندیشه‌های انسان را جهت می‌بخشد. در این باره، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

۱. امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۳۶۴.

۲. گروه نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، پاورقی ص ۳۹۴.

۳. طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۴۳.

۴. مؤمنون، آیه ۱.

لَيْسَ الْإِيمَانُ بِالْتَّحَلِّيِّ وَ لَا بِالْتَّمَنِّيِّ، لَكِنَّ الْإِيمَانَ مَا حَلَّصَ فِي الْقَلْبِ وَ صَدَّقَهُ الْأَعْمَالُ؛^۱

ایمان به صرف ادعا و آرزو نیست، بلکه ایمان آن است که خالصانه در جان و دل قرار گیرد و اعمال هم آن را تایید کند.

جایگاه ایمان، نفس و قلب آدمی است. در قلب، بینش‌ها، گرایش‌ها، نگرش‌ها، منش‌ها، صفات و انگیزه‌های انسان شکل می‌گیرد. سازوکار این تأثیر و تأثر به گونه‌ای است که ایمان به مبدأ و معاد در رأس حالات و گرایش‌های فرد قرار می‌گیرد و از این طریق، برده‌های دیگر اثر می‌گذارد. انسان بر اساس ایمان، از حالات روان‌شناختی خاصی مثل توکل، امید، ایثار و سرور برخوردار می‌شود و به هدف زندگی بینش خاصی پیدا می‌کند. این‌ها نیز به نوبه خود، تعیین‌کننده نگرش‌های اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خواهند بود. با استفاده از همین نگرش‌ها، به شغل، غریزه جنسی، ازدواج، تحصیل، آزادی، خوردن و آشامیدن، لباس و مسکن و مرکب، زینت، جمال، مال، فرزند، عواطف و احساسات (خشم و خشنودی، غم و شادی، ترس و امنیت، یأس و امید) رفتار متناسبی از خود نشان می‌دهد. بنابراین، با توجه به نقشی که ایمان در زیرساخت‌های رفتار انسان دارد، باید در تربیت دینی و ایمان فرد کوشید و برایمان، که منشأ رفتارهای دینی است، تأکید و آن را از آسیب‌ها پاسداری کرد.

بنابراین سازوکار این تأثیر و تأثر را می‌توان چنین تبیین کرد: چون ایمان ترکیبی از شناخت و گرایش است و جایگاه آن نفس (قلب) انسان است، از این طریق شوق و اراده انسان را جهت داده و در نتیجه، رفتاری متناسب با خود را بروز می‌دهد. ایمان بینش ویژه‌ای از خالق و مخلوق و ارتباط انسان با موجودات عالم ارائه می‌نماید. این بینش و گرایش‌های درونی هر کدام زمینه‌ساز رفتارهای انسان در ارتباط با خداوند و ارتباط انسان با خود و دیگران می‌شوند. به دنبال تکرار این رفتارها در موقعیت‌های مشابه، ملکات و صفات انسان شکل می‌گیرد. هرچند حقیقت طلبی و تمایلات لذت‌جویانه و سعادت‌خواهانه در انسان ذاتی است و ریشه فطری دارد، اما شناخت ایمانی، آن‌ها را به سمت و سوی خاصی هدایت می‌کند و بر شیوه ارضای غرایز تأثیر می‌گذارد.

۱. ابن شعبه حزان، تحف العقول، ۳۷۰.

حتی خورد و خوراک انسان را به سوی تقرب الی الله و انجام عبادت خداوند سوق می دهد.^۱

ب. تقوا

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند:

مَنْ رُزِقَ تَقَى فَقَدْ رُزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛^۲

هر کس تقوا روزی اش شود، خیر دنیا و آخرت روزی او شده است.

امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرمود:

إِنَّ التَّقْوَى مُنْتَهَى رِضَى اللَّهِ مِنْ عِبَادِهِ وَحَاجَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِنْ أَسْرَزْتُمْ عِلْمَهُ وَإِنْ أُغْلِنْتُمْ كِتَابَهُ؛^۳

نهایت خشنودی خداوند از بندگانش و خواسته او از آفریدگانش تقواست، پس تقوا از خداوندی بکنید که اگر پنهان کنید می داند و اگر آشکار سازید می نویسد.

امام خمینی رَحِمَهُ اللَّهُ در باب اهمیت تقوا و تهذیب نفس در زندگی طلبگی می فرماید:

این اصطلاحات هر چه زیادتر شود، اگر با تهذیب و تقوی همراه نباشد، به ضرر دنیا و آخرت جامعه مسلمین تمام می شود. تنها دانستن این اصطلاحات اثری ندارد. علم توحید هم اگر با صفای نفس توأم نباشد وبال خواهد بود. چه بسا افرادی که عالم به علم توحید بودند و طوایفی را منحرف کردند. چه بسا افرادی که همین اطلاعات شما را به نحو بهتری دارا بودند، لیکن چون انحراف داشتند و اصلاح نشده بودند وقتی وارد جامعه گردیدند بسیاری را گمراه و منحرف ساختند. این اصطلاحات خشک اگر بدون تقوی و تهذیب نفس باشد، هر چه بیشتر در ذهن انباشته گردد کبر و نخوت در دایره نفس بیشتر توسعه می یابد و عالم تیره بختی که باد نخوت براو چیره شده نمی تواند خود و جامعه را اصلاح نماید، و جززیان برای اسلام و مسلمین نتیجه ای به بار نمی آورد و پس از سالها تحصیل علوم و صرف وجوه شرعی، برخورداری از حقوق و مزایای اسلامی، سد راه پیشرفت اسلام و مسلمین می گردد و ملت ها را گمراه و منحرف می سازد و ثمره این درس ها و بحث ها و بودن در حوزه ها این می شود که نگذارد اسلام معرفی گردد، حقیقت قرآن به دنیا عرضه شود بلکه وجود او ممکن است مانع معرفت جامعه نسبت به اسلام و روحانیت گردد.^۴

۱. رک: موسوی نسب، ایمان و تأثیر آن بر مبادی رفتار، مجله معرفت، شماره ۱۰۴.

۲. پاینده، نهج الفصاحه، ص ۷۶۹، ح ۳۰۱۵.

۳. لیثی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۵۴، ح ۳۳۵۸.

۴. امام خمینی رَحِمَهُ اللَّهُ، جهاد اکبر، ص ۱۱ و ۱۲.

تقوا مسیر تکامل هر موجودی است و انسان وظیفه شناس و مطیع اوامر پروردگار، تابع سنت‌های الهی به مثابه باغبانی است که در مزرعه روح خود علف‌های هرز را که مانع رشد خوی‌های نیکو و استعداد‌های سازنده انسان‌ها می‌شود، از بیخ و بن می‌کند و تکامل و باروری آن‌ها را قوت می‌بخشد.^{۵، ۶}

ج. صبر و استقامت

صبر و استقامت در مسیر پریپیچ و خم‌طلبگی، هم در تحصیل علوم و معارف اسلامی و کسب کمالات اخلاقی و معنوی و هم تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و دفاع از دین^۷ یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت طلبه می‌باشد.^۸

خداوند متعال پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در آیات مختلف امر بر صبر و استقامت در امر تبلیغ وحی نموده، از جمله می‌فرماید:

- وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ.^۹

- فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ.^{۱۰}

- وَأَنْ لَّوِاسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا.^{۱۱}

همچنین در وصف مؤمنان نیز می‌فرماید:

۵. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: ... فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوبِكُمْ وَبَصُرَ عَمَى أَعْيُنِكُمْ وَشِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَصَلَاحٌ فُسَادِ صُدُورِكُمْ وَظُهُورُ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ وَجَلَاءٌ عِشَاءِ أَبْصَارِكُمْ وَأَمْنٌ فَرَجِ جَأَشِكُمْ وَضِيَاءٌ سَوَادِ ظُلْمَتِكُمْ ...؛ همانا تقوای الهی دواى درد قلب‌هايتان، بينايى براى كورى دل‌هايتان، شفا براى بيمارى جسمانتان، آبادى براى ويرانى سينه‌هايتان، پاى كنده ناپاكي‌هاى نفستان، جلاى شب‌كورى چشمانتان، ايمنى از ترس دل‌هايتان و نور براى سيباهى تاريخى‌هايتان است. (نهج البلاغه، خ ۱۹۸)

۶. ر.ک: حقانی زنجانی، نقش تقوا در رشد شخصیت انسان، <http://tarbiat.net>.

۷. وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يُهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ؛ و چون شكيبايى كردند و به آيات ما يقين داشتند، برخى از آنان را پيشواياني قرار داديم كه به فرمان ما [مردم را] هدايت مي‌كردند. (سجده، آيه ۲۴)

۸. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: لَيْسَ شَيْءٌ أَحْمَدُ عَاقِبَةً وَلَا أَلَدُّ مَعْتَبَةً وَلَا أَدْفَعُ لِسُوءِ آدَبٍ وَلَا أَعَوْنَ عَلَى ذِكْرِ مَطْلَبٍ مِنَ الصَّبْرِ؛ هيچ چيز بيش از صبر، عاقبتش نيکوتر و فرجامش لذيدتر و بازدارنده‌تر از ادب و ناشايست و يارى کننده‌تر براى نيل به مقصود نيست. (تميمي آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح ۷۵۰۸)

۹. نحل، آيه ۱۲۷.

۱۰. هود، آيه ۱۱۲.

۱۱. جن، آيه ۱۶.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا.

امام خمینی ره در نامه عرفانی خود به فرزندشان مرحوم حاج سیداحمد، وی را به استقامت در مسیر حق ترغیب کرده و می‌فرماید:

پسرم! گاهی می‌بینم از تهمت‌های ناروا و شایعه پراکنی‌های دروغین اظهار ناراحتی و نگرانی می‌کنی. اولاً باید بگویم تا زنده هستی و حرکت می‌کنی و تورا منشاء تأثیری بدانند انتقاد و تهمت و شایعه‌سازی علیه تو اجتناب ناپذیر عقده‌ها زیاد و توقعات روز افزون و حسادت‌ها فراوان است. آن کس که فعالیت دارد گرچه صد در صد برای خدا باشد از گزند بدخواهان نمی‌تواند به دور باشد. من خود یک عالم بزرگوار متقی را که تا به ریاست جزیی نرسیده بود برای او جز خیر به حسب نوع نمی‌گفتند و تقریباً مورد تسالم اهل علم و دیگران بود به مجرد آنکه توجه نفوس به او شد و شاخصیتی دنیوی و لوناچیز نسبت به مقامش پیدا کرد مورد تهمت و اذیت شد و حسادت‌ها و عقده‌ها به جوش آمد و تا در قید حیات بود این مسایل نیز بود و ثانیاً باید بدانی که ایمان به وحدت اله و وحدت معبود و وحدت مؤثر آنچنان که باید و شاید به قلبت نرسیده. کوشش کن کلمه توحید را که بزرگترین کلمه است و والاترین جمله است از عقلت به قلبت برسانی...^۲

د. شکر و رضا

مرحوم ملامهدی نراقی در تبیین اهمیت شکر می‌فرماید:

شکر برترین مقامات نیکان و عمدۀ توشه مسافران به عالم نور است و آن موجب دفع بلا و باعث افزونی نعمت‌هاست. و از این رو به آن بسیار ترغیب شده است، و خداوند آن را وسیله‌ای برای زیادتی نعمت قرار داده است. خدای سبحان می‌فرماید: «مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ»^۳؛ «خدا به عذاب شما چه کار دارد، اگر سپاس دارید و ایمان داشته باشید» و می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»^۴؛ «اگر سپاس دارید نعمت شما را افزون می‌کنم» و می‌فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ»^۵؛ «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا سپاس دارید و ناسپاسی نکنید» و می‌فرماید: «وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ»^۶؛ «و سپاس‌گزاران را پاداش خواهیم داد» و از آن جا که شکر

۱. فصلت، آیه ۳۰.

۲. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۳۶۰ و ۳۶۱.

۳. نساء، آیه ۱۴۶.

۴. ابراهیم، آیه ۷.

۵. بقره، آیه ۱۵۲.

۶. آل عمران، آیه ۱۴۵.

غایت فضائل و مقامات است، هرکسی نمی‌تواند به آن نائل شود، بلکه وصول به آن جز برای یگانه‌هایی از رهروان کامل میسر نیست و از این رو پروردگار جهانیان می‌فرماید: «وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِیَ الشَّاكِرُونَ»؛ «و اندکی از بندگان من سپاس‌گزارند» و در شرف و فضیلت آن همین بس که یکی از صفات خداوندی است، چنانکه خدای سبحان می‌فرماید: «وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ»^۲؛ «و خدا سپاس‌دار و بردبار است».^۳

از نعمت‌های بزرگ خدا بر بندگانش، نعمت‌های معنوی مثل نعمت هدایت و ولایت است که انسان باید پیوسته یادآور آن بوده و پیش از و بیش از نعمت‌های مادی و دنیوی سپاس‌گزار آن‌ها باشد. چنانکه نعمت طلبگی نیز از این نعمت‌های معنوی و بزرگی است که خدای متعال به گروه اندکی از بندگان مؤمنش عنایت فرموده و آن‌ها را در مسیر پیامبران و اولیای الهی علیهم‌السلام و در زمرهٔ سربازان و یاوران حضرت مهدی علیه‌السلام قرار داده است، در حالی که بسیاری دیگر را که آرزوی چنین نعمتی را داشتند از آن محروم نموده است. توجه دائمی و شناخت حقیقی این نعمت و قدرشناسی واقعی از آن، یکی دیگر از عوامل رشد و کمال طلبه می‌باشد که اگر چنین نباشد، موجب از دست دادن این نعمت شده و توفیق ادامه این راه از وی سلب می‌گردد، همان‌گونه حوزه‌های علمیه از این جماعت سلب توفیق شده، بسیار به خود دیده است.

حضرت آیت الله مجتهدی رحمته‌الله می‌فرمود:

روزی در خیابان می‌رفتم دیدم یک نفر از طرف بالا به من سلام می‌کند، سرم را بلند کردم دیدم یک شوهرتریلی است که در جوانی هردو طلبه بودیم و او هم مباحثه من! چقدر ما باید خدا را شکر کنیم که طلبه شده‌ایم و در راه دیگر نرفتیم، اگر خدا را شکر نکنی، سلب توفیق از تو می‌شود، شکر خدا هم به اینست که از همه چیز به جا استفاده کنی و این نعمت‌هایی که خدا به تو داده قدردانی کنی و از آن‌ها استفاده خوب کنی.^۴

و اینکه به پاس این نعمت الهی بر سختی‌ها، محرومیت‌ها و ناملازمات مسیر و زندگی طلبگی شکیباً بوده و لب به شکوه و ناله نگشاید و چون خود را رهرو راه انبیاء علیهم‌السلام و سرباز امام زمان علیه‌السلام

۱. سیأ، آیه ۱۳.

۲. تغابن، آیه ۱۷.

۳. مجتبیوی، علم اخلاق اسلامی، ترجمه جامع السعادات، ج ۴، ص ۳۰۳.

۴. برخوردار فرید، آداب الطلاب، ص ۴۴۷.

دید و این حقیقت را با تمام وجود باور کرد، دشواری‌ها و تلخی‌های راه به کامش شیرین خواهد شد. چنانکه با مطالعه سیره بسیاری از بزرگان حوزه به روشنی می‌توان به این امر پی برد. حضرت آیت الله مجتهدی در این زمینه خاطره‌ای نقل کرده، می‌فرماید:

یادم می‌آید که هجده ساله بودم و شب عید بود و من در مدرسه فیضیه قم تحصیل می‌کردم و چون ایام تعطیلات بود لذا تمام رفقا به شهرستان‌های خود رفته بودند، چون تنها بودم، تخم مرغ درست کرده و شروع به خوردن کردم. در همین حال به فکر افتادم که الآن خانه ما پلو می‌خورند. خودم را موعظه کردم و گفتم عیب ندارد همین را بخور، درست را بخوان، مسجد و حرم برو، نماز شب بخوان، همین امور بهتراست، زیرا تحمل سختی‌ها انسان را به مقصد می‌رساند.^۱

مرحوم نراقی در بیان حقیقت شکر می‌نویسند:

از آن جا که حقیقت شکر عبارت است از شناخت اینکه همه نعمت‌ها از خداست همراه با صرف نعمت‌ها در جهت محبت و رضای خدا، پس شکر هر نعمتی این است که آن را از جانب خدا بدانی و در راهی که او دوست دارد مصرف کنی. و شگفتی نیست که این معرفت و این به کار بردن نیز نعمتی از خداست ... بنابراین، شکر هر نعمتی خود نعمت دیگری است از خدا که محتاج به شکر دیگر است ... و همچنین تا بی‌نهایت ... پس غایت شکر بنده این است که بداند از ادای حق شکر خدای تعالی عاجز است ... و این است نهایت آنچه برای بنده ممکن است. گواه این معنی این روایت است که: «خدای عزوجل به موسی علیه السلام وحی فرمود: ای موسی حق شکر مرا به جا آور، گفت: پروردگارا چگونه حق شکر تو را بجای آورم و حال آنکه هیچ شکری نیست که به آن تو را شکر کنم مگر آنکه آن نیز نعمتی از توست؟ فرمود: ای موسی اکنون مرا شکر کردی که دانستی این هم از من است».^۲

راه تحصیل صفت شکرگزاری:

- معرفت و تفکر در صنایع الهی و انواع نعمت‌های ظاهری و باطنی و عمومی و خصوصی او؛
- نظر کردن به پائین‌تراز خود در امر دنیا و به بالاتر از خود در امر دین؛
- حضور در گورستان و یادآوری این که مردگان بیش از همه چیز دوست دارند و از خدا می‌خواهند که به دنیا برگردانده شوند و متحمل ریاضت و مشقت عبادت‌ها گردند تا در

۱. همان، ص ۴۶۳.

۲. مجتبی، علم اخلاق اسلامی، ترجمه جامع السعادات، ج ۴، ص ۳۰۸ و ۳۰۹.

آخرت از عذاب رهایی یابند یا بر ثواب آنان افزوده شود و درجاتشان بالاتر رود. پس باید خود را از ایشان بینگارد که دعای او به اجابت رسیده و به دنیا باز گشته است، پس بقیّه عمر خود را صرف اموری کند که مردگان برای آن خواستار بازگشت به دنیا هستند؛

- بعضی از آنچه را که در ایام عمر بر او روی داده از مصیبت‌های بزرگ و بیماری‌های صعب که به سبب آن‌ها گمان هلاک خود می‌برد به یاد آورد و چنین فرض کند که هلاک شده و زندگانی و نعمت‌های کنونی خود را غنیمت شمارد و خدا را بر آن شکر کند و از آنچه برای او وارد می‌شود و مخالف طبع اوست رنجور و اندوهگین نگردد؛

- در هر مصیبت و بلائی از مصائب و بلاهای دنیا شکر کند که مصیبتی بزرگ‌تر از آن به او نرسیده و مصیبتی در دین بر او وارد نشده است. و از این رو عیسی علیه السلام در دعای خود گفت: «خدایا مصیبت مرا در دینم قرار مده»؛

- نیز از این جهت که هر مصیبتی عقوبت گناهی است که از او سرزده، هرگاه این عقوبت به او برسد از عقوبت آخرت نجات می‌یابد، چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه بنده گناهی کند و سختی یا بلائی در دنیا به او رسد خدا کریم‌تر از آن است که دوباره او را عذاب کند»... پس باید خدا را بر این عقوبت زودرس و عدم تأخیر آن به آخرت شکر کند؛

- و از این رو که ثواب آن مصیبت بالاتر از خود آن است و آن پاداش بهره او شده باید خدا را سپاس دارد؛

- و نیز از این جهت که هر مصیبتی محبت دنیا و میل به آن را در دل می‌کاهد و شوق به آخرت و لقای خدای سبحان را می‌افزاید ... ۱.

ه. توکل

از امور مهم دیگری که در تحصیل کمالات علمی و معنوی طالب علم بسیار مؤثر است، توکل بر خداوند متعال است که در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام بر آن تأکید فراوان شده است. «توکل عبارت است از اینکه انسان زمام تصرف در امور خود را به دست غیر خود [یعنی خداوند

متعال] دهد و تسلیم او شود که هرچه او صلاح دید و انجام داد، همان را صلاح خود بدانند.^۱ در روایت وارد شده که پیامبر اکرم ﷺ از جبرئیل ﷺ پرسید: توکل چیست؟ جبرئیل ﷺ عرضه داشت:

الْعِلْمُ بِأَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ وَلَا يُعْطَى وَلَا يَمْنَعُ وَاسْتِعْمَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ؛^۲

توکل عبارت است از علم به این که مخلوق نه ضرر می‌زند و نه نفع می‌رساند، نه می‌بخشد و نه باز می‌دارد و عبارت از مأیوس بودن از خلق است.

همه مردم به‌ویژه طالب علم، باید در کسب و تقویت این صفت در خود بکوشند؛ زیرا توکل یگانه مایه دل‌گرمی و تنها مشوق بر تحصیل و تحمل سختی‌ها و محرومیت‌های بسیار در مسیر پرفراز و نشیب طلبگی است. شهید ثانی رحمته‌الله در این باره می‌نویسد:

پس آنچه بر معلم و شاگرد، پس از پاک‌سازی و تصفیه باطن و جان و روان از رذائل اخلاقی و به کارگرفتن علم، لازم و ضروری است این است که سراپای وجودش را از درون و بیرون، متوجه خدا کند و در تمام شئون زندگانی به او متکی باشد و فیض را از پیشگاه الهی درخواست کند؛ زیرا علم، همان‌گونه که از امام صادق ﷺ نقل شد: «از رهگذر کثرت تعلم به دست نمی‌آید؛ بلکه علم عبارت از نوری است که خداوند در جان کسی می‌افکند که خواهان هدایت او است» و او باید بر خدا توکل کند و بر علل و اسباب طبیعی و دنیوی تکیه نکند که (اگر این عالم و دانشمند در شئون مختلف زندگانی، صرفاً به علل و اسباب دنیوی متکی باشد و امور زندگانی خود را به همان‌ها واگذار نماید) همین علل و اسباب به صورت بارگران و کمرشکن بردوش او سنگینی می‌کند. و برآفریده‌های خدا نیز متکی نباشد؛ بلکه باید زمام امور خود را - در زندگانی و رزق و روزی و امثال آن‌ها - به خداوند متعال واگذار نمایند تا از این رهگذر نفحات قدس الهی و الطاف پاکیزه پروردگار و لحظات انس و الفت با خداوند، بر آن‌ها تجلی کند و در نتیجه، مشکلات آنان حل، منظورشان تأمین و امور زندگانی‌شان اصلاح شود. از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که فرمود: «خداوند متعال عهده‌دار روزی طالب علم می‌باشد و روزی او را به طور خاص و متفاوت از دیگران تضمین می‌کند؛» یعنی سایر

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۳۴۳.

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۳۷۳.

طبقات مردم در کسب اسباب معیشت و زندگانی به سعی و کوشش نیاز دارند تا روزی خود را بدست آورند در حالی که طالب علم به چنین تلاشی مکلف نیست، بلکه او باید در پی دانش باشد. اگر از حسن نیت و اخلاص در اراده برخوردار باشد، خداوند متعال، هزینه زندگانی او را کفایت می کند.^۱ البته، صفت توکل به دست نمی آید جز آن که انسان به یقین بداند که غیر از خدا هیچ کس قدرت بر هیچ کاری ندارد و تا عنایت و لطف او نباشد، هیچ موجودی نمی تواند کوچک ترین گرهی را باز کند. قرآن کسانی را که به خدا ایمان دارند و بر او توکل می کنند از دایره سلطنت شیطان خارج می داند؛ اما آنانی که مشرک به خدا بوده و شیطان را ولی خود می دانند، تحت سلطه شیطان هستند.^۲

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ^۳

هر کس بر خدا توکل کند، پس خداوند او را کفایت می کند.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

من انقطع الى الله كفاه الله كل مؤونة ورزقه من حيث لا يحتسب و من انقطع الى الدنيا وكله الله اليه؛^۴ هر کس به سوی خدا وابسته باشد، خدا همه کارها و حاجات او را کفایت می کند و از جایی که گمانش نمی رسیده روزی اش تأمین می شود و هر کس به دنیا وابسته گردد، خدا او را به دنیا وامی گذارد.

امیرمؤمنان علی عليه السلام نیز فرمودند:

۱. فمما يلزم كل واحد منهما بعد تطهير نفسه من الرذائل المذكورة وغيرها توجيه نفسه الى الله تعالى والاعتماد عليه في أموره وتلقى الفيض الإلهي من عنده فإن العلم كما تقدم من كلام الصادق عليه السلام «ليس بكثرة التعلم وإنما هو نور من الله تعالى ينزله على من يريد أن يهديه» و أن يتوكل عليه ويفوض أمره إليه ولا يعتمد على الأسباب فيوكل إليها وتكون وبالا عليه ولا على أحد من خلق الله تعالى بل يلقي مقاليد أمره الى الله تعالى في أمره ورزقه وغيرهما يظهر عليه حينئذ من نفحات قدسه ولحظات أنسه ما يقوم به أوده ويحصل مطلبه ويصلح به أمره وقد ورد في الحديث عن النبي صلى الله عليه وآله «أن الله تعالى قد تكفل لطلاب العلم برزقه خاصة عما ضمنه لغيره»؛ بمعنى أن غيره يحتاج الى السعي على الرزق حتى يحصل غالبا و طالب العلم لا يكلفه بذلك بل بالطلب وكفاه مؤونة الرزق إن أحسن النية و أخلص العزيمة (شهيد ثانی، منية المرید، ص ۱۵۹ و ۱۶۰).

۲. إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ؛ چرا که او [شیطان] را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی نیست، تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی گیرند و بر کسانی که آن ها به او [خدا] شرک می ورزند. (نحل، آیه ۹۹ و ۱۰۰)

۳. طلاق، آیه ۳.

۴. پاینده، نهج الفصاحه، ص ۷۳۱، ح ۲۷۹۶.

مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ وَتَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ؟

هر کس بر خدا توکل کند، سختی‌ها در برابرش ذلیل و اسباب بر او آسان می‌شود.

راه تحصیل صفت توکل

بعد از تقویت توحید و اعتقاد به اینکه همه امور مستند به خدای سبحان است و برای دیگری دخالتی در آن‌ها نیست، این است که آیات و اخبار مذکور را که دلالت بر فضیلت و ستایش آن دارد و این را که توکل باعث رستگاری و کفایت امور اوست به یاد آورد، سپس متذکر شود که خدای تعالی او را از نیستی به هستی آورده و خلعت وجود به او پوشانیده و آنچه را بدان نیازمند بوده برای وی آماده ساخته است و او به بندگان خود از مادر به فرزند خود مهربانتر است و کفایت اهل توکل را تعهد و ضمانت نموده، پس محال است که بعد از این او را ضایع و مهمل گذارد و مهمات او را کفایت نکند و آنچه بدان نیاز دارد به او نرساند و آنچه به وی آزار و زیان می‌رساند از او دفع نکند؛ زیرا خدای سبحان از عجز و نقص و خلف وعده و سهویا ک و منزه است.

و سزاوار است که حکایاتی را به یاد آورد که مشتمل بر شگفتی‌های صنع خدا در رساندن روزی به بندگان و دفع بلاها و بدی‌ها از بعضی از ایشان است و سرگذشت‌هایی را متذکر شود که متضمن عجایب قهرالهی در تباه کردن اموال توانگران و خوار ساختن قدرتمندان است، و چه بسا بندگان که مال و سرمایه‌ای نداشتند و خداوند به آسانی به آن‌ها روزی می‌رساند، و چقدر مالدارانی که ثروت و سرمایه از کف دادند یا اموال آن‌ها به دزدی رفت و تهی دست و بینوا شدند و بسی نیرومند صاحب خدم و حشم و شوکت و سطوت که بی‌سببی آشکار عاجز و خوار و زبون گشتند، و بسا ذلیل و ناتوانی که قوت و استیلا یافتند.

و هر که در این مطلب تأمل کند می‌داند که امور به دست قدرت خداوند است، پس باید براو وثوق و اعتماد کند. و ملاک این است که بداند که امور اگر به قدرت خدای سبحان بی‌دخالیت اسباب و وسائط باشد، پس توکل نکردن براو و اعتماد به دیگری نهایت جهل

است، و اگر برای غیر خدای سبحان از وسائط و اسباب دخالت و تأثیری هست، پس توکل از جمله اسباب کفایت امور و برآمدن حاجات است؛ زیرا اخبار و حکایات و تجربه گواهند بر اینکه هر که بر خدا توکل کرد و به سوی او منقطع شد خداوند امور و حاجات او را کفایت می‌کند. و همان گونه که نوشیدن آب سبب برطرف شدن تشنگی می‌گردد، و خوردن طعام سبب دفع گرسنگی می‌شود، همچنین توکل سببی است که مسبب الاسباب برای برآمدن حاجات و مقاصد و کفایت امور و مهمات مرتب ساخته است.

نشانه حصول توکل این است که دل او مضطرب نشود و سکون و آرامش خود را به سبب فقدان اسباب نفع و پدید آمدن اسباب ضرر از دست ندهد. پس اگر سرمایه‌اش به دزدی رفت یا تجارتش زیان کرد، یا یکی از امور او باز داشته شد و معوق ماند، راضی و خشنود باشد و آرامش و اطمینان خاطر وی متزلزل نگردد، بلکه سکون و آرام دل او قبل و بعد از آن پدیده یکسان باشد. زیرا کسی که به چیزی آرام نگیرد از زوال آن نگران و مضطرب نشود، و هر که به سبب فقدان چیزی آشفته و پریشان گردد به وجود آن آرام دل و اطمینان خاطر یابد.

کوتاه سخن اینکه، اگر طالب علم در مسیر زندگی خود به آنچه وظیفه‌اش است عمل کند و توکل بر خدا داشته باشد، خداوند او را کفایت نموده و نصرت الهی شامل حالش می‌شود.

و. مناعت طبع

در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است که حضرت فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ أَلَمْ تَسْمَعْ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»، فَأَلْمُؤْمِنُ يَتَّبِعِي أَنْ يَكُونَ عَزِيزًا وَلَا يَكُونَ ذَلِيلًا، يُعِزُّهُ اللَّهُ بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ؛

همانا خداوند عزوجل همه کارهای مؤمن را به خودش وا نهاده، مگر اینکه به او اجازه نداده که خود را ذلیل کند. آیا مگر این کلام خداوند عزوجل را نشنیده‌اید که فرمود: «و عزت تنها برای خداست و برای رسولش و برای مؤمنان»، پس سزاوار است که مؤمن عزیز باشد و

خود را خوار و ذلیل نکنند، [چرا که] خداوند وی را با ایمان و اسلام عزیزش گردانده است.^۱

نیز علی علیه السلام فرمودند:

الجوع خیر من الخضوع؛^۲

گرسنگی کشیدن بهتر است از سر فرود آوردن [و از مردم چیزی خواستن].

مرحوم آیت الله مجتهدی در اهمیت مناعت طبع برای طلاب و روحانیون می‌فرماید:

[طلبه و] روحانی باید منبع الطبع باشد و عزت و احترام خود و لباس مقدس روحانیت را حفظ کند؛ زیرا مقام و منزلت مؤمن عظیم است، خصوصا اگر روحانی و ملتبس شد. نقل می‌کنند که شخصی هفده هزار تومان برای آیت الله شیخ حبیب الله گلپایگانی رحمته الله در مشهد برد تا اینکه خانه‌ای برای خود بخرد ولی ایشان نپذیرفتند. آن شخص عرض کرد لا اقل پول را قبول کنید و به فقرا بدهید، فرمودند: من مستحق نمی‌شناسم، شما خودتان به مستحق بدهید.^۳

نیز ایشان به طلاب سفارش می‌کردند که:

تو هر موقع کار داشتی بنشین و برای خدا بازگو کن نه برای فلان آقا و دفتر فلان شخصیت نامه بنویسی، گرچه اهل عالم همه محتاج یکدیگرند ولی تو بدان که مؤمن عزت دارد و دست حاجت به سوی هر کسی نمی‌توان دراز کرد.^۴

ز. عمل به دانسته‌ها

علم و عمل نیز دارای رابطه تنگاتنگ با یکدیگر هستند، علم مقدمه عمل صالح است و عمل موجب بهره‌برداری از علم، برداشت ثمره آن و گشوده شدن درهای دیگری از حکمت به روی

۱. یکی از مدیران موفق حوزه در پاسخ به سؤالی که از وی در مورد مناعت طبع طلبه‌ها شده بود، می‌گوید: من بر مناعت طبع و عزت نفس طلبه‌ها حساسیت زیادی نشان می‌دهم. وقتی کسی می‌خواهد وارد حوزه شود، از همان اوایل، اگر احساس کنم که در او رذالت وجود دارد و عزت نفس ندارد، او را مرخص می‌کنم؛ چرا که عزت نفس از جمله اصول مهم اخلاقی است. طلبه باید عزت نفس و مناعت طبع و عفت داشته باشد. یکی از عوامل موفقیت انبیا این بود که می‌گفتند: «لا اسئلكم علیه اجرا إن أجری إلا علی ربِّ العالمین» (شعرا، آیه ۱۰۹)؛ انسان از دو لحاظ روی پول خواستن و اجر طلبیدن حساس است: الف. اگر کسی بفهمد که ما در مال و منال او چشم دوخته‌ایم، طبعاً از ما متنفر می‌شود، چرا که او به مال و منال خویش محبت شدیدی دارد؛ «انه لحب الخیر لشدید»؛ ب. همه انسان‌ها از فرد طمع‌کار بیزارند، حتی اگر مالی از مردم نخواهد و مردم چیزی به او ندهند، باز از او بدشان می‌آید. صرف طماع بودن او، موجب تنفر مردم است. خلاصه این که دو عامل وجود دارد، یکی مادی است و دیگری نفسانی است. (رک: ساجدی، پگاه حوزه، بهمن ۱۳۸۱، ش ۴، ص ۴)

۲. تمیمی‌آمدی، غررالحکم، ص ۷۳، شماره ۱۴۸۵.

۳. برخوردار فرید، آداب الطلاب، ص ۲۸۱.

۴. همان، ص ۲۸۴.

انسان خواهد بود. رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود:

مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ وَرَبَّهُ اللَّهُ عَلِمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ؛^۱

هر کس به آنچه می‌داند عمل کند خداوند او را وارث آنچه نمی‌داند خواهد گردانید.

کنایه از این که نادانسته‌ها برایش آشکار می‌شود و خداوند درهای حکمت را بر قلب او می‌گشاید. مرحوم شیخ کلینی در اصول کافی بابی را تحت عنوان «باب استعمال العلم» باز کرده و روایاتی متعددی را در آن جا نقل می‌کند که عموم مؤمنین به ویژه اهل علم را به عمل به دانسته‌هایشان ترغیب می‌کند و نسبت به ترک عمل و پیامدهای آن هشدار می‌دهد. بخشی از این روایات در ذیل آورده شده است:

سَلِمُ بْنُ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يُحَدِّثُ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ فِي كَلَامٍ لَهُ:

الْعُلَمَاءُ رَجُلَانِ رَجُلٌ عَالِمٌ أَخَذَ بِعِلْمِهِ فَهَذَا نَاجٍ وَعَالِمٌ تَارِكٌ لِعِلْمِهِ فَهَذَا هَالِكٌ وَإِنَّ أَهْلَ النَّارِ لَيَتَأَذَوْنَ مِنْ رِيحِ الْعَالِمِ التَّارِكِ لِعِلْمِهِ وَإِنَّ أَشَدَّ أَهْلِ النَّارِ نَدَامَةً وَحَسْرَةً رَجُلٌ دَعَا عَبْدًا إِلَى اللَّهِ فَاسْتَجَابَ لَهُ وَقَبِلَ مِنْهُ فَأَطَاعَ اللَّهَ فَأَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَأَدْخَلَ الدَّاعِيَ النَّارَ بِرَبِّكَ عِلْمَهُ وَاتِّبَاعِهِ الْهَوَىٰ وَطُولِ الْأَمَلِ.^۲

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْعِلْمُ مَقْرُونٌ إِلَى الْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ وَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ وَالْعِلْمُ يَهْتِفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا انْتَحَلَ عَنْهُ؛^۳

علم، به عمل پیوسته است. پس هر که عالم باشد، عمل کند و هر که عمل کند، عالم باشد. و علم، عمل را آواز می‌دهد، پس اگر او را جواب داد، می‌ماند و اگر نه، از او مفارقت می‌کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمُطْرُعُ عَنِ الصِّفَا.^۴

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۱۲۸.

۲. سلیم گوید شنیدم امیرالمؤمنین را که از رسول خدا ﷺ خبر می‌داد که آن حضرت در سخنش می‌فرمود مردم دانشمند دو قسمند: دانشمندی که علم خود را به کار بسته و این رستگار است و دانشمندی که علمش را کنار گذاشته و این هلاک شده است. همانا دوزخیان از بوی گند عالم بی‌عمل درازتند و میان دوزخیان ندامت و حسرت آنکس سخت‌تر است که در دنیا بنده‌ای را به سوی خدا خوانده و او پذیرفته و اطاعت خدا کرده و خدا به بهشتش در آورده است و خود دعوت کننده را به سبب عمل نکردن و پیروی هوس و درازای آرزویش به دوزخ در آورده است، پیروی هوس از حق جلوگیری و درازی آرزو آخرت را از یاد برد. (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵)

۳. همان.

۴. همان.

ح. تکریم استاد

همان گونه که در بحث قبلی از نقش استاد در موفقیت طلبه سخن گفته شد، متعلم و طلبه نیز در مقابل استاد وظایفی دارد که رعایت آن‌ها در رشد و کمال وی بسیار تأثیرگذار خواهد بود. در اسلام و سیره عملی پیامبر اعظم و اهل بیت علیهم‌السلام همواره بر تکریم اساتید و علمای راستین تأکید شده است. چنان‌که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

أَكْرِمُوا الْعُلَمَاءَ فَإِنَّهُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ فَمَنْ أَكْرَمَهُمْ فَقَدْ أَكْرَمَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ؛

دانشمندان را گرامی دارید که آن‌ها وارثان پیامبرانند و هر که آنان را احترام کند، خدا و رسولش را احترام کرده است.

امام علی علیه‌السلام نیز فرمود:

مَنْ وَقَّرَ عَالِمًا فَقَدْ وَقَّرَ رَبَّهُ؛^۲

کسی که به عالمی احترام بگذارد، خدا را احترام گذاشته است.

امام سجاد علیه‌السلام در رساله حقوق‌شان می‌فرماید:

وَأَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ فَالتَّعْظِيمُ لَهُ وَالتَّوْقِيرُ لِجَلِيسِهِ وَحُسْنُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ وَالْإِقْبَالُ عَلَيْهِ وَالمُعُونَةُ لَهُ عَلَى نَفْسِكَ فِيمَا لَا غَنَى بِكَ عَنْهُ مِنَ الْعِلْمِ بِأَنْ تُفَرِّغَ لَهُ عَقْلَكَ وَتُخَضِّرَهُ فَهَمَكَ وَتُرَكِّيَ لَهُ قَلْبَكَ وَتُجَلِّيَ لَهُ بَصْرَكَ بِتَرْكِ اللَّذَاتِ وَتَقْصِ الشَّهَوَاتِ وَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّكَ فِيمَا أَلْقَى إِلَيْكَ رَسُولُهُ إِلَى مَنْ لَقِيكَ مِنْ أَهْلِ الْجَهْلِ فَلَزِمَكَ حُسْنُ التَّأْدِيَةِ عَنْهُ إِلَيْهِمْ وَلَا تُخْنَهُ فِي تَأْدِيَةِ رِسَالَتِهِ وَالْقِيَامِ بِهَا عَنْهُ إِذَا تَقَلَّدْتَهَا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛^۳

اما حق سرپرست علمی (استاد) آن است که او را تعظیم کنی، مجلسش را محترم شماری، درست به گفتارش گوش دهی، به او توجه کنی، استاد را در تربیت علمی خود که به آن محتاجی، کمک دهی، فکر را فارغ و ذهن را حاضر سازی، با چشم پوشی از لذت‌ها و کاستن شهوت‌ها، قلب را پاک و چشم را جلا دهی و بدانی که در آن درس‌ها که به تو می‌آموزد پیک او هستی، با هر جاهلی برخوردی باید پیام استاد را نیکو به گوشش برسانی و چون این رسالت را به عهده گیری در ابلاغ آن و قیام به این وظیفه خیانت نورزی و لاجول و لا قوه الا بالله.^۴

۱. پاینده، نهج الفصاحة، ص ۲۳۹، شماره ۴۵۰.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۶۳۲، ش ۱۰۵۰.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۶۰.

۴. همان، ترجمه جنتی، ص ۴۱۳.

مقام معظم رهبری دامت برکاته ضمن تأکید بر حفظ جایگاه اساتید، می‌فرمایند:

مسئله بعدی، مسئله نظام رفتاری و اخلاقی حوزه‌هاست؛ که همین تحول - اگر تحولی انجام می‌گیرد - باید ناظر به این جهت هم باشد. چند تا سرفصل در این خصوص وجود دارد که من اینجا یادداشت کرده‌ام: تکریم اساتید؛ نظام رفتاری و اخلاقی ما در حوزه‌ها باید در این جهت حرکت کند. تکریم استاد، تکریم عناصر فاضل، به خصوص تکریم مراجع تقلید. هر کسی آسان به حد مراجع معظم تقلید نمی‌رسد؛ صلاحیت‌های زیادی لازم است. غالباً مراجع قله‌های علمی حوزه‌های علمیه محسوب می‌شوند. بنابراین احترام مراجع بایستی محفوظ باشد؛ باید تکریم شوند.^۱

و نیز می‌فرماید:

احترام به استاد هم يك مسئله است. یکی از سنت‌های رائج حوزه‌های علمیه، تواضع شاگرد در مقابل استاد بود؛ احترام به استاد. «آداب المتعلمین» می‌نوشتند، که متعلم در مقابل معلم چه وظائفی دارد و معلم چه حقوقی بر او دارد؛ هم‌چنان که متقابلاً متعلم بر معلم حقوقی دارد. اینکه استاد بیاید بگوید و برود، نه؛ حرف شاگرد را می‌شنفتند، گوش می‌کردند. اینها از قدیم معمول بوده است. در همین زمان ما بعضی از بزرگان بودند، الان هم هستند؛ شاگرد بعد از درس، تا خانه‌ی استاد او را همراهی می‌کرد؛ بحث می‌کرد، صحبت می‌کرد، سؤال می‌کرد. گعده، گعده‌ی علمی؛ نشست، نشست تحقیقی و سؤال و جواب؛ اینها سنت‌های خوب حوزه‌ی ماست. دیگران می‌خواهند اینها را از ما یاد بگیرند، ما بیائیم اینها را تبدیل کنیم به روش‌های دیگران که منسوخ و کهنه است؟! پس این سنت‌ها باید باقی بماند و تقویت شود. تحول به معنای تغییر اینها نیست.^۲

از آیت‌الله وحید بهبهانی رحمته‌الله علیه پرسیدند: چگونه به این مقام علمی و عزت و شرف و مقبولیت رسیده‌ای؟ آقا در جواب نوشت:

من ابدا خود را چیزی نمی‌دانم و در ردیف علمای موجود به شمار نمی‌آورم. آنچه ممکن است مرا به این مقام رسانده باشد، این است که هیچ‌گاه از تعظیم و بزرگداشت علما و نام آنان را به نیکی بردن خودداری ننمودم و هیچ وقت اشتغال به تحصیل را تا آن جا که مقدورم بوده ترک نکردم و همیشه آن را بر تمام کارها مقدم می‌داشتم.^۳

بسیاری از علما و بزرگان حوزه هنگام اسم بردن از اساتید خود از آنان با عظمت و احترام یاد می‌کردند.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب و علما، حرم حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۸۹/۷/۲۹.

۲. همان.

۳. مختاری، سیمای فرزنانگان، ص ۲۱۰.

امام خمینی رضی الله عنه که در آثارش به مناسبتی نامی از استادش آیت‌الله شاه‌آبادی رحمته الله علیه می‌برد، می‌نویسد: «شیخ عارف کامل روحی فدا» و در بیان‌های به مناسبت شهادت فرزند استاد نوشت: این شهید عزیز... فرزند برومند شیخ ما بود که حقا حقی حیات روحانی به این جانب داشت که با دست و زبان از عهده شکرش بر نمی‌آیم.^۱

خدمت به اساتید و علما نیز یکی از شیوه‌های تکریم ایشان است.

امیرالمؤمنی علی رضی الله عنه می‌فرماید:

إِذَا رَأَيْتَ عَالِمًا فَكُنْ لَهُ خَادِمًا؛^۲

اگر عالمی را دیدی به او خدمت کن.

از مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری نقل کرده‌اند:

توفیقاتی که در زندگی نصیب من شد و در پرتو آن‌ها توانستم حوزه [علمیه قم] را تأسیس کنم، همه مرهون خدمات من به استاد مرحوم سیدمحمد فشارکی رحمته الله علیه کرده‌ام. زمانی ایشان به شدت بیمار شدند و من مدت‌ها در خدمت ایشان بودم و به آن افتخار می‌کردم.^۳

در سیره آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه نقل است که:

ایشان در مسجد بالاسرکنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام تدریس می‌کردند. در یکی از روزها هنگام درس، آقا متوجه شدند که یکی از شاگردان ایشان به قبر حاج شیخ عبدالکریم حائری تکیه داده است. با تندی به او فرمودند: آقا به قبر تکیه نکنید، این بزرگان برای اسلام زحمت کشیده‌اند به آنان احترام بگذارید.^۴

حضرت آیت‌الله مجتهدی رحمته الله علیه می‌فرماید:

تجربه نیم قرن من ثابت کرده است که اگر اساتید از تو راضی نباشند به جایی نخواهی رسید، اگر چه در این راه استقامت داشته باشی، ولی با این وجود، خدمات شایانی نخواهی داشت و آثار باقیات الصالحات از خود به یادگار نخواهی گذاشت.^۵

۱. همان، ص ۲۲۵.

۲. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۴۸۹.

۳. مختاری، سیمای فرزندگان، ص ۲۲۳.

۴. www.ghadeer.org.

۵. برخوردارفرید، آداب الطلاب، ص ۲۵۲.

ط. تعظیم علم

اهمیت تکریم و احترام اساتید و علماء بیش‌تر به جهت علوم و معارفی است که این بزرگان در سینه خود دارند و در گفتار و کردار خود را به این معارف آراسته‌اند. بنابراین به طریق اولی تکریم و تعظیم این علوم و معارف و احترام به کتاب‌های مربوطه باید مورد اهتمام همگان و به ویژه طلاب علوم دینی باشد.

مرحوم محدث قمی بدون وضو و طهارت حتی دست به جلد کتاب حدیث نمی‌زد، چه رسد به جملات حدیث. وی هرگاه می‌خواست حدیث مطالعه کند یا بنویسد با وضو، مؤدب و دو زانو، رو به قبله می‌نشست و کارش را آغاز می‌کرد.^۱

برخی از علما برای رعایت ادب در اتاقی که قرآن یا کتاب فقهی و روایی بود نمی‌خواستند و پایشان را به طرف کتاب فقه و حدیث و تفسیر دراز نمی‌کردند.

مرحوم دربندی که از شاگردان شریف العلماء است به کتاب‌های علمی زیاد احترام می‌گذاشت به طوری که تهذیب شیخ طوسی و مانند آن را مثل قرآن می‌پوسید و بالای سر می‌گذاشت و می‌گفت: «کتب احادیث و روایات مانند قرآن محترم است».^۲

شهید ثانی رحمته الله علیه می‌نویسد:

لازم است به هنگام چیدن کتب، بر حسب ارزش و شرف علوم و نیز حیثیت و اعتبار مؤلفان آن‌ها، ترتیبی که حاکی از ادب در کیفیت چیدن آن‌هاست رعایت شود؛ به این معنا که کتاب‌های پر ارزش را بر روی کتب دیگر بگذارد و به همین گونه به میزان اعتبار آن‌ها کتاب‌ها را روی هم بچیند.^۳

ی. ورزش و فعالیت بدنی

در آموزه‌های اسلامی بر تقویت قوای جسمانی تأکید شده و مؤمن قوی و نیرومند مورد ستایش قرار گرفته است^۴ و امیرمؤمنان علی رضی الله عنه نیز در دعای کمیل از خداوند متعال می‌خواهد تا جسمی نیرومند برای خدمت به دینش به او عنایت بفرماید.^۵

۱. مختاری، همان، ص ۲۲۷، به نقل از «حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت»، ص ۵۶.

۲. همان، ص ۲۲۸، به نقل از قصص العلماء، ص ۱۰۹.

۳. همان، ص ۲۳۰، به نقل از منیة المرید، ص ۳۴۵.

۴. مثل المؤمن القوی مثل النخلة و مثل المؤمن الضعیف کخامة الزرع (پاینده، نهج الفصاحه، ص ۷۱۵، ش ۲۷۱۶).

۵. یارب قو علی خدمتک جوارحی. (شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان)

بنابراین، اهمیت و ضرورت ورزش و فعالیت بدنی برکسی پوشیده نیست و امروزه یکی از نیازهای اصلی و ضروری انسان معاصر به شمار می‌آید و متولیان امر و کارشناسان تربیتی همگی بر این امر اذعان و تأکید دارند.

امام خمینی ره در کلام زیبایی در اهمیت ورزش چنین می‌فرماید:

عقل سالم، در بدن سالم است. ورزش همان طور که بدن را تربیت می‌کند و سالم می‌کند، عقل را هم سالم می‌کند و اگر عقل سالم باشد، تهذیب نفس هم دنبال او باید باشد^۱.

با توجه به نوع فعالیت روزانه طلاب و روحانیون که بیش‌تر به کار ذهنی و علمی مشغول بوده و اغلب از تحرک و فعالیت بدنی کمی برخوردار هستند، اهمیت ورزش و تفریح به مراتب بیش‌تر می‌شود. به ویژه در مورد طلاب مدارس علمیه که همه نوجوان و جوان و در سنین رشد و هیجان هستند، ورزش یکی از سالم‌ترین و مؤثرترین روش‌های تخلیه هیجانی، رفع کسالت و خستگی روحی و روانی و دوری از بیماری‌های و مشکلات جسمی آن‌ها به شمار می‌آید.

سلامت و نشاط جسمی که در اثر ورزش پدید می‌آید، زمینه‌ساز سلامت و نشاط روحی و روانی و شکوفایی فضایل انسانی و اخلاقی است؛ چرا که در فرهنگ اسلامی ما بسیاری از توانمندی‌های جسمانی در کنار آراستگی به فضائل انسانی و اخلاقی است که ارزش پیدا می‌کند؛ به عنوان مثال، نیرومندی و جوانمردی، همواره دوشادوش هم بوده‌اند. همچنین به سبب فعالیت‌های ورزشی، انرژی اضافی فرد تخلیه و هیجان‌ات و غرایز جوانی فروکش می‌کند و ذهن انسان از امیال درونی به سوی واقعیات بیرونی منصرف می‌شود.

متأسفانه در مدارس که به این ضرورت توجه جدی نمی‌شود و طلاب تحرک کافی ندارند، شاهد بروز برخی از مشکلات جسمی و ناهنجاری‌های روحی و روانی و حتی اخلاقی هستیم؛ ضعف‌های جسمانی، سردردهای عصبی، اضطراب، افسردگی، اختلالات خواب و... از این قبیل هستند.

پژوهش‌های متعدد علمی نشان می‌دهد که از بین عوامل مختلف مثل چاقی، سیگار و... کم‌تحرکی یک از مهم‌ترین و در برخی از پژوهش‌ها، اولین عامل بیماری و مرگ و میر در جهان

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۴۶.

به شمار می‌آید.^۱

تحصیل، تهذیب و ورزش همواره توصیه مقام معظم رهبری علیه‌السلام به جوانان بوده و در اهمیت ورزش می‌فرمایند:

یکی از نیازهای اساسی کشور، فراگیرشدن ورزش همگانی میان مردم است... یکی از نتایج فراگیرشدن ورزش همگانی در میان مردم، حل بسیاری از مشکلات اخلاقی جامعه همچون اعتیاد است.^۲

طلبه باید روحیه جوانی را با همه خصوصیات جوانی حفظ کند... این جوانی، نباید به پیری تبدیل شود. اگر جوان ما ظاهراً و سناً جوان، ولی روحیتاً پیر و بی‌نشاط و بی‌حوصله و بی‌ابتکار و ناامید باشد، بسیار چیز بدی است. طلبه باید منشأ امید و شور و نشاط و تحرک باشد.^۳

آیت‌الله مقتدایی از اعضای محترم شورای عالی حوزه نیز در اهمیت ورزش برای طلاب در بازدید از مجموعه فرهنگی و ورزشی تیپ مستقل رزمی تبلیغی ۸۳ امام جعفر صادق علیه‌السلام قم چنین ابراز داشتند:

ورزش باید با زندگی طلاب عجین شده باشد به طوری که روزانه وقتی را به این امر اختصاص دهند... ورزش شادابی و نشاطی در انسان ایجاد می‌کند که انسان کارهای روزمره، عبادت و تحصیل خود را با شادابی انجام دهد. انسان وقتی حالت تحرکی در درون خود ایجاد کند و بدن را برای قوت و قدرت آماده نماید، می‌تواند غم‌ها و غصه‌ها و کسالت‌های جسمی را از خود دور کند و هم چنین در تحصیل و کارهای روزمره با نشاط بیش‌تری وارد شود و اکثر بزرگان ما همواره در این مسیر قدم برمی‌داشتند. بنابراین، طلاب برای تحصیل و تهذیب، نیاز به نشاط و طراوات روح

۱. گسترش فناوری و ماشینی شدن زندگی، کم شدن تحرک جسمانی را برای انسان‌ها به ارمغان آورده و این در حالی است که ۷۰ درصد از بیماری‌ها در اثر بی‌تحرکی بوجود می‌آیند... کارشناسان معتقدند فعالیت بدنی روی سایر راهکارهای مقابله با بیماری‌های مزمن به ویژه برنامه غذایی، کاهش مصرف دخانیات، الکل و مواد مخدر اثر مثبت دارد، به کاهش خشونت کمک می‌کند، توانایی انجام کار را افزایش می‌دهد و موجب بهبود روابط اجتماعی افراد جامعه می‌شود. براساس تحقیقات، سن ابتلا به دردهای مفصلی در بیشتر کشورهای جهان ۲۵ سال کاهش یافته است و دلایل آن، شیوه زندگی نامناسب، بی‌تحرکی در محیط‌های اداری و نداشتن فعالیت فیزیکی است... براساس برآورد سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۲، بی‌تحرکی سبب مرگ ۱/۹ میلیون نفر در جهان شده است... در حال حاضر تخمین زده می‌شود که ۶۰ درصد از جمعیت جهان به اندازه کافی حتی به میزان نسبتاً کم توصیه شده، فعالیت جسمانی ندارند... بررسی‌های انجام شده در کشور هم نشان می‌دهد که ۴۵ درصد ایرانیان دچار فقر حرکتی هستند. (روزنامه پزشکی ایران، www.iran.pezeshk.us، خبر شماره ۳۴۸۸۳، مورخه ۱۳۹۲/۱/۲۴).

۲. بیانات مقام معظم رهبری در مورخه ۱۳۹۱/۱۲/۲۱.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹/۱۱/۰۴.

دارند که می‌توانند از طریق ورزش به آن دست پیدا کنند... بنده خودم از جوانی ورزش می‌کردم و در سفری به مشهد مقدس، یک ماه مبارک رمضان در حجره مقام معظم رهبری در مدرسه نواب با هم بودیم که یکی از برنامه‌های ایشان، ورزش باستانی بود و به طلاب نیز توصیه می‌کردند که در طول روز، وقتی را برای ورزش اختصاص دهند.^۱

راهکارها و پیشنهادها

- بنابراین برای تشویق طلاب به ورزش کردن، لازم است اقدامات زیرانجام شود:
- تهیه فضا، امکانات و لوازم ورزشی مورد نیاز برای مدرسه، مثل: میز پینگ‌پونگ، زمین والیبال، بسکتبال، وسایل عمومی و معمولی بدن‌سازی و... با توجه به جمعیت طلاب و فضای موجود؛
 - تشویق طلاب به ورزش، به ویژه ورزش‌های گروهی؛
 - تخصیص سرانه‌ی کافی ورزشی برای طلاب مدارس؛
 - وارد کردن برنامه‌ی منظم تربیت بدنی در برنامه‌ی آموزشی و درسی (اختصاص زنگ ورزش یا ورزش صبح‌گاهی یا عصرگاهی در مدرسه)؛
 - اطلاع‌رسانی به طلاب درباره‌ی آثار و برکات ورزش در تهذیب، سلامت جسمانی، بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی آنان (از طریق تهیه و توزیع جزوه، بروشور، کتاب، سی‌دی و پخش فیلم و کلیپ ورزشی میان طلاب)؛
 - دعوت از کارشناسان تربیت بدنی، مربیان ورزشی و طلاب ورزشکار و موفق در عرصه‌ی تهذیب، تحصیل و تبلیغ برای حضور در مدرسه و سخنرانی برای طلاب؛
 - آشناسازی طلاب و ترغیب آنان به یادگیری ورزش‌های اسلامی (سوارکاری، تیراندازی و شنا) و فراهم نمودن امکانات لازم در این زمینه و نهی آن‌ها از انجام ورزش‌های غیرشرعی یا متعارض با زئی طلبگی و شؤونات روحانیت؛
 - پی‌گیری برای جذب و تهیه امکانات ورزش همگانی که شهرداری‌ها در اماکن عمومی و پارک‌ها نصب می‌کند؛

- تهیه و خرید عمده کفش و لباس ورزشی متناسب با زنی طلبگی و فروش اقساطی آن به طلاب مدرسه؛
- برنامه‌ریزی و تدارک امکانات لازم برای کوهنوردی^۱ هفتگی یا ماهانه طلاب (در مناطقی که دسترسی آسان به کوه ممکن است)؛
- برگزاری کلاس‌های آموزشی رزمی و دفاع شخصی، برای ایجاد انگیزه، نظم و تداوم ورزش طلاب و نیز بالا بردن روحیه و آمادگی جسمی آنان که علی علیه السلام فرمود: یارب قو علی خدمتک جوارحی؛
- برگزاری اردوهای تفریحی ورزشی در روزهای تعطیلی؛
- پخش دعاها، ذکرها، مداحی‌ها و سرودهای انقلابی و حماسی مناسب با فضای ورزش برای ایجاد انگیزه‌ی معنوی و نشاط روحی بیشتر؛
- فراهم کردن امکان دسترسی طلاب به باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی بیرون از مدرسه (اگر در مدرسه سالن ورزشی مطلوب وجود ندارد)، البته با اعمال نظارت‌های لازم و کافی؛
- تشویق طلاب متخلق ورزشکار و ...

ک. تفریح سالم و پاک

امام رضا علیه السلام در بیان اهمیت تفریح سالم و لذت حلال در موفقیت برانجام وظایف دینی و اجتماعی خود می‌فرماید:

واجتهدوا ان یکون زمانک اربع ساعات: ساعه لله لمناجاته و ساعه لامر المعاش و ساعه لمعاشره
الاکخوان الثقات و الذین یعرفونکم و یخلصون لکم فی الباطن و ساعه تخلون فیها للذاتکم و بهذه
الساعه تقدرون علی الثلاث الساعات؛^۲

کوشش کنید اوقات روز شما چهار ساعت باشد: ساعتی برای عبادت و مناجات با خدا، ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب‌هایتان آگاه سازند و در باطن به شما خلوص دارند و ساعتی را هم به تفریحات و لذایذ اختصاص دهید و

۱. مقام معظم رهبری علیه السلام: کوهنوردی یعنی عروج به قله‌هایی که در کشور ما به طور فراوان وجود دارد. کوهنوردی ورزشی است در اختیار همه؛ باید مردم بروند ورزش کنند؛ باید مردم به این ارتفاعات شمال تهران یا به ارتفاعات فراوانی که در اغلب نقاط کشور وجود دارد، بروند و از این هوای پاک، از این کوهستان خداداده، استفاده کنند.

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۲۱.

با این بخش از زندگی، قادر خواهید بود آن سه بخش دیگر را به خوبی انجام دهید. حضرت در این روایت شریفه تأکید می‌کنند که با برنامه‌ریزی و پرداختن به لذت‌های حلال و تفریح سالم است که انسان می‌تواند در سه بخش دیگر امور زندگی موفق باشد. همین یک روایت کافی است تا نقش و اهمیت تربیتی تفریح سالم و حلال در زندگی انسان به ویژه طلاب و روحانیون و خانواده‌های ایشان، با توجه به محدودیت‌هایی که نسبت به سایر اقشار مختلف مردم در زمینه امور تفریحی دارند، روشن گردد و حجت بر مسئولین امر تمام شود که بکوشند تدابیر لازم و امکانات مناسب را در این راستا برای آن‌ها فراهم کنند. رسول اعظم اسلام ﷺ می‌فرمایند:

خَيْرُهُو الْمَوْمِنُ السَّبَّاحُ وَ خَيْرُهُو الْمَرْأَةُ الْمِعْزَلُ^۱

بهترین سرگرمی مرد مؤمن شنا و بهترین سرگرمی زن بافندگی است.

انجام هر کاری و از جمله عبادات، نیاز به نشاط و آرامش دارد. کسی که غمگین است، حوصله هیچ کاری را ندارد؛ اما افراد با نشاط و شاداب از انجام کارهایشان از جمله عبادات لذت می‌برند و احساس خستگی نمی‌کنند، لذا امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْإِبْدَا فَايْتَعُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ^۲

بدرستی که این دل‌ها ملول می‌شوند چنان‌که بدن‌ها ملول می‌شوند، پس برای آن‌ها حکمت‌های تازه طلب کنید.

طبق این فرمایش حضرت، دل انسان گاهی خسته و ملول می‌شود و باید دنبال وسیله‌ای برای رفع این خستگی و کسالت باشد که حضرت طلب حکمت‌های تازه را یکی از این عوامل معرفی می‌کنند. موارد دیگری نیز در روایات بیان شده است؛ از جمله امام باقر علیه السلام از پدرشان و از جدشان علیه السلام نقل می‌فرمایند که:

النَّشْوَةُ فِي عَشْرِ أَشْيَاءَ: فِي الْمَسْنِيِّ وَالرُّكُوبِ وَالِإِتْمَاسِ فِي الْمَاءِ وَالنَّظْرِ إِلَى الْخُضْرَةِ وَالْأَكْلِ وَالشُّرْبِ وَالْحِمَاحِ وَالسَّوَاكِ وَغَسْلِ الرَّأْسِ بِالْحِطْمِيِّ وَالنَّظْرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحُسْنَاءِ وَ مُحَادَثَةِ الرِّجَالِ^۳

۱. متقی هندی، کنز العمال، ۴۰۶۱۱.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۲، ش ۱۷۳.

۳. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۴۴.

نشاط و شادابی در ده چیز است: در پیاده‌روی، سوارکاری، در آب فرو رفتن (شنا)، نگاه به سبزه، خوردن، آشامیدن، جماع، مسواک زدن، شستن سر با ختمی، نگاه به زن (همسر) زیباروی، صحبت با مردان (گفت‌وگوهای دوستانه).

با مروری بر آیات و روایت و آموزه‌های دینی موارد بسیاری می‌توان برشمرد که از عوامل ایجاد نشاط و شادابی در انسان معرفی شده‌اند که به چند مورد آن اشاره شد. تلاش برای فراهم نمودن این عوامل در مدارس علمیه، می‌تواند در رشد علمی و معنوی طلاب بسیار مؤثر باشد.

راهکارها و پیشنهادها

- برنامه‌ریزی منظم برای مسافرت‌های هفتگی، ماهانه، فصلی و سالیانه درون شهری و برون شهری؛
- برنامه‌ریزی برای حضور در طبیعت، جنگل، دریا، کویر، کوه و...؛
- برنامه‌ریزی برای حضور در اماکن زیارتی و سیاحتی؛
- فضاسازی نشاط‌انگیز محیط مدرسه؛
- برگزاری پُرشور، مفرح و جذاب جشن‌های مذهبی و ملی در مدرسه؛
- برگزاری ورزش‌های مفرح گروهی؛ مثل شنا، سوارکاری، تیراندازی، والیبال و... .

۲-۳-۱-۴ موانع توانشی-رفتاری

موانع توانشی- رفتاری، نوعی ضعف و کمبود در قابلیت‌ها و توانایی‌های فرد متعلم یا متربی است یا حاصل نوعی رفتار او که در تعلیم و تربیت خود او تأثیر منفی دارد.^۱ در واقع، تمامی رذائل اخلاقی، هر کدام به نوعی در تربیت انسان مانعیت داشته و تأثیر منفی در رشد معنوی و اخلاقی وی می‌گذارند. اما به دلیل گستردگی این بحث، از ذکر همه این موانع خودداری کرده و تنها به چند نمونه مهم اشاره می‌شود.

الف. شرک و ریا

وقتی انسان در قلب خود، گرایش و تمایل به غیر خدا داشته باشد، نمی‌تواند رفتار و اعمال

۱. گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، پاورقی ص ۳۹۴ تا ۳۹۵.

خود را بر اساس احکام خدا و اخلاق اسلامی و مطابق معیارهای دینی استوار کند.^۱ قرآن کریم، شرط لقاء الله را عمل صالح و شریک قرار ندادن برای خدا معرفی می‌نماید.^۲ شریک قرار دادن برای خدا، در اثر جهل است و اثر آن، حبط اعمال می‌باشد.^۳

شرک اعتقادی در بحث حاضر مفروغ عنه است و چنین کسی از دایره اسلام و ایمان خارج است چه برسد به طلبگی. اما آنچه برخی از مؤمنین و طلاب گرفتار آن هستند، شرک خفی^۴ در عمل و عبادت به معنای نداشتن اخلاص در کارها و عبادات و ریائی انجام دادن آن‌هاست. شرک خفی در عمل، مانند این است که انسان نماز شب بخواند یا به مستمندی انفاق کند، اما بخواهد که دیگران اعمال او را در این حال ببینند و تحسین کنند.

همان‌گونه که در بحث اخلاص گذشت، مبارزه با ریا و در حقیقت کسب اخلاص در نیت و عمل از دشوارترین گرده‌های راه ایمان است که امام خمینی ره خطاب به طلاب می‌فرماید:

گمان نکنید اکنون که مشغول تحصیل علوم شرعیه می‌باشید و فقه که اشرف علوم است می‌آموزید، دیگر راحتید و به وظایف و تکالیف خود عمل کرده‌اید. اگر اخلاص و قصد قربت نباشد، این علوم هیچ فایده‌ای ندارد. اگر تحصیلات شما، العیاذ بالله، برای خدا نباشد و برای هواهای نفسانیه، کسب مقام و مسند، عنوان و شخصیت در این راه قدم گذاشته باشید، برای خود وزر و وبال اندوخته‌اید. این اصطلاحات اگر برای غیر خدا باشد، وزر و وبال است.

انسان به یکی از این سه دلیل ممکن است گرفتار رذیله ریا شود:

- یا در مال و منافع دیگران طمع دارد؛
- یا به دنبال جلب مدح و ستایش دیگران است و آن را دوست می‌دارد؛

۱. اصغری، موانع تربیت دینی از دیدگاه قرآن، فصلنامه راه تربیت، شماره ۱۳.

۲. ... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا؛ ... پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد. (کهف، آیه ۱۱۰)

۳. طباطبایی، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۷، ذیل آیه ۶۵ سوره زمر: وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ و قطعاً به تو و به کسانی که پیش از تو بودند، وحی شده است اگر شرک ورزی حتماً کردارت تباه و مسلماً از زیانکاران خواهی شد.

۴. «و ما يؤمنُ اکثرهم بالله الا وهم مشرکون»؛ ایمان نمی‌آورند اکثر مردم مگر این که در همان حال مشرک هستند (یوسف، آیه ۱۰۶)؛ با توجه به این آیه شریفه، حتی بیش تر مؤمنان نیز گرفتار شرک خفی هستند.

• یا مذمت و ملامت مردم برایش ناخوشایند است.

اگر ریاکار این سه مشکل را حل نماید، دیگر دلیلی برای خودنمایی در مقابل انسان‌ها وجود نخواهد داشت. انسان عاقل رغبت به کاری که برای او نفعی ندارد پیدا نمی‌کند و به امری که به حال وی ضرر رساند بی‌میل می‌باشد. ریا همان ضرر و نبود نفع است؛ زیرا دل بستن به تعریف یا دل‌گیر شدن از نکوهش مردم نفعی به حال انسان ندارد بلکه ریا موجب بطلان عبادت و مضرمی باشد. علاوه این که نظر مردم به اندک چیزی متغیر می‌شود. رضا و خشنودی آدمیان زودگذر و ناپایدار است و شخص ریاکار مضطرب، دل‌نگران، متزلزل و مشوش است. در مقابل، اخلاص و چشم‌نداشتن به مخلوقات، اطمینان و آرامش دل را افزون می‌کند.

ب. گناه

اولین و مهم‌ترین مانع در کسب فیوضات الهی و رشد و بالندگی در مسیر طلبگی و تحصیل علوم دینی، گناه و نافرمانی خداوند است.

گناه مقدرات الهی را تغییر می‌دهد و اسباب ظاهری را بی‌اثر می‌سازد؛ خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أُنذِرْكُمْ!

آنچه از رنج و مصایب به شما می‌رسد، نتیجه اعمال زشت خودتان است.

گناه رابطه مستقیم و منفی با رشد معنوی انسان دارد؛ گاهی ارتکاب گناه موجب می‌شود انسان از انجام عبادت یا تحصیل علم یا کسب روزی حلال محروم گردد؛ مردی به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: «یا امیرالمؤمنین انی قد حرمت الصلاة باللیل. فقال له امیرالمؤمنین علیه السلام: انت رجل قد قیدتک ذنوبک؛^۱ ای امیرمؤمنان توفیق نماز شب ندارم. حضرت فرمودند: تو مردی هستی که گناهان دست و پایت را بسته است.»

عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: «اتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِنَّهَا مَمْحَقَةٌ لِلْخَيْرَاتِ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَنْسَى بِهِ الْعِلْمَ الَّذِي كَانَ قَدْ عَلِمَهُ وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُمْنَعُ بِهِ مِنْ قِيَامِ اللَّيْلِ وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ

۱. شوری، آیه ۳۰.

۲. حرعالملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۶۱.

الدَّنْبُ فَيُحْرَمُ بِهِ الرِّزْقُ وَقَدْ كَانَ هَنِئًا لَهُ»؛^۱

پیامبر خدا ﷺ: از گناهان دوری کنید؛ زیرا گناهان خوبی‌ها را محو می‌کند. همانا بنده [گاه] گناه می‌کند و به سبب آن، دانشی را که آموخته بود، فراموش می‌کند، و بنده [گاه] گناه می‌کند و از نماز شب محروم می‌شود و بنده [گاه] گناه می‌کند و از رزقی که برایش آماده شده بود، محروم می‌گردد.

به هر جهت توجه به نتایج شوم گناه از جمله عواملی است که می‌تواند انسان را از گناه باز دارد؛ اینکه ببیندیشد، ممکن است گناه او تلاش‌های مادی، علمی و معنوی‌اش را بی‌ثمر کرده، او را از رزقش محروم کند.

این کلام نورانی از حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ معروف است که فرمود:
عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید.^۲

نیز امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در توصیه به فرزندشان می‌فرمایند:

پسرم! گناهان را هر چند کوچک به نظرت باشند سبک شمار «أَنْظُرَالِي مَنْ عَصَيْتَ» و با این نظر همه گناهان بزرگ و کبیره است... هر گناهی گرچه کوچک به گناهان بزرگ و بزرگ‌تر انسان را می‌کشد به طوری که گناهان بسیار بزرگ در نظر انسان ناچیز آید. بلکه گاهی اشخاص به ارتکاب بعضی کبایر به یکدیگر فخر می‌کنند و گاهی به واسطه شدت ظلمات و حجاب‌های دنیوی، منکر به نظر معروف و معروف منکر می‌گردد.^۳

آیت الله بهجت رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ نیز می‌فرماید:

هیچ ذکری، بالاتراز ذکر عملی نیست؛ هیچ ذکر عملی، بالاتراز ترک معصیت در اعتقادیات و عملیات نیست و ظاهراین است که ترک معصیت به قول مطلق، بدون مراقبه دائمیه، صورت نمی‌گیرد.^۴

آیت الله مهدوی کنی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ نیز در پاسخ به سؤال کسی که از ایشان راهنمایی خواسته بود، فرمودند:

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۷۷.

۲. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۶۱.

۳. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۳۶۴.

۴. به نقل از سایت مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله بهجت: <http://www.bahjat.ir> و ساعی، به سوی محبوب، ص ۴۰.

بنا را بر این بگذارید که گناه نکنید.^۱

بسیاری از علمای ما عمل مکروه و مباح انجام نمی‌دادند تا چه برسد به حرام؛ به عنوان

نمونه، شهید ثانی رحمته الله علیه می‌نویسند:

صرف عمر در کارهای مباح، هر چند کم، جززیان چیزی نیست، چه از ثواب می‌کاهد و درجات

انسان را پایین می‌آورد.

یا در مورد مقدس اردبیلی رحمته الله علیه گفته‌اند که ایشان در طول چهل سال از او مباحی سرنزد، چه

رسد به حرام و مکروه.^۲

ج. اهمال‌کاری و تسویف

اهمال‌کاری یکی از موانع تربیتی و از جمله آسیب‌های تربیتی است که در آسیب‌شناسی

اخلاقی و تربیتی انجام شده توسط معاونت تهذیب هم بدان اشاره شده است.

روان‌شناسان در تعریف اهمال‌کاری گفته‌اند: اهمال‌کاری این است که کاری را که تصمیم

به اجرای آن داریم به آینده موکول کنیم. در یک کلمه می‌توان گفت: جوهره این آسیب روانی

به تعویق انداختن، تعلل ورزیدن، سبک گرفتن و سهل‌انگاری در کار است. بنابراین، اهمال

هم در امور فردی و هم جمعی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. در نهایت می‌توان گفت: در همه

این معانی نوعی این دست آن دست کردن نهفته است.^۳

در زبان عربی واژه‌های «کسل» و «ضجر» مرادف اهمال‌کاری است. عناوینی چون «تهاون»

و «إبطاء» چندان دور از این واژه نیستند. دو واژه «مماطله» و «تسویف» نیز مرادف اهمال‌کاری

اجتماعی است که در قول و قرارهای زمانی تحقق پیدا می‌کند. در کلام صاعد امام سجاد علیه السلام

در دعای ابوحمره این گونه آمده است: «وقد افنیت بالتسویف و الآمال عمری»؛ «خدایا من

عمرم را به امروز، فردا کردن (در عمل به عهد و پیمانی که با تو داشته‌ام) و آرزوهای طولانی

و بلند، گذرانده‌ام». در دعای کمیل تحت عنوان «مطال» این گونه آمده است: «وخذعتنی

۱. کلیپ تصویری از مرحوم آیت الله مهدوی کنی، سایت خبرگزاری فارس، اول آبان ۱۳۹۳: <http://www.farsnews.com>

۲. رک: مختاری، سیمای فرزندگان، ص ۹۳.

۳. رک: آقانهانی، مقاله «اهمال‌کاری؛ بررسی علل، راه کارها و درمان»، نشریه معرفت، شماره ۶۴.

الدنیا بغرورها و نفسی بجنایتها و مطالی»؛ «دنیا به وسیله فریفتن خود و نفسم به جنایت و سهل انگاریش مرا گول زده است». واژه «بطئی» به معنی گندی، نیز معنای «اهمال» را می‌رساند. «و ان كنت بطیئاً حین یدعونی»؛ «گرچه هنگامی که تو مرا به سوی خود خوانده ای، من کندی (سستی) به خرج داده ام». «اول لعلک ألف مجالس البطالین فبینی و بینهم خلیتی»؛ «خدایا! مبادا مرا مانوس به هم صحبتی آنان که عمر خود را به بیهودگی می گذرانند دیده ای، که توفیق دعا و عبادت را از من گرفته ای؟» و نیز: «الهی الیک اشکوا نفساً بالسوء... و تسوّفی بالتوبة»؛ خدایا از نفسم شکوه دارم که... توبه امروزم را به فردا می افکند. امام علیه السلام به روشنی تسویف را از حالات نفس انسانی دانسته‌اند.^۱

اهمال کاری و تسویف کاملاً با تربیت و تلاش برای کسب توفیقات مادی و معنوی در تضاد است؛ چرا که شخص اهمال‌کار، هم در کارهای دنیایی و هم در کارهای اخروی، خود را به تنبلی زنده و کارهایش را به بعد موکول می‌کند و در انجام واجبات و ترک محرمات سستی می‌ورزد. به فرموده امام علی علیه السلام چنین شخصی به کار مورد نظرش نخواهد رسید و سرانجام بدی خواهد داشت.^۲

از سفارش‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابودر است که می‌فرماید:

عن رسول الله صلی الله علیه و آله: يَا أَبَادَرُّ! إِيَّاكَ وَالتَّسْوِيفَ بِأَمْلِكَ، فَإِنَّكَ بِيَوْمِكَ وَلَسْتَ بِمَا بَعْدَهُ فَإِنْ يَكُنْ غَدٌ لَكَ فَكُنْ فِي الْغَدِ كَمَا كُنْتَ فِي الْيَوْمِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ غَدٌ لَكَ لَمْ تَنْدَمْ عَلَيَّ مَا فَرَّطْتَ فِي الْيَوْمِ؛^۳

از اهمال بپرهیز که تو برای امروز زنده‌ای، نه برای فردا. اگر فردایی بود، فردا نیز مثل امروز باش و اگر فردایی نبود، از اهمال و سستی امروز پشیمان نخواهی بود.

امام خمینی ره نیز در این باره می‌فرماید:

از مکاید بزرگ شیطان و نفس خطرناک‌تر از آن، آن است که به انسان وعده اصلاح در آخر عمر

۱. همان.

۲. عَنْ الصَّادِقِ علیه السلام: كَتَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ: ... فَتَدَارِكُ مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِكَ وَلَا تَقُلْ غَدًا أَوْ بَعْدَ غَدٍ، فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ بِإِقَامَتِهِمْ عَلَى الْأَمَانِيِّ وَالتَّسْوِيفِ حَتَّى أَنَاهُمْ أَمْرًا لِلَّهِ بَعْتَهُ وَهُمْ غَافِلُونَ؛ پس ما بقی عمر خویش را دریاب و مگو فردا یا پس فردا؛ زیرا کسانی که قبل از تو می‌زیستند، به سبب دو چیز هلاک شدند: (یکی) باقی ماندنشان بر آرزوها، و (دیگری) امروز و فردا کردن‌ها؛ تا این که (مرگ و) امر خدا ناگهانی آنان را گرفت؛ در حالی که آنان در غفلت به سر می‌بردند. (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۳۶، ح ۲۳)

۳. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۱۴.

و زمان پیری می‌دهد و تهذیب و توبه الی الله را به تعویق می‌اندازد برای زمانی که درخت فساد و شجره زقوم قوی شده و اراده و قیام به تهذیب ضعیف بلکه مرده است.^۱

۲-۴ عوامل و موانع بیرونی

براساس ارتباطات سه‌گانه‌ای که آدمی با غیر خودش در سه شکل ارتباط با خدا، دیگران و طبیعت دارد، سه گروه عوامل و موانع تربیتی بیرونی بروز می‌نماید. این سه دسته می‌تواند در چگونگی و روند تربیت تأثیر گذاشته و آدمی را به سمت هدف غایی سوق دهد یا از آن منحرف کند.

۲-۴-۱ عوامل و موانع معنوی

۲-۴-۱-۱ عوامل معنوی

عوامل معنوی در برابر عوامل مادی و دنیوی قرار دارد و به طیفی از عوامل اشاره دارد که خدای متعال از عالم امر و ملکوت، هدایت و تربیت خود را مشمول بندگان کرده است و انسان با تمسک به این عوامل، مسیر رشد و کمال اخلاقی و معنوی را سریع‌تر و آسان‌تر می‌پیماید.

الف. خداوند متعال

خداوند متعال اولین و مهم‌ترین عامل مؤثر در تربیت اخلاقی و معنوی انسان و رسیدن به کمال و رستگاری وی است. اگر خواست و اراده الهی بر هدایت یا ضلالت کسی تعلق گرفت احدی را توان تغییر این اراده نخواهد بود.^۲ مبدأ آفرینش و خالق و مالک همه‌ی هستی اوست و براساس ربوبیت تکوینی و تشریحی خود، هدایت و جهت‌دهی انسان را برعهده دارد.^۳ ربوبیت الهی اقتضا می‌کند علاوه بر این‌که خداوند، مبادی اراده و اختیار و اسباب و وسایل کار را در اختیار انسان قرار می‌دهد، راه مستقیم و درست را نیز به او معرفی کند، خوب و بد را به او بشناساند و قوانین مورد نیاز بشر در این جهان برای رسیدن به سعادت و رستگاری ابدی را از طریق ارسال رسل و انزال کتب به او بنمایاند.

۱. امام خمینی، ره عشق، ص ۲۸.

۲. و من یهد الله فهو المهتد و من یضلل الله فلن تجد لهم اولیاء من دونه... (اسراء، آیه ۹۷)؛ و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم فیضل الله من یشاء و یهدی من یشاء و هو العزیز الحکیم. (ابراهیم، آیه ۴)

۳. ان علینا للهدی؛ همانا این هدایت برعهده ماست. (لیل، آیه ۱۲)

بنابراین، کسانی می‌توانند به سوی غایت و کمال خویش حرکت کنند که راه مستقیم را بشناسند، به قوانین الهی آگاه باشند و آن‌ها را در زندگی خود پیاده سازند. از میان انسان‌ها نیز افرادی نسبت به پیروی و اجرای قوانین الهی اولی هستند که وظیفه بیان و تبلیغ این قوانین را بردوش دارند و از آن‌جا که طلبه نسبت به سایر مردم به احکام الهی آشنا تر است و خود را منتسب به دین می‌داند، در التزام عملی و اهتمام به احکام و تکالیف الهی اولویت بیش تری دارد؛ چرا که عمل، ظرفیت معنوی انسان را افزایش می‌دهد و محل ریزش فیوضات الهی می‌شود.

از مرحوم آیت الله بهجت نقل شده که فرمود:

باید بدانیم که هدف باید این باشد که تمام عمر، صرف در یاد خدا و طاعت او و عبادت باید باشد تا به آخرین درجه قرب مستعد خودمان برسیم، وگرنه بعد از آنکه دیدیم بعضی به مقامات عالیه رسیدند و مابقی جهت عقب ماندیم، پشیمان خواهیم شد.^۱

نتیجه اینکه، پذیرش ربوبیت تشریحی خداوند و التزام قلبی و عملی فرامین الهی از عوامل مؤثر در تربیت انسان می‌باشد.

ب. انبیا، اوصیا و اولیای الهی و کتب آسمانی

خداوند با ارسال پیامبران و انزال کتب، هدایت تشریحی خود را تحقق می‌بخشد. مربی هستی، پیامبر اسلام ﷺ را چنان تربیت کرد^۲ که به نهایت درجه کمال انسانی و صفات کریمه و اخلاق فاضله دست یافت و از سوی پروردگار جهانیان به خطاب والای «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ»^۳ مفتخر شد. حضرت نیز برای تربیت انسان‌ها با فرمایشات و رهنمودهای برخاسته از وحی الهی به ایمان و عمل صالح سفارش نمودند. ائمه معصومین علیهم‌السلام این تربیت یافتگان

۱. ساعی، به سوی محبوب، ص ۴۹.

۲. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «أَدَّبَنِي رَبِّي بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ.» (دلمی، إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۶۰)؛ نیز فرمود: «أَدَّبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي.» (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۸۲)؛ «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را برایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد. قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.» (آل عمران، آیه ۱۶۴)

۳. قلم، آیه ۴.

مکتب نبوی نیز، یکی پس از دیگری، راه پرفروغ حضرت را ادامه داده و مسئولیت سنگین هدایت جامعه اسلامی را تا کنون برعهده داشته‌اند. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره به کمیل می‌فرماید:

يَا كَمِيلُ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَدَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ أَدَبَنِي وَأَنَا أُدَبُ الْمُؤْمِنِينَ!

ای کمیل! همانا رسول خدا ﷺ را خدای عزوجل تربیت نمود و او نیز مرا تربیت کرد و من نیز مؤمنین را تربیت می‌کنم.

آیت‌الله بهجت رحمته الله در این رابطه می‌فرماید:

ائمه علیهم السلام از حال ما غافل نیستند، اگرچه ما از آن‌ها غافل باشیم.^۲

هربلایی که به ما می‌رسد، در اثر دوری از اهل بیت علیهم السلام و روایات مأثوره از ایشان است.^۳

نجات برای کسی است که اهل بیت علیهم السلام را در همه جا مورد تخاطب و حاضر ببیند.^۴

از این رو، ایمان و پیروی از انبیا و اولیای الهی علیهم السلام پس از ایمان به خداوند متعال، یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تربیت و سعادت انسان است و آن‌هایی در این امر موفق خواهند بود که خود را در معرض تربیت ایشان قرار دهند.

ج. زیارت، توجه و توسل به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام

... من والا کم فقد والی الله و من عادا کم فقد عادی الله ... من اراد الله بدء بکم و من وحده قبل منکم و من قصده توجّه بکم، بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء أن تقع علی الرض الا یاذنه ...^۵

اهتمام به زیارات و توجه و توسل به ساحت مقدس اولیای الهی و ائمه معصومین: یکی دیگر از مهم‌ترین اسباب موفقیت، تحصیل علم و کمال، کسب اخلاص، تهذیب نفس و ترک گناهان است. سیره عملی و گفتاری بسیاری از بزرگان حوزه نیز اهمیت این عامل در زندگی

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۶۹. وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا؛ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند. (انبیاء، آیه ۷۳)

۲. رخشاد، در محضر بهجت، ج ۱، ص ۲۰۸.

۳. همان، ص ۲۷۴.

۴. همان، ص ۲۹۵.

۵. مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت جامعه کبیره ائمه معصومین علیهم السلام.

طلبگی آنان را روشن می‌سازد.

در سیره عملی آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله نقل است که: مرحوم حاج شیخ دستور می‌دادند قبل از درس قدری مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام بخوانند و سپس درس را شروع می‌کردند. ایشان حتی پس از رسیدن به مرجعیت در خیابان‌ها در دسته‌های سینه‌زنی و عزاداری اباعبدالله علیه‌السلام شرکت می‌کرد و به سان مردم عادی در عزای آن حضرت به سر و سینه می‌زد.^۱

شهید مطهری رحمته‌الله استاد بزرگوارشان علامه طباطبائی رحمته‌الله را چنین توصیف می‌کند: من فیلسوف و عارف بسیار دیده‌ام و احترام مخصوص من به علامه طباطبائی، نه به خاطر این است که ایشان یک فیلسوف است، بلکه احترامم به این جهت است که او عاشق و دل‌باخته اهل بیت علیهم‌السلام است. علامه در ماه رمضان، روزه خود را با بوسه بر ضریح مقدس حضرت معصومه علیها‌السلام افطار می‌کرد. ابتدا پیاده به حرم مطهر مشرف می‌شد، ضریح مقدس را می‌بوسید، سپس به خانه می‌رفت و غذا می‌خورد. این ویژگی است که مرا به شدت شیفته ایشان نموده است.^۲

مرحوم آیت‌الله مجتهدی درباره توسل به اهل بیت علیهم‌السلام می‌گوید: یک راه دیگر توسل، روزه و گریه و شرکت در مجالس اهل بیت علیهم‌السلام است. به تجربه ثابت شده است کسانی که در طلبگی مقید به شرکت کردن در مجالس اهل بیت بودند و روزه می‌خواندند و یا گریه می‌کردند و به سینه می‌زدند، نسبت به دیگران موفقیت بیش‌تری داشته‌اند ... وقتی ما روزه داشتیم، بعضی می‌رفتند کتابخانه درس می‌خواندند اینها را ما دیدیم که هیچی نشدند.^۳

در بین توسل به اهل بیت علیهم‌السلام، توسل به ساحت مقدس حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و نیز تقید به خواندن زیارت عاشورا به طور ویژه در مسیر رشد معنوی انسان بسیار مؤثرتر از برخی دیگر از عوامل است.

یکی از مهم‌ترین رموز موفقیت امام خمینی قدس سره توجه، علاقه و توسل بسیار ایشان به معصومین علیهم‌السلام بود:

در تمام مدت اقامت ایشان در نجف اشرف، جز در موارد استثنایی، برنامه زیارت هر شبه ایشان ترک نشد. در اغلب ایام زیارتی در کنار قبر امام حسین علیه‌السلام بودند و دهه عاشورا هر روز

۱. مختاری، سیمای فرزندان، ص ۱۵۵.

۲. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، سیره سالکان، ص ۳۶.

۳. مجتهدی، آداب الطلاب، ص ۲۳۶ و وافی، نسیم هدایت، ص ۲۹۴.

زیارت عاشورای معروف را با صد مرتبه سلام و صد مرتبه لعن می‌خوانند.^۱

آیت‌الله استادی نیز چنین می‌فرماید:

با گدایی از درگاه خدا باید به مراتب عالی روحانیت رسید. بنابراین توسل هرروز به امام زمان و دعا و یاد آن حضرت، سلام به حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و ذکر مصائب ایشان و گریه کردن، خواندن دعای ندبه در جمعه‌ها و دعای کمیل در هر شب جمعه، انس با صحیفه سجادیه و دعاهای ائمه اطهار علیهم‌السلام در توفیقات و ترقی هرکس به خصوص طلاب عزیز بسیار سودمند و مؤثر است.^۲ همچنین، استغاثه و انس با وجود مقدس امام عصر علیه‌السلام برای طلاب و روحانیون به عنوان سربازان آن حضرت از اهمیت خاصی برخوردار است.

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در اهمیت رابطه با حضرت ولی عصر علیه‌السلام می‌فرماید:

ما در دریای زندگی در معرض غرق شدن هستیم؛ دست‌گیری ولی خدا لازم است تا سالم به مقصد برسیم. باید به ولی عصر علیه‌السلام استغاثه کنیم که مسیر را روشن سازد و ما را تا مقصد، همراه خود ببرد.^۳

د. توفیق الهی

توفیق، یعنی این‌که خداوند مقدمات وصول به مقصود را برای بنده‌اش فراهم کند. از توفیق در روایات به عنوان بهترین راهبر^۴ تعبیر شده است. توفیق و موافق قراردادن همه اسباب و وسائل خارجی، تنها از جانب خداوند متعال امکان‌پذیر است؛ زیرا کسی را چنین نیروی فراگیر و کاملی نیست که بتواند در هر موردی که می‌خواهد، همه اسباب و مسائل مادی و معنوی را موافق سازد.^۵ در قرآن از زبان حضرت شعیب علیه‌السلام آمده است:

و ما توفیق الا بالله؛^۶

توفیق من تنها از جانب خداوند است.

جلب توفیق الهی، مانند دیگر فضایل نیاز به تمرین و تلاش دارد. امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

۱. مختاری، سیمای فرزندانگان، ص ۱۴۹.

۲. وافی، همان، ص ۲۹۳.

۳. رخشاد، در محضر بهجت، ج ۱، ص ۳۱۱.

۴. لافاند کالتوفیق. (نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۱۳)

۵. مصطفوی، تفسیر روشن، ج ۱۱، ص ۲۸۵.

۶. هود، آیه ۸۸.

من سأل الله التوفيق ولم يجتهد فقد استهزء بنفسه؛^۱

هرکس از خدا توفیق بخواهد، در حالی که تلاش نکند، خود را به استهزا گرفته است.

داشتن نیت خوب،^۲ انس با دعا و مناجات^۳، نصیحت‌پذیری و موعظه^۴ از عوامل جلب توفیق الهی هستند.

از این رو، در مسیر طلبگی و در راه تحصیل علم و کمالات معنوی، طالب علم بیش از هر چیزی به توفیق مستمر الهی نیازمند است و باید با تمام وجود در پی جلب عوامل توفیق در زندگی برآید و از عوامل سلب توفیق به شدت پرهیزد.

ه. توبه و استغفار

گناه عامل دور شدن انسان از خداوند و سلب توفیق به ویژه در امور علمی و معنوی و توبه و استغفار وسیله بازگشت به سوی او است. هیچ کس جز معصومین عليهم السلام از گناه مصون نیست و هر لحظه ممکن است به گناه و خطایی آلوده شود، اما مهم این است که انسان تا متوجه اشتباه خود شد برگردد و توبه کرده و جبران کند. خداوند متعال در قرآن کریم در آیات فراوان انسان‌های خطاکار را به توبه و بازگشت دعوت می‌کند و این تعبیر بارها تکرار شده که:

وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ...^۵

و از پروردگارتان طلب مغفرت کنید، آنگاه به سوی او بازگردید... .

و یا فرمود:

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ فَعَسَىٰ أَلَّا اللَّهُ

۱. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۶۲، ح ۲۷۹۰.

۲. عن امیرالمؤمنین عليه السلام: من حسن نیته آمده التوفیق؛ هرکه نیتش خوب باشد، توفیق یار او شود. (محمدی ری شهری، همان، ج ۱۳، ص ۶۵۷۴، ح ۲۰۹۸۳)

۳. عن امیرالمؤمنین عليه السلام: علیک بالاستعانة بالهک و الرغبة الیه فی توفیقک؛ یعنی برتوست که از خدایت کمک بگیری و توفیق را از او طلب کنی. (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح ۲۰۳)

۴. عن امیرالمؤمنین عليه السلام: من اکبر التوفیق الأخذ بالنصیحة؛ بزرگ‌ترین توفیق برای انسان پذیرش نصیحت است. (تمیمی آمدی، همان، ص ۶۷۴، ح ۵۵)

۵. هود، آیه ۳.

وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ^۱

و آنان که چون کار زشت مرتکب شدند یا به خویشتن ستم نمودند یاد خدا کردند، پس برای گناهان خویش طلب آمرزش نمودند و جز خدا کیست که گناهان را ببامرزد. خداوند متعال در آیات دیگر علاوه بر اینکه وعده داده توبه و استغفار گناهکاران را می‌پذیرد و آنان را می‌بخشد، حتی وعده می‌دهد که گناهانشان را به حسنات تبدیل می‌کند، باران رحمت خود را بر آنان نازل کرده و اموال و اولاد شما آنان را زیاد می‌کند:

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا^۲

مگر آنان که توبه کرده و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، پس خداوند گناهانشان را به حسنات تبدیل می‌کند و خداوند بخشاینده و مهربان است.

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا، يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا، وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ^۳...

پس گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده گناهان است (پس از توبه و بازگشت ابرار می‌فرستد که) پی در پی بر شما بیارد و شما را به اموال و پسران کمک می‌رساند (اموال و اولاد شما را زیاد می‌گرداند)....

حاصل سخن اینکه انسان مؤمن و به ویژه طلبه، باید با مداومت قلبی و زبانی بر توبه و استغفار و اجتناب از ارتکاب عمدی گناه، رحمت گسترده الهی را به سوی خود جلب کند و اسباب افزایش رزق مادی، علمی و معنوی خود را فراهم سازد.

۴-۲-۱-۲ موانع معنوی

در شمار موانع تهذیب و تربیت، می‌توان برخی از موارد زیر را نام برد:

الف. بی‌توفیقی

در قرآن و روایات، مواردی ذکر شده که وجود آن‌ها، موجب سلب توفیق انسان است و تا فرد آن موانع را کنار نزند، هم‌چنان توفیقات و امدادهای الهی از وی سلب می‌شود. فراموش کردن

۱. همان، آیه ۱۳۵.

۲. سوره فرقان، آیه ۷۰.

۳. سوره نوح، آیات ۱۲-۱۰.

خداوند،^۱ خودفراموشی^۲، تردید در ایمان به خدا،^۳ گناه،^۴ عصیان^۵ و ظلم^۶ از آن جمله هستند. باید دانست که مشیت و اراده خدا بی حساب و کتاب نیست؛ نه بی جهت توفیق هدایت به کسی می‌دهد و نه بی دلیل توفیقش را از کسی سلب می‌کند، بلکه آن‌ها که در مسیر ظلم و ستم، شک و تردید و در یک کلام در مسیر گناه و نافرمانی گام بگذارند، قلبشان بر اثر این اعمال، تاریک و ظلمانی می‌گردد و توفیق هدایت از آن‌ها سلب و از رسیدن به سعادت ابدی محروم می‌شوند. بنابراین و به طریق اولی اگر طلبه در مسیر طلبگی خود آلوده به ظلم و گناه شد، اسباب توفیق از او سلب می‌شود و در جرگه علمای سوء قرار می‌گیرد.

ب. شیطان

شیطان، عبودیت و بندگی، پاکی و صداقت، اطمینان و آرامش قلب را برای انسان‌ها نمی‌پسندد. او برای گمراهی و سقوط انسان‌ها قسم خورده و برای رسیدن به خواسته‌هایش از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کند.^۷ گاه وعده می‌دهد و با آمال و آرزوهای بی‌پایان، انسان‌ها را می‌فریبد. گاه از راه القاء ترس از فقر و آینده وارد جان آن‌ها می‌شود و با اندک ناامیدی یا لحظاتی غرور جاهلانه آدمیان شادمان می‌شود.

در سفارش و وصیت امیرمؤمنین علی علیه السلام به کمیل بن زیاد چنین آمده است:

يَا كَمِيلُ! إِنَّ إِبْلِيسَ لَا يَعِدُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّمَا يَعِدُ عَنْ رَبِّهِ لِيَحْمِلَهُمْ عَلَى مَعْصِيَتِهِ فَيُورِطَهُمْ. يَا كَمِيلُ! إِنَّهُ يَأْتِي لَكَ بِالظَّفِ كَيْدِهِ فَيَأْمُرُكَ بِمَا يَعْلَمُ أَنَّكَ قَدْ أَلْفَتَهُ مِنْ طَاعَةٍ لَا تَدْعُهَا فَتُحْسَبُ أَنَّ ذَلِكَ مَلِكٌ كَرِيمٌ وَإِنَّمَا هُوَ شَيْطَانٌ رَجِيمٌ فَإِذَا سَكَنْتَ إِلَيْهِ وَاطْمَأْنَنْتَ حَمَلَكَ عَلَى الْعِظَائِمِ

۱. وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد آنان همان نافرمانانند. (حشر، آیه ۱۹)

۲. همان.

۳. إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَاتَّانَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رُيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ؛ تنها کسانی از تو اجازه می‌خواهند [به جهاد نروند] که به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و دل‌هایشان به شک افتاده و در شک خود سرگردانند. (توبه، آیه ۴۵)

۴. وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا؛ و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند قطعا دچار گمراهی آشکاری گردیده است. (احزاب، آیه ۳۶)

۵. وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند. (بقره، آیه ۲۵۸)

۶. قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأَعُوذَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ الْمُخْلَصِينَ (ص، آیه ۸۲ و ۸۳)؛ قَالَ فِيمَا أَعُوذُ بِكَ لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ، ثُمَّ لَأَنْتَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (اعراف، آیه ۱۶ و ۱۷).

المُهَلِكَةِ الَّتِي لَا نَجَاةَ مَعَهَا. يَا كُمَيْلُ إِنَّ لَهُ فِخَاخًا يَنْصِبُهَا فَاحْذَرْنَ أَنْ يُوقِعَكَ فِيهَا. يَا كُمَيْلُ! إِنَّ الْأَرْضَ تَمْلُؤُةٌ مِنْ فِخَاخِهِمْ فَلَنْ يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ تَشَبَّهَ بِنَا وَقَدْ أَعْلَمَكَ اللَّهُ أَنَّهُ لَنْ يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا عِبَادُهُ وَعِبَادُهُ أَوْلِيَاؤُنَا. يَا كُمَيْلُ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» وَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ». يَا كُمَيْلُ! انْجُ بَوْلَاتِنَا مِنْ أَنْ يَشْرَكَكَ فِي مَالِكَ وَوَلَدِكَ كَمَا أَمِرَ. يَا كُمَيْلُ لَا تَغْتَرَّ بِأَقْوَامٍ يُضَلُّونَ فَيُطِيلُونَ وَ يَصُومُونَ فَيَدَاوِمُونَ وَيَتَصَدَّقُونَ فَيُحَسِّبُونَ أَنَّهُمْ مَوْفُوقُونَ. يَا كُمَيْلُ! أَقْسِمَ بِاللَّهِ لَسَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «إِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا حَمَلَ قَوْمًا عَلَى الْفَوَاحِشِ مِثْلِ الزَّانِي وَ شَرِبِ الخَمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنَ الْحَنَى وَ الْمَأْتَمِّ حَبَّبَ إِلَيْهِمُ الْعِبَادَةَ الشَّدِيدَةَ وَ الخُشُوعَ وَ الرُّكُوعَ وَ الخُضُوعَ وَ السُّجُودَ ثُمَّ حَمَلَهُمْ عَلَى وَلايَةِ الْأُمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ» ...!

... ای کمیل! شیطان با کید و مکر لطیفش به سوی تومی آید و تورا به اطاعتی امر می کند که می داند با آن الفت و انس داری و آنرا فرو نمی گذاری، پس تو گمان می بری که او فرشته ای بخشنده است، در حالی که بدون تردید او شیطان رانده شده است. پس وقتی به او انس گرفتی و اطمینان یافتی، تورا به اتخاذ تصمیماتی هلاک کننده که نجاتی در آن نیست وامی دارد.

به طور خلاصه و با توجه به آیات و روایات، گام ها، راه ها و روش های نفوذ شیطان^۲ عبارتند از: وسوسه^۳، خیرخواهی^۴، تسویف^۵، تسویل^۶، زینت دادن اعمال^۷، ایجاد فراموشی در انسان^۸،

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۷۲.

۲. وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ. (انعام، آیه ۱۴۲) و نور، آیه ۲۱.

۳. فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدْرَكَكَ عَلَى شَجَرَةِ الخُلْدِ وَمَلِكٌ لَا يَبْلَى (طه، آیه ۱۲۰)؛ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَّ الْحَقُّ وَوَعَدْتَكُمْ فَأَخْلَفْتَكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَوْلِمَا أَنْفَسْتُمْ مَا أَنَا بِمُضِرِّكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُضِرِّخِي إِيَّيْ كَفَرْتُمْ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِي مِنْ قَبْلِ إِنْ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (ابراهيم، آیه ۲۲) و آیات سوره ناس.

۴. فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورَى عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِحِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ، وَقَانَسَهُمَا إِيَّيْ لَكُمَا لِمَنْ النَّاصِحِينَ. (اعراف، آیه ۲۰ و ۲۱)

۵. عَلَى ﷺ: إِنَّا كُمْ وَ الشَّيْطَانُ فِي الْعَمَلِ بَادِرُوا بِهِ إِذَا أَمَكْنَكُم (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۲۲)؛ قَالَ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ وَ الشَّيْطَانُ يَعْمَلُكَ فَإِنَّكَ بِيَوْمِكَ وَ لَسْتَ بِمَا بَعْدَهُ فَإِنْ يَكُنْ عَدْلُكَ فَكُنْ فِي الْعَدْلِ كَمَا كُنْتَ فِي الْيَوْمِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَدْلًا [عَدْلُكَ] لَمْ تَنْدَمْ عَلَى مَا قَوَّلْتَ فِي الْيَوْمِ. (طبرسی، مكارم الاخلاق، ص ۴۵۹ و علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۷۵)

۶. إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا عَلَى أَنْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَى لَهُمْ. (محمد، آیه ۲۵)

۷. وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ. (نمل، آیه ۲۴ و عنكبوت، آیه ۳۸)؛ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (انعام، آیه ۴۳)

۸. ... وَإِنَّمَا يُنصِبُكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. (انعام، آیه ۶۸)؛ ... فَأَنْسَاةَ الشَّيْطَانِ ذِكْرَ رَبِّهِ ... (يوسف، آیه ۴۲)؛ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ. (مجادله، آیه ۱۹)

فتنه و فسادانگیزی^۱، نجوای شیطانی^۲، ترساندن از فقر^۳، امر به فحشا و منکر، ایجاد خوف ترس^۴، ایجاد نزاع و دشمنی بین مردم^۵، غفلت از یاد خدا^۶، هواپرستی^۷، کسالت و بی‌تابی^۸، شرکت در مجالس آلودگان^۹، دروغ^{۱۰}، نگاه^{۱۱}، خلوت و ارتباط با نامحرم^{۱۲}، دوست ناباب^{۱۳}،

۱. يَا بَنِي آدَمَ لَا يَغْتَبِنَنَّكُمْ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ ... (اعراف، آیه ۲۷): لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ. (حج، آیه ۵۳): وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا. (اسراء، آیه ۵۳)

۲. إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ. (مجادله، آیه ۱۰)

۳. الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ. (بقره، آیه ۲۶۸)

۴. إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (آل عمران، آیه ۱۷۵)

۵. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ (مائده، آیه ۹۱): ... مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ... (يوسف، آیه ۱۰)

۶. و من يعيش عن ذكر الرحمن فيغضب له شيطاناً فهو له قرين؛ هر کس از یاد خدا رویگردان شود شیطان را به سراغ او می‌فرستیم پس همواره قرین اوست؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: لایتمکن الشیطان بالوسوسه من العبد الا وقد اعرض عن ذکر الله و استهان بامرہ و اسکن الی نهیہ و نسى اطلاعہ علی سرہ (مصباح الشریعة، ص، ۷۹، باب ۳۵)؛ شیطان نمی‌تواند با وسوسه در دل بنده خدا نفوذ کند مگر آنکه از یاد خداوند رویگردان شود و امر خدا را سبک شمرد و به دنبال گناه رود و اطلاع داشتن خدا بر اسرار بندگان را فراموش کند.

۷. تو هرگز بر بندگانم تسلط نخواهی یافت مگر گمراهانی که از تو پیروی می‌کنند.

۸. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام، قَالَ: «إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجْرَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ كَسَلْتَ لَمْ تَعْمَلْ، وَإِنْ ضَجَرْتَ لَمْ تُعْطِ الْحَقَّ» (الكافي، ج ۹، ص ۵۶۰)؛ از کسالت و بی‌تابی به دور باش که اگر کسل بودی عمل نمی‌کنی و اگر بی‌تابی کردی حق را ادا نمی‌کنی؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، قَالَ: «مَنْ كَسَلَ عَنْ ظَهْرِهِ وَصَلَاتِهِ، فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِأَمْرِ آخِرَتِهِ؛ وَمَنْ كَسَلَ عَمَّا يُصْلِحُ بِهِ أَمْرَ مَعِيشَتِهِ، فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِأَمْرِ دُنْيَا»..

(همان، ج ۵، ص ۸۵)

۹. أَوْ لَعَلَّكَ فَدَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَحَدَّثْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي أَلْفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ فَبَيْتَنِي وَبَيْتَهُمْ خَلَّيْتَنِي. (زاد المعاد، ص ۹۶)

۱۰. قَالَ الْإِمَامُ الرَّكْبِيُّ الْعَشَقَرِيُّ علیه السلام: جُعِلَتْ خَبَائِثُ كُلِّهَا فِي بَيْتٍ وَجُعِلَ مِفْتَاحُهَا الْكُذْبُ (الشعیری، جامع الأخبار، ص ۱۵۰)

۱۱. عَلَى علیه السلام: الْعَيْنُ زَائِدَةُ الْفِتَنِ. (اللیثی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۳، ش ۵۹۴)

۱۲. وَرَأَوْدَتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْعَتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَعَقَلَتْ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ ... (يوسف، آیه ۲۳)

۱۳. يَوْمَ يَعْصِي الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا، يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا، لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا. (فرقان، آیات ۲۷-۲۹)

دنیاطلبی^۱، آرزوهای دور و دراز^۲، اسراف^۳، تقلید کورکورانه^۴، همنشینی با هواپرستان^۵، یأس و ناامیدی^۶، شهوت‌گرایی^۷، خشم و غضب^۸.

از این رو، پیمودن مسیر پریپیچ و خم کمال و معنویت بدون شناخت این دشمن قسم خورده میسر نخواهد بود و بر مربی است که متربی را نسبت به ابزارها، گام‌ها و راه‌های نفوذ شیطان در دل انسان، آگاه ساخته و او را در بستن راه‌های نفوذ یاری رساند.

۲-۲-۴ عوامل و موانع انسانی^۹

۲-۲-۲-۱ عوامل انسانی

عوامل انسانی به عواملی گفته می‌شود که یا به صورت مستقیم در تربیت و تهذیب افراد اثر می‌گذارد، مثل خانواده، مدیر، اساتید و کارگزاران مدرسه و یا به شکل غیرمستقیم و با واسطه، نقش آفرینی می‌کند مثل ساختار و قوانین، عوامل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی. در حقیقت، تمام کسانی که شخص با آن‌ها سروکار و ارتباط دارد، هریک سهمی در عاملیت یا مانعیت رشد اخلاقی انسان دارند.

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ: رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا (الكافی، ج ۲، ص ۳۱۵) وَقَالَ: إِنَّ الشَّيْطَانَ يَدِيرُ ابْنَ آدَمَ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَإِذَا أُغْبَاهُ جَنَّمَ لَهُ عِنْدَ الْمَالِ فَأَخَذَ بِرِقَبَتِهِ. (همان)

۲. «يَعْدُهُمْ وَيُؤَمِّمُهُمْ وَمَا يَعْدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا عُزُورًا» (نساء، آیه ۱۲۰)؛ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «تَحَبَّبُوا الْمُنَى فَإِنَّهَا تُدْهَبُ بِهَيْجَةِ مَا حَوَّلْتُمْ وَتَشْتَضِعُونَ بِهَا مَوَاهِبَ اللَّهِ تَعَالَى عِنْدَكُمْ وَتُعْغِبِكُمْ الْحَسْرَاتُ فِيمَا وَهَمْتُمْ بِهِ أَنْفُسَكُمْ» (الكافی، ج ۹، ص ۵۶۱ و ۵۶۲).

۳. إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا. (ابراهیم، آیه ۲۷)

۴. قَالُوا أَجِئْنَا لِنُعْبِدَ اللَّهَ وَخَدَعَهُ وَنَدَّرَ مَا كَانَ يُعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأَتَيْنَا بِمَا تَعَدْنَا إِنْ كُنْتُ مِنَ الضَّالِّينَ (اعراف، آیه ۷۰) و سوره هود، آیه ۶۶.

۵. علی عليه السلام: مجالسة اهل الدنيا منسأة للإيمان وقائدة إلى طاعة الشيطان (غررالحکم و دررالکلم، ص ۷۱۲، ش ۱۵۹)؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يُعْضَى اللَّهُ فِيهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ (الكافی، ج ۲، ص ۳۷۴)؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ مُجَالَسَتُهُمْ تُمِيتُ الْقَلْبَ الْجُلُوسُ مَعَ الْأَدْمَالِ وَالْحَدِيثُ مَعَ النِّسَاءِ وَالْجُلُوسُ مَعَ الْأَعْتِيَاءِ (همان، ص ۶۴۱)

۶. ... وَلَا تَأْتُوا مِنْ رِجِّهِ اللَّهُ إِنَّهُ لَا يَنْتَسُ مِنْ رِجِّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ؛ ... از رحمت خدا ناامید نشوید زیرا فقط کفار از رحمت خدا ناامید می‌شوند. (یوسف، آیه ۸۷)

۷. علی عليه السلام: الشَّهَوَاتُ مَصَانِدُ الشَّيْطَانِ (تمیمی آمدی، همان، ص ۳۹، ش ۶۳۵)؛ أَهَجَرُوا الشَّهَوَاتِ فَإِنَّهَا تَقُودُكُمْ إِلَى ارْتِكَابِ الذَّنُوبِ وَ التَّهْجَمِ عَلَى السَّيِّئَاتِ. (همان، ص ۱۵۲، ش ۲۸)

۸. الْأَعْضَبُ مُفْتَاخُ كُلِّ سَرٍّ (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۳)؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: الْأَعْضَبُ جَهَنَّمُ مِنَ الشَّيْطَانِ. (الشعیری، جامع الأخبار، ص ۱۶۰)

۹. این بخش و نیز بخش ظرفیت‌های محیطی با توجه به داده‌ها و اطلاعات کتاب ظرفیت‌های تربیتی مدرسه علمیه مطلوب (نوشته کاظم علی محمدی) در زمستان ۱۳۹۶ به روزرسانی شده است.

در این قسمت ابتدا به تعدادی از مهم‌ترین عوامل مستقیم و در ادامه نیز به عوامل غیرمستقیم و واسطه‌ای اشاره خواهد شد.

الف. مدیر مدرسه

گرچه در تربیت و تهذیب طلبه، عوامل گوناگونی مانند خانواده، اساتید، کادر، دوستان و هم‌سالان، قوانین و مقررات، محیط مدرسه و... مؤثر هستند؛ ولی شاید مهم‌ترین عامل، مدیر مدرسه باشد که مسؤولیت اصلی امرتعلیم و تربیت طلاب در مدرسه را بر عهده دارد و می‌تواند همه‌ی امکانات و ظرفیت‌های مدرسه را برای تهذیب طلاب بسیج کند.

مدیر مدرسه، نقش مستقیم و غیرمستقیم در تهذیب دارد. او از آن جهت که مدیر است، می‌تواند با زمینه‌سازی‌های مناسب در مدرسه؛ از قبیل برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی درست، انگیزه‌بخشی به وسیله‌ی دعوت از اساتید مهذب و توانمند، اهمیت دادن به رشد معنوی و تشویق طلبه به سمت گرایش‌های معنوی، انجام عبادات و نیز توجه به نیازهای عاطفی، روانی، معنوی و اجتماعی طلبه، مناسب رشد اخلاقی طلاب مدرسه را فراهم سازد و به صورت غیرمستقیم تأثیرگذار باشد. هم‌چنین به جهت جایگاه مدیریتی و رهبری که در مدرسه دارد، خواه و ناخواه به عنوان الگوی عملی نگریسته می‌شود و طلاب از او به صورت مستقیم تأثیر می‌پذیرند. «مدیر می‌تواند با شیوه‌ی صحیح مدیریت، افراد را تحت تأثیر اندیشه‌ها، تفکر و حرکت‌های سازنده و هدایت‌کننده خود قرار دهد. موضع‌گیری‌های مثبت یا منفی مدیر، جنبه الگویی پیدا می‌کند و به مقدار نفوذی که در روح افراد دارد، می‌تواند آن‌ها را هدایت کرده، جهت بخشد.»^۱ هم‌چنین، اولویت دادن مدیر به برنامه‌های اخلاقی و عبادی، سایر برنامه‌ها را تحت تأثیر قرار داده و عوامل دیگر مدرسه نیز خود را با این اولویت‌ها هماهنگ می‌سازد.

برای این‌که مدیر بتواند رسالت تربیتی خود را در مدرسه به درستی و به شکل مطلوبی به انجام رساند، باید از ویژگی‌ها و توان‌مندی‌هایی برخوردار باشد. مهم‌ترین شاخص‌ها و ویژگی‌های اخلاقی، شناختی، انگیزشی و رفتاری مورد نیاز برای موفقیت مدیر در امرتربیت

۱. کوهستانی، «نقش مدیریت و تأثیر تربیتی آن از دیدگاه اسلام»، مجله پیوند، ش ۱۴، ص ۱۶.

طلاب در ادامه ذکر شده است.

لازم به ذکر است که این ویژگی‌ها براساس طبقه‌بندی معروف به سه گروه شناختی - معرفتی؛ انگیزشی - عاطفی و مهارتی - رفتاری تقسیم شده‌اند اما ویژگی‌های معنوی - اخلاقی گرچه ممکن است با سایر طبقات تداخل داشته باشد ولی به دلیل اهمیت آنها در طبقه جداگانه‌ای آورده شده است.^۱

برخی از ویژگی‌های اخلاقی و تربیتی یک مدیر موفق عبارت است از:

ویژگی‌های تهذیبی و تربیتی یک مدیر موفق

الف. ویژگی‌های معنوی و اخلاقی

- اخلاص؛
- انس با دعا و معنویات و عشق به اهل بیت علیهم‌السلام؛
- برخورداری از روحیه خدمت‌گزاری و ایثارگری؛
- التزام قلبی و عملی به ارزش‌های اسلام ناب و وفاداری به نظام اسلامی؛
- خوش خلقی و گشاده‌رویی؛
- توکل؛
- مناعت طبع و قناعت؛
- زهد و ساده‌زیستی؛
- تواضع؛
- امانت‌داری و رازداری؛
- صداقت و راست‌گویی.

ب. ویژگی‌های شناختی - معرفتی

- اهل فکر و اندیشه و نوآوری فکری، عقلانیت و خردمندی؛

۱. این شاخص‌ها در جلسه چهارم شورای تخصصی تهذیب و تربیت مورخ ۹۶/۸/۷ و با حضور آیت الله اعرافی مدیر محترم حوزه‌های علمیه، بررسی و به تصویب رسیده‌اند.

- دارای باور و معرفت نسبت به ارزش کار تربیت طلبه؛
- جامع‌نگری؛
- شناخت ویژگی‌های نسل جوان؛
- بصیرت انقلابی؛
- دشمن‌شناسی و آگاهی از جریان‌های فکری زمانه؛
- دوراندیشی و آینده‌نگری؛
- ج. ویژگی‌های انگیزشی - عاطفی
- عشق به کار برای حوزه و طلبه؛
- روحیه جهادی و عاشورایی؛
- ولایت‌مداری؛
- اعتماد به طلاب؛
- صبر و استقامت و سعه صدر؛
- انگیزه‌بخشی؛
- خوش‌بینی و امیدواری به آینده حوزه؛
- عطف و پدرانانه.
- د. ویژگی‌های مهارتی - رفتاری
- اهتمام به معنویت و تهذیب طلبه؛
- توجه به صلاحیت‌های اخلاقی و تربیتی در گزینش طلاب؛
- اصالت و نجابت خانوادگی؛
- مقبولیت عمومی (حُسن شهرت)؛
- حضور پررنگ، مستمر و تمحض مدیر در اداره مدرسه؛
- توان برقراری ارتباط مؤثر با طلاب؛
- نظم و انضباط؛

- متانت و وقار؛
- حلم و مدارا؛
- تدبیر؛
- تکریم طلاب؛
- تکلیف محوری و قانون مداری؛
- سخت‌کوشی و پشتکار؛
- تعادل، ثبات، پختگی و انسجام شخصیت؛
- هویت مستقل و متکی به خود؛
- انعطاف‌پذیری سازنده؛
- اعتماد به نفس؛
- مسؤلیت‌پذیری؛
- توان جذب جوانان مستعد برای حضور در حوزه؛
- همسوسازی ارکان مدرسه برای تهذیب و تربیت طلاب؛
- شجاعت و خطرپذیری؛
- روابط اجتماعی مؤثر و مناسب؛
- توانایی مدیریت و انجام کار گروهی و به کارگیری ظرفیت دیگران؛
- خلاقیت و ابتکار عمل؛
- مهربانی و دلسوزی؛
- رفتار گرم و صمیمانه (پذیرش)؛
- روحیه سخاوت و بخشش؛
- قدرت استدلال منطقی؛
- توان مدیریت بحران؛
- رعایت اعتدال در معیشت؛
- رعایت بهداشت فردی و آراستگی ظاهری.

ب. استاد

در حوزه‌های علمیه عوامل متعددی در تحول شخصیت طلبه نقش آفرینی می‌کنند. اما بی‌شک تأثیرگذارترین و موفق‌ترین عامل در پرورش طلبه استاد است. نقش استاد در شکل دهی به اندیشه و انگیزه و رفتار طلبه بی‌همتاست و بیش‌ترین رسیدگی در حق طلبه نیز از استاد انتظار می‌رود. این ویژگی مرهون عوامل زیر است:

نخست: اینکه بستر تربیت و تحول انسان، ارتباط است و فرصت استاد برای ارتباط با طلبه از همه بیش‌تر است.

دوم: طلبه در مقابل مقام علمی استاد به طور طبیعی کرنش می‌کند و مسحور و مرعوب جلوه‌گری علمی او می‌گردد. طلبه کوچکی خود را در مقابل استاد به علم حضوری درمی‌یابد و حالت دفاعی خود را در برابر عظمت او می‌گشاید.

سوم: استاد برخلاف مدیر، معاون آموزش، معاون تهذیب، پرسنل اجرایی و حتی استاد اخلاق مدرسه با گروه محدودتر و جمعیت کمتری رو به روست و مشکلات آنان را از نمای نزدیک می‌بیند و با سرعت و دقت بیش‌تری درمی‌یابد و امکان شناخت استعدادها و قوت و ضعف طلبه را بیش از همه و پیش از همه دارد.

چهارم: انس و صمیمیت استاد در ارتباط طولانی با طلبه روز به روز بیش‌تر می‌شود و زمینه اثرگذاری و نقش آفرینی او هموارتر می‌گردد. همین انس و صمیمیت است که طلبه را به درددل با استاد و بیان مسائل فردی خود تشویق می‌کند و از او اذن خیر و سنگ صبوری برای مشکلات طلبه پدید می‌آورد. تأثیر استاد در طلبه قطعی است. استاد حتی اگر نداند و نخواهد، رنگ شخصیت خود را به طلبه انتقال می‌دهد و ناهشیار بر او اثری می‌افکند. این فرایند ناخودآگاه را باید شناخت و مدیریت کرد و از ظرفیت آن به نفع تربیت بهره گرفت؛ تربیتی پنهان و نامرئی فراتر از آموزه‌ها و ارتباطات رسمی که می‌توان بهینه‌اش ساخت و به کارش گرفت.

البته توجه داریم که درجه اثرگذاری استاد و اثرپذیری طلبه از استاد به عوامل گوناگونی بسته است؛ بنابراین تأثیر همه اساتید مانند هم نیست همان‌گونه که تأثیر یک استاد در همه شاگردان یکسان نیست.

وظیفه‌ی استاد؛ نیروپروری نه اطلاع‌رسانی

استاد در کلاس درس با مبلغ برفراز منبریا مروج در رسانه‌های عمومی تفاوت دارد. مروج در صدد اطلاع‌رسانی و انتقال آموزه‌هاست و مخاطب خود را عموم مردم گرفته است؛ عموم مردم کسانی هستند که عمده زمان و توان خود را صرف کارهای دیگری می‌کنند و تا آخر ممکن است به تخصص در آن دانش درنیابند، یعنی تنها از آن اطلاعات سود برند و مصرف‌کننده پیام باقی بمانند؛ اما استاد با کسانی سرو کار دارد که دیریا زود متخصص آن دانش خواهند شد و آن را فراتر از مصرف شخصی خود به کار خواهند گرفت. استاد با حلقه متخصصان مواجه است و نیروپروری برای یک عرصه را برعهده دارد.

مقام معظم رهبری دامنه‌العلوه در این زمینه می‌فرماید:

اساتید باید یکی از اهتمام‌هایشان شاگردپروری باشد. ارزش استاد، اعتبار استاد در بیرون، به شاگردان اوست. در حوزه‌های علمیه‌ی ما هم همین‌طور است. آن استاد، آن فقیه یا اصولی یا حکیمی ارزش بیشتری در چشم‌ها دارد که آثار وجودی او به شکل شاگردان و تلامذه‌ی برجسته‌ی او، خودش را نشان بدهد. شاگردپروری کنید. این افرادی که می‌آیند در کلاس‌های درس شما - چه در دوره‌های کارشناسی، چه در دوره‌های تحصیلات تکمیلی - می‌نشینند و شما با این‌ها به عنوان استاد مواجه می‌شوید، این‌ها را نباید به حساب یک مستمع یک سخنرانی، یک منبر به حساب آورد؛ نه، باید مثل مصنوعی که این‌ها را می‌خواهید با دست خودتان بسازید، با این‌ها برخورد کنید. البته استعدادها یکسان نیست، شوق‌ها یکسان نیست، زمینه‌ها و فضاهای گوناگون یکسان نیست؛ اما این هدف برای اساتید، به نظر من یک هدف جدی باید باشد. نگاه کنید ببینید چقدر شاگرد پرورش دادید. شاگرد فقط آن کسی نیست که سرکلاس حاضر می‌شود؛ آنی است که به وسیله‌ی شما ساخته می‌شود و تحویل داده می‌شود به دنیای علم، به عنوان یک نیروی کارآمد و علمی^۱.

استاد علاوه بر انتقال مؤثر آخرین یافته‌های نظری به حلقات تخصصی و جامعه علمی، باید شاگرد خود را برای ایفای نقش تخصصی در آن زمینه بار آورد. نقش استاد بیش از انتقال اطلاعات و بیش از یک ضبط و پخش است. وظیفه استاد تنها دانش‌افزایی و اطلاع‌رسانی نیست، تربیت است.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶/۰۷/۰۹.

برای آنکه استاد شاگرد خود را بارآورد و رشد دهد، باید در حق او رسیدگی کند. صرف سخن گفتن و انتقال داده‌های علمی، به تحول جان طلبه میانجامد. استاد علاوه بر تربیت علمی و تحول ذهنی طلبه (یعنی دستیابی طلبه به کمالات ذهنی مانند قدرت تجزیه و تحلیل، دقت، تمرکز، خلاقیت، تفکر منطقی، و...) می‌تواند و باید به تحول اخلاقی-معنوی و شخصیتی طلبه نیز بیندیشد و اقدام کند.

این خاطره از اهتمام شهید محراب، آیت‌الله مدنی رحمته‌الله نسبت به رسیدگی معنوی به فرد فرد طلبه‌ها شنیدنی است؛ آیت‌الله راستی‌کاشانی درباره‌ی این ویژگی اخلاقی آن شهید می‌فرماید: به شهید مدنی اطلاع دادند، طلبه‌ای صبح‌ها دیراز خواب برمی‌خیزد! او چهل روز، صبح‌ها به دیدار او می‌رود! او را از خواب بیدار می‌کند، با او نماز می‌خواند، قرآن می‌خواند، صبحانه میل می‌فرماید تا آن عادت ناپسند را از او بگیرد و موفق هم می‌شود و این همه تلاش و کوشش به خاطر درک و رسیدن دیگران به ثواب نماز اول وقت است.^۱

انواع رسیدگی

بهترین خدمت در حق طلبه «رسیدگی» به اوست. نباید طلبه را رها و بی‌سرپرست باقی گذارد و لابلای اشتغالات فراوان مسئولان و اساتید به فراموشی سپرد. لازم است استاد طلبه را به منزله فرزند خود و ثمره عمر خود بداند و در ایجاد ارتباط صمیمی، سازنده و عاطفی با او پیش قدم شود و به رشد و حرکت و تحول او نظر داشته باشد و در امور اخلاقی، معنوی، معیشتی، روحی، روانی، خانوادگی، درسی، اجتماعی و... او حضور داشته باشد. مهم‌ترین شاخص‌ها و ویژگی‌های اخلاقی، شناختی، انگیزشی و رفتاری مورد نیاز برای موفقیت استاد در رسیدگی علمی و اخلاقی به شاگردان در ذیل بیان می‌شود:

شاخص‌ها و ویژگی‌های یک استاد موفق

الف. ویژگی‌های اخلاقی و معنوی استاد

- اخلاص و نیت پاک؛
- تقوا و پارسایی؛

۱. مقاله «سجاده خونین»، پاسدار اسلام، شماره ۲۶۱، شهریور ۱۳۸۲.

- عشق به اهل بیت علیهم‌السلام و روضه خوانی قبل از تدریس؛^۱
- توکل؛
- انس با دعا و معنویات؛^۲
- اهتمام به معنویت و تهذیب نفس شاگردان؛
- بیان مسائل معنوی در خلال درس؛
- بیان احادیث اخلاقی در ابتدا یا انتهای درس؛
- بیان سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام؛
- بیان سیره‌ی علما و بزرگان.
- خوش خلقی؛
- پرهیز از انتقال مشکلات خود به شاگردان؛
- داشتن زنی طلبگی؛
- زهد و ساده‌زیستی؛
- احترام به اساتید و علما؛

۱. آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله دستور می‌دادند قبل از تدریس، کسی قدری مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام بخواند و سپس درس را شروع می‌کردند. (مختاری، سیمای فرزندان، ص ۱۹۲)؛ مقام معظم رهبری هر روز قبل از درس چند دقیقه‌ای بحث اخلاقی دارند. اگر روزی هم مناسبتی باشد درس را زودتر تمام می‌کنند و می‌فرمایند: یک نفر بلند شود و ذکر مصیبتی بخواند. (پاینده، «خاطراتی درس آموز از زندگی مقام معظم رهبری»، مجله مبلغان، فروردین ۱۳۸۳، ش ۵۲، ص ۱۰۰)

۲. شهید آیت‌الله قدوسی رحمته‌الله یک شب در مسجد گوهرشاد با نگرانی می‌فرمود: «برایم بسیار ناگوار و غیر منتظره بود که شنیدم یکی از اساتید مدرسه حقیانی، مقید به نماز شب نیست. با ایشان صحبت کردم، معلوم شد سبکی معده را در شب رعایت نمی‌کند.» («مصاحبه با سید محمدرضا طباطبایی»، ماهنامه شاهد یاران، ش ۳۸، ص ۸۹) از این‌جا مشخص می‌شود که شهید قدوسی، صلاحیت‌های اخلاقی حداقلی را برای گزینش اساتید در نظر نمی‌گرفت، [بلکه] در کار فرهنگی و علمی مدرسه، خصوصاً دعوت اساتید لایق و عالی‌رتبه، تا می‌توانست تلاش و همیشه بهترین اساتید را برای تدریس در مدرسه دعوت می‌کرد و معلوم است که دست‌یابی به اساتید بزرگ، آن هم برای دروس سطح پایین چقدر دشوار بود.

حضرت استاد خزعلی، یک روز در درس اصول فقه به مناسبتی فرمودند: «امروز تقاضا نسبت به من برای تدریس دروس سطح بالا زیاد است؛ اما به جهت وظایف و مسئولیت‌های دیگری که دارم، قبول نمی‌کنم و این درس را برای شما از این جهت قبول کرده‌ام که آقای قدوسی درخواست کرده‌اند و اگر این مرد بگوید «شرح امثله» را در این مدرسه تدریس کنم، چنین خواهم کرد و آن را وظیفه خود خواهم دانست.» (همان)

شهید قدوسی برای تربیت طلاب از اساتید فاضل و مهذب‌ی هم چون آیت‌الله شبیری زنجانی، آیت‌الله حائری شیرازی و ... استفاده می‌کردند. ویژگی‌های تربیتی اساتید تا آن‌جا برای شهید قدوسی حائز اهمیت بود که اگر تشخیص می‌داد استاد یا شاگردی در روحیه طلاب اثر نامطلوب دارد، هرچه زودتر به وجه معقولی، عذرش را می‌خواست. («گفت‌و شنود با آیت‌الله احمد جنتی»، همان، ص ۸)

- تواضع در رفتار، گفتار و نوشتار؛
- عزّت نفس؛
- عیب‌پوشی اصلاح‌گرو... .
- ب. ویژگی‌های شناختی و معرفتی
- معرفت به ارزش کار تربیت طلبه؛
- شناخت ویژگی‌های نسل جوان؛
- توجه به بهداشت روحی و روانی شاگردان؛
- توجه به نیازهای شاگردان؛
- بصیرت اجتماعی-سیاسی؛
- آینده‌نگری؛
- تقویت مبانی اعتقادی شاگردان؛
- تفهیم استدلالی و... .
- ج. ویژگی‌های انگیزشی و عاطفی
- احساس مسئولیت به تربیت طلاب؛
- برقراری ارتباط مؤثر با طلاب؛^۱
- ابراز عطوفت پدران؛
- تکریم و احترام شاگردان؛
- انگیزه‌بخشی برای جهاد پرشور علمی؛
- موعظه‌ی شاگردان؛
- توبیخ و تنبّه و انداز؛
- خیرخواهی و راهنمایی؛

۱. در برخی از مدارس علمیه، اساتید به صورت نویتی تا پاسی از شب، در مدرسه و در میان طلاب می‌مانند و ضمن رسیدگی به مسائل و مشکلات احتمالی مدرسه و طلاب (به عنوان جانشین مدیر در آن ساعات)، زمینه‌های انس بیش تر طلاب با اساتید را فراهم می‌کنند.

- رازداری؛
- اعتماد به شاگردان؛
- سعه‌ی صدر و بردباری؛
- استفاده از ظرفیت‌ها و استعداد‌های طلاب و... .

د. ویژگی‌های رفتاری

- نظم و انضباط؛
 - بهره‌گیری از روش تربیت الگویی (بیان سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام، علما و شهدا حین تدریس)؛
 - هم‌سوئی با برنامه‌های مدیر و کادر تهذیبی و تربیتی مدرسه؛
 - ارائه‌ی الگوی عملی معنویت و فضیلت؛
 - پرهیز از نگاه کاسب‌کارانه نسبت به تدریس؛
 - رعایت آداب تدریس؛
 - نظافت و آراستگی ظاهری؛
 - دفاع از ارزش‌های اسلام و انقلاب اسلامی.
 - اقدام اجتماعی و...^۱
- علاوه بر این لازم است استاد به تناسب قابلیت‌های شاگردان، این توجهات و رسیدگی‌ها را کم و بیش نماید و با شاگردان ویژه و خاص ارتباط بیش‌تری داشته باشد، از آن‌ها تکلیف بیش‌تری بخواهد و برای آنان فرصت بیش‌تری اختصاص دهد.
- شاید همه این عناوین را در این کلمات نیز بتوان خلاصه کرد: دغدغه داشتن، احساس مسئولیت، دردمندی و دلسوزی.

شرایط اثرگذاری بیش‌تر

تربیت ایجاد تغییر است و برای انسان پذیرش تغییر به صورت طبیعی بسیار دشوار است؛ در

۱. برای آگاهی و مطالعه بیشتر، رک: حسین‌خانی و علی‌محمدی، «نقش تربیتی اساتید در مدارس علمیه»، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۶.

شرایط عادی هرکسی در مقابل تغییر، مقاومت و موضع منفی دارد. احتمال ایجاد تغییر در صورت وجود شرایط چندی بالاتر خواهد رفت: فضیلت، علمیت و مهارت. هر چه استاد به ایمان و فضایل اخلاقی آراسته‌تر و به توصیه‌های خود عامل‌تر باشد تأثیرگذاری و نفوذ او در جان طلبه بیش‌تر است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»^۱.

از جمله فضایل اخلاقی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

خوش خلقی و ملایمت: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^۲؛ «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِيَنَّا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى»^۳؛ «لِيُنُوْا لِمَنْ تَعْلَمُوْنَ وَ لِمَنْ تَتَعَلَّمُوْنَ مِنْهُ»^۴؛ اخلاص در ارتباط و پرهیز از نگاه کاسب‌کارانه: «يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^۵؛

تکریم طلبه و پرهیز از تحقیر و توهین او شرط لازم: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ»^۶.
درجه علمیت استاد نیز در اعتماد طلبه و اعتبار او نزد طلبه مؤثر است. پیش از این گفتیم که طلبه در مقابل منزلت و کمال علمی استاد خضوع می‌کند و آنرا محترم می‌شمارد. هرچه این خضوع علمی بیش‌تر باشد قدرت نفوذ استاد بیش‌تر و پایدارتر خواهد بود.

مهارت‌های شاگردپروری و توان ارتباط مؤثر نیز درجه فاعلیت استاد را در اثرگذاری بالا می‌برد. این سه ویژگی مقبولیت و محبوبیت استاد را بیش‌تر می‌سازد و او را در انجام مسئولیت مهم خود یاری می‌دهد.

ملاحظه: رابطه استاد با طلبه باید صمیمی باشد، اما این صمیمیت نباید باعث هتک حرمت استاد و از بین رفتن حریم او شود. طلبه باید استاد را همواره استاد و بزرگ‌تر خود بداند

۱. مرین، آیه ۹.

۲. آل عمران، آیه ۱۵۹.

۳. طه، آیه ۴۴.

۴. شهید ثانی، منیة المرید، ص ۱۹۳.

۵. هود، آیه ۵۱.

۶. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲.

نه اینکه به منزله یک رفیق برای ساعات سرگرمی و بی‌حوصلگی خود به او پناه آورد. ضمناً اگر خانواده استاد صلاحیت لازم برای الگودهی به طلبه را ندارند، در ارتباط با آنان لازم است محدودیت‌هایی اعمال شود. برای مثال، در این موارد به جای رفت‌وآمد طلاب به منزل استاد، در مراسم عمومی مانند روضه، هیئت، یا جشن اعیاد مذهبی از آنان دعوت شود.^۱

نقش معاونت تهذیب در ترغیب اساتید به نقش آفرینی تربیتی

الف. معاونت تهذیب و تربیت ستاد:

معاونت تهذیب و تربیت نیز به عنوان ستاد برنامه‌ریزی اخلاقی و تربیتی حوزه می‌تواند از این ظرفیت بزرگ و اثربخش در راستای اهداف تربیتی خود استفاده کند، برای این منظور پیشنهاد می‌شود:

- برگزاری جلسات مستمر توجیهی با اساتید^۲، معاونان آموزش و نیز مدیران مدارس علمیه و انتقال این دغدغه به آنان؛
- برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای اساتید در مدارس و در استان‌ها جهت دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی؛
- آموزش‌های غیرحضور اساتید از طریق کتاب و جزوه آموزشی یا بسته‌های سمعی و بصری برای اساتید؛ توزیع جزوات و نشریات برای انتقال این دغدغه به اساتید خصوصاً با استفاده از امکانات اینترنتی و ایمیل؛
- نقل سنت شاگردپروری و سیره بزرگان در ارتباط تربیتی با طلاب برای اساتید؛
- الگوسازی معاونان تهذیب در تدریس‌های خود در مدرسه؛
- برگزاری مسابقات کتابخوانی تخصصی و پیش‌بینی عوامل تشویقی برای اساتید در این موضوع؛
- جمع‌آوری، تدوین و انتشار خاطرات تربیتی اساتید موفق؛

۱. تلخیص و اقتباس از عالم‌زاده نوری، محمد، مقاله «نقش تربیتی اساتید»، سایت مدیریت مطالعات تربیتی و فرهنگی معاونت تهذیب.
 ۲. نشست معاون تهذیب با اساتید مدارس علمیه اگر به صورت منظم (حدود دو هفته یک‌بار) برگزار شود و لابلای کثرت مشاغل طرفین فراموش نگردد، اولاً انگیزه و توجهات اساتید را برای ارتباطات تربیتی و رسیدگی در حق طلاب به طور مستمر تقویت می‌کند؛ ثانیاً موجب تبادل تجارب و اطلاعات می‌گردد؛ ثالثاً مشکلات میان راه را حل می‌کند؛ رابعاً شناخت مؤثری از طلاب به معاونت تهذیب منتقل می‌سازد. همچنین در این همفکری‌ها به صورت جمعی نسبت به مسائل اخلاقی معنوی طلاب چاره‌اندیشی می‌شود. می‌توان اساتید را براساس ماده درسی یا پایه تدریس طبقه‌بندی و جلسات را تفکیک کرد.

- بهره‌گیری از فرصت برگزاری دوره‌های تخصصی تربیت مدرس جهت القای ضرورت‌های تربیتی به اساتید؛
- گفتگوی چهره به چهره با مدیران مدارس و توجه دادن ایشان به نقش تربیتی اساتید در مدرسه؛
- انتشار احادیث اخلاقی و ارائه به اساتید جهت ارائه در کلاس درس و مسابقه چهل حدیث؛
- سرمایه‌گذاری بیش‌تر روی اساتید خلاق جوان؛
- تلاش برای تصویب قوانین و تدوین آیین‌نامه‌هایی که به فعالیت‌های تربیتی اساتید توجه کند و برای آن امتیازاتی در نظر گیرد؛
- بازنگری در روش انتخاب اساتید با اهداف تربیتی؛
- برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر مناسب برای لحاظ شدن برنامه‌ها و روش‌های تربیتی در مراکز تربیت مدرس؛
- تجدید نظر اساسی در شاخص‌های ارزیابی اساتید بر اساس اهداف و ملاحظات تربیت دینی؛
- ارسال پیام‌های کوتاه برای اساتید در مورد نقش تربیتی و اخلاقی آنان در مدارس علمیه.

ب. معاونت تهذیب مدرسه:

- ایجاد ارتباط اساتید با طلاب و فراهم آوردن امکان سرکشی به حجرات به صورت رسمی؛ برخی از اساتید توان یا انگیزه لازم برای پیش‌قدم شدن در این زمینه را ندارند اما اگر شرایط آن فراهم شود از آن استقبال و استفاده می‌کنند؛
- ارائه رهنمود به مدیر مدرسه برای استفاده از اساتید دغدغه‌مند و تربیت‌گرا؛
- فراهم آوردن امکان اسکان اساتید دارای صلاحیت الگودهی در حجرات مدرسه و تشویق آنان به این امر؛
- دعوت از اساتید برای شرکت در اردوها، مراسم تفریحی، زیارتی، سیاحتی و...؛
- ملاحظه ویژگی‌های تربیتی اساتید در تقدیر از آنان در روز معلم (آموزش و نمره‌محوری محض در نگرش مدیر مدرسه نسبت به ارزیابی استاد از آسیب‌های موجود است)؛
- نظارت مستمر بر ارتباطات تربیتی اساتید و ارائه پیشنهادها و تذکرات لازم به او؛

- شناسایی و تشویق اساتید تأثیرگذار تربیتی و واگویه اقدامات تربیتی آنان جهت الگوسازی برای دیگران؛
- بهره‌گیری مدرسه از اساتید باتجربه و مقبول برای ترغیب سایر اساتید؛
- توصیه به طلاب جهت ارتباط فعال بیش‌تر با اساتید؛
- ایجاد ارتباط میان اساتید و اولیای طلاب با برگزاری جلسات انجمن اولیا و مربیان؛
- فضا سازی و نصب احادیث یا پیام‌های اخلاقی با محتوای احساس مسئولیت نسبت به طلبه در اتاق اساتید.

ج. استاد و درس اخلاق

مراد از استاد اخلاق، انسان وارسته‌ای است که در عمل به شریعت و دریافت‌های دینی و معنوی توانا باشد، صلاحیت تقوایی، مهارت و تخصص در اخلاق اسلامی و تدبیر استادی داشته باشد تا جوینده کمال را در تهذیب نفس، عمل به تمامی شریعت، شناخت صواب از خطا و حرکت به سوی رضای الهی یاری دهد و راهنما گردد، دستورات اخلاقی اسلام را به شایستگی تبیین کند و هرگونه ابهام و پرسشی را روشن سازد.^۱

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

هلک من لیس له حکیم بیرشده؛^۲

به هلاکت رسد کسی که مرشد و راهنمای حکیمی نداشته باشد.

بی‌تردید، حضور یک استاد مهذب و صاحب نفس در مدارس علمیه و برگزاری جلسات موعظه و اخلاق، یکی از ضروریات تربیت اخلاقی است. در گذشته‌های دور، بسیاری از بزرگان علم و اخلاق، حجره‌ای در مدرسه داشتند و بیش‌تر وقت و همت خود صرف آموزش و تربیت طلاب می‌کردند. با مروری بر سیر اخلاقی و معنوی حوزه‌های علمیه در طول تاریخ، به وضوح می‌بینیم که هر جا تهذیب و تربیت طلاب، تحت اشراف و هدایت عالمی ربانی و انسانی کامل بوده است، موفقیت‌های اخلاقی و معنوی فراوانی در پی داشته و انسان‌های

۱. «ضرورت و ویژگی‌های استاد و راهنما در اخلاق، نشریه حوزه»، مهر و آبان ۱۳۶۷، شماره ۲۸.

۲. اربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۱۱۳.

وارسته بسیاری تحویل حوزه‌ها شده است. چنانکه در دو قرن اخیر اساتید فرزانه‌ای را می‌یابیم که با مراقبت و تدبیر، فرزندگان زمان را با معیارهای کاملاً شرعی پدید آوردند. امام خمینی رحمته‌الله در اهمیت وجود استاد و مربی اخلاق و لزوم تشکیل جلسات درس اخلاق می‌فرماید:

حوزه‌های علمیه همزمان با فراگرفتن مسائل علمی، به تعلیم و تعلم مسائل اخلاقی و علوم معنوی نیازمند است. راهنمای اخلاق و مربی قوای روحانی و مجالس پند و موعظه لازم دارد. برنامه‌های اخلاقی و اصلاحی، کلاس تربیت و تهذیب، آموختن معارف الهیه، که مقصد اصلی بعثت انبیا علیهم‌السلام می‌باشد، باید در حوزه‌ها رایج و رسمی باشد. متأسفانه در مراکز علمی به این‌گونه مسائل لازم و ضروری کمتر توجه می‌شود. علوم معنوی و روحانی رو به کاهش می‌رود و بیم آن است که حوزه‌های علمیه در آتیه نتوانند علمای اخلاق، مریبان مذهب و آراسته و مردان الهی تربیت کنند و بحث و تحقیق در مسائل مقدماتی مجالی برای پرداختن به مسائل اصلی و اساسی، که مورد عنایت قرآن کریم و نبی اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سایر انبیا و اولیا علیهم‌السلام است، باقی نگذارد. خوب است فقهای عظام و مدرسین عالی‌مقام، که مورد توجه جامعه علمیه می‌باشند، در خلال درس و بحث به تربیت و تهذیب افراد همت گمارند و به مسائل معنوی و اخلاقی بیشتر بپردازند. محصلین حوزه‌ها نیز لازم است در کسب ملکات فاضله و تهذیب نفس کوشش کرده، به وظایف مهم و مسئولیت‌های خطیری که بر دوش آنان است اهمیت دهند.^۱

نیز خطاب به طلاب و روحانیون می‌فرماید:

در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق برنامه تنظیم کنید، استاد اخلاق برای خود معین نمایید، جلسه و عظم و خطابه، پند و نصیحت تشکیل دهید. خودرو نمی‌توان مذهب شد. اگر حوزه‌ها همین طور از داشتن مربی اخلاق و جلسات پند و اندرز خالی باشد، محکوم به فنا خواهد بود. چطور شد علم فقه و اصول به مدرّس نیاز دارد، درس و بحث می‌خواهد، برای هر علم و صنعتی در دنیا استاد و مدرّس لازم است، کسی خودرو و خودسر در رشته‌ای متخصص نمی‌گردد، فقیه و عالم نمی‌شود، لکن علوم معنوی و اخلاقی، که هدف بعثت انبیا و از لطیف‌ترین و دقیق‌ترین علوم است، به تعلیم و تعلم نیازی ندارد و خودرو و بدون معلم حاصل می‌گردد؟ کرازا شنیده‌ام سید جلیلی معلم اخلاق و معنویات استاد فقه و اصول، مرحوم شیخ انصاری بوده است.^۲

مقام معظم رهبری رحمته‌الله نیز در همین زمینه خطاب به بزرگان حوزه می‌فرماید:

من از بزرگان حوزه خواهش می‌کنم، درس اخلاق و تهذیب را برای جوانان مستعد، روشن و نورانی-

۱. امام خمینی رحمته‌الله، جهاد اکبر، ص ۳ و ۴.

۲. همان.

که در این حوزه فراوان هستند - جدی بگیرند.^۱

لکن از باب اینکه «آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید» و «ما لایدرک کله لایترک کله»، اکنون که بسیاری از مدارس علمیه ما از وجود چنین انسان‌های کاملی خالی مانده‌اند، نباید دست روی دست گذاشت و غصه خورد، بلکه به قدر وسع و با بهره‌گیری از اساتید اخلاق موجود و اعزام آن‌ها به مدارس مختلف، باید کوشید تا جلسات اخلاق مدارس رونق بگیرند.

همچنین با تدبیر و برنامه‌ریزی صحیح، استفاده از ظرفیت تربیتی اساتید اخلاق موجود، تأسیس و تقویت رشته‌های مرتبط با اخلاق و تربیت اسلامی در حوزه، برگزاری مرتب جلسات و نشست‌های هم‌اندیشی اساتید اخلاق، تدوین متون اخلاقی متقن، جذاب و متناسب با نیازهای طلبه معاصرو...، لازم است هر چه زودتر ضعف‌ها و کاستی‌های موجود برطرف شوند.

شاخص‌ها و ویژگی‌های استاد اخلاق

با توجه به اهمیت مسأله‌ی تربیت اخلاقی و جایگاه ویژه استاد اخلاق در این میان، اساتید اخلاق باید برخوردار از ویژگی‌هایی باشند که به موارد مهم آن‌ها در ذیل اشاره شده است:

الف. ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی استاد اخلاق

- اخلاص و نیت پاک؛
- تعبد، تقوا و پارسایی؛
- عشق به اهل بیت علیهم‌السلام؛
- انس با دعا و معنویات؛
- اهتمام به انجام مستحبات و دوری از مکروهات؛
- الگوی عملی بودن؛
- زهد و ساده‌زیستی؛
- هماهنگی گفتار و کردار؛

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب و روحانیون، مدرسه فیضیه، ۱۳۷۴/۹/۱۶.

- تواضع؛
- ادب و وقار؛
- توکل و مناعت طبع؛
- سعه‌ی صدر و بردباری؛
- امانت‌داری؛
- رازداری؛
- حسن خلق؛
- مهربانی و دلسوزی؛
- پختگی و انسجام شخصیت؛
- بصیرت فرهنگی اجتماعی؛
- اعتماد به نفس بالا؛
- ولایت‌مداری و روحیه‌ی انقلابی؛
- نظم و انضباط؛
- نظافت و آراستگی ظاهری و...

ب. مسؤولیت‌های اخلاقی و تربیتی استاد اخلاق

- شناخت کافی نسبت به مباحث اخلاقی و معارف اسلامی؛
- شایستگی علمی و مهارت و تجربه‌ی لازم در ارائه‌ی مشاوره‌ی اخلاقی؛
- قدرت بیان مناسب در القای آموزه‌های اخلاقی؛
- شناخت راه‌های پیش‌گیری، درمان، اصلاح، تحکیم و تعالی اخلاقی؛
- توانایی یافتن استعدادها و ویژگی‌های شخصیتی متربی؛
- تدبیر در به‌کارگیری درست شیوه‌های ارشاد و دسته‌بندی شایسته‌ی مطالب؛
- واقعیت‌گرایی و زمان‌شناسی؛^۱

۱. استنادی که از واقعیت‌ها و مسایل و مشکلات جامعه بیگانه و بی‌خبر باشد، نسبت شرایط زمان، مکان و مخاطب خود آگاهی کافی لازم را نداشته باشد، بالطبع مباحثی را ارائه خواهد نمود که چندان راه‌گشای نیازها و مشکلات مخاطبان خود نباشد و چه بسا باعث

- پرهیز از القای یأس و ناامیدی؛
- توانمند در برقراری رابطه‌ی مطلوب و مؤثر با مخاطبان؛
- به دور از مرید و مرادبازی؛
- عیب‌پوشی اصلاح‌گر؛
- تلاش برای تقویت مبانی اعتقادی شاگردان؛
- برخورداری از پشتوانه‌ی استدلالی در ارائه‌ی مباحث اخلاقی و تربیتی؛
- احساس مسئولیت و معرفت نسبت به ارزش کار خویش؛
- تکریم و احترام شاگردان؛
- نصیحت و خیرخواهی؛
- دارای حسن شهرت و مقبولیت عمومی در میان طلاب؛
- هم‌سوئی با برنامه‌های مدیر و کادر تهذیبی و تربیتی مدرسه و ...

د. استاد مشاور

امروزه مشاوره، جایگاه مناسبی در یاری‌رسانی و راهنمایی افراد پیدا کرده و در پیش‌گیری و درمان مشکلات روحی، روانی و رفتاری طلاب، اصلاح بینش‌ها و شناخت‌های اساسی زندگی، غلبه بر هیجان‌های منفی، ارتقای سطح سازگاری و مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی آنان، افزایش اعتماد به نفس، توان تصمیم‌گیری، بهبود و تحکیم روابط خانوادگی، مدیریت تحصیلی، مهارت‌های مطالعه و پژوهش، آموزش شیوه‌ی درست زندگی و... می‌تواند خدمات قابل توجهی ارائه نماید. از این رو، وجود مراکز خدمات مشاوره‌ای برای طلاب و خانواده‌های ایشان و در دسترس بودن این مراکز در استان‌ها و نیز بهره‌گیری مدارس علمیه سراسر کشور از مشاورین روحانی متخصص و متعهد بسیار ضروری می‌نماید و از عوامل مؤثر در رشد متوازن و متعادل اخلاقی و تربیتی طلاب می‌باشد.

با توجه به اهمیت مسأله‌ی مشاوره در مدارس علمیه و نقش برجسته‌ی مشاور در این میان،

استاد مشاور حوزه باید برخوردار از ویژگی‌هایی باشد که به مهم‌ترین آن‌ها در ذیل اشاره شده است:

شاخص‌ها و ویژگی‌های استاد مشاور

الف. ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی مشاور

- پرهیزکاری؛
- دارای حسن خلق؛
- عفت و پاک‌دامنی؛
- انس با دعا و معنویات؛
- امانت‌داری؛
- رازداری؛
- مسؤولیت‌پذیری؛
- متواضع؛
- حق‌مداری؛
- داشتن سعه‌ی صدر و بردباری؛
- رعایت زیّ طلبگی؛
- نصیحت‌گرو خیرخواه؛
- وفای به عهد و وعده؛
- اجتناب از حرص و بخل؛
- داشتن جرأت و شهامت؛
- عمل به دانسته‌ها؛
- مهربانی و دلسوزی؛
- دارای اعتماد به نفس بالا؛
- دارای نظم و انضباط؛
- دارای نظافت و آراستگی ظاهری.

ب. صلاحیت‌های حرفه‌ای مشاور

- برخورداری از دانش، مهارت و تجربه لازم در ارائه‌ی مشاوره و راهنمایی؛
- احساس مسئولیت و معرفت نسبت به ارزش کار خویش؛
- توجه به کرامت انسانی مراجع و تکریم و احترام عملی وی؛
- احترام به آزادی و اختیار مراجع؛
- صداقت و راست‌گویی نسبت به مراجع؛
- شناسایی و ارجاع افراد دارای مشکلات و ناهنجاری‌های حاد به متخصصان و مشاوران مراکز مشاوره‌ی تخصصی؛
- ایجاد و حفظ نشاط و شادابی در میان طلاب مدرسه؛
- برقراری ارتباط مؤثر و کمک به مدیر، معاون تهذیب، اساتید مدرسه در جهت حل مشکلات تربیتی و روان‌شناختی طلاب؛
- در نظر گرفتن مصلحت واقعی مراجع؛
- پذیرش و توجه کامل و مثبت به مراجع و تلاش برای رسیدن به درک درست و جامع از مشکل وی؛
- رعایت عدالت و عدم تبعیض میان مراجعان؛
- توجه به ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی مراجعان؛
- توجه به علل و زمینه‌های محیطی، فرهنگی، خانوادگی و ... مشکل و اختلال؛
- دوری از لجاجت و بحث‌های بی‌ثمر با مراجع؛
- پرهیز از مواضع تهمت؛
- عدم سوء استفاده از موقعیت حرفه‌ای؛
- مشاوره و کسب نظر از مشاوران و کارشناسان دیگر در صورت لزوم؛
- مطالعه‌ی مستمر و توجه به آرای کارشناسان و نظریه‌پردازان مختلف.

ه. هم حجره، هم مباحثه و دوست

دوره نوجوانی و جوانی دوره‌ای است که عناصر شخصیتی و هویتی فرد در حال شکل گرفتن است و به همین دلیل، میزان تأثیرپذیری طلاب از همسالان خود، به ویژه از هم حجره‌ای، هم مباحثه‌ای و دوست بیش تر است. این تأثیرپذیری با شدت و ضعف‌هایی، اغلب در اندیشه، نگرش و رفتار فرد نمایان می‌شود.

مرحوم آیت الله مجتهدی در اهمیت این بحث چنین می‌فرماید:
دنبال رفیق و دوست و یا استاد و هم مباحثه‌ی بی‌عیب نگرد؛ ولی قبل از این‌که با کسی رفیق شوی یا این‌که در درس کسی شرکت کنی، جست‌وجو بکن ...^۱

هم حجره

انتخاب هم حجره‌ای مناسب در نخستین روزهای زندگی طلبه، اهمیت زیادی دارد و می‌تواند زمینه‌ی رشد و تعالی همه جانبه‌ی وی را فراهم کند.

آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ به این سؤال که «در انتخاب هم مباحثه‌ای‌ها و هم حجره‌ای‌ها، چه معیارهایی مهم است و چه شرایطی باید داشته باشند؟» می‌فرماید:

در این مورد علاوه بر تقوا، حسن شهرت، استعداد و خوش سلیقه بودن، هماهنگی سنی و درسی نیز ضروری است. در غیر این صورت، با یک دیگر نمی‌جوشند و کم‌کم مشکلاتی هم ایجاد می‌شود. بنابراین هم طراز بودن از نظر سن و سال و مسائل درسی را باید کاملاً مد نظر داشت.^۲

آیت الله سبحانی نیز در پاسخ به همان سؤال می‌فرماید:

باید بدانیم دو یا سه نفری که می‌خواهند در یک حجره باهم زندگی کنند، هرچه فرهنگ‌شان به هم نزدیک باشد، بهتر است و قطعاً مشکلات کمتری پیش می‌آید.^۳

چه بسا افرادی که با هم حجره‌ای شدن با طلبه‌های فاضل و مهذب، به مدارج عالی علمی و اخلاقی دست یافتند و برعکس، با انتخاب هم حجره‌ای نامناسب، زمینه‌ی سقوط و خروج خود از سلک طلبگی را فراهم کردند. بنابراین یکی از وظایف مدیر و کادر تهذیبی مدرسه،

۱. برخوردار فرید، آفات الطلاب، ص ۳۰.

۲. وافی، نسیم هدایت، ص ۱۷۸.

۳. همان، ص ۱۷۸-۱۷۹.

کمک به طلاب برای انتخاب هم‌حجره‌ای مناسب و چینش صحیح حجره‌ها می‌باشد.

آیت‌الله باقری بنابی^۱ در مورد چینش ترکیب حجره‌های طلاب در مدرسه می‌فرماید:

در مورد ترکیب حجرات که چه کسی با چه فردی هم حجره شود، دقت زیادی می‌کنیم. اگر قرار باشد انسان برای تدریس کتاب پیچیده‌ای، تلاش زیاد و دقت فراوان نشان دهد، ما بیش از آن مقدار در مورد هم‌حجره دقت به خرج می‌دهیم. ارزیابی می‌کنیم که اگر این چند نفر کنار هم باشند، آیا برای هم مفید خواهند بود یا نه؟ بعد از بررسی و سنجش، پیشنهاد می‌کنیم که آقای فلانی! این آقا با شما هم‌حجره خواهد شد، نظرتان چیست؟ البته باید حوزه هم این ترکیب را تأیید کند، تنها رضایت خود طلبه کافی نیست. در هر حجره، یک نفر را به عنوان مسؤول حجره انتخاب می‌کنیم تا بین دو یا سه نفر دیگر هماهنگی ایجاد کند. نظراین است که او به عنوان امین ما در حجره بوده باشد و به هم‌حجره‌ای‌هایش خط و جهت بدهد، به ویژه این‌که در این مورد حدیث شریفی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که اگر دو نفر هستی، یکی را به عنوان امیر برگزینید.^۲

ایشان در مورد امکان جابه‌جایی و تغییر حجره نیز می‌گویند:

اگر طلبه‌ای در یک حجره موفق است؛ یعنی از نظر فکری، اخلاقی و درسی و آداب در سطح خوبی قرار دارد، تغییر حجره او صلاح نیست؛ چرا که ثبات روحی وی را از بین برده و او را متزلزل می‌کند؛ اما اگر ثابت شود که طلبه در این حجره موفق نیست یا با هم‌اتاقی‌هایش نمی‌تواند بماند و یا به درس و اخلاقش نمی‌تواند برسد و، در این صورت جابه‌جایی او مطلوب است. اما این‌که براساس چه معیارهایی تصمیم گرفته شود، باید دید این طلبه با روحیات خاصش، در کدام حجره پیشرفت خواهد کرد. گرچه تنوع هم در کنار اهداف می‌تواند قرار گیرد و هیچ عیبی هم ندارد؛ اما یک چیز را باید مد نظر قرار داد و آن این‌که نباید جابه‌جایی یک طلبه تبعات منفی داشته باشد؛ برای مثال، در مدرسه جوّ ایجاد شود که مگر چه شده فلانی را از آن جا در آوردند و به حجره‌ی دیگری بردند؟ مگر هم‌حجره‌ای‌هایش چگونه بودند؟ این تبعات، شخصیت هم‌حجره‌ای‌های قبلی او را مخدوش می‌سازد. براین اساس، باید در این تغییرات، دقت و ظرافت زیادی به خرج داد.^۳

هم‌چنین در برخی از مدارس علمیه، شورایی برای چینش ترکیب حجره‌ها تشکیل می‌شود که مدیر، معاون تهذیب و آموزش، یکی از اساتید که انس بیشتری با طلاب دارد و یکی، دو نفر از طلبه‌های پایه‌های بالاتر که مورد وثوق مدیر و طلبه‌های مدرسه است و شناخت بهتری

۱. مدیر مدرسه علمیه حضرت ولی عصر علیه السلام شهرستان بناب و از مدیران با تجربه و موفق حوزه.

۲. حسین‌خانی، نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه، ص ۱۵۵.

۳. همان، ص ۱۵۵ و ۱۵۶.

نسبت به اکثریت طلبه‌ها دارد، را در برمی‌گیرد. این شورا قبل از شروع سال تحصیلی، اسامی طلاب را بررسی کرده و پیشنهادهایشان را برای ترکیب حجره‌ها و قرار گرفتن طلاب در کنار یک‌دیگر ارائه می‌کنند.

هم‌مباحثه

با توجه به این‌که مباحثه یکی از سنت‌های اصیل حوزه‌های علمیه و از ضرورت‌های موفقیت تحصیلی و رشد علمی و معنوی در حوزه است، لازم است طلبه در انتخاب هم‌مباحثه‌ی مناسب اهتمام داشته باشد. موفقیت بسیاری از بزرگان مدیون داشتن هم‌مباحثه‌های خوب در دوران تحصیل بوده و در سیره و شرح حال زندگی‌شان، این امر به وضوح قابل مشاهده است.

مرحوم آیت‌الله مجتهدی در بیان ویژگی هم‌مباحثه‌ی خوب چنین می‌فرماید:

البته فقط هم‌مباحث داشتن کافی نیست؛ زیرا هم‌مباحث ضعیف داشتن، چندان فرقی با هم‌مباحث نداشتن ندارد. بلکه در مباحثه، باید کسی را انتخاب کنی که از او استفاده ببری و در صورت امکان از تو قوی‌تر باشد تا نیروی محرکه برای تو باشد و باعث شود به درس و بحث و مطالعه بپردازی و چون سعی و تلاش و فهم او را می‌بینی، سعی خواهی کرد که خودت هم هم‌چنین باشی و همین رمز موفقیت تو خواهد بود. باید هم‌مباحثی را انتخاب کنی که در درس جدی باشد، رعایت ساعات مقرر را بکند و در هنگام مباحثه از مطالبی که ذهن و فکر هر دوی شما را پرت می‌کند، خودداری کند...^۱

بنابراین یکی از وظایف کادر تهذیبی و تربیتی و به ویژه اساتید مدرسه، ارائه مشاوره و راهنمایی به طلاب برای انتخاب هم‌مباحثه‌ای مناسب می‌باشد.

ویژگی‌های یک هم‌مباحثه خوب

برخی از ویژگی‌های هم‌مباحثه‌ی خوب عبارت است از:

- پرهیزکار و مقید به امور شرعی و ظواهر دینی؛
- اهل نماز اول وقت و جماعت؛
- دارای حسن خلق؛
- کوشا و درس‌خوان؛

۱. برخوردار فرید، آفات الطلاب، ص ۳۱.

- منظم و وقت شناس؛
- رفیق و همراه؛
- متواضع؛
- از نظر سن و سال، نزدیک به هم بودن؛
- اهل ایثار و گذشت؛
- اهل مرأ و جزو بحث نبودن.

دوست

بی‌تردید، انسان دارای یک سلسله نیازهای مادی و غیرمادی است و رشد و کمال او نیز در وابسته به ارضای درست و به موقع این نیازهاست. یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان، نیازهای عاطفی است. عواطف انسان از بدو تولد تا پایان عمر باید ارضا شود و گرنه دچار مشکل می‌شود. نیاز به محبت ورزیدن به دیگران و مورد محبت دیگران واقع شدن، دقیقاً یک نیاز عاطفی است. این نیاز طی مراحل مختلف رشد و در مراحل گوناگون زندگی، شکل‌های مختلفی پیدا می‌کند و در هر دوره‌ای به گونه‌ای متناسب با آن زمان باید ارضا شود. در دوره‌ی نوزادی، نیاز کودک از طریق والدین به‌ویژه مادر، با بوسیدن نوزاد، در آغوش گرفتن او و نگاه‌های محبت‌آمیز به او ارضا می‌شود. در این دوره، تأمین نیازهای عاطفی کودک به اندازه‌ی نیازهای زیستی، مانند آب و غذا و پوشاک برای رشد نوزاد ضرورت دارد.

در دوره‌ی کودکی، تأمین این نیاز توسط اعضای خانواده و همه‌ی کسانی که به شکلی با کودک ارتباط دارند، تأمین می‌شود. در دوره‌ی نوجوانی از طریق دوستان و گروه هم‌سالان و در دوره‌ی جوانی به وسیله‌ی دوستان، خویشاوندان و همسر به این نیاز پاسخ داده می‌شود. روان‌شناسان علت وابستگی انسان‌ها را به یک‌دیگر، همین نیازهای عاطفی می‌دانند. گفتنی است اساس و پایه‌ی دوستی‌ها در سن نوجوانی و جوانی که با جذب و شور زیادی همراه است، غالباً بر مبنای عواطف و احساسات شکل می‌گیرد، نه بر اساس منطق و عقل. مقدمه‌ی این دوستی ممکن است جذابیت یک فرد از نظر ظاهری یا شخصیتی یا پاره‌ای از

صفات اخلاقی باشد که او را برای فرد دیگر دوست داشتنی می‌سازد؛ به طوری که توانسته در روح و روان او تأثیر عمیقی بگذارد و خلأ عاطفی اش را پر کند.

بنابراین یکی از مسؤولیت‌های تربیتی مدیر، معاون تهذیب، مشاور و سایر اساتید مدرسه، نظارت بر کیفیت و کمیت روابط دوستی طلاب مدرسه با یک‌دیگر است و اگر این مسأله مورد غفلت واقع شود و مراقبت لازم صورت نگیرد، ممکن است این روابط تأثیر منفی بر رشد اخلاقی و علمی طلاب بگذارد.

و. کارکنان و کارگزاران مدرسه

اغلب کارمندان و کارگزاران مدرسه به صورت مستمر و روزانه با طلبه‌ها در ارتباط هستند و می‌توانند در فضای تربیتی مدرسه به شکل مستقیم و غیرمستقیم اثرگذار باشند.

بنابراین، کارکنان مدرسه باید از چنان نگرش، احساس و رفتاری برخوردار باشند که هر یک نمایان‌گر بخشی از هویت طلبگی مدرسه باشند، خود را جزئی از هویت فرهنگی و معنوی مدرسه بدانند؛ خدمت به طلاب را خدمت به دین خدا و امام عصر علیه السلام تلقی نمایند؛ در کار خود پرنشاط و خستگی‌ناپذیر ظاهر شوند؛ امانت‌داری، صداقت و رعایت سلسله مراتب شغلی از جمله ویژگی‌های آن‌ها باشد؛ سرنوشت خود را با سرنوشت مدرسه پیوند بزنند و از خدمت در مدرسه رضایتی عمیق داشته باشند.

مدیر مدرسه باید هر از گاهی، با کارکنان و کارگزاران مدرسه جلسه بگیرد و با تجلیل از آنان و قدردانی از زحماتی که برای مدرسه می‌کشند، انگیزه تلاش و خدمت را در ایشان تقویت نموده و نکات اخلاقی و تربیتی مورد نیاز را گوشزد نماید. همچنین، می‌تواند درس اخلاق اختصاصی برای کارکنان ترتیب دهد و از اساتید اخلاق حاضر در مدرسه یا اعزامی از قم بخواهد که جلسه‌ای نیز با آنان داشته باشند.

برگزاری کلاس‌ها، دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی و مهارتی متناسب با نیازهای تهذیبی کارکنان نیز از جمله کارهایی است که می‌توان برای ارتقاء سطح اخلاقی و معنوی آنان انجام داد.

در ادامه به تبیین نقش تربیتی برخی از کارکنان مدرسه‌ی علمیه می‌پردازیم:

۱. معاون آموزش

با توجه به اینکه بیش‌ترین وقت طلبه را در مدرسه برنامه‌های آموزشی به خود اختصاص داده و معاون آموزش ارتباط بیش‌تری با طلاب دارد، از این رو انتخاب فردی متخلّق، مهذب و دغدغه‌مند در امر تهذیب طلاب و باورمند و عامل به زیّ طلبگی برای این سمت در پیش‌برد اهداف تهذیبی مدرسه، اثربخش خواهد بود.

معاون آموزش با اهتمام به امور ذیل می‌تواند در موفقیت برنامه‌های تهذیبی مدرسه مؤثر باشد:

- آگاهی‌بخشی به اساتید نسبت به ایفای نقش تربیتی خود در مدرسه (چنان‌که در صفحه‌های پیشین، بخش استاد، به تفصیل بیان شد)؛
 - تعامل سازنده با معاون تهذیب مدرسه و منعطف ساختن برنامه‌های آموزشی به منظور اجرای برنامه‌های تهذیبی در مدرسه؛
 - انعطاف دادن به برنامه‌های آموزشی برای اجرای برنامه‌های تهذیبی در مدرسه؛
 - دقت و اهتمام در جذب و استفاده از اساتید مهذب، متخلّق، دلسوز... و اثرگذار برای تدریس در مدرسه؛
 - تشویق و ترغیب اساتید برای شرکت در برنامه‌ی جهاد تربیتی اساتید و سایر دوره‌های آموزشی و مهارت‌افزایی که از سوی معاونت تهذیب و تربیت برای اساتید برگزار می‌شود؛
 - برگزاری دروس جانبی مثل نهج البلاغه، حدیث، تاریخ اسلام، تفسیر و... توسط اساتید مهذب و اخلاقی؛
 - همکاری و همراهی با معاون تهذیب در اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های تهذیبی و تربیتی.
- طلاب یکی از مدارس موفق نقل می‌کرد که:

ما در مدرسه معاون آموزشی داریم که بسیار خوش اخلاق و گشاده‌رو است؛ با تمام وجود می‌کوشد مسائل آموزشی طلبه‌ها را حل کند؛ به طلبه‌ها اعتماد دارد و مبنای کارش بر حسن ظن و صداقت و درستی طرف مقابل است. برای مثال، اگر طلبه‌ای برای غیبت از کلاس عذری بیاورد، عذرش را می‌پذیرد و دیگر مدرک خاصی از او مطالبه نمی‌کند. همین برخورد وی، باعث ایجاد فضایی آرام، توأم با اعتماد و احترام متقابل در مدرسه شده و طلبه‌ها با آسودگی خاطر مشغول تحصیل هستند.

۲. معاون پژوهش

انتخاب فردی متخلّق، مهذب و دغدغه‌مند برای این سمت، می‌تواند در موفقیت فعالیت‌های تهذیبی مدرسه اثرگذار باشد. بخشی از کارهایی که در این راستا می‌توان انجام داد عبارت است از:

- سوق دادن فعالیت‌های پژوهشی و مطالعات جنبی طلاب به سوی موضوعات اخلاقی و تربیتی؛
- انتشار نشریه‌های داخلی (در قالب روزنامه دیواری، بروشور، مجله و...) و استفاده از نوشته‌های اخلاقی و تربیتی اساتید و طلاب در آن؛
- برگزاری نمایشگاه کتاب با اولویت کتاب‌های اخلاقی و تربیتی در مدرسه (حداقل سالی یک‌بار) و ایجاد تسهیلات مالی برای خرید قسطی کتاب؛
- تهیه نشریه‌های اخلاقی و تربیتی مفید برای مدرسه؛
- تجهیز مستمر کتابخانه مدرسه به کتاب‌های اخلاقی و تربیتی؛
- برگزاری اردوهای علمی-پژوهشی و بازدید از مراکز تخصصی و مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی فعال در زمینه مباحث اخلاقی و تربیتی و آشنایی طلاب با کتابخانه، اساتید، مطالعات و پژوهش‌های اخلاقی و تربیتی انجام شده و در حال انجام این مراکز؛
- تهیه سی‌دی‌ها و نرم‌افزارهای اخلاقی و تربیتی برای بانک اطلاعات و اتاق رایانه مدرسه؛
- همکاری و همراهی با معاون تهذیب در اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های تهذیبی و تربیتی از جمله: طرح مطالعاتی شهید مطهری، سیرهای مطالعاتی و... که در معاونت تهذیب حوزه تهیه شده‌اند.

۳. کارکنان بخش اداری

چنان‌که بارها گفته شد، همه کسانی که به نحوی با طلاب در ارتباط هستند می‌توانند در مسائل تهذیبی مدرسه اثرگذار باشند. بنابراین به کارگیری نیروهای متدین، بانگیزه، مسئولیت‌پذیر، امین و رازدار، منظم، انتقادپذیر، خوش اخلاق، متواضع و با ادب، پای‌بند به زئی‌طلبگی، دستورپذیر، خدمت‌گزار، دارای روابط عمومی مؤثر و تا حد امکان ملبس به لباس روحانیت در بخش اداری و اجرایی مدرسه، می‌تواند مدیر و معاون تهذیب را در دستیابی به اهداف تربیتی و تهذیبی مدرسه کمک کند.

۴. باغبان

وجود فضای سبز، درخت و گل و گیاه در محیط مدرسه، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد روحیه شادابی و نشاط در بین طلاب می‌باشد. یک فضای سبز خوب نیاز به باغبانی باتجربه و دلسوز دارد که بتواند چنین فضایی را در مدرسه برای طلاب فراهم کند. بنابراین، مدیر مدرسه باید بکوشد فرد مناسبی را برای این کار جذب کند و از مهارت و تجربه وی و در اختیار قرار دادن فضا و امکانات لازم، فضای سبز محیط مدرسه را توسعه و رونق بخشد. برخی از ویژگی‌ها و شاخصه‌های اخلاقی یک باغبان مناسب برای مدرسه علمیه به شرح زیر است:

- تدین و تقید نسبت به انجام فرائض دینی و اجتناب از گناهان؛
- داشتن نگاه درست نسبت به کار در حوزه و خدمت به سربازان امام زمان علیه السلام؛
- رعایت ادب و حسن معاشرت در مواجهه با اساتید و طلاب و سایر کارکنان مدرسه؛
- امانت‌داری و رازداری؛
- با نشاط و پرانرژی در انجام وظایف محوله؛
- پوشش و آراستگی ظاهری متناسب با محیط حوزوی؛
- خوش سلیقگی، رعایت بهداشت فردی، عدم مصرف دخانیات و مهارت و تجربه کافی در باغبانی؛
- دارای مهارت و تجربه کافی در امور باغبانی و فضای سبز.

۵. آشپز

بخشی از موفقیت مدرسه در تأمین سلامت تغذیه طلاب به وجود آشپز یا سرآشپز با تجربه و ماهر در مدرسه بستگی دارد. رعایت آداب شرعی و بهداشتی در پخت و پز، تهیه مواد اولیه حلال، سالم، تازه و مقوی و در نظر گرفتن شرایط سنی و نیازهای جسمانی طلاب مدرسه، از اموری است که از یک آشپز خوب انتظار می‌رود در تهیه و تدارک غذای مدرسه رعایت کند. برخی از ویژگی‌های اخلاقی یک آشپز خوب به شرح زیر است:

- تدین و تقید به امور شرعی؛
- دارای نگرش درست نسبت به خدمت به سربازان امام زمان علیه السلام؛
- رعایت ادب و برخورد مناسب در مواجهه با اساتید و طلاب و سایر کارکنان مدرسه؛

- آشنا با مسایل و احکام مورد ابتلا و آداب تغذیه در اسلام؛
- دارای پوشش و ظاهر متناسب با فضای حوزه؛
- خدمت‌گزار، مسؤولیت‌پذیر و دل‌سوز در انجام کار؛
- اهل تدبیر و برنامه‌ریزی برای استفاده درست و مناسب از مواد اولیه تهیه شده و به دور از اسراف و تبذیر در تهیه‌ی غذا؛
- دارای نظم و انضباط کاری و وقت‌شناس؛
- دارای روحیه‌ی انتقادپذیری و دستورپذیری؛
- خوش سلیقه و دارای ابتکار عمل در تهیه غذا؛
- رعایت بهداشت فردی^۱ و عدم مصرف دخانیات در محیط کار.

۶. خادم و نظافت‌چی

- وظیفه اصلی خادم یا خادمان مدرسه انجام امور نظافتی محیط، خدمات پذیرایی از اساتید و مهمانان و سایر امور محوله می‌باشد. خادم از این جهت که بیش‌تر وقتش در مدرسه سپری می‌شود و کارهای در معرض دید مدرسه را انجام می‌دهد، به عنوان بخش مهمی از وجهه عمومی مدرسه به شمار می‌آید و در صورت داشتن ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی والا می‌تواند هم برای مدرسه و هم برای طلاب مدرسه منشأ آثار خوبی باشد.
- برخی از شاخص‌های اخلاقی خادم مدرسه علمیه را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:
- تدین و تقید نسبت به انجام فرائض دینی و اجتناب از گناهان؛
 - دارای نگرش درست نسبت به خدمت به اهل علم و سربازان امام زمان علیه السلام؛
 - تکریم علما، اساتید و طلاب و رعایت ادب، تواضع و حسن خلق در برخورد با ایشان؛
 - انضباط کاری، نظم و وقت‌شناسی و خوش سلیقگی در انجام امور روزانه؛
 - داشتن روحیه مسؤولیت‌پذیری و خودجوشی در انجام وظایف؛
 - امانت‌داری و رازداری؛

۱. آشپز و سایر کارکنان آشپزخانه باید دارای کارت بهداشتی (گواهی‌نامه) معتبر باشند و نسبت به رعایت نکات بهداشتی مندرج در آیین‌نامه‌های بهداشت محیط که از سوی وزارت بهداشت اعلام شده، ملتزم باشند.

- تلاش مستمر برای تقویت نورایمان و معنویت در خود؛
 - پوشش و آراستگی ظاهری متناسب با محیط حوزوی.
- همچنین، برخورداری از سلامت جسمانی کافی، رعایت بهداشت فردی، عدم مصرف دخانیات و آشنایی با امور فنی مورد نیاز و کثیرالابتلای مدرسه نیز از اموری است که در انتخاب خادم باید مورد توجه قرار گیرد.

۷. نگهبان

نگهبان مدرسه اولین کسی است که انسان با ورود به مدرسه با وی مواجه می‌شود. نوع برخورد او با طلاب به هنگام ورود و خروج ایشان می‌تواند در روحیه و خلق و خوی آن‌ها اثرگذار باشد. یکی از طلاب نقل می‌کند:

مدرسه ما نگهبان بد اخلاقی داشت و من برخی شب‌ها که از درس اخلاق بیرون از مدرسه و با حال خوش معنوی می‌خواستم وارد مدرسه بشوم این آقا به قدری در باز کردن در و اجازه ورود دادن، مرا اذیت می‌کرد که هر چه نورانیت و معنویت جمع کرده بودم از دست می‌رفت و با ناراحتی و عصبانیت از او جدا شده و به حجره می‌رفتم.

نکات و شاخص‌هایی که در انتخاب نگهبان مدرسه باید به آن‌ها دقت نمود، عبارت است از:

- تدین و تقید نسبت به انجام فرایض دینی؛
- ادب و حسن برخورد با طلاب و مراجعان؛
- امانت‌داری و رازداری؛
- روابط عمومی خوب و مؤثر؛
- نشاط و سرزندگی؛
- علاقه‌مندی به خدمت برای حوزه و طلاب؛
- آگاهی به ارزش و اهمیت کار نگهبانی؛
- پوشش و ظاهر متناسب با فضای حوزه؛
- تجربه، مهارت و هوش‌مندی کافی در امور نگهبانی، حفاظتی و امنیتی.

۸. راننده

راننده یا رانندگان خودروهای سواری مدرسه، مسئولیت ایاب و ذهاب اساتید و مهمانان و رانندگان وسایل نقلیه عمومی مدرسه مثل اتوبوس، مینی‌بوس یا تاکسی و ن، مسئولیت ایاب و ذهاب طلاب مدرسه (طلاب متأهل، طلاب بومی غیرساکن در مدرسه و...) را برعهده دارند.

برای انتخاب راننده مناسب توجه به ویژگی‌های زیر ضروری است:

- تدین و تقید نسبت به انجام فرائض دینی؛
- داشتن نگاه درست و موحدانه نسبت به خدمت به حوزه و اهل علم؛
- وقت‌شناسی و نظم و انضباط؛
- ادب و حسن خلق در معاشرت با اساتید و طلاب؛
- امانت‌داری و رازداری؛
- تأهل؛
- عفت و پاکدامنی؛
- پوشش و آراستگی ظاهری متناسب با محیط حوزوی؛
- آرامش، حوصله و سعه صدر هنگام رانندگی؛
- قانون‌مداری و تقید نسبت به مقررات راهنمایی و رانندگی؛
- اهتمام جدی نسبت به امنیت و سلامت سرنشینان خودرو؛
- تجربه بالا و تسلط بر مهارت‌های رانندگی؛
- آشنایی با امور فنی وسیله نقلیه، تعمیر و نگهداری آن.

ز. ظرفیت خانواده طلاب

خانه و خانواده نخستین محیطی است که انسان را تحت تأثیر فضا، روابط و مناسبات خود قرار می‌دهد. این نهاد به عنوان مؤثرترین عامل تربیت معرفی شده است. تقیدات دینی و مذهبی والدین، سلامت اخلاقی و تربیتی خانواده، سطح آگاهی والدین، ارتباط عاطفی مثبت درون خانوادگی، سبک فرزندپروری مسئولانه و مقتدرانه، ثبات و آرامش خانواده، فقدان

خشونت و پرخاشگری در خانواده، عدالت‌ورزی، مهرورزی، حق‌سالاری و تفاهم والدین و ... از جمله عواملی هستند که در تربیت فرزندان مؤثرند.

از این رو، بر متولیان امر لازم است هنگام پذیرش و گزینش ورودی‌های حوزه نسبت به بررسی وضعیت خانوادگی فرد اهتمام جدی داشته باشند و تلاش نمایند افرادی را انتخاب کنند که با کمترین مشکلات در خانواده و با خانواده مواجه هستند. این امر سبب می‌شود فرد با آرامش روانی بهتری به تحصیل در حوزه بپردازد و در مسیر رشد و تعالی اخلاقی و معنوی موفق‌تر باشد و از سوی دیگر، هزینه‌های مادی و معنوی کمتری بر حوزه تحمیل گردد.

ارتباط مستمر مدرسه با خانواده طلاب

برخی از والدین گمان می‌کنند که با ورود فرزندشان به حوزه علمیه، مسئولیت تربیتی آن‌ها پایان یافته است و بنابراین فرزند طلبه‌شان را به امان خدا و به امید مدیر و اساتید مدرسه رها می‌کنند! حال آنکه هر کس وظیفه خود را باید ادا کند و حتی در شرایط کنونی، مسئولیت آن‌ها دو چندان شده و بیش از گذشته باید نگران رشد علمی و اخلاقی فرزندشان باشند.

از سوی دیگر، بعضی از مدیران مدارس علمیه هم تصور می‌کنند که با ورود نوجوان و جوان به مدرسه، مسئولیت کامل تربیت او به عهده مدرسه است و نقش خانواده را در این امر نادیده می‌گیرند و گاه ممکن است نگران مداخله‌های تربیتی والدین نیز باشند. لکن باید دانست ارتباط با خانواده طلاب و درگیر کردن ایشان با مسائل آموزشی و تربیتی فرزندانشان نقش بسیار سازنده‌ای در پیشرفت تحصیلی و اخلاقی آن‌ها دارد و به یقین مدرسه بدون همراهی و همکاری خانواده به ویژه در امور اخلاقی و تربیتی طلاب، راه به جایی نخواهد برد.

از این رو، تعدادی از مدارس علمیه جلساتی را با والدین طلاب (به خصوص طلاب پایه‌های پایین‌تر) ترتیب می‌دهند و آنان را نسبت به مسائل طلبگی و وظایفی که در برابر فرزندان طلبه‌شان دارند توجیه می‌کنند؛ در مورد بایدها و نبایدهای زمان حضور فرزندان‌شان در منزل و مراقبت‌های مورد نیاز در ایام تعطیلی دروس و ... نکات لازم را گوشزد می‌کنند. گاه به صورت انفرادی با برخی از والدین در مورد مسائل و مشکلات فرزندانشان صحبت می‌کنند و

آن‌ها را در جریان روند تحصیلی و تربیتی فرزندانشان قرار می‌دهند. خانواده‌ها هم اگر نکته‌ای داشته باشند بیان می‌کنند و جواب لازم را دریافت می‌کنند. برای استمرار و تحکیم این تعامل سازنده، پیشنهاد می‌شود مدیر مدرسه به تنهایی یا با همراهی برخی دیگر از اساتید و طلاب مدرسه و به بهانه‌ها و مناسبت‌های مختلف (مثل عیادت، هنگام بازگشت والدین از سفرهای زیارتی، موقع تلبس طلبه و...)، گاهی به منزل طلاب سرزنند و از احوال خانواده‌ها جویا شوند. این امر سبب تسهیل فرایند تعلیم و تربیت طلاب می‌شود و مدیر مجبور نیست بار سنگین تربیت آن‌ها را به تنهایی به دوش بکشد. تشکیل انجمن اولیای مدرسه نیز می‌تواند یکی از راه‌های برقراری ارتباط مستمر خانواده با مدرسه باشد که البته در برخی از مدارس این برنامه اجرا می‌شود و آثار و برکات خوبی هم داشته است.

ح. ظرفیت‌های بخش‌ها و واحدهای فرهنگی و تربیتی در مدرسه

در بسیاری از مدارس علمیه، بسیج طلاب، هیئت، دارالقرآن و سایر واحدها و تشکل‌های خودجوش طلبگی وجود دارند که مدیر و معاون تهذیب مدرسه با اشراف بر فعالیت‌های آن‌ها و تدبیر مناسب، می‌توانند از این ظرفیت‌ها بهترین و بیشترین بهره‌برداری را بکنند و با اشراف برنامه‌های اخلاقی و تربیتی در فعالیت‌های متنوع آن‌ها به صورت غیرمستقیم ولی اثرگذار، اهداف تهذیبی و تربیتی مدرسه را پیش ببرند. البته باید بسیار مراقب بود که فعالیت‌های این گروه‌ها، موجب چند دستگی و اختلاف میان طلاب نشود. برای مثال، با استفاده از ظرفیت بسیج، می‌توان صفاتی مثل ولایت‌مداری، انقلابی‌گری، ایثار و فداکاری، ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی، مسؤولیت‌پذیری، شجاعت و... را در طلاب ایجاد و تقویت کرد. برگزاری برنامه‌ی شبی با شهدا، تبیین سیره‌ی عملی شهدا و ترویج فرهنگ و شهادت در میان طلاب از دیگر اموری است که بسیج می‌تواند در این زمینه به خوبی نقش‌آفرینی کند. هم‌چنین می‌توان سخنرانی‌های اخلاقی و حتی درس اخلاق را در برنامه‌های هیئت مدرسه گنجانند و با استفاده از ظرفیت خوب هیئت، عشق و محبت به اهل بیت علیهم‌السلام را در دل

طلاب شعله‌ور نمود و از این طریق، بسیاری از آموزه‌های اخلاقی و تربیتی را به آن‌ها انتقال داد و چون خود طلاب، اداره‌ی هیئت را برعهده دارند، در این تعامل بسیاری از صفات اخلاق اجتماعی، مثل روحیه‌ی جمعی و کارگروهی، روحیه‌ی خدمت‌گزاری، حسن خلق، حسن ظن، ایثار، تواضع، حلم و بردباری و... می‌تواند به خوبی شکل گرفته و ارتقا یابد.

برنامه‌ریزی برای انس بیشتر طلاب با قرآن، تدبیر در آیات الهی و حفظ موضوعی یا ترتیبی قرآن و... را نیز می‌توان از دارالقرآن مدرسه انتظار داشت و به همین ترتیب می‌توان از ظرفیت سایر تشکلهای خودجوش طلاب مدرسه برای اهداف تهذیبی کمک گرفت.

از سوی دیگر با این تعامل سازنده، هم می‌توان بر کم و کیف برنامه‌ها و رفتارهای آن‌ها نظارت و اشراف هوش‌مندانه داشت و هم اعتماد به نفس و شوق و انگیزه‌ی فعالیت‌های فرهنگی تربیتی را در طلاب تقویت نمود و برنامه‌های آن‌ها را رونق بخشید. در واقع ما در این تعامل‌ها در پی استفاده از روش‌های تربیتی غیرمستقیم و در عین حال اثرگذار در مدرسه هستیم.

۲-۲-۴ موانع انسانی

الف. مدیر مدرسه

در آسیب‌شناسی اخلاقی و تربیتی که از سوی مدیریت مطالعات تربیتی و فرهنگی معاونت تهذیب در سال ۱۳۹۲ انجام شده، یکی از مهم‌ترین علل مشکلات تربیتی و اخلاقی طلاب ضعف‌های مدیریتی ذکر شده است. استفاده از مدیران ضعیف و ناکارآمد، نالایق، ناآشنای با مسایل تربیتی نسل جوان، دارای مشکلات شخصیتی و... موجب شده است بسیاری از زحمات تهذیبی و تربیتی معاون تهذیب مدرسه، اساتید اخلاق و مشاور و دیگر دلسوزان امر تربیت در مدرسه بی‌اثر و یا کم‌اثر شود.

بخشی از مشکلات مدیریتی شایع در مدارس علمیه عبارتند از:

- عدم تمحض و کم‌رنگ بودن حضور مدیر در مدرسه (به جهت اشتغالات جانبی فراوان خارج از مدرسه)؛
- برخوردهای نامناسب، غیر اخلاقی، ناامیدکننده، خشن، غیرمسئولانه و نداشتن رابطه

صمیمی با طلاب؛

- بی‌توجهی، ناتوانی، بی‌تجربگی، بی‌استعدادی، ناآگاهی یا بی‌انگیزگی در امور تهذیبی مدرسه؛
- نگاه آموزشی مطلق داشتن نسبت به تربیت طلاب؛
- نبود نظام رسیدگی و نظارتی کارآمد نسبت به مدیران و...
- نظر به اهمیت نقش مدیر مدرسه در تربیت اخلاقی و معنوی طلاب، نکاتی در این رابطه ارائه می‌شود:

مدیران فعلی

- در زمینه مباحث تهذیبی و تربیتی، مدیران فعلی به سه دسته قابل تقسیم هستند:
- مدیران موفق و کارآمد؛
- مدیران میانه و دارای عملکرد متوسط که ظرفیت رشد دارند؛
- مدیران ضعیف و ناکارآمد.

۱. مدیران موفق و کارآمد:

متأسفانه تعداد این مدیران بسیار اندک است. بدیهی است ایشان توفیقات خوبی در امر تربیت طلبه دارند و فعالیت خود را به خوبی و شایستگی انجام می‌دهند. کارهایی که در مورد این مدیران می‌شود انجام داد، عبارتند از:

- الگوسازی از آنان؛

- استخراج و تدوین شاخص‌های تهذیبی و شخصیتی این مدیران؛
- معرفی به عنوان مدیر نمونه اخلاقی و تربیتی؛
- تجلیل از آنان توسط مسؤولان و بزرگان حوزه؛
- برگزاری دوره‌های کوتاه مدت دانش و مهارت افزایی برای رشد هر چه بیش تر آنان؛

۱. همان‌طور که در ابلاغیه سیزده بندی شورای محترم عالی حوزه به معاونت تهذیب نیز ذکر شده که «از روش مدیریت حوزه‌های علمیه موفق الگوگیری شود». یکی از کارهای مهمی که در زمینه الگوسازی می‌شود انجام داد، این است که بررسی سبک تربیتی و شیوه مدیریتی این گروه از مدیران، موضوع طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌های حوزوی قرار بگیرد. چنان‌که پایان‌نامه خوبی درباره مدیریت حوزه علمیه حضرت ولی عصر^{علیه السلام} شهرستان بناب توسط آقای جواد پوراحمدی از دانش‌پژوهان گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{رضی الله عنه} نوشته شده است.

- تولید و ارسال جزوه، بروشور و کتاب برای ارتقاء سطح دانش و مهارت آنان؛
- حمایت‌های مالی و تشویقی نسبت مدرسه علمیه آنان.

۲. مدیران متوسط:

این گروه از مدیران، اغلب زمینه رشد و ارتقاء دارند و با اتخاذ تدابیر لازم و ایجاد تمهیداتی می‌توان آن‌ها را به سطح مطلوب از توانمندی مدیریتی رساند. از جمله این تدابیر و تمهیدات عبارتند از:

- برگزاری مستمر دوره‌های کوتاه مدت دانش و مهارت افزایی؛
- برگزاری کارگاه «نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه» برای آنان؛
- تهیه و ارسال بسته‌های آموزشی و تربیتی به آنان؛
- ارسال نشریات مرتبط با علم مدیریت؛
- توجه ویژه به اعزام کارشناسان تهذیبی به اینگونه مدارس؛
- برگزاری جلسه تبادل نظر کارشناسان اعزامی به مدرسه با مدیر؛
- توجه ویژه معاونان تهذیب استان به توانمندسازی معاونان تهذیب این مدارس؛
- برگزاری جلسات هم‌اندیشی مدیران استانی با محوریت نقش تربیتی مدیران مدارس؛
- برگزاری جلسات هم‌اندیشی با مدیران و اساتید مدارس علمیه به صورت مجزا در حاشیه سفرهای استانی معاونت تهذیب؛
- برنامه‌ریزی به منظور بازدید مدیران از مدارس علمیه موفق کشور؛
- معرفی مدیران برتر به لحاظ تربیتی و الگو قرار دادن آنان در نشست‌های هم‌اندیشی؛
- مصاحبه با مدیران موفق و انعکاس آن به شکل مکتوب یا صوتی و تصویری به این مدیران؛
- صدور حکم مدیریت موقت دو یا سه ساله برای آنان؛
- نظارت و ارزیابی عملکرد تهذیبی و تربیتی مدیران به صورت تخصصی و مؤثر.

۱. کتاب نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه از سوی مدیریت مطالعات معاونت تهذیب در حال تدوین است. گزارشی از آن در بخش پیوست‌ها آمده است.

۳. مدیران ناموفق و ناکارآمد:

ضروری است تدابیری اندیشیده شود که این دسته از مدیران به مرور زمان از چرخه مدیریت مدارس علمیه کنار روند. در غیراین صورت، لازم است اقدامات زیرانجام شود:

- ایجاد محدودیت برای مدرسی که براساس الگوی مدارس موفق عمل نمی‌کنند، مانند: عدم اختصاص ظرفیت پذیرش سالیانه و...؛
- انتقال آنان از مدیریت مدرسه فعلی به مدرسه کوچک‌تر و محدودتر؛
- قرار دادن معاونان و اساتید مهذب و توانمند در کنار آنان، برای جبران ضعف‌های تربیتی و مدیریتی.

البته، راهکارهایی که برای تقویت مدیران میانه مطرح شد برای این دسته از مدیران نیز قابل تعمیم و اجرا می‌باشد. اگرچه بیش‌تر آنان نسبت به مشکلات و ضعف‌های مدیریتی خود یا غافل هستند یا آن‌ها را نمی‌پذیرند و نوعاً هم در دوره‌ها و کارگاه‌ها و نشست‌ها شرکت نمی‌کنند!

مدیران آینده

برای انتخاب افرادی که از این به بعد در سمت مدیریت مدارس علمیه قرار می‌گیرند، ضروری است تدابیری اندیشیده شود که افراد انتخابی بیش‌ترین کارایی را در انجام وظایف محوله و امر تهذیب طلاب داشته باشند. برای این منظور، پیگیری و اقدام برای امور زیر نیاز است:

- تأسیس رشته تخصصی مدیریت آموزشی تربیتی (که تربیت مدیر برای مدارس علمیه از اهداف آن مجموعه باشد)؛

- استفاده از ظرفیت مرکز تربیت مدرس حوزه برای ارتقای سطح کیفی توانایی‌های مدیران مدارس؛
- طراحی، برنامه‌ریزی و برگزاری دوره‌های کوتاه مدت دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی مدیریت مدارس علمیه؛

- تعیین شاخص‌های تربیتی و تهذیبی لازم از سوی معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه و ارائه آن به معاونت آمار و بررسی برای لحاظ کردن شاخص‌ها در پاسخ به استعلام‌ها؛
- دقت در گزینش مدیران و احراز شاخص‌های مدیریتی و تهذیبی لازم در این زمینه، مانند:

تخلُّق، تهجد، اخلاص، زهد و ساده‌زیستی، سعه‌صدر، نظم و انضباط، دل‌سوزی، توان مدیریت، انعطاف‌پذیری، انتقادپذیری، ادب، خوش‌خلقی، پاکیزگی، انصاف، تواضع، مسئولیت‌پذیری، عفت و پاکدامنی، عزت‌نفس، مناعت‌طبع، عیب‌پوشی، بلندهمتی، اعتماد به نفس بالا، بصیرت، آشنایی با روش‌های تربیت اخلاقی طلاب، تجربه‌فعالیت اجرایی در مدرسه، تمحض در مدیریت مدرسه و ...

ب. استاد

گرچه اساتید حوزه‌های علمیه، غالباً انسان‌هایی وارسته، پارسا و مهذب هستند، با این وجود، متأسفانه شماری از ایشان، واجد صلاحیت‌های لازم در امر تربیت اخلاقی و معنوی طلاب نیستند؛ چراکه برخی از آنان با فنون روابط مؤثر آشنا نیستند؛ بعضی انگیزه و حوصله‌ی لازم را ندارند؛ برخی در مسائل اخلاقی و تربیتی مطالعه‌ی کمی دارند؛ عده‌ای نیز خود از آسیب‌های اخلاقی رنج می‌برند و ...

از سوی دیگر، تعدادی از اساتید واجد صلاحیت نیز به سبب اشتغال‌های فراوان یا مشکلات و دغدغه‌های معیشتی، اهتمام جدی به امور تهذیبی و تربیتی شاگردان خود ندارند.^۱

همچنین، به دلیل ضعیف بودن جایگاه سازمانی معاون تهذیب در مدرسه، بسیاری از اساتید در برابر مطالبات تهذیبی و تربیتی وی احساس تعهد نمی‌کنند و خود را موظف به انجام خواسته‌های وی نمی‌دانند.

در ادامه به برخی از ضعف‌ها و آسیب‌های اخلاقی و تربیتی مربوط به اساتید اشاره می‌شود که گاهی به چشم می‌خورد و با توجه با جایگاه و نقش تربیتی ایشان، کم آن نیز زیاد است و باید کوشید تا همین گروه اندک نیز از این آسیب‌ها به دور باشند.

۱. متأسفانه در سال‌های اخیر، توجه برخی از اساتید به تربیت اخلاقی طلاب کم‌رنگ‌تر شده است. برای مثال، در یک نظرسنجی از طلاب دروس آزاد (پایه هفت تا ده) که در سال ۱۳۸۹ از سوی دبیرخانه شورای عالی حوزه انجام شده، در پاسخ به این پرسش که «به چه میزان تربیت اخلاقی طلاب در دروس آزاد مورد توجه اساتید می‌باشد؟»، تنها ۱۹ درصد از طلاب بر این باور بودند که تربیت اخلاقی ایشان برای اساتید اهمیت زیادی دارد و ۶۵ درصد بیان داشتند که تربیت اخلاقی برای اساتید اهمیت کمی دارد و ۱۶ درصد نیز معتقد بودند هیچ اهمیتی ندارد! (دبیرخانه شورای عالی حوزه‌های علمیه، «بررسی نظر طلاب پایه‌های ۷ تا ۱۰ حوزه‌های علمیه‌ی قم درباره دوره معروف به دروس آزاد، ص ۳۱»)

الف. کاستی‌ها و مشکلات اخلاقی مربوط به اساتید

- ضعف در خودسازی و تزکیه نفس (عدم شرکت در جلسات اخلاق و دعا، مراسم مذهبی، کم توجهی نسبت به خواندن قرآن، مفاتیح، صحیفه سجادیه، دعاها و اذکار مناسب ایام، انجام مستحبات، عدم تقید به نماز جماعت اول وقت و بی‌اهمیتی به آن)؛
- بی‌اعتنایی و نخواندن روایات اخلاقی و تربیتی در آغاز یا پایان درس؛
- عدم آشنایی یا بی‌توجهی نسبت به شئونات و زئی طلبگی و روحانیت؛
- کم توجهی به پوشش متعارف و آراستگی ظاهری (عمامه بزرگ، موی سر و صورت خیلی بلند، لباس‌های ژولیده و کثیف یا فاخر و گران قیمت، رنگ لباس غیرمتعارف، بوی بد بدن،...)

غرور و خودپسندی:

- توقع احترام از دیگران (به ویژه دوستان و هم‌سطحان غیرطلبه خود)؛
- بی‌اعتنایی به برخی علما (به ویژه علمای شهر خودشان)؛
- ابتدا به سلام نکردن؛
- انتقادهای مکرر و نابجا از دیگران؛
- ناراحت شدن از نصیحت دیگران؛
- انتظار مدح از دیگران؛
- عدم اقتدا به دیگران در نماز؛
- غرور علمی؛
- ناراحت شدن از نقد و انتقاد دیگران؛
- نداشتن روحیه مشورت با دیگران (در امور فردی و شئونات اجتماعی)؛
- دعوت به خود و مرید و مرادبازی؛
- تحقیر طلاب و... .
- افراط و تفریط در امور معنوی (مقدس‌مآبی، افراط در عبادات، انزواطلبی و...)
- فقدان تعهد و مسئولیت‌پذیری؛
- مصرف دخانیات (سیگار، قلیان و...)

- حبّ جاه و مقام‌های دنیوی؛
 - نداشتن روحیه همکاری و کارگروهی در مدرسه؛
 - دولباسی (برخی از اساتید در مدرسه لباس می‌پوشند و خارج از مدرسه دوزیست هستند)؛
 - ضعف در برنامه‌ریزی و بی‌نظمی و بی‌انضباطی (در رفت و آمد، در ارائه درس و...)
 - حسادت نسبت به سایر اساتید همکار؛
 - نداشتن مناعت طبع و داشتن نگاه کاسب‌کارانه نسبت به تدریس؛
 - کثرت مسافرت برخی اساتید به سفرهای زیارتی و شخصی در ایام تحصیل.
- ب. ضعف‌های مربوط به تربیت اخلاقی شاگردان
- بی‌اعتنایی و نخواندن روایات اخلاقی و تربیتی در آغاز یا پایان درس؛
 - گلایه‌های مکرر از وضعیت موجود حوزه و بیان ناامیدانه سختی‌ها و مشکلات زندگی طلبگی؛
 - افراط در شوخی و مزاح در کلاس و خارج از آن یا انجام شوخی‌های نامناسب؛
 - عدم توجه به حالات روحی و روانی شاگردان؛
 - تبعیض میان شاگردان؛
 - القا و انتقال مشکلات و دغدغه‌های شخصی به شاگردان؛
 - عدم توجه به استعدادها و توانایی‌ها و تفاوت‌های فردی شاگردان؛
 - ضعف آشنایی با مهارت‌های مدیریت تحصیلی (روش‌های مطالعه، خلاصه نویسی و...)
 - افراط و تفریط در ارتباط عاطفی مناسب با شاگردان؛
 - سخت‌گیری یا سهل‌گیری بیش از اندازه در امر آموزش؛
 - توجه نکردن به تفاوت‌های فرهنگی شاگردان؛
 - انتقاد مکرر از برنامه‌های درسی و متون آموزشی از سوی اساتید و ایجاد تردید در روزآمد بودن کتاب‌های درسی؛
 - ناآشنایی و برخورد نامناسب با ناهنجاری‌های رفتاری شاگردان؛

- مهارت نداشتن در ارتقای سطح انگیزشی طلاب؛
- ناتوانی در شناخت اختلال‌های یادگیری و راهکارهای مواجهه با آن.

ج. استناد اخلاق^۱

- با وجود اهمیت و نقش بی‌بدیل اساتید اخلاق و جلسه‌های وعظ و اخلاق در تربیت و تهذیب طلاب، متأسفانه در این عرصه با پاره‌ای از آسیب‌ها و محدودیت‌ها مواجه هستیم که به بخشی از آن‌ها در ادامه اشاره شده است:
- استنکاف برخی از اساتید از ایفای نقش و گریزان بودن آن‌ها از مطرح شدن؛
- ضعف حضور بزرگان اخلاقی در بین طلاب؛^۲
- کمبود درس‌های موعظه و اخلاق؛
- عدم برخورداری دروس اخلاق از غنا و اتقان لازم و کافی در برخی موارد؛
- ضعف علمی و عملی برخی از اساتید اخلاق که عهده‌دار کرسی درس اخلاق در مدارس علمیه هستند (به ویژه در شهرستان‌ها)؛
- فقدان وحدت رویه و اختلاف نظر و تعارض ارشادات اخلاقی - تربیتی؛
- تعارض ارشادات برخی اساتید اخلاق با سیاست‌های تربیتی مدیر مدرسه؛
- تمرکز بر نمود ظاهری اخلاق طلبه و بی‌توجهی به عوامل آسیب‌زای بیرونی از قبیل مقررات، اساتید، محیط، خانواده و...؛
- اشتغالات درسی بسیاری از اساتید اخلاق در قم که مانع اعزام آن‌ها به استان‌ها در ایام درسی می‌شود؛
- کم‌رغبتی طلاب شهرستان‌ها به استفاده از اساتید بومی به دلیل تکراری شدن؛
- عدم اعزام اساتید اخلاق ثابت به استان‌ها؛

۱. البته استاد اخلاق در جایی مانع به شمار می‌رود که شخص او با کردار یا گفتارش موجب انحراف اخلاقی طلبه‌ها شود؛ در غیر این صورت او مانع نیست بلکه عاملی است که محقق نشده است و در این جا هم بیش‌تر همین بخش اخیر مراد است.

۲. برخی از مدیران مدارس پیشنهاد دادند که مسئولان حوزه با اساتید برجسته اخلاق صحبت کنند تا شاگردانی را به صورت خصوصی تربیت کنند و پس از کسب آمادگی‌های لازم، ایشان را تکلیف به هجرت به شهرستان‌ها نمایند.

- فقدان متن مناسب، جذاب و مقبول نزد همه اساتید و در عین حال روزآمد و ناظر به نیازها و آسیب‌های طلبه معاصر؛
- ناآشنایی بعضی از اساتید اخلاق با مسایل و چالش‌های تربیتی و اخلاقی نسل جدید و ارائه‌ی مباحث تکراری؛
- به دلیل غلبه برنامه‌های آموزشی و درسی در اغلب مدارس، طلبه‌ها احساس نمی‌کنند که اخلاق هم باید جزو برنامه‌های رسمی آن‌ها باشد؛
- اساتید اخلاق در سطوح بالا، کمتر حاضر می‌شوند در مدارس حضور پیدا کنند و کمتر وقت می‌دهند که طلاب به حضور آن‌ها برسند؛
- عدم اختصاص بودجه لازم و کافی برای اعزام گسترده‌تر اساتید اخلاق از قم؛
- مرید و مرادبازی برخی اساتید؛
- وجود برخی درس‌های اخلاق سکولار و بی‌توجهی به اخلاق انقلابی؛
- عدم هماهنگی برخی اساتید با سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و توصیه‌های ستاد مرکزی و ...

راهکارها و پیشنهادها

- با توجه به آن‌چه گفته شد، لازم است با تدبیر و برنامه‌ریزی صحیح، متولیان امر از این ظرفیت برای اهداف تهذیبی و تربیتی به شایستگی استفاده کنند. برای این منظور موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:
- استفاده بهینه از ظرفیت تربیتی اساتید اخلاق موجود در شهرستان‌ها؛
 - شناسایی، جذب و به‌کارگیری اساتید موجه، مهذب و انقلابی در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها؛
 - توجیه اساتید اخلاق اعزامی از قم نسبت به نیازها و سیاست‌های تهذیبی و تربیتی مدرسه از سوی مدیر یا معاون تهذیب در بدو ورود به مدرسه؛
 - اختصاص بهترین ساعت از شبانه‌روز و بانشاط‌ترین زمان طلاب برای برگزاری درس اخلاق در مدرسه.

د. استاد مشاور^۱

بسیاری از مدارس علمیه از وجود دست کم یک مشاور امین، دلسوز و آشنای با مسایل روان‌شناختی و تربیتی طلاب محروم هستند و اعزام مشاوران مقطعی از سوی دفتر مشاوره معاونت تهذیب حوزه، نیازهای فراوان مدارس را پاسخ‌گو نیست.

از سوی دیگر، به گفته برخی از مدیران مدارس، بعضی از مشاورین با طلاب ارتباط ندارند و گمان می‌کنند که فقط باید در اتاق مشاوره بنشینند تا طلاب به آن‌ها مراجعه کنند! در حالی که باید گاهی اوقات سراغ افراد رفت و دردها و نیازها را شناسایی کرد و برای رفع آن‌ها برنامه‌ریزی نمود.

همچنین، نگرش فرعی و جنبی داشتن به امر مشاوره از سوی برخی مشاورین و ممحض نشدن در این امر نیز از موانع جدی موفقیت مسأله مشاوره در مدارس علمیه به شمار می‌آید. در ادامه به برخی از ضعف‌های موجود در بخش مشاوره حوزه که حاصل پژوهش‌های میدانی است، اشاره می‌شود:

- کمبود مشاور متخصص و باتجربه؛
- ضعیف و کم‌رنگ بودن حضور مشاوران در مدارس علمیه؛
- عدم توجه مدیران برخی از مدارس به نیازهای مشاوره‌ای و تربیتی طلاب؛
- عدم احساس ضرورت نیاز به مشاوره در میان برخی از طلاب؛
- رواج نیافتن مشاوره‌های گروهی؛
- ضعف در ترویج امور مشاوره‌ای مورد نیاز طلاب؛
- نبود احساس نیاز به مشاور در برخی از مدیران و احساس تحمیل مشاور از بالا؛
- ناکافی بودن اعزام‌های مقطعی اساتید مشاور با توجه به فراوانی نیازها؛
- استفاده برخی مدارس از مشاورانی که تخصص و غنای علمی لازم را ندارند؛
- فقدان مراکز مشاوره حوزوی در بسیاری از استان‌ها و شهرستان‌ها؛
- کُند بودن روند فعالیت‌ها در حوزه‌ی پیش‌گیری و...

۱. مشاور نیز در صورتی مانع است که طلبه را گمراه کند در غیراین صورت عدم عامل تحقق یافته نه مانع تربیت.

راهکارها و پیشنهادها

برای رفع این مشکلات، راهکارهای زیرپیشنهاد می‌شود:

- دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی تربیتی و مشاوره‌ای مدیران مدارس علمیه؛
- تقویت و توانمندسازی معاونین تهذیب مدارس؛
- شناسایی مشاوران فعال و مستقر در مدارس علمیه و برنامه‌ریزی برای دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی مستمر آنان؛
- برنامه‌ریزی و اهتمام جدی‌تر در حوزه پیش‌گیری در مدارس؛
- تسریع در تأسیس و راه‌اندازی مراکز مشاوره در استان‌ها و شهرستان‌ها؛
- اطلاع‌رسانی و انجام فعالیت‌های ترویجی در زمینه آشنایی طلاب مدارس با امور مشاوره‌ای؛
- شرکت مدیران و اساتید برگزیده مدارس در دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت تربیت مشاور در تمامی استان‌ها به ویژه در استان‌ها کمتر برخوردار و...^۱

ه. دوست

در واقع در قضیه دوستی با دو نوع آسیب مواجه هستیم: یکی دوستی‌های ناسالم و دیگری دوستی‌های افراطی؛ در رابطه با دوستی‌های ناسالم و دوستی با اهل گناه و افراد بی‌مبالات، این اعتراف تلخ سیدمهدی هاشمی معدوم^۲ قابل توجه است، وی درباره‌ی نقطه‌ی آغاز لغزش‌های اخلاقی خود چنین می‌گوید:

... ما از اول که آمدیم، مخصوصاً که پاتوق مان مدرسه‌ی فیضیه بود، عصرها جمع می‌شدند بچه‌ها دور هم؛ خب یک مقدار آن زمان، من اولین گناهی که مرتکب شدم، غیبت بود. یادم هست که

۱. برای این منظور، رشته « مشاوره اسلامی » از رشته‌های تخصصی سطح سه حوزه‌ی علمیه ی قم، تأسیس و از سال ۱۳۹۲ اقدام به پذیرش دانش‌پژوه کرده است. امیدواریم با ادامه کار این مرکز تخصصی و تربیت مشاورانی توانمند و کارآمد و نیز توسعه این مرکز در سایر استان‌های کشور، هرچه زودتر شاهد برآورده شدن بسیاری از نیازهای مشاوره‌ای مدارس علمیه باشیم که البته همت متولیان امر و مدیریت‌های استانی در تأمین بودجه و هزینه‌های مورد نیاز را می‌طلبند.

۲. مهدی هاشمی فرزند محمد [برادر سیدهادی هاشمی، داماد آیت الله منتظری] به جرم فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی [و مشارکت در قتل آیت الله شمس آبادی، فاش کردن ماجرای مک فارلین و چندین جرم سنگین دیگر] در تاریخ ۲۲، ۲۳ و ۲۵ مرداد سال ۱۳۶۶ محاکمه و در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۶ اعدام گردید. (ابراهیم زاده، «مهدی هاشمی»، ص ۱۷)

می‌نشستیم در جلوی حجره‌های مدرسه‌ی فیضیه- دو نفر و سه نفر با دوستان- و غیبت‌هایی که فکر می‌کردیم که غیبت مجاز هم هست، که غیبت از نوع مبارزه است سرعلما، علمایی که یا نسبت به حرکت امام کوتاهی می‌کنند یا اعلامیه‌های شان مثلاً اعلامیه‌های کم‌مایه‌ای هست آن زمان و یا برخوردهای مختلفی که از آن‌ها می‌دیدیم. یک غیبت‌های خیلی خفیفی آن ایام شروع شد، نه از من تنها، از ما، از همه؛ می‌نشستیم به غیبت کردن و غیبت شنیدن و خب همان زمان هم حس نمی‌کردیم که این کار حرامی است. فکر می‌کردیم مبارزه شروع شده و باید طبیعی بود. آن زمان، یادم هست که همان ایام همین آقای مظاهری - ما با هم آشنا بودیم دیگر- نه فقط من را، کل دوستان را نهی می‌کرد از این کارها مذاکره کردن و بحث کردن؛ ایشان هم می‌آمد [توی] فیضیه. توی همان محافل فیضیه شرکت می‌کرد و هر وقت مثلاً غیبتی چیزی مطرح می‌شد از آقایان و این‌ها، ایشان نهی می‌کرد. می‌گفت: نکنید این کار را! خب ایشان از ما خیلی بزرگ‌تر بود؛ اما ما بچه طلبه‌ها می‌نشستیم و این‌ها حالا برای ما مهم نبود...^۱

وظیفه‌ی مدیر و سایر متولیان امر در این زمینه، آگاهی بخشی به طلاب درباره‌ی انتخاب دوست، معرفی شاخص‌ها و ویژگی‌های دوست خوب در اسلام و آداب و مهارت‌های دوستی و آسیب‌های آن و نیز کمک به طلاب، به ویژه طلاب جدید الورد برای انتخاب دوست مناسب در مدرسه است.

در زمینه‌ی دوستی هم باید گفت که روابط دوستی تا وقتی که موجب اخلال در برنامه‌ی علمی و معنوی طلاب، مزاحمت با حقوق دیگران، مشغولیت ذهن، ضعف اراده و ضعف ایمان نگردد؛ اشکالی ندارد، بلکه اگر در راستای اصلاح و قوت بخشیدن به این امور باشد، بسیار خوب و مفید خواهد بود.

افراط در روابط دوستی می‌تواند به زندگی آینده‌ی آن‌ها به صورت جدی آسیب برساند؛ زیرا هر انسانی دارای یک منبع محدودی از انرژی روانی است و همین‌طور که توانایی جسمانی او محدود است، انرژی‌های روانی او نیز محدودیت دارد؛ بنابراین باید این انرژی‌ها را به موقع، به تدریج و با احتیاط هزینه کرد.

۱. سرابندی، داستان یک مرداب، ص ۳۰-۳۱. در کتاب «آفات الطلاب»، (برخوردار فرید، ص ۵۳-۶۰) یک صد و دو ویژگی از ویژگی‌های دوست ناباب بیان شده است.

نشانه‌های دوستی افراطی

برخی از نشانه‌های دوستی‌های افراطی میان طلاب که برای متولیان امر تربیت در مدرسه به منزله هشدار و زنگ خطر است، عبارت است از:

- اشتیاق فراوان به کنار هم بودن و وقت خود را با هم گذراندن؛
 - میل بسیار زیاد به حرف زدن و پیامک دادن به یک‌دیگر؛
 - پنهانی و خصوصی بودن دوستی‌ها؛
 - همراهی کردن با بیشتر خواسته‌های دوستان؛
 - هم‌رنگ شدن با آن‌ها در خلق و خو و رفتارهای ظاهری (پوشش، وضع ظاهری، نوع راه رفتن و حرف زدن و...)
 - دشواری تحمل دوری هم‌دیگر (بی‌حوصلگی، تنهایی، عصبی بودن و کنار نیامدن با بقیه دوستان هنگام دوری)؛
 - ابراز محبت افراطی به دوست و گاه دادن هدیه‌های گران‌قیمت به او؛
 - ایجاد تماس‌های مکرر بدنی (اوایل بدون قصد لذت شهوانی است؛ ولی بعد از مدتی، اغلب با لذت صورت می‌گیرد).
 - دوری از خانواده، عدم شکل‌گیری موزون دوری از خانواده یا کسانی که کانون محبت آدمی بوده‌اند، عدم ارتباط صمیمانه میان فرد با اعضای خانواده خود و کمبود محبت ناشی از آن، داشتن شخصیت وابسته یا سلطه‌گر، عدم برنامه‌ریزی و هدف‌مندی در تحصیل و زندگی، اقتضای سنین نوجوانی و امثال آن، می‌توانند از علل و زمینه‌های شکل‌گیری این نوع از دوستی باشند.
- از پیامدهای نامطلوب دوستی‌های افراطی، به این موارد می‌توان اشاره کرد:
- اتلاف وقت؛

۱. در موارد شدیدتر، این دوستان دست در دست هم درس می‌خوانند، غذا می‌خورند، با هم به کلاس می‌روند؛ به طوری که اگر یکی به کلاس نرفت، دیگری هم به کلاس درس نمی‌رود و چون نمی‌توانند دور بودن یک‌دیگر را تحمل کنند، خانه رفتن‌شان نیز با هم هماهنگ است و از لحاظ روحی و روانی، چه سخت خواهد بود که روزی یکی از آن‌ها به خانه برود و دیگری در مدرسه بماند.

- مشکلات تحصیلی؛
- از دست دادن تمرکز؛
- فاش شدن اسرار شخصی و خانوادگی؛
- تحت تأثیر نقاط ضعف و رفتارهای نامناسب هم قرار گرفتن و توجه نکردن به این ضعف‌ها؛
- به هم ریختگی و آشفتگی در زندگی؛
- آسیب در روابط با اعضای خانواده؛
- از دست دادن سایر دوستان؛
- بی‌اعتبار شدن در میان سایر افراد؛
- در معرض بدگمانی دیگران قرار گرفتن؛
- اسراف و تبذیر در هزینه‌ها؛
- کاهش ظرفیت نصیحت‌پذیری؛
- ضربه‌ی شدید روحی دیدن در صورت قطع ارتباط افراطی؛
- افسردگی و اضطراب؛
- فراموشی و غفلت از یاد خدا و ...

راهکارهای پیش‌گیری و درمان

- برای حل این مشکل، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:
- تقویت مبانی اعتقادی و انگیزه‌های علمی و معنوی طلاب؛
- زمینه‌سازی برای انس طلاب با خدا، قرآن، دعا و معصومان علیهم‌السلام؛
- تلاش برای چینش مناسب هم‌حجره‌ای‌ها؛
- اطلاع‌رسانی به طلاب درباره‌ی پیامدهای دوستی افراطی؛
- جهت‌دهی علمی و معنوی به روابط دوستانه‌ی طلاب؛
- برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری درست فعالیت‌های طلاب در مدرسه؛
- کمک به فرد برای اصلاح و تقویت رابطه‌ی عاطفی با خانواده‌اش؛

- کمک به فرد برای گسترش روابط اجتماعی و برقراری ارتباط صمیمانه با دوستان متعدد؛
- سفارش طلاب به استفاده از پوشش مناسب در محیط حجره و خوابگاه؛
- بهره‌گیری از هم‌فکری و یاری مشاوران در صورت لزوم.

دقت و توان‌مندی مدیر و سایر متولیان امر تهذیب و تربیت مدرسه در تقسیم‌بندی درست حجره‌ها، انتخاب هم‌حجره و چینش مناسب افراد در کنار یک‌دیگر و نیز راهنمایی طلبه در انتخاب هم‌بحث و دوست مناسب و نظارت بر دوستی‌های طلاب با یک‌دیگر و ... می‌تواند در رشد علمی و معنوی فرد بسیار مؤثر باشد.

ز. چالش‌های خانوادگی

موانع و چالش‌های خانوادگی طلاب به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف. مسایل مربوط به طلبه مجرد با خانواده خود؛

ب. مسایل مربوط به طلبه متأهل با همسر و فرزندان، خانواده خود و خانواده همسر.

در بخش نخست باید گفت: مشاجره‌های طولانی، اعتیاد و طلاق والدین، محرومیت از پدر، مادر یا هر دو، مشکلات اقتصادی خانواده، تک‌سالاری در خانه (مادرسالاری، پدرسالاری، فرزندسالاری)، سبک فرزندپروری غافلانه، سهل‌گیرانه یا مستبدانه، شاغل بودن مادر، عدم آشنایی والدین با مهارت‌های مدیریت خانه و خانواده، کمبود یا نبود معنویت در خانه، داشتن تفریحات ناسالم، عدم هماهنگی والدین در تدابیر تربیتی و ... هر یک می‌توانند اثر نامطلوب بر روند رشد علمی و معنوی طلاب مجرد داشته باشند.

همچنین، فقدان ارتباط و تعامل سازنده بین والدین طلبه با مدرسه و بی‌خبری و غفلت آن‌ها از وضعیت آموزشی و تربیتی فرزندشان به ویژه در سال‌های اول طلبگی و نیز ضعف آگاهی مدیر و بی‌توجهی وی نسبت به مشکلات احتمالی درون خانوادگی طلبه خودش، هر دو می‌تواند زمینه‌ساز بروز برخی سوءبرداشت‌ها و مشکلات گشته و مسیر رشد و تعالی اخلاقی و تحصیلی فرد را تحت تأثیر قرار دهد.

- در بخش دوم نیز مشکلات زیادی به چشم می‌خورد؛ برخی از این مشکلات عبارت است از:

- ازدواج‌های زودهنگام؛
- همسرگزینی نامناسب (عدم رعایت تناسب‌ها، اختلاف فرهنگی و...)
- ناتوانی بسیاری از طلاب و روحانیون در ایجاد تعادل بین وظایف طلبگی و تکالیف خانوادگی؛
- وجود ضعف‌های اساسی در مهارت‌های همسررداری و فرزندپروری طلاب و روحانیون؛
- ضعف و ناتوانی در برقراری ارتباط صحیح با خانواده؛
- ضعف در نگرش‌ها و رفتارهای دینی همسر و فرزندان؛
- تعارض و اختلاف زوجین با خانواده یکدیگر؛
- دخالت‌های اطرافیان؛
- فقر و مشکلات اقتصادی خانواده؛
- بی‌اعتمادی همسر (به سبب متعه یا ازدواج دوم و...).

این امور و مواردی از این دست، همگی می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد تنش و سلب آرامش روحی و روانی در طلبه گشته و او را در مسیر رشد معنوی و اخلاقی و تحصیل کمالات، دچار بازاری کند. زمینه‌سازی برای ارائه آموزش‌های خانوادگی مورد نیاز، برگزاری کارگاه‌های مهارت‌آموزی، معرفی سبک زندگی اسلامی و فراهم نمودن بسترهای مناسب برای مشاوره‌های فردی و خانوادگی، تهیه و توزیع محصولات و منشورات فرهنگی و تربیتی مناسب و ... از جمله راهکارهایی است که مدیران مدارس و متولیان امر می‌توانند در جهت پیش‌گیری و رفع این مسائل و مشکلات پیگیری نمایند.

۴-۲-۳ عوامل و موانع غیرانسانی (طبیعی):

۴-۲-۳-۱ عوامل طبیعی

گرچه ظرفیت‌های انسانی مدرسه، چنان‌چه گذشت، از اهمیت بالایی در تعلیم و تربیت طلبه برخوردار است و بدون وجود کادر اجرایی-مدیریتی و کارگزاران مهذب، با انگیزه، مسئولیت‌پذیر و ... توفیق چندانی در تربیت نفوس پاک و عالمان ربانی و تأثیرگذار نخواهیم داشت، لکن در این میان از اهمیت ظرفیت‌های محیطی مدرسه نیز نباید غافل ماند و آن را

نادیده گرفت. از این رو، در این بخش به اهمیت فضاهای فیزیکی مدرسه و نقش قابل توجه آن در پیشرفت تحصیلی و تربیتی طلاب و رونق علمی و تهذیبی مدرسه خواهیم پرداخت.

۱-۱-۳-۲-۴ فضای مدرسه علمیه

در یک مدرسه علمیه مطلوب،^۱ تمامی برنامه‌ها، فعالیت‌ها و امکانات و وسایل مدرسه در کنار هم بایستی یک میدان رشد همه جانبه علمی و معنوی برای طلبه علوم دینی فراهم نماید که بعد از مدتی زندگی در آن، آثار رشد و بالندگی در وجود وی نمایان شود. در این بین، هیچ عنصری (چه سخت‌افزاری و چه نرم‌افزاری) در مدرسه بی‌تأثیر در حیات علمی و معنوی فرد نیست و توجه کافی در تدارک و چینش مناسب این عناصر، ضامن دوام ماهیت رشددهندگی آن و تأمین‌کننده فرصت‌ها و زمینه‌های تربیت‌یافتگی طلاب می‌باشد.

برخی از عوامل طبیعی و سخت‌افزاری مؤثر تربیتی در مدرسه عبارتند از:

- نمای ظاهری و صحن مدرسه؛
- حجره و خوابگاه؛
- کتابخانه و سالن مطالعه؛
- مسجد و نمازخانه؛
- کلاس‌های درس؛
- آشپزخانه و سالن غذاخوری؛
- تغذیه؛

۱. محل احداث مدرسه باید در فاصله و موقعیت مناسبی نسبت به مراکز جمعیتی و نواحی مسکونی بوده و امکان دسترسی به تأسیسات مانند آب، برق، تلفن و گاز داشته باشد. باید به مطالعات اقلیمی در منطقه و تعیین جهت وزش باد، توجه داشت تا در مسیر عوامل آلودگی‌زا مانند: کارخانجات صنعتی و شیمیایی، محل‌های دفن زباله، فاضلاب شهری، دام‌داری، مرغ‌داری، دباغ‌خانه‌ها، کشتارگاه‌ها، کوره‌های آجرپزی، عمل انباشت کود و سایر مراکزی که به نحوی ممکن است ایجاد دود، بو و گرد و غبار نماید، واقع نشود. همچنین در جوار بیمارستان، تیمارستان، گورستان، زندان، خطوط راه آهن، بزرگراه‌ها نباشد و خارج از حریم کابل‌های فشارقوی برق (هوایی یا زمینی)، خطوط اصلی و فرعی گازرسانی، پست‌های زمینی فشارقوی، پمپ بنزین، محل عرضه و فروش کپسول‌های گاز، انبارهای مواد محترقه، منفجره، ترکیبات شیمیایی و انبارهای قابل اشتعال مانند: کاغذ، پارچه، لاستیک، چوب، الباف و غیره بوده و در مسیر حوزه‌های آبریز فرعی و اصلی رودخانه قرار نداشته باشد. در صورتی که احداث مدرسه در نزدیک محیط‌های ذکر شده اجتناب‌ناپذیر باشد، باید حداقل ۵۰۰ متر با مراکز فوق فاصله داشته باشد. (اقتباس از آیین‌نامه بهداشت محیط مدارس آموزش و پرورش).

- حمام و سرویس‌های بهداشتی؛
- بوفه و فروشگاه؛
- تجهیزات گرمایشی و سرمایشی؛
- امکانات ورزشی و تفریحی؛
- وسایل ایاب و ذهاب.

• در ادامه توضیح مختصری در رابطه با برخی از این عوامل ارائه می‌شود:

الف. نمای ظاهری و صحن مدرسه

توجه به شاخص‌های زیر در ایجاد روحیه نشاط و شادابی و هویت‌پذیری دینی و فرهنگی طلاب مؤثر است:

- امکان اشراف کامل مدیر بر فضای عمومی مدرسه؛^۱
- استفاده از طرح‌ها، نقش‌ها و نمادهای معماری سنتی ایرانی-اسلامی در نمای درونی و بیرونی ساختمان مدرسه؛
- استفاده از آیات و روایات اخلاقی و تربیتی مربوط به ارزش علم‌آموزی و جایگاه اهل علم در نمای داخلی و بیرونی مدرسه؛
- ایجاد فضایی با طراوت و شاداب با بهره‌گیری از فضای سبز مناسب و کاشت درخت و گل و گیاه در صحن و حیاط مدرسه؛
- تعبیه یک حوض بزرگ و تمیز در وسط صحن مدرسه و استفاده از آب افشان برای ایجاد نشاط و شادابی؛
- نظم، نظافت و زیبایی ظاهری مدرسه؛

۱. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تربیتی مدرسه‌ی علمیه‌ی مطلوب، امکان اشراف مدیر نسبت به کل فضای مدرسه است. بسیاری از مدارس علمیه قدیمی، مثل مدرسه مبارکه فیضیه قم از چنین ویژگی برخوردار بودند و مدیر هنگام ورود به مدرسه و با یک نگاه کلی می‌توانست اجمالا در جریان امور جاری مدرسه قرار بگیرد و با صرف زمان کمتر به اطلاعات بیشتری در مورد مدرسه و طلاب دسترسی داشته باشد؛ ولی با کمال تأسف، هم‌اکنون در برخی از شهرستان‌ها و حتی استان قم، شاهد وجود مدارس علمیه‌ای هستیم که ساختمان مدرسه بیشتر شبیه مدارس آموزش و پرورش و آپارتمان‌های شهری است و امکان اشراف مدیر را نسبت به امور مدرسه به شدت محدود می‌کند. علاوه بر این که آن روحانیت و معنویت حاکم بر مدارس سنتی را ندارند.

- نورپردازی مناسب و معنوی مدرسه در شب‌ها؛
- جهت‌گیری مناسب نسبت به قبله (زاویه نداشتن جهت قبله نسبت به دیوارهای اصلی مدرسه)؛
- نصب ساعت بزرگ در محوطه عمومی مدرسه؛
- نصب سکوها یا نیمکت‌های رنگی و زیبا برای نشستن، استراحت و مباحثه‌ی طلاب در حیاط مدرسه؛
- نصب تابلوهای اطلاع‌رسانی تهذیبی و آموزشی در فضاهای عمومی مدرسه و انتقال آموزه‌های علمی و اخلاقی از این طریق به طلاب.

ب. حجره

از گذشته‌های بسیار دور و همراه با تأسیس مدارس علمیه، حجره‌هایی برای سکونت و زندگی طلاب در نظر گرفته می‌شد و این رویه هم‌چنان در ساختمان مدارس علمیه تازه تأسیس ادامه دارد. گرچه در سال‌های اخیر برخی از مدارس اقدام به برچیدن حجرات و ایجاد خوابگاه‌های عمومی کرده‌اند. به هر حال، حجره و حجره‌نشینی هم‌چنان در بسیاری از مدارس علمیه پابرجاست و با کارکردهای مختلفی که دارد، آثار تربیتی مختلفی نیز بر آن مترتب است.

حجره‌نشینی در اول طلبگی رخ می‌دهد و طلبه تاحدی از زندگی خانوادگی خود فاصله گرفته و فضای جدید و متفاوتی را تجربه می‌کند. بعضی از آثار و برکات تربیتی که می‌توان بر این سبک زندگی برشمرد، عبارتند از:

- طلاب در حجرات با افراد مختلفی و با خلق و خوها و خرده‌فرهنگ‌های متفاوت آشنا شده و با گذشت زمان سطح مهارت‌های ارتباطی و میان‌فردی‌شان ارتقا می‌یابد؛
- در این میان، انتخاب هم‌حجره‌ای از حساسیت و اهمیت زیادی برخوردار است؛ چه بسا افرادی که با هم حجره‌ای شدن با طلاب فاضل به درجات عالی علمی و اخلاقی دست یافتند؛
- در حجره، طلبه با نظم و انضباط، نظافت و پاکیزگی و مسئولیت‌پذیری آشنا می‌شود؛
- در فضای آرام و امن حجره، طلاب به درس و بحث و مطالعه می‌پردازند و علاوه بر متون آموزشی مرسوم، فرصتی برای مطالعه سایر کتب و مطالب علمی می‌یابند؛

- گاهی مدیر، اساتید و مسئولان مدرسه به حجره طلاب سرزده، جویای حالشان می‌شوند، با مشکلات آنان آشنا شده و آن‌ها را راهنمایی می‌کنند؛
 - حجره تنها مکانی برای خواب و استراحت نیست، بلکه جایی برای راز و نیاز با خدا، تهجد و عبادت و خلوت‌های شبانه و توسل و انس با اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام زمان علیه‌السلام است؛
 - دوران حجره‌نشینی با الزامات و قواعدی که دارد، می‌تواند بر زندگی عبادی، اخلاقی، معنوی و علمی طلاب تأثیرهای ماندگاری داشته باشد. آغاز رشد بسیاری از بزرگان حوزه از دوران آغاز طلبگی و حجره‌نشینی بوده است و از کمالات و فضایل بزرگان در آن دوران، خاطرات بسیاری نقل شده است؛
 - سنت حجره‌نشینی هم مثل سنت دیرپای مباحثه، باعث شکل‌گیری دوستی‌های دیرپای طلاب می‌شود و این امر می‌تواند نقش مهمی در زندگی آینده آن‌ها ایفا کند؛
 - گعده‌گیری طلاب در اوقات فراغت و در حجره، بهترین فرصت برای تجدید انرژی و ایجاد آمادگی برای تهذیب و تحصیل را فراهم می‌سازد.
- چنان‌که پیش‌تر نیز بیان شد، در یک مدرسه علمیه مطلوب، چیدمان فیزیکی حجرات باید به گونه‌ای باشد که مدیر به محض ورود به مدرسه بتواند نسبت به آن‌ها اشراف داشته و و اجمالا از جنب و جوش، رفت و آمد و فعالیت‌های عمومی طلاب آگاه گردد.

شاخص‌های حجره‌ی مطلوب

- شاخص‌های زیر را می‌توان برای یک حجره‌ی مطلوب در نظر گرفت:
- نصب منشور اخلاقی و تربیتی طلاب و فضلا در حجره؛
- در نظر گرفتن فضا و مساحت کافی برای زندگی سه یا چهار نفری؛
- وجود نور کافی و آفتاب‌گیر بودن حجره؛
- تعبیه وسایل گرمایشی و سرمایشی مناسب؛
- استفاده از گل و گیاه طبیعی یا مصنوعی؛
- استفاده از رنگ‌های نشاط‌آفرین در پرده‌ها و رنگ‌آمیزی دیوارها و درب و پنجره حجره؛

- نصب ساعت؛
- فضا سازی معنوی داخل حجره؛
- وجود تخت خواب‌های دو طبقه؛
- پستوداشتن حجره و... .

رعایت این نکات در طراحی، ساخت و بهره‌برداری از حجره از عوامل مؤثر بر آرامش روحی و جسمی و در نتیجه موفقیت علمی و معنوی طلبه خواهد بود.

ج. کتابخانه و سالن مطالعه

تحقیق و مطالعه مهم‌ترین کار طلبه در سال‌های اولیه طلبگی است و کتاب و کتابخانه نیز بهترین وسیله و مکان برای این منظور است. به فرموده امیرمؤمنان علی علیه السلام «الکتب بساتین العلماء»؛ «کتاب‌ها بوستان‌های علما هستند» که از مطالعه آن‌ها چنان مبتهج و مسرور گردند که دیگران از سیر در باغ‌ها و بوستان‌ها. بنابراین وجود یک کتابخانه خوب و مجهز در مدرسه، می‌تواند فضای مناسبی برای رشد آگاهی و پیشرفت علمی طلاب فراهم کند. لازم است کتابخانه در بهترین جای مدرسه واقع شود که کم‌ترین تردد و سرو صدا را داشته و از امکانات کافی و استاندارد، نور و دمای مناسب برخوردار باشد. از اول صبح تا آخر شب باز بوده، در اختیار طلاب قرار بگیرد و با قرار دادن گلدان‌های طبیعی متعدد در جاهای مختلف کتابخانه، معطر ساختن فضا با بوی خوش و نصب ساعت، تابلوهای نقاشی و تصاویر زیبا از مناظر طبیعی و نیز سیمای نورانی بزرگان حوزه، رعایت سکوت و آرامش آن و... می‌توان جذابیت و رونق کتابخانه و کتاب‌خوانی را دوچندان کرد.

از این فضای دل‌انگیز و با نشاط می‌توان برای اهداف تهذیبی نیز کمک گرفت و برای این منظور رعایت نکات زیر ضروری است:

- نصب احادیث مرتبط با علم‌آموزی و نکته‌هایی آموزنده از زندگی و سیره مطالعاتی بزرگان حوزه بردیوارهای کتابخانه؛

- تهیه و تجهیز آن به کتاب‌های متنوع اخلاقی و تربیتی، زندگی‌نامه و شرح حال بزرگان، علما و قله‌های تهذیب؛
 - عضویت در برخی از نشریات اخلاقی و تربیتی حوزوی و غیرحوزوی و تهیه منظم و مستمر آن‌ها برای کتابخانه مدرسه؛
 - تهیه فهرست کتاب‌های اخلاقی و تربیتی موجود در کتابخانه و اطلاع‌رسانی آن به طلاب؛
 - قرار دادن قفسه ویژه این کتاب‌ها و نشریات در منظر و دسترس طلاب و ترغیب و تشویق به مطالعه آن‌ها؛
 - تلخیص و گزارش نویسی از کتاب‌های اخلاقی مطالعه شده توسط طلاب و اهدای جایزه به بهترین تلخیص‌ها و گزارش‌ها و نیز تکثیر و توزیع آن‌ها بین طلاب؛
 - معرفی اجمالی برخی از این کتاب‌های مفید، بین نمازهای جماعت و یا در کلاس‌های درس توسط اساتید یا خود طلاب و بیان نکات کوتاه، جذاب و آموزنده از آن‌ها برای ترغیب بیش تر افراد به مطالعه این کتاب‌ها؛
 - برگزاری مسابقات مستمر کتاب‌خوانی از کتاب‌های اخلاقی با همکاری معاونت پژوهش و تهذیب مدرسه؛
 - ایجاد فضای بانشاط برای مطالعه با تهیه قفسه و میز و صندلی‌های یک‌رنگ و زیبا.
- پیشنهاد می‌شود مدیریت کتابخانه با خود طلاب مدرسه باشد- همان‌گونه که در بیشتر مدارس چنین است- و چند نفر از آن‌ها مسئولیت این کار را بر عهده بگیرند و به صورت هماهنگ، منظم و با شوق و علاقه به این کار همت گمارند. معاون پژوهش مدرسه می‌تواند با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و تخصصی در زمینه کتاب‌داری و مدیریت کتابخانه برای این طلاب، توان و مهارت و انگیزه آنان را تقویت کند.

د. مسجد و نمازخانه

هر مدرسه‌ای به یک سالن اجتماعات و نمازخانه مناسب و در صورت امکان به یک مسجد خوب نیاز دارد و بدون وجود چنین فضایی بسیاری از برنامه‌ها و فعالیت‌های تهذیبی و فرهنگی مدرسه

قابلیت اجرا ندارد. نمازخانه و مسجد مدرسه هم محل عبادت روزانه و راز و نیاز شبانه طلاب هست و هم جای مناسبی برای مباحثه و برگزاری درس اخلاق و کلاس درس. بنابراین، چنین مکانی باید از ویژگی‌های مطلوبی برخوردار باشد تا رغبت طلاب را برای حضور در آن، شرکت در نمازهای جماعت و سایر برنامه‌های تهذیبی بیش تر کند، از جمله این ویژگی‌ها عبارت است از:

- نمای ظاهری مناسب و وسعت کافی برای حضور راحت همه طلاب؛
- فضاسازی معنوی با استفاده از آیات و روایات اخلاقی و نکته‌هایی از زندگی عبادی و معنوی بزرگان حوزه؛
- استفاده از مهرهای تمیز و ترجیحا تربت کربلا، قرار دادن قرآن (با ترجمه متقن)، مفاتیح، رساله عملیه مراجع عظام تقلید (نسخه دو جلدی ۱۴ مرجع پیشنهاد می‌شود)، صحیفه سجادیه و سایر کتاب‌های دعا به تعداد کافی و در قفسه‌های مناسب؛
- امام جماعت موجه، مهذب، شاداب، با قرائت صحیح و صدای دلنشین؛
- مؤذن، قاری و مداح خوش صدا و خادم خوب و خوش اخلاق؛
- نظافت و پاکیزگی (معطر نمودن فضا، نظافت منظم و مستمر روزانه یا هفتگی، شستن به موقع فرش‌ها، گذاشتن گلدان‌های طبیعی در ورودی نمازخانه یا مسجد، جاکفشی مناسب و تمیز و...)
- استفاده از فرش‌های زیبا و هماهنگ با پرده‌ها؛
- وسایل گرمایشی و سرمایشی و نور مناسب؛
- سیستم صوتی مناسب، نصب ساعت و دستگاه ویدئو پروژکتور و پرده ثابت آن در مسجد یا نمازخانه برای اجرای برنامه‌های تربیتی و فرهنگی؛
- آبدارخانه مستقل با امکانات مناسب برای پذیرایی در مجالس و مناسبت‌ها.

ه. کلاس‌های درس (مدرس‌ها)

کلاس مکانی است که روزی چند ساعت از وقت طلاب در آن جاسپری می‌شود، بنابراین با فضاسازی معنوی آن می‌توان به صورت غیر مستقیم در پیشرفت تهذیبی طلاب اثر گذاشت، از جمله با:

- استفاده از رنگ‌های مناسب در داخل کلاس‌ها با هدف ایجاد نشاط و شادابی و دلنشینی فضا؛
 - نصب آیات و روایات مرتبط با ارزش علم و شرایط اخلاقی عالمان در محیط کلاس؛
 - نام‌گذاری کلاس‌ها به نام بزرگان اخلاقی حوزه و شهدای روحانیت و سرداران رشید اسلام و انقلاب؛
 - نصب تصاویری از بزرگان حوزه به همراه پند و نکته‌ای آموزنده از آن بزرگواران در محیط کلاس.
- همچنین، با تجهیز کلاس‌ها به دستگاه ویدئوپروژکتور، نصب ساعت، نور کافی و مناسب، تهویه و سیستم گرمایشی و سرمایشی مناسب، قراردادن گلدان طبیعی، نیمکت‌های مناسب، استفاده از درب و پنجره‌های دوجداره (که عایق صوتی و حرارتی هستند) و... می‌توان به آرامش ذهنی و روانی طلاب و در نتیجه رشد علمی و معنوی آن‌ها کمک نمود.

و. آشپزخانه و سالن غذاخوری

با توجه به اهمیت تغذیه در سلامت جسمانی و روحانی انسان، تجهیز مدارس شبانه‌روزی به یک آشپزخانه مناسب از ضروریات یک مدرسه مطلوب می‌باشد. عمل به توصیه‌های شرعی و رعایت نکات بهداشتی^۱ در رابطه با مکان آشپزی، چگونگی تهیه و نگهداری مواد خوراکی، استفاده از لوازم پخت و پز سالم و استاندارد و... از امور لازمی است که باید مورد توجه مسئولین امر قرار بگیرد. رعایت آداب معنوی در هنگام پختن غذا مثل طهارت و وضو داشتن، گفتن بسم الله الرحمن الرحیم و در حال ذکر بودن، بلند صلوات فرستادن، خوش اخلاقی کارکنان آشپزخانه با یکدیگر، خالص کردن نیت برای خدمت به سربازان امام زمان علیه السلام و... بسیار اثرگذار است. همچنین، فضا سازی معنوی آشپزخانه و سالن غذاخوری مدرسه با آیات و روایات متناسب، دعاها، ذکرها و آداب غذا خوردن، می‌تواند نگاه توحیدی و تهذیبی کارکنان آشپزخانه را در تهیه غذا و نگاه طلاب را در صرف غذا تقویت کند.

گاهی کمک گرفتن از خود طلاب برای تهیه غذا مثل پوست کندن سیب زمینی، پاک کردن سبزی، برنج و حبوبات، نظافت سالن غذاخوری و شست و شوی ظرف‌ها و... می‌تواند در

۱. استانداردها و شرایط فیزیکی و بهداشتی یک آشپزخانه خوب در آیین‌نامه‌های بهداشت محیط وزارت بهداشت مشخص و ابلاغ شده است.

روحیه ایثارگری، کارگروھی، خدمت‌گزاری و مسئولیت‌پذیری آن‌ها و به وجود آمدن فضای معنوی مؤثر خواهد بود.

تغذیه

گرچه بحث تغذیه طلاب، خارج از بحث ظرفیت‌های محیطی مدرسه است، لکن به تناسب بحث از آشپزخانه و نیز اهمیتی خاصی که در توفیق عبادی و معنوی فرد دارد، نکاتی در این زمینه بیان می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا؛

ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید.

بعضی از مفسران معتقدند ذکر این دو (خوردن غذاهای پاک و انجام عمل صالح) پشت سر یکدیگر، دلیل بر وجود یک نوع ارتباطی بین این دو است و اشاره به این دارد که غذاهای مختلف، آثار اخلاقی متفاوتی دارد. غذای حلال و پاک، روح را پاک می‌کند و سرچشمه‌ی عمل صالح می‌شود و غذاهای حرام و ناپاک، روح و جان را تیره و سبب اعمال ناصالح می‌گردد.^۱

در مجموعه‌ای از روایات، به رابطه‌ی تغذیه با سوء اخلاق اشاره شده است. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود تا اهمیت این بحث در مدارس علمیه بیشتر روشن شود.

قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحَبُّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَائِي. فَقَالَ: طَهَّرْ مَا كَلَّكَ وَلَا تَدْخُلْ بَطْنَكَ الْحَرَامَ؛

شخصی به پیامبر ﷺ عرض کرد: دوست دارم دعایم مستجاب شود. حضرت فرمود: غذای خود را پاک کن و غذای حرام وارد شکمت نکن.

نیز فرمود:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَاؤُهُ فَلْيُطَيِّبْ مَطْعَمَهُ وَ مَكْسَبَهُ؛

کسی که دوست دارد دعایش مستجاب شود، طعام و کسب خود را از حرام پاک کند.

یا در نهی از پرخوری و آثار زیان‌بخش آن می‌فرماید:

إِيَّاكُمْ وَفُضُولَ الْمُطْعَمِ فَإِنَّهُ يَسْمُ الْقَلْبَ بِالْفَسْوَةِ وَيُبْطِئُ بِالْجَوَارِحِ لِلطَّاعَةِ وَيُصِمُّ الْهِمَمَ عَنِ

۱. مؤمنون، آیه ۵۱.

۲. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ذیل آیه ۵۱ مؤمنون.

سَمَاعِ الْمُوعِظَةِ؛

از غذای اضافی بپرهیزید که قلب را با قساوت مسموم و جوارح انسان را نسبت به بندگی خدا تنبیل می‌کند و گوش را از شنیدن موعظه کرمی نماید.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند:

مَنْ أَكَلَ الطَّعَامَ عَلَى التَّقَاءِ وَأَجَادَ الطَّعَامَ تَمَضُّغاً وَتَرَكَ الطَّعَامَ وَهُوَ يَشْتَهِيهِ وَ لَمْ يَحِسِ الْغَائِطُ إِذَا آتَاهُ، لَمْ يَمْرِضْ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ؛^۱

کسی که غذای پاکیزه بخورد و غذا را خوب بجود و تا اشتها دارد، دست از غذا بکشد و جلوی تخلیه روده را نگیرد، به مرضی جز مرگ دچار نشود.

یا از امام کاظم علیه السلام نیز نقل شده که فرمودند:

لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَدُوا فِي الطَّعْمِ لَاعْتَدَلَتْ أَبْدَانُهُمْ؛^۲

اگر مردم در غذا خوردن میانه‌روی می‌کردند، بدن‌هایشان متعادل بود.

از این روایات و روایات فراوان مشابه آن به روشنی استفاده می‌شود که نوع غذا و کیفیت و کمیت آن و نیز آداب غذا خوردن مورد توجه و اهتمام اولیای دین علیهم السلام بوده است.^۳

بنابراین در بحث تغذیه‌ی طلاب، دو نکته‌ی اساسی باید مورد توجه و اهتمام مدیران مدارس و مسؤولان امر قرار گیرد. یکی بحث روزی حلال و طیب؛ یعنی این‌که باید بسیار مراقب باشند که نان حرام و غذای شبهه‌ناک بر سفره‌ی طلاب گذاشته نشود. گاهی بعضی از اشخاص حقیقی یا حقوقی با نیت‌های آلوده و فریب‌کارانه، قصد کمک به مدرسه را دارند؛ برای مثال، انتظار دارند در ایام انتخابات، طلاب مدرسه از نامزد خاصی حمایت کنند و... در این‌گونه موارد، هوشیاری مسؤول امور مالی حوزه و مدیر مدرسه نسبت به اغراض پشت پرده این هدایا و نذرها می‌تواند مانع از آن باشد که پول شبهه‌ناک و حرام وارد مدرسه شود.

آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمته الله نقل می‌کنند:

روزی یکی از بازرگانان، مبلغ زیادی که ظاهراً سی هزار تومان بود (به اندازه‌ی شهریه‌ی سه ماه

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۴۲۲، ح ۳۷.

۲. حرعاملی، همان، ج ۲۴، ص ۲۴۱.

۳. برای آگاهی بیشتر، رک: حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۴ و ۲۵ (کتاب الاطعمه و الاشریة).

طلاب حوزه)، به محضر آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری آورد. روزی بود که حوزه نیاز شدیدی به چنین پولی داشت؛ ولی مرحوم حاج شیخ، پس از بررسی و آگاهی از منشأ کسب آن، که چندان صحیح و شرعی نبود، آن را که می‌توانست چند ماه فکرایشان را از مخارج حوزه راحت سازد، برگرداند.^۱

علامه جعفری رحمته‌الله در خاطرات خود می‌فرماید:

روزی شاه، برای مرحوم آقا میرزا فتاح شهیدی^۲ سی هزار تومان (به عنوان هدیه) می‌فرستد. مرحوم شهیدی قبول نمی‌کند! افراد دربار می‌گویند: این پولی که ما آوردیم، می‌دانیم که مورد نیاز شما نیست، آن را بگیرید و به طلبه‌ها بدهید. میرزا گفته بود: اگر طلبه‌ها از این پول‌ها مصرف کنند، دیگر طلبه نمی‌شوند.^۳

آیت‌الله بنابی یک وقت در جمعی که نویسنده هم حضور داشت، می‌فرمود:

اگر احساس کنم مرجع تقلیدی از نظام اسلامی و رهبری معظم انقلاب اندکی فاصله گرفته، به خودم اجازه نمی‌دهم از شهریه‌ی او برای طلاب و مدرسه هزینه کنم و پول ارسالی را عودت می‌دهم (نقل به مضمون).

همچنین، توجه دادن طلاب مدرسه به این مطلب که اگر طلبه‌ای شهریه بگیرد، ولی درس نخواند و در کلاس شرکت نکند، استفاده از آن پول حرام خواهد بود^۴ و اثروضعی خود را از نظر علمی و معنوی بروی خواهد گذاشت!

نکته‌ی دیگری که مدیر مدرسه و سایر متولیان امر تهذیب و تربیت باید نسبت به آن اهتمام داشته باشند، آگاهی بخشی به طلاب نسبت به «آداب و مستحبات» اکل و شرب و ترویج این امور در مدرسه است. همان‌طور که در برخی از روایات بالا نیز بدان اشاره شد، رعایت این

۱. مصاحبه با آیت‌الله عبدالحسین غروی، مجله حوزه، ش ۶۲.

۲. میرزا فتاح شهیدی تبریزی (۱۳۷۲.۱۳۰۲ هـ.ق) از فقیهان و مجتهدان قرن چهاردهم و از روحانیون مبارز علیه حکومت پهلوی در تبریز بودند. (به نقل از: ویکی اهل البیت علیهم‌السلام، ذیل عنوان: میرزا فتاح شهیدی تبریزی)

۳. فیضی تبریزی، جاودان اندیشه، ص ۱۰۶.

۴. روزی آیت‌الله بروجردی درباره‌ی گرفتن شهریه فرمود: «آقایان طلاب! این پولی که به دست من می‌رسد، مربوط به سهم امام است. من به کسانی که مقسم من هستند، دستور داده‌ام که این پول بی‌جا مصرف نشود؛ یعنی به افرادی که استحقاق ندارند، ندهند. امکان دارد این‌ها به این مسائل رسیدگی نکنند، لذا من به عنوان یک وظیفه‌ی شرعی به شما بگویم این شهریه به دو شرط برای شما مباح است: اول این که محصل باشید؛ یعنی وقت شما صرف کار دیگری نشود. دوم آن که استحقاق مادی داشته باشید. در غیر این صورت، گرفتن شهریه جائز نیست.» به همین دلیل، از آن پس عده‌ای از متدینین حوزه، دیگر از ایشان شهریه نگرفتند؛ چون عقیده داشتند که مباح نیست. (پایگاه اطلاع‌رسانی سیره‌ی علما، شناسه مطلب: ۶۸۵۵، تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۷)

آداب و سنن می‌تواند در اعتدال مزاج، سلامت جسمانی، دوری از بیماری‌ها و آمادگی جوارح و جوانح انسان برای اطاعت و بندگی خدا و اجتناب از گناهان بسیار مؤثر باشد. کیفیت بخشی به تغذیه‌ی طلاب نیز نکته‌ی دیگری است که باید مورد توجه مسؤولان حوزه و مدیر مدرسه قرار بگیرد. از آن‌جا که بسیاری از طلاب مدارس علمیه در سنین نوجوانی و جوانی و مرحله‌ی رشد جسمانی قرار دارند، توجه و اهتمام به تغذیه‌ی درست و مناسب آن‌ها، موجب سلامت و نشاط جسمی و روحی آنان شده و راه تهذیب و تحصیل را بر آنان هموارتر می‌سازد. هم‌چنین، اصلاح عادت‌های غذایی در این دوره‌ی سنی، می‌تواند از بروز بیماری‌های مختلف در بزرگ‌سالی آنان پیش‌گیری کند.

گاه افراط و تفریط طلاب در تغذیه، زمینه‌ساز برخی مشکلات برای آنان می‌گردد. برای مثال، ممکن است طلبه با تحمیل ریاضت‌های نادرست و دوری از غذاهای مفید و مقوی، خود را در معرض ابتلا به بیماری‌های جسمی و حتی روحی قرار دهد. سوء تغذیه و ریاضت‌های خوراکی برخی از بزرگان در گذشته و بیماری‌های طولانی مدت آنان یا عمر کوتاه برخی دیگر از این بزرگواران، اهمیت این بحث را در مدارس علمیه دو چندان می‌کند.

از سوی دیگر، زیاده‌روی در مصرف غذا یا استفاده از غذاهای چرب و مضر نیز ممکن است به ایجاد عادت‌ها و صفت‌های نامطلوب منجر شده و ادامه‌ی مسیر طلبگی را با کسالت و دشواری مواجه کند.

راهکارها و پیشنهادها

بنابراین توجه به موارد زیر برای مسئولین امر در مرکز امور طلاب و مدیر مدرسه ضرورت دارد:

- آشناسازی طلاب با اصول و آداب تغذیه در اسلام (از طریق تهیه کتاب، جزوه، بروشور و ارائه‌ی آن‌ها به طلاب و نیز دعوت از کارشناسان مربوط و برگزاری کلاس‌های آموزشی و کارگاه‌های مورد نیاز)؛
- آشناسازی طلاب با تأثیر تغذیه در سلامت جسمی و نشاط روحی و معنوی؛
- آگاهی بخشی به طلاب درباره‌ی تأثیر لقمه‌ی حرام و شبهه‌ناک بر زندگی علمی و معنوی انسان؛

- مشورت با متخصصان تغذیه و کارشناسان طب اسلامی و سنتی در تهیه برنامه غذایی سالم، مطمئن و مناسب برای طلاب مدرسه؛
- توجه به فرهنگ بومی و محلی در استفاده از خوراکی‌ها؛
- اهتمام جدی به صبحانه طلاب (که بیش از دیگر وعده‌های غذایی مهم است)؛
- توجه بیش‌تر به تغذیه مناسب طلاب در ایام امتحانات؛
- پرهیز دادن طلاب از خوردن غذاهای آماده (فست فود).

ز. حمام و سرویس‌های بهداشتی

برخی از نکات تربیتی که در رابطه با حمام و سرویس بهداشتی مدرسه باید مورد توجه قرار بگیرد، عبارتند از:

- در نظر گرفتن حمام و سرویس بهداشتی استاندارد به تعداد کافی و سهولت دسترسی به آن‌ها (تا طلاب به موقع به انجام مستحبات و فرائض دینی خود برسند)؛
- آماده و گرم بودن دائمی آب حمام‌ها برای استفاده شبانه‌روزی طلاب؛
- ایجاد امکانات بهداشتی نظیر صابون، مایع ضد عفونی کننده، آب گرم در زمستان‌ها، شست‌وشوی مرتب و منظم و استفاده از خوشبوکننده‌های مناسب در سرویس‌ها؛
- نصب دعاها و ذکرهای مخصوص قضای حاجت و استحمام و غسل در حمام‌ها و سرویس‌ها و آداب و مستحبات آن دو در جایی مناسب در فضای بیرونی.

ح. امکانات تفریحی و ورزشی

با توجه به آنچه در بحث اهمیت ورزش گذشت، لازم است مدیران مدارس علمیه و مسئولین امر تدابیری بیندیشند که طلاب بتوانند تحرک کافی جسمانی داشته باشند؛ از جمله اینکه:

- تهیه فضا، امکانات و لوازم ورزشی و تفریحی مورد نیاز برای مدرسه، مثل: میز پینگ‌پونگ، زمین والیبال، بسکتبال، وسایل عمومی و معمولی بدن‌سازی و... با توجه به جمعیت طلاب و فضای موجود؛

- تشویق طلاب به ورزش، به ویژه ورزش‌های گروهی؛

- تخصیص سرانه‌ی کافی ورزشی برای طلاب مدارس؛
- وارد کردن برنامه‌ی منظم تربیت بدنی در برنامه‌ی آموزشی و درسی (اختصاص زنگ ورزش یا ورزش صبح‌گاهی یا عصرگاهی در مدرسه)؛
- اطلاع‌رسانی به طلاب درباره‌ی آثار و برکات ورزش در تهذیب، سلامت جسمانی، بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی آنان (از طریق تهیه و توزیع جزوه، بروشور، کتاب، سی‌دی و پخش فیلم و کلیپ ورزشی میان طلاب)؛
- دعوت از کارشناسان تربیت بدنی، مربیان ورزشی و طلاب ورزشکار و موفق در عرصه‌ی تهذیب، تحصیل و تبلیغ برای حضور در مدرسه و سخنرانی برای طلاب؛
- آشناسازی طلاب و ترغیب آنان به یادگیری ورزش‌های اسلامی (سوارکاری، تیراندازی و شنا) و فراهم نمودن امکانات لازم در این زمینه و نهی آن‌ها از انجام ورزش‌های غیرشرعی یا متعارض با زئی‌طلبگی و شؤونات روحانیت؛
- پی‌گیری برای جذب و تهیه امکانات ورزش همگانی که شهرداری‌ها در اماکن عمومی و پارک‌ها نصب می‌کند؛
- تهیه و خرید عمده کفش و لباس ورزشی متناسب با زئی‌طلبگی و فروش اقساطی آن به طلاب مدرسه؛
- برنامه‌ریزی و تدارک امکانات لازم برای کوهنوردی هفتگی یا ماهانه طلاب (در مناطقی که دسترسی آسان به کوه ممکن است)؛
- برگزاری کلاس‌های آموزشی رزمی و دفاع شخصی، برای ایجاد انگیزه، نظم و تداوم ورزش طلاب و نیز بالا بردن روحیه و آمادگی جسمی آنان که علی علیه السلام فرمود: یارب قو علی خدمتک جوارحی؛
- برگزاری اردوهای تفریحی ورزشی در روزهای تعطیلی؛

۱. مقام معظم رهبری علیه السلام: کوهنوردی یعنی عروج به قله‌هایی که در کشور ما به طور فراوان وجود دارد. کوهنوردی ورزشی است در اختیار همه؛ باید مردم بروند ورزش کنند؛ باید مردم به این ارتفاعات شمال تهران یا به ارتفاعات فراوانی که در اغلب نقاط کشور وجود دارد، بروند و از این هوای پاک، از این کوهستان‌ها خداداده، استفاده کنند.

- پخش دعاها، ذکرها، مداحی‌ها و سرودهای انقلابی و حماسی مناسب با فضای ورزش برای ایجاد انگیزه‌ی معنوی و نشاط روحی بیشتر؛
- فراهم کردن امکان دسترسی طلاب به باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی بیرون از مدرسه (اگر در مدرسه سالن ورزشی مطلوب وجود ندارد)، البته با اعمال نظارت‌های لازم و کافی؛
- تشویق طلاب متخلقی ورزشکار و... .

۱-۲-۳-۴ ظرفیت تعطیلات حوزه و اوقات فراغت طلاب

هر طلبه علاوه بر آموزش‌های رسمی که در حوزه می‌بیند، نیازهای دیگری دارد که باید با «برنامه» و «به تدریج»، برای خود فراهم کند و طبیعی است نمی‌توان از حوزه انتظار داشت برای همه آن نیازها تدارک دیده باشد. با توجه به انبوه مطالبه‌هایی که جامعه از حوزه و روحانیت، به ویژه در عرصه اخلاق و تربیت دارد، طلبه، مطالعات جنبی فراوان و مهارت‌های متنوعی نیاز دارد تا به آن آمادگی لازم برای حضور در جامعه و حتی عرصه‌های بین‌المللی برسد که اگر بخواهد در برنامه رسمی حوزه قرار بگیرد، سال‌های تحصیل حوزه، چندین برابر خواهد شد! طلبه در کنار تحصیل علم به کسب مهارت‌هایی نیازمند است تا ابعاد اخلاقی و تربیتی خود را نیز رشد دهد؛ برخی از این مهارت‌ها عبارتند از:

مدیریت تحصیلی و برنامه‌ریزی، مهار غرایز و عواطف، انتخاب همسر، مدیریت خانواده، تربیت فرزند و بسیاری از مهارت‌های دیگر. به هر حال، نمی‌توان از مدیریت حوزه توقع داشت همه این‌ها را برای او تأمین کند. به دست آوردن این مهارت‌ها برای طلبه، به منزله دست‌یابی به یک ابزار پیشرفته است که او را با صرف انرژی اندک، به نتایج بزرگ می‌رساند. ایام تعطیلی و به ویژه تابستان، بهترین فرصت برای مطالعات متفرقه است؛ منظور، کسب دانش‌هایی است که برای طلبه لازم است و امکان آن در ایام درسی وجود ندارد. مطالعه تفسیر قرآن، کتاب‌های حدیثی و اخلاقی، تاریخ اسلام و تشیع، سیر مطالعاتی آثار شهید مطهری و بسیاری دیگر از بزرگان و اندیشمندان حوزه، یا کسب مهارت‌های هنری، فرهنگی، نویسندگی، روضه‌خوانی و... .

تعطیلات حوزه فرصت بسیار مناسبی است تا طلاب در کنار استراحت و تجدید قوا، آموخته‌های خود را مرور کنند و با برنامه‌ریزی مناسب، دانش‌ها و مهارت‌های جدید مورد نیاز را کسب نمایند.

مسئولان حوزه و به ویژه معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه با همکاری مدیران استانی و مدیران مدارس علمیه می‌توانند با برنامه‌ریزی مناسب و اتخاذ تدابیر لازم، از این فرصت تعطیلات در جهت پیش برد اهداف تربیتی و تهذیبی حوزه به شکل مطلوبی استفاده کنند.

ظرفیت فصل تابستان

گرچه بیشتر مدارس علمیه، برنامه‌ی کاری خود را در فصل تابستان تعطیل می‌کنند؛ ولی طلبگی طلبه، یعنی طالب علم و کمال بودن و مسیر رشد را پیمودن، توقف بردار نیست. فرصت سه ماهه‌ی تابستان، سرمایه‌ی زمانی ارزش‌مندی است که باید با هوش‌مندی و مراقبت از آن بهره‌گرفت و اندکی مسامحه و تقصیر در بهره‌برداری از آن بخشودنی نیست. تابستان زمانی معادل یک چهارم سال است که اگر به خوبی احیا نشود، خسارتی بزرگ و ندامتی بزرگ ترپدید می‌آورد. بنابراین، تابستان را نباید تعطیل پنداشت. آن‌چه در این زمان اتفاق می‌افتد، تغییر شکل برنامه‌ی تحصیلی است. تابستان دوره‌ی رکود، سکون و توقف نیست؛ زمان آغاز یک تحصیل جدید و تنوع بخشیدن به آهنگ تکراری فعالیت‌های پیشین است.

فعالیت‌های درسی در تابستان، آری یا نه؟

تابستان زمان مناسبی برای فعالیت‌های درسی رسمی نیست. گروهی از طلاب سخت‌کوش، ایام تابستان را امتداد ایام تحصیلی می‌شمارند و همان ادبیات، منطق، فقه، اصول و کلام را که در برنامه‌ی رسمی حوزه پیش‌بینی شده است، در این ایام دنبال می‌کنند. این گروه، گرچه در اصل بهره‌برداری از زمان و تشخیص وظیفه‌ی «سخت‌کوشی»، شایسته ستایش‌اند و بر اثر همین تلاش، از هم‌کلاسی‌های خود در برنامه‌ی درسی حوزه پیش می‌افتند، اما از گزند دو آسیب سالم نمی‌مانند:

اول: خستگی فکری و روحی که موجب عدم آمادگی برای ادامه‌ی راه در سال تحصیلی

آینده خواهد شد. برنامه آموزشی یک نواخت و پشت سرهم، تحمل انسان‌های معمولی را در می‌نوردد و دیر یا زود، موجب سردرد، خستگی، کسالت و افسردگی می‌شود. طراوت و اشتیاق در تحصیل، نعمتی به دست آوردنی است که برای نگه‌داری آن باید تلاش کرد. یکی از عوامل مهم حفظ طراوت و نشاط، تنوع فعالیت‌ها است.

آسیب دیگر، محروم ماندن از کسب امور لازمی است که در غیرتابستان، فرصت فراگیری آن‌ها نیست که پیش‌تر بدان اشاره کردیم. اکتفا به روند آموزشی حوزه، موجب بقای پاره‌ای از خلأها در شخصیت طلاب و در نهایت ناکارآمدی صنفی روحانیت خواهد شد.

از این رو، فصل تابستان، بهترین فرصت برای انجام فعالیت‌های تهذیبی و تربیتی، شرکت در اردوهای جهادی، بازدید گروهی از مناطق محروم، حضور در اردوهای فرهنگی و تربیتی معاونت تهذیب و امثال آن است.^۱

۳-۱-۳-۲-۴ ظرفیت‌های تربیتی ایام خاص

از جمله فرصت‌ها و بسترهای بسیار مناسب برای انجام فعالیت‌های تهذیبی و تربیتی، مناسبت‌های ملی و مذهبی در کشورمان است. از آن جا که مؤمن باید زرنگ باشد و قدر لحظه لحظه‌ی فرصت‌ها را بداند و مدیران محترم مدارس علمیه نیز شایسته است که از این ظرفیت‌ها و فرصت‌ها به بهترین شکل ممکن بهره ببرند و با بی‌اعتنایی از کنار آن‌ها نگذرند.

الف. مناسبت‌های مذهبی

رجب المرجب

ماه توبه و استغفار و مراقبه و بهترین فرصت برای ایجاد و تقویت روحیه عبودیت و بندگی^۲

۱. از جمله برنامه‌های خوبی که در سال‌های اخیر در فصل تابستان برای طلاب مدارس اجرا می‌شود، می‌توان به طرح مطالعاتی کتاب‌های شهید مطهری و طرح تربیتی ضیافت ملکوت اشاره کرد. هم‌چنین، برخی از مدارس، بخشی از فصل تابستان را به فعالیت‌های علمی و تهذیبی خود ادامه می‌دهند و از فرصت تعطیلات برای تقویت بنیه‌ی علمی و اخلاقی طلاب استفاده می‌کنند.

برگزاری اردوهای زیارتی و سیاحتی قم، مشهد مقدس و... نیز از جمله برنامه‌های تربیتی برخی مدارس می‌باشد.

۲. عن النبى ﷺ أنه قال: إنَّ الله تعالى نصب فى السماء السابعة ملكاً يقال له: «الداعي»، فإذا دخل شهر رجب بنادى ذلك الملك كلَّ ليلة منه إلى الصُّباح: طوبى للذاكرين، طوبى للظانعين و يقول الله تعالى: «أنا جليس من جالسنى و مطيع من أطاعنى و غافر من استغفرنى، الشهر شهرى و العبد عبدى و الرحمة رحمتى، فمن دعانى فى هذا الشهر أجبتة و من سألتنى أعطيتة و من استهدانى هديتة»

است. بنابراین توجه به موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- فضاسازی معنوی مناسب این ماه در مدرسه؛
- آشناسازی طلاب با اهمیت ماه رجب و دعاها و اعمال ویژه‌ی این ماه؛
- انجام اعمال و دعاها‌ی روزانه‌ی ماه رجب بعد از نمازهای جماعت؛
- فراهم کردن مقدمات لازم و زمینه‌سازی برای روزه‌داری و تهجد طلاب؛
- ایجاد تمهیدات لازم و تشویق طلاب به اعتکاف و انجام اعمال ام‌داود؛
- و موارد دیگر.

شعبان المعظم

ماه پیامبرگرامی اسلام ﷺ، ماه انس هر چه بیشتر طلاب با امام زمان عجل الله تعالی فرجه، آشنا کردن طلاب و خانواده‌های ایشان با سبک زندگی مهدوی، ماه تهجد و روزه و عبادت می‌باشد. برای استفاده‌ی بهینه از ظرفیت‌ها و فرصت‌های این ماه بزرگ، نکته‌ها و اقدام‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- فضاسازی معنوی مناسب ویژه‌ی این ماه در مدرسه؛
- آشناسازی طلاب با اهمیت ماه شعبان و دعاها و اعمال ویژه‌ی این ماه؛
- برنامه‌ریزی برای قرائت روزانه‌ی مناجات شعبانیه در مدرسه با استفاده از صوت حزین و دل‌نشین یکی از طلاب مداح؛
- پخش دعای عهد هنگام صبح، صلوات شعبانیه موقع زوال و زیارت آل یاسین هنگام غروب از بلندگوی مدرسه؛

وجعلت هذا الشهر جبالاً بيني وبين عبادي، فمن اعتصم به وصل إلي؛ از پیغمبر اکرم ص روایت شده است که فرموده‌اند: خداوند متعال در آسمان هفتم ملکی قرار داده است که به او داعی می‌گویند (یعنی کسی که افراد را می‌خواند)؛ چون ماه رجب داخل می‌شود، این ملک هر شب تا صبح صدایش بلند است. خوشا به حال آن کسانی که در حال ذکر هستند؛ خوشا به حال آن کسانی که در حال اطاعت‌اند. سپس ملک می‌گوید: خداوند متعال می‌فرماید: «من هم‌نشین کسی هستم که خود را با من هم‌نشین کند؛ من اطاعت کسی را می‌کنم که او اطاعت مرا بکند و می‌بخشم کسی که از من طلب بخشش کند. این ماه، ماه من است؛ این بندگان همه بندگان من هستند. رحمت هم اختصاص به من دارد. کسی که مرا در این ماه بخواند، او را اجابت می‌کنم؛ کسی که از من بخواهد به او می‌دهم؛ کسی که در این ماه از من طلب هدایت کند، من او را هدایتش می‌کنم. من این ماه را ریسمان بین خودم و بین بندگانم قرار دادم. هر کسی که به این ریسمان چنگ بزند، به من می‌رسد.» (سید ابن طاووس، الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۳، ص ۱۷۴)

- فراهم نمودن مقدمات لازم و زمینه‌سازی برای روزه‌داری و تهجد طلاب؛
- احیای دسته‌جمعی شب نیمه‌ی شعبان در مسجد یا نمازخانه‌ی مدرسه با برنامه‌ریزی و تدارکات مناسب؛
- برگزاری پرشور جشن عمامه‌گذاری طلاب در روز نیمه‌ی شعبان؛
- برگزاری حلقه‌های معرفت، همایش، سخنرانی و جلسه‌های پاسخ به پرسش‌ها و شبهات مهدویت در مدرسه؛
- برگزاری مسابقه‌ی کتابخوانی میان طلاب، کارکنان و خانواده‌های ایشان؛
- برپایی نمایشگاه کتاب ویژه‌ی مهدویت در مدرسه؛
- آذین‌بندی مدرسه و برپایی پرشور و جذاب جشن‌های میلاد ویژه‌ی این ایام؛
- ارسال پیامک تبریک نیمه‌ی شعبان به کارکنان مدرسه، طلاب و خانواده‌های ایشان؛
- انجام قربانی برای سلامتی حضرت مهدی عج و توزیع گوشت آن میان فقرا در این ایام، به ویژه روز نیمه شعبان.

رمضان المبارک

- ماه رمضان، ماه انس با قرآن کریم، تهجد و شب‌زنده‌داری و مناجات است. مدیران و متولیان امر تهذیب و تربیت، با انجام امور زیرمی‌توانند از ظرفیت این میهمانی بزرگ و پربریکت الهی، بیشترین بهره‌وری را برای اهداف تهذیبی و تربیتی مدرسه داشته باشند:
- فضاسازی معنوی و شورانگیز محیط مدرسه متناسب با این ماه عزیز؛
 - آشناسازی طلاب با اهمیت و عظمت ماه مبارک رمضان، دعاها، مراقبت‌ها و اعمال ویژه‌ی این ماه؛
 - کاستن از برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی طلاب و افزودن بر برنامه‌های تهذیبی و قرآنی آن‌ها؛
 - تغییر ساعت‌های درسی مدرسه، متناسب با فضای ماه مبارک رمضان؛^۱

۱. در برخی از مدارس علمیه کشور، مثل مدرسه‌ی علمیه‌ی حضرت ولی‌عصر عج شهرستان بناب، برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی مدرسه از صبح‌ها به بعد از ظهرها و شب‌های ماه مبارک رمضان منتقل می‌شود و طلاب شب‌ها تا سحر بیدارند و به جای آن، بعد از نماز صبح تا نزدیک اذان ظهر استراحت می‌کنند. این تغییر برنامه، شور و نشاط معنوی و علمی خاصی میان طلاب ایجاد می‌کند و آثار

- برنامه‌ریزی ویژه برای قرائت دسته‌جمعی یک جزء قرآن در شبانه‌روز، با آداب و شرایط خاص آن؛
- فضاسازی قرآنی مناسب محیط قرائت و استفاده از قاریان خوش‌لحن؛
- برنامه‌ریزی برای قرائت دسته‌جمعی ادعیه و مناجات‌های پُرشور، به‌ویژه دعای ابوحمزه ثمالی در نیمه شب‌ها.

محرم الحرام و صفر

ماه انس با اهل بیت علیهم‌السلام و توسل و زیارت، احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و بهترین ایام برای تقویت روحیه‌ی ولایت‌مداری، حق‌طلبی، ایثار و فداکاری در راه حفظ دین و ارزش‌های دینی و استکبارستیزی در میان طلاب است. کارهایی که باید در مدرسه انجام شود، عبارتند از:

- فضاسازی معنوی و محرمی محیط مدرسه؛
- آشناسازی طلاب با اهمیت و عظمت ماه محرم، فلسفه‌ی عزاداری برای حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و مراقبت‌ها و اعمال ویژه‌ی آن؛
- تشکیل هیئت عزاداری در مدرسه (منطبق با استانداردهای حوزه و روحانیت، به دور از افراط و تفریط همراه با شرکت مدیر و اساتید)؛
- زمینه‌سازی برای تقویت روحیه‌ی انقلابی‌گری طلاب و آشناسازی آنان با فرهنگ جهاد و شهادت؛
- آشناسازی طلاب با شخصیت‌های برجسته و حماسی شهدای کربلا؛
- دعوت از اساتید و خطبای برجسته برای سخنرانی؛
- فراهم کردن تسهیلات و شرایط لازم برای شرکت طلاب در پیاده‌روی عظیم و معنوی زیارت اربعین حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام؛
- و سایر اقدام‌ها.

و برکت‌های زیادی دارد. هم‌چنین، معمولاً از هر پایه، یک درس تعطیل می‌شود تا طلاب فرصت بیشتری برای استفاده از فضای معنوی و برنامه‌های خاص ماه مبارک رمضان داشته باشند.

ایام فاطمیه

این ایام نیز فرصت بسیار مناسبی برای انس با اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه ام‌الائمہ حضرت صدیقہ‌ی کبری فاطمہ زهرا علیها‌السلام است و بهترین ایام برای تقویت روحیه‌ی ولایت‌مداری، ایثار و فداکاری در راه دفاع از ولی و استکبارستیزی در میان طلاب است. برای این منظور پیشنهاد می‌شود:

- فضاسازی معنوی و فاطمی محیط مدرسه؛
 - آشناسازی هرچه بیشتر طلاب با شخصیت حضرت زهرا علیها‌السلام و اهمیت و عظمت حرکت فاطمی؛
 - تشکیل هیئت عزاداری در این ایام؛
 - زمینه‌سازی برای تقویت روحیه‌ی ولایت‌مداری طلاب و آشناسازی آنان با فرهنگ ایثار و شهادت؛
 - برگزاری مسابقه‌ی حفظ خطبه‌ی فدکیه حضرت زهرا علیها‌السلام؛
 - دعوت از اساتید و خطبای برجسته برای سخنرانی درباره‌ی شخصیت حضرت زهرا علیها‌السلام و ...
- به همین شکل از ظرفیت مناسبت‌های دیگر، مثل دهه‌ی کرامت، ماه ذی‌الحجه (دهه‌ی اول و دهه‌ی ولایت) و نیز ایام ولادت و شهادت معصومان علیهم‌السلام می‌توان به بهترین وجه برای تقویت و ارتقای امور تهذیبی و تربیتی طلاب بهره‌جست.

ب. مناسبت‌های ملی

هفته بسیج، هفته دفاع مقدس، دهه فجر، ایام رحلت امام خمینی ره و ... نیز از مناسبت‌های ملی و فرصت‌های ارزشمندی است که باز می‌تواند در راستای پیشبرد اهداف تهذیبی و تربیتی به کار گرفته شوند.

هفته دفاع مقدس و هفته بسیج^۱

همانند ماه محرم، این هفته بهترین ایام برای تقویت روحیه‌ی ولایت‌داری، حق‌طلبی، انقلابی‌گری، مجاهدت، ایثار، فداکاری، شهادت‌طلبی و استکبارستیزی میان طلاب مدرسه

۱. مقام معظم رهبری فرمود: «مواظب باشید از مسأله‌ی دفاع مقدس که در این کشور اتفاق افتاد، غافل نشوید...» (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۸۳/۷/۵)؛ «هشت سال دفاع مقدس ما صرفاً یک امتداد زمانی و فقط یک برهه‌ی زمانی نیست؛ گنجینه‌ی عظیمی است که تا مدت‌های طولانی ملت ما می‌تواند از آن استفاده کند، آن را استخراج کند و مصرف کند و سرمایه‌گذاری کند.» (بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس، ۱۳۸۸/۶/۲۴)

- است. بدین منظور راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:
- فضاسازی معنوی و شورانگیز محیط مدرسه متناسب با این ایام؛
 - برگزاری نمایشگاه هفته‌ی دفاع مقدس در مدرسه؛
 - نصب برگزیده‌هایی از وصیت‌نامه‌ی شهدا به‌ویژه سرداران شهید اسلام و شهدای روحانیت در فضای مدرسه؛
 - برگزاری برنامه‌ی شبی با شهدا در مدرسه و دعوت از رزمندگان هشت سال دفاع مقدس، مدافعان حرم و سرداران و فرماندهان بسیج و سپاه و ارتش برای سخنرانی و بیان خاطره‌های جبهه و جنگ؛
 - ایجاد یک موزه‌ی کوچک و دائمی از آثار و وسایل شهدا و رزمندگان و نیز فعالیت‌های دوران دفاع مقدس در مدرسه؛
 - دفن شهید گمنام در مدرسه (که آثار و برکات فراوانی دارد)؛
 - تهیه مجموعه کتاب‌های خاطره‌های دفاع مقدس برای کتابخانه مدرسه و تشویق طلاب برای مطالعه‌ی آن‌ها؛
 - تشکیل بسیج طلاب و روحانیان در مدرسه؛
 - تشکیل حلقه‌های تربیتی و بصیرتی با موضوع دفاع مقدس در مدرسه (خیلی از مفاهیم تهذیبی و تربیتی و ارزش‌های انقلابی مثل ایثار، صداقت، تواضع، بصیرت، ولایت‌محوری و... را می‌توان با بهره‌گیری از منابع و کتاب‌های تولید شده در زمینه‌ی دفاع مقدس و مباحثه و گفت‌وگو در این حلقه‌ها به طلاب انتقال داد)؛
 - برگزاری مستمر و سالانه‌ی اردوی راهیان نور و بازدید از مناطق جنگی؛
 - و غیره.

۱. من توصیه می‌کنم این کتاب‌هایی که در شرح حال سرداران است یا آنچه که در گزارش روزهای جنگ و سال‌های دشوار اول بالخصوص نوشته شده، این را جوان‌ها بخوانند. خود را سیراب کنید از معرفت به آنچه که گذشته است در تاریخ انقلاب. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار بسیجیان استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۴)

۴-۱-۳-۲-۴ عوامل اقتصادی

اقتصاد از کلمه «قصد» به معنای «میان‌روی» آمده است و در لغت به معنای «میان‌ه نگاه داشتن» و «میان‌روی در هر کاری» است.^۱ «علم اقتصاد» نیز یکی از رشته‌های علوم اجتماعی است که در باب کیفیت فعالیت‌های مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر و اصول و قوانینی که بر امور مذکور حاکم است، مطالعه می‌کند.^۲ دهخدا نیز «علم اقتصاد» را چنین تعریف کرده است: علم به مجموع وسایلی که برای رفع نیازمندی‌های مادی بشر از آن استفاده می‌شود.^۳ به هر حال، در نظام اقتصادی اسلام به تأثیر مستقیم و غیرمستقیم عوامل اقتصادی بر تربیت اشاره شده است. رسول خدا ﷺ فرمودند:

نعم العون علی تقوی الله الغنی؛^۴

بی‌نیازی چه کمک خوبی برای تقوای الهی است.

از این فرمایش پیامبر اعظم ﷺ استفاده می‌شود که تلاش در بهبود امر معیشت و اقتصاد حوزه و کاستن از مشکلات و دغدغه‌های معیشتی طلاب به خصوص در سال‌های اولیه تحصیل، می‌تواند در رشد علمی و معنوی آنان بسیار اثرگذار باشد. از این رو، تأمین نیازهای مالی مدارس علمیه به ویژه مدارس شهرستان‌ها می‌تواند مدیران آن‌ها را در اداره بهتر مدرسه یاری کند و ایشان فارغ از دغدغه‌های اقتصادی و مالی به امر آموزش و تربیت طلاب همت گمارند.

۴-۱-۳-۲-۵ عوامل اجتماعی- فرهنگی

هم‌چنان‌که پیش‌تر در مبانی انسان‌شناختی و مبنای دوازدهم (تأثیر متقابل انسان و محیط) نیز بیان شد، به رغم پذیرش تأثیر و تأثر میان انسان و محیط‌های طبیعی در فرایند تربیت،

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه اقتصاد.

۲. جبران مسعود، فرهنگ الرائد، ج ۱، ص ۲۲۷.

۳. دهخدا، همان.

۴. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۷۱، ح ۱.

تعاملات انسان با محیط‌های انسانی اهمیت بیش‌تری دارد. جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری، نقش فشار اجتماعی، هم‌نوایی و متابعت از جمله مصادیق این مبنا در فرایند تربیت است. براساس این مبنا، مریبان و متریبان باید به نقش اجتناب‌ناپذیر تعاملی عوامل اجتماعی - فرهنگی توجه نمایند و در هماهنگ‌سازی این عوامل با فرایند تربیت، متعادل و مطابق استانداردهای تربیتی عمل کنند.

عوامل تربیتی - فرهنگی

فرهنگ به وسیله آموزش مستقیم و غیرمستقیم به نسل بعدی منتقل می‌شود و طیف وسیعی از مؤلفه‌ها همانند آداب و رسوم، ارزش‌ها، باورها، دین، هنر و... شامل می‌شود این مؤلفه‌ها یا خود مؤلفه‌های تربیتی‌اند و یا بر روند تربیت و جهت‌دهی به آن بسیار تأثیرگذارند.

امام علی علیه السلام در نامه معروف خود به جناب مالک اشتر رضی الله عنه می‌فرماید:

آداب پسندیده‌ای که بزرگان امت به آن عمل کرده‌اند و رعیت به آن اصلاح شده را برهم مزین و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته ضرر وارد می‌کند، پدید می‌آورد.

نوجوانان و جوانانی که وارد مدارس علمیه می‌شوند محصول همین فرهنگ‌ها هستند و اغلب با همین نقاط ضعف و قوت موجود در همسالان خود از اقصای مختلف جامعه، وارد حوزه می‌شوند. لذا، متولیان امر تربیت در حوزه، همیشه باید نیم‌نگاهی به آسیب‌ها و مشکلات موجود در جامعه داشته باشند و اثرات تربیتی آن را بر طلاب مدارس علمیه مورد ارزیابی قرار دهند و در صورت لزوم، اقدامات پیش‌گیرانه و یا اصلاحی مورد نیاز را انجام دهند.

از سوی دیگر، قرار گرفتن طلاب با فرهنگ‌های متفاوت در کنار یکدیگر و در یک مدرسه، اغلب می‌تواند آسیب‌زا و تنش‌آفرین باشد. بنابراین شایسته است در برنامه‌ریزی‌های حوزه، نسبت به تفاوت‌ها و تنوع‌های فرهنگی دقت شود و با تقویت مدارس علمیه شهرستان‌ها، افراد با فرهنگ‌های نزدیک به هم در یک مدرسه پذیرش شوند. بدیهی است این امر تا حدود زیادی باعث تسهیل امر آموزش و تربیت در مدرسه می‌شود و بسیاری از مؤلفه‌ها و هزینه‌های مادی و معنوی را کاهش می‌دهد. بدین ترتیب و پس از مدتی حضور در مدرسه

و کسب مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی لازم، زندگی در کنار فرهنگ‌های متفاوت‌تر، کمتر مشکل‌آفرین خواهد بود.

اثرگذاری نهادهای دینی بر امر تربیت

بسیاری از نهادهای دینی و مذهبی در شکل‌گیری فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر فرد تأثیرگذارند. مرجعیت، مساجد، حسینیه‌ها، هیئات مذهبی، بقاع متبرکه، محافل مذهبی، تعزیه‌ها، بسیج، کانون‌های فرهنگی و... هر کدام سهمی در شکل‌گیری شخصیت فرد دارند و همزمان با برنامه‌های تربیتی حوزه، نقش خود را ایفا می‌کنند. به ویژه در برهه کنونی و در بیش‌تر شهرها، بسیج و هیئات مذهبی بیش‌ترین تأثیر را بر نوجوانان و جوانان مذهبی دارند. برای نمونه، طبق گزارشی که دبیرخانه شورای عالی حوزه در بهار ۱۳۸۹ منتشر کرده، ۸۷/۳ درصد ورودی‌های سیکل و دیپلم حوزه در همان سال، عضو بسیج بوده‌اند.^۱ این مسأله بیان‌گر این واقعیت است که بسیج ظرفیت بسیار بالایی برای جذب جوانان با استعداد و مهذب به حوزه را دارد و می‌توان با تعامل و همکاری بهتر و بیش‌تر با این نهاد پربرتک از این ظرفیت عظیم و فوق‌العاده، نهایت استفاده را نمود. همین وضعیت را هیئت‌های مذهبی دارند و می‌توان با برنامه‌ریزی‌های مناسب و تعامل بهتر مدارس علمیه با این هیئت‌ها، جوانان مستعد را شناسایی و جذب حوزه‌های علمیه نمود.

فعالیت‌های فرهنگی - تربیتی در مدرسه

بسیاری از مدارس علمیه دارای بسیج طلاب، هیئت و دارالقرآن هستند که مدیر و معاون تهذیب مدرسه با اشراف بر فعالیت‌های آن‌ها و تدبیر مناسب، می‌توانند از این ظرفیت‌ها بهترین و بیش‌ترین بهره‌برداری را بکنند و با اشراف برنامه‌های اخلاقی و تربیتی در فعالیت‌های متنوع آن‌ها به صورت غیرمستقیم ولی اثرگذار، اهداف تهذیبی مدرسه را پیش ببرند. البته باید بسیار مراقب بود که فعالیت‌های این گروه‌ها، موجب چند دستگی و اختلاف بین طلاب نشود.

۱. گزارش یافته‌های پژوهش در مورد داوطلبان ورود به حوزه‌های علمیه؛ دبیرخانه شورای عالی حوزه، ص ۲۳.

ساختار (قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سازماندهی)

ساختار یک سازمان، مدرسه، مؤسسه یا هراگان دیگری عبارت است از این‌که دارای اجزا بوده، به طوری که عده‌ای در آن به فعالیت مشغول بوده و سلسله مراتب میان ایشان برقرار باشد. وجود قوانین، مقررات و نیروهای انسانی در یک سازمان، مدرسه یا مؤسسه که فرایند تربیت در آن‌ها صورت می‌گیرد، برای آن است که زمینه‌هایی را برای تسهیل در تربیت فراهم سازند؛ در غیر این صورت، فلسفه‌ی وجودی آن‌ها بی‌معنا خواهد بود. هرگاه چنین سازمان و وجود قوانین و مقررات به گونه‌ای باشد که فرایند تربیت را تسهیل کرده و دچار پیچ‌وخم‌های اداری و کاغذبازی نشود، در واقع شرایط و زمینه‌های تربیت فراهم شده است. از این رو بر مریبی یا مربیان امر تربیت لازم است که نسبت به تسهیل‌کنندگی ساختار حساس بوده و با سازماندهی مناسب، چابک و ایجاد قوانین درست، زمینه‌های تربیت و رشد متریبان را فراهم سازند. نکته دیگر در زمینه‌سازی برای تربیت، ثبات و نظم قوانین و آیین‌نامه‌ها است. بدین معنا که تغییر زود هنگام و متعدد مقررات، مربی و متربی را دچار سردرگمی می‌کند. هم‌چنان که نبود مقررات، نظم و روال مشخص برای تربیت، القاکننده بی‌نظمی در متربی است؛ تربیت صحیح، فقط با وجود نظم امکان‌پذیر می‌باشد.

هم‌چنین، وجود برنامه‌های مختلف آموزشی، تربیتی و... در مدرسه، نشان از برنامه‌ریزی‌هایی است که در راستای وجود ساختاری چابک و کارآمد طراحی شده است. هماهنگی برنامه‌های آموزشی و تربیتی از ویژگی‌های مهم یک برنامه آموزشی است. توسعه هماهنگ این برنامه‌ها به کارایی آن‌ها می‌افزاید. در صورتی که یکی از برنامه‌ها از اولویت ساختاری برخوردار باشد، جنبه دیگر آن آسیب دیده و سازمان یا مدرسه در رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده خود، دچار چالش خواهد شد.

نکته دیگر در تدوین برنامه‌های تربیتی، توجه به سیر ترتیبی مراحل تربیت، برنامه‌های اولویت‌دار، لحاظ سن و مراتب آموزش است.

۲-۳-۲-۴ موانع طبیعی

۱-۲-۳-۲-۴ فضای مدرسه علمیه

تعداد قابل توجهی از مدارس علمیه در قم و شهرستان‌ها از لحاظ فیزیکی و ساختمانی برای سکونت طلبه مناسب نیستند؛ برای مثال، گاه منزل مسکونی یا مدرسه متعلق به آموزش و پرورش را اجاره کرده و تبدیل به مدرسه علمیه‌اش کرده‌اند یا مدرسه در وسط بازاری پرتدد یا خیابان‌های اصلی و شلوغ شهر قرار گرفته و طلاب و اساتید با تأخیر می‌رسند یا هنگام آمد و رفت به مدرسه مجبورند تنه به تنه زنان و دختران بد پوشش حرکت کنند و خواه و ناخواه چشمشان به منظره‌های ناخوشایند و نابهنجار بیفتد. در چنین شرایطی امر تربیت و تهذیب طلاب و به ویژه طلاب مبتدی با مشکلات فراوانی همراه خواهد بود و انرژی زیادی را از متولیان امر تهذیب و تربیت مدرسه خواهد گرفت. از این رو، پیشنهاد می‌شود شاخص‌های لازم برای یک مدرسه مطلوب از لحاظ امکانات محیطی و ساختمانی بررسی و در اعطای مجوز از سوی شورای گسترش حوزه مدنظر قرار بگیرد.

بنابراین، نامناسب بودن فضای مدارس علمیه در موارد ذیل می‌تواند مانعی جدی در امر تهذیب طلاب به شمار آید:

استقرار مدرسه در محل تردد دختران و زنان بد حجاب (مثل هم‌جواری یا نزدیکی مدرسه به دبیرستان‌ها و باشگاه‌های دخترانه، دانشگاه‌های به‌ویژه آزاد یا غیرانتفاعی و...)
اشراف کلاس‌ها و حجره‌های مدرسه بر منازل اطراف؛

قرار گرفتن مکان مدرسه در مسیر عوامل آلودگی‌زا مانند: کارخانجات صنعتی و شیمیایی، محل‌های دفن زباله، فاضلاب شهری، دام‌داری، مرغ‌داری، دباغ‌خانه‌ها، کشتارگاه‌ها، کوره‌های آجرپزی، عمل‌انباشت کود و سایر مراکزی که به نحوی ممکن است ایجاد دود، بوگرد و غبار نماید؛ نیز قرار گرفتن مکان مدرسه در جوار خطوط راه آهن، بزرگراه‌ها، حریم کابل‌های فشار قوی برق (هوایی یا زمینی)، پست‌های زمینی فشار قوی، پمپ بنزین، محل عرضه و فروش کیسول‌های گاز و موارد مشابه؛

موارد یاد شده به شکل مستقیم یا غیرمستقیم پیامدهای منفی بر برنامه‌های تهذیبی

آنان دارد؛ به عنوان مثال، عوامل آلودگی‌زا با تأثیر منفی بر سلامت جسمانی طلاب و به ویژه تضعیف سیستم عصبی و روانی آنان، منجر به بروز مشکلات اخلاقی و تربیتی نیز می‌شود.^۱

۲-۲-۳-۴ ساختار و قوانین

نبود یا کم‌بود قوانین و آیین‌نامه‌های تهذیبی و تربیتی مورد نیاز و یا عدم ثبات و نظم در برخی از قوانین و آیین‌نامه‌های ابلاغی حوزه از موانع جدی بر سرراه تربیت موفقیت آمیز طلاب می‌باشد. همچنین، تغییرات زود به زود و متعدد مقررات و آیین‌نامه‌ها، موجب سردرگمی متولیان امر تربیت شده و منجر به ناکارآمدی نظام تربیتی مدرسه می‌شود.

عدم هماهنگی برنامه‌های آموزشی و تربیتی نیز از موانع جدی موجود بر سرراه تهذیب و تربیت اخلاقی طلاب است.

در اولویت اول قرار گرفتن نظام آموزشی حوزه و در حاشیه بودن برنامه‌های اخلاقی و تربیتی از مشکلات و موانع اساسی نظام فعلی حوزه است. مکرر این دغدغه از سوی مدیران، معاونان تهذیب و اساتید اخلاق و مشاوران مدارس علمیه مطرح شده که نظام فعلی آموزشی حوزه تمام وقت طلبه را به خود اختصاص داده و طلبه معمولاً نمی‌تواند با آسودگی خاطر و فرصت کافی برنامه‌های تهذیبی و تربیتی مدرسه را دنبال کند. متولیان تهذیب و تربیت نیز ناامیدانه مترصدند در لابلای برنامه‌های آموزشی و درسی طلاب بلکه فرصتی به دست آورند تا منویات تربیتی خود را به اجرا در آورند.

همچنین ملاک قرار گرفتن نمرات درسی طلاب در ارزیابی و ارتقا یا تنزل جایگاه مدارس، سهمیه پذیرش و... موجب شده دغدغه اصلی بسیاری از مدیران و اساتید مدارس صرف رشد علمی طلاب شود و از امر مهم تربیت غافل بمانند.

۱. پیش‌تر گفته شد که عقل سالم در بدن سالم است و جسم مرکب روح است که اگر همراه خوبی نباشد، روح توان اوج گرفتن و رشد اخلاقی و معنوی نخواهد داشت.

۳-۲-۳-۲-۴ نظام‌های مختلف حوزه

✓ نظام آموزشی

- طولانی بودن دوره تحصیل در حوزه؛
- حجم بالای دروس آموزشی (تقریباً تمام وقت طلاب صرف امور آموزشی و درسی می‌گردد)؛
- هم‌کلاس بودن طلاب با سنین مختلف؛
- جدی گرفته نشدن شاخص‌های تهذیبی اساتید و کادر مدرسه هنگام گزینش ایشان و...؛
- وجود مدارس نیمه وقت^۱.

✓ نظام تهذیبی

- ابهام در چشم‌انداز تربیتی بلندمدت حوزه در بعد تربیت و تهذیب طلاب و فقدان تصویر روشنی از طلبه اخلاقی مطلوب در شرایط امروز؛
- فقدان وحدت رویه در سیاست‌های تربیتی مدارس، اعمال سلیقه‌های مختلف در مسایل تربیتی - اخلاقی؛
- شخصیت محوری در حوزه به جای نظام (قانون) محوری و اعمال سلیقه‌های شخصی در تربیت طلاب؛
- مفهوم محوری تربیت در حوزه به جای رفتار و سلوک محوری؛
- تأکید بر رفتار ظاهری، بیرونی و مشهود به جای تأکید بر اصلاح درون، نگرش و شناخت؛
- کمبود شدید نیروی انسانی کارآمد، آموزش دیده، دلسوز و دغدغه‌مند در مسایل تهذیبی؛
- عدم اهتمام جدی بسیاری از متصدیان و مسؤولان حوزه نسبت به مسائل اخلاقی و تربیتی طلاب؛
- تقدم آموزش بر تهذیب در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان حوزه؛
- کمبود بودجه برای اجرای طرح‌ها و برنامه‌های تهذیبی؛

۱. به ویژه در شهرستان‌ها مدارس وجود دارد که طلاب بومی که - اکثریت جمعیت مدرسه را تشکیل می‌دهند - فقط به اندازه شرکت در کلاس‌ها و احیاناً مباحثه در مدرسه حاضر می‌شوند و بلافاصله پس از اتمام درس و بحث از مدرسه خارج می‌شوند. گویا این مدارس با دبیرستان چندان تفاوتی ندارند! این طلاب که حضور دائمی در مدرسه ندارند، مدیر و معاون تهذیب مدرسه معمولاً فرصت پیدا نمی‌کنند نسبت به آن‌ها شناخت درستی به دست آورند و غالباً موفق نمی‌شوند منویات و برنامه‌های تربیتی خود را در موردشان اجرا کنند.

- کمبود نظارت اخلاقی بر مدارس، مدیران، مسئولان، اساتید و طلبه‌ها؛
- فقدان دستورالعمل‌های هماهنگ‌کننده در زمینه‌های تربیتی؛
- فقدان پیشینه پژوهشی لازم در زمینه‌های تربیتی و تهذیبی؛
- تغییرات پی در پی ماموریت‌های معاونت تهذیب؛
- قرار گرفتن بار سنگین تهذیب تنها بر دوش یک معاونت.

✓ نظام پذیرش

- فقدان نظام یکپارچه و کارآمد جذب، گزینش و پذیرش و در نتیجه، نفوذ افراد بی‌کفایت یا عناصر ناهنجار به بدنه حوزه؛
- ناکافی بودن اطلاع‌رسانی به جوانان و مردم در رابطه با نقش، جایگاه و کارکردهای حوزه، مسائل آموزشی، پرورشی و اخلاقی حوزه و...؛
- پذیرش انفعالی به جای پذیرش فعال؛
- اصرار بر آزمون کتبی بی‌فایده و کم‌ثمر؛
- عدم ترسیم ویژگی‌های ورودی مطلوب به حوزه؛
- فقدان تست متناسب برای گزینش طلبه مطلوب؛
- عدم هماهنگی مصاحبه‌گران؛
- اختلاف نظر دست اندرکاران در تقدم کمیت یا کیفیت ورودی‌ها؛
- اجرای ناقص طرح میثاق طلبگی در برخی استان‌ها؛
- پذیرش از سطح کارشناسی و بالاتر (کسانی که از دانشگاه کارشناسی یا کارشناسی ارشد می‌گیرند و وارد حوزه می‌شوند، اولاً هویت و شخصیت آن‌ها تقریباً شکل گرفته و تغییر و دستکاری آن امری است بسیار دشوار. ثانیاً بیش‌تر آن‌ها یا متأهل هستند یا زمان ازدواج آن‌ها فرا رسیده و به زودی ازدواج می‌کنند. بعد از ازدواج هم معمولاً با مشکلات مالی درگیرند و دنبال کار و اشتغال و... این طیف نیز مانند طلاب بومی مدارس نیمه وقت، اغلب فقط به اندازه شرکت در درس و مباحثه در مدرسه حضور دارند و معمولاً در برنامه‌های

تهذیبی شرکت نمی‌کنند و خارج از دسترس متولیان امر تربیت در مدرسه هستند و این در حالی است که به طور معمول، هویت طلبگی در محیط مدرسه و در زندگی شبانه‌روزی در مدرسه و در یک فرایند طولانی و به تدریج شکل می‌گیرد.^۱

✓ نظام ارزیابی و نظارت حوزه

- نبود نظارت کافی و مستمر بر رشد علمی و اخلاقی طلاب در طول دوران تحصیل آن‌ها؛
- ناتوانی از تصفیه و پالایش حوزه از عوامل و افراد مشکل‌آفرین و بدسابقه به دلیل مماشات، پارتی‌بازی و...؛
- ناتوانی از تصفیه و پالایش روش‌ها، ایده‌ها و اندیشه‌های مشکل‌آفرین و نامناسب.

۴-۲-۳-۲-۴ توسعه بی‌رویه مدارس علمیه

در سال‌های اخیر توسعه و ساخت و ساز مدارس علمیه در شهرستان‌ها و حتی شهرهای کوچک رشد قابل توجهی داشته و این امرگاهی موجب بروز مشکلاتی برای حوزه و طلاب شده است. گویا در سال‌های گذشته یک فضای رقابتی ایجاد شده بود که برخی از ائمه جمعه و علمای بلاد در خود صلاحیت تربیت طلبه دیده و با فراهم نمودن برخی از امکانات اولیه، موفق به کسب مجوز راه‌اندازی مدرسه از شورای گسترش حوزه می‌شوند، بدون آنکه به زیرساخت‌های لازم به ویژه در زمینه تربیت و تهذیب طلاب توجه جدی شده باشد. عدم استقبال جوانان از این مدارس و تعداد کم طلاب آنها و در نتیجه فقدان نیروی اجرایی مورد نیاز مثل معاون تهذیب^۲ امر تربیت را در این مدارس بسیار دشوار می‌نماید.

هم‌چنین، تعداد بالای طلبه در یک مدرسه نیز شرایط را برای آموزش، تربیت و نظارت مستمر

۱. حجت الاسلام والمسلمین آقای میرهاشم حسینی، مسئول مدرسه علمیه فیلسوف‌الدوله تهران در این باره می‌گوید: کسانی که از دانشگاه لیسانس می‌گیرند و می‌آیند، غالباً زمان تأهل آن‌ها است به دنبال ازدواج کردن هستند یا بعد از تأهل آن‌ها هست و مشکل کار دارند. لذا ما باید به آن‌ها بگوییم که چند سال درس خودتان را بخوانید، دندان روی جگر بگذارید، پیش نیازهای اجتهاد [را مقداری بگذرانید] تا یک مقدار راه بیفتند، اینها ماندگار نیستند... اینها می‌مانند و عمامه سر خود می‌گذارند و یک جاهایی ضربه می‌زنند که قابل جبران نیست. البته این را هم بگویم که این بحث، بحث تهذیب‌ها و فرصت‌ها است و نمی‌شود به طور کلی گفت. بعضی از لیسانس‌های ما فوق العاده هستند؛ ولی عمومیت آن‌ها مشکل هستند، لذا در قم هم مطرح کردیم.

۲. طبق مصوبات شورای محترم عالی، به مدارس با کم‌تر از شصت طلبه معاون تهذیب و برخی از نیروهای اجرایی دیگر تعلق نمی‌گیرد.

دشوار و نامساعد می‌کند.

به هر حال، برای نکتۀ تأکید می‌شود که بدون برخورداری از امکانات و شرایط لازم تأسیس یک مدرسه مطلوب (نیروی انسانی، فضای مناسب و...)، نباید به کسی اجازه تأسیس مدرسه داده شود.

۵-۲-۳-۲-۴-۴ حجره یا خوابگاه؟

گرچه ادامه وجود حجره‌ها در حوزه‌های علمیه طی قرن‌ها، نشان از کارکردهای تربیتی و آموزشی آن دارد که بسیار قابل اعتنا بوده و شاید جایگزینی برای آن نتوان یافت.، لکن حجره‌نشینی نیز ممکن است مانعی بر سر راه پیشرفت اخلاقی طلاب باشد و حتی در صورت نبود تدابیر لازم، عامل سقوط و انحطاط اخلاقی گردد. برخی از آسیب‌های محتمل در این زمینه عبارتند از:

- ضعف اشراف مدیر بر طلاب مستقر در حجره‌ها؛
- احتمال مصاحبت با افراد ناصالح، بی‌انگیزه یا دارای انگیزه‌های نادرست؛
- آسیب‌های ناشی از تنها ماندن فرد در حجره؛
- بی‌نظمی، پر خوابی و کسالت، افسردگی، مشکلات و وسواس‌های فکری، ناهنجاری‌های جنسی و...
- آسیب‌های ناشی از حجره‌های دو نفری؛
- آسیب‌های ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و خرده‌فرهنگ‌ها؛
- نداشتن برنامه‌ی منظم روزانه و عدم تقسیم کار در حجره؛
- عدم توجه به سلیق و حساسیت‌های شخصی هم‌دیگر؛
- افرادی که در یک حجره زندگی می‌کنند، در بسیاری از موارد از وسایل و لوازم شخصی یک‌دیگر استفاده می‌کنند. برای مثال، ظروف، کتاب‌ها، دمپایی‌ها و حتی برخی اوقات لباس‌ها به طور اشتراکی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به این موارد باید تخت خواب، کمد و پتورا نیز اضافه کرد. هم‌چنین، به علت شکل‌گیری هویت جدیدی به عنوان هم‌حجره‌ای و

به علت وجود تعارف در میان افراد، بسیاری از این امور مورد پذیرش اجباری قرار می‌گیرد؛ پوشش نامناسب افراد در حجره و مشکلات تربیتی و اخلاقی ناشی از آن؛ در چند سال اخیر، برخی از مدیران مدارس برای پیش‌گیری از بروز برخی از این آسیب‌ها، ترجیح می‌دهند به جای حجره، طلاب را در خوابگاه‌های گروهی اسکان دهند. این مدارس اغلب فاقد حجره بوده و یک یا چند سالن بزرگ دارند که طلاب در این سالن‌ها جای داده شده‌اند. این روش با وجود این‌که موجب اجتماعی شدن سریع‌تر افراد می‌شود و مزایای دیگری که دارد، خالی از ایراد نیست و مشکلات خاص خود را دارد.

آسیب‌ها و چالش‌های زندگی خوابگاهی

طلبه در خوابگاه از فضای اختصاصی و حریم خصوصی برخوردار نیست. اگر کسی حوصله نداشته و بخواهد تنها باشد، این امکان وجود ندارد. اگر نیاز داشت وسط روز استراحتی کند یا چیزی بخورد، به راحتی نمی‌تواند این کار را انجام دهد.

- تفاوت‌های فردی و اختلاف فرهنگ‌ها و سلیقه‌ها (در کمیت و کیفیت خواب، تغذیه، استراحت و...) در این روش نادیده گرفته می‌شود؛
- زندگی گروهی مهارت‌هایی را می‌طلبد که فقدان آن به ویژه در میان طلاب پایه اول و دوم بیشتر احساس می‌شود. دانش آموز دیروز به یک باره وارد محیطی شده است که هیچ تجربه‌ی پیشین از آن ندارد و اغلب از چگونگی تعامل با دیگران ناآگاه است. حال این سؤال پیش می‌آید که چگونه می‌تواند بدون دانش و مهارت لازم، با انواع فرهنگ‌ها و برخوردها در خوابگاه کنار بیاید؛ در حالی که هیچ آموزشی در این زمینه ندیده است. با توجه به این‌که آماده کردن آن‌ها برای زندگی گروهی و آموزش مهارت‌های مورد نیاز، باید به تدریج و در گذر زمان اتفاق بیفتد، به نظر می‌رسد در حجره، با نفرات کمتر و زیر نظر مسئول حجره، این یادگیری به مراتب آسان‌تر، سریع‌تر و بهتر از خوابگاه محقق می‌شود؛
- بیشتر افراد ساکن در خوابگاه، تحت تاثیر اقتضاهای اجبارهای محیطی حاکم بر آن‌ها، از فردیت خود به نفع گروه چشم‌پوشی می‌کنند یا کمبودها را به عنوان اقتضای زندگی

خوابگاهی می‌پذیرند؛

- گاهی درس خواندن و تمرکز برای مطالعه، به ویژه در ایام امتحانات در این محیط سخت‌تر می‌شود؛
- زندگی با گروه و با جمعیت گسترده‌تر برای افراد خجالتی و کم‌رو و با روحیه‌ی درون‌گرا مشکل‌تر است؛

• برای ورود میهمان به خوابگاه هم، مشکلات خاصی وجود دارد و امکان حضور و سکونت در شب برای وی بیشتر اوقات وجود ندارد. علاوه بر این که گاهی حضور و بیتوته یک یا چند روزه میهمان و مشاهده برخی از رفتارها و شوخی‌های طلاب، ممکن است موجب بروز شبهه، سؤال و حتی نگرانی شود.

راهکارهای پیشنهادی

- از جمله راهکارها، تدبیری است که در بعضی از مدارس اندیشیده‌اند. در این مدارس، طلاب روزها را در حجره‌های خود مشغول درس و بحث هستند؛ ولی جهت استراحت شبانگهی به خوابگاه مدرسه منتقل می‌شوند و گویا بدین ترتیب، بین مزایای حجره و خوابگاه جمع کرده‌اند؛
- اسکان طلاب در خوابگاه‌های جداگانه و به تفکیک پایه‌ها و نیز با فرهنگ‌های نزدیک به هم (از لحاظ زبان، محیط جغرافیایی، طبقه‌ی اجتماعی و...)؛
- استفاده از خوابگاه‌های کوچک‌تر یا به عبارت دیگر، حجره‌های بزرگ‌تر هشت تا ده نفری؛
- آموزش مهارت‌های زندگی جمعی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی مورد نیاز با بهره‌گیری از مشاوران باتجربه در آغاز سال تحصیلی برای طلاب جدید الورد؛
- برای سهولت نظارت و رسیدگی به مشکلات روزمره‌ی طلاب در خوابگاه، مسؤول حجره از طلاب متخلق، مهذب، درس‌خوان، مسؤولیت‌پذیر و برخوردار از روابط میان‌فردی مؤثر از پایه‌های بالاتر انتخاب شود؛
- حضور متناوب و کوتاه‌مدت مدیر و اساتید مهذب مدرسه در اوقات استراحت (به ویژه

- اوایل شب) در خوابگاه در پیش گیری از بسیاری از آسیب ها مؤثر خواهد بود؛
- وجود میهمان سرا در مدرسه یا در نظر گرفتن اتاق های ویژه میهمان و اجازه دادن به طلبه برای حضور در کنار میهمان خود برای ساعاتی از شبانه روز؛
- فضا سازی معنوی محیط خوابگاه، نصب تابلوهای زیبا از طبیعت، قرار دادن گلدان های طبیعی و مصنوعی و... .

۶-۲-۳-۲-۴ موانع اقتصادی

ناگفته پیداست که مشکلات معیشتی و اقتصادی چه قدر می تواند در رشد علمی و معنوی طلاب مؤثر واقع شود.^۱ در مصاحبه هایی که با تعدادی از مدیران و معاونین تهذیب مدارس علمیه سراسر به عمل آمد، یکی از مهم ترین و اصلی ترین دغدغه آن ها مشکلات مالی مدرسه

۱. آیت الله بنابی در پاسخ به این پرسش که کمبودهای معیشتی طلاب چه مشکلاتی را می تواند برای آنان و خانواده هایشان به دنبال داشته باشد؟ می فرماید: مشکلاتی که به نظر می رسد به قرار زیر است:

اختلاف خانوادگی: همسر طلبه ای که در فشار مادی و محرومیت به سر می برد با نگاه کردن به دوستان و آشنایان خود، می بیند که زندگی اش يك دوم زندگی آن ها نیست؛ قهراً این مقایسه موجب اختلافات خواهد بود؛ عدم تمایل فرزندان روحانی به طلبه شدن؛ وقتی نوجوانی که پدرش روحانی است و تنگ دستی و بی پولی پدر را مشاهده کرده است به خودش اجازه نمی دهد که فلان رشته دانشگاه را ول کند و به حوزه بیاید. اگرچه حوزه ادامه راه انبیاست ولی دلش بدان راضی نمی شود؛ ایجاد بدبینی در خود طلبه؛ با هجوم آوردن مشکلات به طرف طلبه، اگر خودش را آماده نکرده باشد. این طلبه به زمین و زمان بدبین خواهد شد... به علمایی که وضع مادی شان خوب است یا نعوذ بالله حتی به مراجع بدبین می شود و می گوید چرا فلان آقا شهریه اش را دیر می دهد یا نمی دهد؛

انجام دادن کارهای ذلیلانه: با افتادن به مشکلات گاهی دیده می شود طلبه در اثر کمبود معرفت و توکل، عزت نفس خود را از دست می دهد. آن نفس گران بها را که امام علیه السلام فرمود: «لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا» [نهج البلاغه، ح ۴۵۶]، خیلی ارزان می فروشد. کنار گذاشتن عمامه: من بالعیان کسانی را دیده ام که به خاطر مشکلات مادی برای همیشه از این لباس مقدس خداحافظی کردند، اگر چه خود را طلبه می داند و شهریه هم می گیرد اما دیگر لباس را زمین گذاشته ...

خداحافظی از طلبگی: افرادی را می شناختم که خیلی پرکار بودند، هنگام بین الطلوعین و حتی قبل از سحر قرار مباحثه داشتند، به قدری جدی بودند که با دیدن بحث شان لذت می بردم؛ اما وقتی به مشکلات مادی افتادند، نه این که فقط عمامه را کنار گذاشتند، بلکه به کلی از طلبگی خداحافظی کردند، حالا هم به مسائل تجارت و اقتصاد روی آورده اند...

عدم تمایل برخی روحانیان به طلبه شدن فرزندان: گاهی فرزند روحانی راضی است و تمایل دارد که طلبه شود اما خود روحانی از آن جا که مشکلات و محرومیت های این راه را دیده چندان رضایت و تمایل نشان نمی دهد و به پسرش می گوید برود دانشگاه در فلان رشته تحصیل کن که آینده اش خوب است. توهر چقدر درس بخوانی، بزرگتر از من که نخواهی شد. از حال من درس عبرت بگیر. ببین این قدر به مردم خدمت کردم، عاقبت امرم چه شد؟! ... این یکی از عواملی است که مشاهده می کنیم که نوعاً هیچ يك از آقا زاده های اقران و همکاران ما طلبه نیستند، این امر واقعاً جای تأسف دارد. البته گاهی عوامل دیگری هم وجود دارد که فرزند روحانی دیگر طلبه نمی شود اما یکی از عواملش همین است که گفتیم... (با اندکی ویرایش به نقل از وبگاه مدرسه علمیه حضرت ولی عصر علیه السلام شهرستان بناب: <http://hawzahbonab.com>).

و تأثیر منفی آن بر اهداف و برنامه‌های تهذیبی مدرسه بود.

شهریه طلاب

با این که بسیاری از بزرگان حوزه شهریه را کمک هزینه تحصیلی می‌دانند، ولی وضعیت فعلی پرداخت شهریه گویای این واقعیت است که شهریه برای اغلب طلاب و روحانیون مستمری مادام‌العمر به شمار می‌آید و همین مسأله زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های تربیتی و تحصیلی در حوزه‌های علمیه گشته است به گونه‌ای که خیلی از طلاب و روحانیون به این آب باریکه نقد و بی‌دردسرقانع شده، حاضر به مهاجرت به شهرهای خود نمی‌شوند و بسیاری از مناطق کشور از حضور و وجود مبلغان کارآمد و مدارس شهرستان‌ها از وجود اساتید فاضل و متقی خالی مانده است. از سوی دیگر، این سرمایه مالی کلان حوزه که باید صرف رشد و بالندگی طلاب جوان در حال تحصیل بشود، خرج این طیف گسترده رفاه طلب و مسؤولیت‌گریز می‌گردد؟!!

برخی از ایرادهای نظام فعلی عبارت است از:

- فشار مالی به طلاب نخواستہ؛
- اشتغال به کار طلاب برای تامین هزینه‌های زندگی و در نتیجه فاصله گرفتن تدریجی از تحصیل؛
- پرداخت شهریه به افرادی که هیچ‌گونه بازدهی برای خود و جامعه ندارند؛
- تمرکز دانش‌آموختگان حوزه در قم و استنکاف ایشان از پذیرش مسؤولیت‌های تبلیغی؛
- به هدر رفتن بودجه‌های کلان بابت پرداخت نابسامان شهریه.

۷-۲-۳-۴ موانع اجتماعی-فرهنگی

فن‌آوری‌های نوین (رایانه، گوشی همراه، اینترنت و شبکه‌های مجازی)

امروزه رقیب به نام تربیت رسانه‌ای (تلویزیون، ماهواره، رایانه، اینترنت و فضای مجازی) به طور جدی فضاهای تربیتی خانواده‌ها و مدارس را به چالش کشانده است. این امر باعث تهدید نهاد خانواده، ارزش‌های اخلاقی حاکم بر جامعه و موجب نگرانی شدید والدین و متولیان امر اخلاق و تربیت در جامعه شده است. وسایل ارتباط جمعی با سرعتی وصف‌ناپذیر توسعه یافته و زمان و مکان را درنوردیده است و هیچ مانعی را بر سر راه خود بر نمی‌تابد.

آسیب‌های ناشی از استفاده نادرست از این ابزارها در جای خود و به تفصیل از سوی کارشناسان تربیتی و رسانه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و دامنه بسیار گسترده مسائل و مشکلات به وجود آمده حاکی از بحران شدیدی است که باید هرچه سریع‌تر از سوی مسئولان امر تدبیر جدی اندیشیده شود.

حوزه‌های علمیه نیز از این آسیب‌ها در امان نبوده و امروزه یکی از دغدغه‌های اصلی مدیران و اساتید مدارس علمیه مسأله استفاده از رایانه و گوشی همراه و اینترنت توسط طلاب است و این ابزارها را به درستی مانعی جدی بر سر راه رشد علمی و معنوی طلاب می‌دانند. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت آنچه باعث می‌شود بسیاری از طلاب به استفاده از ابزارهای نوین روی آورند، ضرورت‌ها و نیازهای واقعی یا کاذبی است زندگی مدرن امروزی بر آن‌ها تحمیل کرده است؛ بخش عمده این نیازها را چنین می‌توان برشمرد:

- مراجعه به سایت‌های مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه (ثبت نام‌های درسی، امتحانات، مسابقات و دوره‌های مختلف تهذیبی، کارهای مربوط به مرکز خدمات حوزه و...)
- مطالعه و پژوهش؛
- استفاده از کتابخانه‌های دیجیتالی و مجازی؛
- استفاده از نرم‌افزارهای مذهبی، علمی و کاربردی؛
- ارتباط با خانواده، آشنایان و دوستان؛
- مطالعه اخبار و ارسال و دریافت سریع اطلاعات؛
- تبلیغ در فضای مجازی؛
- استفاده از آموزش‌های غیرحضوری و مجازی؛
- ارسال و دریافت ایمیل؛
- انجام امور بانکی و اداری؛
- پر کردن اوقات فراغت و...

راهبردها و راهکارها:

- برای رفع این نیازها و پیش‌گیری از آسیب‌های رایج در این زمینه، لازم است اقدامات زیر با جدیت و در اسرع وقت پی‌گیری شود:
- فرهنگ‌سازی برای استفاده درست و مناسب از موبایل، رایانه و اینترنت در مدرسه:
 - هماهنگی تمام ارکان مدرسه در این فرهنگ‌سازی (یک‌دلی و یک‌صدایی)؛
 - توجه به اصل تدریجی این فرهنگ‌سازی؛
 - آگاهی‌بخشی نسبت به خطرهای آسیب‌های آن‌ها؛
 - شناسایی افرادی که استفاده از گوشی هوشمند، تبلت و فضای مجازی را تبلیغ می‌کنند و شروع کردن فرهنگ‌سازی از آن‌ها؛
 - ارائه بازخوردهای حاصل از تغییر رفتار طلابی که آموزش‌ها و فرهنگ‌سازی در آن‌ها مؤثر بوده است؛
 - اجرای «سیاست‌های کلی استفاده از گوشی همراه و فضای مجازی در مدرسه»^۱ در مدرسه؛
 - تهیه رایانه کافی در اتاق رایانه به تعداد نیاز هر مدرسه؛
 - در نظر گرفتن زمان کافی برای بهره‌گیری از رایانه؛
 - نصب و راه‌اندازی کتابخانه‌های الکترونیکی در رایانه‌های مدرسه؛
 - نصب نرم‌افزارهای کاربردی مورد نیاز طلاب در رایانه‌های مدرسه؛
 - اتصال به اینترنت پرسرعت همراه با اعمال محدودیت‌ها و نظارت‌های لازم در رایانه‌های مدرسه؛
 - حضور مشاور آگاه نسبت به رایانه در اتاق رایانه برای نظارت و پاسخ‌گویی به طلاب؛
 - نصب آیین‌نامه اجرایی استفاده از رایانه در اتاق رایانه؛
 - معرفی سایت‌های مفید به طلاب جهت بهره‌مندی از مطالب و محصولات موجود؛
 - دعوت از کارشناسان رسانه و فضای مجازی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی توجیهی برای طلاب مدرسه:
 - معرفی مفاهیم سواد رسانه‌ای، فضای مجازی و...؛
 - بیان آسیب‌های موجود موبایل و فضای مجازی (فنی و امنیتی، اعتقادی، شناختی، روان‌شناختی و...)

- معرفی نرم افزارهای آسیب‌زا همراه با تحلیل محتوای آن‌ها؛
- شناسایی و معرفی نرم افزارهای مناسب برای سطوح مختلف طلاب؛
- تدوین و تدریس کتاب درسی سواد رسانه‌ای در سطح یک؛
- برگزاری دوره‌های کوتاه مدت تربیت کارشناس رسانه در استان و مدرسه؛
- تأسیس رشته تخصصی رسانه‌های نوین در معاونت تبلیغ؛
- برگزاری دوره پودمانی تبلیغ در فضای مجازی از سوی معاونت تبلیغ؛
- دانش‌افزایی مدیران، معاونان و اساتید در خصوص اینترنت و فضای مجازی؛
- تبیین دیدگاه‌های مقام معظم رهبری دامه‌عزله در رابطه با فضای مجازی؛
- تبیین مفهوم حیا و عفت در فضای مجازی و راهکارهای ایجاد و تقویت ملکه حیا و عفت؛
- بیان احکام فقهی و حقوقی و آداب اخلاقی فضای مجازی؛
- توجه به ریشه‌ها و عوامل بروز این مشکل و تلاش برای رفع آن‌ها؛
- تسهیل فضای امر به معروف و نهی از منکر در مدرسه؛
- تقویت مهارت‌های ارتباطی طلاب؛
- ایجاد فضای مناسب و سالم ورزشی و تفریحی برای طلاب در محیط مدرسه؛
- تقویت و تحکیم روابط خانوادگی طلاب به خصوص متأهلین؛
- درگیر کردن طلاب در فعالیت‌ها و برنامه‌های مثبت در مدرسه؛
- برگزاری مسابقات پژوهشی فرهنگی در رابطه موبایل و فضای مجازی؛
- برگزاری کارگاه برنامه‌ریزی و مدیریت زمان؛
- تهیه و عرضه نرم‌افزارهای مناسب برای طلاب مدارس علمیه؛
- تهیه و نشر کتاب، جزوه، بروشور، فلش‌کارت، نشریه دیواری، بنر، پوستر، تابلوهای نمایشگاهی، نرم‌افزار، کلیپ‌های صوتی و تصویری و مستندهای مرتبط با موضوع؛
- تهیه و عرضه پیوست فرهنگی از سوی مرکز خدمات در کنار فروش محصولات رایانه‌ای به طلاب؛
- ارسال پیامک‌های تهذیبی مرتبط با موضوع به گوشی‌های طلاب؛
- قرار دادن تلویزیون برای پخش اخبار و استفاده از برنامه‌های مفید دیگر آن در سالن

- عمومی مدرسه، البته با اعمال محدودیت‌ها و نظارت‌های لازم؛
- استفاده از مانیتور بزرگ جهت به نمایش درآوردن صفحه نخست سایت‌های خبری و تحلیلی، اخبار روز و اطلاع‌رسانی در مسیر تردد طلاب به کلاس‌ها در مدرسه؛
 - نصب تلفن عمومی به تعداد مورد نیاز در مدرسه و ...

اشتغالات غیردرسی و غیرطلبگی

برخی از طلاب ضمن تحصیل و به دلیل نیاز مالی و تأمین معاش در پی فعالیت‌هایی می‌روند که هم‌خوانی و هم‌سویی چندانی با اهداف و رسالت‌های واقعی طلبگی ندارد؛ مثل انجام امور رایانه‌ای، تدریس شیمی و ریاضی در مراکز آموزشی و امثال آن و البته متأسفانه مشاهده می‌شود که گاهی تن به کارهایی می‌دهند که دون شأن طلبگی است مثل ساخت و ساز منزل، خرید و فروش ماشین، مسافرخشی، مکانیکی، بنایی و کارگری، جوشکاری، کابینت‌سازی، نگهبانی در مجتمع‌ها و ... انجام این‌گونه مشاغل و فعالیت‌ها گرچه از روی ناچاری باشد، اغلب مانعی جدی در ادامه تحصیل و رشد و بالندگی اخلاقی و تربیتی فرد است. مگر اینکه فرد تنها به صورت پاره‌وقت و آن هم به اقتضای ضرورت‌هایی گفته شد به این امور بپردازد و با از بین رفتن اضطرار، دل به درس بدهد و سعی نماید ضعف‌های درسی خود را هرچه سریع‌تر جبران کند.

اما اگر این فعالیت‌ها، تمامی وقت فرد را گرفت به گونه‌ای که دیگر از درس و بحث و تبلیغ فاصله گرفت و فرصتی برای پرداختن به شؤون طلبگی نیافت چنین فردی عملاً از جرگه طلبگی و روحانیت خارج شده است و تنها اسم طلبه را یدک می‌کشد.

در حالی که سیره عملی بسیاری از بزرگان حوزه در امور معیشتی نشان می‌دهد که ایشان با صبر، قناعت و توکل بر خداوند متعال در همه شؤون زندگی، توانستند در مسیر طلبگی و سربازی امام زمان علیه السلام ثابت قدم بمانند و مدارج بالای علمی و معنوی را یکی پس از دیگری پیمایند.

کثرت تعطیلات حوزه و اوقات فراغت طلاب

چنان‌که در مبحث عوامل تربیتی اشاره شد، عدم استفاده درست و بهینه از فرصت تعطیلات

در حوزه و نداشتن برنامه منسجم از سوی مسئولان ستادی و مدیران مدارس، آسیب‌های مختلفی را می‌تواند متوجه روند رشد علمی و تربیتی طلاب بگذارد.

از سوی دیگر، زیاد بودن تعطیلات حوزه نسبت به سایر نهادهای آموزشی (فصل تابستان، دهه اول ماه محرم، دهه آخر ماه صفر، ماه مبارک رمضان، ایام فاطمیه، ایام شهادت اهل بیت علیهم‌السلام)، تعطیلات رسمی و مناسبت‌های متفرقه دیگر^۱ موجب طولانی شدن دوره‌های آموزشی سطوح مختلف حوزه، ناتمام ماندن بسیاری از دروس و مانعی جدی در روند آموزشی و تهذیبی مدارس علمیه می‌شود.^۲

مقام معظم رهبری دام‌الله در این باره می‌فرماید:

امروز روز شروع درس است و البته دیر هنگام، متأسفانه تعطیلی درس‌ها در حوزه‌های علمیه بیش از اندازه‌ای است که به آن احتیاج هست، ای کاش مسئولان حوزه‌های علمیه و مدرسان درس‌های بزرگ و عمده، متفکراً و مشترکاً، فکری برای کم کردن تعطیلات بکنند تا در سال تحصیلی، طلاب و علاقه‌مندان به تحصیل، این فرصت را پیدا کنند که از وقت خودشان حداکثر استفاده را بنمایند.^۳

ایشان در رابطه با روش مدیریتی آیت‌الله شهید قدوسی علیه‌السلام در مدرسه چنین می‌فرماید:

از خصوصیات دیگر برنامه‌ریزی شهید قدوسی این بود که اوقات تعطیلات را در مدرسه حقانی کم می‌کردند. حوزه‌های علمیه متأسفانه تعطیلات زیاد دارند و همه اعیاد و وفیات ائمه را تعطیل می‌کنند. ایشان فقط سه چهار مورد تعطیل می‌کرد. حتی گاهی با دوستان خدمتشان می‌رفتیم و می‌گفتیم: آقا فردا شهادت فلان امام است. آخرش می‌گفتند: من هشت امامی هستم. اگر خود امام بودند، امروز درس می‌دادند. شما چرا روز تولد امام هادی یا روز شهادت امام جواد را تعطیل می‌کنید؟ این تعطیلی چه معنایی دارد؟ شما اگر شب روضه‌ای دارید، برگزار کنید و در روز اگر برنامه‌ای دارید، اجرا کنید؛ اما چرا درستان را به خاطر شهادت این امام معصوم تعطیل می‌کنید.

۱. بسیار اتفاق می‌افتد که به خاطر حوادث و جریان‌های اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی در کشور یا جهان اسلام و جهت اعتراض به مسأله خاصی، سریع دروس را تعطیل می‌کنند! در حالی که هیچ ضرورتی برای تعطیلی دروس در تمام روز نیست و صرفاً می‌توان به تعطیلی آن یکی دو ساعت زمان تجمع یا راهپیمایی و... بسنده کرد و در بقیه ساعات طلاب سردرس حاضر باشند.

۲. برخی از مدارس با درک آسیب‌زا بودن کثرت تعطیلات و غیرضروری بودن بسیاری از آن‌ها، سعی در کاهش تعطیلی دروس کرده‌اند؛ مثلاً در روزهای شهادت اهل بیت علیهم‌السلام فقط یک ساعت به ظهر مانده درس‌ها را تعطیل می‌کنند و طلاب در مراسم عزاداری شرکت می‌کنند و در بقیه روز، دروس دایمی باشند. برخی دیگر شروع سال تحصیلی را از اول مهر به اوایل شهریور جابجا کرده‌اند. مدرسی هم هستند که روزهای پنج‌شنبه را تعطیل نمی‌کنند.

۳. بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۸۰/۶/۱۹. (حوزه و روحانیت، ص ۲۵۸)

بنابراین یکی از دقت‌هایی که ایشان داشت، این بود که حداکثر استفاده را از وقت می‌کرد؛ برای این‌که بتوانند از زمان استفاده بهینه بکنند.^۱

پوشش و وضعیت ظاهری طلاب

متأسفانه در سال‌های اخیر، وضعیت ظاهری، نوع اصلاح سروصورت و پوشش طلاب به شدت از فضای جامعه اثر پذیرفته است! به گونه‌ای که گاهی وقتی انسان وارد برخی از مدارس می‌شود احساس می‌کند وارد دبیرستان شده است... پرواضح است که عدم رعایت وضعیت ظاهری و شؤون طلبگی در این زمینه، در محیطی که همه نوجوان و جوان هستند چه قدر می‌تواند پیامدهای منفی اخلاقی و تربیتی بر جای بگذارد.

۱. «مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین علی سعیدی شاهرودی»؛ شاهد یاران، شماره ۳۸، ص ۳۳.



فصل پنجم:

برنامه جامع تربیتی سطح یک حوزه‌های علمیه



فصل حاضر به سطح بندی اهداف اخلاقی و تربیتی اختصاص یافته است. در واقع آن چه در فصل‌های پیشین گذشت، پیش‌نیازهای لازم برای تدوین این فصل بوده است. پس از انجام مطالعات و بررسی‌های کتابخانه‌ای و میدانی لازم و برگزاری جلسات کارشناسی متعدد و انجام مصاحبه با مدیران، معاونان تہذیب و اساتید مدارس علمیه کشور و بزرگان حوزه، کارشناسان تربیتی و صاحبان تجربه عملی در عرصه اخلاق و تربیت و نیز مصاحبه با تعدادی از طلاب مدارس، اطلاعات و داده‌های به دست آمده از لحاظ محتوایی تحلیل و نتایج در قالب فرم‌ها و جدول‌هایی خلاصه گردید. سپس فرم‌های یاد شده به عنوان طرح پیشنهادی در اختیار تعدادی از کارشناسان قرار گرفت و از ایشان خواسته شد نظرات اصلاحی یا پیشنهادی خود را در ارتباط با اهداف کلان، اهداف جزئی و راهکارها و برنامه‌ها بنویسند. پس از جمع‌آوری فرم‌ها، نکات اصلاحی و پیشنهادی جمع‌بندی و برای چندمین بار در جلسات متعدد کارشناسی، مورد نقد و بررسی قرار گرفتند. حاصل و نتیجه کار در صفحات بعدی گزارش خواهد شد.

با توجه به اینکه بیش تر طلبه‌ها به ویژه در مدارس علمیه شهرستان‌ها، عموماً تا پایه شش مشغول به تحصیل هستند، بر این اساس و در این نوشتار، سطح بندی و بخش عملیاتی (برنامه تہذیبی و تربیتی) حوزه برای پایه‌های شش‌گانه برنامه ریزی شد. در واقع، در این جا مشخص شده که طلبه از اولین روزی که وارد مدرسه علمیه می‌شود تا پایه ششم، دقیقاً در هر پایه چه شناخت‌ها، آموزش‌ها و مهارت‌های تہذیبی و تربیتی را باید دریافت کند و چه فرایندی را در مسیر خودسازی و رشد و تعالی اخلاقی و معنوی پشت سر بگذارد.

اگر سؤال شود که آیا طلاب بعد از پایه شش نیازی به تربیت و تہذیب ندارند که نظام‌نامه

حاضر برنامه خاصی برای آنها در نظر نگرفته است؟

در پاسخ باید گفت: اولاً اگر طلاب از بدو ورود تا پایه شش براساس برنامه‌ها و تدابیر اندیشیده شده در نظام‌نامه تربیت شوند، در این صورت از لحاظ تهذیبی و تربیتی به اندازه لازم و کافی رشد می‌کنند که بتوانند بقیه راه را به تنهایی ادامه دهند و روی پای خود بایستند. ثانیاً ان شاء الله به زودی و در ادامه همین پژوهش، سطح‌بندی و عملیاتی‌سازی نظام‌نامه برای سطوح بالاتر و نیز مراکز تخصصی حوزه انجام خواهد شد.

کلیات برنامه جامع تهذیبی و تربیتی

این برنامه در دو بخش تنظیم شده است: ۱. برنامه‌های عمومی، ۲. برنامه‌های اختصاصی. ویژگی اصلی برنامه‌های عمومی مستمر بودن آنها در طول سال و فراگیر بودنشان برای تمامی پایه‌های تحصیلی است. هدف از گنجاندن این بخش در برنامه جامع تربیتی (که تا به حال نیز با فراز و فرودهایی در بسیاری از مدارس علمیه اجرا می‌شده، مثل: برپایی نمازهای جماعت، درس اخلاق عمومی، تلاوت نور، مراسم دعا و نیایش و...) تأکید بیشتر بر اهمیت تربیتی آنها و اهتمام بر استمرار و حسن اجرای این برنامه‌ها در همه مدارس است. برنامه‌های اختصاصی با هدف تمرکز بر اصلی‌ترین اهداف اخلاقی و تربیتی، سعی دارد در سه محور «تعمیق باورها»، «آراستگی به فضائل اخلاقی و انجام واجبات» و «پیراستگی از رذائل اخلاقی و گناهان»، زمینه رشد و تعالی اخلاقی و معنوی طلاب، حوزویان و خانواده‌های آنان (همسران و فرزندان) را فراهم آورد.

در این سه محور، سعی شده اهداف تربیتی یکباره مطرح نشود که از تأثیر آن بکاهد (چه بسا امکان وقوعی هم نداشته باشد) و در طول دوره آموزش و تحصیل نیز مورد غفلت قرار نگیرد، بلکه با توزیع محورها و موضوعات در طول نیمسال‌های تحصیلی، بر این نکته تأکید دارد که تربیت امری تدریجی است و جهت تحقق اهداف تربیتی باید برنامه‌ای جامع و سطح‌بندی شده (ناظر به نیاز مخاطبان) طراحی شود تا هریک از پایه‌های تحصیلی، اهدافی دست‌یافتنی به دور از نگاه‌های آرمانی داشته باشند و به

تدریج در طول یک دوره شش ساله، نتایج مطلوب و از پیش تعیین شده حاصل گردد. نوشته حاضر، تبیین برنامه جامع و فرایند اجرای آن، برای استفاده مدیران، معاونان تهذیب و تربیت، شورای تهذیب مدارس علمیه و سایر علاقه‌مندان امر تهذیب و تربیت می‌باشد.

منطق انتخاب و جانمایی موضوعات

همچنان‌که بیان شد، با توجه به تدریجی بودن امر تربیت و نیز اهمیت توجه به اولویت‌ها، در برنامه جامع تربیتی محورها و موضوعات اخلاقی و تربیتی مورد نظر در طول شش سال تحصیلی (سطح یک) توزیع شده است. برای رسیدن به این شکل از جانمایی موضوعات و عناوین در نیمسال‌ها، ابتدا با توجه به یافته‌ها و داده‌های نظام جامع تهذیب و تربیت، نیازسنجی‌ها و آسیب‌شناسی‌های انجام شده در مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی تهذیبی معاونت، تمامی موضوعات مورد نیاز در سه محور یاد شده، شناسایی شد. سپس از بین این موضوعات، مواردی که از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار بود، تعدادی عنوان انتخاب شد. در گام بعدی با تشکیل جلسات شورای کارشناسی برنامه جامع تربیتی و مشورت با اساتید، این عناوین با یک نظم منطقی و حساب شده در شش سال توزیع شد.

در ترتیب و چینش این عناوین و موضوعات به چند نکته توجه شده است:

- در بخش عبادات و فضایل اخلاقی، سه نکته در نظر گرفته شده: یکی شروع از اعمال عبادی آسان به دشوار، دوم میزان اهمیت موضوع و تأکیدی که در شرع مقدس اسلام به آن شده و سوم ترتب منطقی موضوعات نسبت به یکدیگر.
- در بخش رذایل اخلاقی و گناهان نیز دو نکته در نظر گرفته شده: یکی میزان شیوع و گستردگی آسیب در جامعه و به تبع آن در بین طلاب و دیگر پیامدهای ناگوار آن آسیب بر زندگی معنوی و تحصیلی طلبه.

ویژگی‌های برنامه

- محوریت مدیر مدرسه در اجرای برنامه (به عنوان مسؤول تربیتی مدرسه و یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در بین طلاب)؛
- فعال‌سازی همه ظرفیت‌های تربیتی (انسانی و محیطی) مدرسه؛

- تأکید بر گفت‌وگو سازی و فرهنگ سازی موضوعات اخلاقی و تربیتی در مدرسه و استفاده بیشتر از روش‌های تربیتی غیر مستقیم، مثل روش تربیت الگویی؛
- استناد بسیاری از راهکارها، ابزارها و قالب‌های پیشنهادی در برنامه به آیات و روایات و سیره اهل بیت علیهم‌السلام و سلف صالح؛
- قابلیت نظارت و ارزیابی یکسان بر برنامه‌های تهذیبی و تربیتی مدرسه از سوی مدیر مدرسه، استان و ستاد مرکزی.

محورهای سه‌گانه

در یک تقسیم‌بندی پذیرفته شده، معارف دینی به سه بخش «اعتقادات، اخلاقیات و احکام» تقسیم شده است. امام کاظم علیه‌السلام از نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌فرماید:

إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةُ مُحْكَمَةٌ، أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ، أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ، وَمَا خَالَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ؛

که گفته شده منظور از آیه محکمه اعتقادات، فریضه عادلّه یعنی احکام (مطلق و اجبات) و سنت قائمه یعنی مستحبات و اخلاقیات.

محور نخست: تعمیق باورها

اعتقادات به منزله پایه‌های فکری می‌باشد و نتیجه شکل‌گیری صحیح آنها، تخلق به اخلاق حسنه و عمل به احکام شرعی است. به عبارت دیگر نمی‌توان فرض کرد در اعتقادات (توحید و فروع آن مانند عدل الهی، اسماء و صفات او، نبوت، امامت و معاد) خللی به وجود آید و در عین حال در مرحله اخلاقیات و عمل به احکام، هیچ تأثیری نگذارد. در واقع، بسیاری از مشکلات اخلاقی انسان ریشه در ضعف اعتقادات وی دارد. لذا «تقویت و تعمیق باورها»، نخستین محور از محورهای سه‌گانه برنامه جامع محسوب می‌شود. در قرآن کریم نیز اعتقادات بر اخلاق و عبادات و تبعیت از دستورات الهی مقدم شده است؛ آنجا که فرموده: «خالق کل شیء فاعبدوه» (انعام، آیه ۱۰۲)، «ان الله ربی وربکم فاعبدوه» (آل عمران، آیه ۵۱)، «یابنی لاتشرك بالله ان الشرك لظلم عظیم» (لقمان، آیه ۱۳)، «الا تشركوا به شیئا و بالوالدین احسانا و لا تقتلوا اولادکم من اطلاق...» (انعام، آیه ۱۵۱).

محور دوم و سوم: آراستگی و پیراستگی

اهتمام به واجبات و آراستگی به فضایل اخلاقی و پرهیز از گناهان و رذائل اخلاقی دومین محور را شامل می‌شود. قرآن کریم نیز فرموده: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیداً» و تقوا نیز چیزی جز انجام واجبات و اتصاف به فضایل و ملکات اخلاقی و اجتناب از گناهان و رذائل اخلاقی نیست. همچنین، طلبه عهده‌دار امرتعلیم و تربیت مردم است و ارتباطش با جامعه بسیار عمیق‌تر از ارتباط اصناف دیگر می‌باشد. به همین جهت و با ملاحظه اقتضائات صنف روحانیت، آشنایی با زئی طلبگی و شؤون روحانیت و رعایت آن بسیار ضروری است. خداوند متعال در توصیف پیامبر اعظم ﷺ فرموده: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، آیه ۱۵۲)؛ و در جای دیگر از زبان حضرت موسی ﷺ چنین خواسته‌ای را بیان می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي» (طه، آیات ۲۵-۲۸)، که گویای این واقعیت است که رهبران معنوی جامعه بیش از دیگران نیازمند صفاتی از قبیل دلسوزی، مشورت، حلم، شرح صدر و مانند آن می‌باشند. امام علی ﷺ در این باره فرمودند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ».

گام‌های اجرایی برنامه

گام اول: تبیین و توجیه برنامه

۱. مطالعه دقیق و آشنایی با برنامه

انتظار می‌رود مدیران و مجریان برنامه پیش از اجرا، آن را به صورت دقیق و کامل مطالعه نموده، در شورای تهذیب مباحثه کنند تا به فهم مشترک و یکسانی از این برنامه برسند. سپس تمامی عوامل اجرایی برنامه را نسبت به آن توجیه نمایند.

۲. توجیه برنامه در سطح اساتید و کادر مدرسه

با توجه به اینکه اجرای موفقیت‌آمیز برنامه منوط به همکاری و همدلی کادر و اساتید مدرسه است، شایسته است این بزرگواران نیز نسبت به برنامه توجیه شوند تا در مقام اجرا هیچ‌گونه ابهام و دوگانگی در مدرسه پیش نیافتد.

۳. توجیه برنامه در سطح طلاب مدرسه

نظر به اینکه مخاطب اصلی این برنامه، طلاب مدارس علمیه می‌باشند، نیاز هست آنها نیز تا حدودی نسبت به برنامه جامع تربیتی توجیه شوند.

گام دوم: اجرای برنامه

اولین گام در اجرای برنامه تشکیل شورای تهذیب و تربیت مدرسه است. پس از آن، برنامه طبق موضوعات و عناوین مشخص شده، با رویکرد گفتمان‌سازی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های تربیتی موجود در مدرسه آغاز می‌شود. با توجه به ظرفیت فوق‌العاده‌ای که فضای گفتمان‌سازی و جریان‌سازی در اثربخشی برنامه‌های تربیتی دارد، باید بخش قابل توجهی از فعالیت‌های تربیتی مدرسه به این حوزه معطوف گردد. تشکیل حلقات و گروه‌های تربیتی، همیاران تربیتی، هیئت مدرسه و... از جمله این ظرفیت‌هاست که مدارس علمیه به فراخور امکانات و استعدادهایی که دارند می‌توانند از آنها به بهترین شکل ممکن در راستای اهداف تهذیبی مدرسه بهره بگیرند.

گام سوم: ارزیابی و بازخوردگیری

با توجه به اینکه ارزیابی و بازخوردگیری در دستیابی به اهداف ترسیم شده، نقش مهمی را ایفا می‌کند؛ ارزیابی برنامه در دو حیطة کمی و کیفی انجام می‌شود تا در ضمن شناسایی آسیب‌ها و مشکلات احتمالی در روند اجرایی و ارائه راهکار، تکامل مستمر برنامه را نیز شاهد باشیم. همچنین، نظریه تأکید مدیر محترم حوزه‌های علمیه، آیت‌الله اعرافی و معاونت تهذیب و تربیت حوزه، مبنی بر تداوم میثاق طلبگی و برگزاری میثاق‌های ۲، ۳ و ۴ در پایان سال‌های اول و سوم و ششم، ارزیابی‌های صورت گرفته در برنامه جامع در طول سال‌های تحصیلی،

کمک خواهد نمود تا میزان رشد اخلاقی و تربیتی طلاب در این سه مقطع، به صورت دقیق‌تر و واقع‌بینانه‌تری مورد سنجش قرار بگیرد.

ارکان اجرایی برنامه جامع

با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام شده و نتایج آسیب‌شناسی اخلاقی و تربیتی که بدان اشاره شد، مدیران و اساتید مدارس بیشترین سهم و نقش را در رشد و پیشرفت علمی و اخلاقی طلاب دارند. به همین جهت در برنامه جامع به‌طور ویژه به نقش تربیتی این دو گروه تأکید و بیشترین بار تربیتی طلاب بردوش آنها نهاده شده است؛ در واقع، مدیر مدرسه مسئول اجرای برنامه می‌باشد و معاون تهذیب مدرسه نیز به عنوان بازوی اجرایی مدیر خواهد بود. اساتید نیز در قالب شورای تهذیب و هم در کلاس‌های درسی از لحاظ تهذیبی و تربیتی نقش‌آفرین خواهند بود. در ادامه توضیح کوتاهی در اهمیت نقش تربیتی مدیر و استاد ارائه شده است.

۱. مدیر

گرچه در تهذیب و تربیت طلبه، عوامل گوناگونی مانند خانواده، اساتید، کادر، دوستان و هم‌سالان، قوانین و مقررات، محیط مدرسه و... مؤثر هستند؛ ولی شاید مهم‌ترین عامل، مدیر مدرسه باشد که مسئولیت اصلی امر تعلیم و تربیت طلاب در مدرسه متوجه اوست و می‌تواند همه امکانات و ظرفیت‌های مدرسه را برای تهذیب طلاب بسیج کند.

مدیر مدرسه، نقش دوگانه‌ی مستقیم و غیرمستقیم دارد. او از لحاظ مدیر بودن بازمینه‌سازی‌های مناسب در مدرسه از قبیل برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی درست و انگیزه‌بخشی به وسیله دعوت از اساتید مهذب و توانمند، اهمیت دادن به رشد معنوی و تشویق طلبه به سمت گرایش‌های معنوی، انجام عبادات و نیز توجه به نیازهای عاطفی، روانی، معنوی و اجتماعی طلبه، می‌تواند زمینه مناسب رشد اخلاقی طلاب مدرسه را فراهم سازد و به صورت غیرمستقیم تأثیرگذار باشد. نیز به جهت جایگاه مدیریتی و رهبری که در مدرسه دارد، خواه و ناخواه به عنوان الگوی عملی نگریسته می‌شود و طلاب از او به صورت مستقیم تأثیر می‌پذیرند.

همچنین، اولویت دادن مدیر به برنامه‌های اخلاقی و عبادی، سایر برنامه‌ها را تحت تأثیر قرار

داده و عوامل دیگر مدرسه نیز خود را با این اولویت‌ها هماهنگ می‌سازند.

۲. استاد

اساتید باید یکی از اهتمام‌هایشان شاگردپروری باشد. ارزش استاد، اعتبار استاد در بیرون، به شاگردان اوست. در حوزه‌های علمیه‌ی ما هم همین‌طور است. آن استاد، آن فقیه یا اصولی یا حکیمی ارزش بیشتری در چشم‌ها دارد که آثار وجودی او به شکل شاگردان و تلامذه‌ی برجسته‌ی او، خودش را نشان بدهد. شاگردپروری کنید. این افرادی که می‌آیند در کلاس‌های درس شما - چه در دوره‌های کارشناسی، چه در دوره‌های تحصیلات تکمیلی - می‌نشینند و شما با این‌ها به عنوان استاد مواجه می‌شوید، این‌ها را نباید به حساب یک مستمع یک سخنرانی، یک منبر به حساب آورد؛ نه، باید مثل مصنوعی که این‌ها را می‌خواهید با دست خودتان بسازید، با این‌ها برخورد کنید. البته استعدادها یکسان نیست، شوق‌ها یکسان نیست، زمینه‌ها و فضاهای گوناگون یکسان نیست؛ اما این هدف برای اساتید، به نظر من یک هدف جدی باید باشد. نگاه کنید ببینید چقدر شاگرد پرورش دادید. شاگرد فقط آن کسی نیست که سر کلاس حاضر می‌شود؛ آنی است که به وسیله‌ی شما ساخته می‌شود و تحویل داده می‌شود به دنیای علم، به عنوان یک نیروی کارآمد و علمی. استاد نیز همانند مدیر مدرسه و بلکه از جهاتی بیشتر از وی در تربیت و تهذیب طلاب مؤثر است؛ چرا که بیشترین ارتباط را با طلبه دارد و ماندگارترین اثر را در ذهن و دل طلبه برجای می‌گذارد. نقش استاد در شکل‌دهی به اندیشه و انگیزه و رفتار طلبه بی‌همتاست و بیشترین رسیدگی در حق طلبه نیز از استاد انتظار می‌رود. این ویژگی مرهون عوامل زیر است:

نخست این‌که بستر تربیت و تحول انسان، ارتباط است و فرصت استاد برای ارتباط با طلبه از همه بیشتر است. استاد روزانه با طلبه مرتبط است و فرصت تأثیرگذاری طولانی در اختیار دارد. می‌تواند در این فرصت حرف بزند، عاطفه بورزد، برانگیزد، راهنمایی کند، هشدار دهد، بشکند، بسازد و برافروزد.

دوم: طلبه در مقابل مقام علمی استاد به نحو طبیعی کرنش می‌کند و مسحور و مرعوب

جلوه‌گری علمی او می‌گردد. طلبه، کوچکی خود را در مقابل استاد به علم حضوری درمی‌یابد و گارد دفاعی خود را در برابر عظمت او می‌گشاید. گویا این اعتبار علمی خودبه‌خود به شخصیت استاد نیز سرایت می‌کند و به اعتبار شخصیتی تبدیل می‌گردد و اعتماد می‌آفریند؛ اعتمادی که بزرگ‌ترین سرمایه در اثرگذاری تربیتی است.

سوم: استاد برخلاف مدیر، معاون آموزش، معاون تهذیب، کادر اجرایی و حتی استاد اخلاق مدرسه با گروه محدودتر و جمعیت کمتری روبه‌روست و مشکلات آنان را از نمای نزدیک می‌بیند و با سرعت و دقت بیشتری درمی‌یابد و امکان شناخت استعدادها و قوت و ضعف طلبه را بیش از همه و پیش از همه دارد.

چهارم: انس و صمیمیت استاد در ارتباط طولانی با طلبه روزبه‌روز بیشتر می‌شود و زمینه اثرگذاری و نقش‌آفرینی او هموارتر می‌گردد. همین انس و صمیمیت است که طلبه را به درددل با استاد و بیان مسائل فردی خود تشویق می‌کند و از او آذن خیر و سنگ صبوری برای مشکلات طلبه پدید می‌آورد.

تأثیر استاد در طلبه قطعی است؛ استاد حتی اگر نداند و نخواهد، رنگ شخصیت خود را به طلبه انتقال می‌دهد و ناهشیار بر او اثری می‌افکند. این فرایند ناخودآگاه را باید شناخت و مدیریت کرد و از ظرفیت آن به نفع تربیت بهره‌گرفت؛ تربیتی پنهان و نامرئی فراتر از آموزه‌ها و ارتباطات کلاسیک که می‌توان بهینه‌اش ساخت و به کارش گرفت.

البته توجه داریم که درجه اثرگذاری استاد و اثرپذیری طلبه از استاد به عوامل گوناگونی بستگی دارد؛ بنابراین تأثیر همه اساتید مانند هم نیست همان‌گونه که تأثیریک استاد در همه شاگردان مشابه نیست.

نکته‌ی بعدی این‌که در شرایط فعلی و با توجه به انتظارات و مطالبه‌های فراوانی که از طلبه معاصر وجود دارد، استاد با اکتفا به تدریس معمولی و بدون دغدغه‌مندی‌ها و دلسوزی‌های لازم نمی‌تواند نقش مؤثری در تعلیم و تربیت شاگردان داشته باشد، بلکه نیازمند حرکتی جهادی و همتی بسیار بلند است تا بتواند نقش‌آفرین باشد.

۳. راهکارهای ترغیب اساتید به نقش آفرینی تربیتی

- برگزاری جلسات مستمر توجیهی با اساتید؛
- ترغیب اساتید برای شرکت در دوره‌ها و کارگاه‌های دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی تهذیبی و تربیتی؛
- ایجاد زمینه ارتباط اساتید با طلاب و فراهم آوردن امکان سرکشی به حجره‌ها؛
- فراهم آوردن امکان اسکان اساتید دارای صلاحیت الگودهی در حجره‌های مدرسه و تشویق آنان به این امر؛
- دعوت از اساتید برای شرکت در اردوها، برنامه‌های تفریحی، زیارتی، سیاحتی و فعالیت‌های تهذیبی مدرسه؛
- ملاحظه‌ی ویژگی‌های تهذیبی اساتید در تقدیر از آنان در روز معلم؛
- نظارت مستمر بر ارتباطات تربیتی اساتید و ارائه‌ی پیشنهادهای و تذکرها‌ی لازم به آن‌ها؛
- شناسایی و تشویق اساتید تأثیرگذار تربیتی و بازگویی اقدام‌های تربیتی آنان جهت الگوسازی برای دیگران؛
- برگزاری جلسات انجمن اولیا و مربیان با حضور اساتید، جهت ایجاد دغدغه‌های تهذیبی و تربیتی؛
- فضا سازی و نصب احادیث و پیام‌های اخلاقی با محتوای احساس مسئولیت نسبت به طلبه در اتاق اساتید مدرسه.

الف. برنامه‌های عمومی

ویژگی اصلی برنامه‌های عمومی مستمر بودن آنها در طول سال، فراگیر بودنشان برای تمامی پایه‌های تحصیلی و لازم الاجرا بودن آنهاست. هدف از این بخش در برنامه جامع، تأکید بیشتر بر اهمیت تربیتی آنها و اهتمام بر حسن اجرای این برنامه‌ها در همه مدارس است. ایجاد نظم، عادت و نشاط در انجام برنامه‌های تهذیبی، انس با قرآن و ادعیه، ارتقاء امور معنوی مدرسه، توسعه و تقویت برنامه‌های عبادی جمعی، احیای سنت‌ها و سیره سلف صالح و... از دیگر اهداف این برنامه‌ها می‌باشد.

فهرست برنامه‌های عمومی

۱. تبیین نکات اخلاقی از قرآن و عترت؛
۲. درس اخلاق عمومی؛
۳. نشست صمیمی مدیر و اساتید با طلاب؛
۴. ارتباط مدیر با خانواده‌ها؛
۵. دیدار با علما؛
۶. نماز جماعت؛
۷. تلاوت نور؛
۸. سحرخیزی؛
۹. بصیرت‌افزایی و حفظ روحیه انقلابی؛
۱۰. ورزش و نشاط؛
۱۱. مراسم ملی و مذهبی.
۱۲. حضور ناظر شب؛
۱۳. تشکیل همیاران تربیتی؛
۱۴. هیئت مدرسه؛
۱۵. محفل انس با قرآن.

۱. تبیین نکات اخلاقی از قرآن و عترت

برای هر نیمسال تحصیلی (۱۵ هفته)، آیات و روایاتی از سوی ستاد آماده شده که باید از سوی اساتید در ابتدا یا انتهای کلاس‌های درسی به مدت حداکثر ۵ دقیقه تبیین گردد. این برنامه در ابتدای هر هفته در اختیار چند نفر از اساتید منتخب اخلاقی در پایه‌های مختلف تحصیلی قرار می‌گیرد و از ایشان خواسته می‌شود برای تبیین موضوعات هفته تا پایان نیمسال همکاری نماید.

۲. درس اخلاق عمومی

امام جواد علیه السلام می‌فرماید:

المؤمنُ یحتاجُ إلى توفیقٍ من الله وَاِعْظِ مِنْ نَفْسِهِ وَقَبُولٍ مِمَّنْ یُنصَحُهُ؛

مؤمن، نیازمند توفیقی است از خدا و اندرزگویی از درون خود و پذیرش از کسی که او را نصیحت می‌کند. بی‌تردید، حضور یک استاد مهذب و صاحب نفس در مدارس علمیه و برگزاری جلسه‌های موعظه و اخلاق، یکی از ضرورت‌های تربیت اخلاقی است. در گذشته‌های دور، بسیاری از بزرگان علم و اخلاق، حجره‌ای در مدرسه داشتند و بیشتر وقت و همت خود را صرف آموزش و تربیت طلاب می‌کردند.

با مروری بر سیر اخلاقی و معنوی حوزه‌های علمیه در طول تاریخ، آشکارا می‌بینیم که هر جا تهذیب و تربیت طلاب، تحت اشراف و هدایت عالمی ربانی و انسانی کامل بوده، موفقیت‌های اخلاقی و معنوی فراوانی در پی داشته و انسان‌های وارسته‌ی بسیاری تحویل حوزه‌ها شده است. چنان‌که در دو قرن اخیر، اساتید فرزانه‌ای را می‌یابیم که با مراقبت و تدبیر، فرزندان زمان را با معیارهای کاملاً شرعی پدید آوردند.

امام خمینی ره در اهمیت وجود استاد و مربی اخلاق و لزوم تشکیل جلسه‌های درس اخلاق می‌فرمایند:

در زمینه‌ی تهذیب و تزکیه‌ی نفس و اصلاح اخلاق، برنامه تنظیم کنید؛ استاد اخلاق برای خود معین نمایید؛ جلسه‌ی وعظ و خطابه، پند و نصیحت تشکیل دهید. خودرو نمی‌توان مهذب شد. اگر حوزه‌ها همین طور از داشتن مربی اخلاق و جلسات پند و اندرز خالی باشد، محکوم به فنا خواهد بود. چطور شد علم فقه و اصول به مدرّس نیاز دارد، درس و بحث می‌خواهد، برای هر علم و صنعتی در دنیا استاد و مدرس لازم است، کسی خودرو و خودسر در رشته‌ای متخصص نمی‌گردد، فقیه و عالم نمی‌شود، لکن علوم معنوی و اخلاقی، که هدف بعثت انبیا و از لطیف‌ترین و دقیق‌ترین علوم است، به تعلیم و تعلم نیازی ندارد و خودرو و بدون معلم حاصل می‌گردد؟ کراا شنیده‌ام سید جلیلی معلم اخلاق و معنویات استاد فقه و اصول، مرحوم شیخ انصاری بوده است.

مقام معظم رهبری علیه السلام نیز در همین زمینه خطاب به بزرگان حوزه می‌فرمایند:

من از بزرگان حوزه خواهش می‌کنم، درس اخلاق و تهذیب را برای جوانان مستعد، روشن و نورانی - که در این حوزه فراوان هستند - جدی بگیرند.

چند پیشنهاد کاربردی:

- استفاده بهینه از ظرفیت تربیتی اساتید اخلاق موجود در شهرستان‌ها و شهرهای همجوار؛
- شناسایی، جذب و به‌کارگیری اساتید آموزشی مهذب، موجه و انقلابی در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها؛
- توجیه اساتید اخلاق اعزامی از قم نسبت به سیاست‌های تهذیبی و تربیتی و مشکلات و نیازهای اخلاقی و تربیتی مدرسه از سوی مدیر یا معاون تهذیب در بدو ورود به مدرسه؛
- اختصاص بهترین ساعت از شبانه‌روز و بانشاط‌ترین زمان طلاب برای برگزاری درس اخلاق در مدرسه؛
- حضور مدیر و ترغیب اساتید و کادر برای شرکت در درس اخلاق؛
- ترغیب طلاب و ایجاد انگیزه توسط اساتید آموزشی برای حضور طلاب در درس اخلاق؛
- لزوم استمرار در برگزاری درس اخلاق هفتگی؛
- برگزاری نشست‌ها و سخنرانی‌های اخلاقی و تربیتی از سوی مدیر یا اساتید توانمند (بیان تفسیر قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجاده و...).

۳. نشست صمیمی مدیر و اساتید با طلاب

جهت ایجاد اعتماد بین مدیر و طلاب لازم است نشست‌های صمیمی مدیر با طلاب صورت گیرد. برای این منظور پیشنهاد می‌شود:

- حضور مدیر و اساتید در حجرات، هم‌سفره شدن با طلاب، شرکت در اردوها و...؛
- برگزاری جلسه پرسش و پاسخ و مشارکت طلاب در بحث‌ها؛
- پیشنهاد می‌گردد این جلسات در صورت امکان به همراه اطعام باشد.

۴. ارتباط مدیر با خانواده‌ها

با توجه به دشواری و پیچیدگی امر تربیت به‌ویژه تربیت اخلاقی و معنوی و اینکه مدیر یا والدین به تنهایی از عهده تربیت طلبه برنمی‌آیند، لازم است بین مدرسه و والدین هماهنگی و همراهی مناسب و مستمری شکل بگیرد تا این امر به شایستگی محقق شود. از این رو،

پیشنهاد می‌شود مدیر مدرسه جلسه‌ها و نشست‌هایی را با والدین طلاب (به‌ویژه طلاب پایه‌های پایین‌تر) ترتیب دهد و آنان را نسبت به مسائل طلبگی و وظایفی که در برابر فرزند طلبه‌شان دارند، توجیه کنند؛ در مورد بایدها و نبایدهای زمان حضور فرزندشان در منزل و مراقبت‌ها و حمایت‌های مورد نیاز در ایام تعطیلی حوزه و...، نکته‌های لازم را متذکر شوند. خانواده‌ها هم اگر نکته‌ای داشته باشند، بیان و پاسخ‌های لازم را دریافت کنند. به تعبیری یکی از مدیران موفق، «فرزند مردم (در مدرسه) امانت است در دست مدیر و طلبه مدیر (در منزل) امانت است در دست والدین»، لذا باید از امانت‌های مردم مراقبت شایسته‌ای صورت بگیرد. چند پیشنهاد در این زمینه:

- سرکشی به خانواده‌ها به بهانه‌ها و مناسبت‌های مختلف (مثل عیادت هنگام بیماری، زیارت هنگام بازگشت والدین از سفرهای زیارتی، موقع تلبس طلبه، جلسه افتتاحیه و اختتامیه و...) و تلاش برای حل مشکلات احتمالی آنها در صورت امکان؛
- تشکیل انجمن اولیای مدرسه؛
- حضور در برنامه‌های خانوادگی طلاب؛
- برگزاری مراسم مذهبی با حضور خانواده‌ها حداقل یک‌بار در سال.

۵. دیدار با علما

جهت انس طلاب با علما لازم است جلساتی تشکیل و از مواعظ و نصایح علما و بزرگان حوزه استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود:

- حضور در منزل علما در اعیاد و وفیات و سایر مناسبت‌ها؛
- شرکت در نماز جماعت و برنامه‌های خاص آنها؛
- دعوت از علما در مراسم و برنامه‌های ویژه مدرسه، مثل جشن عمامه‌گذاری، عید غدیر و...؛
- برگزاری اردوی دیدار با علمای شهرهای دیگر.

۶. نماز جماعت

در آموزه‌های اسلامی و واجبات عبادی، نماز اولین و مهم‌ترین وسیله تقرب به خداوند متعال

است که از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نماز جماعت یکی از مهم‌ترین فرصت‌های تربیتی به شمار می‌آید، لذا از این ظرفیت عظیم باید به نحو شایسته‌ای در مدرسه استفاده شود. در این رابطه چند نکته قابل ذکر است:

- توجه به اینکه اصل در نماز، جماعت است؛
- توجه به حکمت و آثار اخروی و دنیوی، فردی و اجتماعی و تربیتی نماز جماعت؛
- توجه به سیره معصومین علیهم‌السلام و علمای ربانی در اهتمام به جماعت؛
- توجه به پیامدهای زیان‌بار ترک جماعت؛
- اهتمام به حضور حداکثری طلاب در نمازهای جماعت؛
- توجه و اهتمام مدیر، کادر و اساتید به شرکت در نماز جماعت مدرسه؛
- پرهیز از برنامه‌ریزی آموزشی و خودداری از تشکیل جلسات در وقت نماز؛
- توجه به وظیفه امر به معروف در امر جماعت؛
- برنامه‌ریزی برای حضور طلاب مدرسه به شکل دسته‌جمعی حداقل ماهی یک‌بار در نمازهای جماعت علمای بزرگ شهر؛
- برپانمودن نمازهای جماعت برخوردار از شرایط مطلوب (دقت در انتخاب امام، شخصیت اخلاقی و قرائت وی، نظم در شروع و پایان نماز، نظافت مسجد و نمازخانه، خوش‌بو کردن فضا، فضاسازی معنوی و...).

نکاتی که در نماز جماعت مد نظر هست:

قبل از نماز:

- آشنا نمودن طلاب با احکام نماز جماعت؛
- اهتمام جدی به تصحیح قرائت نماز طلاب؛
- فضاسازی مناسب محل اقامه نماز؛
- اهتمام به طهارت و پاکیزگی مکان نماز جماعت (جاکفشی مناسب، نظافت فرش‌ها، در و دیوار و...).

- حضور به موقع در نماز؛
- ترغیب به خواندن نوافل روزانه؛
- تذکر: به دلیل تنوع مضامین و تعدد تعقیبات نمازها، بهتر است هر هفته یکی از ادعیه در محل اقامه نماز نصب گردد تا به مرور زمان، طلاب تعقیبات را حفظ نمایند؛

حین نماز:

- پوشش مناسب (ترغیب طلاب به استفاده از عبا)؛
- تلاش برای ایجاد تمرکز حواس و حضور قلب؛
- برگزاری منظم نماز (نظم صف‌های جماعت، تبعیت از امام جماعت و...)
- اجرای برنامه شمیم احکام؛
- تذکر: حتی الامکان بین نمازها برنامه گذاشته نشود.

بعد از نماز:

- قرائت ادعیه و تعقیبات کوتاه؛
- تلاوت یک صفحه از قرآن کریم بعد از نمازهای صبح و عشاء؛
- سخنرانی‌های کوتاه اخلاقی توسط اساتید یا طلاب؛
- گاهی پخش کلیپ‌های مختلف اخلاقی و بصیرتی.

۷. سحرخیزی

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا.

ما همت کنیم، طلبه را اهل نماز شب کنیم؛ این خیلی کمک می‌کند. برنامه‌ریزی کنید که از میان پنجاه هزار طلبه حوزه قم ... اقلاً سی هزارتاشان هر شب نماز شب بخوانند. اگر این شد به نظر من حوزه از جهت اخلاقی راه می‌افتد.

نظربه سیره علما و بزرگان حوزه در سفارش و اهتمام به تهجد و سحرخیزی، نکات ذیل پیشنهاد می‌شود:

- پخش مناجات، قرآن یا دعا از بلندگوی مدرسه با صدای بسیار ملایم و دل‌نشین، حدود

- نیم ساعت قبل از اذان صبح به مدت ۵ دقیقه؛
- تعیین گروه مسئول بیداری از بین طلاب هر حجره که آماده همکاری هستند تا طلاب علاقه‌مند به تهجد را بیدار کنند؛
- اعلام ساعت خاموشی رأس ساعت ده و نیم شب و نظارت بر حسن انجام آن؛
- سفارش طلاب به رعایت آداب قبل از خواب (وضو، قرائت سوره واقعه، روزه قبله بودن، اذکار خاص و...).

۸. تلاوت نور

أَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ.. (مزمّل/۲۰)؛

به اندازه‌ای که برای شما ممکن است از قرآن تلاوت کنید.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

- مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنَ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ وَجَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَكَانَ الْقُرْآنُ حَجِيزًا عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

هر جوان مؤمنی که در جوانی قرآن تلاوت کند، قرآن با گوشت و خونس می‌آمیزد و خداوند عزوجل او را با فرشتگان بزرگوار و نیک قرار می‌دهد و قرآن نگهبان او در روز قیامت، خواهد بود.

- الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً؛

قرآن عهد خداوند و فرمان او است بر خلقش پس سزاوار است برای شخص مسلمان که در این عهد و فرمان خدا نظر افکند و روزی پنجاه آیه از آن بخواند.

برای این منظور پیشنهاد می‌شود:

- تلاوت روزانه قرآن توسط طلاب قاری و خوش‌لحن در دو وعده بعد از نمازهای جماعت صبح و عشا؛
- تشکیل جلسه قرائت قرآن کریم با حضور استاد تجوید هر هفته یک جلسه توسط همیاران قرآنی؛
- اجرای برنامه ختم قرآن غیرحضورى با ثبت نام طلاب و خانواده‌ها و اهدای ثواب ختم به ساحت مقدس معصومان علیهم السلام، روح مطهر امام و شهدا و...

۹. بصیرت‌افزایی و حفظ روحیه انقلابی

با توجه به اینکه انقلاب اسلامی حاصل پایداری، رشادت و خون دل خوردن‌های علمای بزرگ، شهدا و رزمندگان اسلام می‌باشد، برای صیانت از انقلاب و راه شهدا و افزایش بصیرت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی طلاب، رعایت نکات زیر پیشنهاد می‌شود:

- تشویق طلاب به مطالعه منشور روحانیت و وصیت‌نامه حضرت امام فَتَّوْهُ و وصیت‌نامه شهدا؛
- پخش کلیپ‌های بصیرتی از فرمایشات مقام معظم رهبری دام‌ظله؛
- دعوت از شخصیت‌های کشوری و لشکری برای حضور در جمع طلاب و پاسخ‌گویی به سؤالات و ارائه تحلیل‌های سیاسی؛
- تشکیل محافل انس با خانواده‌ها و هم‌رزم‌های شهدا جهت ارتقاء روحیه ایثار و فداکاری طلاب؛
- برگزاری مراسم شبی با شهدا و بیان سیره شهدا؛
- توجه ویژه به اردوهای راهیان نور و اردوهای جهادی؛
- ترویج و گسترش فرهنگ و گفتمان انقلابی و روحیه بسیجی در مدرسه؛
- برگزاری جذاب و شورانگیز مراسم ملی جهت افزایش اطلاعات و ایجاد شور انقلابی؛
- ایجاد شرایط برای شنیدن یک یا دو وعده اخبار تلویزیونی و پخش مشروح سخنرانی‌های مقام معظم رهبری دام‌ظله.

۱۰. ورزش و نشاط

الف. برنامه‌ریزی ورزشی:

در آموزه‌های اسلامی بر تقویت قوای جسمانی تأکید و مؤمن نیرومند ستایش شده است و امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز در دعای کمیل از خداوند متعال می‌خواهد تا جسمی نیرومند برای خدمت به دینش به او عنایت بفرماید.

بنابراین، اهمیت و ضرورت ورزش و فعالیت بدنی بر کسی پوشیده نیست و امروزه یکی از نیازهای اصلی و ضروری انسان معاصر به شمار می‌آید و متولیان امر و کارشناسان تربیتی، همگی بر این امر اذعان و تأکید دارند.

امام خمینی فَتَّوْهُ در کلام زیبایی در اهمیت ورزش چنین می‌فرماید:

عقل سالم، در بدن سالم است. ورزش همان طور که بدن را تربیت می‌کند و سالم می‌کند، عقل را هم سالم می‌کند و اگر عقل سالم باشد، تهذیب نفس هم دنبال او باید باشد.

با توجه به نوع فعالیت روزانه‌ی طلاب و روحانیان که بیشتر به کار ذهنی و علمی مشغول و اغلب از تحرک و فعالیت بدنی کمی برخوردار هستند، اهمیت ورزش و تفریح به مراتب بیشتر می‌شود. به ویژه در مورد طلاب مدارس علمیه که همه نوجوان و جوان و در سنین رشد و هیجان هستند، ورزش یکی از روش‌های سالم و مؤثر تخلیه‌ی هیجانی، تفریح و رفع کسالت و خستگی روحی و روانی و پیش‌گیری از بیماری‌ها و مشکلات جسمی به شمار می‌رود.

متأسفانه در مدارس که به این ضرورت توجه جدی نمی‌شود و طلاب تحرک کافی ندارند، شاهد بروز برخی از مشکلات جسمی و ناهنجاری‌های روحی و روانی و اخلاقی هستیم. ضعف‌های جسمانی، سردردهای عصبی، اضطراب، افسردگی، اختلالات خواب، آسیب‌های جنسی و... از این قبیل هستند.

تحصیل، تهذیب و ورزش توصیه همیشگی مقام معظم رهبری دامت‌تعالی به جوانان بوده است و در فرمایشی در اهمیت ورزش برای طلاب می‌فرماید:

طلبه باید روحیه جوانی را با همه خصوصیات جوانی حفظ کند... این جوانی، نباید به پیری تبدیل شود. اگر جوان ما ظاهراً و سناً جوان، ولی روحیتاً پیرو بی‌نشاط و بی‌حوصله و بی‌ابتکار و ناامید باشد، بسیار چیز بدی است. طلبه باید منشأ امید و شور و نشاط و تحرک باشد.

راهکارها و پیشنهادها

- تهیه فضا، امکانات و لوازم ورزشی مورد نیاز برای مدرسه؛ مثل میزپینگ‌پنگ، زمین و تور والیبال، بسکتبال، وسایل عمومی بدن‌سازی و... با توجه به جمعیت طلاب و فضای موجود (از طریق مرکز امور طلاب، شهرداری‌ها و...)
- تشویق طلاب به ورزش، به ویژه ورزش‌های گروهی؛
- اطلاع‌رسانی به طلاب درباره‌ی آثار و برکات ورزش در تهذیب، سلامت جسمانی، بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی آنان (از طریق تهیه و توزیع جزوه، بروشور، کتاب، سی‌دی و پخش فیلم و کلیپ ورزشی میان طلاب)؛

- برنامه‌ریزی و تدارک امکانات لازم برای کوهنوردی هفتگی یا ماهانه‌ی طلاب (در مناطقی که دسترسی آسان به کوه ممکن است) و برگزاری اردوهای تفریحی ورزشی در روزهای تعطیلی؛
- برگزاری کلاس‌های آموزشی رزمی و دفاع شخصی، برای ایجاد انگیزه، نظم و تداوم ورزش طلاب و نیز بالا بردن روحیه و آمادگی جسمی آنان؛
- فراهم کردن امکان دسترسی طلاب به باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی بیرون از مدرسه (اگر در مدرسه، سالن ورزشی مطلوب وجود ندارد)، البته با اعمال نظارت‌های لازم و کافی؛
- پخش دعاها، ذکرها، مداحی‌ها و سرودهای انقلابی و حماسی مناسب با فضای ورزش برای ایجاد انگیزه‌ی معنوی و نشاط روحی بیشتر؛
- تشویق طلاب متخلق ورزشکار و

ب. برنامه‌ریزی تفریحی:

امام رضا علیه السلام تفریح سالم را مهم‌ترین عامل توفیق برانجام وظایف دینی و اجتماعی دانسته، می‌فرماید:

اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ - سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشِرَةِ الْإِخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ يُعْرِفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ وَ يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ هَذِهِ السَّاعَةُ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثَةِ سَاعَاتٍ؛

کوشش کنید اوقات روز شما چهار ساعت باشد: ساعتی برای عبادت و مناجات با خدا، ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب‌هایتان آگاه سازند و در باطن به شما خلوص دارند و ساعتی را هم به تفریح‌ها و لذایذ اختصاص دهید و با این بخش از زندگی، قادر خواهید بود آن سه بخش دیگر را به خوبی انجام دهید.

حضرت در این روایت شریف تأکید می‌کنند که با برنامه‌ریزی و پرداختن به لذت‌های حلال و تفریح سالم است که انسان می‌تواند در سه بخش دیگر امور زندگی موفق باشد و آن‌ها را به خوبی انجام دهد.

با توجه به این روایات، نقش و اهمیت تربیتی تفریح سالم و حلال در زندگی انسان، به‌ویژه طلاب و روحانیان و خانواده‌های ایشان، با توجه به محدودیت‌هایی که نسبت به سایر اقشار مختلف مردم در زمینه‌ی امور تفریحی در جامعه دارند، روشن می‌شود. تلاش برای فراهم کردن و تسهیل این امور در مدارس علمیه، می‌تواند در نشاط روحی و روانی طلاب و در نتیجه رشد

علمی و معنوی آنان بسیار مؤثر باشد و این مسأله، مسؤولیت متولیان امر را دو چندان می‌کند.

راهکارها و پیشنهادها

- برنامه‌ریزی منظم برای مسافرت‌های هفتگی، ماهانه، فصلی و سالیانه درون شهری و برون شهری؛
- برنامه‌ریزی برای حضور در طبیعت، جنگل، دریا، کویر، کوه و...؛
- برنامه‌ریزی برای حضور در اماکن زیارتی و سیاحتی؛
- فضاسازی نشاط‌انگیز محیط مدرسه؛
- برگزاری پُرشور، مفرح و جذاب جشن‌های مذهبی و ملی در مدرسه؛
- برگزاری ورزش‌های مفرح گروهی؛ مثل شنا، سوارکاری، تیراندازی، والیبال و... .
- تذکر: جهت برگزاری مفرح برنامه‌ها از لوح فشرده و کتاب «شیوه اردو داری» ارسالی از استاد استفاده شود.

۱۱. مناسبت‌ها و مراسم ملی و مذهبی

از جمله فرصت‌ها و بسترهای بسیار مناسب برای انجام فعالیت‌های تهذیبی و تربیتی، مناسبت‌های ملی و مذهبی است. برنامه‌ها، دعا‌های وارده و اعمال خاص ماه‌های شریفی چون رجب المرجب، شعبان المعظم، رمضان المبارک، محرم الحرام و صفر، ایام فاطمیه و نیز اعیاد و وفیات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام فرصت بسیار مغتنمی برای فعالیت‌های تهذیبی و تربیتی در مدرسه است.

هفته بسیج، هفته دفاع مقدس، دهه فجر، ایام رحلت امام خمینی ره و... نیز از مناسبت‌های ملی و فرصت‌های ارزشمندی است که می‌تواند در راستای پیشبرد اهداف تهذیبی و تربیتی به کار گرفته شوند.

تصمیم‌گیری در مورد چگونگی استفاده از این ظرفیت‌ها بر عهده شورای تهذیب و تربیت مدرسه است.

۱۲. حضور ناظر شب

لازم است مدیر مدرسه نظارت مستقیم یا غیرمستقیم شبانه روزی نسبت به اخلاق و آداب و تربیت طلاب داشته باشد. بنابراین حضور مستمر یک نفر از اساتید یا کادر (مدیر و معاونین) در مدرسه به عنوان ناظر شب جهت نظارت بر حسن اجرای برنامه‌ها با نگاه تربیتی ضروری می‌باشد.

اهم وظایف:

۱. نظارت بر ساعت خواب و بیداری؛
۲. رسیدگی به امور جاری مدرسه؛
۳. نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های تربیتی مثل هیأت و غیره.

۱۳. تشکیل همیاران تربیتی

آثار فراوان همکاری و همیاری طلاب در اداره مدرسه، مثل ایجاد روحیه کار گروهی، آموزش شیوه‌های مدیریتی، نشاط فردی و اجتماعی در بین طلاب و در نتیجه برپایی فرهنگ تعاون و خدمت به دیگران و... برکسی پوشیده نیست، بنابراین ایجاد مسئولیت‌های زیر جهت مشارکت طلاب در اداره امور مدرسه پیشنهاد می‌شود:

۱. مسئول بیداری طلاب در سحر؛
۲. مسئول همیاران قرآنی؛
۳. مسئول برنامه صبحگاهی و صبحانه؛
۴. مسئول امور فرهنگی در ایام اعیاد و عزاداری؛
۵. مسئول برپایی هیئت‌های عزاداری و راهپیمایی در سطح شهر؛
۶. مسئول حفظ و ارتقاء فضای سبز؛
۷. مسئول نظم و نظافت کلاس‌ها؛
۸. مسئول نظم و نظافت و اداره کتابخانه؛
۹. مسئول پذیرایی از مهمانان؛
۱۰. مسئول برنامه‌های بصیرتی (پخش اخبار و...)

۱۱. مسئول هیئت طلاب خوابگاهی؛

۱۲. مسئول هیئت طلاب متأهل؛

۱۳. مسئول تهیه شام طلاب (توصیه می‌شود این گروه جهت استفاده بهینه از وقت طلاب در نظر گرفته شود).

۱۴. هیئت مدرسه

با هدف برنامه ریزی جهت انس هر چه بیشتر طلاب با حضرات معصومین علیهم‌السلام، ضروری است طلاب تحت نظارت شورای تهذیب با تشکیل هیئت مذهبی و نام‌گذاری آن به اسماء مبارک یکی از حضرات معصومین علیهم‌السلام فضای لازم را برای تقویت ارتباط و توسل به این ذوات مقدسه مطابق برنامه زیر فراهم نمایند:

الف. هیئت طلاب خوابگاهی:

- انتخاب سه الی پنج نفر از طلاب خوابگاهی و علاقه‌مند به همکاری در هیئت مذهبی مدرسه توسط شورای تهذیب به عنوان هیئت امنا؛
- تعیین یک نفر به عنوان مسئول هیئت (منتخب اعضای هیئت امنا)؛
- برنامه ریزی جهت برگزاری مراسم هیئت حداکثر هفته‌ای یکبار؛
- برنامه ریزی برای سخنرانی هیئت؛
- مدت زمان برگزاری کمتر از هفتاد دقیقه؛
- لزوم مراعات برنامه‌های آموزشی و ساعت خاموشی و آیین نامه‌های مدرسه در انتخاب زمان برگزاری هیئت؛
- لزوم رعایت شئونات حوزوی، سیاسی، اجتماعی و دغدغه‌های مقام معظم رهبری در اجرای برنامه‌های هیئت؛
- محور سخنرانی‌ها و مداحی‌ها پیرامون موضوعات طرح تربیتی همان سال باشد.
- ب. هیئت طلاب متأهلین مدرسه:
- انتخاب سه الی پنج نفر از طلاب معیل و علاقه‌مند به همکاری در هیئت مذهبی مدرسه

توسط مدیر محترم به عنوان هیئت امناء؛

• تعیین یک نفر به عنوان مسئول هیئت (منتخب اعضای هیئت امناء)؛
غیر از شرایط و تذکراتی که در تشکیل هیئت خوابگاهی ذکر شد، رعایت نکات زیر در هیئت متأهلین الزامی است:

- لزوم پرهیز از اختلاط خانم‌ها و آقایان؛
- لزوم پرهیز از تشریفات در پذیرایی؛
- تشکیل جلسات به صورت گردشی در منازل طلاب؛
- توجه جدی به رعایت حقوق همسایگان؛
- محتوای مطالب ارائه شده حتی المقدور پیرامون مباحث مرتبط با خانواده مانند تربیت فرزند، اخلاق در خانه و ... باشد.

۱۵. محفل انش با قرآن کریم

جهت گسترش فرهنگ قرآنی مورد تأکید مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و چشم انداز قرآنی حوزه‌های علمیه و ضرورت ارتقای نظام مند معرفت و مهارت های قرآنی طلاب علوم دینی، دستورالعمل برگزاری جلسات هفتگی قرائت قرآن کریم به منظور تصحیح قرائت و تجوید طلاب به شرح ذیل ارائه شده است.

الف. اهداف:

۱. ارتقای سطح آگاهی‌ها و مهارت‌های قرآنی طلاب؛
۲. تداوم آموزش قرآن کریم؛
۳. گسترش فرهنگ قرآنی.

ب. جامعه هدف: طلاب علوم دینی مدارس علمیه سراسر کشور.

ج. شیوه اجرا و برنامه‌های پیشنهادی:

۱. اجرای جلسات، یک جلسه در هفته ترجیحا بعد از فریضه مغرب و عشاء، به مدت حداکثر دو ساعت می‌باشد.

۲. مناسب است ابتدای جلسات، با تلاوت قرآن یکی از طلاب قاری مدرسه به مدت ده دقیقه آغاز شود.

۳. آیات منتخب در طول جلسه، توسط همه طلاب شرکت کننده قرائت شده و استاد محترم تذکرات لازم را در زمینه روخوانی و روان خوانی اعمال می‌کند.

۴. استاد محترم در هر جلسه، با توجه به پرونده قرآنی طلاب مدرسه و سطح قرآنی آنان، مباحثی از روخوانی و روان خوانی و سپس تجوید را به صورت منظم و منطقی انتخاب و به مدت حداکثر ۱۵ دقیقه مطرح می‌نماید.

۵. بیان نکات ترجمه و تفسیری، اعتقادی، اخلاقی و... از آیات منتخب هفته توسط استاد یا اساتید مدعو یا یکی از طلاب مدرسه به مدت حداکثر ۱۵ دقیقه مورد تاکید است (با توجه به تجربیات گذشته، سخنرانی، منبر، درس اخلاق و بیان نکات و موارد غیر مرتبط با موضوع و آیات قرائت شده در جلسه، در این برنامه جایگاهی نداشته و بهتر است به سایر برنامه‌ها واگذار شود).

۶. چنانچه در میان طلاب یا اساتید مدرسه و یا سطح شهر، قاریان یا حافظان ممتاز و با اخلاقی وجود داشته که دارای توانمندی اجرای زیبا باشند، می‌توان از آنها در اجرای تلاوت یا حفظ در میان جلسه به مدت حداکثر ۱۵ دقیقه بهره گرفت.

۷. برگزاری مسابقه قرآنی حضوری یا غیرحضوری (از مباحث جلسات) بلامانع است.

۸. تقدیر از طلابی که بیشترین پیشرفت قرآنی را در طول سال تحصیلی داشتند، بسیار مناسب است (نه صرفاً طلابی که بهتر از دیگران بوده و یا هستند و دارای پیشرفت آنچنانی نبوده‌اند).

۹. چنانچه مدرسه‌ای برنامه قرآنی ابتکاری و مفید، غیر از برنامه‌های مذکور در نظر داشته باشد، می‌تواند آن را اجرا و به معاونت تهذیب و تربیت اعلام نماید و حسب مورد از بسته‌های تشویقی برخوردار شود.

د) برنامه‌های آموزشی جلسات هفتگی

به منظور ارتقای سطح آموخته‌های قرآنی طلاب، برنامه‌های آموزشی جلسات هفتگی قرآنی

بدین شرح ارائه می‌شود:

۱. روخوانی، روان‌خوانی و فصیح‌خوانی

هدف: ایجاد زمینه‌های انس با قرآن، مهارت لازم در خواندن کلمات قرآن و فراهم نمودن مقدمات لازم جهت آموزش‌های تخصصی در سطوح روان‌خوانی و فصیح‌خوانی و آشنایی با تجوید نماز و تصحیح قرائت آنان.

- منبع: کتاب آموزش قرائت قرآن (۱)؛ تألیف استاد علی قاسمی.

تذکر: گذراندن این دوره برای کلیه طلابی که در این سطح به آموزش و تمرین نیاز دارند، الزامی است.

۲. زیباخوانی قرآن کریم

هدف: آشنایی فراگیران با مخارج حروف، صفات ذاتی و عارضی آنها، ایجاد زمینه‌های کسب مهارت در تجوید عملی، آشنایی با احکام وقف و ابتدا.

- منبع: کتاب آموزش قرائت قرآن (۲)؛ تألیف استاد علی قاسمی.

۳. قرائت (صوت و لحن)

هدف: آشنایی مقدماتی با مقامات موسیقایی عرب، ایجاد زمینه‌های کسب مهارت در قرائت ترتیل و تحقیق.

تذکر: این مبحث در صورتی بیان می‌شود که سطح قرآنی طلاب مدرسه، بالاتراز سطح زیباخوانی باشد.

۴. ترجمه و بیان تفسیر: تفسیر موضوعی آیات منتخب جلسات

هدف: آشنایی و فهم واژه‌های قرآن کریم، آشنایی با شأن نزول آیات، آشنایی با نکات تفسیری مهم، توانایی فهمیدن پیام آیات قرآن در سایه استمرار قرائت و انس با قرآن.

۵. اجرای حفظ یا تلاوت:

هدف: انگیزه‌سازی حفظ و تلاوت قرآن در میان طلاب، آشنایی با شیوه‌های حفظ و مرور قرآن، آشنایی با شیوه‌های یادگیری تلاوت قرآن.

ب. برنامه‌های اختصاصی

در ادامه، عناوین و موضوعات اخلاقی و تربیتی اختصاصی شش سال همراه با ریزموضوعات و منابع آن در قالب جدول‌های ذیل ارائه شده است.

لازم به ذکر است که ترتیب و نحوه چینش این موضوعات، حاصل جلسات کارشناسی متعدد با کارشناسان تربیتی معاونت تهذیب و تربیت است و سعی شده با یک نظم منطقی و شیب ملایم و به تدریج ما را به اهداف تربیتی مورد نظر برساند، ان شاء الله.

همچنین، علاوه بر محورهای سه‌گانه (تعمیق باورها، آراستگی و پیراستگی) برنامه اختصاصی، یک هفته در ماه به برخی از مهم‌ترین موضوعات برنامه عمومی (مثل نماز، سحرخیزی، بصیرت و...) اختصاص یافته که از باب تأکید بیش‌تر بر اهمیت تربیتی و اخلاقی آنها می‌باشد.

سال اول: تعمیق باورها			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	اهمیت ولایت‌پذیری	الف. بی بدیل بودن نقش ولایت اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> در هدایت بشر ب. اهمیت ایجاد روحیه تعبد نسبت به دستورات اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ مدیر ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	نقش تربیتی پذیرش ولایت	الف. تاثیر نظارت معصومان <small>علیهم‌السلام</small> بر رفتار انسان ب. حصول اطمینان و آرامش نسبت به پیمودن مسیر بندگی	۱. درس اخلاقی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	اهمیت انس با اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	الف. اهمیت انس در ایجاد محبت به اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> و بغض نسبت به دشمنان اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> ب. اهمیت توسل و زیارت در انس با اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	ولایت‌پذیری و اطاعت از امام زمان <small>علیه‌السلام</small>	الف. اهمیت سربازی امام زمان <small>علیه‌السلام</small> ب. اهتمام به جلب رضایت امام زمان <small>علیه‌السلام</small> ج. عهد با امام زمان <small>علیه‌السلام</small> (مراقبت بر دعای عهد)	۱. سخنرانی عالم ربانی یا سخنران هیأت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	ویژگی‌های ولایت‌پذیران	الف. تبیین توقعات امام زمان <small>علیه‌السلام</small> از سربازان خود ب. موجبات و موانع جلب رضایت امام زمان <small>علیه‌السلام</small>	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	نقش تربیتی انتظار	الف. تبیین صحیح و تربیتی از موضوع مهدویت و انتظار فرج با تاکید بر نقش طلبه. ب. رد قرأت‌های ناصحیح از موضوع مهدویت.	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	رسالت حوزه در عصر غیبت (۱)	الف. تبیین جایگاه حوزه به عنوان وارث رسالت انبیاء و اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> . ب. شناخت هویت حوزه با تاکید بر پیشینه تاریخی آن.	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	رسالت حوزه در عصر غیبت (۲)	الف. تبیین رسالت‌های اعتقادی و تهذیبی حوزه. ب. تبیین رسالت‌های علمی و فرهنگی حوزه. ج. تبیین رسالت‌های اجتماعی و سیاسی حوزه.	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال اول: آراستگی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
	توبه	الف. اهمیت و ضرورت توبه ب. آثار توبه ب. آداب، شرایط و مراحل توبه	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	انگیزه طلبگی	الف. حیطه بینشی انگیزه (شامل مبانی هویت طلبگی از قبیل در امتداد رسالت انبیاء بودن، سربازی امام زمان <small>ع</small> ، ارزش و افتخارات طلبگی، ارزش علم و عالم دینی، نقش آفرینی مهم در تحقق تمدن اسلامی) ب. حیطه عاطفی انگیزه (شامل انس با امام زمان <small>ع</small> ، ارتباط با اهل توفیق در حوزه شامل بزرگان و مراجع، اساتید، دوستان، هم حجره) ج. حیطه رفتاری انگیزه (شامل) ۱. علمی مانند ارزش علوم حوزوی، روش صحیح تحصیل آن علوم ۲. معنوی مانند پرهیز از افراط و تفریط، اخلاص، توکل و توسل ۳. اجتماعی فرهنگی مانند حضور فعال و به موقع در عرصه‌های مرتبط، دوری از افراط و تفریط)	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	برنامه محوری، نظم و قانون‌پذیری	الف. برنامه محوری و نظم شامل: ۱. اهمیت برنامه محوری، برنامه ریزی و نظم ۲. اصول حاکم بر برنامه محوری، برنامه ریزی و نظم ۳. موانع برنامه محوری، برنامه ریزی و نظم ب. قانون‌پذیری (روحیه پذیرش قانون) شامل: ۱. اهمیت قانون‌پذیری ۲. بایسته‌های قانون‌پذیری ۳. موانع قانون‌پذیری	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	آداب خواب و تغذیه	الف. اهمیت و جایگاه خواب و تغذیه صحیح ب. اصول خواب و تغذیه صحیح با تاکید بر آداب آنها ج. موانع خواب و تغذیه صحیح و پرهیز از عادت‌های غلط	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	بهداشت فردی و آراستگی	الف. اهمیت و جایگاه بهداشت فردی و آراستگی ب. بایسته‌های پوشش، آراستگی و بهداشت در طلبگی با محوریت بیان آداب آن ج. موانع بهداشت فردی، پوشش و آراستگی	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ مدیر ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	احترام به والدین	الف. اهمیت احترام به والدین ب. آثار احترام به والدین با تکیه بر منابع قرآنی و روایی ج. حقوق و آداب احترام به والدین	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	آداب تکریم استاد و کلاس	الف. اهمیت و آثار تکریم استاد و کلاس به ویژه در سیره علما. ب. آداب تکریم استاد و کلاس	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ مدیر ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	مشورت	الف. اهمیت و آثار مشورت. ب. خصوصیات مشاور مطلوب. ج. ترسیم مشورت صحیح با تاکید بر خصوصیات شخص مشورت‌گیرنده.	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ معاون تهذیب یا مدیر یا مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۹	تفکر	الف. اهمیت و آثار تفکر. ب. نحوه تفکر صحیح از حیث روش و مواد تفکر. ج. موانع تفکر صحیح.	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ معاون تهذیب یا مدیر یا مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال اول: پیراستگی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	۱. گناهان زبان (۱)	الف. اهمیت پرهیز از گناهان زبان ب. مرور اجمالی مهمترین گناهان زبان ج. بررسی تفصیلی غیبت (بیان مصادیق و راهکارهای پیشگیری و علاج)	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	گناهان چشم (۱)	الف. اهمیت پرهیز از گناهان چشم با تاکید بر آثار سوء گناهان چشم ب. مرور اجمالی مهمترین گناهان چشم ج. بررسی تفصیلی چشم‌چرانی (نگاه به نامحرم، هرزه‌بینی در فضای مجازی (بیان مصادیق و راهکارهای پیشگیری و علاج)	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	روابط ناسالم	الف. اهمیت و جایگاه دوستی در آیات و روایات ب. نشانه‌های دوستی ناسالم ج. راهکارهای پیشگیری و علاج	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ مدیر ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	آسیب‌های تخیل و وسوسه فکری	الف. مفهوم‌شناسی تخیل و وسوسه فکری و عوامل آن ب. پیامدهای تخیل منفی و وسوسه فکری ج. بیان مصادیق و راهکارهای پیشگیری و علاج	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	گناهان گوش	الف. اهمیت پرهیز از گناهان گوش ب. مرور اجمالی مهمترین گناهان گوش ج. بررسی تفصیلی استماع موسیقی، غیبت، سخنان زشت و مبتذل، صدای نامحرم با قصد ریبه و ... (بیان مصادیق و راهکارهای پیشگیری و علاج)	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	لهو و لعب	الف. اهمیت پرهیز از لهو و لعب ب. پیامدهای لهو و لعب از جمله اتلاف عمر ج. بررسی تفصیلی و راهکارهای پیشگیری و علاج مصادیق لهو و لعب: گندهای لغو، اشتغال غیر ضروری به فضای مجازی و بازی‌ها، ترک کارهای ضروری و واجب	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	سستی و تنبلی	الف. پیامدهای سستی و تنبلی ب. بیان مصادیق و راهکارهای پیشگیری و علاج	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ معاون تهذیب یا مدیر یا مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	مدیریت رسانه و آسیب‌های آن (۱)	الف. شناخت اجمالی رسانه ب. فوائد و آسیب‌های رسانه ج. آسیب‌های رسانه در حیطه جسمی و روانی و بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های آن د. مدیریت، پیشگیری و علاج آسیب‌های رسانه نسبت به خود	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال اول: عمومی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	نماز (۱): اهمیت و جایگاه نماز	الف. اهمیت و جایگاه نماز در قرآن و روایات از قبیل عمود دین بودن، معراج مومن، شرط قبولی اعمال و... ب. اهمیت و جایگاه نماز در سیره معصومان (علیهم‌السلام) و اولیاء.	۱. سخنرانی امام جماعت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	انس با قرآن و ادعیه (۱): ضرورت انس با قرآن و ادعیه.	الف. تاثیر انس در آراستگی به فضائل اخلاقی. ب. تاثیر انس در پیراستگی از رذائل اخلاقی. ج. انس با قرآن و ادعیه در سیره معصومان (علیهم‌السلام) و اولیاء.	۱. صحبت استاد در کلاس درس ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	سحرخیزی (۱): اهمیت سحرخیزی	الف. بیان محدوده زمانی سحر از قبل طلوع فجر تا طلوع خورشید ب. اهمیت سحرخیزی در آیات و روایات ج. اهمیت سحرخیزی در سیره معصومان (علیهم‌السلام) و اولیاء د. نقش ویژه سحرخیزی در تهذیب نفس	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	بصیرت‌افزایی (۱): تقویت روحیه ولایت‌مداری	الف. تعمیق اعتقاد به نیابت ولی فقیه از ولایت امام زمان (علیه‌السلام) ب. تقویت روحیه ولایت‌مداری با تاکید بر تبیین آثار گسترده و بی‌بدیل ولایت فقیه ج. ترسیم صحیح از روحیه ولایت‌مداری در عرصه‌های مختلف	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ معاون تهذیب یا مدیر یا کارشناس دعوت شده از سوی بسیج ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	نماز (۲): آثار و برکات نماز	الف. آثار و برکات نماز در آیات و روایات با تاکید بر نهی از فحشاء و منکر، استعانت در مشکلات و ... ب. آثار و برکات نماز در سیره معصومان (علیهم‌السلام) و اولیاء	۱. سخنرانی امام جماعت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	انس با قرآن و ادعیه (۲): مراتب انس با قرآن (۱): روخوانی و روان‌خوانی و آداب تلاوت	الف. تاکید بر اهمیت روخوانی و روان‌خوانی به عنوان مقدمه برای تدبر و عمل به قرآن ب. آداب تلاوت قرآن	۱. صحبت استاد با کلاس درس ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	سحرخیزی (۲): آثار و برکات سحرخیزی	الف. آثار و برکات سحرخیزی در آیات و روایات ب. آثار و برکات سحرخیزی در سیره معصومان (علیهم‌السلام) و اولیاء	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	بصیرت‌افزایی (۲): ایجاد و ترویج تفکر و روحیه جهادی و بسیجی	الف. اهمیت و آثار تفکر و روحیه جهادی و بسیجی ب. ترسیم صحیح از تفکر و روحیه جهادی و بسیجی ج. بیان مصادیق تفکر و روحیه جهادی و بسیجی در سیره علماء و شهدا	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ معاون تهذیب یا مدیر یا کارشناس دعوت شده از سوی بسیج ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال دوم: تعمیق باورها			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	یاد معاد	الف. توصیف معاد با رویکرد تربیتی با تأکید بر جاودانگی عالم آخرت و زود گذر بودن دنیا ب. آثار تربیتی یاد معاد با اشاره به آثار تشریحی و تنذیری	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ مدیر ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	مرگ	الف. تاثیر یاد مرگ بر هدایت انسان. ب. آمادگی برای مرگ ج. انواع مرگ د. موانع یاد مرگ	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	عالم قبر و برزخ	الف. آمادگی برای قبر (فشار قبر، شب اول قبر،...) و عالم برزخ ب. تبیین خصوصیات عالم قبر و برزخ برای مومن و کافر	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	قیامت	الف. تبیین اوصاف قیامت به ویژه یوم الحساب و یوم الحسرة بودن آن ب. بیان مواقف قیامت با رویکرد تربیتی	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	شفاعت	الف. تبیین صحیح تربیتی از شفاعت و چرایی آن ب. بیان خصوصیات شفاعت‌کنندگان و شفاعت شونده‌گان با رویکرد تربیتی ج. تبیین رابطه زیارت و توسل با شفاعت	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	تجسم اعمال	الف. تبیین صحیح از تجسم اعمال با رویکرد تربیتی ب. نقش تجسم اعمال در تقویت ایمان و مراقبه عملی	۱. سخنرانی عالم ربانی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	بهشت	الف. توصیف بهشت با رویکرد تربیتی ب. اوصاف اهل بهشت و تبیین اسباب بهشتی شدن	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	جهنم	الف. توصیف جهنم با رویکرد تربیتی ب. اوصاف اهل جهنم و تبیین اسباب جهنمی شدن	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال دوم: آراستگی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	عزت نفس (۱)	الف. تبیین مفهوم عزت نفس و مصادیق آن ب. تفاوت عزت نفس با غرور و خودشیفتگی ج. بیان آثار عزت نفس به ویژه در آیات و روایات	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	عزت نفس (۲)	الف. راهکارهای ایجاد و تقویت عزت نفس ب. موانع تحقق عزت نفس ج. حیطه‌های عزت نفس (خانوادگی، علمی، مالی، ...)	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	تواضع	الف. تبیین مفهوم تواضع و بیان مصادیق آن ب. آثار و برکات تواضع ج. راهکارهای تقویت تواضع با تاکید بر سیره اولیاء و علما	۱. سخنرانی معاون تهذیب یا مدیر یا مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	احترام به خادمان حوزه	الف. اهمیت و ارزش‌گذاری احترام به خادمان ب. آثار تکریم خادمان و پیامدهای بی‌احترامی به خادمان ج. تقویت روحیه شکرگذاری	۱. صحبت استاد در کلاس درس ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	تکریم علما	الف. اهمیت و ارزش‌گذاری تکریم علما ب. آثار تکریم و پیامدهای بی‌احترامی به علما ج. بیان مصادیق تکریم علما با تاکید بر انس و معاشرت با آنان	۱. سخنرانی مدیر ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	تقویت اراده (۱)	الف. تبیین مفهوم اراده با ذکر مصادیق ب. آثار تقویت اراده و پیامدهای ضعف اراده	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	تقویت اراده (۲)	الف. عوامل تقویت اراده ب. موانع تقویت اراده	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	آداب حجره و هم‌حجره	الف. شاخص‌های هم‌حجره مطلوب ب. آثار هم‌حجره‌ای خوب و پیامدهای هم‌حجره‌ای نامناسب ج. آداب و حقوق حجره‌نشینی	۱. گنده مدیر ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۹	آداب مباحثه و هم‌بحث	الف. شاخص‌های هم‌مباحثه مطلوب ب. آثار هم‌مباحثه خوب و پیامدهای هم‌مباحثه نامناسب ج. آداب و حقوق مباحثه	۱. گنده استاد ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال دوم: پیراستگی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	گناهان زبان (۲)	الف. اهمیت پرهیز از گناهان زبان ب. مرور اجمالی مهمترین گناهان زبان ج. بررسی تفصیلی دروغ (بیان مصادیق و راهکارهای پیشگیری و علاج)	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	گناهان زبان (۳)	الف. بررسی تفصیلی بدزبانی و تهمت (بیان مصادیق و راهکارهای پیشگیری و علاج) ب. پرهیز از گناهان زبان با تکیه بر فعال کردن ظرفیت‌های مثبت زبان از جمله زیبا و بجا سخن گفتن.	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	گناهان چشم (۲)	الف. اهمیت پرهیز از گناهان چشم با تاکید بر آثار سوء گناهان چشم ب. مرور اجمالی مهمترین گناهان چشم ج. بررسی تفصیلی چشم چرانی (نگاه به نامحرم)، هرزبینی در فضای مجازی (بیان مصادیق و راهکارهای پیشگیری و علاج)	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	گناهان چشم (۳)	الف. پرهیز از گناهان چشم با مراقبت از نگاه و بیان آثار مثبت آن در تهذیب نفس ب. پرهیز از گناهان چشم با تکیه بر فعال کردن ظرفیت‌های مثبت چشم (عبادتهای چشم)	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	حسد	الف. تبیین مفهوم حسد با ذکر مصادیق (تفاوت آن با غیبه) ب. زمینه‌ها، علانم و مفاصد حسد. ج. راه‌های پیشگیری و علاج حسد	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	خشم و پرخاشگری (۱)	الف. تبیین مفهوم خشم و پرخاشگری با ذکر مصادیق. ب. غضب صحیح و ناصحیح	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	خشم و پرخاشگری (۲)	الف. زمینه‌ها و مفاصد خشم و پرخاشگری ب. راه‌های پیشگیری و علاج خشم و پرخاشگری	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	مدیریت رسانه و آسیب‌های آن (۲)	الف. شناخت اجمالی رسانه ب. فوائد و آسیب‌های رسانه ج. آسیب‌های رسانه در حیطه اعتقادی و فرهنگی و بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های آن د. مدیریت، پیشگیری و علاج آسیب‌های رسانه نسبت به خود	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال دوم: عمومی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	نماز (۳): ویژگی‌های نماز مطلوب (۱): آداب ظاهری نماز	الف. اشاره به برخی مستحبات وضو ب. اشاره به برخی مستحبات نماز از جمله آداب پوشش	۱. سخنرانی امام جماعت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	انس با قرآن و ادعیه (۳): مراتب انس با قرآن (۲): تلاوت حداقل ۵۰ آیه روزانه	الف. اهمیت تلاوت حداقل ۵۰ آیه روزانه در روایات ب. اثر استمرار تلاوت روزانه در انس با قرآن	۱. صحبت استاد در کلاس درس ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	سحرخیزی (۳): موجبات سحرخیزی	الف. توجه به اهمیت و آثار سحرخیزی به منظور تقویت عزم بر سحرخیزی ب. نقش رعایت ایمان و مراقبه عملی در کسب توفیق برای سحرخیزی ج. نقش خواب و تغذیه مناسب برای سحرخیزی	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	بصیرت‌افزایی (۳): آشنایی با منظومه فکری امام و رهبری (۱): استکبارستیزی	الف. شناخت دقیق استکبار جهانی به لحاظ فکری، فرهنگی و سیاسی ب. اقسام مواجهه و نفوذ استکبار و راهکارهای مقابله با آن	۱. سخنرانی کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب یا بسیج ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	نماز (۴): ویژگی‌های نماز مطلوب (۲): آداب باطنی نماز	الف. بیان اهمیت آداب باطنی نماز در قبولی نماز ب. تبیین آداب باطنی از قبیل حضور قلب، خشوع و ...	۱. سخنرانی امام جماعت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	انس با قرآن و ادعیه (۴): مراتب انس با قرآن (۳): تدبیر و تفکر در مفاهیم	الف. اهمیت و آثار تدبیر و تفکر در مفاهیم قرآنی. ب. ترسیم روش صحیح از مراحل تدبیر و تفکر در مفاهیم قرآنی	۱. صحبت استاد در کلاس درس ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	سحرخیزی (۴): موانع سحرخیزی	الف. نقش غفلت و گناه در سلب توفیق برای سحرخیزی ب. بی‌توجهی به اهمیت و آثار سحرخیزی در سلب توفیق از آن	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	بصیرت‌افزایی (۴): آشنایی با منظومه فکری امام و رهبری (۲): انسجام و همدلی	الف. تبیین دقیق از مقوله انسجام و همدلی ب. عوامل و موانع تحقق انسجام و همدلی	۱. سخنرانی کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب یا بسیج یا هیأت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال سوم: تعمیق باورها			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	توحید (۱)	الف. اهمیت بی‌بدیل توحید و تاثیر آن در همه ساختهای فکری و رفتاری انسان ب. آثار اخلاقی و تربیتی توحید	۱. سخنرانی عالم ربانی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	علم و نظارت الهی (۱)	الف. تبیین نظارت الهی و تفاوت آن با سایر نظارتها ب. اقسام نظارت الهی (اعضا و جوارح، معصومان، ملکین، ...)	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	حکمت و عدالت (۱)	الف. تبیین مفهوم حکمت و عدالت با رویکرد تربیتی ب. آثار تربیتی باور به حکمت و عدالت الهی	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	قدرت الهی	الف. تبیین مفهوم قدرت الهی با رویکرد تربیتی ب. آثار تربیت باور به قدرت الهی. ج. راهکارهای تقویت باور به قدرت الهی	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	رازقیت الهی (۱)	الف. تبیین مفهوم رازقیت خدا ب. آثار تربیتی باور به رازقیت الهی	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ مدیر ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	سنن الهی (۱): هدایت و ضلالت	الف. تبیین اسباب هدایت الهی در آیات و روایات ب. تبیین اسباب ضلالت در آیات و روایات	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	سنن الهی (۲): امداد غیبی (۱)	الف. موجبات امداد غیبی در آیات و روایات ب. بیان مصادیق امداد غیبی در زندگی علما	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	سنن الهی ۳: امداد غیبی (۲)	الف. موانع امداد غیبی در آیات و روایات ب. بیان مصادیق امداد غیبی در زندگی شهدا	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال سوم: آراستگی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	مراقبه و محاسبه (۱)	الف. اهمیت مراقبه و محاسبه در تهذیب نفس ب. آثار مراقبه و محاسبه در آیات و روایات ج. پیش‌نیازهای مراقبه و محاسبه از جمله مشارطه	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	مراقبه و محاسبه (۲)	الف. روش مراقبه و محاسبه ب. مراقبه و محاسبه در سیره علما و شهدا	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	صبر (۱)	الف. تبیین مفهوم صبر، مصادیق و اقسام آن ب. اهمیت اساسی صبر به ویژه در آیات و روایات	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	صبر (۲)	الف. آثار تربیتی صبر و پیامدهای بی‌صبری ب. راهکارهای تقویت صبر و علاج بی‌صبری	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	حق الناس (۱)	الف. تبیین مفهوم حق الناس، مصادیق و اقسام آن (مالی، خانوادگی شامل حق پدر و مادر، همسر و فرزندان، سیاسی، اجتماعی شامل استاد، دوست، هم‌مباحثه، هم‌حجره، ...) ب. اهمیت و آثار رعایت حق الناس و پیامدهای عدم رعایت آن	۱. صحبت استاد (گعده) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	حق الناس (۲)	الف. حق الناس در سیره معصومان <small>علیهم‌السلام</small> اولیا ب. راهکارهای جبران حق الناس	۱. صحبت استاد (گعده) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	رفق و مدارا	الف. اهمیت و آثار رفق و مدارا در تربیت اسلامی و تبیین مصادیق آن ب. رفق و مدارا در سیره معصومان <small>علیهم‌السلام</small> اولیاء	۱. گعده مدیر ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	رضا	الف. تبیین مفهوم رضا و مصادیق آن ب. اهمیت و آثار رضا در تهذیب نفس ج. راهکارهای تقویت رضا	۱. سخنرانی معاون تهذیب یا مدیر یا مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۹	استقامت و مداومت	الف. اهمیت و آثار استقامت و مداومت در تهذیب اخلاقی ب. استقامت و مداومت در سیره معصومان <small>علیهم‌السلام</small> اولیاء	۱. گعده مدیر ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال سوم: پیراستگی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	افراط و تفریط (۱)	الف. پیامدهای سوء افراط و تفریط در حیطه اخلاقی و معنوی ب. زمینه‌های افراط و تفریط در حیطه اخلاقی و معنوی ج. تبیین مصادیق و بیان راهکارهای پیشگیری و علاج در زمینه افراط و تفریط اخلاقی و معنوی	۱. صحبت مشاور (گده) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	افراط و تفریط (۲)	الف. پیامدهای سوء افراط و تفریط در حیطه علمی ب. زمینه‌های افراط و تفریط در حیطه علمی ج. تبیین مصادیق و بیان راهکارهای پیشگیری و علاج در زمینه افراط و تفریط علمی	۱. صحبت مشاور (گده) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	ریختن آبروی مومن	الف. پیامدهای سوء ریختن آبروی مومن ب. آثار عیب پوشی و حفظ آبروی مومن	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	عهد شکنی	الف. اهمیت و آثار وفای به عهد و پیامدهای عهدشکنی ب. اقسام عهد (با خدا، با معصومان، با مردم)	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ مدیر ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	گناهان غریزی (۱): نگاه حرام (۱)	الف. زمینه‌های نگاه حرام از جمله عدم کرامت و عزت نفسانی ب. پیامدهای سوء نگاه حرام	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	گناهان غریزی (۲): نگاه حرام (۲)	الف. تبیین مصادیق و بیان راهکارهای پیشگیری و علاج نسبت به نگاه حرام (با تاکید بر کرامت و عزت نفسانی در علاج آن)	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	گناهان غریزی (۳): افعال حرام	الف. پیامدهای سوء افعال حرام ب. زمینه‌های افعال حرام ج. تبیین مصادیق و بیان راهکارهای پیشگیری و علاج نسبت به افعال حرام (با تاکید بر کرامت و عزت نفسانی در علاج آن)	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	مدیریت رسانه و آسیب‌های آن (۳)	الف. شناخت اجمالی رسانه ب. فوائد و آسیب‌های رسانه ج. آسیب‌های رسانه در حیطه امنیت اطلاعات و بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های آن د. مدیریت، پیشگیری و علاج آسیب‌های رسانه نسبت به خود	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال سوم: عمومی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	نماز (۵): ویژگی‌های نماز مطلوب (۳): نماز اول وقت	الف. اهمیت، آثار و برکات نماز اول وقت ب. راهکارهای تقویت نماز اول وقت (برنامه‌ریزی صحیح، مراقبه و...) ج. نماز اول وقت در سیره معصومان <small>علیهم‌السلام</small> اولیا	۱. سخنرانی امام جماعت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	انس با قرآن و ادعیه (۵): مراتب انس با قرآن (۴): حفظ قرآن	الف. اهمیت حفظ قرآن در انس با قرآن ب. آثار حفظ قرآن	۱. صحبت استاد در کلاس درس ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	سحرخیزی (۵): پیامدهای کاهلی در سحرخیزی	الف. محرومیت از برکات معنوی ب. محرومیت از برکات دنیوی از قبیل رزق و نظم.	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	بصیرت‌افزایی (۵): آشنایی با منظومه فکری امام و رهبری (۳): حوزه انقلابی.	الف. تعریف دقیق و جامع از حوزه انقلابی، خصوصیات و وظایف آن ب. ترسیم راهکارهای رشد و بالندگی فضای انقلابی در حوزه	۱. سخنرانی کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب یا بسیج یا هیأت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	نماز (۶): ویژگی‌های نماز مطلوب (۴): جماعت و جمعه	الف. اهمیت و آثار و برکات نماز جماعت و نماز جمعه ب. آداب نماز جماعت و نماز جمعه	۱. سخنرانی امام جماعت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	انس با قرآن و ادعیه (۶): مراتب انس با ادعیه (۱): آداب دعا	الف. بیان آداب ظاهری دعا ب. بیان آداب باطنی دعا	۱. صحبت استاد در کلاس درس ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	سحرخیزی (۶): اعمال و آداب سحرخیزی (۱): نماز شب و ذکر	الف. اهمیت و آثار ویژه نماز شب و ذکر ب. بیان کیفیت نماز شب و مراتب آن ج. بیان فضائل اذکار عمومی مانند صلوات، تسبیح، تحمید، حوقله، اذکار روزانه	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	بصیرت‌افزایی (۶): آشنایی با منظومه فکری امام و رهبری (۴): تمدن اسلامی	الف. بیان اهمیت و نقش حوزه انقلابی در تحقق تمدن اسلامی ب. راهکارهای رسیدن به تمدن اسلامی و مراحل آن	۱. سخنرانی کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب یا بسیج یا هیأت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال چهارم: آراستگی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	صداقت (هماهنگی گفتار و رفتار)	الف. جایگاه و اهمیت صداقت ب. راهکارهای تحصیل صداقت ج. صداقت در سیره معصومان و اولیا	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ معاون تهذیب یا مدیر یا مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	توکل (۱)	الف. تبیین مفهوم توکل و بیان مصادیق آن بر اساس آیات و روایات ب. جایگاه و اهمیت توکل و آثار تربیتی توکل	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	توکل (۲)	الف. عوامل و موانع برای تحقق توکل ب. توکل در سیره معصومان و اولیا	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	صله رحم	الف. جایگاه و اهمیت صله رحم و آثار آن ب. تبیین مفهوم صله رحم و مصادیق آن و ذکر موارد جواز قطع رحم	۱. سخنرانی مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	اخلاص (۱)	الف. تبیین مفهوم اخلاص و بیان شاخص‌ها و مصادیق آن ب. اهمیت و آثار بی‌بدیل اخلاص	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	اخلاص (۲)	الف. عوامل و موانع تحقق اخلاص ب. اخلاص در سیره معصومان و اولیا	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	روحیه خدمت‌گزاری و مردمی بودن (۱)	الف. اهمیت و جایگاه روحیه خدمت‌گزاری و مردمی بودن ب. تبیین مفهوم و مصادیق روحیه خدمت‌گزاری و مردمی بودن	۱. سخنرانی کارشناس دعوت شده از سوی معاونت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	روحیه خدمت‌گزاری و مردمی بودن (۲)	الف. عوامل و موانع تحقق روحیه خدمت‌گزاری و مردمی بودن ب. روحیه خدمت‌گزاری و مردمی بودن در سیره معصومان و اولیا	۱. سخنرانی کارشناس دعوت شده از سوی معاونت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال چهارم: تعمیق باورها			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	توحید (۲)	الف. راهکارهای تقویت توحید ب. تبیین مفهوم شرک با بیان اقسام و مصادیق و آثار سوء آن	۱. سخنرانی عالم ربانی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	علم و نظارت الهی (۲)	الف. آثار تربیتی توجه به تحت نظارت الهی بودن و پیامدهای بی‌توجهی به آن ب. عوامل و موانع توجه به علم و نظارت الهی	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	حکمت و عدالت (۲)	الف. راهکارهای تقویت اعتقاد به حکمت و عدالت الهی ب. ترسیم صحیح از اقسام امتحان و ابتلاء و مصادیق آن و رابطه آن با حکمت و عدالت الهی	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	مغفرت الهی	الف. تبیین مفهوم مغفرت الهی با رویکرد تربیتی ب. آثار تربیتی باور به مغفرت الهی ج. اسباب و موانع جلب مغفرت الهی	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	رحمت الهی	الف. تبیین مفهوم رحمت الهی با رویکرد تربیتی ب. آثار تربیتی باور به رحمت الهی ج. اسباب و موانع جلب رحمت الهی	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	رازقیت الهی (۲)	الف. راهکارهای تقویت باور به رازقیت الهی ب. ترسیم باور به رازقیت الهی و تدبیر رزق در سیره علما	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	سنن الهی (۴): امتحان و ابتلا	الف. بیان حکمت و آثار امتحان و ابتلاء الهی با رویکرد تربیتی ب. اسباب موفقیت و سربلندی در امتحان و ابتلاء الهی ج. بیان سیره معصومان و اولیا در مواجهه با امتحانات الهی	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	سنن الهی (۵): املاء و استدرج	الف. بیان مفهوم املاء و استدرج با رویکرد تربیتی ب. عوامل بر حذر ماندن از املاء و استدرج الهی	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال چهارم: پیراستگی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	کبر و غرور (۱)	الف. بیان مفهوم کبر و غرور و مصادیق آن و تفاوت آن با عزت نفس و اعتماد به نفس ب. پیامدها و آثار سوء کبر و غرور	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	کبر و غرور (۲)	الف. راهکارهای پیشگیری و علاج کبر و غرور ب. عبرت‌های تاریخی در رفتار طواغیت	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	افراط و تفریط (۳)	الف. پیامدهای سوء افراط و تفریط در حیطه مسائل شخصی از جمله طهارت و نجاست، پوشش، تغذیه، اقتصادی و مالی ب. زمینه‌های افراط و تفریط در حیطه مسائل شخصی از جمله طهارت و نجاست، پوشش، تغذیه، اقتصادی و مالی ج. تبیین مصادیق و بیان راهکارهای پیشگیری و علاج در زمینه افراط و تفریط در حیطه مسائل شخصی از جمله طهارت و نجاست، پوشش، تغذیه، اقتصادی و مالی	۱. صحبت مشاور (گنده) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	افراط و تفریط (۴)	الف. پیامدهای سوء افراط و تفریط در حیطه تبلیغی ب. زمینه‌های افراط و تفریط در حیطه تبلیغی ج. تبیین مصادیق و بیان راهکارهای پیشگیری و علاج در زمینه افراط و تفریط تبلیغی	۱. صحبت مشاور (گنده) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	تضعیف نظام اسلامی	الف. اهمیت و جایگاه تقویت نظام اسلامی و پیامدهای تضعیف آن ب. بیان مصادیق تضعیف نظام اسلامی ج. بیان راهکارهای تقویت نظام اسلامی	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ مدیر ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	بی‌بصیرتی	الف. پیامدهای بی‌بصیرتی به ویژه برای عالمان دینی ب. عبرت‌های تاریخی در زمینه بی‌بصیرتی خواص ج. بیان راهکارهای تقویت بصیرت	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	نقدپذیر نبودن	الف. پیامدها و آفات نقدپذیر نبودن ب. بیان راهکارهای تقویت نقدپذیری و پذیرش قول حق ج. تبیین نقد صحیح و شرایط آن	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ معاون تهذیب یا مدیر یا مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	مدیریت رسانه و آسیب‌های آن (۴)	الف. شناخت اجمالی رسانه ب. فوائد و آسیب‌های رسانه ج. آسیب‌های رسانه در حیطه سیاسی و بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های آن د. مدیریت، پیشگیری و علاج آسیب‌های رسانه نسبت به جامعه	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال چهارم: عمومی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	نماز (۷): ویژگی‌های نماز مطلوب (۵): مسجد و آداب آن	الف. اهمیت و جایگاه مسجد به لحاظ معنوی و اجتماعی ب. اهمیت اقامه نماز در مسجد ج. بیان بعضی از آداب مهم مسجد (مانند طهارت، نماز تحیت، ترک کلام دنیوی و ...)	۱. سخنرانی امام جماعت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	انس یا قرآن و ادعیه (۷): مراتب انس یا ادعیه (۲): تدبیر و تفکر در مفاهیم ادعیه	الف. اهمیت تدبیر و پرداختن به مفاهیم ادعیه ب. بیان راهکارها و موانع تقویت تدبیر در مفاهیم ادعیه	۱. صحبت استاد در کلاس درس ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	سحرخیزی (۷): اعمال و آداب سحرخیزی (۲): قرائت قرآن و ادعیه	الف. اهمیت قرائت قرآن و ادعیه در سحر ب. راهکارهای ملکه شدن قرائت قرآن و ادعیه در سحر	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	بصیرت‌افزایی (۷): آشنایی با منظومه فکری امام و رهبری (۵): منشور روحانیت حضرت امام	الف. اهمیت و جایگاه منشور در ساختار وظایف روحانیت ب. تبیین کلیات و ساختار منشور روحانیت ج. تطبیق منشور روحانیت بر مسائل روز	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب یا بسیج یا هیأت به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	نماز (۸): ویژگی‌های نماز مطلوب (۶): نماز شب	الف. اهمیت و جایگاه نماز شب در رشد و کمال ب. نماز شب در سیره معصومان و اولیا	۱. سخنرانی امام جماعت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	انس یا قرآن و ادعیه (۸): مراتب انس یا ادعیه (۳): مراقبت و مداومت بر ادعیه	الف. آثار و برکات مراقبت و مداومت بر ادعیه ب. راهکارهای و موانع مراقبت و مداومت بر ادعیه	۱. صحبت استاد در کلاس درس ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	سحرخیزی (۸): اعمال و آداب سحرخیزی (۳): تفکر و مطالعه	الف. اهمیت و آثار تفکر و تدبیر به هنگام سحر ب. بیان سیره علما در مطالعه به وقت سحر	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	بصیرت‌افزایی (۸): آشنایی با منظومه فکری امام و رهبری (۶): وصیت‌نامه حضرت امام	الف. اهمیت و جایگاه وصیت‌نامه حضرت امام ب. تبیین کلیات و ساختار وصیت‌نامه حضرت امام ج. تطبیق وصیت‌نامه حضرت امام بر مسائل روز	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب یا بسیج یا هیأت به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال پنجم: تعمیق باورها			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	جایگاه خلیفه الهی	الف. تبیین معنای خلیفه الهی با توجه به آیات و روایات ب. زمینه‌ها و حکمت خلیفه الله بودن انسان	۱. سخنرانی عالم ربانی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	ویژگی های خلیفه الهی	الف. ویژگی‌های اعتقادی خلیفه الله در قرآن و روایات ب. ویژگی‌های اخلاقی خلیفه الله در قرآن و روایات ج. ویژگی‌های رفتاری خلیفه الله در قرآن و روایات	۱. سخنرانی عالم ربانی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	راه‌های تحقق خلیفه الهی (۱)	الف. اهمیت تقوا و عبودیت در تحقق خلیفه الهی انسان ب. معنای تقوا و عبودیت و اقسام آن	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	راه‌های تحقق خلیفه الهی (۲)	الف. راهکارهای تحقق تقوا و عبودیت ب. لزوم تمسک به ولایت در تحقق تقوا	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	موانع تحقق خلیفه الهی (۱)	الف. شناخت هوای نفس ب. راهکارهای مقابله با هوای نفس	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	موانع تحقق خلیفه الهی (۲)	الف. معنای طول امل و مصادیق آن ب. راهکارهای مقابله با طول امل	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	موانع تحقق خلیفه الهی (۳)	الف. شناخت شیاطین جن و انس ب. راهکارهای مقابله با شیاطین	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	معصوم <small>علیه السلام</small> ، مصداق کامل خلیفه الهی	الف. ویژگی‌های انحصاری معصومان <small>علیهم السلام</small> ب. معصومان <small>علیهم السلام</small> ، الگوی انحصاری خلیفه الله بودن	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال پنجم: آراستگی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	تقویت روحیه تعبد	الف. تقویت روحیه تعبد الف. بیان معنای تعبد و مصادیق آن ب. اهمیت و جایگاه روحیه تعبد ج. راهکارهای تقویت روحیه تعبد	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	تکلیف‌مداری	الف. اهمیت و جایگاه تکلیف‌مداری ب. راهکارهای تشخیص تکلیف ج. تکلیف‌مداری در سیره معصومان (علیهم‌السلام) و اولیا	۱. سخنرانی مدیر یا هیأت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	شکر	الف. بیان معنای شکر و اقسام آن ب. اهمیت و جایگاه شکر ج. راهکارها و موانع تحقق شکر	۱. سخنرانی مدیر ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	بلندهمتی و پشتکار	الف. اهمیت بلندهمتی و پشتکار ب. راهکارها و موانع تحقق بلندهمتی ج. بلندهمتی در سیره اولیا	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب یا هیأت یا بسیج به صورت کارگاهی یا سخنرانی مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	تقویت روحیه جهاد، ایثار و شهادت	الف. اهمیت و جایگاه روحیه جهاد، ایثار و شهادت ب. راهکارها و موانع تقویت روحیه جهاد، ایثار و شهادت ج. مواضع افراط و تفریط در روحیه جهاد، ایثار و شهادت	۱. سخنرانی مدیر یا صحبت استاد در کلاس درس ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	خیرخواهی (نُصح)	الف. معنای خیرخواهی و بیان حیطه‌ها و مصادیق آن ب. اهمیت و جایگاه خیرخواهی ج. خیرخواهی در سیره معصومان (علیهم‌السلام) و اولیا	۱. سخنرانی مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	امر به معروف و نهی از منکر (۱)	الف. معنای امر به معروف و نهی از منکر و احکام آن ب. اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی ج. حکمت امر به معروف و نهی از منکر و رفع شبهات درباره آن	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب یا هیأت یا بسیج به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	امر به معروف و نهی از منکر (۲)	الف. مراحل امر به معروف و نهی از منکر ب. راهکارهای تقویت روحیه امر به معروف و نهی از منکر ج. راهکارها و موانع تحقق امر به معروف و نهی از منکر	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب یا هیأت یا بسیج به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۹	شهامت و شجاعت	الف. معنای شهامت و شجاعت و مصادیق آن ب. راهکارها و موانع تقویت شهامت و شجاعت	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال پنجم: پیراستگی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	یاس از رحمت الهی	الف. قبح یاس از رحمت الهی و پیامدها و آثار سوء آن ب. راهکارهای پیشگیری و علاج یاس از رحمت الهی	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	ظلم (۱)	الف. معنای ظلم، حیظه‌ها و مصادیق آن ب. قبح ظلم و پیامدها و آثار سوء آن ج. اهمیت حق الناس و راهکارهای جبران ابتلا به ظلم د. پیشگیری و احتیاط در عدم ابتلا به ظلم	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	ظلم (۲)	الف. اهمیت و جایگاه ظلم ستیزی ب. راهکارها و موانع تقویت روحیه ظلم ستیزی ج. ظلم ستیزی در سیره معصومان (علیهم السلام) و اولیا	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	حمایت از مستکبران	الف. قبح حمایت از مستکبران به ویژه برای عالمان دینی ب. قبح حمایت از مستکبران در سیره معصومان (علیهم السلام) و اولیا ج. راهکارها و موانع تقویت روحیه استکبارستیزی	۱. صحبت استاد (گنده) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	اصرار بر صغایر	الف. معنای اصرار بر صغایر ب. اهمیت توبه از صغایر ج. راهکارهای عدم ارتکاب صغایر	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	عادت های مذموم	الف. طریق تشخیص عادت‌های مذموم ب. راهکارهای پیشگیری و علاج عادت‌های مذموم	۱. سخنرانی مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	تسویف	الف. پیامدها و آثار سوء تسویف ب. راهکارهای مقابله با تسویف	۱. درس اخلاق یا سخنرانی مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	مدیریت رسانه و آسیب‌های آن (۵)	الف. شناخت اجمالی رسانه ب. فوائد و آسیب‌های رسانه ج. آسیب‌های رسانه در حیظه اجتماعی و بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های آن. د. مدیریت، پیشگیری و علاج آسیب‌های رسانه نسبت به جامعه	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال پنجم: عمومی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	نماز (۹): ویژگی‌های نماز مطلوب (۷): نوافل	الف. تبیین نوافل و آداب آن ب. اهمیت و جایگاه نوافل بر اساس روایات ج. راهکارهای جمع بین نوافل و تکالیف	۱. سخنرانی امام جماعت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	انس با قرآن و ادعیه (۹): مراتب انس با ادعیه (۴): آشنایی و شناخت با دعای کمیل و ندبه	الف. اهمیت دعای کمیل و ترسیم ساختار و تبیین کلی مضامین آن ب. اهمیت دعای ندبه و ترسیم ساختار و تبیین کلی مضامین آن	۱. صحبت استاد در کلاس درس ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	سحرخیزی (۹): مراقبت و مداومت بر سحرخیزی	الف. آثار و برکات مراقبت و مداومت بر سحرخیزی ب. راهکارهای تقویت مراقبت و مداومت بر سحرخیزی	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	بصیرت‌افزایی (۹): آشنایی با منظومه فکری امام و رهبری ۶: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی	الف. اهمیت و جایگاه بیانیه گام دوم ب. تبیین ساختار و مضامین کلی بیانیه گام دوم	۱. سخنرانی کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب یا بسیج یا هیأت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	نماز (۱۰) نماز در سیره معصومان <small>علیهم‌السلام</small> و اولیا	الف. نکات مهم و مورد تأکید در سیره معصومان <small>علیهم‌السلام</small> نسبت به نماز ب. مراقبت اولیا نسبت به نکات مهم و مورد تأکید معصومان <small>علیهم‌السلام</small> در نماز	۱. سخنرانی امام جماعت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	انس با قرآن و ادعیه (۱۰): مراتب انس با ادعیه (۵): آشنایی و شناخت با دعای توسل و جامعه کبیره	الف. اهمیت دعای توسل و تبیین کلی مضامین آن ب. اهمیت زیارت جامعه و ترسیم ساختار و تبیین کلی مضامین آن	۱. صحبت استاد در کلاس درس ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	سحرخیزی (۱۰): سحرخیزی در سیره معصومان <small>علیهم‌السلام</small> و اولیا (۱)	الف. نکات مهم و مورد تأکید در سیره معصومان <small>علیهم‌السلام</small> ب. بیان مصادیق از سیره معصومان <small>علیهم‌السلام</small>	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	بصیرت‌افزایی (۱۰): جریان‌شناسی فرهنگی و سیاسی	الف. اهمیت شناخت جریان‌های فرهنگی و سیاسی ب. تبیین کلی و بررسی جریان‌های سیاسی و فرهنگی	۱. سخنرانی کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب یا بسیج یا هیأت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال ششم: تعمیق باورها			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	دین باوری در همه عرصه‌ها	الف. دین باوری در همه عرصه‌ها، وجه تمایز اسلام ناب از دیگر مکاتب ب. اثبات حضور دین در همه عرصه‌ها با توجه به آیات و روایات	۱. درس اخلاق یا سخنرانی هیأت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	اقامه دین (۱)	الف. ضرورت و جایگاه اقامه دین ب. نقش محوری ولایت و امامت در تحقق اقامه دین	۱. سخنرانی عالم ربانی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	اقامه دین (۲)	الف. نقش محوری حکومت دینی در تحقق اقامه دین ب. اقامه دین در عصر غیبت	۱. سخنرانی عالم ربانی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	رابطه دین و دنیا	الف. حیات طیبه در دنیا، در گرو عمل به دین ب. حکومت دینی، مهمترین طریق تحقق دین در دنیا	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	دنیا شناسی (۱) (شناخت دنیاى ممدوح)	الف. ملاک‌های دنیای ممدوح ب. عمل جامع به دین، تنها راه دست‌یابی به دنیای ممدوح	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	دنیا شناسی (۲) (شناخت دنیاى ممدوح)	الف. ترسیم دنیای ممدوح در حیطه‌های علمی، خانوادگی و مسئولیت‌های اجتماعی و ذکر مصادیق در سیره اولیا ب. ترسیم دنیای ممدوح در حیطه‌های سیاسی و اقتصادی و ذکر مصادیق در سیره اولیا	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	دنیا شناسی (۳) (شناخت دنیاى مذموم)	الف. ملاک‌های دنیای مذموم ب. راهکارهای عدم ابتلا به دنیای مذموم	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	دنیا شناسی (۴) (شناخت دنیاى مذموم)	الف. ترسیم دنیای مذموم در حیطه‌های علمی، خانوادگی و مسئولیت‌های اجتماعی و بیان عبرت‌ها ب. ترسیم دنیای مذموم در حیطه‌های سیاسی و اقتصادی و بیان عبرت‌ها	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال ششم: آراستگی

هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	حلم و سعه صدر	الف. اهمیت حلم و سعه صدر به ویژه برای عالمان دینی ب. راهکارهای تقویت حلم و سعه صدر ج. حلم و سعه صدر در سیره اولیا	۱. درس اخلاق یا سخنرانی مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	مهارت‌های زندگی (۱)	الف. تبیین ازدواج صحیح و پیش‌نیازهای لازم آن ب. راهکارها و موانع تحقق ازدواج صحیح	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	مهارت‌های زندگی (۲)	مهارت همسرداری و راهکارها و موانع تحقق آن	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	مهارت‌های زندگی (۳)	مهارت تربیت فرزند و راهکارها و موانع تحقق آن	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	حسن ظن به خدا و دیگران	۵. حسن ظن به خدا و دیگران الف. اهمیت و جایگاه حسن ظن در آیات و روایات ب. پیامدها و آثار سوء سوء ظن ج. راهکارها و موانع تحقق حسن ظن د. حسن ظن در سیره اولیا	۱. درس اخلاق یا سخنرانی هیأت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	ساده زیستی و قناعت	ف. معنای ساده‌زیستی و قناعت و تطبیق آن به موارد محل ایستادگی ب. اهمیت و آثار ساده‌زیستی و قناعت به ویژه برای عالمان دینی ج. عوامل و موانع ساده‌زیستی و قناعت د. ساده‌زیستی و قناعت در سیره معصومان و اولیا	۱. صحبت استاد (گده) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	اهتمام به قداست و شئون روحانیت و زی طلبگی	الف. ترسیم وظایف، شئونات و امور مربوط به زی طلبگی و روحانیت ب. راهکارها تحقق و پاسداشت از قداست و شئون روحانیت و زی طلبگی	۱. سخنرانی و پرسش و پاسخ معاون تهذیب یا مدیر یا مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	اخلاق و تدبیر معیشت (۱)	الف. اهمیت رزق حلال و تاثیر آن در حیات طیبه ب. تبیین جایگاه معیشت در زندگی طلبگی	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۹	اخلاق و تدبیر معیشت (۲)	الف. راهکارها و موانع جمع بین وظایف طلبگی و تدبیر معیشت ب. تدبیر صحیح معیشت در سیره معصومان علیهم السلام و اولیا	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۱۰	استغفار (تحمل فحرو سختی های زندگی طلبگی)	الف. ترسیم صحیح از معنای استغفار ب. راهکارهای تقویت استغفار ج. استغفار در سیره علما مدیر یا مشاور	۱. سخنرانی معاون تهذیب یا مدیر یا مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال ششم: پیراستگی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	حب دنیا	الف. پیامدها و آثار سوء حب دنیا در آیات و روایات به ویژه کلام امیرمؤمنان علی <small>علیه السلام</small> ب. علائم و زمینه‌های حب دنیا ج. راهکارهای مقابله با حب دنیا	۱. هیأت (سخنرانی) ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	عجب	الف. معنای عجب و علائم، زمینه‌های آن ب. پیامدها و آثار سوء عجب ج. راهکارهای پیشگیری و علاج عجب	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	حرص	الف. پیامدها و آثار سوء حرص ب. راهکارهای مقابله با حرص	۱. سخنرانی مدیر ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	لجاجت	الف. پیامدها و آثار سوء لجاجت ب. زمینه‌های لجاجت ج. راهکارهای مقابله با لجاجت	۱. سخنرانی مشاور ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	مدیریت رسانه و آسیب‌های آن (۶)	الف. شناخت اجمالی رسانه ب. فوائد و آسیب‌های رسانه ج. آسیب‌های رسانه در حیطه خانوادگی و بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های آن د. مدیریت، پیشگیری و علاج آسیب‌های رسانه نسبت به خانواده	۱. کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب به صورت کارگاهی ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

سال ششم: عمومی			
هفته	موضوع	ریز موضوعات	راهکار اجرایی پیشنهادی
۱	نماز (۱۱): عوامل و پیامدهای کاهلی در نماز	الف. عوامل کاهلی در نماز ب. پیامدها و آثار سوء کاهلی در نماز به لحاظ تربیتی ج. آثار و برکات محافظت و مراقبت بر نماز	۱. سخنرانی امام جماعت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۲	انس با قرآن و ادعیه (۱۱): مراتب انس با ادعیه (۶): آشنایی و شناخت با زیارت عاشورا	الف. اهمیت زیارت عاشورا ب. ترسیم ساختار و تبیین کلی مضامین زیارت عاشورا	۱. صحبت استاد در کلاس درس ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۳	سرخیزی (۱۱): سرخیزی در سیره معصومان (علیهم السلام) و اولیاء (۲)	الف. مراقبت علما نسبت به نکات مهم و مورد تاکید معصومان (علیهم السلام) در سرخیزی ب. بیان مصادیق از سیره علما در سرخیزی	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۴	بصیرت‌افزایی (۱۱): دشمن‌شناسی	الف. ضرورت شناخت دشمن ب. ملاک‌های تشخیص دشمن و تطبیق آن در هر عصر و زمان ج. روش‌های دشمنی و راهکارهای مقابله با آن	۱. سخنرانی کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب یا هیأت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۵	نماز (۱۲): بیان مصادیق کاهلی در نماز و رفع آن	الف. ذکر مصادیق کاهلی و عدم محافظت بر نماز ب. راهکارهای مقابله با مصادیق کاهلی در نماز	۱. سخنرانی امام جماعت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۶	انس با قرآن و ادعیه (۱۲): مراتب انس با ادعیه (۷): حفظ ادعیه	الف. اهمیت حفظ ادعیه و تاثیر آن در انس با ادعیه ب. آثار حفظ ادعیه	۱. صحبت استاد در کلاس درس ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۷	سرخیزی (۱۲): سرخیزی در سیره معصومان (علیهم السلام) و اولیاء (۳)	الف. مراقبت مجاهدان و شهدا نسبت به نکات مهم و مورد تاکید معصومان (علیهم السلام) در سرخیزی ب. بیان مصادیق از سیره مجاهدان و شهدا در سرخیزی	۱. درس اخلاق ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)
۸	بصیرت‌افزایی (۱۲): آشنایی با شبهات و تسلط در پاسخگویی به آن	الف. راهکارهای سلبی و ایجابی پیشگیری از آثار سوء شبهات ب. روش صحیح مقابله با شبهات	۱. سخنرانی کارشناس دعوت شده از سوی معاونت تهذیب یا بسیج یا هیأت ۲. تابلو (آیات و روایات، کلام بزرگان، حکایات)

تذکر:

لازم به ذکر است این برنامه ویرایش سوم از برنامه جامع تهذیبی و تربیتی می‌باشد که برای سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۹ مدارس سطح یک آماده شده و موضوعات، ریز موضوعات و راهکارهای اجرایی پیشنهادی این جدول‌ها پیوسته در حال بازنگری، به‌روزرسانی و تکمیل می‌باشد.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی و عربی:

- قرآن کریم.
 - نهج البلاغه.
 - صحیفه سجادیه.
 - مفاتیح الجنان.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، تصحیح جمال الدین میردامادی؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
 ۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)؛ اسرار التوحید یا شرح و ترجمه کتاب توحید؛ ترجمه محمد علی اردکانی؛ بی جا، نور، ۱۳۳۷.
 ۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)؛ أمالی؛ ترجمه محمد باقر کمره‌ای؛ بی جا، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲.
 ۴. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)؛ خصال؛ بی جا، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۵ ق.
 ۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول عن آل الرسول؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
 ۶. اربلی، علی بن عیسی؛ کشف الغمه فی معرفه الائمه؛ ترجمه علی زواره‌ای؛ تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴.
 ۷. ازهری، محمد بن احمد؛ معجم تهذیب اللغة؛ [بی جا]، دارالمعرفه، ۱۴۲۲ ق.
 ۸. اسلامی، محمد تقی و احمد دبیری و مهدی علیزاده؛ اخلاق کاربردی؛ چالش‌ها

- و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۹. اسماعیلی یزدی، عباس؛ فرهنگ تربیت؛ قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵، چاپ دوم.
۱۰. اعرافی، علیرضا؛ درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲)؛ تهران: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲.
۱۱. آقاجمال خوانساری، محمدبن حسین؛ شرح غررالحکم و دررالکلم؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۲. انواری، حسین؛ فرهنگ بزرگ سخن؛ تهران: سخن، ۱۳۸۲.
۱۳. باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی؛ تهران: نشر مدرسه، ۱۳۸۳-۱۳۸۴.
۱۴. برخوردار فرید، شاکر؛ آداب الطلاب (سلسله درس‌های مرحوم آیت‌الله مجتهدی تهرانی)؛ تهران: لاهوت، ۱۳۹۳.
۱۵. برخوردار فرید، شاکر؛ آفات الطلاب (سلسله درس‌های مرحوم آیت‌الله مجتهدی تهرانی)؛ تهران: لاهوت، ۱۳۸۷.
۱۶. بهشتی، محمد؛ «مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه قرآن»؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۷. بیهقی، احمدبن حسین؛ شعب الایمان؛ بی‌جا، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۱۸. پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه؛ بی‌جا، جاویدان، ۱۳۶۴.
۱۹. پیش‌نویس سند چشم‌انداز حوزه علمیه، تهیه و تنظیم دفتر برنامه‌ریزی و نظارت مرکز مدیریت و شورای عالی حوزه‌های علمیه، دی ماه ۱۳۸۷.
۲۰. تدوین گروهی، فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران: گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش؛ تهران: ۱۳۸۷، ویرایش دهم.
۲۱. تیممی‌آمدی، عبدالواحد؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم، تحقیق مصطفی درایتی؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۴.
۲۲. جبران مسعود؛ فرهنگ الفبایی الرائد؛ (ترجمه رضا انزابی نژاد)؛ مشهد: به‌نشر، ۱۳۸۴.

۲۳. جزوه کلیات و ساختار نظام‌نامه؛ دفتر مطالعات راهبردی (مصوب شورای عالی حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۱/۴/۳، شماره مصوبه ۸۵۸).
۲۴. جعفری، محمدتقی؛ شناخت از دیدگاه علمی و از دیدگاه قرآن؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
۲۵. جمعی از پژوهشگران؛ درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲): اهداف تربیت از دیدگاه اسلام؛ تهران: سمت، ۱۳۸۷.
۲۶. جمعی از نویسندگان؛ همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
۲۷. جوادی آملی، عبدالله؛ شناخت شناسی در قرآن؛ قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۷۰.
۲۸. حداد عادل، غلامعلی؛ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: سروش، ۱۳۵۹.
۲۹. حر عاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.
۳۰. حسین‌خانی، هادی؛ روش تربیتی تحمیل بر نفس در منابع اسلامی؛ قم: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۳.
۳۱. حسین‌خانی، هادی؛ نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه؛ قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۵.
۳۲. حوزه و روحانیت از نگاه مقام معظم رهبری، تهران: انقلاب اسلامی (مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، حفظ نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی)، ۱۳۸۹.
۳۳. خمینی، روح‌الله؛ آداب الصلوة؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی H، چاپ ۱۳۹۴، ۲۲.
۳۴. خمینی، روح‌الله؛ جهاد اکبر یا مبارزه با نفس؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام؛ ۱۳۷۳.
۳۵. خمینی، روح‌الله؛ چهل حدیث؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی H، ۱۳۹۴.
۳۶. خمینی، روح‌الله؛ ره عشق؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۶۹.

۳۷. خمینی، روح‌الله؛ صحیفه امام؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۷۹.
۳۸. خمینی، روح‌الله؛ صحیفه نور؛ تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
۳۹. داودی، محمد؛ سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام؛ تربیت اخلاقی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۴۰. دفتر امور خانواده معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه، کتاب برنامه تعالی: مجموعه طرح‌ها و برنامه‌های تربیتی فرهنگی خانواده (ویژه خانواده حوزویان)؛ ۱۳۹۲.
۴۱. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ سیری در تربیت اسلامی؛ تهران: ذکر، ۱۳۷۷.
۴۲. دهخدا، علی اکبر؛ لغت‌نامه دهخدا؛ تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، بی‌تا.
۴۳. دیلمی، حسین بن محمد؛ إرشاد القلوب فی الحکم و المواعظ؛ بی‌جا، بی‌نام، ۱۳۷۰ ق.
۴۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی الفاظ القرآن؛ بی‌جا، سبحان، ۱۳۸۵.
۴۵. رخشاد، محمد حسین؛ در محضر حضرت آیت‌الله بهجت؛ قم: مؤسسه فرهنگی سما، ۱۳۸۲.
۴۶. رهبر، محمد تقی و محمد حسن رحیمیان؛ اخلاق و تربیت اسلامی؛ تهران: سمت، ۱۳۸۵.
۴۷. زاهدی، شمس السادات؛ تجزیه و طراحی سیستم‌ها (مبانی سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت)؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۶.
۴۸. ساعی، سید مهدی (تهیه و تنظیم)؛ به سوی محبوب: دستورالعمل‌ها و رهنمودهایی از حضرت آیه‌الله بهجت رحمته‌الله؛ قم: دفتر آیت‌الله بهجت، ۱۳۸۶.
۴۹. سبزواری، محمد بن محمد؛ جامع الأخبار؛ [بی‌جا]، مطبعه الحیدریه، بی‌تا.
۵۰. شریعتمداری، علی؛ اصول و فلسفه تعلیم و تربیت؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۱.
۵۱. شریعتمداری، علی؛ جامعه و تعلیم و تربیت؛ مبانی تربیت جدید؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۴.
۵۲. شریفی، احمد حسین؛ همیشه بهار؛ قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۹۱.
۵۳. شعبانی، حسن؛ مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)؛ تهران: سمت، ۱۳۷۶.
۵۴. شکوهی، غلامحسین؛ تعلیم و تربیت و مراحل آن؛ مشهد: به‌نشر، ۱۳۸۷.

۵۵. شهیدثانی، زین‌الدین بن علی؛ منیة المرید فی آداب المفید و المستفید؛ تصحیح و تحقیق رضا مختاری؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۵۶. شیخ مفید، محمد بن محمد؛ الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد؛ ترجمه هاشم رسولی؛ قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۵۷. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم؛ شرح اصول کافی؛ تصحیح محمد خواجوی؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳.
۵۸. طباطبایی، سید محمد حسین، بدایة الحکمه؛ قم: مؤسسه نشر آثار اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۵۹. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
۶۰. طباطبایی، سید محمد حسین؛ سنن النبی؛ ترجمه علی حسینی؛ تهران: اندیشه مولانا، ۱۳۹۰.
۶۱. طباطبایی، سید محمد حسین؛ مجموعه رسائل؛ به کوشش سید هادی خسروشاهی؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۶۲. طبرسی، علی بن حسن؛ مشکاة الانوار فی غرر الاخبار؛ بی جا، دارالثقلین، ۱۳۷۸۰.
۶۳. طبرسی، علی بن حسن؛ مکارم الاخلاق؛ قم: شریف رضی، ۱۳۷۰.
۶۴. طوسی، خواجه نصیرالدین محمد؛ اخلاق ناصری؛ تهران: خوارزمی، ۱۳۵۶.
۶۵. عالم‌زاده نوری، محمد؛ سیمای آرمانی طلبه در نگاه مقام معظم رهبری؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۶۶. عالم‌زاده نوری، محمد؛ لباس روحانیت، چراها و بایدها؛ قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۶.
۶۷. علیزاده، مهدی؛ محمد تقی اسلامی، احمد دبیری و عباس جباری مقدم؛ اخلاق کاربردی (چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی)؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰.
۶۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد؛ روضه الواعظین؛ قم: کتاب فروشی مصطفوی، ۱۳۷۷ ق.
۶۹. فتحعلی خانی، محمد؛ آموزه‌های بنیادین علم اخلاق؛ قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۹.
۷۰. فراهیدی، احمد بن خلیل؛ العین؛ بی جا: دارالهجره، ۱۴۰۵ ق.
۷۱. فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران: گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری سند

ملی آموزش و پرورش.

۷۲. فیض کاشانی، ملامحسن؛ المحجبه البيضاء فی تهذیب الاحیاء؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.

۷۳. فیضی تبریزی، کریم؛ جاودان اندیشه؛ قم: تهذیب، ۱۳۸۰.

۷۴. فیومی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی؛ بی‌جا، دارالهجره، ۱۴۰۵ق.

۷۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری؛ بی‌جا، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰.

۷۶. کشی، محمد بن عمر؛ معرفه اخبار الرجال؛ بی‌جا، المطبعه المصطفویه، ۱۳۱۷ق.

۷۷. گروه نویسندگان، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.

۷۸. گروهی از پژوهشگران؛ نظام تربیتی بسیجیان؛ مؤسسه فرهنگی سبیل السلام، ۱۳۹۱.

۷۹. گروهی از نویسندگان؛ زیر نظر آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی؛ فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی؛ تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، ۱۳۹۰.

۸۰. گزارش یافته‌های پژوهش در مورد داوطلبان ورود به حوزه‌های علمیه؛ قم: دبیرخانه شورای عالی حوزه، چاپ داخلی.

۸۱. اللیثی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ؛ به کوشش حسین حسینی بیرجندی؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶.

۸۲. متقی الهندی، علی بن حسام الدین؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال؛ بی‌جا، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ق.

۸۳. مجتوبی، جلال الدین؛ علم اخلاق اسلامی، ترجمه جامع السعادات؛ بی‌جا، حکمت، ۱۳۶۶.

۸۴. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ بی‌جا، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.

۸۵. مجلسی، محمد باقر؛ زاد المعاد؛ بی‌جا، اسلامی، ۱۳۷۸ق.

۸۶. محمدی ریشه‌ری، محمد؛ میزان الحکمه؛ ترجمه حمیدرضا شیخی؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۷۷.

۸۷. مختاری، رضا؛ سیمای فرزندگان؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
۸۸. مرتضی الزبیدی، محمد بن محمد؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ بیروت: دارالفکر، بی تا.
۸۹. مرکز تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه؛ اخلاق اسلامی (جلد اول، آداب بندگی)؛ قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۴.
۹۰. مسکویه رازی، احمد بن احمد؛ تهذیب الاخلاق؛ قم: طلیعه النور، ۱۴۲۶ ق.
۹۱. مشکینی، علی؛ مصطلحات الفقه؛ تحقیق حمید احمدی جلفایی؛ قم: مؤسسه دارالحديث، ۱۴۳۴ ق.
۹۲. مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة؛ ترجمه حسن مصطفوی؛ تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۴۰۱ ق.
۹۳. مصباح یزدی، علی و دیگران؛ روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سمت، ۱۳۷۴.
۹۴. مصباح یزدی، محمدتقی؛ اخلاق در قرآن؛ نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۷۷.
۹۵. مصباح یزدی، محمدتقی؛ به سوی خودسازی؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۸۰.
۹۶. مصباح یزدی، محمدتقی؛ معارف قرآن (خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی)؛ قم: در راه حق، ۱۳۶۷.
۹۷. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۹۸. مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن، ج ۱۱؛ تهران: سروش، ۱۳۷۱.
۹۹. مطهری، جاذبه و دافعه علی رضی الله عنه، تهران: آدینه سبز، ۱۳۸۹.
۱۰۰. مطهری، مرتضی؛ اسلام و مقتضیات زمان؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۵.
۱۰۱. مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ تهران: صدرا، ۱۳۶۸.
۱۰۲. مطهری، مرتضی؛ فطرت؛ تهران: صدرا، ۱۳۶۹.

۱۰۳. مطهری، مرتضی؛ فلسفه اخلاق؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۴.
۱۰۴. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران: صدرا، ۱۳۶۸.
۱۰۵. معاونت فرهنگی و تربیتی جامعه المصطفی العالمیه؛ نظام‌نامه تربیتی (چاپ محدود و داخلی)؛ بی‌جا، بی‌تا.
۱۰۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۱۰۷. مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام قرآن؛ قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین، ۱۳۶۷.
۱۰۸. نراقی، ملامهدی؛ جامع السعادات؛ ترجمه کریم فیض؛ قم: قائم آل محمد علیهم‌السلام، ۱۳۹۰.
۱۰۹. وافی، علی؛ نسیم هدایت (رهنمودهای بزرگان به طلاب جوان)؛ قم: شفق، ۱۳۸۸.
۱۱۰. ورام، مسعود بن عیسی؛ تنبیه الخواطر و نزهه النواظر؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶.

ب. مجلات و نشریات

۱۱۱. اصغری، موانع تربیت دینی از دیدگاه قرآن، فصل‌نامه راه تربیت، شماره ۱۳، ۱۳۸۹.
۱۱۲. افخمی اردکانی، محمد علی؛ تبیین روش‌های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه؛ فصل‌نامه نهج البلاغه؛ شماره ۲۱ و ۲۲، بهمن ۱۳۸۶.
۱۱۳. آقاتهرانی، مرتضی؛ مقاله «اهمال کاری؛ بررسی علل، راه کارها و درمان»، نشریه معرفت، شماره ۶۴.
۱۱۴. برنج‌کار، رضا و علی عباس‌آبادی؛ کاربست روش پرسش و پاسخ در تبیین عقاید؛ مجله حدیث اندیشه، سال نهم، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۱۱۵. حقانی زنجانی، حسین؛ نقش تقوا در رشد شخصیت انسان؛ مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)، شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۳۷۱.
۱۱۶. داودی، محمدرضا؛ امید و نقش تربیتی آن در زندگی انسان؛ ماهنامه معرفت، شماره ۸۱.
۱۱۷. زهره کاشانی، علی‌اکبر؛ مقاله «اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات»؛ اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

۱۱۸. ساجدی، اکبر؛ روش‌های گزینش و تربیت طلبه موفق در گفت‌و شنود با استاد حاج شیخ عبدالمجید بنابی؛ پگاه حوزه، بهمن ۱۳۸۱، شماره ۴.
۱۱۹. ساورسغلی، محمد ابراهیم؛ بایسته‌های حوزه و روحانیت از دیدگاه مقام معظم رهبری؛ حبل‌المتین، دوره اول، شماره اول، ۱۳۹۱.
۱۲۰. شاملی، عباس علی؛ مقاله «در تکاپوی رسیدن به مدلی از تربیت اخلاقی در اسلام»؛ مجله تربیت اسلامی، شماره ۲، ۱۳۷۹.
۱۲۱. عابدی، لطف علی؛ مقاله «اصول تربیت در اسلام (با تکیه بر قرآن کریم)»؛ فصل‌نامه مصباح، شماره ۳۶.
۱۲۲. عبادی، اصول تربیت در اسلام (با تکیه بر قرآن کریم)، فصل‌نامه مصباح، شماره ۳۶.
۱۲۳. کبیری، زینب و حسن معلمی؛ مقاله «مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی»؛ فصل‌نامه معرفت اخلاقی، شماره ۱، ۱۳۸۸.
۱۲۴. کوهستانی، حسین علی؛ نقش مدیریت و تأثیر تربیتی آن از دیدگاه اسلام؛ مجله پیوند، شماره ۱۴۰، ۱۳۷۰.
۱۲۵. مشایخی، شهاب الدین؛ اصول تربیت از دیدگاه اسلام، مجله حوزه و دانشگاه، سال ۱۳۸۱، شماره ۳۲.
۱۲۶. ملکی، حسن؛ مقاله «اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری»؛ فصل‌نامه مصباح، شماره ۵۰.
۱۲۷. موسوی کاشمیری، سید مهدی؛ مقاله «روش‌های تربیت: رفق و مدارا»؛ نشریه پیام زن، شماره ۲۷۹، ۱۳۹۴.
۱۲۸. موسوی نسب، سید محمد رضا؛ ایمان و تأثیر آن بر مبادی رفتار؛ معرفت، سال پانزدهم، شماره ۱۰۴، ۱۳۸۵.
۱۲۹. نبوی، محمد حسن؛ «فرصت‌های تبلیغی را دریابیم: شیوه برگزاری جلسات پرسش و پاسخ»؛ نشریه مبلغان، شماره ۴۶، تاریخ: ۱۳۸۲.
۱۳۰. نشریه افق حوزه، ۲۲ آبان ۱۳۸۷، شماره ۲۰۷.

ج. سایت‌ها و پایگاه‌های اینترنتی:

۱۳۱. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع با شکوه طلاب در مدرسه فضیله قم، ۱۳۷۹.
۱۳۲. بیانات مقام معظم رهبری در جمع طلاب و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴.
۱۳۳. بیانات مقام معظم رهبری در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰.
۱۳۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی حوزه‌های علمیه، ۱۳۸۹/۰۸/۰۴.
۱۳۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹/۱۱/۰۴.
۱۳۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۹.
۱۳۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۲/۳/۲۶.
۱۳۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹.
۱۳۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون استان یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۲.
۱۴۰. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت نخست وزیر و هیأت وزیران، ۱۳۶۸/۳/۱۶.
۱۴۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۹/۲۳.
۱۴۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۲۱.
۱۴۳. پایگاه اطلاع‌رسانی سیره علما، شناسه مطلب: ۶۸۵۵، تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۷.
۱۴۴. روزنامه پزشکی ایران، خبر شماره ۳۴۸۸۳، مورخه ۱۳۹۲/۱/۲۴.
۱۴۵. عالم‌زاده نوری، محمد؛ «نقش تربیتی اساتید»؛ قم: سایت مدیریت مطالعات تربیتی و فرهنگی معاونت تهذیب، ۱۳۹۳.
۱۴۶. مصباح‌یزدی، محمدتقی؛ مقاله «مبانی و اصول تعلیم و تربیت»؛ پایگاه اطلاع‌رسانی آثار حضرت آیت الله مصباح‌یزدی، بخش مقالات.

۱۴۷. <http://hawzahbonab.com>.

۱۴۸. <http://khabarfarsi.com>.

۱۴۹. <http://varesoon.ir>.

۱۵۰. <http://www.bahjat.ir>.

۱۵۱. www.ghadeer.org.

۱۵۲. <http://mesbahyazdi.ir>.

۱۵۳. <http://www.farsnews.com>.

۱۵۴. www.iran.pezeshk.us.